

صاحب امتیاز: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

مدیر مسئول: کاظم جلالی

سر دبیر: حسن سبحانی

مدیر داخلی: سیدمحمد خوئی

اعضای هیئت تحریریه:

- ابراهیم بیگزاده (دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی)  
 سیدبهبزاد پورسید (استادیار پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)  
 فتح‌اله تازی (دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)  
 حسن سبحانی (استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران)  
 سعید سهراب‌پور (استاد دانشکده مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی شریف)  
 سیدمحمدرضا سیدنورانی (استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)  
 محمد قاسمی (استادیار پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)  
 ایروان مسعودی اصل (استادیار پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)  
 الیاس نادران (دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران)  
 محمدقلی یوسفی (استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)

داوران این شماره: توکل آقایی هیر، حسین آقایی جنت‌مکان، محمدمهدی اسماعیلی، اصغر افتخاری، رضا اکبریان، فرشته امین، محمدعلی توانا، ایرج تیموری، حمید جلالیان، محمدجعفر جوادی ارجمند، امیرمحمد حاجی یوسفی، اکبر حسن‌پور، محمدحسن حسینی، ناصر رحمدل، مهدیه رضاقلی‌زاده، حسن سبحانی، ابوالفضل شاه‌آبادی، علی‌اکبر عرب‌مازار، علی‌اکبر قلی‌زاده، اکبر کیانی، حسین محمودیان، مجید مداح، امیرحسین مزینی، سیدنظام‌الدین مکیان، سیدمسعود منوری، علی موحد، میثم موسایی، الیاس نادران، حسین نظم‌فر، نورمحمد نوروزی، محمدرضا نیله‌چی، سعید وثوقی، علی وطنی

این فصلنامه به استناد نامه شماره ۹۵۸-۳/۲۷ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۴ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارای درجه علمی پژوهشی است.

این فصلنامه در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)

مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

بانک اطلاعات نشریات کشور

پایگاه مجلات تخصصی نور

ویراستار: شیوا امین اسکندری

مترجم و ویراستار انگلیسی: سارا قاسمی نراقی

صفحه‌آرا: اکرم جدیدی

www.isc.gov.ir

www.sid.ir

www.magiran.com

www.noormags.ir

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی)، پلاک ۸۰۲

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵

دقت فصلنامه: ۰۲۱-۷۵۱۸۳۲۸۳

دورنگار: ۰۲۱-۷۵۱۸۳۱۸۶

امور مشترکین: ۰۲۱-۲۲۸۰۲۵۲۵ (داخلی ۲۰۳۵)

nashr.majles.ir

mrcmag@majlis.ir

rc.majlis.ir

## ویژگی‌های یک مقاله راهبردی علمی - پژوهشی

از منظر هیئت تحریریه فصلنامه مجلس و راهبرد، مقاله راهبردی علمی - پژوهشی حداقل یکی از ویژگی‌های ذیل را دارد:

۱. حاوی یافته‌های جدید علمی حاصل از طرح‌های پژوهشی، رساله‌های تحقیقاتی و سایر تولیدات پژوهشی اعم از پژوهش‌های بنیادی، کاربردی، توسعه‌ای، تحلیلی، انتقادی، نقد و بررسی علمی کتاب، همراه با ارائه نظریه یا روش جدید در راستای حل مسائل کشور با دو ویژگی اصالت و ابداع.

۲. دربردارنده تحلیل علمی از موضوع مورد تحقیق و ارائه راهکارهایی برای فائق آمدن بر مشکلات و کاهش آسیب‌ها و تهدیدهای ناشی از معضلات جامعه.

۳. دارای توصیه سیاستی روشن و دقیق درباره خلأها، ابهامات و تعارضات در حوزه‌های سیاستگذاری عمومی کشور و چالش‌های کلان فراروی آن و همچنین آینده‌نگاری برای تصمیم‌سازان ذی‌ربط.

۴. دارای مضامین و محتوای عمدتاً بین‌رشته‌ای با عنایت به مرتبط بودن وجوه متعدد مسائل و مشکلات با عرصه‌های مختلف داخلی و بین‌المللی حیات سیاسی کشور.

## فهرست مطالب

- تبیین سبب‌های اجتماعی-اقتصادی در شهرهای کوچک بارز و بکرد توسعه پایدار (نمونه: شهرهای کوچک شمال ایران) / ۵۱  
صادق بزگر، امیر بخشی و محمد تقی حیدر
- بررسی تاثیر ناپیوستگی توری بر نسبت فداکار در کشورها در حال توسعه / ۳۹  
محمد هم‌آرد، مجاد برنوردی و دودیش و محسن هم‌آرد و صوفیانی
- چالش‌ها و موانع در بهسازی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاور میانه / ۷۱  
فهی زار فغانی پیرسادی و محمد آرمیلی
- تبیین مدل مدیریت راهبردی پژوهش و فناوری در سازمان‌های حمایت‌کننده از پژوهش و فناوری، مطالعه موردی / ۱۰۷  
رسانا بنیام
- کفایت‌های جمعیتی در ایران: سیاست و بازتولید روستاها / ۱۳۷  
محمد جلیل عباسی شوناز و سید ذریع‌الاصباح
- تابایی بر حکایت قوانین کهن در زمانه، با تکیه بر احکام اجتماع / ۱۶۵  
محمد رضا عبدی، غلامحسین ابراهیم و سید ماسم، مرتضوی
- تحلیل فرا مایاتی در ایران، به روش شاخص چندگانه - علل چندگانه (MIMIC) / ۱۹۱  
مدینه رضایی نژاد، حمید آقایی و امیر حسین غالی
- پارادایم دینی (اسلامی) آموزش سیانت از منابع طبیعی / ۲۲۷  
علی اصغر قاسمی و منصور شادولی
- مدل راهبردی آموزش در سازمان‌های دانش‌بنیان، ایران: رویکرد تورس و ادوینا / ۲۵۱  
علی آرتشی، عباسی رستمی و حسین ابراهیم
- مشوق‌ها و موانع بازگشت به کشور: بررسی موردی متخصصان متقیم ایالت متحده آمریکا / ۲۸۹  
علی سعادی
- بررسی ارتباط پویا بین شهرک‌های صنعتی و شاخص ریسک کشور در ایران / ۳۲۵  
آرش رفاج کمریزد و سهراب در
- مدل‌های سیاسی-اجتماعی در ایران، معاصر چشم‌انداز نظریه آسیب‌شناسی مفهومی و انضمامی / ۳۵۷  
حاصل دلر، ملک بیچی سادگی و محمد توفیق رشک‌آبادی
- رتبه‌بندی استان‌های کشور بر اساس شاخص‌های توسعه و رفاه / ۳۸۱  
حسینی فری سجاد
- طراحی مدل راهبردی سیاست‌گذاری سلامت در جمهوری اسلامی ایران / ۴۰۹  
سید امیرحسین نورمحمدی



# تبیین پایداری اجتماعی - اقتصادی در شهرهای کوچک با رویکرد توسعه پایدار (نمونه: شهرهای کوچک شمال ایران)

صادق برزگر\*، امیر بخشی\*\* و محمدتقی حیدری\*\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۵	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۱۳
--------------------------	------------------------

امروزه با توجه به ویژگی‌های شهرنشینی و لزوم پایداری توسعه، تحلیل پایداری شهرها در کشور برای نیل به توسعه پایدار امری کلیدی است. با توجه به فقدان مطالعه‌ای مناسب از میزان پایداری در شهرهای کوچک منطقه شمال کشور، این پژوهش با طرح این مسئله شکل گرفته که میزان پایداری اجتماعی - اقتصادی این شهرها در منطقه شمال تا چه سطحی است. برای ارزیابی میزان پایداری از روش مدل بارومتر پایداری و رادار پایداری استفاده شد. جامعه آماری این تحقیق شامل شهرهای کوچک استان‌های گیلان، مازندران و گلستان می‌شود که جمعیتی بین ۱۰ تا ۵۰ هزار نفر دارند. از این رو خانوارهای شهری به روش «تصادفی سیستماتیک» و ۱۲ شهر به روش «تصادفی خوشه‌ای» انتخاب شده است. نتایج حاصله بیانگر اختلاف و فاصله زیاد شاخص‌های پایداری اجتماعی - اقتصادی شهرهای کوچک شمال کشور با سطح استاندارد آن است که بیشترین ناپایداری مربوط به مؤلفه‌های ثبات اقتصادی و کیفیت زندگی به ترتیب با ارزش ۰/۳۸۳ و ۰/۳۸۲ است. از این رو در امر سیاستگذاری برای پایداری ابعاد اجتماعی - اقتصادی، توجه به عواملی ضروری است که سبب افزایش کیفیت زندگی و رفاه اقتصادی در این شهرها می‌شود.

**کلیدواژه‌ها: توسعه پایدار؛ پایداری اجتماعی؛ پایداری اقتصادی؛ شهرهای کوچک؛ شمال ایران**

---

\* استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: barzegar62@pnu.ac.ir

Email: amirbakhshi@pnu.ac.ir

Email: th.heydari@ac.znu.ir

\*\* استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛

\*\*\* استادیار دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان؛

## مقدمه

توسعه پایدار حاصل رشد آگاهی در سطوح جهانی در مورد مسائل و موضوعات محیطی، اجتماعی، اقتصادی، فقر و نابرابری و نگرانی‌ها درباره یک آینده سالم برای بشر است. توسعه پایدار، این موضوعات (محیطی، اجتماعی و اقتصادی) را بسیار محکم به هم پیوند می‌دهد (Hopwood, Mellor and O' Brien, 2005: 38-39). در این خصوص، به علت افزایش بی‌رویه جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی در مراکز شهری، توسعه پایدار شهری جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است (Drakakis, 1995: 3). توسعه پایدار شهری امروزه به‌عنوان مفهومی بسط یافته و نهادینه شده، چارچوب کلی تحلیل وضعیت سکونتگاه‌ها را در اختیار دارد. بررسی مطالعات مختلف نشان می‌دهد که این رویکرد دارای توانمندی‌های زیادی در زمینه شناخت وضعیت و مسائل پیش روی شهرهاست. سکونتگاه‌های شهری به‌عنوان نظام جغرافیایی، متأثر از عوامل و نیروهای فضا‌ساز در فرایندی زمانی - مکانی به‌وجود آمده و همواره تحت تأثیر فرایندهای درونی و بیرونی (اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، محیطی - اکولوژیکی) در حال تغییر و تحول بوده‌اند. در این میان شهرهای کوچک هم به‌عنوان جزئی از نظام جغرافیایی که متشکل از اجزای مرتبط به هم هستند، متأثر از موقعیت و جایگاه مکانی - فضایی، نحوه تعامل یا ارتباط (ارتباط درونی و بیرونی) خود در گذر زمان، همواره دستخوش تحولاتی شده‌اند. هرچند روند شکل‌گیری و نحوه تکوین ساختاری - عملکردی شهرهای کوچک، در گذشته به‌صورت تدریجی بوده است، اما در دهه‌های اخیر سازمان‌یابی فضایی و عملکرد نظام سکونتگاهی این شهرها از یک طرف متأثر از تحولات اقتصادی - اجتماعی در نظام جهانی بوده و از طرف دیگر متأثر از سیاست‌ها و برنامه‌های دولت و سازمان‌های مختلف که برای توسعه آنها اتخاذ و اجرا شده، دستخوش تغییر و تحولات زیادی شده است. بی‌توجهی به نقش و اهمیت شهرهای کوچک و عدم شناخت صحیح جایگاه و پایگاه این شهرها باعث شده که امروزه سرمایه‌گذاری‌های مربوط به آنها بسیار کم صورت پذیرد که این خود مشکلات عدیده‌ای به‌ویژه ناپایداری این سکونتگاه‌ها را به دنبال داشته است (برزگر، ۱۳۹۳: ۷).

بنابر پیش‌بینی سازمان ملل، طی دهه‌های آینده بیشترین نرخ رشد شهرنشینی در شهرهای کوچک‌اندام روی خواهد داد (Cohen, 2005: 11). از این رو تدوین استراتژی توسعه پایدار

شهری برای این شهرها اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. اولاً دستیابی به توسعه پایدار شهری در شهرهای کوچک کمکی است شایان توجه به توسعه شهری پایدار در شهرهای بزرگ. ثانیاً پایداری توسعه در شهرهای کوچک می‌تواند گره کور بی‌تعادلی در نظام اسکان شهری را باز کند. لذا اهمیت و ضرورت پایداری شهرهای کوچک را می‌توان این‌گونه بیان کرد که پایداری توسعه در شهرهای کوچک‌اندام تضمین‌کننده پایداری توسعه در سطوح پایین نظام سکونتگاهی (روستاها و روستا - شهرها) و سطوح بالای این نظام (شهرهای میانه‌اندام و بزرگ) است (فنی و باقری، ۱۳۹۴: ۴۸).

توسعه پایدار شهرهای کوچک، روش مناسبی برای توسعه فضایی و ایجاد رشد اقتصادی و تعادل اجتماعی است و می‌تواند به‌عنوان راهبردی در مقابل رشد شهرهای بزرگ عمل کند (ضرابی، ۱۳۸۰: ۱۰). ولی به‌نظر می‌رسد چنین رشد و توسعه‌ای در صورتی شکل خواهد گرفت که خود این شهرها از درون دچار مشکلات شهرهای بزرگ در مقیاس خرد نباشند و فضای مناسب را برای نسل کنونی و آینده فراهم سازند. اما در سطح ملی آنچه بیش از هر مسئله دیگر در خصوص شهرهای کوچک باید مدنظر قرار گیرد، توجه به عدالت و برابری براساس شاخص‌ها و ابعاد توسعه پایدار شهری است. بنابراین با توجه به افزایش شهرهای کوچک و گسترش آنها، منطقی است که یک برنامه‌ریزی توسعه همه‌جانبه و متناسب با ساختار اجتماعی و اقتصادی شهرهای کوچک پیش‌بینی شود. شهرهای کوچک امروزی پایه‌گذار شهرهای بزرگ آینده خواهند بود که با پذیرش کارکردهای جدید و توسعه کارکردهای فعلی و گسترش فیزیکی در صورت عدم برنامه‌ریزی مناسب، به شهرهای بزرگ‌تر با مشکلات و محدودیت‌های گوناگون تبدیل می‌شوند. از این‌رو برنامه‌ریزی توسعه پایدار برای شهرهای کوچک به‌عنوان رویکردی جدید در حیطه مطالعات شهری وارد شده است. به‌دنبال رواج پارادایم پایداری شهرهای کوچک، این الگو در زمینه‌های مختلف مسائل شهری کاربست پیدا کرد و در قالب ترکیباتی چون پایداری زیست‌محیطی، پایداری اقتصادی، پایداری اجتماعی، پایداری کالبدی شکل یافت. در این راستا مفهوم پایداری اجتماعی - اقتصادی در چارچوب مبحث پایداری شهرهای کوچک، به‌دنبال تعادل و پویایی این سکونتگاه‌های کوچک در خصوص ساختارهای اجتماعی و اقتصادی آنهاست، به‌طوری‌که

متضمن پایداری سکونتگاه در روندهای مکانی - زمانی می‌شود (Bossel, 1999: 24). پس می‌توان آن را فرایندی از تغییر و تحولات، با هدف بهبود و ارتقای کمی و کیفی سطح زندگی جامعه ساکن در آن دانست؛ فرایندی که به ایجاد تعادل و پویایی حیات زیستی میان شهر و شهروندان آن می‌انجامد. علاوه بر این، پایداری اجتماعی این شهرها نیز به ظرفیت بازتولید آنها طی زمان در ابعاد مختلف طبیعی، فیزیکی و اقتصادی نیز بستگی دارد و به میزان زیادی بر پایه انعطاف‌پذیری، مشارکت، انسجام اجتماعی و تنوع اقتصادی است.

آنچه اکنون به‌عنوان مسئله اساسی در روند توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور ایران مطرح است، سرعت شتابان رشد شهرنشینی و هجوم مهاجران روستایی شهرهای کوچک و میانی به شهرهای بزرگ و تمرکز جمعیت و ایجاد ناهماهنگی بیشتر در توزیع جمعیت و فعالیت و تمرکز آن در شهرهای بزرگ و برهم خوردن تعادل نظام و شبکه شهری و پیدایش الگوی نخست شهری است که عمدتاً بر پایه تمرکز فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی در یک شبکه شهری بزرگ اتفاق می‌افتد (نظریان، ۱۳۸۶: ۳۷).

این ناهمگونی و تمرکزگرایی در نظام شهری شمال کشور با شدت بیشتری وجود دارد؛ چنانکه توزیع فضایی جمعیت در بین شهرها و طبقات شهری به شدت ناموزون است، شهرهای رشت، ساری و گرگان به تنهایی حدود ۴۰ درصد جمعیت شهری استان‌های شمالی کشور را در خود جای داده‌اند و در این میان شهرهای کوچک با ناکارآمدی بسیاری مواجه‌اند. در چاره‌جویی برای رفع این ناهمگونی‌ها، سیاست‌های ایجاد و تقویت شهرهای کوچک به‌عنوان رویکردی و راهبرد جدید در ایجاد یکپارچگی فضایی، رفع نابرابری‌های شهر - منطقه‌ای، کاهش نخست شهری، توزیع متعادل جمعیت و فعالیت و انتقال توسعه به نواحی اطراف در دستور کار دولت و برنامه‌ریزی‌های کشور قرار گرفت. اما در شمال کشور با وجود ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی خاص، اگرچه شهرهای کوچک عرصه بسیار مناسبی برای اهداف تعادل‌بخشی و توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای قلمداد می‌شوند، اما با وجود سهم بالای ۷۰ درصدی آنها از شمار شهرهای منطقه، در مقایسه با اندک شهرهای بزرگ و میانی نتوانسته‌اند در بارگذاری و توزیع متعادل جمعیت و ایجاد یکپارچگی پایدار فضایی منطقه نقش مطلوبی ایفا کنند و حتی خود نیز با ناپایداری و ناکارآمدی مواجه‌اند. چنانکه



مصادیق این ناپایداری و ناکارآمدی‌ها را در روند صعودی و افزایش شاخص نخست شهری در دوره‌های اخیر، مهاجرفرستی، نرخ بالای بیکاری و بار تکفل شغلی، نابرابری فرصت‌ها، دسترسی به خدمات، نیازهای اساسی و نظایر آن در شهرهای کوچک شمال کشور به‌روشنی قابل مشاهده است.

از این رو می‌توان گفت، در شرایط کنونی توجه به پایداری اجتماعی و اقتصادی در شهرهای کوچک، با در نظر گرفتن چالش‌ها و تنگناهایی که شهرها در این زمینه با آن مواجه‌اند، ضرورت بیشتری می‌یابد. شکاف‌ها و فواصل درون‌نسلی از یک سو و نابرابری‌های ناحیه‌ای و سکونتگاهی از سوی دیگر بیش‌ازپیش سکونتگاه‌های کوچک کشور و فرایند توسعه پایدار را در آنها متأثر ساخته و از این رهگذر ضرورت و اولویت توجه به پایداری اجتماعی و اقتصادی را در برنامه‌ریزی توسعه پایدار گوشزد می‌کند (توکلی، ۱۳۹۳: ۳)؛ برنامه‌ریزی که قبل از هر چیز مستلزم شناخت ناپایداری‌ها و میزان پایداری سکونتگاه‌های کوچک شهری است تا برپایه آن بتوان اقدام‌های هماهنگ و مناسب را در جهت پایداری آنها انجام داد.

بر این اساس پژوهش حاضر ضمن تأکید بر روابط متقابل همه ابعاد پایداری، بر ضرورت ارتقای شاخص‌های پایداری اجتماعی و اقتصادی شهرهای کوچک تأکید داشته و به تحلیل و تبیین این دو بعد در استان‌های شمالی کشور می‌پردازد. با توجه به مسائل پیش رو، در راستای خروج از فشارها و بحران‌های ناشی از ناپایداری شهرهای کوچک شمال کشور از منظر اجتماعی و اقتصادی، ابتدا باید ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و موانع رسیدن به پایداری شهرهای کوچک در منطقه شمال کشور مورد شناسایی، تحلیل و تبیین قرار گیرند تا در مراحل بعد، بتوان با برنامه‌ریزی دقیق، از این توان‌ها، برای پایداری شهرهای کوچک شمال کشور بهره جست.

## ۱. پیشینه پژوهش

اگرچه از طرح مباحث مربوط به پایداری در سطح مجامع بین‌المللی بیش از چند دهه نمی‌گذرد، اما در تاریخ همواره موضوع حفظ و نگهداری از جوامع برای نسل‌های آتی مطرح بوده است (تقی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۸۱). در ایران نیز همچون سایر کشورهای جهان،

به پایداری شهرها توجه شده و به تدریج در عرصه سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های مختلف و سایر مؤلفه‌های پایداری به‌عنوان مفهومی فراگیر و چندبعدی مورد عنایت بوده است. با بررسی منابع مختلف مربوط به موضوع تحقیق، می‌توان موارد زیر را به‌عنوان پیشینه پژوهش بیان کرد:

صفایی‌پور، مرادی منفرد و امیری (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «ارزیابی و اولویت‌بندی شاخص‌های توسعه پایدار شهری با استفاده از مدل تحلیل شبکه ANP، مورد شناسی: شهر زنجان»، به ارزیابی شاخص‌های توسعه پایدار شهری در این شهر پرداخته‌اند و در پایان راهکارهایی به منظور توسعه پایدار شهری ارائه کردند. نتایج پژوهش نشان داد که مناطق چهارگانه شهر زنجان از لحاظ میزان برخورداری از شاخص‌های منتخب توسعه، متفاوت بوده و بین شاخص‌های منتخب و روند توسعه پایدار در شهر زنجان رابطه معناداری وجود دارد. همچنین براساس یافته‌های پژوهش شاخص‌های اقتصادی بیشترین سهم را در توسعه پایدار شهری شهر زنجان ایفا می‌کنند.

ستارزاده بردسیری (۱۳۹۵)، در پایان‌نامه خود با عنوان «ارزیابی شاخص‌های توسعه محله‌ای با رویکرد توسعه پایدار در شهرهای کوچک، مطالعه موردی: شهر بردسیر» به ارزیابی شاخص‌های توسعه محله‌ای با رویکرد توسعه پایدار در شهر کوچک بردسیر پرداخته است. نتایج حاصل از تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد پایداری محله‌ها در همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیطی از نظر مردم مطلوب نیست. به طوری که مقدار محاسبه شده پایداری ۴۹/۲ درصد کمتر از حد مناسب است. از لحاظ شاخص‌های پایداری، تنها محله مخلص آباد وضعیت مناسب‌تری نسبت به سایر محله‌ها دارد.

شمایی و لطفی مقدم (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «بررسی شاخص سازگاری در برنامه‌ریزی کاربری زمین شهری به منظور پایداری اقتصادی شهر، مطالعه موردی: منطقه یک شهرداری تهران» به تحلیل وضعیت کاربری زمین شهری براساس شاخص سازگاری جهت دستیابی به پایداری اقتصادی در منطقه یک شهرداری تهران پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان داد، مکان‌یابی ۴۰ درصد کاربری‌ها در محدوده ۷۰۰ متری گسل قرار دارد و مخاطره‌آمیزند. ۲۰ درصد کاربری‌ها در شیب نامناسب و همچنین ۰/۳ درصد از کاربری‌های

منطقه از لحاظ شاخص‌های آلودگی زیست‌محیطی و مزاحمت، در وضعیت نامطلوبی قرار دارند و در مجموع وضعیت کنونی، ناپایداری اقتصادی شهری را به‌دنبال داشته است.

علی‌اکبری، طالشی و فرجی دارابخانی (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «استقرار متوازن و توسعه نامتوازن: تحلیلی بر نظام شهری غرب کلان منطقه زاگرس با تأکید بر ناپایداری و ناکارآمدی شهرهای کوچک» به این نتیجه رسیدند: روندهای شهرنشینی منطقه، تمرکزگرایی و قطبش بیشتر را موجب شده و شهرهای کوچک با وجود سهم ۴۰ درصدی، نه تنها نتوانسته‌اند یکپارچگی و تعادل فضایی را پس از ۳۵ سال بهبود بخشند، خود با ناپایداری و ناکارآمدی مواجه‌اند. این مسائل با نبود پیوندهای لازم بین طبقات شهری منطقه، موجب ناهمگونی، ناکارآمدی و تکامل نیافتگی نظام شهری آن شده است.

گنزالز گارسیا و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۸)، در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی پایداری شهرهای اسپانیا با توجه به شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی» به ارزیابی شاخص‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی در ۲۶ شهر اسپانیا پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد، با توجه به اهداف شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی، توجه به نرخ بیکاری و تعداد جرائم در شهرهای مورد مطالعه، باید در اولویت قرار گیرند. در عین حال، میزان مصرف برق، ضایعات جامد شهری و انتشار گازهای گلخانه‌ای در محل، از منظر زیست‌محیطی در شهرهای مورد مطالعه در سطح مطلوب است. این نتایج منافع بالقوه برای سیاستمداران، دولت‌ها و ساکنان را برای شناسایی جریان‌های متابولیک و شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی به منظور دستیابی به پایداری، بهینه می‌کند.

والتنبرگ، گنزالز و پزیکس<sup>۲</sup> (۲۰۱۳)، در پژوهشی با عنوان «انتخاب شاخص‌ها برای توسعه پایدار شهرهای کوچک نمونه: شهر والمیرا» به ضرورت و اهمیت انتخاب شاخص‌های توسعه پایدار شهرهای کوچک پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شاخص‌ها باید با اولویت‌های شهرهای کوچک مرتبط باشند و همچنین باید مسائلی که این شهرها در آینده با آن مواجه می‌شوند را هم در نظر گیرند. شاخص‌هایی درباره حمل‌ونقل

1. Gonzalez-Garcia and etal.

2. Valtenbergs, Gonzalez and Piziks

عمومی، دسترسی به خدمات در سطح محله مانند درمانگاه، بهداشت و سلامت، جای پای اکولوژیکی که برای توسعه و حل مشکلات این شهرها می‌بایستی به‌عنوان معیارهایی برای نظارت پیشرفت شهرهای کوچک در چارچوبی منظم عمل کنند، ارتقا یابند.

دمپسی، برون و براملی<sup>۱</sup> (۲۰۱۲)، در پژوهشی با عنوان «کلید توسعه شهری پایدار در شهرهای انگلستان، تأثیر تراکم بر پایداری اجتماعی» به این نتیجه رسیده‌اند که بین تراکم مسکونی و جنبه‌های پایداری اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد، به طوری که هرچه تراکم مسکونی بیشتر باشد به همان نسبت میزان پایداری شاخص‌های اجتماعی کاهش می‌یابد. تراکم محله‌ای یک اثر مثبت بر استفاده از خدمات محلی و تسهیلات دارد. ساکنان محله‌های پرتراکم‌تر تمایل بیشتری به استفاده از خدمات و تسهیلات محلی خود دارند نسبت به آنهایی که از تراکم کمتری برخوردارند.

## ۲. مبانی نظری

### ۲-۱. نظریه توسعه پایدار شهری

نظریه توسعه پایدار شهری، حاصل بحث‌های فراوان طرفداران محیط زیست در خصوص مسائل زیست‌محیطی، به‌ویژه محیط زیست شهری است که به‌دنبال نظریه «توسعه پایدار برای حمایت از منابع طبیعی» ارائه شد. در نظریه مذکور، بر نگهداری منابع برای حال و آینده از طریق استفاده بهینه از زمین و وارد آوردن کمترین ضایعات به منابع تجدیدناپذیر تأکید شده است. جلوگیری از آلودگی محیط شهری و ناحیه‌ای، کاهش ظرفیت‌های تولید محیط محلی، ناحیه‌ای و ملی، حمایت از بازیافت، عدم حمایت از توسعه‌های زیان‌آور و از بین بردن شکاف میان فقیر و غنی از مهم‌ترین مباحث این نظریه به‌شمار می‌روند (فنی و صارمی، ۱۳۹۲). همچنین راه رسیدن به این اهداف را برنامه‌ریزی‌های شهری - روستایی، ناحیه‌ای و ملی با تأکید بر کنترل کاربری‌ها و کنترل بیشتر در شهر و روستاها می‌دانند. این نظریه به‌مثابه دیدگاهی راهبردی به نقش دولت در این برنامه‌ریزی‌ها اهمیت بسیاری می‌دهد و معتقد است دولت‌ها باید

1. Dempsey, Brown and Bramely

از محیط زیست شهری حمایت همه‌جانبه‌ای کنند. توسعه شهری پایدار، سلامت اجتماعی و اکولوژیکی بلندمدت شهرها را بهبود می‌بخشد. بر این اساس محورهای اصلی پایداری شهری باید زمینه‌هایی از قبیل احیای سیستم‌های اکولوژی بومی و طبیعی، اقتصاد پایدار، کاربری فشرده با کارایی بیشتر، وسیله نقلیه شخصی کمتر، دسترسی آسان‌تر، استفاده درست از منابع، حفظ فرهنگ بومی و محلی، مشارکت مردمی و خودجوش، اکولوژی اجتماعی سالم، مسکن و محیط زندگی مناسب را دربرگیرد.

## ۲-۲. پایداری اقتصادی

اگر هدف توسعه پایدار را استفاده معقول و مناسب از منابع طبیعی بدانیم، بنابراین پدیده‌ای عمدتاً اقتصادی است، زیرا توزیع مناسب و عادلانه، مصرف عقلایی و بهینه از منابع مادی و طبیعی و کالاهای مورد نیاز زندگی و صرفه‌جویی در استفاده از منابع کمیاب زندگی مباحث مرتبط با بعد اقتصادی توسعه پایدار است و از آنجا که هدف توسعه پایدار توزیع برابر فرصت‌ها و برقراری عدالت بین‌نسلی در بهره‌برداری از منابع و عمدتاً با عوامل اقتصادی در ارتباط است؛ بر همین اساس پایداری در اقتصاد را می‌توان در ایجاد رشد عادلانه و متوازن جامعه انسانی و تضمین بهره‌مندی تک‌تک انسان‌ها در طول زمان، بدون وارد آوردن خدشه به منابع زیستی، طبیعی و فرهنگی تعریف کرد (جعفریان و عبدالحسین‌پور، ۱۳۸۵: ۵).

از این‌رو امروزه با روند نزولی وضعیت اقتصاد سکونتگاه‌های کوچک شهری، جابه‌جایی و مهاجرت‌های گسترده جمعیت این سکونتگاه‌ها به شهرهای بالادست، گسترش فقر و بیکاری، امنیت پایین غذایی، سطوح توزیعی نابرابر امکانات و مواردی از این دست (قدیری و ضیانوشین، ۱۳۸۹: ۲)، برنامه‌ریزی برای تقویت نظام اقتصاد شهرهای کوچک جهت دستیابی به توسعه پایدار شهری را لازم و ضروری می‌کند. در این راستا ارزیابی پایداری اقتصادی زمانی به اهداف خود دست می‌یابد که این فرایند در قالب چارچوبی نظام‌مند و جامع صورت گرفته و با ارائه ابزار و شاخص‌های هدفمند همراه باشد. در واقع پرداختن به موضوع مهم ارزیابی توسعه پایداری در شهرهای کوچک این امر را قادر خواهد ساخت تا با داشتن شناختی کافی از سرزمین مطالعه شده، بتوان به برنامه‌ریزی و مدیریت آن

پرداخت. بدون چنین شناختی، برنامه‌ریزی و مدیریت در جهت پارادایم فعلی توسعه، با دشواری روبه‌روست. در پژوهش حاضر پایداری اقتصادی شهرهای مورد مطالعه براساس عوامل رفاه اقتصادی (مانند بهره‌وری و کارایی)، عدالت اقتصادی (مانند رفع فقر و توزیع درآمد) و ثبات اقتصادی (مانند تنوع‌بخشی) بررسی خواهد شد.

### ۲-۳. پایداری اجتماعی

پایداری اجتماعی، مجموعه‌ای از اقدام‌ها و خط‌مشی‌هاست که هدف آن بهبود کیفیت زندگی و دسترسی عادلانه به توزیع حقوق و استفاده و تخصیص مناسب محیط طبیعی و مصنوع است. این امر دلالت بر بهبود شرایط زندگی محلی با کاهش فقر و افزایش رضایت‌مندی از نیازهای پایه دارد (Pacion, 2009: 607). پایداری اجتماعی زیر عنوان زندگی سالم، بارور و هماهنگ با طبیعت تعریف شده است (GTZ Project Office, 2004: 2). همچنین، اطمینان از «آینده‌ای بهتر برای همه» با تأکید بر نقش حیاتی آنان در مدیریت محیطی و توسعه از ارکان تعریف پایداری اجتماعی است (زال، ۱۳۸۶: ۲۱). مورفی در تعاریف خود از پایداری اجتماعی به چهار رکن اصلی اشاره می‌کند که عبارتند از: عدالت، مشارکت، آگاهی برای پایداری و همبستگی اجتماعی (Murphy, 2012: 8). از طرفی پایداری اجتماعی همان کیفیت جوامع<sup>۱</sup> و ماهیت روابط اجتماعی و به‌نوعی نشان‌دهنده روابط درونی جامعه است (Littig and Griessler, 2005: 65). به‌طور کلی پایداری اجتماعی در دو بعد مفهومی مورد توجه قرار گرفته است: عدالت اجتماعی که به توزیع عادلانه منابع و اجتناب از روش‌های انحصاری اشاره داشته و اجازه می‌دهد افراد یک جامعه به‌طور کامل در جامعه و مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی مشارکت داشته باشند که این امر ارتباط نزدیکی با مفهوم دوم یعنی عدالت محیطی پیدا می‌کند. درخصوص محیط ساخته شده، عدالت اجتماعی به‌معنای توجه به ماهیت و وسعت دسترسی به خدمات و امکاناتی است که در منطقه استقرار یافته است. بدین ترتیب، پایداری اجتماعی، شامل طیف وسیعی از رفتارهای اجتماعی، وجود تعامل میان ساکنان یک محله، وجود

مشارکت میان نهادهای رسمی و غیررسمی محلی، ثبات نسبی در جامعه که هر دو گروه ساکنان و غیرساکنان را دربرمی‌گیرد و سطحی از اعتماد را به وجود می‌آورد که حس مثبتی از هویت و غرور را در جامعه ایجاد می‌کند (Dempsey, Brown and Bramley, 2012: 94).

توسعه پایدار اجتماعی همانند توسعه پایدار جامعه انسانی، جنبه‌های محیطی، مادی، اجتماعی، اقتصادی، قانونی، فرهنگی، سیاسی و روان‌شناختی دارد که باید همه این جوانب مدنظر قرار گیرد (Bossel, 1999: 2). بسترسازی برای ظهور و بروز خلاقیت‌ها، بسیج آحاد مردم در راستای تأمین اهداف توسعه پایدار و نیز اطمینان از آینده‌ای بهتر برای همه با تأکید بر رفاه مردم بومی و نقش حیاتی آنها در مدیریت محیطی و توسعه از ارکان تعریف پایداری اجتماعی است (Moffatt, 1996: 66). اگرچه تعریفی شفاف از ارزیابی آثار اجتماعی در ادبیات پایداری وجود ندارد، اما معمولاً این نوع ارزیابی تلاشی نظام‌مند برای شناسایی، تحلیل و ارزیابی آثار اجتماعی پروژه‌ها یا سیاست‌ها بر افراد، گروه‌های مردمی و در مجموع بر کل اجتماع را شامل می‌شود (Brouwer and Ek, 2004: 2).

مفهوم پایداری اجتماعی در چارچوب مبحث پایداری شهرهای کوچک، بیانگر تعادل و پویایی این سکونتگاه‌های کوچک درخصوص ساختارهای اجتماعی و فرهنگی است، به‌طوری‌که متضمن پایداری سکونتگاه در روندهای مکانی - زمانی شود. پس می‌توان آن را فرایندی از تغییر و تحولات، با هدف بهبود و ارتقای کمی و کیفی ساختار اجتماعی این شهرها دانست. پژوهش حاضر نیز، پایداری اجتماعی شهرهای مورد مطالعه را براساس عواملی مانند سلامت و امنیت اجتماعی، کیفیت زندگی، مشارکت اجتماعی و دسترسی به زیرساخت‌های نهادی مورد بررسی قرار داده است.

#### ۴-۲. شهرهای کوچک و توسعه پایدار

در طول تاریخ بشری، عصر حاضر بیشترین بهره‌برداری محیطی را به‌دلیل تقاضا، عملکرد و توسعه شهرها و شهرنشینان به خود دیده است. شهرها و به‌طور عمده شهرهای بزرگ و متوسط (در مقیاس جمعیتی)، گرهگاه‌ها و کانون‌ها بیشترین برخورد و تأثیر را در طبیعت داشته‌اند و توسعه پایدار که به نحوی این ارتباط را تا حدی ناسالم زیر سؤال می‌برد، موضوع

تفکربرانگیز مباحث توسعه‌ای اخیر است. اغلب مباحث درباره توسعه پایدار این است که نیازهای موجود جامعه را بدون به خطر انداختن توانمندی‌های آتی برای رفع نیازهای بشری، برآورده می‌سازد.

چنانچه مطالعه و بررسی‌های محققان در کشورهای جهان نشان می‌دهد، شهرهای کوچک یکی از موفق‌ترین نمونه سکونتگاهی در زمینه تحقق توسعه پایدار هستند؛ چراکه با پایداری ساختار درونی در این شهرها می‌توانند به‌عنوان مراکز خدماتی برای شهرک‌ها و روستاهای اطراف خود، اغلب خصایص پایداری را نیز ارائه و انتقال دهند، هرچند در این کانون سکونتگاهی، شرایط محلی به‌طور چشمگیر تغییر می‌یابد.

بسیاری از شهرهای کوچک جهان، طی سال‌های اخیر رشد یافته‌اند و تقریباً از نظر زیست‌محیطی بسیار ایدئال به‌نظر می‌رسند؛ چراکه محیط زیستی نیمه‌روستایی و کوچک‌مقیاس با اقتصاد و شرایط اجتماعی رو به رشد و ترقی، با خدمات کافی برای تحقق درجه بالایی از خودتکایی و خودگردانی را ایجاد می‌کنند. در آینده‌ای نه‌چندان دور، شهرهای کوچک نیز از جوانب زیست‌محیطی، تحت فشارهای مختلفی قرار خواهند گرفت، مگر در صورتی که برنامه تمرکززدایی و پخش نیرو و امکانات از شهرهای بزرگ به‌سوی سطوح پایین‌تر و این شهرها، به‌طور قابل توجهی انجام شود (رهنمایی و شاه‌حسینی، ۱۳۸۸: ۲۴). یکی از نتایج رشد سریع برخی شهرهای کوچک، پدید آمدن مشکلات ترافیکی و حمل‌ونقل است؛ به‌این‌ترتیب، تقویت سیستم حمل‌ونقل عمومی شهر و در بعضی موارد، افزایش کلی در اندازه و وسعت شهر، به بهبود و پیشرفت تردد و حمل‌ونقل عمومی آن کمک خواهد کرد. بسیاری از این شهرها، مراکز و بناهای تاریخی دارند و تاجایی که باید معیار و ضوابط دستیابی به اهداف پایداری جهت حفظ و حراست آنها فراهم شود. شکی نیست که بسیاری از سنجه‌های پایداری، نظیر: پیاده‌روسازی، تنظیم موتور اتومبیل‌ها، انتقال منابع آلوده‌ساز به بیرون و تجدید حیات منابع کمیاب، قویاً حفظ و حراست از بناها و اماکن تاریخی را مساعد می‌کند. بدین‌ترتیب با تقویت ساختار درونی شهرهای کوچک و ایجاد زمینه‌های جاذبه در این شهرها می‌توان جمعیت را به‌سمت این گروه از شهرها کشانید و به‌نوعی، پایداری را در این شهرها تقویت کرد.



## ۵-۲. ضرورت‌های توجه به شهرهای کوچک در فرایند پایداری

تداوم روند شهرنشینی در ۵۰ سال گذشته باعث شده است که بیش از نیمی از جمعیت جهان هم‌اکنون در مناطق شهری زندگی کنند. از نظر تعداد مطلق جمعیت، ساکنان مناطق شهری بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۰ تقریباً چهار برابر (حدود ۷۳۴ میلیون نفر به ۲/۷۵۸ میلیارد نفر) شده است. به‌ویژه در دو دهه گذشته، جهانی شدن از طریق پیشرفت سیستم‌های حمل‌ونقل و ارتباطات این فرایند را تحریک کرده است و ازسویی وجود فضای سیاسی مناسب و مثبت نسبت به جهانی شدن، یک اقتصاد جهانی با سطوح بی‌سابقه‌ای از شهرنشینی و تعدد شهرها نسبت به گذشته را فراهم آورده است (Cohen, 1995). به‌طوری‌که پیش‌بینی شده است طی سال‌های آینده (۲۰۳۰-۲۰۱۵) جمعیت جهان با نرخ رشدی در حدود ۱/۸ درصد در سال افزایش یابد؛ یعنی چیزی در حدود دو برابر رشد مورد انتظار برای کل جمعیت جهان (تقریباً ۱ درصد در سال) که با این نرخ رشد، می‌توان انتظار داشت جمعیت شهری جهان طی ۲۸ سال دو برابر شود. جمعیت‌شناسان پیش‌بینی کرده‌اند که تا سال ۲۰۳۰ بیش از ۶۰ درصد از جمعیت جهان در مناطق شهری زندگی خواهند کرد. در واقع در آینده با یک سیاره شهری روبه‌رو خواهیم بود (Ibid.).

روی دیگر سکه شهرنشینی این است که چنین پدیده‌ای به شکل متوازن یا با توزیع یکسان جغرافیایی ظاهر نشده است و گرایش به قطبی شدن دارد. تمرکز فزاینده جمعیت در تجمع‌های شهری بزرگ، از دیگر تبعات فضایی این روند است که همکاری آشکاری با فرایند جهانی شدن اقتصاد دارد. چنین قطبی شدن و تمرکزگرایی جمعیت شهری، توازن نظام‌های اسکان را بر هم می‌زند و بازسازی نظام سکونتگاهی را ضروری می‌سازد. رشد سریع و کنترل نشده این تمرکزگرایی، تبعات اقتصادی، اجتماعی و کالبدی خاصی را به همراه داشته است (محمدزاده تیتکانلو، ۱۳۸۰: ۸۲). لذا رشد سریع شهرهای بزرگ به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، به ظهور مسائلی مانند کمبود واحدهای مسکونی، بالا بودن میزان بیکاری، مشکلات اقتصادی، فقر، حاشیه‌نشینی، آلودگی زیست‌محیطی و غیره منجر شده است. همین امر خود موجب نابرابری خدمات و امکانات و کم‌رنگ شدن عدالت اجتماعی در سطح منطقه‌ای و ملی شده است.

بر همین اساس، عده زیادی از محققان عقیده دارند که باید برنامه‌ریزی‌های توسعه براساس تأکید بر پویایی سکونتگاه‌های کوچک شهری انجام شوند، چراکه با وجود امکانات و خدمات مشابه در این شهرها از مهاجرت‌های بی‌رویه روستاییان به کلان‌شهرها در سطح منطقه‌ای جلوگیری خواهد شد و مهاجران، شهرهای کوچک و درجه دوم را برای زیست خود انتخاب می‌کنند. به هر حال، این شهرها نسبت به شهرهای بزرگ بار اقتصادی کمتری را بر خانوارها تحمیل می‌کنند و در مقابل انواع آلودگی‌هایی که در کلان‌شهرها به‌طور جدی وجود دارند، از مصونیت بیشتری برخوردارند. جذب مهاجران در شهرهای کوچک، با کند کردن روند افزایش جمعیت شهرهای بزرگ به تعدیل مسائل در این شهرها کمک فراوان می‌کند. از طرفی، تأمین امکانات لازم در این شهرها، سیستم سکونتگاهی کشورهای در حال توسعه را متعادل و متوازن می‌سازد و این سیستم در توسعه اجتماعی - اقتصادی ملی نقش اساسی دارد. در نتیجه بدین ترتیب روابط شهر و روستا در مسیر توسعه همه سکونتگاه‌ها گسترش می‌یابد و با این دگرگونی، پایگاه بخش کشاورزی در ناحیه نیز تقویت می‌شود (شکوهی، ۱۳۷۷: ۴۱۴). همچنین توسعه و تقویت شهرهای کوچک سیاستی است که با اهداف تمرکززدایی انطباق دارد و در درازمدت وضعیتی ایجاد می‌شود که توان فعالیت‌های تولیدی را درون این کانون‌ها تقویت می‌کند، این شهرها کل منطقه را تحت تأثیر عملکرد و نقش خود قرار می‌دهند و می‌توانند مجموعه عوامل لازم را برای شکوفایی مناطق پیرامونی خود فراهم سازند. این امر فقط با پیگیری تأمین امکانات زیربنایی، آموزشی و بهداشت و درمان در این شهرها تحقق‌پذیر خواهد بود. بنابراین کانون‌های کوچک شهری با توسعه متوازن و هماهنگ با شرایط محیطی خود، ضمن کاهش تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی درون منطقه‌ای، به تحقق عوامل و زمینه‌های توسعه پایدار می‌انجامد (رهنمایی و شاه‌حسینی، ۱۳۸۸: ۳۵).

## ۶-۲. سنجش پایداری

در عرصه سنجش پایداری، کارهای پژوهشی و اجرایی بسیاری در آن به انجام رسیده است. ابزارها و روش‌های مختلفی برای اندازه‌گیری پیشرفت به سمت توسعه پایدار طراحی شده‌اند، اما با وجود دیدگاه‌های متفاوت در مورد پایداری، نبود یک روش پذیرفته شده همگانی و

قابل کاربرد در همه مناطق و بخش‌ها، جای تعجب نیست (بل و مورس، ۱۳۸۶: ۳۰). اگر پایداری را از شرایط رفاه متداوم جامعه در نظر بگیریم، می‌توان گفت که در عصر مدرن؛ فرایند اندازه‌گیری از اواخر دهه ۱۹۴۰ شروع شد. آنجا که مدل‌های تولید ناخالص داخلی<sup>۱</sup> و تولید ناخالص ملی<sup>۲</sup> به‌عنوان شاخص کلی رفاه یک ملت مبنای قرار گرفت (Bossel, 1999) و البته با اعتراض‌های گسترده‌ای مواجه شد و تا به امروز نیز ادامه دارد که طرفداران اقتصاد اکولوژیک و رویکرد پایداری قوی در رأس آنها قرار دارند.

اسپانگنبرگ<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) معتقد است که از نقطه نظر علمی، مواردی مثل ابزار اندازه‌گیری جامع یا شاخص پایداری نمی‌تواند وجود داشته باشد (Kumar Singh and etal., 2009) وارهوست اندازه‌گیری توسعه پایدار را رویکردی دوحله‌ای<sup>۴</sup> در نظر می‌گیرد که در قدم اول پیشرفت‌های صورت گرفته را در زمینه‌های مشخص انتخاب کرده و توسط شاخص‌های توسعه پایدار اندازه‌گیری می‌شوند و در قدم دوم، پیشرفت‌های محقق شده در زمینه توسعه پایدار را از طریق ترکیب آنها و بررسی ارتباط متقابل بین آنها مورد ارزیابی قرار می‌دهد (Warhurst, 2002: 15). شاید مقبول‌ترین رهیافت برای اندازه‌گیری پایداری و توسعه پایدار، به‌کارگیری معرف‌ها و شاخص‌هاست (Bell and Morse, 2003: 16). اما مطابق با گفته‌های لانکروبیج کمپ<sup>۵</sup> در سال ۲۰۰۰، شاخص‌های موجود به‌طور کامل به تنهایی توان بازگویی همه‌چیز را در مورد پایداری ندارند، مگر آنکه یک ارزش مرجع همچون آستانه‌ها و اندازه‌های مشخصی برای هر شاخص وجود داشته باشد (یاری حصار، و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۹).

به‌طوری‌که هدف اندازه‌گیری یا سنجش پایداری، ارائه یک نمای کلی از وضعیت پایداری در سطح فضا است که می‌تواند به‌صورت یک طیف از پایداری کامل تا ناپایداری کامل امتداد یافته و در نهایت زمینه‌های شناسایی عوامل مؤثر بر پایداری را فراهم سازد (همان: ۶۸).

- 
1. Gross Domestic Product (GDP)
  2. Gross National Product (GNP)
  3. Spangenberg
  4. Two-step Approach
  5. Lankrobij Kamp

## ۲-۷. مدل‌های اندازه‌گیری پایداری بر مبنای شاخص‌ها

مدل‌های اندازه‌گیری پایداری از هنگام طرح نظریه توسعه پایدار و به‌ویژه شاخص‌های آن، زمینه بروز و ظهور یافته‌اند. برخی از مدل‌ها به گونه‌ای سازمان یافته‌اند که صرفاً به‌عنوان مدل اندازه‌گیری تلقی نمی‌شوند، بلکه بسته‌ای واحد با شاخص‌های تعریف شده‌اند که فرایند طراحی و اندازه‌گیری شاخص‌های پایداری را به‌طور هم‌زمان و توأمان در برداشته و به عبارتی امکان دخل و تصرف و جایگزینی در آنها وجود ندارد؛ چون نمی‌توان بدون شاخص در این زمینه اقدام کرد. افزون‌براین، با توجه به وسعت موضوع، تدوین رهیافت‌های جامع در کاربرد شاخص‌ها به چالشی قابل توجه تبدیل شده است. در حال حاضر روش‌های زیادی ابداع شده که به جنبه‌های متفاوتی از توسعه پایدار و سنجش پایداری اشاره دارند و به‌صورت تصویری کلی در کنار هم قرار می‌گیرند و بعضی دیگر هم به تبادله نظر درباره شاخص‌ها می‌پردازند.

یکی از مطالعات دقیق انجام گرفته در این زمینه تحقیق باسل (۱۹۹۹) است. وی پنج مدل برای ارزیابی و سنجش پایداری بر اساس شاخص‌ها و معرف‌ها ارائه کرده که عبارتند از: ۱. جای پای اکولوژی،<sup>۱</sup> ۲. میزان سنج یا بارومتر پایداری،<sup>۲</sup> ۳. انتخاب ویژه یا آزمون و خطای معرف‌ها،<sup>۳</sup> ۴. چارچوب فشار - فشار - وضعیت موجود - واکنش،<sup>۴</sup> ۵. رویکرد اندام‌وار (Bossel, 1999: 13). افزون‌براین در فرایند تکاملی ادبیات پایداری، می‌توان به مدل‌های دیگری همانند رادار پایداری (کب و ب)، داشبورد پایداری، روش‌های تحلیل چندمعیاری و تاپسیس برای اندازه‌گیری و سنجش پایداری بر اساس شاخص‌های پایداری اشاره کرد. در پژوهش حاضر برای سنجش پایداری از مدل‌های میزان سنج یا بارومتر پایداری پرسکات آلن و رادار پایداری استفاده شده است.

**بارومتر پایداری:** هم‌زمان با تدوین شاخص‌های توسعه پایدار در آژانس ۲۱، کمیسیون ملل متحد<sup>۵</sup> فهرستی را شامل ۱۴۰ شاخص منتشر کرده که همه وجوه و ابعاد اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و نهادی را دربر گرفته است و به منظور اینکه هر دو بعد ترکیب‌های اجتماعی

- 
1. Ecological Footprint
  2. Barometr of Sustainability
  3. Pressure - state - action
  4. Systemic Approach
  5. Commission on Sustainable Development (CSD)

تبیین پایداری اجتماعی - اقتصادی در شهرهای کوچک با رویکرد توسعه پایدار ... \_\_\_\_\_ ۲۱

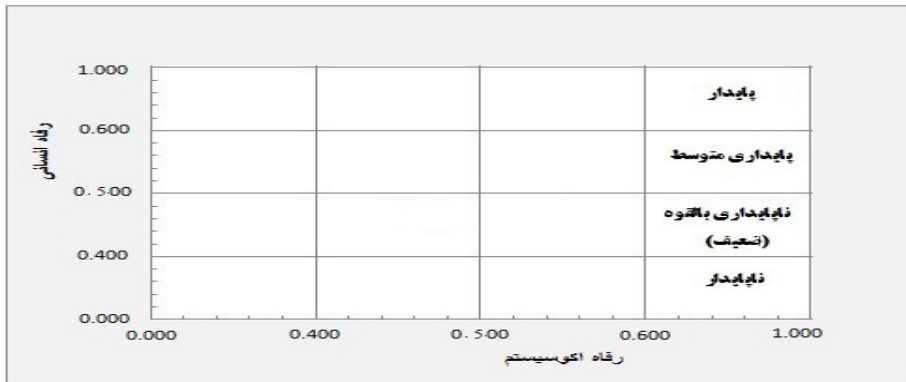
و زیست محیطی توسعه پایدار ارزیابی شود، بارومتر پایداری ارائه شده است که مرکب از دو عنصر اصلی به نام‌های رفاه اکوسیستم و رفاه انسانی است که هر دوی آنها باید برای رسیدن به شرایط پایداری ارتقا یابند (جداول ۱ و ۲) (Prescott Allen, 1995).

جدول ۱. طبقه‌بندی پایداری از دیدگاه پرسکات آلن

سطوح	حالت‌های پایداری	ارزش
اول	ناپایدار	۰-۳۹
دوم	ناپایداری بالقوه (ضعیف)	۴۰-۴۹
سوم	متوسط	۵۰-۵۹
چهارم	پایدار	۶۰-۱۰۰

Source: Prescott Allen, 1995.

جدول ۲. جدول بارومتر پایداری پرسکات آلن



Source: Ibid.

همان‌گونه که شکل ۱ نشان می‌دهد، پیش‌فرض اساسی این مدل تحت عنوان تخم مرغ رفاه آمده است که انسان به‌عنوان کانون یا زرده تخم مرغ توسط سفیده احاطه شده که در این مدل اکوسیستم است (Sors, 2001: 12).

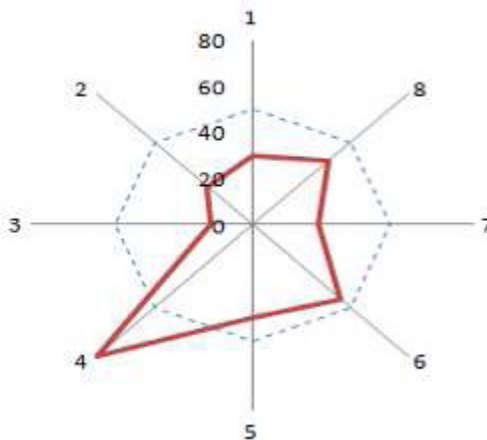
شکل ۱. تخم مرغ پایداری پوستات آلن

<p>اکوسیستم شرایط نامناسب با زویه زوال</p> <p>سیستم انسانی شرایط نامناسب با زویه زوال</p>	<p>اکوسیستم شرایط نامناسب با زویه زوال</p> <p>سیستم انسانی شرایط مناسب با زویه بهبود</p>	<p>اکوسیستم شرایط مناسب با زویه بهبود</p> <p>سیستم انسانی شرایط نامناسب با زویه زوال</p>	<p>اکوسیستم شرایط مناسب با زویه بهبود</p> <p>سیستم انسانی شرایط مناسب با زویه بهبود</p>
فضای ناپایدار	فضای ناپایدار	فضای ناپایدار	فضای پایدار

Source: Prescott Allen, 1995:49.

**مدل رادار:** این مدل به طور عام شامل یک چندضلعی است که از هر ضلع یک محور عمود بر مرکز آن امتداد یافته است. در مدل رادار به ازای هر شاخص، یک ضلع و یک محور وجود دارد و عملکرد یا شرایط اندازه گیری شده مرتبط با هر شاخص روی محورها مشخص شده و در نهایت نقاط مرتبط با شاخص ها به هم وصل خواهند شد (نمودار ۱).

نمودار ۱. رادار پایداری وانگ



Source: Wong, 2006: 90.

در مدل رادار، یک مبنای استاندارد وجود دارد که سایر شاخص‌ها براساس آن ارزیابی می‌شوند. این مبنا ارزش بهینه برای دستیابی به شرایط توسعه پایدار را نشان می‌دهد که نسبت ۱ یا ۱۰۰ است و در هر محور ارزش شاخص مورد نظر باید با این مبنا منطبق باشد. مدل همچنین توان یکپارچگی مجموعه‌ای از شاخص‌های مختلف و متنوع را با هم دارد (Wong, 2006: 90).

### ۳. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر برحسب نوع روش، توصیفی - تحلیلی و از لحاظ هدف، کاربردی است و گردآوری اطلاعات مبتنی بر روش‌های اسنادی (کتابخانه‌ای) و مشاهده (مطالعات میدانی) انجام شده است. در بخش تجزیه و تحلیل از مدل بارومتر پایداری و رادار پایداری مورد ارزیابی قرار گرفته است. در این راستا، ابتدا یک مدل سه سطحی از مؤلفه‌ها، معیارها و شاخص‌های مؤثر در توسعه پایدار شهرهای کوچک شمال کشور ارائه شد. گفتنی است، برای تعیین معیارها و شاخص‌های موجود در مدل، از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده و این معیارها و شاخص‌ها با توجه به نظرهای مختلف در زمینه توسعه پایدار شهری و بررسی تجارب جهان و ایران استخراج شده‌اند. برای انتخاب نهایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های پژوهش از روش دلفی و نظرسنجی از خبرگان استفاده شده است. از این رو، پرسشنامه‌ای طراحی و میان ۴۵ نفر از متخصصان و اساتید دانشگاهی توزیع و تکمیل شد.

علاوه بر داده‌هایی که با نظرسنجی از جامعه آماری و شهرهای نمونه از طریق پرسشنامه و مصاحبه صورت گرفت، اطلاعات برخی شاخص‌ها از طریق داده‌های رسمی از مراجع آماری به‌ویژه مرکز آمار کشور، طرح آمایش و گزارش اقتصادی - اجتماعی استان‌های گیلان، مازندران و گلستان تهیه شد و محدوده مکانی این تحقیق نیز مرزهای اداری - سیاسی این استان‌هاست. جامعه آماری این تحقیق همه شهرهای کوچک در این سه استان را شامل می‌شود که جمعیتی کمتر از ۵۰ هزار نفر دارند؛ اما از آنجا که بیشتر شهرهای کوچک ویژگی‌هایی مانند جمعیت زیر ۱۰ هزار نفر، ماهیت روستایی، نداشتن طرح‌های شهری و ناهمگونی ساختاری دارند و از سویی باید نمونه‌های مورد مطالعه ما، یکنواخت و یک‌دست باشند، جامعه نمونه از بین شهرهایی انتخاب شدند که براساس نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ جمعیتی بین ۱۰ تا ۵۰ هزار نفر داشته‌اند. تعداد کل شهرهای

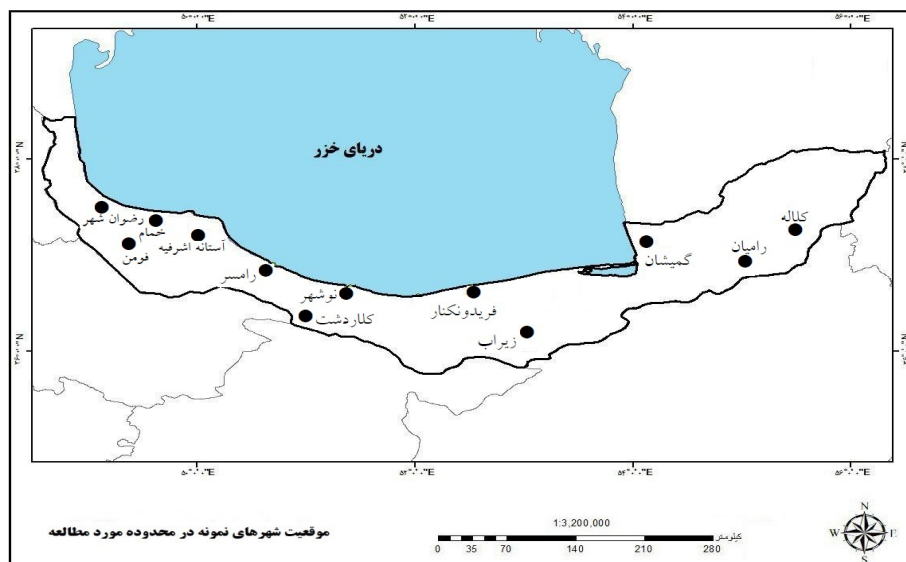
نمونه ۱۲ شهر است که در مجموع جمعیتی حدود ۳۴۳۱۳۷ نفر دارند. انتخاب خانوارهای شهری به روش «تصادفی سیستماتیک» و انتخاب شهرها به روش «تصادفی خوشه‌ای» بوده است (جدول ۳ و نقشه ۱).

جدول ۳. جمعیت شهرهای کوچک مورد مطالعه براساس سرشماری سال ۱۳۹۵

استان گیلان		استان مازندران		استان گلستان	
شهر	جمعیت	شهر	جمعیت	شهر	جمعیت
آستانه اشرفیه	۴۴۹۴۱	زیرآب	۱۶۱۹۱	رامیان	۱۲۴۲۶
خمام	۲۰۸۹۷	رامسر	۳۵۹۹۷	کلاله	۳۶۱۷۶
رضوان شهر	۲۰۵۱۹	فریدونکنار	۳۸۱۵۴	گمیشان	۱۹۱۹۱
فومن	۳۵۸۴۱	نوشهر	۴۹۴۰۳		
		کلاردشت	۱۳۴۰۱		

مأخذ: مرکز آمار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۵.

نقشه ۱. شهرهای کوچک در محدوده مورد مطالعه



مأخذ: یافته‌های تحقیق.



در این تحقیق ۳۸ شاخص برای ارزیابی پایداری اجتماعی - اقتصادی که متناسب با ساختار شهرهای کوچک کشور و به ویژه شهرهای استان‌های شمالی و محیط این شهرها بوده، به روش نظر سنجی از خبرگان علمی انتخاب و گزینش شد. در جدول ۴، مؤلفه‌ها و معیارهای مورد نظر نشان داده شده است.

جدول ۴. فهرست شاخص‌های پایداری اجتماعی - اقتصادی شهرهای کوچک مورد مطالعه

ابعاد	مؤلفه‌ها	معیارها	شاخص‌ها
اجتماعی	منابع انسانی	پویایی جمعیت و آموزش	تراکم نسبی جمعیت، درصد نرخ رشد جمعیت، درصد مهاجران وارد شده به کل جمعیت، معکوس بار تکفل، معکوس خانوار به مسکن، نرخ باسوادی
	مراقبت‌های اجتماعی	سلامت و امنیت اجتماعی، مشارکت	تعداد و نوع بیمارستان به ازای هر ۱۰ هزار نفر، تعداد تخت بیمارستانی به ازای هر ۵۰۰۰ نفر، تعداد داروخانه به ازای هر ۵۰۰۰ نفر، تعداد پزشک عمومی به ازای هر ۲۰۰۰ نفر، رضایتمندی از امنیت عمومی در شهر، درصد برخورداری خانوارها از حمایت‌های بیمه‌ای، رضایتمندی از زندگی
	زیرساخت‌های نهادی	ساختار نهادی	سطح عملکردی شهر در شاخص خدماتی، رضایت از کیفیت خدماتی عمومی
	کیفیت زندگی	کیفیت اشتغال و درآمد، خدمات و مسکن	نرخ اشتغال، درصد رضایت شغلی در گزینه زیاد، درصد رضایت از درآمد، تعداد خدمات عمومی به هر ۱۰۰۰ نفر، درصد خانوار برخوردار از مسکن، سطح رضایت از مسکن در گزینه زیاد، میزان رضایت از زندگی در شهر، تمایل به سرمایه‌گذاری در شهر محل سکونت
اقتصادی	عدالت اقتصادی	رفع فقر	نرخ اشتغال زنان، تعداد کارگاه‌های صنعتی به هر ۱۰۰۰۰ نفر، نرخ بیکاری، درصد جمعیت واقع در زیر خط فقر، نرخ اشتغال مردان
	رفاه اقتصادی	کارایی و بهره‌وری	نرخ پس‌انداز واقعی، نرخ تغییر درآمد سالانه، نسبت درآمد به هزینه، بار تکفل اقتصادی، نسبت اشتغال در فعالیت‌های غیرکشاورزی
	ثبات اقتصادی	کاهش آسیب‌پذیری و تنوع‌بخشی	ضریب ثبات شغلی، سطح عملکردی شهر در شاخص اقتصادی، تنوع عملکردی شهر در شاخص اقتصادی، نرخ اشتغال در جمعیت فعال

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

### ۳-۱. روش‌شناسی تحلیل داده‌های پایداری

اطلاعات گردآوری شده از طریق روش‌های پیمایشی و اسنادی مرتبط با هر کدام از شاخص‌ها، معیارها و مؤلفه‌ها در ابعاد مختلف زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی پس از طبقه‌بندی جهت آماده‌سازی برای وارد کردن به مدل بارومتر پایداری در چند مرحله به شرح زیر مورد پردازش قرار می‌گیرند:

۱. **تهیه جدول داده‌های خام:** در این مرحله داده‌های اولیه که با روش‌های اسنادی و میدانی جمع‌آوری شده‌اند، در یک جدول و با توجه به شاخص‌ها طبقه‌بندی می‌شوند.
۲. **تهیه جدول داده‌های همسو:** برخی از شاخص‌های موجود در جدول داده‌های خام با هم همسو نیستند. به‌طور مثال، نرخ اشتغال شاخصی مثبت بوده که ارزش بالای آن واجد ارزش است و نرخ بیکاری شاخصی منفی است که ارزش کمتر آن مدنظر است. از این رو با معکوس کردن شاخص‌های منفی تمام داده‌ها همسو می‌شوند. در جدول داده‌های همسو در این تحقیق ارزش بیشینه هر شاخص مطلوب‌ترین حالت آن شاخص محسوب می‌شود.
۳. **تهیه جدول داده‌های هم‌مقیاس:** هر کدام از شاخص‌های موجود در جدول داده‌ها واحد متفاوتی دارند؛ لذا باید با بی‌مقیاس کردن آنها امکان مقایسه و بررسی تطبیقی آنها را فراهم آورد. در این بررسی از طریق روش بی‌مقیاسی فازی شاخص‌های موجود بی‌مقیاس شده‌اند.

$$r_{ij} = \frac{x_{ij} - x_j^{\min}}{x_j^{\max} - x_j^{\min}}$$

در این فرمول که برای بی‌مقیاس کردن شاخص‌های با جنبه مثبت به کار می‌رود  $x_{ij}$  برابر ارزش شاخص  $x_j^{\min}$  برابر کمینه شاخص  $x_j^{\max}$  و برابر بیشینه شاخص  $x_j^{\max}$  است.

$$r_{ij} = \frac{x_j^{\max} - x_{ij}}{x_i^{\max} - x_j^{\min}}$$

در این فرمول نیز که برای بی‌مقیاس کردن شاخص‌های با جنبه منفی به کار می‌رود  $x_{ij}$  برابر ارزش شاخص  $x_j^{\min}$  برابر کمینه شاخص  $x_j^{\max}$  و برابر بیشینه شاخص  $x_j^{\max}$  است.

۴. **تهیه جدول داده‌های نهایی:** یکی از مهم‌ترین گام‌های تحلیل شاخص‌ها، محاسبه ارزش نهایی هر شاخص است. این کار با اعمال میزان ارزش هر کدام از شاخص‌ها انجام می‌گیرد که در مرحله استخراج شاخص‌ها به‌دست آمده‌اند. بدین منظور، در این مرحله ارزش هر شاخص در ضریب اهمیت آنچه با نظرسنجی از نخبگان به‌دست آمده، ضرب شده است سپس این داده‌ها ارزش واقعی و نهایی مربوط به هر شاخص را در ابعاد مختلف نشان می‌دهد.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

##### ۴-۱. سنجش و تحلیل پایداری اجتماعی - اقتصادی

تحلیل وضعیت پایداری مؤلفه‌های اجتماعی - اقتصادی در شهرهای کوچک مورد مطالعه نشان می‌دهد که مؤلفه‌های ثبات اقتصادی و کیفیت زندگی به ترتیب با ارزش ۰/۳۸۳ و ۰/۳۸۲ در پایین‌ترین سطح از سنجش پایداری و مؤلفه منابع انسانی با ارزش ۰/۵۳۶ در شرایط بهتری نسبت به سایر مؤلفه‌ها قرار داشته‌اند. همچنین بررسی وضعیت مؤلفه‌های پایداری اجتماعی - اقتصادی در منطقه مورد مطالعه نشان می‌دهد که در ۶ شهر مؤلفه‌های پایداری در شرایط ناپایدار، در چهار شهر مورد مطالعه، مؤلفه‌ها در شرایط پایداری ضعیف (ناپایداری بالقوه) و در یک شهر نیز وضعیت پایدار حاکم است (جدول ۵).

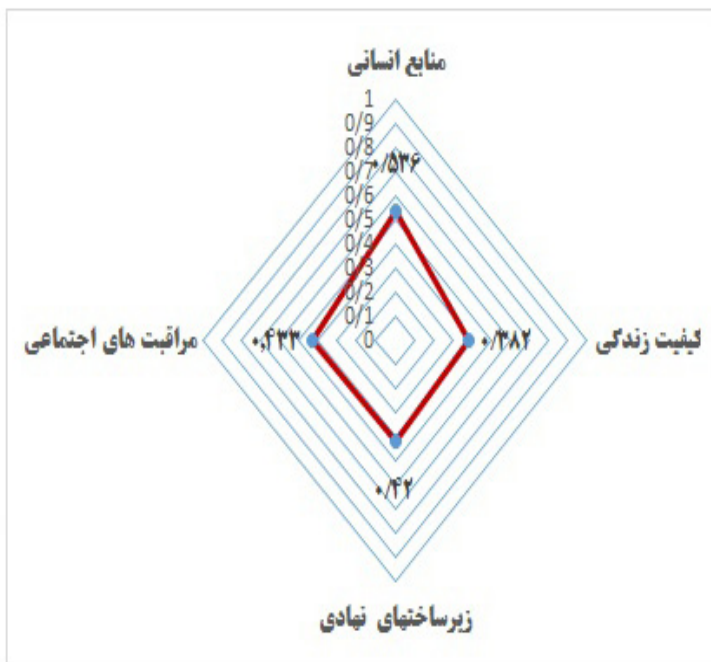
##### جدول ۵. وضعیت پایداری مؤلفه‌های اجتماعی - اقتصادی در شهرهای کوچک مورد مطالعه

نام شهر	مؤلفه‌های پایداری اجتماعی			مؤلفه‌های پایداری اقتصادی			وضعیت پایداری
	کیفیت زندگی	زیرساخت‌های نهادی	مواقبت‌های اجتماعی	منابع انسانی	ثبات اقتصادی	رفاه اقتصادی	
فومن	۰/۳۳۵	۰/۲۰۱	۰/۴۵۰	۰/۵۲۳	۰/۳۲۰	۰/۴۵۰	ناپایدار
رامیان	۰/۲۷۶	۰/۳۱۰	۰/۳۸۶	۰/۵۹۱	۰/۳۷۰	۰/۳۸۱	ناپایدار
کلاله	۰/۲۸۸	۰/۳۶۵	۰/۳۸۹	۰/۴۳۳	۰/۳۵۴	۰/۳۲۴	ضعیف
رضوانشهر	۰/۵۸۳	۰/۴۱۶	۰/۱۵۲	۰/۳۹۲	۰/۶۲۹	۰/۶۹۳	ضعیف
گمیشان	۰/۴۷۳	۰/۳۶۲	۰/۴۰۰	۰/۵۱۲	۰/۳۱۶	۰/۲۷۸	ناپایدار
خمام	۰/۴۷۶	۰/۴۲۴	۰/۳۸۱	۰/۳۰۰	۰/۳۳۴	۰/۳۶۲	ناپایدار
زیرآب	۰/۳۱۴	۰/۳۵۸	۰/۲۰۴	۰/۳۸۵	۰/۵۴۳	۰/۱۷۲	ناپایدار
رامسر	۰/۶۶۷	۰/۶۱۲	۰/۷۲۸	۰/۶۴۸	۰/۳۹۴	۰/۶۰۴	پایدار
فریدونکنار	۰/۴۸۲	۰/۲۰۱	۰/۳۸۶	۰/۸۹۰	۰/۴۲۲	۰/۴۵۸	ضعیف
آستانه اشرفیه	۰/۲۶۷	۰/۶۵۳	۰/۲۸۷	۰/۸۴۵	۰/۱۶۲	۰/۱۹۸	ضعیف
نوشهر	۰/۶۳۳	۰/۷۱۶	۰/۷۵۶	۰/۴۶۲	۰/۶۵۲	۰/۵۹۰	متوسط
کلاردشت	۰/۳۶۳	۰/۴۰۲	۰/۳۱۲	۰/۵۲۷	۰/۴۱۷	۰/۲۹۳	ناپایدار
میزان پایداری کل	۰/۴۷۳	۰/۴۱۲	۰/۳۸۳	۰/۵۳۶	۰/۴۳۳	۰/۳۸۲	ضعیف

مأخذ: همان.

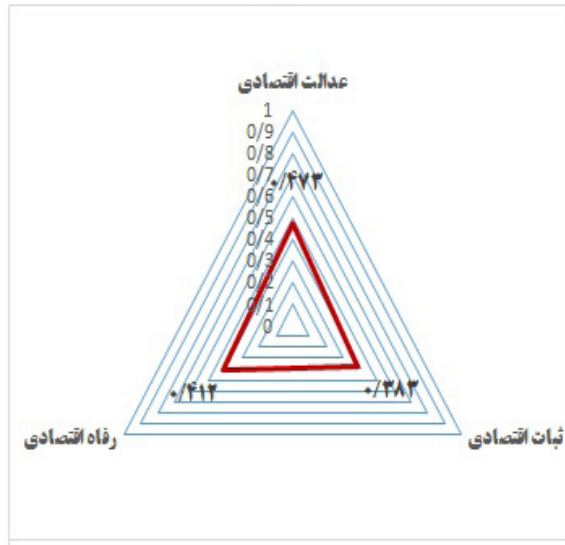
نمودارهای ۲ تا ۴ نیز وضعیت پایداری مؤلفه‌های اقتصادی - اجتماعی را در شهرهای مورد مطالعه نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در بررسی وضعیت پایداری اقتصادی - اجتماعی در شهرهای کوچک مورد مطالعه در شمال کشور هیچ کدام از مؤلفه‌های پایداری اجتماعی و اقتصادی در شرایط پایدار قرار ندارند و تنها مؤلفه منابع انسانی در شرایط پایداری متوسط قرار دارد (نمودارهای ۲ و ۳). در مجموع نیز تحلیل وضعیت پایداری اقتصادی - اجتماعی حکایت از شرایط پایداری ضعیف در شهرهای کوچک شمال کشور دارد (نمودار ۴). نتایج به دست آمده نشان می‌دهد، مؤلفه‌های اقتصادی - اجتماعی تنها در دو شهر رامسر و نوشهر در شرایط مناسب قرار دارند و سایر شهرها شرایط مطلوبی ندارند (نقشه ۲). به نظر می‌رسد استقرار فعالیت‌های توریستی و اقتصاد فعال گردشگری نقش مؤثری در هدایت این دو شهر به سمت پایداری اقتصادی - اجتماعی داشته است.

#### نمودار ۲. رادار مؤلفه‌های پایداری اجتماعی در شهرهای مورد مطالعه



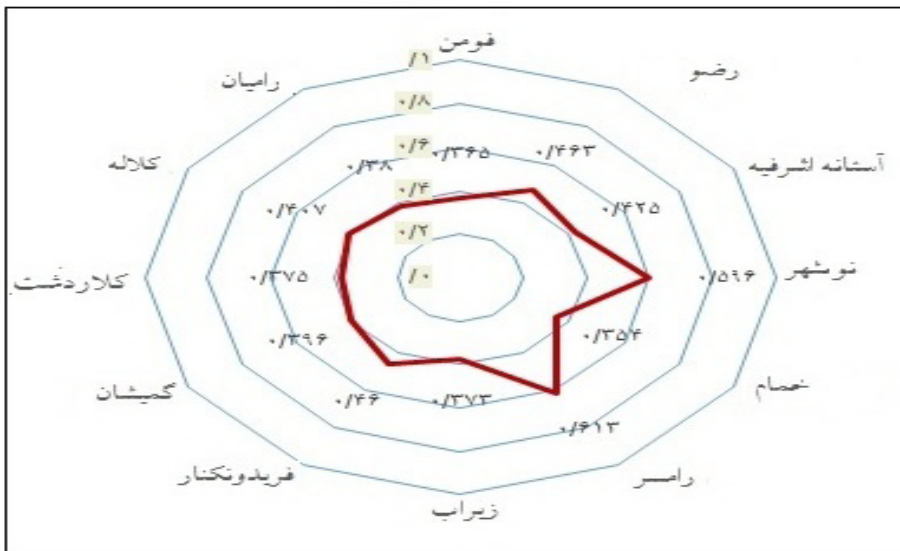
مأخذ: یافته‌های تحقیق.

نمودار ۳. رادار مؤلفه‌های پایداری اقتصادی در شهرهای مورد مطالعه



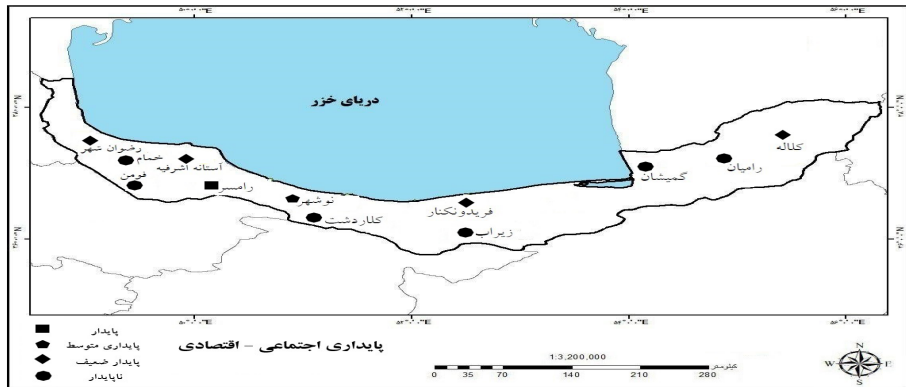
مأخذ: همان.

نمودار ۴. میزان پایداری اجتماعی - اقتصادی شهرهای کوچک مورد مطالعه



مأخذ: همان.

نقشه ۲. وضعیت پایداری اجتماعی - اقتصادی شهرهای کوچک شمال، سال ۱۳۹۶



مأخذ: همان.

۲-۴. پایداری اجتماعی - اقتصادی شهرهای کوچک و ویژگی های مکانی - فضایی

نتایج حاصل از تحلیل و بررسی پایداری شهرهای کوچک مورد مطالعه در خصوص برخی ویژگی های مکانی - فضای مانند موقعیت طبیعی، جمعیت و نزدیکی به مرکز استان ارزیابی شده است.

بررسی وضعیت پایداری اقتصادی - اجتماعی در خصوص موقعیت طبیعی شهرهای مورد مطالعه نشان از حاکمیت شرایط پایدار و بهتر در نواحی ساحلی نسبت به نواحی جلگه ای و کوهپایه ای است. به عبارتی می توان گفت در منطقه شمال کشور هر چه از سمت ساحل به سمت نواحی کوهپایه ای می رویم میانگین امتیاز پایداری در شهرهای کوچک گرایش به سمت ناپایداری دارد (جدول ۶).

جدول ۶. وضعیت طبیعی و میزان پایداری در شهرهای کوچک مورد مطالعه

وضعیت طبیعی	تعداد شهرها	درصد شهرها	ارزش پایداری
ساحلی	۴	۰/۳۳	۰/۵۱۰
جلگه ای	۶	۰/۵۰	۰/۳۹۸
کوهپایه ای	۲	۰/۱۷	۰/۳۶۲

مأخذ: همان.

بررسی میزان پایداری شهرهای کوچک مورد مطالعه در خصوص تعداد جمعیت، نشان می‌دهد شهرهای کوچک با جمعیت بالاتر، گرایش بیشتری به سمت پایداری دارند، به گونه‌ای که هرچه بر جمعیت شهرها افزوده می‌شود، به همان نسبت وضعیت پایداری مناسب‌تر می‌شود (جدول ۷).

جدول ۷. جمعیت و میزان پایداری در شهرهای کوچک مورد مطالعه

جمعیت	تعداد شهرها	درصد شهرها	ارزش پایداری
۱۰ تا ۲۰ هزار نفر	۴	۰/۳۳	۰/۳۷۱
۲۰ تا ۳۵ هزار نفر	۲	۰/۱۷	۰/۴۰۸
۳۵ تا ۵۰ هزار نفر	۶	۰/۵۰	۰/۴۷۶

مأخذ: همان.

بررسی وضعیت پایداری اقتصادی - اجتماعی شهرهای کوچک شمال کشور در ارتباط با فاکتور نزدیکی به پایتخت کشور (تهران) نشان می‌دهد، شهرهایی که در فاصله نزدیک‌تری به پایتخت قرار دارند، به لحاظ شاخص‌های پایداری، وضعیت مناسب‌تری نسبت به سایر شهرها دارند. به عبارتی می‌توان گفت در منطقه شمال کشور هرچه فاصله شهرها نسبت به پایتخت نزدیک‌تر می‌شود، به دلیل دریافت خدمات اقتصادی و اجتماعی بیشتر، میانگین امتیاز پایداری گرایش بیشتری به سمت پایداری دارند (جدول ۸).

جدول ۸. فاصله با پایتخت و میزان پایداری شهرهای کوچک مورد مطالعه

فاصله	تعداد شهرها	درصد شهرها	ارزش پایداری
کمتر از ۳۰۰ کیلومتر	۵	۰/۴۱	۰/۴۷۷
بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ کیلومتر	۵	۰/۴۱	۰/۴۰۴
بیش از ۵۰۰ کیلومتر	۲	۰/۱۸	۰/۳۹۳

مأخذ: همان.

## ۵. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مفهوم توسعه پایدار، حاصل رشد آگاهی در سطوح جهانی در مورد مشکلات محیطی در حال رشد، موضوعات اجتماعی، اقتصادی، فقر، نابرابری و نگرانی‌ها درباره آینده‌ای سالم برای بشر است که آنها را قویاً به هم پیوند می‌دهد. در ادبیات توسعه پایدار که عمدتاً از جنبش زیست‌محیطی ریشه گرفته است، جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی پایداری، کمتر مورد توجه قرار گرفته و عموماً به‌عنوان ابزاری کمک‌کننده برای رسیدن به توسعه پایدار در نظر گرفته می‌شوند. درحالی‌که پایداری حاصل نمی‌شود مگر آنکه ابعاد اجتماعی و اقتصادی نیز به سطحی پایه و قابل قبول از پایداری رسیده باشند. در این باره، به‌علت تمرکز پیوسته رو به رشد جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی در مراکز شهری و از جمله شهرهای کوچک، توجه به پایداری اجتماعی و اقتصادی با در نظر گرفتن چالش‌ها و تنگناهای پایداری این شهرها ضرورت بیشتری می‌یابد. بر این اساس پژوهش حاضر ضمن قبول روابط متقابل ابعاد سه‌گانه پایداری (اجتماعی، اقتصادی و محیطی)، بر فوریت بررسی پایداری اجتماعی و اقتصادی در سکونتگاه‌های کوچک شهری تأکید داشته و به سنجش و ارزیابی این دو بعد از پایداری در شهرهای کوچک شمال کشور پرداخته است. از این رو برای تحلیل و ارزیابی از مدل بارومتر پایداری استفاده شد و در مجموع هفت مؤلفه و ۳۸ شاخص به روش نظرسنجی از خبرگان علمی انتخاب شدند. نتایج حاصل از کاربست مدل بارومتر پایداری نشان می‌دهد در منطقه شمال کشور مؤلفه‌های کلی پایداری اجتماعی - اقتصادی در شرایط مناسبی قرار ندارند؛ هرچند کم‌وکیف آن در میان مؤلفه‌های مختلف با فراز و نشیب‌هایی همراه است. بیشترین ناپایداری در بعد اجتماعی مربوط به شاخص‌های زیرمجموعه مؤلفه کیفیت زندگی با امتیاز ۰/۳۸۲ و در بعد اقتصادی شاخص‌های زیرمجموعه مؤلفه ثبات اقتصادی با امتیاز ۰/۳۸۳ بوده است. در میان مؤلفه‌های سنجش پایداری اجتماعی - اقتصادی، تنها شاخص‌های زیرمجموعه مؤلفه منابع انسانی با امتیاز ۰/۵۳۶ به دلیل وجود نیروی فعال و جوان تحصیل کرده در این شهرها، از شرایط نسبتاً مناسبی برخوردار بوده است. در میان شهرهای مورد مطالعه زیر آب با میانگین ۰/۳۵۰ ناپایدارترین شهر و رامسر با میانگین امتیاز ۰/۶۰۴ پایدارترین شهر هستند. نتایج حاصل از این پژوهش گویای رابطه مهم و شایان توجه میان پایداری شهرهای



کوچک و ویژگی‌های مکانی - فضایی آنهاست. براساس نتایج به دست آمده، شهرهای کوهپایه‌ای با میانگین امتیاز ۰/۳۶۲ در وضعیت نامناسب‌تری نسبت به شهرهای جلگه‌ای و ساحلی قرار دارند. همچنین ۳۳ درصد از شهرهای مورد مطالعه جمعیتی بین ۱۰ تا ۲۰ هزار نفر داشته‌اند که با میانگین امتیاز ۰/۳۷۱ وضعیت ناپایدارتری نسبت به شهرهای پرجمعیت‌تر از خود داشته‌اند. بررسی وضعیت پایداری اقتصادی - اجتماعی شهرهای کوچک شمال کشور درخصوص فاکتور نزدیکی به پایتخت کشور (تهران) نیز نشان از رابطه مستقیم افزایش میزان ناپایداری با افزایش فاصله از پایتخت کشور دارد، به طوری که شهرهای واقع در فاصله ۵۰۰ کیلومتری با میانگین امتیاز ۰/۳۹۳ نسبت به شهرهایی که فاصله کمتری با پایتخت داشته‌اند از وضعیت ناپایدارتری برخوردار بوده‌اند.

در مجموع نتایج حاصل از بررسی و تحلیل شاخص‌های سنجش پایداری اجتماعی - اقتصادی نشان از وضعیت نامطلوب پایداری در شهرهای کوچک مورد مطالعه دارد. عواملی مانند ناپایداری شاخص‌های کیفیت زندگی هم از بعد ذهنی و هم عینی، سلامت و امنیت اجتماعی، عدم رضایت شغلی، سطح پایین عملکردی شهر در شاخص خدماتی، کارایی و بهره‌وری پایین، بیکاری و کمبود فرصت‌های شغلی بیشترین سهم را در ناپایداری اجتماعی - اقتصادی این شهرها داشته‌اند. بنابراین در امر سیاست‌گذاری برای پایدارسازی ابعاد اجتماعی - اقتصادی، توجه به عواملی ضروری است که سبب افزایش کیفیت زندگی در این شهرها می‌شود. متناسب با تحلیل موجود می‌توان گفت، تبیین مفاهیم مرتبط با پایداری اجتماعی - اقتصادی در سطح شهرهای کوچک شمال کشور، با محوری شمردن حفظ و ارتقای کیفیت زندگی انسان‌ها و هماهنگی با طبیعت تعریف شده است. بر این مبنا بسترسازی برای ظهور خلاقیت‌ها و بسیج آحاد شهروندان در جهت تأمین اهداف اجتماعی - اقتصادی توسعه پایدار به منظور اطمینان از زندگی بهتر برای همه آنها و به‌ویژه شهروندان فقیر مورد توجه است.

در این رویکرد دو عنصر حیاتی توسعه اجتماعی - اقتصادی، یعنی مشارکت و توانمندسازی شهروندان به منظور دستیابی به سطح رفاه، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند. مطابق با مبانی نظری پژوهش، پایداری اجتماعی - اقتصادی که گاه با مضامینی چون سرمایه

اجتماعی و رفاه انسانی همراه می‌شود، مقوله‌هایی چون سلامت و بهداشت، ارتقای سطح مهارت‌ها، افزایش کارایی و بهره‌وری، همگن‌سازی اجتماعی توأم با منافع متقابل و حفظ ارزش‌ها را با تأکید بر سه عنصر تعادل، عدالت و آزادی همگام می‌سازد. در این معنا پایداری اجتماعی - اقتصادی در شهرهای کوچک مورد مطالعه موجب تعامل بیشتر شهروندان خواهد شد تا حضور و ظهور داوطلبانه آنان و به‌ویژه اقشار فقیر در صحنه‌های اجتماعی و اقتصادی تسهیل شود و در نهایت با فعال‌سازی مردم، زمینه توانمندی آنان مهیا شود و احساس تعلق‌شان به مکان زندگی افزایش یابد. بدین ترتیب، در واقع تأکید بر ابعاد اجتماعی - اقتصادی توسعه پایدار، نقش و جایگاه شهروندان را در فرایند برنامه‌ریزی برای شهرهای کوچک بیش از گذشته مورد توجه قرار می‌دهد. از این‌رو در پایان پیشنهادهایی در این جهت برای دستیابی به توسعه پایدار در شهرهای کوچک شمال کشور ارائه می‌شود:

- توزیع و پراکنش مکانی - فضایی متعادل و متوازن امکانات، تسهیلات عمومی و خدمات شهری در سطح شهرهای کوچک شمال کشور به منظور گسترش عدالت اجتماعی،
- بسترسازی برای جلب سرمایه‌گذاری خصوصی، توجه ویژه به عمران، توسعه و تقویت اقتصادی - اجتماعی شهرهای کوچک شمال کشور برای ارتقای جایگاه عملکردی و فضایی آنها در نظام شهری،
- اعمال سیاست‌های تشویقی از جمله معافیت‌های مالیاتی و کاهش تعرفه‌های انرژی و آب، ایجاد و توسعه زیرساخت‌های ارتباطی و صنعتی در جوار شهرهای کوچک شمال کشور،
- توسعه انواع خدمات، امکانات و فعالیت‌ها در گستره منطقه بر مبنای توسعه شهرهای کوچک،
- توسعه سیاست‌های لازم برای مشارکت‌های مردمی و دخیل کردن شهروندان در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری امور شهری به صورت رسمی و غیررسمی و ارتقای نقش و کارایی فضاهای عمومی درون بافت شهرها به‌ویژه محلات شهری،
- تدوین برنامه‌های اجتماع‌مدار در مدیریت شهری در جهت ایجاد احساس هویت مکانی و محله‌ای برای شهروندان شهرهای کوچک شمال کشور.

## منابع و مآخذ

۱. برزگر، صادق (۱۳۹۳). «تبیین و سنجش پایداری در شهرهای کوچک استان مازندران»، رساله دکتری تهران - مرکز، تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور.
۲. بل، سیمون و استفان مورس (۱۳۸۶). *سنجش پایداری*، ترجمه ناصر شاهنوشی و یدالله آذرین فر، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
۳. تقی زاده، فاطمه (۱۳۸۷). *دانشنامه مدیریت شهری و روستایی*، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌ها.
۴. توکلی، جعفر (۱۳۹۳). «سنجش پایداری اجتماعی - اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی دهستان‌های خاوه شمالی و جنوبی، استان لرستان»، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال چهاردهم، ش ۳.
۵. جعفریان، مزدک و فرید عبدالحسین پور (۱۳۸۵). «پایداری شهری با نگاهی به ویژگی‌های شهرهای ایران»، همایش شهر برتر، طرح برتر، همدان، سازمان عمران شهرداری همدان.
۶. رهنمایی، محمدتقی و سیدموسی پورموسوی (۱۳۸۵). «بررسی ناپایداری‌های امنیتی کلان‌شهر تهران براساس شاخص‌های توسعه پایدار شهری»، نشریه پژوهش‌های جغرافیایی، ش ۵۷.
۷. رهنمایی، محمدتقی و پروانه شاه‌حسینی (۱۳۸۸). *مقایسه تطبیقی توسعه پایدار شهرهای استان مازندران و خوزستان*، تهران، انتشارات سمت.
۸. زال، ابوذر (۱۳۸۶). «ارزیابی و سنجش پایداری اجتماعی و نقش عوامل جغرافیایی مؤثر بر آن در مناطق روستایی شهرستان خرم‌بید»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
۹. ستارزاده بردسیری، زهره (۱۳۹۵). «ارزیابی شاخص‌های توسعه محله‌ای با رویکرد توسعه پایدار در شهرهای کوچک، مطالعه موردی: شهر بردسیر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی.
۱۰. شایبرچیمبا، جی و دنیس ای راندینلی (۱۳۷۳). *اجرای طرح‌های تمرکززدایی در آسیا-امکانات محلی برای توسعه روستایی*، ترجمه عباس حکیمی و همکاران، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
۱۱. شکوهی، حسین (۱۳۷۷). *دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری*، تهران، انتشارات سمت.
۱۲. شمایی، علی و بابک لطفی مقدم (۱۳۹۴). «بررسی شاخص سازگاری در برنامه‌ریزی کاربری زمین شهری به منظور پایداری اقتصادی شهر، مطالعه موردی: منطقه یک شهرداری تهران»، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی، سال بیستم، ش ۷.

۱۳. صفایی پور، مسعود، سمیرا مرادی منفرد و محمدرضا امیری (۱۳۹۵). «ارزیابی و اولویت بندی شاخص های توسعه پایدار شهری با استفاده از مدل تحلیل شبکه ANP، مورد شناسی: شهر زنجان»، فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، ش ۱۹.

۱۴. ضرابی، اصغر (۱۳۸۰). «معنی و مفهوم توسعه پایدار در جهان صنعتی و در حال توسعه»، مجله رشد آموزش جغرافیا، ش ۵۹.

۱۵. علی اکبری، اسماعیل، مصطفی طالشی و محمد فرجی دارابخانی (۱۳۹۴). «استقرار متوازن و توسعه نامتوازن: تحلیلی بر نظام شهری غرب کلان منطقه زاگرس با تأکید بر ناپایداری و ناکارآمدی شهرهای کوچک»، فصلنامه جغرافیا و پایداری محیط، ش ۶۱.

۱۶. فنی، زهره و فرید صارمی (۱۳۹۲). «رویکرد توسعه پایدار محله‌ای در کلان شهر تهران (مورد مطالعه: محله بهار)»، مجله جغرافیا و توسعه، ش ۳۰.

۱۷. فنی، زهره و اشرف السادات باقری (۱۳۹۴). «شهرهای کوچک و میانی (برنامه ریزی و توسعه)»، تهران، نشر مدیران امروز.

۱۸. قدیری، معصوم و محمد مهدی ضیانوشین (۱۳۸۹). «پایداری اقتصادی و رابطه آن با ویژگی های مکانی - فضایی»، فصلنامه روستا و توسعه، سال سیزدهم، ش ۲.

۱۹. محمدزاده تیتکانلو، حمیده (۱۳۸۰). «برنامه ریزی و طراحی: شهرهای متوسط و شهری شدن جهان (نگاهی به بیانیه لیدیا)»، فصلنامه مدیریت شهری، ش ۵.

۲۰. مرکز آمار جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵). سرشماری نفوس کشور.

۲۱. نظریان، اصغر (۱۳۸۶). «شهرنشینی در حال دگرگونی و جایگاه شهرهای کوچک؛ تجربه ایرن»، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال چهارم، ش ۱۴.

۲۲. یاری حصار، ارسطو، سیدعلی بدری، مهدی پورطاهری و حسنعلی فرجی سبکبار (۱۳۹۰). «سنجش و ارزیابی پایداری حوزه روستایی کلان شهر تهران»، فصلنامه پژوهش های روستایی، ش ۲(۴).

23. Bell, S. and S. Morse (2003). *Measuring Sustainability: Learning by Doing*, Earthscan, 189 Pages, London, ISBN 1-85383-843-8.

24. Bossel, H. (1999). "Indicators for Sustainable Development: Theory, Method, Applications", A Report to the Balaton, Group, IISD, Canada, Available on: [www.worldcat.org/isbn/1895536138](http://www.worldcat.org/isbn/1895536138).

25. Brouwer, R. and R. Ek (2004). "Integrated Ecological, Economic and Social Impact Assessment of Alternative Flood Control Policies in the Netherlands", *Ecological Economics*, Vol. 50, Issues 1-2.
26. Cohen, Barney (2005). "Urbanization in Developing Countries; Current Trends, Future Projections, and Key Challenges for Sustainability", *Technology in Society*, Vol. 28, Issues 1-2.
27. Cohen, J. (1995). "Population Growth and Earth's Human Carrying Capacity", *Journal of Science*, Vol. 269.
28. Colantonio, A. (2008). *Social Sustainability: Linkage Research Topolicy and Practice*, Oxford Institute for Sustainable Development (OISD), Oxford Brookes University.
29. Dempsey, Nicolas, B. Brown and G. Bramley (2012). "The key to Sustainable Urban Development in UK Cities? The Influence of Density on Social Sustainability", *Progress in Planning* 77.
30. Drakakis, Smith (1995). "Third World Cities: Sustainable Urban Development", *Journal of Urban Studies*, Vol. 32.
31. GTZ Project Office (2004). "Chance for Socially Sustainable Development", Programme Office for Social and Ecological Standards, Email: social-ecological-standards@gtz.de.
32. Hopwood, Bill, Mary Mellor and Geoff O'Brien (2005). "Sustainable Development: Mapping Different Approaches", *Sustainable Development Sust. Dev.*, 13.
33. Littig, B. and E. Griessler (2005). "Social Sustainability: A Catchword Between Political Pragmatism and Social Theory", *International Journal of Sustainable Development* 8 (1/2).
34. Moffatt, I. (1996). *Sustainable Development, Principles, Analysis and Policies*, the Parthenon Publishing Group, London.
35. Murphy, K. (2012). "The Social Pillar of Sustainable Development: A Literature Review and Framework for Policy Analysis", *Sustainability: Science, Practice and Policy*, Vol. 8.

36. Pacione, Michael (2009). *Urban Geography a Global Perspective*, Published in the Taylor and Francis.
37. Prescott Allen, R. (1995). *Assessing Rural Sustainability*, Publisher International Union for Conservation of Nature and Natural Resources (IUCN), Switzerland and Cambridge UK.
38. Kumar Singh, Rajesh, H. R. Murty, S. K. Gupta and A. K. Dikshit (2009). "An Overview of Sustainability Assessment Methodologies", *Ecological Indicators* 9.
39. Gonzalez-Garcia, Sara, Rocío Manteiga, Maria Teresa Moreira and Gumersindo Feijoo (2018). "Assessing the Sustainability of Spanish Cities Considering Environmental and Socio-Economic Indicators", *Journal of Cleaner Production*, Vol. 178.
40. Sors, A. I. (2001). "Monitoring and Environmental Impact Assessment", in Clark, Reidal Publishing Co, Dordrecht, 3650380.
41. Spangenberg, J. H. (2005). "Economic Sustainability of the Economy: Concepts and Indicators", *Int. Journal Sustainable Development*, Vol. 8 (1/2).
42. Valtenbergs, Visvaldis, Ainhoab González and Ralfs Piziks (2013). "Selecting Indicators for Sustainable Development of Small Towns: The Case of Valmiera Municipality", *ICTE in Regional Development*, December 2013, Valmiera, Latvia, *Procedia Computer Science* 26.
43. Warhurst, A. (2002). "Sustainability Indicators and Sustainability Performance Management, Report to the Project: Mining, Minerals and Sustainable Development (MMSD)", International Institute for Environment and Development (IIED). Warwick, England. [http://www.iied.org/mmsd/mmsd\\_pdfs/sustainability\\_indicators.pdf](http://www.iied.org/mmsd/mmsd_pdfs/sustainability_indicators.pdf).
44. Wong, Cecilia (2006). *Indicator for Urban and Regional Planning, The Interply of Policy and Methods*, Routledge Publisher, London and New York.

# بررسی تأثیر ناطمینانی تورمی بر نسبت فداکاری در کشورهای در حال توسعه

محسن مهرآرا،\* سجاد برخورداری دورباش\*\* و محسن بهزادی صوفیانی\*\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۲۱

سیاستگذاران همواره نگران قربانی شدن رشد اقتصادی و افزایش بیکاری و از دست دادن منابع مالی حاصل از مالیات تورمی در نتیجه سیاست‌های ضد تورمی بوده‌اند. نسبت فداکاری، زیان انباشته در تولید واقعی را در نتیجه ۱ درصد کاهش در تورم اندازه‌گیری می‌کند. تورم در ذات خود و به‌خصوص در نرخ‌های بالاتر، ناطمینانی به همراه دارد. هدف اصلی این مطالعه بررسی تأثیر ناطمینانی تورمی بر نسبت فداکاری ۳۱ کشور در حال توسعه، با استفاده از متوسط داده‌های تورم، ناطمینانی تورمی و درجه باز بودن اقتصاد طی دوره ۲۰۱۵-۱۹۸۱ است. ناطمینانی تورمی با استفاده از روش واریانس ناهمسانی شرطی خودرگرسیون تعمیم‌یافته مدل‌سازی شده است. نتایج حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار بین تورم و ناطمینانی تورمی با نسبت فداکاری است، به‌نحوی که ناطمینانی تورمی بیشتر از خود تورم بر نسبت فداکاری تأثیر می‌گذارد. همچنین درجه باز بودن اقتصاد نتوانست نقشی در توضیح نسبت فداکاری ایفا کند و از لحاظ آماری بی‌معناست. تورش‌ها و ناطمینانی تورمی با ایجاد چسبندگی‌ها سرعت تورم‌زدایی را کاهش می‌دهد و احتمالاً نسبت فداکاری را بزرگ‌تر می‌کند. ازین‌رو توصیه می‌شود سیاستگذاران، سیاست‌های ضد تورمی را با لحاظ هزینه کاهش تولید در بخش حقیقی اقتصاد و با کنترل انتظارات تورمی و ناطمینانی‌ها دنبال کنند.

**کلیدواژه‌ها:** نسبت فداکاری؛ متوسط‌گیری داده‌ها؛ مدل خطی؛ ناطمینانی تورمی؛ کشورهای در حال توسعه

Email: mmehrara@ut.ac.ir

\* استاد دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛

Email: barkhordari@ut.ac.ir

\*\* استادیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران؛

Email: m.behzadi71@ut.ac.ir

\*\*\* دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران؛

## مقدمه

تورم سال‌هاست که به‌عنوان معضلی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه مطرح است. از این رو اقتصاددانان و متفکران مسائل اجتماعی و اقتصادی در مورد عوامل تشکیل‌دهنده و آثار آن، نظریه‌های گسترده‌ای را مطرح کرده‌اند و درخصوص ضرورت کنترل آن تأکید دارند. با توجه به نظریه‌های اقتصادی و شواهد تجربی، مهار تورم و کاهش آن به سطح پایدار پایین‌تر مستلزم تحمل هزینه‌هایی به شکل کاهش رشد تولید، حداقل در کوتاه‌مدت است. تبادل بین تورم و بیکاری همیشه مورد توجه اقتصاددانان بوده و نظریه‌های اساسی مانند منحنی فیلیس در این خصوص مطرح شده است. اقتصاددانان بده - بستان مذکور را تعمیم داده و از رشد اقتصادی به جای بیکاری استفاده کرده و مفهومی با عنوان نسبت فداکاری<sup>۱</sup> مطرح می‌کنند. نسبت فداکاری مقدار تولید از دست‌رفته به ازای ۱ درصد کاهش در تورم را نشان می‌دهد و در کنار منحنی فیلیس همواره از اهمیت زیادی در جهت‌گیری سیاست‌های دولت و بانک مرکزی، به‌خصوص سیاست‌های انقباضی، برخوردار بوده است (Sargent and Wallace, 1975).

با افزایش نااطمینانی تورم، برآورد هزینه و درآمدهای آتی فعالیت‌ها، غیرشفاف شده و این امر آثار نامطلوبی بر تخصیص منابع و کارایی فعالیت‌های اقتصادی می‌گذارد. نااطمینانی تورم، کارایی سازوکار قیمت در تخصیص بهینه منابع را دچار اختلال می‌کند و درنهایت تأثیر منفی بر تولید خواهد گذاشت. نااطمینانی تورم با تحت تأثیر قرار دادن نرخ‌های بهره، تخصیص منابع را منحرف می‌سازد. از مهم‌ترین تبعات نااطمینانی تورمی، شکل چسبندگی قیمت‌ها و دستمزدهاست. چسبندگی مانع از تسویه بازارها می‌شود و ماندگاری شوک‌های منفی و زیان‌های حقیقی آنها را تشدید می‌کند. این ماندگاری، دوره‌های بیشتری برای تعدیل شدن تورم طلب می‌کند که حتی در بعضی دوره‌ها به صورت هدف‌گذاری سخت تورم دنبال می‌شود به طوری که نسبت فداکاری را افزایش می‌دهد. لذا نسبت فداکاری هم به صورت حقیقی (ارتباط متغیرهای حقیقی با تولید و بیکاری) و هم به صورت اسمی (ارتباط نااطمینانی تورمی با تورم) از نااطمینانی مذکور تأثیر می‌پذیرد.



تورم از معضلات اقتصادی ایران طی سه دهه اخیر بوده است. ارقام اعلام شده، تورم بالایی را در حیات اقتصادی ایران حکایت می‌کند (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۵). همواره تورم به همراه بیکاری به عنوان کالای بد وارد تابع هدف سیاستگذاران می‌شود و سعی در کاهش آن دارند. هزینه‌های کاهش تورم (کاهش تولید - اشتغال) گاهی بیشتر از خود تورم نارضایتی به بار می‌آورد. از طرفی با توجه به شهرت<sup>۱</sup>، اعتبار<sup>۲</sup> و درجه انقباض پولی، نااطمینانی تورمی شکل می‌گیرد (Friedman, 1970). در این فضای نااطمینانی، سیاستگذاران باید تلاش کنند که نسبت فداکاری حداقل شود.

در این مطالعه تأثیر نااطمینانی تورمی بر نسبت فداکاری در ۳۱ کشور در حال توسعه، با استفاده از داده‌های ۲۰۱۵-۱۹۸۱ سنجیده می‌شود. برای این منظور، بعد از مرور مبانی نظری: نسبت فداکاری، دیدگاه‌ها و عوامل مؤثر آن، در قسمت دوم به پیشینه تحقیق اشاره می‌شود. در قسمت سوم، روش‌شناسی تحقیق و چگونگی استخراج نسبت فداکاری و همچنین نااطمینانی در هر کشور مورد بحث قرار می‌گیرد. قسمت چهارم، برآورد مدل، تجزیه و تحلیل داده‌ها بیان می‌شود و سپس مباحث مذکور جمع‌بندی و نتیجه‌گیری می‌شوند.

### ۱. مبانی نظری: نسبت فداکاری، دیدگاه‌ها و عوامل مؤثر بر آن

در یک تعریف کلی، کاهش یا زیان تولید ناشی از یک سیاست ضد تورمی به مفهوم نسبت فداکاری یا نسبت ازدست‌رفته (کاهش تولید به دلیل کاهش تورم) است. نسبت فداکاری زیان انباشته در تولید واقعی در نتیجه ۱ درصد کاهش در تورم اندازه‌گیری می‌شود. دانستن مقدار کمی نسبت ازدست‌رفته فداکاری برای سیاستگذاران پولی یک ضرورت است، هرچند محاسبه نسبت مزبور در عمل مستلزم شناسایی آثار سیاست‌های پولی بر تورم و تولید حقیقی است.

در مدل‌های کینزی، حتی اگر کارگزاران اقتصادی دارای انتظارات عقلایی باشند، به دلیل واکنش کند قیمت‌ها و دستمزدها به کاهش‌های تقاضای کل، نسبت فداکاری گرایش

به بزرگ شدن دارد. با توجه به تعدیل تدریجی قیمت، یک محرک انقباضی به‌ناچار به زیان‌های حقیقی درخور توجهی منجر می‌شود که می‌تواند با توجه به چسبندگی‌های اسمی، طولانی‌تر نیز شود؛ بدین معنا که رکود سبب می‌شود تا نرخ طبیعی بیکاری افزایش یابد. برخی از پیروان کینز با استفاده موقتی از سیاست‌های درآمدی به‌عنوان یک ابزار سیاستی مکمل برای همراهی انقباض پولی برای افزایش کارایی سیاست‌های ضد تورمی جانبداری می‌کنند. همچنین باید توجه داشت که پساکینزی‌ها سیاست‌های درآمدی را به‌عنوان سلاح عمده در سیاست‌های ضد تورمی می‌دانند. در مدل‌های پساکینزی تورم‌زدایی پولی به تنهایی سبب ایجاد بیکاری دائمی در سطح بالاتر خواهد شد.

دیدگاه پول‌گرایان اولیه این است که بیکاری به‌دنبال انقباض پولی افزایش می‌یابد که میزان و دوام آن به درجه انقباض پولی، میزان انطباق نهادی و سازمانی و اینکه چقدر انتظارات تورمی مردم با سرعت فروکش کند، بستگی دارد. عامل اصلی در اینجا حساسیت انتظارات به تغییر رژیم پولی است و این به‌نوبه خود بدان معناست که درجه اعتبار و شهرت مقام‌های پولی نقش سرنوشت‌سازی در تعیین نسبت فداکاری دارد.

برخلاف مدل‌های کینزی و پول‌گرا، رویکرد کلاسیک جدید تأکید می‌کند که تغییرات اعلام شده یا پیش‌بینی شده در سیاست پولی حتی در کوتاه‌مدت هیچ اثری بر تولید و اشتغال ندارد که مشروط به اعتبار این سیاست باشد. یک انقباض پولی اعلام شده که مردم آن را حدس می‌زنند، سبب می‌شود انتظارات تورمی کارگزاران عقلایی فوراً فروکش کند. در اصل، مقام‌های پولی می‌توانند نرخ تورم را بدون تحمل هزینه‌های آن (یعنی کاهش تولید و اشتغال که در تحلیل‌های کینزی و پول‌گرا وجود دارد) کاهش دهند، یعنی نسبت فداکاری صفر می‌شود. کلاسیک‌های جدید با توجه به نبود هزینه‌های کاهش تورم (کاهش تولید و افزایش بیکاری)، معتقدند مسئولان برای کاهش تورم به سطح نرخ‌های هدف، باید اعلام کنند که نرخ انبساط پولی را دقیقاً به همان اندازه، کاهش خواهند داد.

اقتصاددانان کلاسیک جدید اصرار دارند که اگر بخواهیم تورم‌زدایی، نسبت فداکاری شدیدی را به‌دنبال نداشته باشد، به استراتژی مالی نیاز داریم که با سیاست پولی اعلام شده

سازگار باشد. در غیر این صورت، کارگزاران اقتصادی با داشتن انتظارات عقلایی، انتظار سیاست معکوسی را در آینده خواهند داشت.

از دیدگاه نظری، عوامل مؤثر بر نسبت فداکاری را می‌توان در چهار گروه سستی<sup>۱</sup>، ساختاری<sup>۲</sup>، نهادی<sup>۳</sup> و شرایط بیرونی، عوامل سیاسی<sup>۴</sup> و اصلاحات ساختاری دسته‌بندی کرد.

### ۱-۱. عوامل سستی

عواملی نظیر سرعت کاهش تورم و تورم اولیه<sup>۵</sup> یا نرخ تورم در ابتدای دوره تورم‌زدایی به‌عنوان متغیرهای سستی مطرح هستند.

#### ۱-۱-۱. سرعت کاهش تورم

یکی از مباحث بحث‌برانگیز در اقتصاد کلان مدرن، انتخاب بین تورم‌زدایی تدریجی یا سریع و تأثیر هر کدام روی تولید حقیقی است. تیلور<sup>۶</sup> (۱۹۹۳) با حمایت از دیدگاه کاهش تدریجی تورم بیان می‌کند که با توجه به مدل تعدیل دستمزد وقفه‌دار و به این دلیل که دستمزدها و قیمت‌ها نیازمند زمان هستند تا با سیاست انقباضی پولی تعدیل شوند، از این رو کاهش سریع در تورم باعث زیان تولیدی بزرگ‌تری خواهد شد. در مقابل، دو نقطه‌نظر متفاوت در این مورد وجود دارد. با توجه به فرضیه قیمت‌های چسبنده در نظریه کینزی‌های جدید، دیدگاه معروف «هزینه فهرست بها»<sup>۷</sup> از کاهش سریع تورم در مقابل تدریجی بودن آن حمایت می‌کند. به این دلیل که کاهش یک بار و برای همیشه بزرگ در تورم باعث تعدیل قیمت‌ها می‌شود و روی تولید اثر معناداری نخواهد داشت. در مقابل تغییرات کوچک در تورم، زیان‌دهی تولید را

---

1. Traditional Factor

2. Structural Factors

3. Institutional Factors

4. External Conditions, Political Factors and Structural Reforms

5. Initial Inflation

6. Taylor

7. Cost Menu

تحریک و بزرگ خواهد کرد. همان‌طور که منکیو<sup>۱</sup> (۱۹۹۲) و آکرلف و یلن<sup>۲</sup> (۱۹۸۷) اشاره می‌کنند، وجود هزینه‌های فیزیکی نظیر چاپ لیست‌ها و کاتالوگ‌های جدید و صرف زمان گران‌بهای مدیران و هزینه‌هایی از این دست که تحت عنوان هزینه فهرست بها بیان شده‌اند، باعث می‌شوند که بنگاه‌ها به تغییرات جزئی در قیمت‌ها واکنش قیمتی نداده و از تولید خود بکاهند. حال اگر تغییر قیمت‌ها شدید باشد بنگاه مجبور به تعدیل قیمتی نیز خواهد شد.

بحث دیگر در حمایت از کاهش سریع تورم، بحث سارجنت<sup>۳</sup> (۱۹۸۳) است. او ادعا می‌کند که رژیم تغییرات سریع تورم برای مقام‌های پولی کسب اعتبار می‌کند، در حالی که برای کاهش تدریجی در تورم انتظارات تعدیل نمی‌شوند، زیرا حدس‌ها و گمان‌ها درباره آنچه که در آینده اتفاق خواهند افتاد، به وجود می‌آیند. به عبارت دیگر، در صورت شفاف عمل کردن مقام‌های پولی و عدم ایجاد سردرگمی در بین کارگزاران اقتصادی، انتظار آنان سریع تعدیل شده و تغییرات اندکی خواهیم داشت.

## ۲-۱-۱. تورم اولیه

عامل سنتی دوم، تورم اولیه است. مدل‌های نیوکینزی پیش‌بینی می‌کنند که سطوح بالای تورمی چسبندگی، قیمت‌ها را کاهش می‌دهد. بال، منکیو و رومر<sup>۴</sup> (۱۹۸۸) این مسئله را با داده‌های مقطع زمانی بین کشوری اثبات کردند. آنها نشان دادند روند تورم بر نسبت فداکاری تأثیر می‌گذارد، به دلیل اینکه متوسط نرخ تورم تحت تأثیر میزان چسبندگی اسمی خواهد بود و سطوح بالای تورمی چسبندگی قیمت‌ها را کاهش می‌دهد. بنابراین با تعدیل بیشتر قیمت‌ها و دستمزدها منحنی فیلیس پرشیب‌تر و نسبت فداکاری کوچک‌تر می‌شود. بنابراین باید یک رابطه منفی بین نسبت فداکاری و تورم اولیه وجود داشته باشد. این یافته‌ها را دینا<sup>۵</sup> (۱۹۹۱) تأیید کرده است.

1. Mankiw

2. Akerlof and Yellen

3. Sargent

4. Ball, Mankiw and Romer

5. Defina

## ۲-۱. عوامل ساختاری

چسبندگی دستمزد اسمی، شاخص‌های جهانی شدن اقتصاد (که درجه باز بودن اقتصاد و تحرک سرمایه<sup>۱</sup> را دربرمی‌گیرد) را شامل می‌شود.

### ۱-۲-۱. چسبندگی دستمزد اسمی

چسبندگی دستمزد اسمی از قدیمی‌ترین عامل ساختاری تعیین‌کننده است که تأثیر بالقوه‌ای روی نسبت فداکاری دارد. مقایسه عملکرد اقتصاد کلان کشورهای مختلف را اغلب می‌توان با تفاوت در چسبندگی دستمزد اسمی آنها نشان داد. به‌عنوان مثال برونو و ساچز<sup>۲</sup> (۱۹۸۵) این تفاوت‌ها را به نهادهای تنظیم‌کننده دستمزد مثل مدت زمان قرارداد دستمزد، درجه شاخص‌بندی و درجه هم‌زمانی در سراسر بخش‌ها نسبت داده‌اند. آنها ارزش صفر، یک و دو را به ترتیب برای هر سه متغیر معرفی کردند، به این ترتیب مدت زمان قرارداد دستمزد کمتر، شاخص‌بندی بیشتر و هم‌زمانی بیشتر موافقت‌نامه به معنای انعطاف‌پذیری بیشتر دستمزد است. بال<sup>۳</sup> (۱۹۹۴) از شاخص مدت زمان برونو و ساچز، به‌عنوان مهم‌ترین شاخص آنها و از شاخص چسبندگی دستمزد اسمی گراب، جاکمن و لیارد<sup>۴</sup> (۱۹۸۳) که رگرسیون سری زمانی دستمزد روی قیمت و بیکاری است، استفاده کرده و با رگرسیون روی نسبت فداکاری تأکید می‌کند که چسبندگی دستمزد عامل تعیین‌کننده و مهمی از نسبت فداکاری است و انعطاف‌پذیری بیشتر دستمزد، نسبت فداکاری را کاهش می‌دهد.

### ۲-۲-۱. شاخص جهانی شدن اقتصاد

#### ۱-۲-۲-۱. درجه باز بودن اقتصاد

درجه باز بودن، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های شاخص جهانی شدن اقتصاد به‌عنوان دومین عامل ساختاری است. تئوری پایه‌ای اقتصاد کلان باز تشخیص داده است که درجه باز بودن

---

1. Openness and Capital Mobility  
2. Bruno and Sachs  
3. Ball  
4. Grubb, Jackman and Layard

اقتصاد رابطه منفی با زیان ستاده‌ای سیاست‌های کاهش تورمی دارد. منطق نظری ایشان این است که در اقتصاد بازتر با تقویت نرخ ارز ناشی از یک انقباض پولی اثر مستقیم بزرگ‌تری روی سطح قیمت‌ها دارد و در نتیجه با سقوط بیشتر تورم، نسبت فداکاری کوچک‌تر می‌شود. بال (۱۹۹۵) و اخیراً تمپل<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) نتیجه‌گیری کرده‌اند که شواهد قوی دال بر تأثیر گذاری درجه باز بودن اقتصاد روی رابطه مبادله بین تورم و تولید به دست نیامده است. با وجود این دنیلز، نورزاد و وانهوز<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) با تحلیل داده‌های تمپل رابطه مثبت غیرمبهمی را بین درجه باز بودن و نسبت فداکاری به دست آوردند. آنها با استفاده از مفهوم استقلال بانک مرکزی نتیجه گرفتند بین دو متغیر درجه باز بودن و نسبت فداکاری، رابطه مثبتی وجود دارد و درجه باز بودن، منحنی فیلیپس هموارتر را به جای منحنی شیب‌دار ایجاد می‌کند.

### ۲-۲-۱. تحرک سرمایه

جنبه دیگر از شاخص جهانی شدن، تحرک سرمایه است. ارتباط بین نسبت فداکاری و درجه پویایی سرمایه در چارچوب مدل ماندل - فلمینگ<sup>۳</sup> و بهینه‌سازی مبتنی بر چارچوب نئو کینزی‌ها بنا شده است. برای درک اینکه چطور پویایی سرمایه روی نسبت فداکاری در چارچوب ماندل - فلمینگ اثر می‌گذارد، دو حالت قطبی تحرک کامل سرمایه و تحرک صفر را در نظر می‌گیرند. در حالت تحرک صفر توازن یا برابری با نرخ بهره وجود ندارد بنابراین محدوده بیشتری برای تعدیل نرخ بهره داخلی در واکنش به شوک‌ها وجود خواهد داشت. در همان زمان هر چند حساب سرمایه بسته است، اما به تجارت خالص متعادل نیازمند است، بنابراین باعث محدودیت انعطاف‌پذیری نرخ ارز حقیقی خواهد شد. در حالت تحرک کامل تعدیل نرخ بهره داخلی محدود است در حالی که نرخ حقیقی ارز محدوده بیشتری را تعدیل می‌کند، بنابراین درجه تحرک سرمایه بر تقاضای کل که بر نرخ بهره حقیقی و نرخ حقیقی ارز واکنش نشان می‌دهد، اثر می‌گذارد و این به نوبه خود بر تبادله تولید - تورم

1. Temple

2. Daniels, Nourzad and Vanhooose

3. Mundell - Fleming

تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر تحت چارچوب ماندل - فلمینگ با محدودیت کمتر تحرک سرمایه، نسبت فداکاری باید بزرگ‌تر شود.

### ۳-۱. عوامل نهادی

این عوامل لزوم محاسبه ساختار اهدافی را منعکس می‌کند که در بین بانک‌های مرکزی وجود دارد. به عنوان اولین عامل نهادی، استقلال بانک مرکزی را مورد ملاحظه قرار می‌دهیم.

#### ۳-۱-۱. استقلال بانک مرکزی

یک بانک مرکزی مستقل و عاری از وابستگی سیاسی، تمایل کمی برای حمایت از انتخاب مجدد دولت وقت دارد. به این معنا که بانک مرکزی مستقل به دور از جنجال‌های سیاسی و مبارزات انتخاباتی، براساس اصول اقتصادی و نه سیاسی به تصمیم‌گیری اقدام می‌کند و تحت تأثیر ملاحظات سیاسی و حزبی قرار نمی‌گیرد.

مطالعات مختلفی همبستگی مثبت و معنادار بین استقلال بانک مرکزی و نسبت فداکاری را گزارش داده‌اند (Debelle and Fischer, 1994).

بیشترین و معمولی‌ترین تحلیل تئوریک این نتایج تجربی این است که استقلال بانک مرکزی ممکن است به کاهش سطح تورم کمک کند (با کاهش دادن عوامل به وجود آورنده تورش تورمی)، اما این موضوع می‌تواند چسبندگی‌های دستمزد اسمی را نیز به طور غیرمستقیم افزایش دهد که در نتیجه اندازه نسبت فداکاری بزرگ‌تر خواهد شد (Walsh, 1995).

#### ۳-۲. هدف‌گذاری تورم

عامل نهادی دوم، بحث هدف‌گذاری تورم<sup>۱</sup> است. برنانکی و همکاران<sup>۲</sup> (۱۹۹۹) هدف‌گذاری تورم را «یک چارچوب برای سیاست پولی که با اعلان عمومی از اهداف مقداری رسمی (یا دامنه هدف)

---

1. Inflation Targeting  
2. Bernanke and etal.

برای نرخ تورم در طول یک یا چند افق زمانی و با تصدیق‌های صریح که تورم پایین و پایدار هدف عمده و اصلی سیاست پولی در بلندمدت است، مشخص می‌شود»، تعریف کرده‌اند. به‌طور کلی، طرفداران هدف‌گذاری تورم ادعا می‌کنند که این سیستم توانایی بیشتری برای هماهنگ کردن انتظارات تورمی نسبت به دیگر تنظیمات پولی دارد، چرا که تعهدی را به روشنی اعلام می‌کند که هدف آن قابل اثبات است. اگر این نظریه درست باشد کشورهای که این سیستم را اتخاذ می‌کنند، باید قادر باشند برای رسیدن به نرخ پایین‌تر تورم تولیدات کمتری را از دست دهند.

بحث تنویری که در قالب ادبیات ناسازگاری زمانی پویا مطرح است اینکه چرا کشورهای منطبق با هدف‌گذاری تورم باید نسبت فداکاری کوچک‌تری داشته باشند. هدف‌گذاری تورم انگیزه بانک مرکزی را برای نشان دادن رفتار فرصت‌طلبانه (تورش تورمی) حداقل می‌کند و این ممکن است اعتبار بانک مرکزی را افزایش دهد و متعاقب آن عموم مردم انتظارات تورمی خود را در یک حالت سریع تعدیل کنند و بنابراین هزینه‌های سیاست‌های تورم‌زدایی کاهش یابد. البته این تحلیل می‌تواند به‌صورت دیگری نیز باشد. اگر بانک مرکزی فقط روی اهداف تورمی متمرکز شود در این صورت شاخص دستمزد اسمی می‌تواند کاهش یابد و چسبندگی دستمزد اسمی افزایش یابد و به تبع آن نسبت فداکاری افزایش یابد (Ibid.).

#### ۴-۱. شرایط بیرونی، عوامل سیاسی و اصلاحات ساختاری

از جمله متغیرهای بیرونی که می‌تواند روی نسبت فداکاری تأثیر گذارد، می‌توان رشد اقتصادی شرکای تجاری<sup>۱</sup> و رابطه مبادله<sup>۲</sup> را نام برد. همچنین عوامل سیاسی و اصلاحات ساختاری می‌تواند روی نسبت فداکاری مؤثر باشند.

1. Growth of Trading Partners  
2. Terms of Trade



### ۱-۴-۱. رشد اقتصادی شرکای تجاری

التجایی و ریاحی (۱۳۹۱) با بررسی نسبت فداکاری در آمریکای لاتین نشان دادند شواهد واضحی درخصوص اثر درجه باز بودن بر نسبت فداکاری وجود ندارد. آنها تأثیر عوامل بیرونی مانند رشد شرکای تجاری، رابطه مبادله را روی نسبت فداکاری بررسی کردند. نتایج حاکی از این بود که بی‌ثباتی و نوسان‌های رابطه مبادله، اثر منفی بر نسبت فداکاری دارد؛ در مقابل، رشد اقتصادی سریع‌تر شرکای تجاری می‌تواند هزینه‌های کاهش تورم را تقلیل دهند.

### ۱-۴-۲. عوامل سیاسی

عوامل سیاسی نیز ممکن است در تورم‌زدایی تأثیر داشته باشد. انتخابات و به‌عبارت‌دیگر دولت تازه انتخاب شده، شاید در دوره کوتاه خاصی، از شرایط اعتباری مناسبی برخوردار باشد و این چارچوب زمانی خاص می‌تواند برای شروع کاهش تورم مناسب باشد و باعث کاهش هزینه تورم‌زدایی شود.

### ۱-۴-۳. اصلاحات ساختاری

اصلاحات ساختاری شامل حفاظت از بازارهای ملی، تسهیل عملیات بازار، کاهش مداخله دولت در فعالیت‌های اقتصادی و اصلاحات مالیاتی است. اصلاحات مالیاتی به‌طور مستقیم روی نسبت فداکاری تأثیر نمی‌گذارد، ولی می‌تواند روی روند تولید اثر گذارد و باعث کاهش هزینه‌های تورم‌زدایی شود.

فریدمن<sup>۱</sup> (۱۹۹۷) در مراسم اهدای جایزه نوبل خود بیان کرد که رابطه مثبتی میان سطح تورم و نااطمینانی تورم وجود دارد. به عبارتی، تورم بالاتر به نااطمینانی بیشتر تورم و به کاهش رفاه و کارایی رشد تولید منجر می‌شود. علاوه بر این، نااطمینانی تورم هنگامی پرهزینه است که قیمت‌های نسبی را منحرف می‌کند و ریسک قراردادهای اسمی را افزایش می‌دهد.

گالوب<sup>۱</sup> (۱۹۹۳) نااطمینانی تورم را یکی از مهم‌ترین هزینه‌های تورم معرفی می‌کند. وی معتقد است نااطمینانی تورم مانند ابری بر تصمیمات عاملان اقتصادی سایه می‌افکند و موجب کاهش رفاه آنها می‌شود؛ زیرا آنها بدون وجود نااطمینانی می‌توانند تصمیمات بهتری اتخاذ کنند. وی معتقد است نااطمینانی تورمی دو اثر دارد: اولین اثر آن است که عاملان اقتصادی تصمیماتی را اتخاذ می‌کنند که متفاوت از آن چیزی باشد که انتظار داشته‌اند و این نوع آثار را آینده‌نگر<sup>۲</sup> می‌نامد. چون در این نوع تصمیم‌گیری‌ها تورم پیش‌بینی شده لحاظ می‌شود. دسته دوم اثرها، در جریان بعد از اخذ تصمیم، جای می‌گیرند که به آنها آثار گذشته‌نگر<sup>۳</sup> می‌گویند. این آثار زمانی اتفاق می‌افتند که تورم واقعی با آن چیزی که پیش‌بینی شده بود متفاوت باشد. بنابراین اثر نااطمینانی تورم به درک اشتباه از سطوح قیمت‌های نسبی و انحراف نشانه‌های قیمتی منجر شده و در نتیجه برنامه‌های سرمایه‌گذاری را ناکارا کرده و از سطح سرمایه‌گذاری می‌کاهد. با کاهش سرمایه‌گذاری، انباشت سرمایه کاهش یافته و این کاهش اثر پایدار و بلندمدت بر اقتصاد داشته و سبب کاهش رشد اقتصادی می‌شود.

همان‌گونه که اشاره شد نااطمینانی تورمی بر متغیرهای حقیقی تأثیر می‌گذارد. از طرفی نااطمینانی تورمی، تورم را تشدید و ماندگاری و آثارش را بیشتر می‌کند. بنابراین نسبت فداکاری هم به صورت حقیقی (ارتباط متغیرهای حقیقی با تولید و بیکاری)، و هم به صورت اسمی (ارتباط نااطمینانی تورمی با تورم) از نااطمینانی تورمی تأثیر می‌پذیرد. تأثیر نااطمینانی تورمی بر فعالیت‌های اقتصادی را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

۱. نااطمینانی تورمی طول دوره قراردادها را کاهش می‌دهد. به دلیل وجود نااطمینانی نسبت به تورم آینده، طرفین قراردادها سعی می‌کنند مدت قرارداد را کاهش دهند تا زیان وارده بر طرفین کاهش یابد.

۲. آثار تخصیص منابع که بر سازوکار قیمت‌ها استوار است، مختل گشته و تحت تأثیر

قرار می‌گیرد.

---

1. Golob  
2. Ex-ante  
3. Ex-post

۳. نااطمینانی تورمی به علت اثرگذاری بر نرخ بهره بلندمدت، بر بازارهای مالی اثر گذاشته و پس انداز، مصرف و سرمایه‌گذاری نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

۴. اگر پرداخت‌ها در قراردادها با تورم شاخص‌بندی نشوند، در ارزش خالص پرداخت‌های آتی نااطمینانی ایجاد خواهد شد.

۵. به دلیل اختصاص قسمتی از منابع برای پیش‌بینی تورم در آینده و همچنین برای مشارکت در ریسک، هزینه‌هایی بر عاملان اقتصادی تحمیل می‌شود.

۶. در صورتی که تورم با آنچه عاملان اقتصادی پیش‌بینی کرده‌اند متفاوت باشد، آنگاه عاملان اقتصادی در تصمیم‌های خود ممکن است متحمل سود یا زیان شوند.

۷. تصمیم‌های سرمایه‌گذاران و پس‌اندازکنندگان مختل می‌شود، چون بنگاه‌ها و اشخاص در صورت وجود نااطمینانی تورمی، ارزش واقعی پرداخت‌های اسمی آتی خود را نمی‌دانند.

## ۲. پیشنهاد تحقیق

با توجه به آمار کشور طی دوره ۳۵ سال اخیر میانگین نرخ تورم حدود ۲۰ درصد بوده است که عوامل متعددی مثل شوک درآمدهای نفتی، جنگ، تحریم و غیره بر تورم مؤثر بوده‌اند. با توجه به اهتمام دولت‌ها نظیر حاکم ساختن انضباط پولی یا عوامل خارجی مثل تغییر قیمت نفت در برخی دوره‌ها تورم کاهش پیدا کرده است. در مطالعات داخلی در خصوص ادبیات نسبت فداکاری به تخمین آن بسنده کرده‌اند و به عوامل مؤثر بر آن پرداخته نشده است.

## ۲-۱. مطالعات داخلی

فرزین‌وش و علی‌نژاد مهربانی (۱۳۸۶) به محاسبه نسبت فداکاری در اقتصاد ایران براساس داده‌های سری زمانی فصلی طی دوره سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۴ با استفاده از مدل خودرگرسیون برداری ساختاری<sup>۱</sup> پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که به دنبال سیاست تورمزدایی حدود ۶ سال طول می‌کشد تا تورم به‌طور دائمی به سطح پایین‌تری منتقل شود. میزان کاهش روند تورمی

حدود ۰/۱۸ است حال آنکه میزان کل زیان تولیدی به دلیل اعمال این سیاست که طی این دوره ۶ ساله از دست می‌رود برابر با ۰/۳۹- است (در بلندمدت و پس از پایان این دوره تولید ۳۹ درصد افزایش می‌یابد). لذا نسبت فداکاری ۲/۱۷- به دست می‌آید. منفی بودن نسبت فداکاری محاسبه شده بدین معناست که در اقتصاد ایران اعمال سیاست پولی جهت دستیابی به یک روند تورمی پایین‌تر دارای وقفه اثرگذاری طولانی ۶ سال است و طی این سال‌ها، تولید کاهش اولیه خود را در طول زمان جبران می‌کند و سپس افزایش می‌یابد.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۶)، در کتاب تحلیل تجربی تورم و قاعده سیاست‌گذاری پولی در ایران به محاسبه نسبت فداکاری با مدل خودرگرسیون برداری ساختاری طی دوره ۱۳۸۲-۱۳۵۰ با یک وقفه اثرگذار ۱۰ ساله اقدام کرده که شامل سه متغیر نقدینگی، رشد اقتصادی و تورم می‌شود که نسبت فوق را برای وقفه‌های یک، دو و سه به ترتیب ۱/۳۱، ۱/۱۰ و ۰/۶۲ و برای دوره چهارم به بعد عددی منفی به دست آورده است. این نتایج بدین معناست که گرچه در کوتاه‌مدت زیان تولید بیشتر از منافع کاهش تورم است، اما در بلندمدت با تعدیل انتظارات تورمی از میزان پایداری کاسته شده و منافع کاهش تورم به مراتب بیشتر از زیان تولید خواهد شد.

ریاحی (۱۳۹۰) به محاسبه نسبت فداکاری برای ۴۰ کشور منتخب در حال توسعه و رابطه آن با سایر متغیرهای تأثیرگذار پرداخت. نتایج وی نشان می‌دهد که متوسط نسبت فداکاری برای کشور ایران طی یک دوره ۱۰ ساله برابر با ۰/۱۱- است. همچنین به‌طور کلی اثر تورم اولیه بر نسبت فداکاری منفی است به دلیل اینکه در سطوح تورمی بالاتر چسبندگی اسمی کاهش می‌یابد و با تعدیل سریع قیمت‌ها و دستمزدها نسبت فداکاری نیز کاهش می‌یابد.

تشکینی (۱۳۸۵)، به بررسی رابطه تورم و نااطمینانی تورم برای اقتصاد ایران طی دوره فروردین ۱۳۶۹ تا اسفند ۱۳۸۳ پرداخت. وی تحلیل خود را براساس مدل‌های واریانس ناهمسانی شرطی خودرگرسیو<sup>۱</sup> و خودرگرسیو تعمیم‌یافته<sup>۲</sup> انجام داد. در واقع، واریانس شرطی به‌عنوان شاخصی برای نااطمینانی تورم تعریف شد و سپس با استفاده از آزمون علیت

1. Auto Regressive Conditional Heteroskedastic (ARCH)

2. Generalised Auto Regressive Conditional Heteroskedastic (GARCH)

گرنجر، رابطه بین تورم و نااطمینانی تورم را بررسی کرد. نتایج نشان داد افزایش تورم به نااطمینانی تورم منجر خواهد شد، ولی رابطه معکوس صادق نیست.

نجارزاده، سبحانی و سلیمانی (۱۳۹۲)، با استفاده از مدل ناهمسانی واریانس راه‌گزینی مارکوف<sup>۱</sup> در قالب یک مدل فضا-حالت به بررسی رابطه بین تورم و نااطمینانی تورم در اقتصاد ایران در دوره ۱۳۸۹-۱۳۶۷ پرداخته‌اند. این مدل تورم را به دو جزء دائمی و موقت تقسیم می‌کند که این تجزیه و تحلیل ارتباط بین تورم و نااطمینانی تورمی را در کوتاه‌مدت و بلندمدت میسر می‌سازد. نتایج حاصل نشان می‌دهد که افزایش در جزء دائمی نااطمینانی به افزایش نرخ روند بلندمدت تورم و افزایش در نااطمینانی کوتاه‌مدت به کاهش نرخ تورم کوتاه‌مدت منجر می‌شود. همچنین تأثیر هم‌زمان افزایش در جزء دائمی و موقتی نااطمینانی به افزایش چشمگیری در روند تورم اقتصاد ایران منجر می‌شود.

## ۲-۲. مطالعات خارجی

لیتمو و روست<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) به محاسبه نسبت فداکاری برای ۶ کشور کانادا، نروژ، سوئد، هلند، سوئیس و انگلستان پرداختند. آنها با استفاده از یک مدل اتورگرسیون برداری به استخراج توابع عکس‌العمل برای شوک‌های تصادفی پولی و آثار آن روی تورم و تولید پرداختند که در نهایت تخمین‌های آنها از نسبت فداکاری برای کشورهای مذکور در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. تخمین نسبت فداکاری توسط لیتمو و روست

کشور	کانادا	نروژ	هلند	سوئد	سوئیس	انگلستان
نسبت فداکاری برآورد شده	۲/۲۶	-۰/۷۶	۲/۶	۱/۱۶	۱/۸	۰/۹۶
دوره مورد مطالعه	۱۹۹۹:۴-۱۹۷۶:۳	۱۹۹۹:۴-۱۹۷۹:۳	۱۹۹۸:۴-۱۹۶۱:۳	۱۹۹۹:۴-۱۹۷۰:۳	۱۹۹۹:۴-۱۹۷۷:۲	۱۹۹۹:۴-۱۹۷۳:۳

Source: Leitemo and Roste, 2003.

1. Markov Switching (MRSH)
2. Leitemo and Roste

اگر فرض بر این باشد که نسبت فداکاری پایین تر با فرض ثبات سایر شرایط، یک بده - بستان مطلوب بین تورم و تولید را نشان می‌دهد، جدول فوق حاکی از این است که سیاستگذاران نروژ و انگلستان می‌توانند نسبت به بقیه کشورها اهداف تورمی سفت و سختی را دنبال کنند. در حالی که مقام‌های کانادا و بیشتر از آن هلند، پیگیری اهداف تورمی را خیلی پرهزینه خواهند یافت چراکه نوسان‌های تولید بیشتر از بقیه خواهد بود.

جدول ۲ خلاصه‌ای از تخمین‌های نسبت فداکاری را در ایالات متحده ارائه می‌کند. بنابراین با به کارگیری روش‌های مختلف و همچنین متفاوت بودن دوره‌های بررسی، شاهد نتایج متفاوت هستیم، هرچند همگی بر مثبت بودن نسبت فداکاری در ایالات متحده دلالت دارند. مثبت بودن حاکی از تحمیل زیان‌های حقیقی به اقتصاد در پی کاهش تورم است که این زیان شاید با وقفه طی دوره مورد نظر، خود را نشان داده باشد.

#### جدول ۲. تخمین‌های مختلف نسبت فداکاری برای ایالات متحده

مطالعه	روش	نسبت فداکاری
Ball (1994)	دوره به دوره	۲/۲۷
Cecchetti and Rich (2001)	خودرگرسیون برداری ساختاری (دو متغیره)	۱/۴
Cecchetti and Rich (2001)	خودرگرسیون برداری ساختاری (سه متغیره)	۴/۰۵
Cecchetti and Rich (2001)	خودرگرسیون برداری ساختاری (چهار متغیره)	۹/۸۷
Jordan (1997)	دوره به دوره	۲/۹۸
Jordan (1997)	دوره به دوره	۵/۹۳

در بیشتر مطالعات صورت گرفته، چه به صورت تخمین‌های نقطه‌به‌نقطه چه در گذر زمان، صرفاً نسبت فداکاری برآورد شده است. مطالعات تجربی، مخصوصاً مطالعات داخلی، آثار متغیرهای بالقوه تأثیرگذار روی نسبت فداکاری را چندان بررسی نکرده است. از این رو در این مطالعه بررسی تأثیر نااطمینانی تورمی که به صورت اسمی و حقیقی بر نسبت فداکاری مؤثر است، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۳. روش‌شناسی تحقیق

نویسنده‌های بسیاری نسبت فداکاری را تخمین زده‌اند، اما برخی روش‌های به‌کار رفته از سوی آنها برای این مطالعه مناسب نیستند. متعارف‌ترین روش آن است که مقدار این نسبت را از یک منحنی فیلپس تخمین زده شده (یعنی با برآورد رابطه بین تولید و تورم مبتنی بر سری‌های بلندمدت) به‌دست آورند (Okun, 1978). یک محدودیت این روش آن است که بده - بستان تولید - تورم را در دوره‌های تورم‌زدایی همچون دوره‌های افزایش در روند تورم یا دوره‌های نوسان‌های موقت در تقاضا یکسان فرض می‌کند. چنانچه نسبت فداکاری متأثر از عوامل مربوط به تورم‌زدایی نظیر سیاست‌های درآمدی یا تغییر در انتظارات ناشی از تغییر در اعتبار<sup>۱</sup> باشد، آنگاه این محدودیت یعنی فرض یکسان بودن نسبت فداکاری در همه دوره‌ها، اشتباه خواهد بود. مهم‌تر آنکه روش منحنی فیلپس نسبت فداکاری را برای همه دوره‌های تورم‌زدایی در یک سری زمانی ثابت در نظر می‌گیرد. در این مقاله، تنها دوره‌های کاهش نرخ تورم برای محاسبه نسبت فداکاری مورد استفاده قرار می‌گیرد. نسبت‌های متفاوتی را برای هر بازه زمانی (دوره روند نزولی تورم) تخمین می‌زنیم. حسن روش مذکور آن است که درمی‌یابیم آیا این نسبت به‌طور نظام‌مند در یک کشور و همچنین در بین کشورها تغییر می‌کند یا خیر. سپس متوسط نسبت دوره‌ها را با عنوان نسبت فداکاری در الگو به‌عنوان متغیر وابسته مورد استفاده قرار می‌دهیم. این روش دربرگیرنده مراحل مختلف است. این مطالعه براساس روش ارائه شده بال (۱۹۹۴) انجام گرفته و در آن به توسعه روشی برای تشخیص دوره‌های تورم‌زدایی و محاسبه نسبت فداکاری مربوط به هر یک از آنها پرداخته می‌شود.

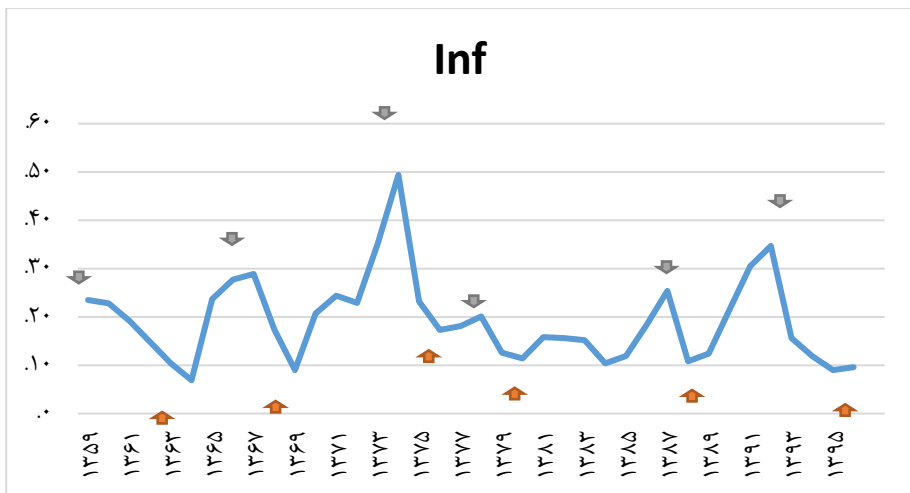
قدم اول در این روش، تعیین دوره‌های تورم‌زدایی است، یعنی دوره‌هایی که در آنها روند تورم<sup>۲</sup> به‌طور چشمگیری سقوط می‌کند. روند تورم به‌عنوان میانگین متحرک ۹ فصلی از تورم واقعی<sup>۳</sup> تعریف می‌شود. بنابراین روند تورم در فصل  $t$  برابر با میانگین تورم از دوره  $t-4$  تا دوره  $t+4$  است. چراکه این تعریف تضمین می‌کند هنگامی که در یک روند کاهشی

---

1. Credibility  
2. Trend Inflation  
3. Actual Inflation

بلندمدت قرار داریم یک دوره تورمزدایی با وقوع یک افزایش مختصر در تورم پایان نمی‌یابد. براساس این تعریف روند تورم یک نسخه هموار شده از تورم واقعی است. برای تعیین دوره‌های تورمزدایی در یک کشور مشخص، ابتدا نقاط «اوج» و «حذیض» را در روند تورم مشخص می‌کنیم. نقطه اوج، فصلی است که روند تورم در آن، از روند تورم در چهار فصل گذشته و چهار فصل آینده بزرگ‌تر باشد. به همین ترتیب نقطه حذیض نسبت به چهار فصل گذشته و آینده تعریف می‌شود. یک دوره تورمزدایی هر دوره‌ای است که از اوج تورم شروع می‌شود و در حذیض تورم با نرخ سالانه حداقل دو واحد درصد کمتر از نقطه اوج تمام می‌شود.

### نمودار ۱. دوره‌های تورمزدایی در ایران



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

این روش می‌تواند تغییرات معنادار ناشی از اجرای سیاست‌ها را در تورم از نوسان‌های کوچک‌تر ناشی از شوک‌ها تفکیک کند. کاهش در تورم که عمدتاً ناشی از شوک‌های عرضه است، آنقدر کوچک یا موقتی است که نمی‌توانند معیارهای این روش را برای دوره‌های تورمزدایی برآورده کنند. اساساً انقباض‌های عمده طرف تقاضا تنها منبع برای کاهش حداقل دو واحد درصدی در روند تورم است. مخرج نسبت فداکاری، تغییر در روند تورم



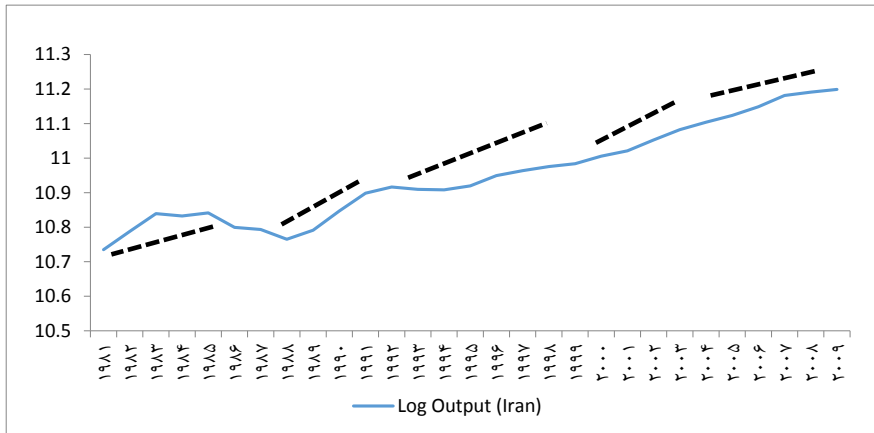
در طول یک دوره است؛ یعنی تفاوت بین تورم در نقطه اوج و حسیض. صورت نسبت فداکاری مجموع هدررفت‌های تولید است؛ یعنی تفاوت بین تولید واقعی<sup>۱</sup> و حالت اشتغال کامل یا سطح روند<sup>۲</sup>. مسئله ظریف و مهم، محاسبه روند تولید<sup>۳</sup> است؛ زیرا تفاوت‌های کوچک در محاسبه آن به تفاوت‌های بزرگ در انحراف از تولید منجر می‌شود.

روش‌های مرسوم برای اندازه‌گیری روند تولید نظیر فیلتر هدریک - پرسکات<sup>۴</sup> نتایج مناسبی را برای کار ما به دست نمی‌دهند. از آنجا که این روش‌ها، انحراف از روند را حداقل می‌کنند، رکود را کمتر از حد واقعی نشان می‌دهند یا حتی حذف می‌کنند. هدف ما ارائه تعریفی از روند تولید است که با دیدگاه‌های متعارف در مورد هزینه‌های دوره‌های مختلف تورم‌زدایی سازگار باشد. این تعریف بر اساس سه فرض بنا شده است:

اول اینکه در شروع یک دوره تورم‌زدایی، یعنی در نقطه اوج تورم، تولید در روند خود یا سطح طبیعی<sup>۵</sup> خود است. از آنجا که تغییرات در تورم در نقطه اوج صفر است، این فرض منطقی به نظر می‌آید. سطح طبیعی تولید اغلب به عنوان سطح سازگار با تورم باثبات تعریف می‌شود. دوم، فرض می‌شود که تولید چهار فصل بعد از پایان یک دوره دوباره در سطح روند خود است، یعنی چهار فصل بعد از یک حسیض تورم قرار دارد. منطبق بیان شده برای فرض اول حکم می‌کند که تولید در نقطه حسیض به سطح روند بازگردد؛ زیرا در آن نقطه است که تورم دوباره باثبات می‌شود. فرض آخر این است که روند تولید به صورت لگاریتمی - خطی بین دو نقطه که در آنها روند تولید و تولید واقعی با هم برابر هستند، رشد می‌کند. در یک نمودار، روند تولید از اتصال این دو نقطه در سری تولید لگاریتمی به دست می‌آید. صورت نسبت فداکاری مجموع انحراف‌های بین این خط هموار و تولید لگاریتمی است.

- 
1. Actual Output
  2. Trend Level
  3. Trend Output
  4. Hodrick - Prescott Filter
  5. Natural Level

نمودار ۲. شکاف تولید و روند



مأخذ: همان.

بال (۱۹۹۴) نسبت فداکاری را به عنوان هزینه کاهش تورم به میزان یک واحد طی یک انقباض در تقاضای کل تفسیر می کند. این تفسیر وی بر دو فرض بنا شده است: اول، تغییرات در تقاضا تنها منبع تغییرات در تورم است. به عبارت دیگر، شوک های سمت عرضه وجود ندارند. البته کاملاً محتمل است که تغییرات عرضه نیز همچون تغییرات تقاضا طی برخی دوره ها اتفاق بیافتد و این شوک های عرضه بر میزان هدررفت تولید و تغییرات در تورم تأثیر بگذارد.

فرض دوم در محاسبات ما از نسبت فداکاری آن است که روند تولید از دوره های تورم زدایی تأثیر نمی گیرد، یعنی هیچ اثر تأخیری<sup>۱</sup> وجود ندارد. مطالعات نشان می دهند که تغییرات تقاضا می تواند به طور دائمی تولید را کاهش دهد. به عبارت دیگر، سیاست انقباضی علاوه بر آنکه به انحراف موقتی از روند تولید منجر می شود، روند تولید را نیز کاهش می دهد. در این حالت، نسبت فداکاری تنزیل نشده حقیقی برابر با بی نهایت است، اما با تنزیل این نسبت در طول زمان می توان ارزش حال هدررفت تولید را در صورت نسبت فداکاری قرار داد و مقداری محدود برای این نسبت به دست آورد.

بال (۱۹۹۴) بر این باور است که نسبت محاسبه شده به روش پیشنهادی او شاخص مناسبی برای نسبت فداکاری است. متغیر محاسبه شده بال انحراف از روند تولید را محاسبه

می‌کند و تغییر در روند را نادیده می‌گیرد، اما کاملاً محتمل است که این اجزای هدررفت تولید با هم حرکت کنند؛ یعنی یک رکود بزرگ‌تر به یک هدررفت دائمی بزرگ‌تر منجر می‌شود. در این حالت، روش بال نسبت فداکاری را در همه دوره‌های تورم‌زدایی کمتر از حد واقعی ارزیابی می‌کند، اما به‌طور دقیق هزینه‌های نسبی دوره‌های مختلف را تعیین می‌کند. بنابراین می‌توان به مقایسه دوره‌ها پرداخت بدون آنکه به دنبال پاسخ به آن باشیم که آیا تورم‌زدایی تأثیرات دائمی دارند یا خیر.

در ادامه استخراج دوره‌های تورم‌زدایی برای ۳۱ کشور در حال توسعه انجام می‌گیرد که از سال ۱۹۸۱ میلادی یا بعد از آن آغاز و در سال ۲۰۱۵ تمام شدند. ملاک انتخاب کشورها نیز براساس معیارهای در حال توسعه بودن (International Monetary Fund, 2012) و دسترسی به داده‌ها بوده است. همچنین نتایج مربوط به دوره‌های تورم‌زدایی و نسبت فداکاری برای کشور ایران به‌طور جداگانه در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. نسبت فداکاری در دوره‌های مختلف تورم‌زدایی - ایران (۱۳۹۵-۱۳۶۰)

دوره‌های تورم‌زدایی	طول دوره	تورم اولیه	تغییرات تورم	نسبت فداکاری
۱۳۶۰-۱۳۶۴	۴	۲۲/۸۸	۱۶/۲۸	-۰/۶۴۶۷
۱۳۶۶-۱۳۶۹	۳	۲۸/۴۱	۱۶/۷۶	۰/۶۱۵۰
۱۳۷۴-۱۳۸۰	۶	۴۲/۳۷	۳۰/۲۲	۰/۳۱۹۷
۱۳۸۲-۱۳۸۵	۳	۱۵/۷۲	۲/۹۶	۳/۳۰۹۹
۱۳۸۷-۱۳۸۹	۲	۲۱/۷۳	۱۱/۷۴	۱/۷۲۹
۱۳۹۳-۱۳۹۵	۲	۳۴/۷	۲۵/۷	۲/۸۶۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

با توجه به جدول فوق، به‌غیر از دوره ۱۳۶۳-۱۳۵۹ که اقتصاد کشور با بی‌ثباتی زیاد مواجه بود و بخش چشمگیری از اقتصاد تحت تأثیر جنگ و دخالت‌های دولتی قرار داشت، در همه دوره‌ها تورم‌زدایی هزینه‌های حقیقی بر اقتصاد تحمیل کرده است. بیشترین نسبت

فداکاری در دوره ۱۳۸۴-۱۳۸۱ مشهود است. در دوره ۱۳۷۹-۱۳۷۳ با توجه به هزینه‌های بعد از جنگ و ثابت ماندن رشد اقتصادی و حتی منفی در بسیاری از بخش‌ها، کاهش تورم هزینه‌های حقیقی چندان نسبت به سایر دوره‌ها نداشته است.

همچنین با مطالعه داده‌های سالانه مورد بررسی ۳۱ کشور، در مجموع ۱۳۹ دوره تورم‌زدایی به دست می‌دهند. برای بیشتر کشورها تعداد دوره‌های تورم‌زدایی بین سه تا ۶ دوره بوده که تعداد آنها برای ایران ۶ دوره بوده است. نسبت فداکاری در ۷۴ دوره تورم‌زدایی مثبت است (برای ۳۱ کشور منتخب)؛ یعنی در این دوره‌ها تورم‌زدایی با هزینه به صورت زیان حقیقی همراه خواهد بود.

#### جدول ۴. متوسط نسبت فداکاری در کشورهای منتخب

کشور	میانگین نسبت فداکاری	کشور	میانگین نسبت فداکاری
کلمبیا	۰/۷۷۸۷	لیبی	-۰/۸۴۱
مصر	۰/۳۷۰۷	آذربایجان	۰/۰۲۱۱
اتیوپی	-۰/۹۵۸۵	ترکمنستان	-۰/۳۳۶۲
غنا	۰/۱۴۴۳	ترکیه	-۰/۶۲۱۱
مجارستان	۲/۰۲۳۰	رومانی	-۰/۲۵۴۹
هند	-۱/۸۳۷۷	بلاروس	۰/۶۵۰۴
اندونزی	۰/۸۲۶۰	بلغارستان	۰/۹۲۱۴
کنیا	۰/۲۴۳۶	مکزیک	-۰/۲۳۱۳
مراکش	-۰/۶۴۸۵	پرو	-۰/۴۱۲۳
نپال	۰/۰۶۱۰	بولیوی	۰/۳۶۱۲
نیجریه	۰/۲۰۲۲	غنا	-۰/۸۱۷۷
ایران	۰/۷۵۴۱	مالزی	۰/۳۷۰۵
تایلند	۰/۵۴۸۷	اندونزی	۰/۲۰۹۸
اوروگوئه	-۰/۳۲۱۵	تایلند	۰/۶۴۹۹
ونزوئلا	-۰/۰۳۵۲	الجزایر	۰/۴۱۲
بوسنی	۰/۱۷۲۱		

مثبت بودن میانگین نسبت فداکاری برای کشور نشان‌دهنده هزینه‌های حقیقی تورم‌زدایی است. برای مثال میانگین نسبت فداکاری برای ۶ دوره تورم‌زدایی در ایران ۰/۷۵۴۱ بوده است؛ یعنی میزان کل زیان تولیدی در قبال کاهش تورم به دلیل اعمال این سیاست که طی دوره‌ها از دست می‌رود برابر با ۰/۷۵۴۱ است (در بلندمدت و پس از پایان این دوره به‌ازای ۱۰ درصد کاهش تورم، تولید ۷/۵۴۱ درصد کاهش می‌یابد). نکته حائز اهمیت که باید درباره زیان حقیقی در نظر گرفته شود، این است که منظور از کاهش تولید، لزوماً کاهش تولید حقیقی اقتصاد طی دوره تورم‌زدایی نیست بلکه کاهش تولید را نسبت به روند بلندمدت آن اندازه‌گیری می‌کنند. در واقع سیاست کاهش تورم در ادبیات نسبت فداکاری (روش بال) بدین معناست که با کاهش تورم، اقتصاد نتوانسته روند رشد تولید خود را دنبال کند. به عبارتی زیان حقیقی، شکاف بین تولید حقیقی واقعی و بالقوه طی دوره مورد نظر است.

همچنین منفی بودن نسبت فداکاری به این معناست که کاهش تورم طی دوره منجر به افزایش تولید شده است. برای مثال ونزوئلا با میانگین نسبت فداکاری ۰/۰۳۵۲- برای پنج دوره حاکی از افزایش ۰/۰۳۵۲ تولید در قبال تورم است (در آخر دوره تورم‌زدایی، تولید ۰/۳۵۲ افزایش می‌یابد). با توجه به جدول ۴، منفی بودن نسبت فداکاری در برخی کشورها، متضمن آن است که همواره کاهش تورم به زیان‌های حقیقی منجر نمی‌شود. مواردی نظیر اصلاحات پولی، انضباط مالی، رشد نقدینگی سالم و مولد، نهادهای بستر ساز رشد اقتصادی و عواملی از این دست با توجه به خصوصیات منحصر به فرد هر اقتصاد مانع از بروز زیان‌های حقیقی در برخی دوره‌ها می‌شود. همچنین بزرگ بودن نسبت فداکاری در بعضی دوره‌ها و میانگین بالای همه دوره‌ها را می‌توان به هدف‌گذاری سخت تورم، پایان شوک عرضه مثل تحریم، پولی کردن کسری بودجه و رشد ناسالم پولی نسبت داد.

برای بررسی اثر ناطمینانی تورمی بر نسبت فداکاری، ابتدا سری زمانی ناطمینانی تورم را برآورد می‌کنیم. بی‌ثباتی متغیرهای اقتصادی که نوسان‌های زیادی دارند، براساس مدل‌های سری زمانی برآورد می‌شوند. در این مدل‌ها واریانس شرطی تورم از یک دوره به دوره دیگر تغییر می‌کند. از این‌رو، مدل‌های مختلفی برای محاسبه شاخص بی‌ثباتی در بسیاری از مطالعات مورد استفاده قرار گرفته است. در این مطالعه برای محاسبه ناطمینانی

متغیرهای سری زمانی از روش واریانس ناهمسانی شرطی خودرگرسیون استفاده می‌شود. در این روش ابتدا با استفاده از نمودار همبسته‌نگار، یک معادله میانگین برای متغیر موردنظر که می‌خواهیم سری زمانی نااطمینانی آن را برآورد کنیم، تصریح می‌کنیم. چنانچه پسماندهای آن از فرایند واریانس ناهمسانی شرطی خودرگرسیون پیروی کند می‌توان از آنها برای الگوسازی واریانس استفاده کرد. پس از انجام مراحل فوق و تعریف معادله میانگین، آن را به روش واریانس ناهمسانی شرطی خودرگرسیون تعمیم یافته و با توجه به معناداری ضرایب و معیارهای اطلاعات، تخمین زده و سری زمانی نااطمینانی متغیر تحت بررسی را استخراج می‌کنیم.

بعد از این مرحله می‌توان به سری زمانی این معادله که در واقع پروکسی نااطمینانی تورمی است، دست پیدا کرد. مراحل فوق برای همه کشورهای منتخب صورت می‌گیرد و میانگین دوره‌ای آن به‌عنوان عامل نااطمینانی تورمی وارد مدل می‌شود.

#### ۴. برآورد مدل، تجزیه و تحلیل داده‌ها

با توجه به متفاوت بودن دوره‌های تورم‌زدایی از کشوری به کشور دیگر (برای مثال ایران ۶ دوره و کلمبیا چهار دوره) میانگین نسبت فداکاری برای هر کشور به‌عنوان متغیر وابسته در الگو مورد استفاده قرار می‌گیرد. علاوه بر نااطمینانی تورمی دو متغیر میانگین تورم و درجه باز بودن تجاری نیز به‌عنوان متغیرهای کنترل در الگو لحاظ می‌شود. در این مطالعه از یک مدل حداقل مربعات معمولی<sup>۱</sup> برای بررسی رابطه بین نااطمینانی تورمی و نسبت فداکاری در ۳۱ کشور منتخب در حال توسعه استفاده کرده‌ایم که به‌صورت زیر تصریح شده است:

$$SR_i = C + \alpha_1 Inflation_i + \alpha_2 uncertainty_i + \alpha_3 Openness_i + \varepsilon_i$$

که  $SR$  متوسط نسبت فداکاری دوره‌های مختلف تورم‌زدایی،  $Inflation$  متوسط تورم،  $uncertainty$  متوسط نااطمینانی تورمی و  $Openness$  متوسط درجه باز بودن اقتصاد در بازه زمانی مورد مطالعه است.

جدول ۵. تخمین معادله عوامل مؤثر بر نسبت فداکاری

متغیر	ضرایب	سطوح اهمیت نهایی <sup>۱</sup>
تورم	۳/۲۲	۰/۰۳۸
ناطمینانی تورمی	۵/۱۲	۰/۰۰۹۱
درجه باز بودن اقتصاد	-۱/۳۶	۰/۱۷

مأخذ: همان.

براساس نتایج حاصل از جدول ۵ ضریب متغیر تورم در سطح اطمینان ۹۵ درصد مثبت و معنادار است. دلیل آن شاید این باشد که نرخ تورم بالاتر به معنای توجه کمتر بانک مرکزی به وظیفه اصلی خود یعنی حفظ ارزش پول ملی است که با کاهش اعتبار بانک مرکزی همراه خواهد بود. این امر خود به تورش تورمی منجر شده و به دلیل کاهش در کارایی سیاست‌های پولی هزینه کاهش تورم را افزایش می‌دهد.

ضریب متغیر ناطمینانی تورمی در سطح اطمینان ۱ درصد مثبت و معنادار بوده است، یعنی یک رابطه مثبت و معنادار بین ناطمینانی تورمی و نسبت فداکاری وجود دارد. ناطمینانی تورمی سرعت تورم‌زدایی را کاهش می‌دهد، این نتیجه منطبق با دیدگاه کینزی‌های جدید است. از یکسو وجود هزینه‌های فیزیکی نظیر چاپ لیست‌ها و کاتالوگ‌های جدید و هدر رفتن زمان مدیریت و هزینه‌هایی از این دست که تحت عنوان هزینه فهرست بها بیان شده‌اند، باعث می‌شوند که بنگاه‌ها به تغییرات جزئی در سطح عمومی قیمت‌ها واکنش قیمتی نشان نداده و از تولید خود بکاهند. تنها اگر تغییر سطح عمومی قیمت‌ها شدید باشد بنگاه مجبور به تعدیل قیمتی نیز خواهد شد. از سوی دیگر رژیم تغییرات سریع تورم برای مقام‌های پولی کسب اعتبار می‌کند، در حالی که برای کاهش تدریجی در تورم انتظارات تعدیل نمی‌شوند؛ زیرا حدس‌ها و گمان‌ها در مورد آنچه که آینده اتفاق خواهد افتاد، به وجود می‌آیند. به عبارت دیگر، در صورت شفاف عمل کردن مقام‌های پولی و عدم سردرگمی در بین کارگزاران اقتصادی، انتظارات آنان سریع تعدیل شده و تغییرات اندکی خواهیم داشت.

اما این موضوع می‌تواند چسبندگی دستمزدهای اسمی را نیز به‌طور غیرمستقیم افزایش دهد که در نتیجه اندازه نسبت فداکاری بزرگ‌تر خواهد شد.

ضریب متغیر درجه باز بودن اقتصادی، منفی و از لحاظ آماری بی‌معنا برآورد شده است. با توجه به تئوری پایه‌ای اقتصاد کلان باز (رومر/ بارو- گوردن) که درجه باز بودن اقتصاد یک رابطه منفی با زیان ستاده‌ای سیاست‌های کاهش تورمی دارد، نظریه مذکور در این مطالعه نقض می‌شود. یافته‌ها حاکی از صحت نتیجه‌گیری بال (۱۹۹۴) و تمپل (۲۰۰۲) دارد که شواهد قوی دال بر تأثیرگذاری درجه باز بودن اقتصاد روی رابطه مبادله بین تورم و تولید به‌دست نیامده است.

به‌منظور اطمینان از درست بودن ضرایب برآورد شده آماره‌های خوبی برازش و تشخیصی در جدول ۶ گزارش شده‌اند.

جدول ۶. آماره خوبی برازش

مقدار	آماره	آزمون
۰/۵۴	ضریب تعیین <sup>۱</sup>	خوبی برازش
۰/۱۰ (۰/۹۴۸۲)	جاک برا <sup>۲</sup>	نرمال بودن توزیع جمله اخلاص
۰/۶۷۳ (۰/۵۸۶۸)	بروش، پاگان و گادفری <sup>۳</sup>	واریانس ناهمسانی
۰/۰۲۷ (۴/۴۷)	آماره F	معناداری رگرسیون

مأخذ: همان.

آماره F بیانگر معنادار بودن رگرسیون انجام شده است. مقدار آماره خوبی برازش ضریب تعیین، برابر ۰/۵۴ است که نشان می‌دهد مدل برازش شده در حدود ۵۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهد؛ البته به دلیل مقطعی بودن داده‌ها (از طریق میانگین‌گیری) برازش

1. R<sup>2</sup>

2. Jarque Bera

3. Breusch, Pagan and Godfrey



صورت گرفته رضایت بخش است. آماره آزمون جاکرک برا فرضیه نرمال بودن باقی مانده‌ها را رد نمی‌کند. آماره آزمون مربوط به واریانس ناهمسانی حاکی از نبود واریانس ناهمسانی در الگو است.

### ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

دوره‌ای دشوار تورم‌زدایی و تولید ازدست‌رفته جزء انتخاب‌های مهم دولت‌هاست؛ زیرا رکود و تورم هر کدام به نحوی نارضایتی را به همراه خواهد داشت. نسبت فداکاری زیان انباشته در تولید واقعی را در نتیجه ۱ درصد کاهش در تورم اندازه‌گیری می‌کند. در این تحقیق با استفاده از داده‌های میانگین دوره ۲۰۱۵-۱۹۸۱ برای ۳۱ کشور در حال توسعه، تأثیر نااطمینانی تورمی بر نسبت فداکاری مورد مطالعه قرار گرفت. نااطمینانی تورمی با استفاده از روش واریانس ناهمسانی شرطی خودرگرسیو تعمیم‌یافته برای هر کشور مدل‌سازی و میانگین آن وارد الگو شد. برای استخراج نسبت فداکاری از روش بال استفاده شد که با استخراج دوره‌های تورم‌زدایی، انحراف تورم از روند آن طی دوره تورم‌زدایی و همچنین انحراف تولید از روند آن در دوره تورم‌زدایی نسبت فداکاری برای کشورها محاسبه شد. با توجه به متفاوت بودن دوره‌های تورم‌زدایی بنا به وضعیت منحصر به فرد هر کشور (برای مثال ایران ۶ دوره و کلمبیا چهار دوره) از میانگین نسبت‌ها برای همه دوره‌ها برای هر کشور استفاده شد.

با بهره‌گیری از متوسط تورم، نااطمینانی تورمی و درجه باز بودن اقتصاد، تأثیر عوامل مذکور بر نسبت فداکاری به روش حداقل مربعات معمولی مدل برآورد شد. نتایج حاصل از آزمون‌های تشخیصی و آماره خوبی برازش دلالت بر رضایت بخش بودن تصریح الگو دارد. اثر تورم و نااطمینانی تورمی بر نسبت فداکاری، مثبت و معنادار تشخیص داده شد. به علاوه اثرگذاری نااطمینانی بیشتر از تورم برآورد شد. شاید دلیل آن تأثیر چندجانبه نااطمینانی بر اقتصاد (شامل متغیرهای حقیقی و اسمی) باشد. ولی باز بودن تجاری از لحاظ آماری معنادار نبود و نتوانست تغییرات نسبت فداکاری را توضیح دهد.

نااطمینانی تورمی با کاهش سرعت تورم‌زدایی و تأیید نظریه نئوکینزی‌ها، مبنی بر

چسبندگی دستمزدهای اسمی، بر نسبت فداکاری تأثیر مثبت داشته و مقدار آن را بیشتر می‌کند. به دلیل تعامل موجود بین رشد اقتصادی و تورم و همچنین ویژگی‌های دوره رکود باید سیاست تورمزدایی سریع‌تر صورت گیرد یا شفافیت سیاست‌ها به نحوی باشد که کارگزاران انتظارات را تعدیل کنند و نااطمینانی حداقل شود. انتظار اینکه دولت از تورم به نفع خود سود خواهد برد، تورش تورمی ایجاد می‌کند و به چسبندگی قیمت‌ها و دستمزدهای اسمی دامن می‌زند. بنابراین باید سیاستگذاران سیاست‌های ضد تورمی خود را با حداقل هزینه برای بخش حقیقی و از طریق سالم‌سازی رشد نقدینگی و کنترل انتظارات تورمی دنبال کنند.

## منابع و مآخذ

۱. اصغری قرا، احسان (۱۳۹۲). «بررسی رابطه استقلال بانک مرکزی و نسبت فداکاری در کشورهای در حال توسعه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
۲. التجایی، ابراهیم و خدیجه ریاحی (۱۳۹۱). «عوامل مؤثر بر هزینه تولیدی تورم‌زدایی در کشورهای در حال توسعه»، پژوهشنامه اقتصادی، ش ۲۴.
۳. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵). *بانک اطلاعات سری زمانی*. [www.cbi.ir](http://www.cbi.ir)
۴. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۶). *تحلیل تجربی تورم و قاعده سیاست‌گذاری پولی در ایران*.
۵. تشکینی، احمد (۱۳۸۵). «آیا ناطمینانی تورمی با سطح تورم تغییر می‌کند؟»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، ش ۷۳.
۶. ریاحی، خدیجه (۱۳۹۰). «بررسی عوامل مؤثر بر نسبت فداکاری در ایران و برخی از کشورهای در حال توسعه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۷. فرزین وش، اسداله و فرهاد علی‌نژاد مهربانی (۱۳۸۶). «محاسبه نسبت تبادل تولید و تورم (مورد اقتصاد ایران)»، *فصلنامه نامه مفید*، ش ۶۳.
۸. محنت‌فر، یوسف و سیده وجیهه میکائیلی (۱۳۹۲). «ارزیابی ارتباط نرخ تورم و شکاف تولید در ایران»، *سیاست‌های مالی و اقتصادی*، سال اول، ش ۳.
۹. نجارزاده، رضا، بهرام سبحانی و سیروس سلیمانی (۱۳۹۲). «بررسی رابطه بین تورم و ناطمینانی تورم در کوتاه‌مدت و بلندمدت: کاربردی از مدل‌های فضا - حالت با واریانس ناهمسانی راه‌گزینی مارکف»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ش ۵۴.
10. Akerlof, G. A. and J. L. Yellen (1987). "Rational Models of Irrational Behavior", *American Economic Review*, Vol. 77, No. 2.
11. Ball, L. (1994). "What Determines the Sacrifice Ratio?", In *Monetary Policy*, The University of Chicago Press. A Chapter in *Monetary Policy*, from National Bureau of Economic Research, Inc.
12. \_\_\_\_\_ (1995). "Disinflation with Imperfect Credibility", *Journal of Monetary Economics*, Vol. 35, Issue 1.
13. Ball, L., N. G. Mankiw and D. Romer (1988). *The New Keynesian Economics and*

*the Output–Inflation Trade-off*, Brookings Papers on Economic Activity.

14. Ball, L. and D. Romer (1990). "Real Rigidities and the Non-Neutrality of Money", *Review of Economic Studies*, Vol. 57.
15. Bernanke, B. S., T. Laubach, F. S. Mishkin and A. S. Posen (1999). *Inflation Targeting: Lessons from the International Experience*, Princeton: Princeton University Press.
16. Bruno, Michael and Jeffrey D. Sachs (1985). *Economics of Worldwide Stagflation*, Harward Publication.
17. Cecchetti, Stephen and Robert Rich (2001). "Structural Estimates of the U.S. Sacrifice Ratio", *Journal of Business and Economic Statistics*, Vol. 19, Issue.4.
18. Daniels, J. P., F. Nourzad and D. D. VanHoose (2005). "Openness, Central Bank Independence, and the Sacrifice Ratio", *Journal of Money, Credit and Banking, the Ohio State University Press*, Vol. 37, No. 2.
19. Debelle, G. and S. Fischer (1994). "How Independent Should a Central Bank Be?", Conference Series; Federal Reserve Bank of Boston, Vol. 38.
20. Defina, Robert H. (1991). "Does Inflation Depress the Stock Market?", *Business Review*, Issue Nov.3-12.
21. Fisher, A. (1996). "Central Bank Independence and Sacrifice Ratios", *Open Economies Review*, Vol. 7.
22. Friedman, M. (1970). "The Counter-Revolution in Monetary Theory", IS Occasional Paper No. 33, London, Institute of Economic Affairs.
23. \_\_\_\_\_ (1997). "Nobel Lecture: *Inflation and Unemployment*," *Journal of Political Economy*, Vol. 85.
24. Golob, J. E. (1993). "Inflation, Inflation Uncertainty and Relative Price Variability; A Survey", Research Working Paper 15- 93 , Federal Reserve Bank of Kansas City.

25. Gordon, R. J., R. Stephen and F. Modigliani (1982). *The Output Cost of Disinflation in Traditional and Vector Autoregressive Models*, Brookings Papers on Economic Activity 1.
26. Gordon, R. J. (1990). "What Is New-Keynesian Economics?", *Journal of Economic Literature*, Vol. 28, No. 3.
27. Grubb, D., R. Jackman and R. Layard (1983). "Wage Rigidity and Unemployment in OECD Countries", *European Economic Review*, Vol. 21.
28. International Monetary Fund (2012). *World Economic Outlook Database October*.
29. Jordan, T. (1997). "Disinflation Costs, Accelerating Inflation Gains, and Central Bank Independence," *Weltwirtschaftliches Archive /Review of World Economics*, Vol. 133.
30. King, M. (2004). "The Institutions of Monetary Policy", *American Economic Review*, Vol. 94, No. 2.
31. Leitomo, Kai and Ole Bjorn Roste (2003). "Measuring the Sacrifice Ratio, Some International Evidence", *Monetary Policy and Macroeconomic Stabilization*, Vol. 21.
32. Lucas, R. (1972). "Expectations and the Neutrality of Money", *Journal of Economic Theory*, Vol. 4.
33. Mankiw, N. G. (1992). "The Reincarnation of Keynesian Economics", *European Economic Review*, Vol. 36 (2-3).
34. Okun, A. (1978). "Efficient Disinflationary Policies", *American Economic Review*, Vol. 68.
35. Romer, David (1993). "Openness and Inflation: Theory and Evidence", *The Quarterly Journal of Economics*, Vol. 108, No. 4.
36. Sargent, T. J. (1983). *Stopping Moderate Inflation: The Methods of Poincare and Thatcher*, Working Papers 1, Federal Reserve Bank of Minneapolis.
37. Sargent, T. J. and N. Wallace (1975). "Rational Expectations, the Optimal

Monetary Instrument and the Optimal Money Supply Rule", *Journal of Political Economy*, Vol. 83, No. 2.

38. Taylor, J. (1979). "Staggered Wage Setting in a Macro Model", *American Economic Review*, Vol. 69.

39. \_\_\_\_\_ (1993). "Discretion Versus Policy Rules in Practice", Carnegie- Rochester Conference Series on Public Policy, *Amsterdam: North-Holland*, Vol. 39.

40. Temple, J. (2002). "Openness, Inflation, and the Phillips curve: a puzzle", *Journal of Money, Credit, and Banking*, 34(2).

41. Walsh, C. (1995). "Optimal Contracts for Central Bankers", *American Economic Review*, No. 85(1).

# چالش‌ها و موانع دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه

فریبرز ارغوانی پیرسلامی\* و محدثه اسمعیلی\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۵

افزایش نقش مؤلفه‌های معیشتی در تعیین مبانی مشروعیتی نظام‌های سیاسی و تقویت روندهای منطقه‌گرایانه و در کنار آن تغییر بنیادین در مفهوم امنیت و تشدید وابستگی متقابل میان کشورها باعث شده است تا دیپلماسی اقتصادی در سطوح منطقه‌ای و جهانی از اهمیت برخوردار شود. پژوهش حاضر با طرح این پرسش که چالش‌های دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه کدام‌اند؟ با اتکا بر روش توصیفی-تبیینی و در قالب فرضیه، معتقد است که دیپلماسی اقتصادی ایران در منطقه خاورمیانه با چالش‌های متعددی در سه سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی روبه‌روست. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که عواملی همچون فقدان تعریف روشن از مفهوم، الگوهای متفاوت و مبهم توسعه، عدم تعیین کارگزار اصلی در این حوزه، تسلط نگاه امنیتی - نظامی بر سیاست خارجی در سطح ملی، محیط امنیتی خاورمیانه، اقتصادهای مشابه و نه مکمل، ضعف چندجانبه‌گرایی اقتصادی و مبادلات اقتصادی فرامنطقه‌ای در سطح منطقه‌ای و در نهایت مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای در تریبات منطقه‌ای و پیامدهای بحران‌های اقتصادی بین‌المللی در سطح جهانی، مهم‌ترین چالش‌های دیپلماسی اقتصادی ایران در منطقه خاورمیانه به‌شمار می‌روند.

**کلیدواژه‌ها: دیپلماسی اقتصادی؛ ایران؛ منطقه خاورمیانه؛ جهانی شدن؛ اقتصاد سیاسی بین‌الملل**

\* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)؛

Email: farghavani@shirazu.ac.ir

\*\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز؛

Email: m.esmaili1992@yahoo.com

## مقدمه

پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام دوقطبی و به تبع آن تحول مفهوم امنیت در عرصه بین‌المللی روند جهانی شدن را تسریع کرده است. این تحولات باعث ایجاد تغییراتی در اولویت‌بندی اهداف سیاست خارجی به عنوان حلقه واسطه عرصه داخلی و خارجی کشورها شده است. در این میان، دیپلماسی به منزله یکی از ابزارهای مهم سیاست خارجی کشورها از این تحولات بی‌تأثیر نبوده است. یکی از عمده‌ترین تأثیرات، افزایش اهمیت مؤلفه‌های اقتصادی در دیپلماسی و تقویت دیپلماسی اقتصادی بسیاری از کشورها (به‌جای دیپلماسی مبتنی بر مؤلفه‌های امنیتی و سیاسی) است (موسوی شفایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۸). ویژگی عصر حاضر در واقع همان شدت روابط چندجانبه بین دولت‌ها و مردم در سراسر جهان است. این ویژگی باعث می‌شود فرصت‌های بازرگانی شگرف و بزرگی در بازارهای نوظهور پدید آید و دلیلی برای توجه روزافزون در بین دانشمندان و سیاستگذاران به دیپلماسی اقتصادی و سیاست بازرگانی باشد (برژیک، ۱۳۹۴: ۶۶). از طرفی دیپلماسی اقتصادی با مفهوم امنیت اقتصادی نیز مرتبط است، زمانی که بررسی منافع دوجانبه و متقابل همکاری‌ها و اثر آن بر ثبات سیاسی مورد توجه قرار می‌گیرد این نکته حائز اهمیت است که این مسائل می‌تواند در رفع نزاع و جنگ‌های سیاسی و نظامی در عرصه بین‌الملل موفق عمل کند و آنها را به‌طور قطع کاهش دهد. جهانی شدن اقتصاد و گسترش بازارهای تجاری در سراسر جهان باعث شده است تا شبکه گسترده‌ای از فعالیت‌های تجاری بین کشورهای مختلف ایجاد شود که در این وضعیت مقوله دیپلماسی اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردار است. اغلب کشورهای جهان برای حل منازعات بین‌المللی از روش‌های اقتصادی و ایجاد روابط تجاری گسترده‌تر بهره برده‌اند و سطح این دیپلماسی روزبه‌روز بین کشورهای مختلف جهان بالاتر رفته و نقش آن در سیاست خارجی برجسته‌تر می‌شود و از این رو به دولت‌ها این امکان را می‌دهد که با استفاده از امتیازات اقتصادی در بین سایر کشورها نفوذ سیاسی کسب کنند و به اهداف اقتصادی و منافع ملی در سطح بین‌المللی نایل شوند.

منطقه خاورمیانه امروزه کانون انرژی جهان شناخته می‌شود به‌ویژه بعد از پایان جنگ جهانی دوم به این طرف با توجه به اهمیتی که انرژی در اقتصاد جهانی پیدا کرد قدرت‌های



بزرگ حساسیت بیشتری نسبت به گذشته به این منطقه نشان دادند. به طوری که منابع طبیعی نهفته در منطقه خاورمیانه زمینه‌ساز ستیز، کشمکش و رقابت‌های مختلف اقتصادی شده است، در حالی که همین عوامل می‌توانند فرصت‌های بسیاری را برای همکاری‌های اقتصادی متقابل کشورهای منطقه به وجود آورند. با بررسی وضعیت اقتصادی کشورهای خاورمیانه به ویژه ایران این نکته برجسته می‌شود که وضعیت اقتصاد داخلی و جایگاه اقتصاد ایران در جهان به اقدام‌های اساسی برای تغییر و تحول نیازمند است.

در وضعیت موجود، ایران در هیچ سازمان منطقه‌ای اقتصادی به جز اکو عضو نیست و اکو نیز نتوانست آن‌چنان موفق باشد. ایران در منطقه خلیج فارس با کشورهای عرب منطقه به هیچ سازوکاری از همکاری‌های اقتصادی دست نیافت و با وجود سرمایه‌گذاری در عراق و افغانستان در دو دهه اخیر نتوانست با مهم‌ترین شریک تجاری خود یعنی اروپا به موافقت‌نامه‌های جامعی در زمینه اقتصادی دست یابد. ایران با آنکه از پتانسیل‌های بالا و زمینه‌های مساعد برخوردار است درصد بسیار ناچیزی از سرمایه‌گذاری مستقیم جهانی در آن صورت می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۴). از طرفی تحریم‌های انجام شده از جانب آمریکا علیه ایران خود مانع دیگری است که اقتصاد کشور را هم در منطقه و هم در جهان با مشکل مواجه می‌کند. بنابر آنچه گفته شد مقاله حاضر درصدد است به بررسی چالش‌هایی بپردازد که دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در ایجاد روابط اقتصادی مطلوب در منطقه خاورمیانه با آن روبه‌روست.

پژوهش‌های صورت گرفته در زبان فارسی در حوزه دیپلماسی اقتصادی به‌طور عام و حوزه دیپلماسی اقتصادی ایران به‌طور خاص در سال‌های اخیر رو به افزایش بوده و این نشانگر اهمیت رو به تزايد آن با توجه به شرایط ایران است. برخی از این پژوهش‌ها تلاش خود را صرفاً بر مفهوم‌شناسی دیپلماسی اقتصادی استوار کرده‌اند (برژیک، ۱۳۹۴؛ سمیعی نسب، ۱۳۹۴؛ Rana, 2013; Bayne and Woolcock, 2007)، برخی دیگر نیز این مفهوم را در خصوص اهمیت آن برای سیاست خارجی ایران مدنظر قرار داده‌اند (موسوی شفیایی و ایمانی، ۱۳۹۶؛ صبوری و صالحیان، ۱۳۹۶؛ دهقانی فیروزآبادی و صالحی، ۱۳۹۱؛ طباطبایی، ۱۳۸۸) و در نهایت تعدادی دیگر به‌طور خاص بر مناطق و جایگاه آنها در این حوزه از دیپلماسی توجه داشته‌اند (Rashid, 2005؛ موسوی شفیایی و همکاران، ۱۳۹۵؛ دامن‌پاک جامی؛ ۱۳۸۸؛ رشنو، ۱۳۹۲).

با اتکا بر این پژوهش‌ها و علم به این مهم که شناخت دقیق موانع و چالش‌ها می‌تواند راهگشای سیاست‌گذاری‌های صحیح در آینده باشد هدف این مقاله تمرکز بر چالش‌های دیپلماسی اقتصادی ایران در منطقه خاورمیانه به‌عنوان منطقه عملیاتی و فوری سیاست خارجی ایران است. از این‌رو این پژوهش با مفروض گرفتن ضرورت‌ها و اهمیت این نوع دیپلماسی با طرح این پرسش که دیپلماسی اقتصادی ایران در منطقه خاورمیانه با چه چالش‌هایی مواجه است؟ با استفاده از روش توصیفی - تبیینی بر این اعتقاد است که دیپلماسی اقتصادی ایران در منطقه خاورمیانه با چالش‌های متعددی در سه سطح ملی (فقدان تعریف روشن از مفهوم و نبود اجماع داخلی در باب ضرورت‌ها، عدم تعیین کارگزار اصلی در این حوزه، الگوهای متفاوت و مبهم از توسعه، تسلط نگاه امنیتی تهدیدمحور بر سیاست خارجی)، منطقه‌ای (خاورمیانه به‌مثابه یک محیط امنیتی، اقتصادهای مشابه و نه مکمل، مبادلات اقتصادی فرامنطقه‌ای، ضعف نهادهای چندجانبه اقتصادی در منطقه) و جهانی (مداخله قدرت‌های بزرگ در ترتیبات امنیت منطقه‌ای و بحران‌های اقتصادی جهانی و پیامدهای منطقه‌ای برای خاورمیانه) روبه‌روست. بحث مفهومی حول دیپلماسی اقتصادی، بیانی اجمالی در باب اهمیت این نوع دیپلماسی و در نهایت واکاوی چالش‌های دیپلماسی منطقه‌ای ایران در خاورمیانه در سطوح سه‌گانه، محورهای اصلی این مقاله هستند.

### ۱. چارچوب مفهومی: دیپلماسی و دیپلماسی اقتصادی

دیپلماسی در روابط بین‌الملل به دو صورت موسع و گسترده از یکسو و مضیق و تنگ دامنه از سوی دیگر به کار رفته است. در کاربرد موسع دیپلماسی به‌منظور اشاره به خط‌مشی یک دولت در روابط خارجی و در قبال سایر کشمگران به‌صورت فراگیر یا در یک حوزه موضوعی استعمال می‌شود؛ عبارتی مانند دیپلماسی خاورمیانه‌ای ایالات متحده یا دیپلماسی هسته‌ای ایران اصولاً یادآور چنین کاربردی است. در این کاربرد دیپلماسی در بردارنده اهداف و ابزارهای سیاست خارجی است و بنابراین با سیاست خارجی معادل و مرادف به‌نظر می‌رسد. در معنای مضیق و تنگ دامنه که در مقاله حاضر نیز مورد تأکید است دیپلماسی در کنار اجبار و زور، اهرم‌های اقتصادی، تبلیغات و پروپاگاندا و نظایر آن یکی از وسایل و فنون پیشبرد

اهداف سیاست خارجی محسوب می‌شود و بنابراین از مقوله ابزار و فنون سیاست خارجی به‌شمار می‌آید. در همین راستاست که از دیدگاه مورگنتا، دیپلماسی بایستی تحقق‌بخش چهار وظیفه اصلی: تعریف اهداف در چارچوب قدرت خود، بررسی و برآورد اهداف سایر دولت‌ها و قدرت بالقوه و بالفعل آنها، تعیین میزان سازگاری اهداف مختلف با یکدیگر و تهیه ابزار مناسب برای دستیابی به اهداف مذکور باشد. وظیفه دیپلماسی، انتخاب ابزارهای مناسب برای تحقق و دستیابی به اهداف است. بهترین وسایل و ابزار عبارت است از امتناع، سازش، تهدید و توسل به زور و حتی در صورت ضرورت جنگ نیز می‌تواند به‌عنوان ابزار دیپلماسی مورد استفاده قرار گیرد. دیپلماسی دولتی زمانی موفق خواهد بود که از همه ابزارهای در دسترس استفاده کند (قاسمی، ۱۳۸۶: ۱۸-۱۷) و طبعاً شناخت فرایندهای سیستمی در هر مقطعی از نظام بین‌الملل می‌تواند به موفقیت دیپلماسی کمک کند چنانکه در دنیای امروز اهمیت مؤلفه اقتصاد به‌مثابه مهم‌ترین فرایند سیستمی، توجه به این مقوله را الزامی می‌کند.

دیپلماسی اقتصادی به مذاکره در باب چارچوب روابط اقتصادی بین‌المللی می‌پردازد، به کلام دیگر قواعد، رژیم‌ها و هنجارهای ناشی از توافقات الزام‌آور یا داوطلبانه و نیز مذاکرات دیگری که بر ایجاد و ترویج فعالیت اقتصادی بین‌المللی تأثیرگذارند در این حوزه مورد بحث واقع می‌شوند (کر و وایزمن، ۱۳۹۲: ۳۱۵). به عقیده بارانای<sup>۲</sup> دیپلماسی اقتصادی ریشه در سیاست خارجی کشورها دارد و سازوکاری است که زمینه‌ساز دستیابی به موفقیت‌های پربار تجارت و روابط اقتصادی در سطوح دوجانبه و چندجانبه است. از منظر وی دیپلماسی اقتصادی را می‌توان ابزاری دانست که در خدمت توسعه همکاری‌های مؤثر میان کشورها و مناطق مختلف در جهان قرار دارد. به‌عبارت‌دیگر دیپلماسی اقتصادی آن‌دسته از فعالیت‌های رسمی دیپلماتیک را شامل می‌شود که بر افزایش صادرات، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و فعالیت‌هایی که بر منافع اقتصادی کشور در سطوح بین‌المللی متمرکز است (Baranay, 2009).

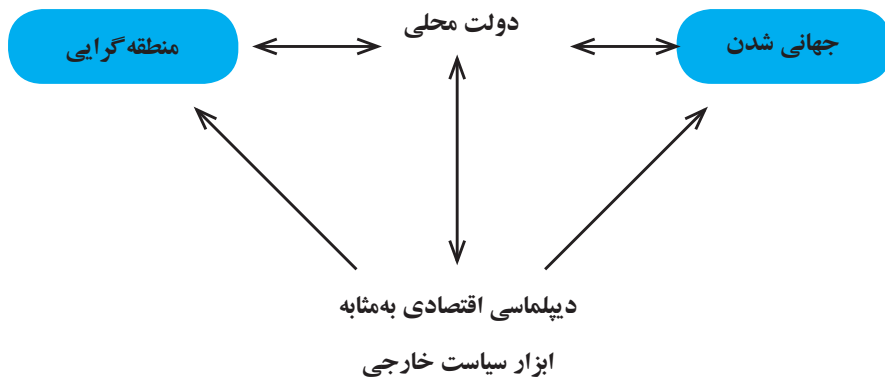
درواقع دیپلماسی اقتصادی روشی است که دولت‌ها می‌توانند از آن برای تأثیرگذاری عمیق بر حاکمیت‌ها و مردم سایر کشورها، در سیاست و روابط خارجی از امکانات و

---

1. Hans Morgenthau  
2. Pavol Baranay

ابزارهای اقتصادی استفاده کنند. در معنای سنتی، دیپلماسی برابر با دیپلماسی سیاسی در نظر گرفته می‌شود، به طوری که روابط نزدیک سیاسی به برقراری ارتباط در سطوح دیگر از جمله روابط اقتصادی میان کشورها منجر می‌شود. شواهد نشان می‌دهد روابط اقتصادی در خلأ سیاسی که اعتمادی بین اعضا وجود ندارد شکل نمی‌گیرد. به علاوه اگر روابط اقتصادی قوی باشد بر روابط سیاسی تأثیر گذاشته و هر نوع ریسک که در روابط سیاسی رخ دهد قابل حل خواهد بود چرا که به نفع منافع اقتصادی دو کشور نخواهد بود (Rashid, 2005: 2).

### شکل ۱. جایگاه دیپلماسی اقتصادی در منظومه جهانی شدن



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

### ۲. ضرورت‌های دیپلماسی اقتصادی ایران

امروزه با توجه به پیوندی که میان سیاست‌های داخلی و بین‌المللی کشورها به وجود آمده، دیپلماسی و به طور خاص دیپلماسی اقتصادی اهمیت بسیاری یافته است، زیرا به موازات این تغییرات نیاز بیشتری به مذاکره برای حل و فصل چالش‌های موجود در اقتصاد سیاسی بین‌الملل دیده می‌شود. به تبع، ایران نیز برای برخورداری از جایگاه مناسب در تجارت جهانی و منطقه‌ای و بهبود شرایط اقتصاد ملی به ارزش و اهمیت تقویت دیپلماسی اقتصادی آگاه است و این آگاهی در چند سال اخیر به ویژه در دوران پسابرجام رو به افزایش بوده است. از این رو می‌توان مهم‌ترین ضرورت‌های دیپلماسی اقتصادی برای ایران را در چند محور اشاره کرد.

## ۱-۲. جهانی شدن و تشدید وابستگی متقابل

ظهور اقتصاد سیاسی جهانی و پرننگ‌تر شدن نقش مسائل اقتصادی در پرتو جهانی شدن و به‌ویژه اهمیت یافتن نقش کنشگران غیردولتی در تبادلات اقتصادی، ضرورت توجه به دیپلماسی اقتصادی را دوچندان ساخته است. در چنین بستری، کنشگران بین‌المللی درصددند تا موقعیت خود را در اقتصاد جهانی ارتقا دهند. نایل شدن به این اهداف در گرو بهره‌گیری مناسب از فنون دیپلماسی برای افزایش فرصت‌ها در زمینه‌های مختلفی همچون جذب سرمایه خارجی، دسترسی به بازارهای جهانی و حفظ منافع ملی در برابر چالش‌هایی است که در اقتصاد جهانی برای کشورها وجود دارد. از طرفی تعامل کشورها با ساختارهای اقتصاد جهانی را به‌عنوان مؤلفه قدرت به حساب می‌آورند؛ بنابراین کشورها می‌توانند با بهره‌گیری بیشتر از دیپلماسی اقتصادی قدرت چانه‌زنی خود را در مبادلات تجاری افزایش داده و بر قدرت ملی خویش بیفزایند. تجارت خارجی (به‌عنوان یکی از نتایج مهم جهانی شدن) از یکسو به دلیل برخورداری از فرصت ایجاد و تحکیم روابط مطلوب در مناسبات بین‌المللی و از سوی دیگر، به‌عنوان زمینه‌ای در جهت افزایش وابستگی‌های بازرگانی، یکی از متغیرهای مهم و تأثیرگذار اقتصادی در عرصه سیاست خارجی تلقی می‌شود. از این رو، کشورها تلاش می‌کنند تا با اتخاذ سیاست‌های معقول و سنجیده در تجارت خارجی نه تنها با گسترش روابط بین‌الملل موجبات کاهش تهدیدهای خارجی و افزایش امنیت ملی خود را فراهم کنند، بلکه با تعیین سطح بهینه‌ای از واردات و صادرات، نسبت به تنظیم تراز بازرگانی و برخورداری از درآمدهای ارزی و بازارهای جهانی در مسیر توسعه‌یافتگی، پیش‌ازپیش گام بردارند. در این راستا آگاهی از نیازهای واقعی و توانایی‌های داخلی و نیز شناخت مزیت‌های نسبی از شروط لازم در شکل‌گیری تجارت خارجی و کارآمدی دیپلماسی اقتصادی خواهد بود (حیدری و انعامی علمداری، ۱۳۹۱: ۵۲).

## ۲-۲. تکثر و تغییر مبانی مشروعیتی

تحت تأثیر فرایند جهانی شدن و تغییر عمیق در نگرش‌ها و سبک‌های زندگی، نوع نگاه افراد به نظام‌های سیاسی با تغییراتی بنیادین مواجه شده است. اگر در دوره‌ای با اتکا به بنیان‌های الوهیتی یا تکیه بر تغلب و سلطه نظام‌های سیاسی می‌توانستند قدرت خود را نزد افراد جامعه

مشروع جلوه دهند یا آنکه با اتکا بر دشمن‌سازی کاذب زمینه انسجام داخلی و مشروعیت خود را برای مقابله با دشمن فرضی یا واقعی مهیا کنند در دنیای امروز این مبانی پاسخگو نبوده و در پرتو توسعه آگاهی‌ها و نیازهای جدید مردم به‌ویژه در حوزه اقتصاد تنها راه مشروع‌سازی قدرت، کارآمدی و به‌طور خاص توجه به حواجی و نیازهای مادی و اقتصادی افراد است. این موضوع ایجاب می‌کند تا با تقویت دیپلماسی اقتصادی در ایران زمینه برای کارآمد نشان دادن نظام سیاسی نسبت به گذشته بیشتر جلوه‌گر شود.

### ۳-۲. تحریم‌های اقتصادی

جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهایی است که طی چند دهه گذشته مورد آماج تحریم‌های گسترده غرب قرار گرفته است. دیپلماسی اقتصادی روشی است که ایران می‌تواند از آن به‌عنوان راهبردی برای شکست یا کاهش تأثیر تحریم استفاده کند. ایران با به‌کارگیری دیپلماسی اقتصادی قدرتمند می‌تواند با کشورهای منطقه خاورمیانه و آسیا وارد مبادلات تجاری سودمندی شود که اثر تحریم‌های اقتصادی آمریکا و اروپا کاهش داده شود. این روابط تجاری می‌تواند در حوزه‌های مختلفی همچون توسعه صنعت گردشگری و منابع انرژی مشترک صورت گیرد.

### ۴-۲. تغییر در مفهوم و مصادیق قدرت و امنیت

همراه با روند جهانی شدن، تحول مفاهیم امری همزاد آن بوده است. اگر در دوران دورتر امنیت کشورها به بقای دولت با اتکای صرف بر روش‌های نظامی و توازن قدرت کلاسیک محدود می‌شد امروز شاخص‌های قدرت و نیز مصادیق امنیت بسیار متکثر شده است. در بین این مصادیق، قدرت اقتصادی جایگاهی والا یافته و تقریباً می‌توان ادعا کرد که کشور یا دولتی که به توان اقتصادی خود بها ندهد در هر دو محیط داخلی و خارجی با ضعف و شکنندگی مواجه می‌شود.

### ۵-۲. منطقه‌گرایی

منطقه‌گرایی به‌مثابه دیالکتیک جهانی شدن و ناسیونالیسم، تحولی جدی در نظام بین‌المللی بوده و به این خودآگاهی در میان کشورها منجر شده که می‌توان آثار جهانی شدن و مزایای

آن را در یک محیط کوچک‌تر تجربه کرد و سپس گام‌های جدی در این زمینه برداشت. الزام اصلی موفقیت در منطقه گرایبی نیز تقویت توان اقتصادی و توسعه چندجانبه‌گرایی است. مشارکت فعال در تحرک سرمایه، جذب فناوری و توسعه همکاری‌های تجاری درون مناطق در گرو اهتمام ایران به دیپلماسی اقتصادی به‌ویژه در مناطق است و محیط منطقه‌ای خاورمیانه با وجود سطح بالای تعارضی آن دارای ظرفیت‌های بالای اقتصادی برای کمک به رشد و توسعه بیشتر کشور و نیز کاهش سطوح تنش در محیط پیرامونی ایران است.

### ۳. روندهای دیپلماسی اقتصادی ایران در منطقه خاورمیانه

خاورمیانه به‌عنوان زیرسیستم در تعاملات نظام بین‌المللی از نظر جغرافیایی در حقیقت پلی بین سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا محسوب می‌شود. همین مسئله سبب شده است تا به لحاظ ژئواستراتژیک در مقاطع تاریخی به کانون فعل و انفعالات بین‌المللی تبدیل شود و همواره از سوی قدرت‌های بزرگ مورد توجه قرار گیرد. در حقیقت، منطقه‌ای که امروز خاورمیانه نامیده می‌شود کانون ارتباطات ویژه تجاری میان سه قاره بوده است. کشف نفت و به دنبال آن انرژی‌های تجدیدپذیر به‌عنوان مهم‌ترین کالای تجاری بر اهمیت اقتصادی و ژئواکونومیک این منطقه به‌شدت افزوده است.

برای اینکه روند دیپلماسی اقتصادی ایران در منطقه ارزیابی شود ابتدا باید جایگاه اقتصادی ایران در منطقه بررسی و سپس به ارزیابی عملکرد مثبت یا منفی دیپلماسی پرداخته شود. مهم‌ترین متغیرهایی که در بررسی‌ها مورد توجه قرار می‌گیرند میزان سرمایه‌گذاری خارجی، روابط تجاری ایران و کشورهای منطقه و میزان موفقیت دیپلماسی اقتصادی برای عضویت ایران در سازمان‌های منطقه‌ای است. شرایط و تحولات سیاسی ایران در کنار شرایط حاکم بر نظام بین‌الملل و جهانی شدن اقتصاد از عواملی هستند که به همراه عدم رشد مناسب بخش‌های اقتصادی در ایران مانع از حضور گسترده و فعال آن در رقابت جهانی می‌شود. علاوه بر اینها، فشارها و تحریم‌های گسترده در دو دهه گذشته که از سوی کشورهای غربی بر ایران تحمیل شده توجه به مسائل اقتصادی و به‌کارگیری دیپلماسی اقتصادی در مناسبات تجاری را برجسته‌تر ساخته است. کیشان رانا<sup>۱</sup> (۲۰۱۳)

برای موفقیت بیشتر دیپلماسی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه که از نوشته جفری ساکس<sup>۱</sup> الهام گرفته است بیان می‌کند آنچه برای توسعه اقتصادی در این کشورها نیاز است اینکه در کنار مشارکت نهادهای داخلی منابع کشورها و موقعیت جغرافیایی نیز مهم تلقی شوند.

ساختار اقتصادی ایران با وجود برخورداری از شرایط بالقوه، فاقد پویایی، تحرک و انعطاف‌پذیری لازم است. از این رو مهم‌ترین عامل رونق اقتصادی یا ارتقای منزلت ایران در اقتصاد جهانی نگاهی برون‌گرایانه با هدف پیوند سنجیده و کارآمد با اقتصاد جهانی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. این امر، افزون بر تغییر بینش نخبگان سیاسی و تصمیم‌گیر در سیاست خارجی و توجه آنها به اهمیت عوامل اقتصادی در عصر حاضر نیازمند فراهم ساختن یا اصلاح ساختارهای قانونی، امنیتی و اعتباری اقتصاد ملی است (همان: ۴۷). به بیان دیگر، دیپلماسی اقتصادی می‌تواند و باید به‌عنوان حوزه رابط میان سیاست خارجی و داخلی عمل کند. ضرورت‌های ناشی از نیازهای داخلی در نتیجه افزایش جمعیت، کمبود منابع مکفی و از آن مهم‌تر تأمین نیازهای سرمایه‌ای و فنی ایجاد می‌کند تا در عرصه خارجی راهبردها و سیاست خارجی به گونه‌ای عمل کند تا با اتصال به منابع سرمایه بین‌المللی زمینه را برای برآوردن این نیازها مهیا کند. از این رو باید گفت سیاست داخلی و خارجی کشورها ارتباطی وثیق و ناگسستنی با یکدیگر در جهان امروز دارند؛ از یکسو نیل به سیاست خارجی موفق در گرو مساعد بودن شرایط اولیه یعنی همراهی سیاست داخلی (تغییر ذهنیت نخبگان، بسیج منابع، انسجام در رفتارها و رسیدن به یک تعریف واحد از منافع ملی) است (جانی، ۱۳۹۷: ۳۰۷) و از سوی دیگر مدیریت و حکمرانی کارآمد در کشور نیز یک سیاست خارجی فعال، پویا و فرصت‌ساز برای تسهیل مبادلات و ارتقای منافع نیازمند است که سود آن در نهایت متوجه سیاست داخلی و کلیت مجموعه دولت - ملت خواهد شد.

مطابق آنچه در تعاریف آمده است اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی به اقتصاد ملی کشور هدف، باعث ارتباط آنها و در نهایت به افزایش روابط تجاری و سرمایه‌گذاری فزاینده منجر می‌شود. بنابراین با توجه به اینکه منابع ملی در شرایط آشفته‌گی اقتصادی به‌خوبی نمی‌تواند پاسخگوی مسائل مختلف

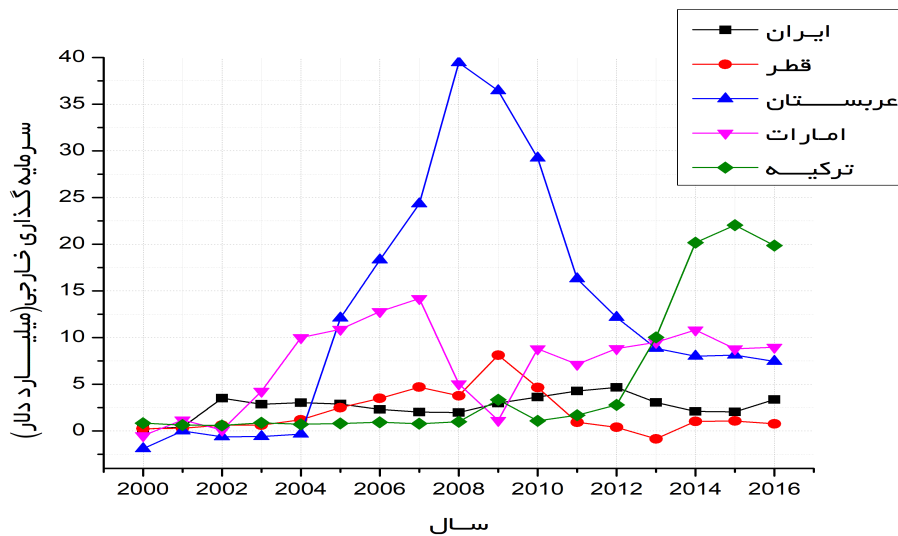
1. Jeffery Sachs



باشد، جذب سرمایه‌گذاری خارجی اهمیت بیشتری نسبت به گذشته نیاز پیدا خواهد کرد. از طرفی معمولاً مکان‌هایی که از نظر ریسک‌پذیری در سطوح بالایی هستند سرمایه‌ها جذب نمی‌شوند و سرمایه‌گذاران بسیار محتاط عمل می‌کنند (Busse and Hefeker, 2007: 400).

آمارهای آنکتاد گواه این مطلب است که حجم سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران دستخوش تغییرات بسیاری است. این آمارها نشان می‌دهند که سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران در فاصله سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ روندی نزولی داشته و پس از آن تا سال ۲۰۱۲ با شیب ملایمی افزایش یافته است. در سال ۲۰۱۳ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران رشد منفی داشته و افت شدیدتری نسبت به سایر همسایگان به‌ویژه ترکیه داشته است (نمودار ۱).

نمودار ۱. میزان سرمایه‌گذاری خارجی در ایران و برخی کشورهای طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ میلادی



Source: World Bank, 2018.

جدول ۱ مقایسه‌ای از میزان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران و برخی کشورهای منطقه است که براساس داده‌های آماری میزان سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای نفتی مانند ایران و عربستان سعودی به دلایل مختلفی اعم از شکاف‌های سیاسی

در منطقه، ناامنی ایجاد شده به دلیل حضور گروه‌های تروریستی و تحریم‌های بین‌المللی برای ایران با کاهش روبه‌رو شده است. این ارقام گواه این مطلب است که در ایران به نسبت کشورهای مشابه در منطقه، سرمایه‌گذاری با روندی نزولی روبه‌رو بوده است (جدول ۱).

#### جدول ۱. مقایسه روند جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران و کشورهای منتخب

(میلیون دلار)

کشور/ سال	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶
هند	۲۴۱۹۶	۲۸۱۹۹	۳۴۵۸۲	۴۴۲۰۸	۴۴۴۸۶
ترکیه	۱۳۲۸۴	۱۲۲۸۴	۱۲۱۳۴	۱۶۵۰۸	۱۱۹۸۷
امارات متحده	۸۸۲۸	۹۴۹۱	۱۰۸۲۲	۱۰۹۷۶	۸۹۸۶
عربستان	۱۲۱۸۲	۸۸۶۵	۸۰۱۲	۸۱۴۱	۷۴۵۳
ایران	۴۶۶۲	۳۰۵۰	۲۱۰۵	۲۰۵۰	۳۳۷۲
کویت	۲۸۷۳	۱۴۳۴	۹۵۳	۲۹۳	۲۷۵
قطر	۳۹۶	۸۴۰	۱۰۴۰	۱۰۷۱	۷۷۴

Source: UNCTAD, 2017.

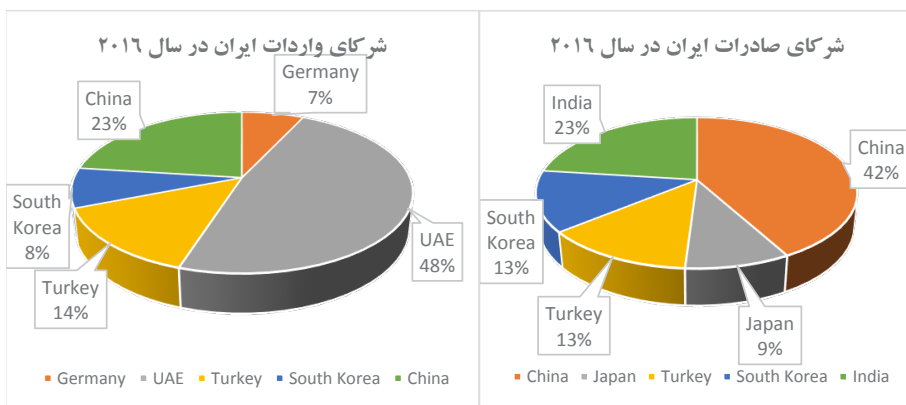
براساس این گزارش سرمایه‌گذاری خارجی در ایران در سال ۲۰۱۳ عمدتاً به اکتشاف و تولید نفت مربوط بوده و تحریم‌های خارجی اثر منفی بر جریان سرمایه داشته است به طوری که تا حدود یک‌سوم کاهش یافته و به ۳ میلیارد دلار رسیده است و این مبلغ در سال ۲۰۱۵ نیز مجدداً کاهش یافته است.

تراز تجاری که شاخصه دیگر روابط اقتصادی است به نوعی بیانگر کارآمدی یا ناکارآمدی سیاست‌های تجاری کشورهاست. اگرچه در سال‌های بعد روندهای رو به رشدی هم دیده شده اما همین افزایش واردات در مقابل کاهش صادرات به‌ویژه در روابط اقتصادی ایران و اعضای شورای همکاری خلیج فارس مانند امارات و عربستان خود نشان‌دهنده ضعف در ایجاد روابط تجاری دوسویه و نیز

نبود یک دیپلماسی اقتصادی کارآمد برای ایران بوده است. مهم‌ترین ضعف ایران در برقراری روابط تجاری با همسایگان خود در منطقه علاوه بر اختلافات سیاسی، متنوع نبودن کالاهای صادراتی یا عرضه کالاهایی که زمینه جذب همسایگان را فراهم نمی‌کند (Cammett and et al., 2015: 298).

هرچند امارات یکی از مهم‌ترین شرکای تجاری ایران در سال‌های گذشته بوده، اما حتی با وجود اینکه ارزش صادرات غیرنفتی ایران در سال ۲۰۱۴ به ۱۱/۵ میلیارد دلار رسید این تبادلات از نوع روابط یک‌طرفه بوده است. براساس آمارهای بانک جهانی در سال ۲۰۱۴، فقط ۵ درصد کالاهای صادراتی ایران به کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس رفته است (گمرک جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۷)؛ بنابراین با توجه به این داده‌های آماری می‌توان گفت روابط تجاری ایران با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در سطح قابل قبولی نیست. همین امر، بهره‌گیری بیشتر از دیپلماسی اقتصادی را ضروری می‌سازد. براساس آخرین آمار در سال منتهی به ۲۰۱۶ نیز وضعیت تغییر چندانی نداشته است (نمودار ۲).

## نمودار ۲. برترین شرکای واردات و صادرات ایران در سال ۲۰۱۶



Source: factbook, 2016.

همان‌طور که این آمارها نشان می‌دهند بیشترین واردات ایران در سال ۲۰۱۶ در بین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از کشور امارات متحده صورت گرفته است

که در سال‌های بعد به دلیل بروز اختلاف‌های متعدد بین ایران و عربستان و تأثیرپذیری بیشتر این کشورها از سیاست‌های عربستان، این تبادلات تجاری با افت و خیزهایی روبه‌رو بوده است.

افزون بر شاخص‌های اقتصادی که همگی حاکی از ضعف دیپلماسی و روابط اقتصادی ایران با کشورهای منطقه است در حوزه سازمان‌های منطقه‌ای نیز چالش‌های متعددی وجود دارد. علاوه بر اینکه این منطقه تاکنون نتوانسته سازمان منطقه‌ای فراگیر با رویکرد توسعه‌محور و اقتصادی را شکل دهد محدود نهادهای موجود نیز در این منطقه فاقد کارایی بوده‌اند. شورای همکاری خلیج فارس دچار چالش‌های ساختاری درونی و اختلاف میان اعضا بوده و عملاً نتوانسته از حوزه صرف تهدیدمحور خود را برهاند. ضمن اینکه این شورا ایران را به‌مثابه یک تهدید وجودی تلقی می‌کند و در نتیجه بیشتر بر نگاه امنیتی متمرکز است تا پذیرش ایران به‌عنوان یک عضو (Nejad, 2017). اکو سازمان منطقه‌ای دیگر است که با چالش‌های متعددی همچون عدم اولویت داشتن برای اعضا، فقدان تمرکز موضوعی و اهداف متفاوت اعضا برای همکاری با آن مواجه است (ذوالفقاری و جعفری، ۱۳۹۵: ۲۴۹). مجموعه این روندها حاکی از آن است که دیپلماسی اقتصادی ایران در این منطقه با چالش‌ها و موانعی جدی روبه‌رو است.

#### ۴. چالش‌های فراروی دیپلماسی اقتصادی ایران در منطقه خاورمیانه

تقریباً در همه ادبیات و نظریه‌های مرتبط با خاستگاه‌های رشد و توسعه اقتصادی کشورها این مهم مورد اجماع قرار گرفته است که محیط فوری و منطقه‌ای یک کشور هم از جهات ایجاد پیوندهای اقتصادی و هم تأثیر آن بر همکاری و همگرایی و کاهش تنش بایستی در مرکز دیپلماسی دولت قرار گیرد. مقاله حاضر معطوف به تبیین چالش‌های پیش روی دیپلماسی اقتصادی ایران در خاورمیانه است؛ محیطی که هم ظرفیت‌های اقتصادی ویژه‌ای در آن وجود دارد و هم ساخت امنیتی و بحران‌زایی آن می‌تواند برای ایران هزینه‌ساز باشد. پس دیپلماسی اقتصادی ایران در این منطقه ضمن آنکه می‌تواند به بسیج ظرفیت‌های بالقوه منطقه برای توسعه کشور کمک کند شاید در مقطع فعلی مهم‌ترین راه‌حل بدون ایجاد حساسیت برای کاهش تنش‌ها باشد. با این حال به‌نظر

می‌رسد این شکل از دیپلماسی ایران در این منطقه چندان کارآمد نبوده و با موانع و چالش‌هایی مواجه بوده است. این چالش‌ها در سه سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی قابل تبیین است.

#### ۱-۴. سطح ملی

در این سطح چالش‌ها و موانع به مؤلفه‌ها و عواملی مرتبط می‌شوند که معطوف به کارگزار دیپلماسی اقتصادی (در اینجا ایران) است. موانع در این سطح عبارتند از:

##### ۱-۱-۴. فقدان تعریف روشن از مفهوم و نبود اجماع داخلی در باب ضرورت‌ها

ایران در حال حاضر تنها از نوعی روابط خارجی اقتصادی برخوردار است بدون آنکه دیپلماسی اقتصادی در معنای علمی آن به اجرا گذاشته شده باشد. همین امر باعث شده است تا اهداف، شیوه‌ها و ابزارهای دیپلماسی اقتصادی ایران مبهم باشد؛ بنابراین ضرورت بازنگری در تعریف دیپلماسی امروزه بیشتر از گذشته احساس می‌شود. این واقعیت انکارناپذیر است که در همه دولت‌های جمهوری اسلامی ایران سعی بر این بوده تا به مقوله دیپلماسی اقتصادی توجه شود اما این توجهات صرفاً رویکردی گفتاری بوده و در عمل اتفاق چشمگیری در این زمینه صورت نگرفته است. شاید همین امر دلیلی باشد بر این نکته که در ایران دیپلماسی اقتصادی آن‌چنانکه باید و شاید از نظر معنا و مفهوم در ک نشده است.

یکی از دلایل وقوع چنین امری، نبود یک تعریف قابل قبول و جامع از این نوع دیپلماسی در سیاست‌های اقتصادی کشور است؛ چنانکه شکل‌گیری بحث‌هایی در یک دهه اخیر برای اولویت‌بندی درباره اتکا به توانمندی داخلی و یا سرمایه‌گذاری‌های خارجی نمونه‌ای از آن است. براساس نگاه کارشناسان مسائل اقتصادی، سرمایه‌گذاری خارجی موافقان و مخالفان خود را دارد؛ موافقان، سرمایه‌گذاری را راهی برای تأمین مالی، انتقال دانش فنی، دسترسی به شبکه توزیع بین‌المللی شرکت‌های چندملیتی و توسعه صادرات و در نهایت رسیدن به رشد اقتصادی می‌دانند. درحالی‌که مخالفان آن محدود شدن عرصه فعالیت بنگاه‌های داخلی، پرداخت مالیات کمتر از سوی سرمایه‌گذاران خارجی، واردات گسترده کالاهای واسطه‌ای و خروج سرمایه‌ها را در شرایط تنگ اقتصادی بهانه مخالفت مطرح می‌کنند (روزنامه دنیای

اقتصاد، ۱۳۹۵/۹/۲۴). همچنین در این باب نزد مقام‌های عالی‌رتبه سیاسی کشور تفاوت دیدگاه‌هایی مشاهده می‌شود؛ چنانکه در منظومه دیدگاه‌های نهاد رهبری که در قالب مفهوم «اقتصاد مقاومتی» بیان می‌شود کلید رونق اقتصادی استفاده از ظرفیت‌های فراوان داخلی دانسته شده که می‌تواند تولید را به حرکت درآورد و به تقویت بعد داخلی و کاهش وارداتی که یا غیرضروری است یا مشابه داخلی دارد، توجه شده است (سایت مقام معظم رهبری)<sup>۱</sup>. اما برخی دیگر از مسئولان کشور به مسئله جهانی شدن و لزوم همراهی ایران با آن تأکید دارند و معتقدند که بخشی از سرمایه‌گذاری‌های لازم در سال‌های آینده باید از خارج تأمین شود و سرمایه داخلی برای تحقق اهداف کشور کافی نیست (همان)<sup>۲</sup>. یکی دیگر از اختلاف‌هایی که در سطح ملی دیده می‌شود تفاوت در جذب این سرمایه‌هاست که برخی توجه بیشتری به کشورهای غربی و آمریکای شمالی در این زمینه دارند درحالی‌که برخی دیگر به تمرکز استقرار سرمایه در شرق آسیا تأکید می‌کنند. امروزه چین یکی از مهم‌ترین قطب‌های سرمایه‌گذاری در جهان محسوب می‌شود که سالانه میلیاردها دلار از سرمایه جهان به آن وارد شده و سپس به کشورهای دیگر منتقل می‌شود.

## ۲-۱-۴. عدم تعیین کارگزار اصلی در این حوزه

همچون بسیاری دیگر از حوزه‌ها، یکی از دلایل عدم کامیابی در تحقق اهداف ترسیمی، بی‌توجهی به تخصص‌ها و از آن فاجعه‌بارتر تداخل مسئولیت‌ها و تعدد کارگزاری‌هاست. تقسیم‌بندی‌های سازمانی در ایران به سمتی حرکت کرده است که در عمل اجازه پویایی و تقسیم وظایف را نمی‌دهد. در حوزه اقتصادی ده‌ها نهاد و سازمان دولتی و غیردولتی فعال هستند اما هنوز مشخص نیست که کدام‌یک از آنها می‌تواند متصدی حوزه دیپلماسی اقتصادی کشور باشد. وزارت امور اقتصاد و دارایی، بانک مرکزی، وزارت صنعت، معدن و تجارت، معاونت‌های بین‌الملل و زارتخانه‌ها، وزارت جهاد کشاورزی، اتاق بازرگانی، معاونت اقتصادی ریاست جمهوری و اخیراً وزارت امور خارجه با تشکیل معاونت اقتصادی نهادهایی هستند

۱. دیدار اعضای هیئت دولت (۱۳۹۳/۶/۵) و دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین (۱۳۹۳/۹/۶).

۲. دیدار هیئت دولت با رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۶/۳/۱۶).

که ظاهراً می‌توانند در این حوزه فعال باشند. اگرچه همین تعدد سازمانی خود می‌تواند معلول عدم تعریف یا فقدان اجماع در باب ضرورت این دیپلماسی باشد اما از آنجا که حوزه‌های مسئولیت مرزبندی نشده و ستادی مشترک برای هماهنگی شکل نگرفته نه تنها اهداف این نوع دیپلماسی محقق نخواهد شد بلکه زمینه تردید و ابهام را نیز هم در میان کنشگران دیپلماسی اقتصادی در داخل و هم طرف‌های خارجی ایجاد می‌کند که نتیجه محتوم آن از بین رفتن فرصت‌هاست. از طرفی نهادهایی که این فعالیت‌ها را انجام می‌دهند به‌نوعی از منطق جنگ سردی پیروی می‌کنند که با پیچیدگی‌های روابط اقتصادی جهان امروز منطبق نیست.<sup>۱</sup> علاوه بر اینها، ایران به‌شدت با کمبود دیپلمات اقتصادی و تجاری مواجه است. به‌بیان‌دیگر، چنین دیپلمات‌هایی هنوز در دستگاه دیوان‌سالاری کشور به‌صورت علمی و نظام‌مند تربیت نشده و اگر افراد انگشت‌شماری در این حوزه فعالیت دارند، با تجربه و دانش فردی به چنین توانی دست یافته‌اند؛ از این‌رو بار انجام وظیفه در مقوله دیپلماسی اقتصادی بر دوش رایزنان تجاری قرار می‌گیرد که نتیجه آن تبدیل شدن این حوزه به دستور کاری در ذیل سایر اولویت‌هاست.

### ۳-۱-۴. الگوهای متفاوت و مبهم از توسعه

همان‌طور که در چارچوب مفهومی اشاره شد، دیپلماسی اقتصادی ابزار سیاست خارجی است که نیازها و اولویت‌های داخلی را با سازوکار خاص خود در محیط بین‌الملل تعقیب می‌کند. از این‌رو، الگوهای راهبردی توسعه کشور در داخل مهم‌ترین محرک دیپلماسی اقتصادی بوده و می‌تواند مسیر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آن را برای آینده تعیین کند. یکی از دلایل ضعف دیپلماسی اقتصادی ایران وجود الگوهای متعدد و بعضاً متناقض از توسعه در کشور است. تقریباً در دوران بعد از انقلاب اسلامی نمی‌توان به هیچ دوره میان‌مدتی اشاره کرد که یک الگوی توسعه در کشور سیاست‌گذاری شده باشد. به‌بیان‌دیگر عملکرد اقتصادی دولت‌ها تابع

---

۱. وزارت امور خارجه (با وجود برخی تغییرات شکلی در ساختار) و از آن مهم‌تر شورای عالی امنیت ملی، دو نهادی هستند که هنوز منطق درک آنها از نظام بین‌الملل مبتنی بر امنیت کلاسیک بوده و تعدد در مصادیق امنیت و لزوم واریسی آنها را در عمل برنتابیده‌اند.

مقتضیات بوده و نگاه سلسله‌وار در میان آنها مشاهده نشده است (فوزی، ۱۳۹۵: ۵۸-۲۷)، حتی درون گفتمان‌ها نیز از یک رویه واحد اقتصادی تبعیت نشده است. در یک زمان، الگوی غربی بازار آزاد مدنظر بوده، در زمان دیگر نگرش‌های نزدیک به اقتصاد دولت‌گرا و در برهه‌ای دیگر توجه و تأکید بر آموزه‌های اقتصاد اسلامی بوده و در شرایطی دیگر به نمونه‌برداری از چین و ژاپن اشاره می‌شد. درحالی‌که هیچ‌یک از آنها زمان لازم برای آزمون را نیافتند و همچنین تعدد آنها باعث می‌شد تا در عرصه سیاستگذاری اقتصادی خارجی حوزه‌های هدف و ابزارهایی نیز دچار ابهام و بعضاً تفاوت و تناقض شوند. مثلاً در مقطعی عضویت در سازمان جهانی تجارت به ضرورتی راهبردی تبدیل می‌شد اما در مقاطع دیگر این موضوع مهم یا از اولویت‌ها خارج می‌شد یا تحت‌الشعاع موضوعات دیگر قرار می‌گرفت.

#### ۴-۱-۴. تسلط نگاه امنیتی تهدیدمحور بر سیاست خارجی

درخصوص این موضوع می‌توان به دو رویکرد اشاره داشت: یکی رویکرد توسعه‌محور به سیاست خارجی و دیگری رویکرد امنیت‌محور. تفاوت آنها در این است که رویکرد توسعه‌محور معتقد است که قدرتمندی و برتری کشورها به داشتن ابزارآلات جنگی نیست بلکه آنچه مهم است تسلط کشورها در بازارهای جهانی و بنگاه‌های خصوصی است. این نوع نگاه در واقع حاکی از آن است که دیگر عصر حضور فیزیکی در دیگر کشورها که از آن به‌عنوان استعمار یاد می‌شود به پایان رسیده و رقابت با شیوه‌های نوینی دنبال می‌شود که نمود آن تلاش برای کسب سهم بیشتر در بازارهای جهانی است. درحالی‌که نگاه امنیت‌محور در تقابل با این دیدگاه است. در رویکرد امنیتی تهدیدمحور آنچه اهمیت دارد آن است که سابقه عملکرد قدرت‌های جهانی در ناامن کردن منطقه به‌ویژه ایران همچنان در ذهن باقی است و همین امر تهدید همیشگی برای ایران و نظام حاکم بر آن است. با وجود این نوع نگاه، اطمینانی برای انجام مذاکره‌های اقتصادی باقی نخواهد ماند و عدم حل این معضل و یافتن پاسخی مناسب خود مانع دیگری بر سر راه دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران است؛ بنابراین مهم‌ترین وجه و به‌عبارت‌دیگر مهم‌ترین عامل مؤثر در جایگزینی رویکرد اقتصادی در مناسبات خارجی تغییر بینش نخبگان سیاسی و نهادهای سیاستگذاری کشور در بعد کلان است. در شرایط کنونی نظام جهانی در رک و واقعیات بین‌الملل،



سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی براساس شرایط و امکانات موجود، اولین گام برای حیات سیاسی و اقتصادی کشورهاست (معاونت سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، ۱۳۸۲: ۱۲۳).

## ۲-۴. سطح منطقه‌ای

سطوح منطقه‌ای و جهانی، سطوح عملیاتی دیپلماسی اقتصادی کشورها هستند که در صورت مهیا بودن شرایط و مؤلفه‌ها در سطح ملی و داخلی دیپلماسی اقتصادی می‌تواند اهداف مرتبط و تعریف شده را در این سطوح برآورده سازد. باین حال، دیپلماسی اقتصادی ایران در این دو سطح نیز با چالش‌هایی مواجه است که در سطح منطقه‌ای مواردی ذکر می‌شود.

### ۱-۲-۴. خاورمیانه به مثابه یک محیط امنیتی

بی‌تردید خاورمیانه امنیتی‌ترین منطقه در سطح نظام بین‌المللی است. تهدیدهای امنیتی که در این منطقه وجود دارد ناشی از موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود منطقه خاورمیانه است. براساس همین ویژگی‌هاست که توجه کشورهای جهان به‌خصوص قدرت‌های بزرگ را به خود جلب کرده است؛ بنابراین کشور ایران از نظر ژئوپلیتیک در موقعیت ممتازی واقع شده است. همه این عوامل در کنار هم به بروز تهدیدهای امنیتی در منطقه یاری می‌رسانند و آن را به یکی از بحرانی‌ترین مناطق جهان مبدل می‌کنند. از سوی دیگر ژئواکونومی منطقه نیز به شدت تهدیدزاست؛ به این معنا که منطقه خاورمیانه افزون بر شرایط خاص ژئوپلیتیک از دو حیث دارای ارزش اقتصادی بالایی بوده و در نتیجه قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای یکی از میدان‌های رقابت و منازعه خود را در این منطقه تعریف می‌کنند. اولین حوزه، محور مواصلاتی خاورمیانه در دو محدوده دریایی و زمینی است. خاورمیانه علاوه بر ارتباط گسترده با دریاهای آزاد به مثابه یک چهارراه بزرگ مناطق مهم اروپا، شرق آسیا، آسیای مرکزی، شاخ آفریقا و جنوب آسیا را به یکدیگر متصل می‌کند. دومین حوزه، وجود منابع و ذخایر عظیم نفت و گاز در منطقه است که علاوه بر منابع درآمدی کشورهای منطقه به‌شمار می‌رود محور اصلی صنایع رو به رشد در آمریکا و اروپا و از آن مهم‌تر در کشورهای تازه صنعتی و قدرت‌های در حال ظهور است.

مجموعه این مؤلفه‌ها باعث می‌شود تا شرایط ایران به‌طور خاص و منطقه خاورمیانه به‌طور عام همواره در معرض نوعی تهدید غیرارادی باشد.

این وضعیت قطعاً مستعد دیپلماسی اقتصادی منطقه‌ای ایران نبوده بلکه نیازمند تلاش‌های جمعی دولت‌های منطقه برای تغییر شرایط است. لازمه این کار برقراری ارتباط با سایر کشورهای منطقه و جهان با هدف تنش‌زدایی و اتخاذ ترتیبات امنیت دسته‌جمعی و حرکت به‌سوی مفاهیم نوین امنیتی است. دیپلماسی اقتصادی ایران و کشورهای منطقه می‌تواند با پررنگ کردن مزیت‌های ایران و خاورمیانه چون ژئوپلیتیک منحصربه‌فرد، منابع نامحدود خدادادی، نیروی کار ارزان و ماهر، بازار پرجمعیت داخلی و بازارهای پرجمعیت و پرمصرف در نواحی مجاور را برای سرمایه‌گذاری در ایران و منطقه ترغیب کنند (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۲۰).

مسئله تروریسم و تقویت نظامی‌گری دو عامل دیگر در سال‌های اخیر بوده‌اند که محیط خاورمیانه را بیش‌ازپیش امنیتی کرده‌اند. ریسک‌های ناشی از تروریسم به‌خصوص زمانی که هدف حمله تروریستی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باشد سبب افزایش هزینه‌های انجام کسب و کار با صرف هزینه‌های بسیار برای تأمین امنیت و بیمه فعالیت اقتصادی، پرهزینه بودن انجام اقدام‌های پیشگیرانه و نیز دستمزدهای بالا برای کارکنانی می‌شود که در معرض ریسک هستند. این هزینه‌ها بازده مورد انتظار فعالیت سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد و چنانکه ریسک تروریستی از حد معینی افزایش یابد، سرمایه‌گذار خارجی به انتقال سرمایه خود به یک کشور یا منطقه امن‌تر اقدام خواهد کرد (پناهی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۸). افزون‌براین تشدید نظامی‌گری بعد از تحولات عربی ۲۰۱۱ نیز نقش مهمی در روند تهدیدزایی ایفا کرده است. چنانکه جدول ۲ نشان می‌دهد بعد از این تحولات تقریباً در کشورهای مهم خاورمیانه به‌ویژه کشورهایی که از بیشترین ظرفیت تحقق دیپلماسی اقتصادی ایران برخوردارند روند نظامی‌گری تشدید شده است. با این تحولات خاورمیانه به‌سمت نظامی‌گری بیشتر برای جلوگیری از سقوط نظام‌های حاکم سوق داده شد و همین مسئله می‌تواند در بلندمدت خود منشأ معماهای امنیتی جدید و تقویت ذهنیت و محیط تهدیدمحور در خاورمیانه شود؛ امری که مغایر با بسترهای اجرایی دیپلماسی اقتصادی ایران خواهد بود.

جدول ۲. سهم از واردات جهانی سلاح، پیش و پس از تحولات عربی (درصد)

کشور/سال	۲۰۰۷-۲۰۱۱	۲۰۱۲-۲۰۱۶
عربستان	۲/۹	۸/۲
امارات	۳/۱	۴/۶
عراق	۱/۶	۳/۲
قطر	۰/۴	۱/۳
مصر	۱/۹	۳
عمان	۰/۲	۱/۳
کویت	۰/۴	۰/۹

Source: SIPRI, 2017: 6.

#### ۲-۲-۴. اقتصادهای مشابه و نه مکمل

اتکای غالب کشورهای منطقه خاورمیانه به‌ویژه حوزه خلیج فارس بر اقتصاد تک‌محصولی مبتنی بر منابع هیدروکربنی باعث شده است تا نه تولید به‌عنوان راهگشای اصلی توسعه اقتصادی تقویت شود و نه کشورهای منطقه با تکیه بر مزیت‌های نسبی خود به تجارت درون‌منطقه‌ای و تقویت همکاری‌های تجاری و مالی روی آورند. افزون‌براین، اتکای بیش از اندازه این کشورها به درآمدهای نفتی سبب می‌شود از یک‌طرف با متغیر شدن قیمت نفت ساختارهای اقتصادی را با انبوهی از مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خاص خود که در پی وقوع سیکل‌های رکود - تورمی ایجاد می‌شود روبه‌رو کند و از طرف دیگر وقتی کشوری به درآمدهای نفتی بیش از توسعه صادرات غیرنفتی تکیه می‌کند بر اثر تغییراتی که در موازنه پرداخت‌ها و ذخایر ارزی رخ می‌دهد تأثیرات منفی آن را بر چرخه اقتصادی خود مشاهده می‌کند. مشکل اصلی اینجاست که در این کشورها نفت درآمد است نه سرمایه. این مدل اقتصادی تک‌محصولی وابسته به نفت برای اقتصاد ایران بسیار آسیب‌زاست چراکه این نوع اقتصاد که ویژگی برون‌زا جزئی از آن است دو متغیری را به همراه دارد که خارج از کنترل کشور است: اول آنکه قیمت نفت در بازارهای جهانی تعیین می‌شود که

با توجه به تحریم‌های صورت گرفته از سوی کشورهای غربی و رقابت کشورهای منطقه به‌ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس با ایران بر سر نفت می‌تواند در آن تأثیرگذار واقع شود. دوم آنکه سهمیه تولیدی توسط سازمان اوپک تعیین می‌شود که شرایط گفته شده در کنار خصومت آمریکا و متحدانش با ایران در این مورد هم مؤثر واقع می‌شوند و عملاً کنترل این دو مؤلفه غیرممکن است. در منطقه وجود ثروت ناشی از نفت خود به‌نوعی عامل عدم توسعه اقتصادی نیز شده است. تک‌محصولی بودن این کشورها در کنار سیاست‌های اقتدارگرایانه آنها این فرصت را به حاکمانشان داده تا با ثروت‌های هنگفتی که از راه فروش نفت و رانت اقتصادی به‌دست آمده، نیازهای جوامع خود را برطرف کنند و دیگر ضرورتی برای توسعه در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و در نتیجه ضرورت همکاری منطقه‌ای با بهره‌گیری از دیپلماسی اقتصادی احساس نکنند.

### ۳-۲-۴. مبادلات اقتصادی فرامنطقه‌ای

مهم‌ترین پیامد وجود اقتصادهای مشابه در منطقه خاورمیانه تمایل کشورها به تعمیق و گسترش مبادلات فرامنطقه‌ای است. تلاش برای استفاده از مزیت‌های نسبی در وضعیتی که همه کشورهای منطقه از همان مزیت برخوردارند چاره‌ای جز همکاری‌های اقتصادی با سایر مناطق برای آنها باقی نمی‌گذارد (جداول ۳ و ۴).

#### جدول ۳. شرکای صادراتی کشورهای منتخب خاورمیانه (۲۰۱۶)

کشور	شرکای صادراتی (درصد)
عربستان	امارات (۳/۱)، چین (۱/۹)، هند (۱/۱) سنگاپور (۱/۰۷)، کویت (۰/۸)
عراق	سنگاپور (۰/۱۸)، امارات (۰/۱۲)، ایتالیا (۰/۰۸)، لبنان -، ایران -
قطر	ژاپن (۱۹/۱)، کره جنوبی (۱۵/۶)، هند (۱۲/۹)، چین (۷/۸)، امارات (۶/۵)
امارات	هند (۳/۷)، ایران (۲/۹)، سوئیس (۲/۴)، عراق (۱/۸)، عمان (۱/۷)
مصر	امارات (۱۲/۶)، عربستان (۷/۸)، ایتالیا (۶/۵)، ترکیه (۶/۳)، بریتانیا (۴/۶)

Source: Global Bussiness Knowledge, 2018.

## جدول ۴. شرکای وارداتی کشورهای منتخب خاورمیانه (۲۰۱۶)

کشور	شرکای وارداتی (درصد)
عربستان	چین (۱۴/۵)، آمریکا (۱۳/۴)، آلمان (۶/۳)، ژاپن (۵/۵۳)، امارات (۵/۳)
عراق	نامشخص
قطر	آمریکا (۱۴/۴)، چین (۱۰/۴)، آلمان (۹/۲)، امارات (۹/۰۹)، ژاپن (۶/۶)
امارات	چین (۸/۲)، آمریکا (۷/۶)، هند (۶/۸)، آلمان (۴/۶)، ژاپن (۳/۷)
مصر	چین (۱۳)، آلمان (۸/۷)، آمریکا (۵/۳)، ایتالیا (۴/۵)، ترکیه (۴/۳)

Source: Ibid.

همان‌طور که داده‌های جداول نشان می‌دهد عمده مبادلات تجاری کشورهای منتخب خاورمیانه با مناطق و کشورهای خارج از خاورمیانه بوده و نقش کشورهای منطقه‌ای در شراکت تجاری با یکدیگر بسیار ضعیف است. این موضوع، هم مؤید عدم تمایل به روابط تجاری با یکدیگر در میان این کشورهاست و هم نشان می‌دهد نقش قدرت‌های بزرگ به‌ویژه قدرت‌های اقتصادی تا چه میزان در منطقه برجسته است. از این رو دیپلماسی اقتصادی ایران برای تغییر این وضعیت با دشواری‌های عمده‌ای روبه‌روست.

## ۴-۲-۴. ضعف نهادهای چندجانبه اقتصادی در منطقه

اساس منطقه‌گرایی بر این مبناستوار است که نیل به یک حکمرانی جهانی در وضعیت کنونی مشکل به‌نظر می‌رسد و باید عوامل پیونددهنده منطقه‌ای زمینه حصول به آرمان جهانی شدن را فراهم سازد. مشترکات جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی این امکان را به دولت‌های هم‌منطقه جغرافیایی می‌دهد که از امکانات خود با همکاری مشترک بهره‌برده و ضمن تأمین کمبودهای یکدیگر در زمینه‌های مختلف به سرمایه‌گذاری و تولید مشترک پردازند. امروزه منطقه‌گرایی و همکاری‌های منطقه‌ای از اهمیت خاصی برخوردار است و کمتر کشوری را در جهان می‌توان یافت که در یک سازمان منطقه‌ای عضویت نداشته باشد یا در اندیشه همکاری با کشورهای مجاور خود برای تشکیل یک سازمان منطقه‌ای نباشد (فرجی راد، ۱۳۸۳: ۳۲ و ۲۷). در کنار اهمیت

سازمان‌های منطقه‌ای، ضعف‌های بسیاری در مورد این سازمان‌ها وجود دارد با این حال تعداد زیادی از تسهیلات اقتصادی منطقه‌ای طی نیم قرن گذشته با ایجاد منطقه‌گرایی شکل گرفته است (Henning and et al., 2004: 79). تحولات تاریخی شکل‌گیری نهادهای چندجانبه نشان می‌دهد که همیشه نوعی نگرانی در ارتباط با سیستم یکپارچه قوانینی که بتواند ابزارهای سیاست داخلی را تدارک ببیند در ذهن بنیان‌گذاران آن وجود داشته است (Haggard, 2011). بررسی‌هایی که در خاورمیانه صورت گرفته نشان می‌دهد این منطقه از نظر صادرات، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و مدیریت منابع طبیعی در سطحی پایین‌تر از سایر مناطق جهان است که یکی از دلایل وقوع چنین مسئله‌ای، تضاد سیاست‌های اتخاذ شده با اقتصاد بین‌المللی است. به‌ویژه آنکه در اکثر کشورهای خاورمیانه دولت همچنان دست برتر را در اقتصاد داراست و این امر سبب شده است اصلاحات لازم در خصوص نظام اقتصادی انجام نگیرد. نکته دیگر آنکه، مشابهت در ساختار اقتصادی کشورهایی که این نهادها را شکل می‌دهند عنصر مهمی برای موفقیت آنها تلقی می‌شود، اما کافی نیست. بررسی کارنامه همکاری‌های اقتصادی اتحادیه عرب، سازمان کنفرانس اسلامی و اوپک که اکثر کشورهای خاورمیانه را تحت پوشش دارند نشان‌دهنده عملکرد ضعیف این سازمان‌ها در گسترش همکاری‌های اقتصادی کشورهای عضو است. تصور یک اتحادیه همکاری اقتصادی در منطقه که رویکردی صرفاً اقتصادی داشته باشد و نسبت به همکاری‌های سیاسی و نظامی بی‌توجه باشد اگر غیرممکن نباشد بسیار مشکل است. «آرمان‌های سیاسی پیش شرط لازم برای شکل‌گیری نهادهای منطقه‌ای که یکپارچگی اقتصادی را تقویت می‌کنند نیست، ولی حمایت‌های سیاسی داخلی برای موفقیت نهادهای منطقه‌ای مهم است» (Henning and et al., 2004: 80). قوانین سیاسی برای همکاری نهادها ضروری است اما پشتیبانی سیاسی برای همکاری اقتصادی متفاوت از اتحادسازی سیاسی است و همچنین بسیار متفاوت از قوانین نخبگان در مورد استفاده از نهادهای منطقه‌ای برای محدود کردن منازعات امنیتی است (Ibid.: 90)، اما در خاورمیانه عوامل سیاسی چه در تحریم‌ها و چه در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی همیشه پررنگ‌تر از اهداف اقتصادی بوده است. این امر در مورد کشورهای منطقه درباره تقدم همکاری سیاسی و امنیتی بر همکاری اقتصادی قابل مشاهده است که نمونه آن را می‌توان کاهش روابط کشورهای عربی با قطر نام برد.

ضعف دیگر نهادهای اقتصادی منطقه خاورمیانه نوع نگاه کشورهای این منطقه به مسئله اقتصادی زیر سایه مسائل سیاسی است به‌ویژه آنکه بیشتر کشورهای منطقه دولت‌های دست‌نشانده‌ای هستند که علاوه بر تأمین منافع سیاسی خود به تأمین منافع صاحبان خود نیز می‌اندیشند و همین مسئله همکاری‌های اقتصادی را فدای سیاست کرده است. کشورهای منطقه با نگاه به اتحادیه اروپا می‌توانند تجارب بسیاری برای موفقیت اتحادیه‌های اقتصادی در منطقه کسب کنند. تجربه اروپا به کشورهای منطقه خواهد آموخت که چطور به سمت منطقه‌گرایی حرکت کنند همچنین این موضوع که همگرایی اقتصادی در اروپا از ابتدا نه به صورت کلی بلکه به صورت بخشی آغاز شد می‌تواند تجربه مفیدی برای طرح‌های همگرایی اقتصادی در حوزه خلیج فارس تلقی شود (فرجی راد، ۱۳۸۳: ۳۰).

درحالی‌که بسیاری از نقاط جهان به سمت بلوک‌های اقتصادی جذب شده‌اند، خاورمیانه هنوز نتوانسته گامی مؤثر در این زمینه بردارد. تمایل ناکافی در بخش‌هایی از رهبری سیاسی در بسیاری از کشورهای آن برای حرکت فراتر از دیدگاه‌های تنگ‌نظرانه به منطقه، سطح ناهمگون توسعه اقتصادی، تفاوت‌های چشمگیر در نظام‌های اقتصادی مشارکت‌کنندگان بالقوه در مناسبات اقتصادی، ناهماهنگی بازار و میزان تولید ناخالص ملی که به تن دادن کشورهای کوچک‌تر به سلطه همسایگان بزرگ‌تر منجر می‌شود، به همراه فقدان نهادهای قضایی و واسطه قوی برای حل سریع تعارضات به‌وجود آمده از جمله موانعی هستند که در برابر شکل‌گیری این روند قرار می‌گیرند (Kavoossi, 2000: 112). به‌علاوه درآمد ثابت نفتی و مکمل نبودن اقتصادهای منطقه و تک‌محصولی بودن که پیش‌تر درباره آن توضیحاتی داده شد در کنار وابستگی به اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته و سابقه دشمنی برخی کشورهای منطقه با یکدیگر از عوامل دیگری است که همکاری‌های اقتصادی و موفقیت سازمان‌های منطقه‌ای را با ابهام روبه‌رو می‌کند. درگیری بین منافع و دیدگاه‌ها خود می‌تواند به بی‌ثباتی موقت اقتصاد یک کشور، منطقه یا واحد اقتصادی منجر شود. اگرچه نقش سازمان‌های بین‌المللی در این روند می‌تواند مؤثر باشد، سیستم اقتصادی جدید مبتنی بر وابستگی متقابل و همکاری می‌تواند تجربه امیدوارکننده‌ای از شکل‌گیری نهادهای چندجانبه باشد (Zukrowska, 1999: 282).

در مورد ایران واقعیت این است که ویژگی‌های جغرافیایی سیاسی کشور و لزوم تقویت آن در منطقه با همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای همواره زمینه‌های بالقوه‌ای را برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده‌اند؛ اما الزامات ناشی از تحقق سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور، ویژگی‌های ژئوپلیتیک و تهدیدها و تبعات ناشی از پرونده هسته‌ای، ضرورت و نیاز به هم‌پیوندی اقتصادی با همسایگان را به‌عنوان یک عامل بازدارنده مؤثر برای تضمین امنیت سیاسی و اقتصادی کشور در مقابل تهدیدهای فزاینده خارجی دوچندان ساخته است (دامن‌پاک جامی، ۱۳۸۸: ۲۱۱). البته ایران به این موضوع پی برده است که برای کسب موفقیت بیشتر در دیپلماسی اقتصادی با توجه به شرایط خود، پیمان‌های منطقه‌ای اهمیت ویژه‌ای دارند و تجارت منطقه‌ای و درون‌منطقه‌ای را تسهیل می‌کنند با این وجود تنها آگاهی از مزایای این گونه پیمان‌ها و قراردادها برای موفقیت اقتصاد کافی نیست. به‌طور کلی کشورها برای اینکه بتوانند حضور پررنگ‌تری در تجارت جهانی داشته باشند باید در اقتصاد منطقه‌ای خود موفق عمل کنند.

### ۳-۴. سطح جهانی

جهانی شدن اقتصاد در چند دهه اخیر مهم‌ترین عاملی بوده است که باعث شده تا هرگونه تغییر و تحول در حوزه اقتصادی در یک گوشه از جهان با آثار و پیامدهایی در سایر مناطق و کشورها همراه باشد. ضمن اینکه تعقیب منافع اقتصادی کلان و بین‌المللی باعث مداخله قدرت‌های اقتصادی برای کسب مزیت‌ها در سایر مناطق شده است. به همین دلیل خاورمیانه با ویژگی‌های خاص ژئواکونومیک خود مستعد این تأثیر و تأثر جهانی است. در این راستا، مهم‌ترین چالش‌های دیپلماسی اقتصادی ایران در خاورمیانه در سطح جهانی عبارتند از:

#### ۱-۳-۴. مداخله قدرت‌های بزرگ در ترتیبات امنیت منطقه‌ای

یکی از چالش‌هایی که از دیرباز منطقه خاورمیانه را در مسیر کسب استقلال ملی و سپس تحقق رشد و توسعه همه‌جانبه با آن مواجه کرده نقش فزاینده قدرت‌های فرامنطقه‌ای در تعیین مناسبات درونی آن بوده است. این منطقه قبل از جنگ جهانی دوم به‌دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و بعد از آن به‌دلیل جایگاه برجسته ژئواکونومیک (منابع انرژی و بازارهای مصرفی بزرگ)



همواره محل رقابت و مداخله قدرت‌ها بوده است. از حیث معادلات مرتبط با نظم سیستمی و ارتباط سیستم‌های بین‌المللی با سیستم‌های تابعه یا مناطق این موضوع امری مسجل است که مداخله فرامنطقه‌ای در یک سیستم تابعه عملاً سازوکارهای درونی مدیریت منطقه‌ای را از کار می‌اندازد. البته اشاره به این نکته نیز ضروری است که یکی از دلایل مداخلات فرامنطقه‌ای در محیط‌های حساسی مانند خاورمیانه ضعف درونی مناطق در به‌کارگیری ابزارهای مناسب برای مدیریت نظم و فراتر رفتن از بحران بوده است.

آمریکا و متحدانش در منطقه با افزایش حضور نظامی خود، ترتیبات امنیتی منطقه را به نفع خود و منافعیان با هدف اعلامی حمایت از کشورهای منطقه در مقابل تروریسم و رشد گروه‌های افراط‌گرا تغییر دادند. حضور آمریکا و قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خاورمیانه گسترش روابط بین کشورها را هم با مشکلاتی روبه‌رو ساخته است؛ چراکه از نظر چنین قدرت‌هایی دولت‌ها در منطقه به دوست و دشمن دسته‌بندی می‌شوند و مسلماً دولت‌هایی که در گروه دشمن قرار می‌گیرند در بلندمدت با تهدیدها و چالش‌های امنیتی مختلف دست‌وپنجه نرم می‌کنند و ایجاد روابط دوجانبه نظامی با کشورهای منطقه و دولت‌های مداخله‌گر بر شدت آن می‌افزاید. همچنین با پروژه‌های ایران‌هراسی که آمریکا در منطقه علیه ایران به راه انداخته و رقابت عربستان با ایران برای نفوذ بیشتر در منطقه و کاستن از نفوذ ایران در مناسبات منطقه‌ای، زمینه لازم را برای حضور گسترده‌تر آمریکا و قدرت‌های خارجی در خاورمیانه فراهم کرده است. انعقاد قراردادهای امنیتی کشورهای کویت، امارات متحده عربی، عربستان و بحرین با کشورهای ایالات متحده، روسیه، فرانسه، انگلستان و کشورهای دیگر نمونه بارز قراردادهایی است که کشورهای منطقه به دلیل ناپایداری امنیت منطقه‌ای با کشورهای خارج از منطقه تنظیم کرده‌اند (حافظ‌نیا و فرجی، ۱۳۹۳: ۸۳). حضور قدرت‌های فراملی در منطقه از بعد اقتصادی نیز آسیب‌های بسیاری می‌زند که اینک این کشورها با به راه انداختن مسابقات تسلیحاتی میان کشورهای منطقه سعی در تبدیل دلارهای نفتی به تجهیزات جنگی دارند.

با توجه به آنچه بیان شد این مداخلات جایی برای شکل‌گیری همکاری‌های اقتصادی در منطقه باقی نمی‌گذارند. با بی‌اعتمادی شکل گرفته در بین کشورهای منطقه و امنیتی

کردن فضای خاورمیانه کشورها نمی‌توانند درخصوص مسائل اقتصادی به یکدیگر اعتماد کرده و خوش‌بین باشند؛ اعتمادی که برای انجام قراردادهای اقتصادی و سرمایه‌گذاری و امنیت سرمایه بسیار ضروری است؛ بنابراین کشورهای منطقه به جای جهت‌گیری درباره مسائل اقتصادی و زیربنایی، سرمایه‌های ملی کشور خود را وارد جریان رقابت‌های تسلیحاتی بی‌فایده کرده و از طرف دیگر هزینه‌ها را در جایی غیر از افزایش تولید و توسعه اقتصاد منطقه به مصرف می‌رسانند. به‌طور کلی بی‌اعتمادی متقابل ایران و کشورهای عربی منطقه به‌ویژه عربستان و وجود اختلاف‌های سیاسی با برخی کشورهای منطقه، حضور آمریکا در بخش‌هایی از خلیج فارس، نوع نگرش ایران به عراق بعد از سقوط صدام و تحولات موسوم به بهار عربی و حمایت ایران از چنین جریان‌هایی در کنار افزایش نفوذ و قدرت منطقه‌ای ایران و تردیدهایی که درخصوص فعالیت‌های نظامی و موشکی ایران در منطقه و جهان وجود دارد مواردی هستند که مانع از برقراری روابط اقتصادی مطلوب در منطقه می‌شوند.

### ۲-۳-۴. بحران‌های اقتصادی جهانی و پیامدهای منطقه‌ای برای خاورمیانه

درخصوص بحران‌هایی که در سطح بین‌المللی اتفاق می‌افتد دو عامل در وضعیت کشورهای با اقتصاد ضعیف برجسته‌تر است: ابتدا، با وقوع بحران‌های اقتصادی دهه ۱۹۹۰ و زمانی که روسیه نتوانست به بازپرداخت وام‌های خود ادامه دهد؛ سرمایه‌گذاران دیگر حاضر نشدند در اقتصادهایی بدون پشتوانه نیرومند سرمایه‌گذاری کنند و دوم، دولت‌های خاورمیانه نمی‌توانستند پیامدهای اجتماعی و سیاسی بحران اقتصادی به‌مانند آنچه در کشورهای جنوب شرقی آسیا روی داد، تحمل کنند (ریچاردز، ۱۳۷۸: ۱۷۴). به‌این ترتیب بحران‌های جهانی به چند طریق وارد کشورهای عربی منطقه خاورمیانه شدند: بازارهای مالی، بازارهای نفت خام، سرمایه‌گذاری کشورهای عربی در بازارهای جهانی، گردشگری، کسب درآمد کارگران عرب و صادرات غیرنفتی که از شمال آفریقا شروع و به اروپا انتقال پیدا کرد (Habibi, 2009). همچنین درحالی که بحران اقتصادی ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ به رکود اقتصادی و رشد منفی در بسیاری از نقاط جهان منجر می‌شد ولی در خاورمیانه تأثیر ملایم‌تری داشت. در کشورهای

صادرکننده نفت خاورمیانه کاهش رشد اقتصادی و صادرات نفت دو پیامد اصلی بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بحران اقتصادی خاورمیانه حتی از حوزه نفتی هم فراتر رفته و با «کاهش ساخت‌وساز املاک و فعالیت‌های صنعتی در کشورهای عربی خاورمیانه موجب بیکار شدن ده‌ها هزار کارگر مهاجر شده است» (Ibid.). بازگشت این حجم از نیروی کار به درون کشورهای فرستنده فشار فزاینده‌ای به دولت‌ها برای مقابله با آثار ناشی از بحران‌های مالی بین‌المللی داشت. همچنین علاوه بر فشار اقتصادی، موجی از اعتراض‌های گروه‌های مختلف اجتماعی هم برای عدم رسیدگی به مطالبات اقتصادی در کشور ایجاد کرد؛ بنابراین با توجه به روابط مالی و تجاری نزدیک اروپا با این منطقه، درآمد بالای اروپا رابطه مستقیمی بر کشورهای خاورمیانه داشت و بحران در حوزه یورو نیز رشد این کشورها را تحت تأثیر قرار داد (فرجی راد و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۱).

به‌طور کلی کاهش نرخ رشد اقتصاد جهانی موجب کاهش تقاضای نفت شده و سقوط قیمت نفت را به دنبال دارد. این موضوع در حالی است که کشورهای صادرکننده نفت بخش چشمگیری از درآمدهای صادراتی خود را از فروش نفت به دست می‌آورند. به همین دلیل تغییرات قیمت نفت درآمدهای دولت و تراز حساب جاری را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین با افزایش و کاهش قیمت نفت در جهان شوک‌های بزرگی بر اقتصاد کشورهای با ساختار ضعیف وارد می‌سازد. ایران نیز در بین این کشورها به دلیل هم‌پیوندی ضعیف با اقتصاد جهانی تا اندازه زیادی از آثار مستقیم این تحولات (مثبت و منفی) دور بوده است؛ هرچند هم‌پیوندی اقتصاد خاورمیانه با اقتصاد جهانی پیامدهای بحران‌های مقطعی قطعاً روند همکاری‌های منطقه‌ای را کند کرده و می‌تواند مشوق راه‌حل‌های ملی‌گرایانه و جهانی افراطی باشد.

## ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تداوم آثار سوء اقتصاد تک‌محصولی در کنار زیان‌های وارد شده به اقتصاد ایران در دوران تحریم‌ها بار دیگر نشان داد که در عصر جهانی شدن اقتصاد، کشورها نمی‌توانند با اتکا به مبانی اقتصادی چند دهه پیش به رشد و توسعه نایل شوند. در این میان با تشدید فرایند

وابستگی متقابل میان کشورها و هم‌زمان افزایش یافتن اهمیت مناطق در اقتصاد سیاسی جهانی موضوع دیپلماسی اقتصادی به الزامی گریزناپذیر در منظومه سیاستگذاری کشورها تبدیل شده است. تغییر در مبانی مشروعیتی و اهمیت‌یابی کارآمدی اقتصادی، تغییر گسترده در مفهوم و مصادیق امنیت و ضرورت‌های ناشی از منطقه‌گرایی باعث شده تا این نوع از دیپلماسی برای جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در مناطق پیرامونی دارای اهمیت فراوانی شود. نگاهی به تجربه کشورهای موفق در این شکل از دیپلماسی نشان می‌دهد که مناطق فوری و پیرامونی آنها محمل اولیه تعمیق روابط اقتصادی و تلاش برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های منطقه‌گرایانه بوده است.

در این میان، منطقه خاورمیانه با وجود تنش‌ها و بحران‌های مختلف از مستعدترین مناطق ژئواکونومیک برای همکاری‌های اقتصادی است، چنانکه قدرت‌های نوظهور جهانی این اهمیت و جایگاه را درک کرده و تلاش بسیاری را در دو دهه اخیر برای حضور در منطقه به انجام رسانده‌اند. با این حال ایران به‌عنوان کشوری مهم در این منطقه، هنوز توانسته است در تحقق دیپلماسی اقتصادی منطقه‌ای موفق عمل کند. فقدان تعریف روشن از این مفهوم در کنار الگوهای متفاوت توسعه و نبود کارگزار مشخص در سطح داخلی در این عدم موفقیت مؤثر بوده‌اند. در سطح منطقه‌ای محیط امنیتی خاورمیانه، ضعف نهاد‌های چندجانبه و اقتصاد مشابه و در نتیجه مبادلات اقتصادی فرامنطقه‌ای مهم‌ترین چالش‌های دیپلماسی اقتصادی ایران به‌شمار می‌آیند و در نهایت تأثیرپذیری شدید خاورمیانه از بحران‌های جهانی و مداخلات فرامنطقه‌ای قدرت‌ها زمینه‌ساز وضعیت تقریباً نامساعد دیپلماسی اقتصادی ایران بوده است. اگر براساس چارچوب مفهومی پژوهش به تحلیل این روند پرداخته شود می‌توان دریافت که بخش عمده‌ای از ناتوانایی در پاسخ به ضرورت‌های داخلی و رفع نیاز به ناکارآمدی نسبی این شکل از دیپلماسی در سطوح منطقه‌ای مربوط می‌شود. در این راستا، رعایت بعضی الزام‌ها همچون تلاش برای تقویت نهاد‌های دو و چندجانبه منطقه‌ای برای تقویت منطقه‌گرایی و دفع آثار تهاجمی جهانی شدن، عمل‌گرایی اقتصادی مبتنی بر حساسیت‌زدایی سیاسی و امنیتی و از آن مهم‌تر ایدئولوژیک، تقویت و تداوم برنامه‌محور تنش‌زدایی در سیاست خارجی، برنامه‌محوری و پرهیز از سیاست‌های مقطعی و آونگی، تشکیل ستاد مرکزی دیپلماسی

اقتصادی برای تنظیم دستور کارها و تعیین دقیق مسئولیت نهادهای دخیل و حذف ستادها و نهادهای موازی و ناکارآمد و تقویت اقتصاد تولیدی و غیرنفتی و تلاش برای تسری آن به بخش‌های منطقه‌ای می‌توانند در تحقق فراگیر دیپلماسی اقتصادی و رفع چالش‌های فراروی آن در سطح منطقه‌ای مفید به‌فایده باشد.

## منابع و مآخذ

۱. برژیک، پترون (۱۳۹۴). «کاوشی نو در دیپلماسی اقتصادی»، ترجمه علی عرب صالحی نصرآبادی، مجله اقتصادی، ش ۳ و ۴.
۲. جانی، سیاوش (۱۳۹۷). «بررسی تأثیر سطوح مختلف نهادی بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای حوزه سند چشم‌انداز»، مجله مجلس و راهبرد، دوره ۲۵، ش ۹۳.
۳. حافظ‌نیا، محمدرضا و بهرام فرجی (۱۳۹۳). «تأثیر ژئوپلیتیک انرژی بر شکل‌گیری ترتیبات امنیت منطقه‌ای: مطالعه موردی منطقه خلیج فارس از ۲۰۱۰-۱۹۷۰»، فصلنامه آفاق امنیت، ش ۲۴.
۴. حیدری، محمد و سهراب انعامی علمداری (۱۳۹۱). «دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ش ۲۰.
۵. دامن‌پاک جامی، مرتضی (۱۳۸۸). *دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۶. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و مختار صالحی (۱۳۹۱). «دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران: زمینه‌ها و شاخص‌ها»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال هفدهم، ش ۵۲.
۷. ذوالفقاری، وحید و علی‌اکبر جعفری (۱۳۹۵). «سامانه منطقه‌ای اکو: متحدان تاکتیکی و مصلحت‌گرا یا رقبای استراتژیک و منفعت‌گرا»، راهبرد، سال بیست‌وپنجم، ش ۷۸.
۸. رشنو، نبی‌الله (۱۳۹۲). «بازنمایی تأثیرات راهبردی ژئوپلیتیک و دیپلماسی اقتصادی بر تعمیق مناسبات منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در جنوب غرب آسیا»، همایش ملی ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا.
۹. روزنامه دنیای اقتصاد (۱۳۹۵/۹/۲۴). «اخبار صنعت، معدن و بازرگانی با موضوع دو اهرم سرمایه» در مصاحبه با بهروز هادی زنون، ش ۳۹۳۳.
۱۰. ریچاردز، آلن (۱۳۷۸). «بحران مالی جهانی و اصلاحات اقتصادی در خاورمیانه»، ترجمه پرویز کریمی ناصری، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ش ۱۸.
۱۱. سایت مقام معظم رهبری (۱۳۹۳/۶/۵). قابل دسترس در [Khamenei.ir](http://Khamenei.ir).
۱۲. سمیعی نسب، مصطفی (۱۳۹۴). «دیپلماسی اقتصادی، راهبرد مقابله با تحریم‌های اقتصادی در منظومه اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه آفاق امنیت، ش ۲۵.
۱۳. صبوری، ضیاءالدین و تاج‌الدین صالحیان (۱۳۹۶). «بررسی راهبردی دیپلماسی اقتصادی

## چالش‌ها و موانع دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه \_\_\_\_\_ ۱۰۳

- جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی دولت یازدهم و دوازدهم، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره اول، ش ۲۴.
۱۴. طباطبایی، علی (۱۳۸۸). «بایسته‌های دیپلماسی اقتصادی ایران در عصر جهانی شدن»، فصلنامه مطالعات سیاسی، ش ۵.
۱۵. فرجی راد، عبدالرضا (۱۳۸۳). «اهمیت توجه به منطقه‌گرایی و نقش آن در توسعه کشور»، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، ش ۳.
۱۶. فرجی راد، عبدالرضا و همکاران (۱۳۹۲). «تأثیر بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بر رشد اقتصادی در خاورمیانه»، مطالعات خاورمیانه، ش ۷۵.
۱۷. فوزی، یحیی (۱۳۹۵). «تحول دولت‌ها و عملکرد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران»، جستارهای سیاسی معاصر، سال هفتم، ش ۳.
۱۸. قاسمی، فرهاد (۱۳۸۶). دیپلماسی و روابط بین‌الملل، تهران، نشر میزان.
۱۹. کر، پالین و جفری وایزمن (۱۳۹۲). دیپلماسی در عصر جهانی شدن، ترجمه عباس کاردان، تهران، ابرار معاصر.
۲۰. گمرک جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۷). فهرست مطالب آمارهای سالیانه.
- [http://www.irica.gov.ir/web\\_directory/55335](http://www.irica.gov.ir/web_directory/55335)
۲۱. معاونت سیاست خارجی و روابط بین‌الملل (۱۳۸۲). «ایران، دیپلماسی اقتصادی و جهانی شدن»، راهبرد، ش ۲۷.
۲۲. موسوی شفیعی، مسعود و همت ایمانی (۱۳۹۶). «دیپلماسی اقتصادی: رهیافتی برای افزایش قدرت ملی ایران»، راهبرد، سال بیست‌وششم، ش ۸۴.
۲۳. موسوی شفیعی، مسعود و همکاران (۱۳۹۵). «دیپلماسی اقتصادی و قدرت‌یابی چین در عرصه جهانی»، مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ش ۲.
۲۴. یعقوبی منظری، پریسا (۱۳۸۹). «مقایسه تطبیقی وضعیت اقتصادی ایران با کشورهای منطقه (با تکیه بر اطلاعات بانک جهانی)»، بررسی‌های بازرگانی، ش ۴۴.
۲۵. پناهی، حسین و همکاران (۱۳۹۲). «بررسی اثر تروریسم بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای منتخب خاورمیانه»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، ش ۱۱.

27. Bayne, N. and S. Woolcock (2007). *The New Economic Diplomacy*, Aldershot: Ashgate.
28. Busse, M. and C. Hefeker (2007) "Political Risk, Institutions and Foreign Direct Investment", *European Journal of Political Economy*, Vol. 23.
29. Cammett, Melani and etal. (2015). *A Political Economy of Middle East*, Westview Press.
30. Cordesman, Anthony H. (2016). *The Changing Security Structure in the Middle East*, Center for Strategic and International Studies, United States: Washington D.C.
31. Factbook (2016). "Field Listing: Exports-Partners" (observed: 5/2/2018) at: <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/fields/2050.html>
32. Global Business Knowledge (2018). "Trade Statistics", (observed: 10/2/208) at: <https://globaledge.msu.edu/>
33. Habibi, Nader (2009). "The Impact of the Global Economic Crisis on Arab Countries: a Year-end Assessment", *Middle East Brief*, No. 40. Waltham, MA: Brandeis University, Crown Center for Middle East Studies.
34. Haggard, S. (2011). "The Organizational Architecture of the Asia and the Pacific: Insights from the New Institutionalism", *Asian Development Bank*, No. 71.
35. Henning, E. and etal. (2004). *Finding Your Way in Qualitative Research*, Van Schaik Publishers, Pretoria.
36. Ilias, Shayerah (2010). "Iran's Economic Conditions: U.S. Policy Issues", Congressional Research Service, (observed: 18/9/2018) at: <https://msuweb.montclair.edu/~lebelp/ShayerahIliasIranEconomicConditionsCRS2010.pdf>
37. Kavoossi, Masoud (2000). *The Globalization of Business in the Middle East Opportunities and Constraints*, Greenwood Publishing Group.
38. Nejad, Ali Fathollah (2017). "Facing Big Political Challenges", (observed: 8/2/2018) at: <https://www.brookings.edu/blog/markaz/2017/12/06/facing-big-political-challenges-this-weeks-gulf-cooperation-council-meeting-fell-flat/>



39. Pinfari, M. (2016). *Regional Organizations in the Middle East*, Oxford Handbooks Online.
40. Rana, K. (2013). "Economic Diplomacy: What Might Best Serve a Developing Country?", *International Journal of Diplomacy and Economy*, Vol. 1, Nos. 3-4.
41. Randall Henning, C. (2005) *Regional Economic Intergration in a Global Framework*, European Central Bank.
42. Rashid, Harun ur (2005). *Economic Diplomacy in South Asia*, Indian Economy and Business Update.
43. SIPRI (2017). "Trends in International Arms Transfers, 2016", SIPRI Fact Sheet, February (observed: 9/2/2018) at: <https://www.sipri.org/sites/default/files/Trends-in-international-arms-transfers-2016.pdf>
44. UNCTAD (2017). "World Investment Report 2017" (observed:7/2/2018) at: [http://unctad.org/en/PublicationsLibrary/wir2017\\_en.pdf](http://unctad.org/en/PublicationsLibrary/wir2017_en.pdf)
45. World Bank (2016). "Foreign Direct Investment, net Inflows (BoP, Current US\$) \$" (observed:5/2/2018) at: <https://data.worldbank.org/indicator/BX.KLT.DINV.CD.WD?end=2016&locations=IR-QA-TR-KW-SA-AE&start=2000&view=chart>
46. \_\_\_\_\_ (2018). "Imports of Goods and Services (% of GDP) " & "Exports of Goods and Services (% of GDP)" (observed:10/12/2018) at:<https://data.worldbank.org/indicator/NE.IMP.GNFS.ZS?end=2017&locations=IR&start=1979>.
47. Zukrowska, K. (1999). *The Link Between Economics, Stability and Security in a Transforming Economy*, Institute of Development and Strategic Studies, Poland, Warsaw.



# تبیین مدل مدیریت راهبردی پژوهش و فناوری در سازمان‌های حمایت‌کننده از پژوهش و فناوری؛ مطالعه موردی

رضا بندریان\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۸

پژوهش و فناوری اغلب نیازمند حمایت بوده و در بیشتر کشورها، سازمان‌هایی برای حمایت از فعالیت‌های پژوهش و فناوری شکل می‌گیرد. نبود نگرش جامع و یکپارچه برای هدایت پروژه‌های پژوهش و فناوری در این سازمان‌ها به ناکارآمدی حمایت‌های آنها از پژوهش و فناوری منجر می‌شود. هدف از این مقاله تبیین مدل مدیریت راهبردی پژوهش و فناوری در یکی از این سازمان‌ها با ارائه یک الگوی تفصیلی از مراحل تکامل دستاوردهای پژوهش و فناوری به‌منظور فراهم کردن بستر پیاده‌سازی نظام مدیریت راهبردی پژوهش و فناوری در سازمان مورد مطالعه است. روش تحقیق «مطالعه موردی بسط یافته» بوده و در راستای اجرای تحقیق حوزه فعالیت‌های مورد حمایت این سازمان مطابق با فرایند ایده تا بازار در چهار حوزه ایده‌پردازی، پژوهشی، توسعه فناوری و تجاری‌سازی تقسیم شده است. سپس انواع ورودی‌ها و خروجی‌های هر یک از مراحل تعریف شد و شیوه حمایت سازمان حمایت‌کننده از پژوهش و فناوری در این حوزه‌ها تعریف و نحوه تسهیم مالکیت و منافع دستاوردها نیز تعیین شد.

**کلیدواژه‌ها:** مدیریت راهبردی پژوهش و فناوری؛ مسیر تکامل پژوهش و فناوری؛ سازمان حمایت‌کننده پژوهش و فناوری

## مقدمه

هدف از انجام پژوهش و فناوری، حمایت از نوآوری فناورانه در صنعت است و شدت یافتن رقابت در محیط کسب و کار که موجب افزایش حمایت کشورها و سازمان‌ها از فعالیت‌های پژوهش و فناوری شده است. امروزه در بسیاری از کشورهای جهان، سرمایه‌گذاری برای پژوهش و فناوری بازتاب یک حرکت سازمانی یا دولتی در جهت فراتر رفتن از سود و بازدهی فعلی و بهبود عملکرد و بازدهی در آینده است. در زمینه کسب و کار نیز پژوهش و فناوری به معنای حرکت به سمت آینده روشن و فعالیت‌های بلندمدت در دانش و فناوری با استفاده از تحقیقات علمی است. بنابراین اهداف یک نظام پژوهش و فناوری پس از بررسی درباره نیازهای فناورانه و در نظر گرفتن اهداف راهبردی تعیین می‌شوند که این اهداف می‌توانند شامل حمایت و گسترش کسب و کارهای موجود با گسترش و تحقق توانمندی‌های فناورانه یا هدایت به سمت کسب و کارهای جدید شوند (Shapiro and Euchner, 2016; MacMillan, 2011; Ridder, 2011).

با توجه به کمبود منابع و افزایش رقابت برای به دست آوردن آن و استفاده بهینه از منابع کمیاب، نیاز به استقرار و اتخاذ روش‌های بسیار اثربخش‌تر در مدیریت پژوهش و فناوری احساس می‌شود. در کشورهای توسعه‌یافته این نیاز را با به کارگیری رویکردها و ابزارهای مدیریت راهبردی به منظور افزایش اثربخشی پژوهش و فناوری پاسخ داده‌اند و براساس آن، مفهوم مدیریت راهبردی پژوهش و فناوری که حاصل امتزاج بین‌رشته‌ای «مدیریت پژوهش و فناوری» و «مدیریت راهبردی» است در سال‌های اخیر ظهور یافته و مورد توجه قرار گرفته است (بندریان، کریمی دستجردی و جعفرنژاد، ۱۳۹۱؛ Danneels, 2002, 2007).

ماهیت کاملاً متفاوت مدیریت پژوهش و فناوری در فضای اقتصاد نوین نسبت به اقتصاد سنتی ضرورت اتخاذ رویکردهای راهبردی برای مدیریت پژوهش و فناوری را ایجاب می‌کند. مدیریت پژوهش و فناوری به عنوان کانون تلاش‌های مبتنی بر فناوری برای تبدیل درون‌دادها به برون‌دادهای دانش‌بنیان است و مدیریت راهبردی پژوهش و فناوری را می‌توان چنین تعریف کرد: فرایندی که طی آن مدیران پژوهش و فناوری برای حصول به کارآمدی<sup>۱</sup>

۱. کارآمدی عبارت است از: کارایی، مؤثرسازی، کاهش هزینه و افزایش رضایت‌مندی مشتریان و ذی‌نفعان.

و اثربخشی با توجه به محیط به‌شدت متغیر فناورانه موجود، تصمیم‌ها و اقدام‌های به هم پیوسته‌ای را در قبال موضوعات اصلی حیطه فعالیت خود در پیش می‌گیرند تا مأموریت خود را به بهترین شکل برای حمایت فناورانه و نوآورانه از صنعت به انجام برسانند و همچنین بتوانند تصمیم‌ها، راهبردها و اقدام‌های خود را با هدف‌های راهبردی و عملیاتی مورد نظر هماهنگ کنند (بندریان، کریمی دستجردی و جعفرنژاد، ۱۳۹۱).

درک مفهوم مدیریت راهبردی پژوهش و فناوری مستلزم آگاهی از ویژگی‌ها، توصیف شیوه‌های مختلف کسب و کار و نیز شرایط و موقعیت‌های کاری در حوزه پژوهش و فناوری است. از آنجا که پژوهش و فناوری کالایی عمومی است اغلب به حمایت (معمولاً دولتی) نیازمند است. در این راستا در بیشتر کشورها سازمان‌ها یا نهادهایی برای حمایت مالی و غیرمالی از توسعه فعالیت‌های پژوهش و فناوری شکل می‌گیرند (Katzemeyer and Lawrenz, 2006; NASEM, 2015).

هدف از این مقاله تبیین مدیریت راهبردی پژوهش و فناوری در این گونه سازمان‌هاست. این واضح‌سازی باید از چنان قابلیت‌برخوردار باشد که بتواند فرایند مدیریت راهبردی در سازمان‌های حمایت‌کننده پژوهش و فناوری را طی زمان و در موقعیت‌های مختلف تبیین کند. این مقاله به دنبال ارائه الگویی تفضیلی از مراحل تکامل دستاوردهای پژوهش و فناوری به منظور فراهم کردن بستر پیاده‌سازی نظام مدیریت راهبردی پژوهش و فناوری در سازمان‌های حمایت‌کننده است.

به منظور استقرار رویکرد راهبردی و پیاده‌سازی فرایند مدیریت راهبردی، پژوهش و فناوری در سازمان‌های حمایت‌کننده از پژوهش و فناوری، حوزه فعالیت‌شان براساس فرایند ایده تا بازار در چهار حوزه ایده‌پردازی، پژوهشی، توسعه فناوری و تجاری‌سازی تقسیم می‌شود. از این رو با توجه به ابعاد و توانایی‌های سازمان‌های حمایت‌کننده از پژوهش و فناوری در حمایت از این حوزه‌ها و همچنین تفکیک مأموریتی بین نهادهای پشتیبانی‌کننده نظام علم و فناوری کشور و وضعیت حوزه‌های علمی، فناورانه و صنعتی مختلف می‌توان از میان این چهار حوزه (ایده‌پردازی، پژوهشی، توسعه فناوری و تجاری‌سازی)، حیطه فعالیت‌های اصلی مورد حمایت سازمان‌های حمایت‌کننده از پژوهش و فناوری را انتخاب و مشخص کرد. شیوه حمایت سازمان‌های حمایت‌کننده از پژوهش و فناوری در این حوزه‌ها با توجه به منشأ شکل‌گیری موضوع یا طرح مورد نظر (از درون یا بیرون سازمان‌های حمایت‌کننده از پژوهش و فناوری) می‌تواند متفاوت باشد.

در ادامه، ابتدا به بررسی ادبیات موضوع شامل مبانی حمایت از پژوهش و فناوری و رویکردهای سازماندهی اجرای فرایند نوآوری فناورانه (پروژه‌های پژوهش و فناوری) پرداخته و سپس به روش اجرای تحقیق اشاره می‌شود. در قسمت سوم به تشریح کلیات مدل پرداخته می‌شود که براساس آن مسیر تکامل پژوهش و فناوری به تفکیک در چهار حوزه ایده‌پردازی، پژوهشی، توسعه فناوری و پیش تجاری‌سازی و تجاری‌سازی تشریح می‌شود. بدین منظور ورودی‌ها و خروجی‌های هر حوزه، اقدام‌های مورد نیاز بر ورودی‌ها به منظور حصول به خروجی‌ها و همچنین اقدام‌های مورد نیاز بر خروجی‌ها به منظور تکامل و تجاری‌سازی آنها و همچنین نحوه حمایت سازمان‌های حمایت‌کننده از پژوهش و فناوری از هر حوزه کاری و چگونگی تسهیم مالکیت و منافع حاصل شده از دستاوردهای هر مرحله میان مجری (تیم اجراکننده) و سازمان‌های حمایت‌کننده از پژوهش و فناوری بیان می‌شود. در پایان نیز با اشاره به ویژگی‌های مدل به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود.

## ۱. ادبیات موضوع

### ۱-۱. مبانی حمایت از پژوهش و فناوری

در علم اقتصاد کالایی عمومی است که غیررقابتی و غیرقابل استثناست.<sup>۱</sup> کالای عمومی یکی از موارد مشهور از نمونه‌های کلاسیک شکست بازار است. براساس نظریه اقتصاد رفاه، نظم بازار در تولید کالای عمومی با شکست مواجه می‌شود و این نظم بوروکراتیک دولت است که باید با ورود و مداخله خود، شکست بازار را در تولید کالای عمومی جبران کرده و کارایی اقتصادی را برقرار کند. یک کالای عمومی مانند «تحقیقات علمی بنیادی» که میزان منافع آن برای کل جامعه بیش از هزینه آن است، کمتر از حد لازم تأمین می‌شود، به این دلیل که منفعت سرشار این تحقیق علمی در آینده نصیب عده زیادی از مردم می‌شود. بنابراین حمایت از تحقیقات بنیادی در سطح ملی ضروری است و باید در سطح ملی تحقیقات

۱. غیررقابتی بودن به این معناست که مصرف آن کالا توسط یک نفر، دسترسی کالا برای مصرف دیگران را کاهش نمی‌دهد؛ و غیرقابل استثنا بودن به این معنا که هیچ‌کس نمی‌تواند مستثنا از استفاده آن کالا باشد. در جهان واقعی ممکن است هیچ چیزی به‌عنوان کالای غیررقابتی و غیرقابل استثنا به‌طور مطلق نباشد.

بنیادی دارای توجیه، مورد حمایت قرار گیرد. توجیهات این قبیل تحقیقات باید در قالب سه پارامتر خروجی، پیامد و تأثیر دیده شود. با این حال باید اهمیت و ضرورت تحقیقات بنیادی را به خوبی در کشور تبیین کرد تا امکان سرمایه‌گذاری بیشتر و هوشمندانه‌تر در این بخش فراهم شود (درخشان و تکلیف، ۱۳۹۴؛ Campbell, 2009; Federoff and Rubin, 2010).

با توجه به ناشناخته بودن نتایج تحقیقات بنیادی و اینکه هنوز هیچ چشم‌اندازی برای نتایج و دستاوردهای آنها وجود ندارد، به‌طور خاص از نظر بازار و کسب‌وکار انگیزه‌ای برای دنبال کردن نتایج این تحقیقات وجود ندارد. از سویی نتایج تحقیقات بنیادی با انتشار مقاله‌های علمی در اختیار همگان قرار می‌گیرد؛ بنابراین هم استثنای پذیر و هم رقابت‌ناپذیرند. به همین دلیل آنها را «پژوهش و فناوری غیررقابتی» می‌نامند که این موارد کالای عمومی هستند (بندریان، کریمی دستجردی و جعفرنژاد، ۱۳۹۱؛ Feldman and Graddy-Reed, 2013; Ahuja, Lampert and Tandon, 2008; Hu and et al., 2007; Datta, Mukherjee and Jessup, 2015).

آن بخش از تحقیقات بنیادی که دستاوردهای مطلوبی داشته و در راستای تکامل دارای جهت‌گیری راهبردی برای توسعه کاربرد<sup>۱</sup> آن در عمل بوده و چشم‌اندازی احتمالی و مثبت برای کاربردی شدن آنها وجود دارد، در بازار و کسب‌وکار به منظور رصد روند تکامل آن و در صورت نیاز همکاری در توسعه آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. از این رو با توجه به جذابیت نتایج این تحقیقات در آینده، تلاش می‌شود برای قابلیت تصاحب و تملک دستاوردهای مورد نظر، استثنای‌پذیری این نتایج کاهش یابد. نتایج این نوع تحقیقات برای ایجاد انگیزه عمومی در جهت پیگیری توسعه آنها تا حدی منتشر می‌شود که علایق و نظرهای دیگران را برای شکل‌گیری جرم بحرانی<sup>۲</sup> جلب

---

#### 1. Applied Oriented Fundamental Research

۲. اجرای پژوهش و فناوری در حوزه خاصی نیازمند شکل‌گیری یک جرم بحرانی است تا انگیزه لازم برای حمایت، سرمایه‌گذاری و فعالیت در آن حوزه به‌وجود آید. ماهیت این جرم بحرانی وجود چشم‌انداز مثبت از آتیه آن حوزه و برداشت ذی‌نفعان مختلف از تأثیرات مثبت آن برای خود است. در واقع جرم بحرانی اطمینان از وجود حداقل منافع لازم توسط ذی‌نفعان مختلف از یک حوزه پژوهش و فناوری است که به‌نوعی اجماع میان ذی‌نفعان یک حوزه برای پیگیری، سرمایه‌گذاری و فعالیت تحقیقاتی در آن حوزه خاص پژوهش و فناوری منجر می‌شود.

کند. به همین دلیل آنها را «پژوهش و فناوری پیش‌رقابتی» می‌نامند که این موارد کالای شبه‌عمومی هستند.

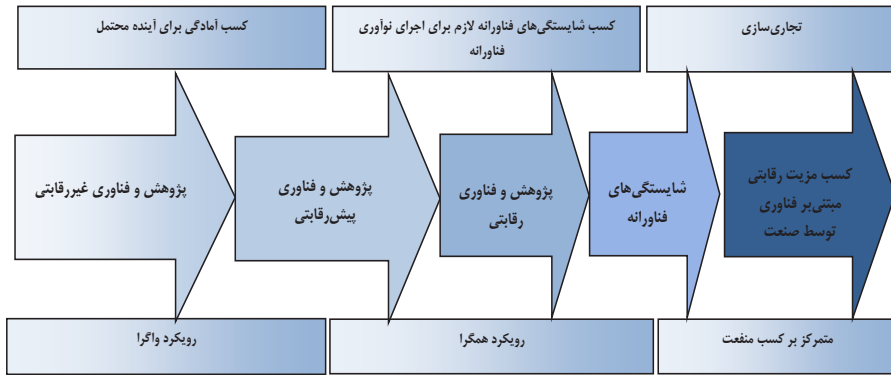
نتایج موفق تحقیقات بنیادی که در قالب جهت‌گیری راهبردی برای کاربردهای خاصی کاندیدا می‌شوند در قالب تحقیقات کاربردی برای به‌کارگیری در عمل و پاسخگویی به چالش‌های مطرح برای بشر، توسعه و تکامل می‌یابند. با توجه به مشخص بودن نتایج تحقیقات کاربردی و چشم‌انداز واضح و روشن برای آنها، انگیزه بالایی برای دنبال کردن و اکتساب آن دستاوردها از زاویه بازار و کسب‌وکار وجود دارد. نتایج این نوع تحقیقات با توجه به منافع اقتصادی حاصل از آنها اغلب در چارچوب نظام مالکیت فکری محافظت می‌شود و تا حد ممکن استثنایپذیری آن را ارتقا می‌دهند. به همین دلیل آنها را «پژوهش و فناوری رقابتی» می‌نامند که این موارد کالای نیمه‌خصوصی یا شبه‌خصوصی هستند (همان؛ Ibid). علت نیمه‌خصوصی یا شبه‌خصوصی بودن نیز دشواری محافظت آن و وجود سرریز دانشی است که مانع از تصاحب همه منافع برای مالک آن می‌شود.

پژوهش و فناوری به‌عنوان کالایی (غیرخصوصی) دارای سرریز دانشی در سطح ملی و جهانی نقش مهمی در خصوص اهداف توسعه پایدار ایفا می‌کند، از این رو به حمایت دولتی برای تحقق عرضه آن نیاز دارد؛ اما هرچه از ابتدای فرایند توسعه علمی به سمت بازار حرکت کند جنبه کالای عمومی بودن پژوهش و فناوری کمتر می‌شود. بنابراین دولت‌ها باید در زمینه تحقیقات غیررقابتی و پیش‌رقابتی که برای کشورشان ضروری است، سرمایه‌گذاری و از آن حمایت مالی کنند.

در کشورهای توسعه‌یافته حدود ۷۰ درصد از هزینه‌های پژوهش و فناوری به تحقیقات بنیادی، غیررقابتی و استثنایناپذیر تخصیص می‌یابد. اما در زنجیره تکامل علم تا عمل (ایده تا بازار) هرچه به سمت تحقیقات کاربردی حرکت کنیم سرمایه‌گذاری‌ها رقابتی‌تر می‌شوند، هرچند استثنایناپذیری همچنان باقی است و نقش بخش خصوصی پررنگ‌تر می‌شود. در میانه این راه نیز تحقیقات پیش‌رقابتی وجود دارد که این بافت درهم تنیده شده از پژوهش و فناوری بنیادی و کاربردی توسط بخش عمومی (دولتی) و بخش خصوصی تأمین مالی می‌شود. این سرمایه‌گذاری‌ها به‌طور جداگانه یا مشترک انجام می‌گیرد.



شکل ۱. دامنه پژوهش و فناوری غیررقابتی، پیش‌رقابتی و رقابتی در فرایند پژوهش و فناوری



مأخذ: بندریان، کریمی دستجردی و جعفرنژاد، ۱۳۹۱.

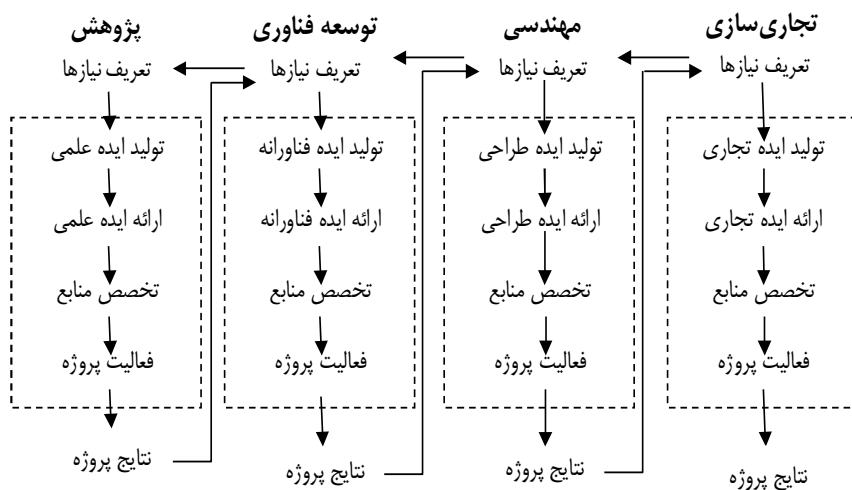
## ۱-۲. رویکردهای سازماندهی انجام نوآوری فناورانه (پروژه‌های پژوهش و فناوری)

به‌طور کلی دو رویکرد برای سازماندهی فعالیت‌های نوآوری فناورانه معرفی شده است. براساس رویکرد اول فعالیت‌های نوآوری فناورانه مطابق با مراحل این فرایند سازماندهی می‌شود. بر این اساس فعالیت‌های نوآوری فناورانه به زیربخش‌های پژوهش، توسعه فناوری، مهندسی، تجاری‌سازی و غیره تفکیک می‌شود و مسئولیت‌ها بر مبنای آن تخصیص می‌یابد. در هر یک از مراحل فرایند نوآوری فناورانه، نیازها شناسایی شده، ایده‌ها تولید و پروژه‌ها انتخاب می‌شوند و منابع تخصیص می‌یابند. انتخاب پروژه و تخصیص منابع در هر مرحله از فرایند نوآوری فناورانه مطابق با اقدام‌های مورد نیاز در آن مرحله تحقق می‌یابد. این اقدام‌ها در یک مرحله می‌تواند به اقدام‌های مورد نیاز در مراحل دیگر مرتبط باشد.

به منظور تأکید بر اینکه پروژه‌ها در هر یک از مراحل تعریف می‌شوند و سپس ارتباط نتایج یک مرحله با نیازمندی‌های مرحله دیگر انتقال می‌یابد و به این ترتیب «مدل مرحله غالب»<sup>۱</sup> (شکل ۲) حاصل می‌شود. مستطیل‌های مشخص شده در شکل با

خط چین، محتوای فعالیتی است که درون هر مرحله از فرایند ایده تا بازار اجرا می شود (Ahuja, Lampert and Tandon, 2008; Lee and Om, 1994; Datta, Mukherjee) (and Jessup, 2015; Baker and Sweeney, 1978).

شکل ۲. الگوی «مرحله غالب» در سازماندهی اجرای نوآوری فناوریانه



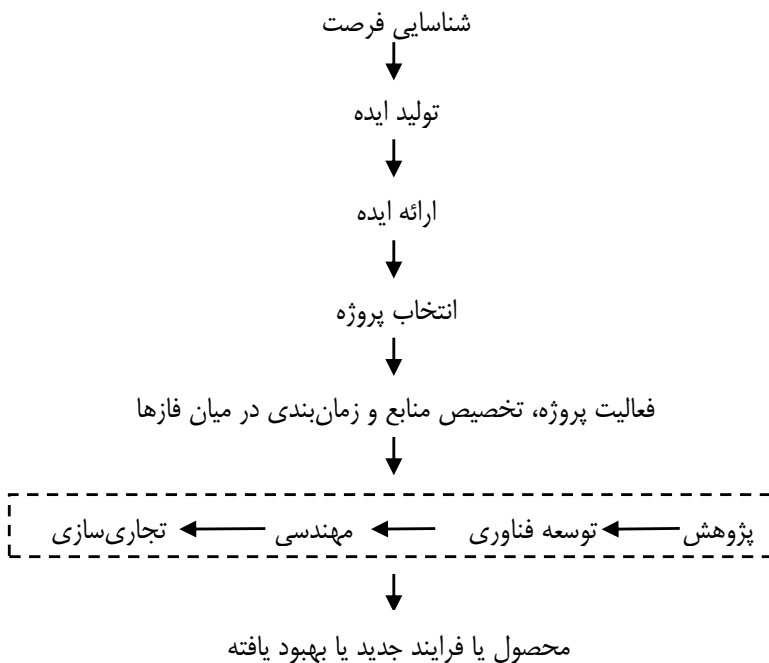
Source: Baker and Sweeney, 1978.

براساس رویکرد دیگر، فعالیت نوآوری فناوریانه بر مبنای فرصت‌ها و نیازها ساختاردهی می‌شود. به این معنا که مراحل نوآوری فناوریانه پیرامون پروژه سازماندهی، ایده‌ها تولید و پروژه‌ها انتخاب می‌شوند و منابع به‌جای اینکه به یک مرحله از فرایند نوآوری فناوریانه تخصیص داده شوند به یک پروژه اختصاص می‌یابند.

یک تیم مسئول انجام فعالیت‌های لازم برای تکمیل پروژه است و این فعالیت‌ها به احتمال قوی دربرگیرنده همه مراحل فرایند نوآوری فناوریانه است. به‌طور کلی، پروژه یا از طریق مراحل باقی‌مانده پیشرفت می‌کند یا متوقف می‌شود. بنابراین، تخصیص منابع و تصمیمات زمان‌بندی درون محدوده پروژه ولی برای مراحل فرایند نوآوری فناوریانه انجام می‌شوند. به منظور تأکید بر اینکه نتایج و نیازمندی‌ها از یک مرحله به مرحله

دیگر منتقل نمی‌شوند و در مقابل، پروژه به‌عنوان یک نیاز یکپارچه شده و فعالیت‌های چندمرحله‌ای نگریده می‌شود، مدل حاصل (شکل ۳) را «مدل پروژه غالب»<sup>۱</sup> می‌نامند. مستطیل مشخص شده با خط‌چین، محتوای فعالیت‌های پروژه است که در میان مراحل فرایند پژوهش و فناوری جریان می‌یابد.

### شکل ۳. الگوی «پروژه غالب» در سازماندهی اجرای نوآوری فناورانه



Source: Ibid.

دو مدل گفته شده برای سازماندهی نوآوری فناورانه، از ترکیب ادبیات تکامل‌یافته است و مطالعات تجربی اعتبار لازم برای آنها را فراهم نکرده است.

به منظور انتخاب هریک از رویکردهای فوق برای سازماندهی نوآوری فناورانه باید پیامدهای آنها در نظر گرفته شوند. برای تشریح این پیامدها، در نظر گرفتن تمایزات به خصوص در سطح نوآوری ضروری است. ادبیات بین نوآوری‌های «تدریجی» که با پیشرفت‌ها یا گسترش‌های جزئی سروکار دارد و نوآوری‌های «گسسته» که با محصولات نوظهور یا با پیشرفت‌های علمی و فناورانه که دانش موجود یا روش جاری را توسعه می‌دهند، تمایز قائل می‌شود. سایر تمایزات موجود در ادبیات شامل موارد ذیل است: اندازه فعالیت‌های پژوهش و فناوری از نظر هزینه یا پرسنل، زمان لازم برای تکمیل، سطح عدم اطمینان از دو بعد اقتصادی و فنی، تعداد فناوری‌ها، تعداد بخش‌های مختلف درگیر در فعالیت پژوهش و فناوری، تعداد مراحل نوآوری، فوریت نتایجی که مورد نیاز است و میزان تأثیر آنها در تحقق اهداف راهبردی.

رویکرد «مرحله - غالب» و ساختار حاصل از آن با ویژگی‌های نوآوری‌های به نسبت کوچک، افق زمانی کوتاه و تک‌مرحله‌ای که در یک بخش یا حوزه انجام می‌شوند و دربرگیرنده یک یا تعداد معدودی از حوزه‌های فناورانه می‌باشند (به اختصار نوآوری‌های تک‌ماجوله)<sup>۱</sup> سازگار است. رویکرد «پروژه - غالب» با ویژگی‌های نوآوری‌های به نسبت بزرگ، افق زمانی بلند و چندمرحله‌ای که در حیطه بخش‌ها یا حوزه‌های مختلف قرار می‌گیرد و دربرگیرنده چندین حوزه فناورانه است (به اختصار نوآوری چندماجوله)<sup>۲</sup>، سازگار است. جدول ۱ برخی از ویژگی‌ها و مشخصات سازماندهی و پروژه‌ای مرتبط برای انتخاب رویکرد سازماندهی نوآوری فناورانه را ارائه می‌کند.

۱. ویژگی‌های نوآوری‌های تک‌ماجوله عبارتند از: نوآوری‌های به نسبت کوچک، افق زمانی کوتاه‌مدت و تک‌مرحله‌ای که در یک بخش انجام می‌شوند و یک یا تعداد معدودی از حوزه‌های فناورانه را دربرمی‌گیرند.

۲. ویژگی‌های نوآوری‌های چندماجوله عبارتند از: نوآوری‌های به نسبت بزرگ، افق زمانی بلندمدت و چندمرحله‌ای که در حیطه چند بخش مختلف قرار می‌گیرد و در برگیرنده چندین حوزه فناورانه است.

**جدول ۱. مقایسه ویژگی‌های مدل‌های «پروژه غالب» و «مرحله غالب»**

مشخصات سازماندهی	مدل مرحله غالب	مدل پروژه غالب
تمرکز ساختاری	پروژه‌ها پیرامون مراحل فرایند نوآوری فناورانه ساختاردهی می‌شوند	مراحل نوآوری فناورانه پیرامون پروژه‌ها ساختاردهی می‌شوند
واحد ساختاری	بخش‌هایی درون یک سلسله‌مراتب ساختاری	تیم‌های پروژه که درون مرزهای سازمانی جای می‌گیرند
کنترل و هماهنگی	سازگار با یک ساختار سلسله‌مراتبی	ناسازگار با ساختار سلسله‌مراتبی
انتقال اطلاعات	نتایج و نیازهای پروژه در میان مراحل انتقال می‌یابد، انتقال مشروط نتایج برای تبدیل شدن به فعالیت‌های در حرکت به سمت جلو	نتایج و نیازها در تیم پروژه انتقال می‌یابد، اما در میان مراحل، انتقال مشروط نتایج برای تبدیل شدن به فعالیت‌های در حرکت به سمت جلو
انتخاب پروژه	مدیریت مرحله‌ای - بودجه مرحله‌ای	مدیریت یکپارچه - ریسک سرمایه
کنترل پروژه	از طریق مراحل - در هر مرحله	از طریق فعالیت‌های پروژه - درون تیم پروژه
نقش مدیر ارشد	نگاه کلی به خلاصه بودجه - انجام مرور سالانه	مستمر، مرور تفصیلی پروژه
<b>مشخصات پروژه</b>		
حیطه	محدود	وسیع
رویکرد فنی	انعطاف‌ناپذیر	انعطاف‌پذیر
افق زمانی	کوتاه	بلند
تعداد پرسنل	کم	زیاد
رشته‌های علمی	یک - محدود	چندین
مراحل فرایند	یک	چندین

Source: Baker and Sweeney, 1978.

نتیجه حاصل این است که انتخاب یک رویکرد «مرحله - غالب» برای سازماندهی نوآوری فناورانه باعث می‌شود که فعالیت‌های نوآورانه در جهت نوآوری‌های تک‌ماجوله و دور شدن از نوآوری‌های چندماجوله هدایت شوند. در چنین شرایطی نوآوری‌های چندماجوله فقط با هزینه‌های بالا و تلاطم زیاد در ساختار و نرم‌های موجود قابل انجام

است. حتی اگر همه دست‌اندرکاران مرتبط توافق کنند که تأکید پژوهش و فناوری باید روی برنامه‌های پژوهش و فناوری چندماجوله باشد، برنامه‌های تک‌ماجوله با احتمال بیشتری به وقوع خواهند پیوست. یک دلیل آن این است که رویکرد «مرحله - غالب»، فعالیت‌ها و اقدام‌ها را برای شناسایی و انجام نوآوری‌های تک‌ماجوله هدایت می‌کند حتی اگر ترجیح دست‌اندرکاران شناسایی و اجرای نوآوری‌های چندماجوله باشد. محبوبیت فعلی موضوع‌هایی مانند «سازماندهی ماتریسی» و «مدیریت پروژه» در ادبیات مدیریت پژوهش و فناوری می‌تواند به‌عنوان مظهری از حرکت در جهت ساختارهای «پروژه - غالب» تفسیر شود که تسهیل‌کننده نوآوری‌های چندماجوله است (Lee and Om, 1994; Baker and Sweeney, 2008; Datta, Mukherjee and Jessup, 2015; Ahuja, Lampert and Tandon, 2008).

## ۲. روش تحقیق

در این تحقیق یک مطالعه میدانی با استفاده از مصاحبه، مشاهده و اسناد به‌عنوان منابع، از یک سازمان حمایت‌کننده از پژوهش و فناوری انجام شد. سازمان حمایت‌کننده از پژوهش و فناوری مورد نظر، مکان آزمایشی غنی برای مطالعه الگوی مدیریت راهبردی پژوهش و فناوری در این سازمان فراهم ساخت که این پدیده‌ها در آنجا برجسته محسوب می‌شد. ایستگاه پژوهشی مذکور، عناصر و امکاناتی برای حمایت از توسعه فعالیت‌های پژوهش و فناوری فراهم می‌کند. این سازمان از بودجه دولتی برای حمایت از پژوهش و فناوری استفاده می‌کند و عمده مشتریان آن محققان و فناوران ملی هستند (Gorman, 2011; Gudkova, 2017; Shepherd and Suddaby, 2017; Fletcher, 2015).

در این تحقیق از روش مطالعه موردی بسط‌یافته<sup>۱</sup> به‌عنوان راهنمایی برای تحلیل داده‌ها بهره گرفته می‌شود. این رهیافت روش‌شناسانه از داده‌های تجربی جمع‌آوری شده در مطالعه موردی، برای توسعه تئوری استفاده می‌کند. در این روش به‌جای توسعه نظریه‌های جدید و شروع از ابتدا، تلاش می‌کند آنچه که قبلاً تولید شده است را محکم کند و توسعه دهد. برخلاف تئوری داده‌بنیاد، تمرکز اولیه «مطالعه موردی بسط‌یافته» ایجاد نظریه نیست، هدف آن ترکیب و گسترش

نظریه‌های موجود است. محقق، ادبیات مربوط به مسئله خود را بررسی و از داده‌های تجربی برای پر کردن خلأهای موجود استفاده می‌کند، ضعف‌های خاص آن را آشکار می‌کند، معنی آن را توضیح می‌دهد و نواحی تحت پوشش آن را گسترش می‌دهد (Burawoy, 1998).  
رهیافت مطالعه موردی بسط‌یافته از طریق چندین چرخه تقابل میان اطلاعات و تئوری ادامه می‌یابد، در هر تکرار، تحلیل‌گر را برای داده‌ها، مفاهیم و نظریه‌های اضافی هدایت می‌کند. این روش از دو تقابل مستمر تشکیل شده است: بین مرور ادبیات و تحلیل داده‌ها و بین تحلیل داده‌ها و جمع‌آوری داده (Eisenhardt, 2016; Ibid.).

### مرور ادبیات ↔ تحلیل داده‌ها ↔ جمع‌آوری داده

مثلی کردن داده‌های جمع‌آوری شده از منابع مختلف، می‌تواند بر محدودیت ناشی از یک روش غلبه کند. در این تحقیق از منابع داده متعددی برای ایجاد پایه‌های قوی در جهت توسعه مدل استفاده شد. ۱۴ مصاحبه با اعضای کارگروه‌های حوزه‌های مختلف پژوهش و فناوری در سازمان مورد مطالعه که در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها درگیر بودند، برای ارزیابی نظریه‌ها و تجربه‌های آنها در مورد چگونگی مدیریت فرایند تکامل پژوهش و فناوری انجام گرفت. برخی از گزارش‌های مصاحبه‌شوندگان گذشته‌نگر بود و گزارش‌های دیگر معاصر با فعالیت‌های آنها شرح داده شد. مصاحبه‌ها با کارگروه‌های پژوهش و فناوری متفاوتی (علوم پزشکی، مطالعات علم و فناوری، فنی مهندسی و غیره) انجام شد. داده‌های مربوط به فرایند تکامل پژوهش و فناوری مقایسه و طبق نظر خبرگان ادغام شدند. مصاحبه‌ها در دفتر کار مصاحبه‌شوندگان انجام شد و از ۴۵ دقیقه تا دو ساعت طول کشیدند و ضبط و سپس پیاده‌سازی شدند.

داده‌های مصاحبه با مشاهده فعالیت‌های انتخاب شده، مانند جلسات کارگروه‌های پژوهش و فناوری مختلف (بیش از ۴۰ جلسه طی سه سال)، تکمیل شد. مشاهده‌ها از یک تا سه ساعت طول کشیدند. در فرایند تحقیق، محقق توسط اعضای کارگروه‌ها شناخته شده بود و آنها از موضوع تحقیق وی آگاه بودند. محقق یک حضور منفعل و ساده داشت و بنابراین در رخدادهای در حال انجام دخالتی نداشت. این به محقق اجازه می‌داد که در مورد فرایندهای مورد مطالعه در معرض اطلاعات دست اول باشد.

به علاوه اسناد عمومی مختلف سازمان مورد مطالعه گردآوری شد و سازمان سایر اسناد داخلی خود را که مورد نیاز محقق بود سخاوتمندانه در اختیار وی قرار داد. محقق با قرار گرفتن در معرض محیط طبیعی مدیریت پژوهش و فناوری می توانست از زاویه دید سازمان، درکی از انواع ورودی ها و خروجی ها کسب کند. او طی سه سال به طور مرتب با خبرگان در این محیط کاری در ارتباط بود که به وی اجازه می داد فعالیت های مدیریت پژوهش و فناوری را در سازمان دنبال کند. گردآوری داده ها با رسیدن به اشباع نظری متوقف شد، یعنی زمانی که داده های اضافی کمک خیلی کمی به درک بیشتر می کرد (Fletcher, 2015; Gudkova, 2017).

از طریق تحلیل داده های گردآوری شده، توصیفی دقیق از دیدگاه ها و تجارب فراهم شد. برای یافتن موضوعات و الگوها، تمام داده ها و اطلاعات گردآوری شده مطالعه و قسمت های مهم مشخص، کدگذاری و پیکره بندی شد و تفسیرهای آنها استخراج شد (Gudkova, 2017; Eisenhardt, 2016; Fletcher, 2015; Burawoy, 1998).

برای آزمون قابلیت اعتماد تفسیر داده ها، محقق تجزیه و تحلیل خود را با همه اعضا چک کرد. دیدگاه های تازه محقق درباره اصول فعلی با افراد مطلع در میان گذاشته شد و بازخورد آنها را گاهی در دو یا سه مصاحبه جویا شد که این امر به بازبینی و اصلاح یافته ها کمک کرد. علاوه بر این، محقق یافته های خود را در جلسه ای برای دست اندرکاران سازمان ارائه کرد (Riege, 2003).

### ۳. کلیات مدل

یک چارچوب مدیریت راهبردی خوب در حوزه پژوهش و فناوری باید توانایی جهت دهی و مسیرگذاری برای پیروی بازیگران حوزه پژوهش و فناوری داشته باشد. همچنین این چارچوب باید دربرگیرنده اهدافی باشد که دیدگاهی را برای پیش بینی و چگونگی دستیابی به آنها در اجرا ارائه کند چرا که اهداف پژوهش و فناوری اغلب ماهیت برنامه ها و پروژه های آن را تشکیل می دهد. براساس مطالعات انجام گرفته با تأکید بر شواهد و تجربه های به دست آمده از مرور مدل های مطرح شده و نیز اطلاعات گردآوری و تجزیه و تحلیل شده بر مبنای توضیحات



فوق، یک الگوی جامع مطابق شکل ذیل توسعه یافت که در ادامه به تشریح آن پرداخته می‌شود. این الگوی جامع مدیریت راهبردی پژوهش و فناوری از نظر سازماندهی اجرای نوآوری فناورانه بر مبنای تلفیق دو الگوی «مرحله غالب» و «پروژه غالب» است تا از مزیت‌های هریک از رویکردها بهره‌برداری و از معایب آنها دوری کند.

شکل ۴. مسیر تکامل پژوهش و فناوری برای سازمان‌های حمایت‌کننده از پژوهش و فناوری



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

مطابق شکل ۴، منشأ ورودی‌های هریک از مراحل اصلی می‌تواند از درون یا بیرون سازمان حمایت‌کننده پژوهش و فناوری باشد. منظور از منشأ داخلی یا خارجی این است که سازمان‌های حمایت‌کننده پژوهش و فناوری در مواردی براساس ارزیابی‌های خود ایجادکننده یا آغازکننده یک ایده یا طرح پژوهشی است و گاهی نیز از خارج از سازمان خود طرح‌هایی را دریافت می‌کنند.

ایده‌پردازی، پژوهش، توسعه فناوری و تجاری‌سازی چهار مرحله اصلی فرایند ایده تا بازار است و فعالیت‌های موجود در هر مرحله را برای پردازش ورودی‌ها مشخص کرده است. خروجی هر مرحله وارد نظام یکپارچه و هوشمند دستاوردها شده و مورد ارزیابی قرار گرفته و اقدام لازم برای تکامل آن تعیین می‌شود.

شکل ۴ طراحی پایه<sup>۱</sup> مدل بوده و طراحی تفصیلی آن دربرگیرنده انواع ورودی‌های هر مرحله، نوع و میزان حمایت مورد نیاز، چگونگی ارزیابی تیم مجری، انواع خروجی‌های ممکن، اقدام و حمایت مورد نیاز برای خروجی‌ها و در نهایت چگونگی تسهیم منافع از جمله امتیازات مادی و معنوی میان سازمان حمایت‌کننده و تیم مجری و غیره است. بر این اساس در ادامه به تشریح تفصیلی هریک از چهار مرحله اصلی مسیر تکامل پژوهش و فناوری برای سازمان مورد مطالعه به منظور حمایت از پژوهش و فناوری پرداخته می‌شود.

### ۱-۳. حوزه ایده‌پردازی

ایده، ورودی مرحله ایده‌پردازی است که در این مرحله اقدام مورد نیاز برای آن «ارزیابی پتانسیل» است. براساس این ارزیابی، ایده ورودی از دو بعد امکان‌پذیری فنی - اقتصادی و پتانسیل تجاری مورد بررسی قرار گرفته و خروجی آن می‌تواند ایده یا فرصت علمی - فناورانه و یا ایده یا فرصت تجاری باشد.

چنانچه یک ایده از جذابیت لازم برخوردار باشد، به‌عنوان فرصت در نظر گرفته می‌شود و اگر هم جذابیت لازم را نداشته باشد مردود شناخته می‌شود. در صورتی که ابعاد ایده نامشخص بوده و درک نشود و براساس دانش موجود نتوان در خصوص پتانسیل‌های آینده آن قضاوت کرد، ایده مورد نظر مبنای یک تحقیق برای توسعه دانش و شناخت ابعاد آن قرار می‌گیرد. بنابراین برای فراهم کردن امکان ارزیابی، این ایده به‌عنوان یکی از ورودی‌های حوزه پژوهشی در نظر گرفته می‌شود تا پژوهشی درباره آن به منظور تبیین مفاهیم و ابعاد آن انجام گیرد.

بر این اساس مطابق جدول ۲ اقدام مورد نیاز برای خروجی‌های این مرحله به‌صورت ذیل است:

- در صورتی که یک ایده، فرصت تجاری باشد به‌طور مستقیم وارد مرحله تجاری‌سازی می‌شود.
- در صورتی که یک ایده، فرصت علمی، فرصت فناورانه یا تجاری باشد به‌طور مستقیم وارد مرحله پژوهشی یا توسعه فناوری می‌شود.

به‌جز فرصت تجاری که به حمایت تجاری‌سازی نیاز دارد برای سایر موارد حمایت پژوهشی یا توسعه فناوری مورد نیاز است. از نظر میزان حمایت، ۱۰۰ درصد هزینه‌های ارزیابی ایده باید از سوی سازمان حمایت‌کننده تأمین شود و در نتیجه ۱۰۰ درصد مالکیت و بخشی از منافع آتی حاصل از ایده متعلق به سازمان حمایت‌کننده خواهد بود که چگونگی آن در ستون تسهیم مالکیت و منافع جدول ۲ مشخص شده است.

### جدول ۲. مسیر تکامل ایده‌ها و تبدیل آنها به ایده‌ها یا فرصت‌های علمی، فناورانه و

#### تجاری در فرایند پژوهش و فناوری

ردیف	ورودی	اقدام مورد نیاز برای ورودی	نوع حمایت حامی	خروجی	اقدام مورد نیاز برای خروجی	تسهیم منافع
ایده‌پردازی	ایده	ارزیابی ایده	بررسی امکان‌پذیری ایده تا سقف ۱۰۰ درصد تأمین مالی	ایده علمی یا فناورانه	حمایت پژوهشی/ توسعه فناوری	۱۰۰ درصد مالکیت متعلق به حامی ۱۰ درصد منافع متعلق به ایده‌دهنده
				فرصت علمی یا فناورانه	حمایت پژوهشی/ توسعه فناوری	۱۰۰ درصد مالکیت متعلق به حامی ۲۰ درصد منافع متعلق به ایده‌دهنده
			ایده تجاری	حمایت پژوهشی/ توسعه فناوری	۱۰۰ درصد مالکیت متعلق به حامی ۳۵ درصد منافع متعلق به ایده‌دهنده	
			فرصت تجاری	حمایت تجاری‌سازی	۱۰۰ درصد مالکیت متعلق به حامی ۵۰ درصد منافع متعلق به ایده‌دهنده	

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

### ۲-۳. حوزه پژوهشی

ایده یا فرصت‌های علمی و فناورانه به‌صورت مستقل یا به‌عنوان خروجی حوزه ایده‌پردازی یا حتی خروجی حوزه پژوهشی، ورودی‌های اصلی حوزه پژوهشی هستند که در قالب یکی از انواع تحقیقات بنیادی، کاربردی یا توسعه‌ای به اجرا درمی‌آیند.

براساس اینکه منشأ شکل‌گیری موضوع یا طرح مورد نظر درون سازمان حمایت‌کننده باشد (پروژه‌های سفارشی) یا بیرون از سازمان حمایت‌کننده (درخواست‌های واصل شده) باشد اقدام‌های لازم برای ورودی‌های این مرحله متفاوت خواهد بود. در صورتی که منشأ شکل‌گیری موضوع یا طرح پژوهشی از درون سازمان حمایت‌کننده باشد برای هریک از ایده‌ها یا فرصت‌های علمی - فناورانه براساس منطق مرور همتا<sup>۱</sup> ابتدا باید درخواست خدمات پژوهشی مورد نیاز<sup>۲</sup> تهیه و طی فراخوانی، پیشنهادهای مختلف دریافت و پس از ارزیابی آنها، با انتخاب بهترین مورد، مجری مناسب شناسایی و فعالیت اجرای پژوهش به وی سپرده و در مراحل پروژه بر حسن اجرای آن نظارت می‌شود. سازمان حمایت‌کننده با حصول اطمینان از توانمندی مجری در اجرای موفق طرح، تأمین مالی آن را تا ۱۰۰ درصد بودجه مورد نیاز برعهده می‌گیرد.

در صورتی که منشأ شکل‌گیری موضوع یا طرح پژوهشی از بیرون سازمان حمایت‌کننده باشد برای هریک از ایده‌ها یا فرصت‌های علمی - فناورانه ابتدا باید درخواست مورد نظر بررسی شود و پس از تصویب عنوان و محتوای آن، با حصول اطمینان از توانمندی مجری در اجرای موفق طرح،<sup>۳</sup> تأمین بودجه مورد نیاز آن را تا سقف ۱۰۰ درصد تأمین و در مدت زمان پروژه بر حسن اجرای آن نظارت کند.

پس از اجرا و خاتمه طرح پژوهشی، گزارش پژوهشی ارائه شده به‌عنوان خروجی حوزه پژوهشی می‌تواند شامل ایده علمی - فناورانه، دانش فنی، پتنت<sup>۴</sup> (داخلی - بین‌المللی)، نمونه محصول، مقاله و سایر موارد باشد. به طبع برای رسیدن به هریک از این نتایج یا به عبارت دیگر استخراج دقیق این دستاوردها از گزارش پژوهشی باید اقدام‌های مناسبی در جهت چگونگی تدوین و مستندسازی هریک از آنها به عمل آید.

1. Peer Review

2. Request For Proposal (RFP)

۳. البته در مواردی هم برای حصول اطمینان از توانمندی مجری در اجرای موفق طرح می‌توان اقدام به اخذ تعهد به همراه پاداش برای مجری به منظور اجرای موفق طرح کرد.

۴. Patent: حقی است که از سوی دولت به مخترع داده می‌شود و به وی اجازه می‌دهد دیگران را از ساخت، فروش و بهره‌برداری از اختراع خود برای مدت زمانی مشخص بازدارد.

اقدام‌های بعدی که روی هر یک از این خروجی‌ها باید انجام شود این است که اگر دانش فنی به‌عنوان خروجی حوزه پژوهشی باشد بنا به نیاز دو نوع اقدام ممکن می‌توان انجام داد: یکی اینکه دانش فنی حاصل شده که در مقیاس مفهومی<sup>۱</sup> است بدون نیاز به توسعه بیشتر، قابل افزایش مقیاس در حد صنعتی باشد. در این حالت براساس اقدام مشخص شده، این دانش فنی وارد مرحله تجاری‌سازی شده و مقدمات لازم برای تجاری شدن را طی می‌کند. اما در صورتی که برای ورود به مرحله تجاری‌سازی نیازمند تکامل بیشتر باشد این دانش فنی به‌عنوان ورودی وارد مرحله توسعه فناوری و پیش تجاری‌سازی می‌شود.

خروجی دیگر حوزه پژوهشی می‌تواند پتنت باشد. در این حالت نیز بنا به نیاز دو نوع اقدام می‌توان انجام داد یکی اینکه پتنت حاصل شده بدون نیاز به توسعه بیشتر قابل تجاری‌سازی باشد. در این حالت براساس اقدام مشخص شده، این پتنت وارد مرحله تجاری‌سازی شده و مقدمات لازم برای تجاری شدن را طی می‌کند، اما در صورتی که برای ورود به مرحله تجاری‌سازی نیازمند تکامل بیشتر باشد این پتنت به‌عنوان ورودی وارد مرحله توسعه فناوری و پیش تجاری‌سازی می‌شود.

یکی دیگر از خروجی‌های حوزه پژوهشی می‌تواند نمونه محصول باشد. در این حالت نیز بنا به نیاز، دو نوع اقدام می‌توان انجام داد؛ یکی اینکه نمونه محصول تولید شده بدون نیاز به توسعه فناوری قابل افزایش مقیاس در حد صنعتی باشد. در این حالت براساس اقدام مشخص شده، این نمونه محصول وارد مرحله تجاری‌سازی شده و مقدمات لازم برای تجاری شدن را طی می‌کند. اما در صورتی که برای ورود به مرحله تجاری‌سازی نیازمند توسعه فناوری و تکامل بیشتر باشد این نمونه محصول به‌عنوان ورودی وارد مرحله توسعه فناوری و پیش تجاری‌سازی می‌شود.

به‌طور کلی مهم‌ترین اقدام‌های لازم برای خروجی‌های حوزه پژوهشی، توسعه برای تکامل و یا تجاری‌سازی است که برای سه خروجی اصلی این حوزه شامل دانش فنی، پتنت و نمونه محصول انجام می‌گیرد. در هر سه حالت (دانش فنی، پتنت و نمونه محصول) با توجه

به اینکه اغلب این تحقیقات در مرحله غیررقابتی یا پیش‌رقابتی هستند، ۱۰۰ درصد مالکیت دستاورد باید متعلق به سازمان حمایت‌کننده و بخشی از منافع مادی دستاورد باید متعلق به مجری باشد. در صورتی که دستاورد به‌طور مستقیم وارد مرحله تجاری‌سازی شود باید به مجری، منافع مادی بیشتر و در حالت توسعه برای تکامل باید به مجری، منافع مادی کمتری تعلق گیرد. چراکه این‌گونه تحقیقات در حال ورود به مرحله رقابتی و در حال تبدیل شدن به شایستگی فناورانه برای سرریز شدن آنها به کسب‌وکارها و منشأ توانمندی فناورانه بودن برای کسب‌وکارها هستند. از این‌رو در بازار برای حمایت و پیگیری به منظور تکامل آنها جذابیت ایجاد می‌شود.

از دیگر خروجی‌های حوزه پژوهشی، مقاله است که اقدام مورد نیاز برای آن صدور اجازه انتشار آن و حمایت از مجری برای انتشار آن (در صورت هزینه‌بر بودن) و همچنین برنامه‌ریزی برای انتشار مجموعه مقاله‌ها و دستاوردهای علمی به صورت کتاب است که مجوز انتشار مقاله باید از سوی سازمان حمایت‌کننده باشد که به‌طبع مجری باید در بخش تقدیر و تشکر<sup>۱</sup> مقاله نام حامی را ذکر کند. همچنین سازمان حامی می‌تواند از انتشار مجموعه مقاله‌های منتشر شده سازمان خود در یک حوزه خاص به‌صورت کتاب حمایت کند.

همچنین اگر خروجی‌های حوزه پژوهشی دربرگیرنده یک ایده علمی - فناورانه باشد مالکیت آن ۱۰۰ درصد متعلق به سازمان حمایت‌کننده است. چنانچه در حوزه پژوهشی خروجی دیگری به‌جز موارد ذکر شده ایجاد شود باید بنابه نوع خروجی، درخصوص اقدام‌های لازم برای تکامل و به سرانجام رسیدن آن و همچنین تسهیم منافع حاصل تعیین تکلیف شود. جزئیات این موارد در جدول ۳ مشخص شده است.

جدول ۳. مسیر تکامل ایده‌ها/ فرصت‌های علمی یا فناورانه و تبدیل آنها به دستاوردهای

پژوهشی در فرایند پژوهش و فناوری

نوع پروژه	ورودی	اقدام مورد نیاز برای ورودی	نوع حمایت حامی	خروجی	اقدام مورد نیاز برای خروجی	تسهیم منافع
پژوهشی فرصت - ایده علمی یا فناورانه	بنیادی	تعریف خدمات پژوهشی مورد نیاز، فراخوان و شناسایی مجری، ارزیابی پیشنهادها، انتخاب و نظارت بر اجرا	تا سقف ۱۰۰ درصد تأمین مالی توسط حامی، حصول اطمینان از توانمندی مجری در اجرای موفق طرح	ایده علمی یا فناورانه	حمایت پژوهشی	۱۰۰ درصد مالکیت متعلق به حامی ۱۰ درصد منافع متعلق به مجری
				دانش فنی	تجاری‌سازی	۱۰۰ درصد مالکیت متعلق به حامی ۵۰ درصد منافع متعلق به مجری
					توسعه برای تکامل	۱۰۰ درصد مالکیت متعلق به حامی ۲۰ درصد منافع متعلق به مجری
	کاربردی	تعریف خدمات پژوهشی مورد نیاز، فراخوان و شناسایی مجری، ارزیابی پیشنهادها، انتخاب و نظارت بر اجرا	تا سقف ۱۰۰ درصد تأمین مالی توسط حامی، حصول اطمینان از توانمندی مجری در اجرای موفق طرح	پتنت (داخلی - بین‌المللی)	تجاری‌سازی	۱۰۰ درصد مالکیت متعلق به حامی ۵۰ درصد منافع متعلق به مجری
					توسعه برای تکامل	۱۰۰ درصد مالکیت متعلق به حامی ۲۰ درصد منافع متعلق به مجری
					توسعه برای تکامل	۱۰۰ درصد مالکیت متعلق به حامی ۲۰ درصد منافع متعلق به مجری
	توسعه‌ای	تعریف خدمات پژوهشی مورد نیاز، فراخوان و شناسایی مجری، ارزیابی پیشنهادها، انتخاب و نظارت بر اجرا	تا سقف ۱۰۰ درصد تأمین مالی توسط حامی، حصول اطمینان از توانمندی مجری در اجرای موفق طرح	نمونه محصول	تجاری‌سازی	۱۰۰ درصد مالکیت متعلق به حامی ۵۰ درصد منافع متعلق به مجری
					توسعه برای تکامل	۱۰۰ درصد مالکیت متعلق به حامی ۲۰ درصد منافع متعلق به مجری
				سایر	بسته به نوع آن	تعیین تکلیف خواهد شد
				مقاله	حمایت برای انتشار مجموعه مقاله‌ها به صورت کتاب	انتشار مقاله با مجوز حامی و تشکر از حامی

مأخذ: همان.

همان‌طور که مشاهده شد خروجی‌های مرحله پژوهشی شامل دانش فنی، پتنت و نمونه محصول هستند که مطابق مسیر تکامل ممکن است به‌طور مستقیم وارد مرحله تجاری‌سازی

شوند یا اینکه به علت نیاز به تکامل نیازمند عبور از مرحله توسعه فناوری و پیش تجاری سازی برای ورود به مرحله تجاری سازی باشند. در ادامه به تشریح حوزه توسعه فناوری و پیش تجاری سازی پرداخته می شود.

### ۳-۳. حوزه توسعه فناوری و پیش تجاری سازی

دانش فنی، پتنت و نمونه محصول به صورت مستقل یا به عنوان خروجی حوزه پژوهشی یا حتی خروجی حوزه توسعه فناوری و پیش تجاری سازی، ورودی های حوزه توسعه فناوری و پیش تجاری سازی هستند. در صورتی که این دستاوردها خروجی حوزه پژوهشی باشند، منشأ آنها درون سازمانی خواهد بود و وقتی مستقل باشند منشأ آنها برون سازمانی خواهد بود. به منظور حصول به دستاوردهای فناورانه به عنوان خروجی این مرحله، باید اقدام های مناسب مورد نیاز روی هر یک از ورودی ها انجام گیرد که در ادامه توضیحات آن ارائه می شود.

صرف نظر از نوع ورودی، اقدام لازم برای همه دستاوردهایی که از این مرحله خارج می شوند تجاری سازی است. تأمین مالی اقدام های مورد نیاز برای ورودی های این مرحله باید برعهده سازمان حمایت کننده باشد و باید از توانمندی مجری در اجرای موفق طرح مطمئن شد و مانند قبل مالکیت به طور کامل متعلق به سازمان حمایت کننده و ۵۰-۳۰ درصد منافع آن به مجری اختصاص یابد.

چنانچه دانش فنی به عنوان ورودی حوزه توسعه فناوری باشد بنابه نیاز، سه نوع اقدام می توان انجام داد: یکی اینکه دانش فنی را از حالت مفهومی به طراحی پایه تبدیل کرد که سبب تکامل فناوری می شود و نتیجه آن ایجاد بسته فناوری<sup>۱</sup> است یا اینکه دانش فنی برای حفاظت نیازمند ثبت است و باید به صورت داخلی یا بین المللی ثبت پتنت شود که خروجی آن دانش فنی ثبت شده است. همچنین ممکن است دانش فنی برای تکامل، نیازمند ساخت نمونه محصول باشد که نتیجه آن ساخت نمونه محصول و نقشه های مهندسی آن است.



اقدام‌های قابل انجام روی پتنت‌های ثبت شده به‌عنوان یکی دیگر از ورودی‌های این حوزه، بنابه نیاز می‌تواند طراحی و ساخت نمونه محصول یا توسعه فناوری باشد که خروجی آنها به‌عنوان دستاورد فناورانه می‌تواند شامل ساخت نمونه محصول و نقشه‌های مهندسی آن یا بنابه فناوری باشد.

از جمله ورودی‌های حوزه توسعه فناوری و پیش‌تجاری‌سازی، نمونه محصول است. اقدام‌های مورد نیاز برای نمونه محصول بنابه شرایط، می‌تواند شامل توسعه فناوری، تولید نیمه‌صنعتی (پایلوت پلنت) و تولید شبه‌صنعتی یا شبه‌تجاری (دموپلنت) باشد. خروجی این مرحله که از نظر ماهیت جزء دستاوردهای فناورانه است می‌تواند شامل بسته فناوری، نقشه‌های مهندسی محصول، تولید محصول و عملیاتی‌سازی فناوری در مقیاس مربوطه و همچنین اثبات فناوری باشد.

در مرحله ارزیابی قابلیت تولید نیمه‌صنعتی با حمایت و مالکیت (به‌نسبت حمایت) سازمان حمایت‌کننده ضمن تولید پایلوت، بسته فناوری یا نقشه‌های مهندسی محصول ایجاد می‌شود. البته نمونه محصول می‌تواند از منظر تولید شبه‌صنعتی مورد ارزیابی قرار گیرد که همه مراحل مانند قبل است با این تفاوت که علاوه بر تهیه بسته فناوری یا نقشه‌های مهندسی محصول و تولید محصول، فناوری آن در مقیاس شبه‌صنعتی نیز به اثبات می‌رسد.

نوع حمایت برای تبدیل ورودی‌ها به خروجی‌ها در حوزه توسعه فناوری و پیش‌تجاری‌سازی در همه موارد به‌جز مقیاس نیمه‌صنعتی و شبه‌صنعتی باید تا میزان ۱۰۰ درصد تأمین مالی از سوی سازمان حمایت‌کننده باشد و از توانمندی مجری در اجرای موفق طرح اطمینان حاصل کند. برای مقیاس نیمه‌صنعتی و شبه‌صنعتی نیز بنابه میزان منابع مالی مورد نیاز، سازمان حمایت‌کننده باید به‌ترتیب حداکثر ۲۰ تا ۴۰ درصد تأمین مالی کند.

از نظر مالکیت در هر مورد به میزان حمایت (تأمین مالی) انجام شده از سوی سازمان حمایت‌کننده، به همان میزان مالکیت متعلق به سازمان حمایت‌کننده خواهد بود و بنابه اینکه دستاورد فناورانه به مرحله تجاری‌سازی برود یا توسعه فناوری، منافع حاصل از آن برای مجری مشخص خواهد شد. چگونگی این موارد در ستون تسهیم منافع جدول ۴ مشخص شده است.

## جدول ۴. مسیر تکامل دستاوردهای پژوهشی و تبدیل آنها به دستاوردهای فناورانه

## در فرایند پژوهش و فناوری

حوزه	ورودی	اقدام مورد نیاز برای ورودی	نوع حمایت حامی	خروجی	اقدام مورد نیاز برای خروجی	تسهیم منافع	
دانش فنی (مفهوم)	۱	توسعه فناوری (تبدیل دانش مفهومی به دانش پایه)	تا سقف ۱۰۰ درصد تأمین مالی توسط حامی، حصول اطمینان از توانمندی مجری در اجرای موفق طرح	بسته فناوری	۷،۳	۱۰۰ درصد مالکیت متعلق به حامی ۳۰ درصد منافع متعلق به مجری	
					تجاری سازی	۱۰۰ درصد مالکیت متعلق به حامی ۵۰ درصد منافع متعلق به مجری	
	۲	حفاظت (ثبت پتنت)	داخلی	تا سقف ۱۰۰ درصد تأمین مالی توسط حامی	دستاوردهای فناورانه	۵،۴	همه حقوق مالکیتی و منافع متعلق به مالک (با مالکان)
				تا سقف ۱۰۰ درصد تأمین مالی توسط حامی		دانش فنی ثبت شده در داخل کشور	
		بین المللی	تا سقف ۱۰۰ درصد تأمین مالی توسط حامی	دانش فنی ثبت شده در خارج کشور			
		تا سقف ۱۰۰ درصد تأمین مالی توسط حامی، حصول اطمینان از توانمندی مجری در اجرای موفق طرح	ساخت نمونه محصول و نقشه های مهندسی آن	۷،۶		۱۰۰ درصد مالکیت متعلق به حامی ۳۰ درصد منافع متعلق به مجری	
	۳	طراحی و ساخت نمونه محصول	تا سقف ۱۰۰ درصد تأمین مالی توسط حامی، حصول اطمینان از توانمندی مجری در اجرای موفق طرح	تجاری سازی	۱۰۰ درصد مالکیت متعلق به حامی ۵۰ درصد منافع متعلق به مجری		
					۷،۵	۱۰۰ درصد مالکیت متعلق به حامی ۳۰ درصد منافع متعلق به مجری	
پتنت داخلی - بین المللی	۴	توسعه فناوری	تا سقف ۱۰۰ درصد تأمین مالی توسط حامی، حصول اطمینان از توانمندی مجری در اجرای موفق طرح	بسته فناوری	۱۰۰ درصد مالکیت متعلق به حامی ۵۰ درصد منافع متعلق به مجری		
					تجاری سازی	۱۰۰ درصد مالکیت متعلق به حامی ۵۰ درصد منافع متعلق به مجری	
	۵	طراحی و ساخت نمونه محصول	تا سقف ۱۰۰ درصد تأمین مالی توسط حامی، حصول اطمینان از توانمندی مجری در اجرای موفق طرح	تجاری سازی	۷،۶	۱۰۰ درصد مالکیت متعلق به حامی ۳۰ درصد منافع متعلق به مجری	
					تجاری سازی	۱۰۰ درصد مالکیت متعلق به حامی ۵۰ درصد منافع متعلق به مجری	
	نمونه محصول	۶	توسعه فناوری	تا سقف ۱۰۰ درصد تأمین مالی توسط حامی، حصول اطمینان از توانمندی مجری در اجرای موفق طرح	بسته فناوری	۷	۱۰۰ درصد مالکیت متعلق به حامی ۳۰ درصد منافع متعلق به مجری
تجاری سازی						۱۰۰ درصد مالکیت متعلق به حامی ۵۰ درصد منافع متعلق به مجری	
۷		تولید نیمه صنعتی (پایلوت)	تا سقف ۴۰ درصد تأمین مالی توسط حامی، حصول اطمینان از توانمندی مجری در اجرای موفق طرح	بسته فناوری یا نقشه های مهندسی محصول، تولید محصول و اثبات فناوری در مقیاس نیمه صنعتی	۸	۴۰ درصد مالکیت متعلق به حامی ۵۰ درصد منافع متعلق به مجری	
۸	تولید شبه صنعتی (دمویلت)	تا سقف ۲۰ درصد تأمین مالی توسط حامی، حصول اطمینان از توانمندی مجری در اجرای موفق طرح	تجاری سازی	بسته فناوری یا نقشه های مهندسی محصول، تولید محصول و اثبات فناوری در مقیاس شبه صنعتی	۲۰ درصد مالکیت متعلق به حامی ۹۰ درصد منافع متعلق به مجری		
					۲۰ درصد مالکیت متعلق به حامی ۹۰ درصد منافع متعلق به مجری		

مأخذ: همان.

همان گونه که در ابتدا نیز بیان شد اقدام لازم بعدی برای همه خروجی های این مرحله که دستاوردهای فناورانه هستند تجاری سازی است. به طبع برای تکامل و تجاری سازی هریک از این نتایج باید اقدام های مناسبی در جهت حصول به بازار برای هریک از آنها به عمل آید.

#### ۴-۳. حوزه تجاری‌سازی

ورودی این حوزه دستاوردهای فناورانه‌ای همچون بسته فناوری، نمونه محصول و نقشه‌های مهندسی آن، فرصت‌های تجاری و غیره است. اقدامی که بر این ورودی‌ها انجام می‌گیرد توسعه طرح کسب‌وکار برای آنهاست که سازمان حمایت‌کننده تا سقف ۱۰۰ درصد بودجه مورد نیاز را با حصول اطمینان از توانمندی تیم تهیه‌کننده تأمین مالی می‌کند. خروجی این حوزه طرح کسب‌وکار است که فعالیت‌های لازم برای راه‌اندازی و تولید صنعتی و تجاری فناوری را به همراه ابعاد فنی، اقتصادی، سازمانی، مدیریتی و کسب‌وکاری تشریح می‌کند. اقدام بعدی که بر این طرح کسب‌وکار باید صورت گیرد راه‌اندازی واحد صنعتی و تجاری است که شیوه‌های مختلفی برای تأمین مالی آن از جمله سرمایه‌گذاری خطرپذیر و غیره وجود دارد که مسئولیت سازمان حمایت‌کننده معرفی طرح به بخش‌های مرتبط در سطوح ملی/بین‌المللی برای تأمین مالی و اجرای آن است.

#### جدول ۵. مسیر تکامل دستاوردهای فناورانه و تبدیل آنها به کسب‌وکارهای فناورانه در

##### فرایند پژوهش و فناوری

حوزه	ورودی	اقدام مورد نیاز برای ورودی	نوع حمایت حامی	خروجی	اقدام مورد نیاز برای خروجی	تسهیم منافع
تجاری‌سازی	دستاوردهای فناورانه	بسته فناوری	تا سقف ۱۰۰ درصد تأمین مالی	طرح کسب‌وکار	تولید تجاری و به‌کارگیری صنعتی (راه‌اندازی و تولید صنعتی)	همه حقوق مالکیتی و منافع متعلق به مالک (یا مالکان)
		نمونه محصول و نقشه‌های مهندسی آن	توسط حامی، حصول اطمینان از توانمندی مجری در اجرای موفق طرح			
		سایر				
	دانش فنی مفهومی					
	فرصت‌های تجاری					

مأخذ: همان.

#### ۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد تا با ارائه یک الگوی تفصیلی از مراحل تکامل دستاوردهای پژوهش و فناوری در یک سازمان حمایت‌کننده از پژوهش و فناوری به تبیین الگوی مدیریت

راهبردی پژوهش و فناوری در این سازمان پرداخته شود. بدین منظور حوزه فعالیت‌های مورد حمایت این سازمان براساس فرایند ایده تا بازار در چهار حوزه شامل حوزه‌های ایده‌پردازی، پژوهشی، توسعه فناوری و تجاری‌سازی تقسیم‌بندی شد و ورودی‌ها و خروجی‌های هر مرحله و اقدام‌های مورد نیاز برای تکامل ورودی‌های هر مرحله تعریف شد. شیوه سازمان حمایت‌کننده از پژوهش و فناوری در این حوزه‌ها با توجه به منشأ شکل‌گیری موضوع یا طرح مورد نظر (از درون یا بیرون سازمان حمایت‌کننده از پژوهش و فناوری) می‌تواند متفاوت باشد.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این مطالعه در مسیر تعالی دانش مدیریت راهبردی پژوهش و فناوری در سازمان‌های حمایت‌کننده از پژوهش و فناوری، تبدیل کردن چارچوب مفهومی مدیریت راهبردی پژوهش و فناوری به یک مدل اجرایی و قابل پیاده‌سازی و از آن مهم‌تر قابل ارزیابی است. سازمان‌های حمایت‌کننده از پژوهش و فناوری عموماً از فقدان این مدل عملیاتی و اجرایی رنج می‌برند و در تفسیر و توضیح مدل‌های مفهومی با اقتضائات و نیازهای خاص خود با دشواری مواجه می‌شوند. همچنین در فرایند تحلیل و عارضه‌یابی مشکلات و معضلات سازمان‌های حمایت‌کننده از پژوهش و فناوری، فقدان این مدل اجرایی یک نقطه خلأ مشهود در عرصه تئوری و اجرا قلمداد می‌شود.

مدل ارائه شده از نظر تئوریک قابل تطابق با الگوهای مختلف مطرح برای نوآوری فناورانه است. از بُعد مراحل اصلی که شامل ایده‌پردازی، پژوهشی، توسعه فناوری و تجاری‌سازی است با انواع مدل‌های نوآوری فناورانه خطی و غیرخطی تطابق دارد. همچنین با توجه به اینکه در این مدل در مراحل مختلف، امکان ورود و خروج ورودی‌ها و خروجی‌های آن مرحله وجود دارد با منطق نوآوری باز قابل تبیین است. این مدل به گونه‌ای طراحی شده که از ساده‌ترین مدل‌های نوآوری فناورانه تا پیشرفته‌ترین آنها مبانی و اجزای آن را پشتیبانی می‌کند.

این پژوهش در مسیر انجام، با محدودیت‌هایی مواجه بوده و روش تحقیق برای توسعه، از مدل کیفی استفاده شده است. از این رو نتایج آن برای تعمیم و توسعه، نیازمند آزمودن در زمینه‌های دیگر و پرتعدادتر است. همچنین ترکیب دو هدف طراحی و ارزیابی مدل

پیشنهاد شده با اتکا به یک مورد یکسان، ممکن است تا حدودی نتیجه را از جهت بی‌اقتضا بودن و عدم انحراف آسیب‌پذیر سازد. این تحقیق مسیرهای تحقیقاتی مختلفی را برای آینده پیشنهاد می‌کند. موضوع اول نشان دادن سودمند بودن مدل توسعه‌یافته و ارکان آن برای سایر سازمان‌های حمایت‌کننده از پژوهش و فناوری است و موضوع جدی‌تر برای تحقیقات آینده آزمون مدل توسعه‌یافته با استفاده از تعداد بیشتری از سازمان‌های حمایت‌کننده از پژوهش و فناوری است.

## منابع و مأخذ

۱. بندریان، رضا، داوود کریمی دستجردی و احمد جعفرنژاد (۱۳۹۱). «الگوی مدیریت راهبردی توسعه فناوری در سازمان‌های پژوهش و فناوری در صنعت نفت: موردی از پژوهش آمیخته»، *سیاست علم و فناوری*، ۴(۳).
۲. درخشان، مسعود و عاطفه تکلیف (۱۳۹۴). «انتقال و توسعه فناوری در بخش بالادستی صنعت نفت ایران: ملاحظاتی در مفاهیم، الزامات، چالش‌ها و راهکارها»، *پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران*، دوره ۴، ش ۱۴.
3. Ahuja, G., C. Lampert and V. Tandon (2008). "Moving Beyond Schumpeter: Management Research on the Determinants of Technological Innovation", *The Academy of Management Annals*, 2(1).
4. Baker, N. R. and D. J. Sweeney (1978). "Toward a Conceptual Framework of the Process of Organized Innovation Technological Within the Firm", *Research Policy*, 7(2).
5. Burawoy, M. (1998). "The Extended Case Method", *Sociological Theory*, 16 (10).
6. Campbell, E. G. (2009). "The Future of Research Funding in Academic Medicine", *The New England Journal of Medicine*, 360.
7. \_\_\_\_\_. (2002). "The Dynamics of Product Innovation and Firm Competences", *Strategic Management Journal*, 23(12).
8. Danneels, E. (2007). "The Process of Technological Competence Leveraging", *Strategic Management Journal*, 28(5).
9. Datta, A., D. Mukherjee and L. Jessup (2015). "Understanding Commercialization of Technological Innovation: Taking Stock and Moving Forward", *R and D Management*, 45(3).
10. Eisenhardt, K. M. (2016). "Building Theories from Case Study Research", *Academy of Management Review*, 14(4).
11. Federoff, H. J. and E. R. Rubin (2010). "A new Research and Development Policy Framework for the Biomedical Research Enterprise", *Journal of the American Medical Association*, 304.

12. Feldman, P. M. and A. Graddy-Reed (2013). "Accelerating Commercialization: A new Model of Strategic Foundation Funding", *The Journal of Technology Transfer*, 39(4).
13. Fletcher, E. (2015). "Interpreting Qualitative Data", *International Journal of Research and Method in Education*, 38(4).
14. Gorman, M. (2011). Doing Science, Technology and Society in the National Science Foundation: Commentary on: "Engaged, Embedded, Enjoined: Science and Technology Studies in the National Science Foundation", *Science and Engineering Ethics*, 17(4).
15. Gudkova, S. (2017). *Interviewing in Qualitative Research*, Springer International Publishing.
16. Hu, M., K. Schultz, J. Sheu and D. Tschopp (2007). *The Innovation Gap in Pharmaceutical Drug Discovery and new Models for R&D Success*, Kellogg School of Management, <http://www.kellogg.northwestern.edu/biotech/faculty/articles/newrdmodel.pdf>
17. Katzenmeyer, C. and F. Lawrenz (2006). "National Science Foundation Perspectives on the Nature of Stem Program Evaluation", *New Directions for Evaluation*, 109.
18. Lee, M. and K. Om (1994). "A Conceptual Framework of Technological Innovation Management", *Technovation*, 14(1).
19. MacMillan, D. (2011). "National Center for Science and Engineering Statistics (NCSES)", *Reference Reviews*, 25(6).
20. NASEM (National Academies of Sciences, Engineering and Medicine) (2015). *SBIR at the National Science Foundation*, Washington, DC: The National Academies Press. <https://doi.org/10.17226/18944>.
21. Ridder, A. K. (2011). "Sensing and Seizing Open Innovation: a Capability-based

- Approach", *Dime-Druid Academy Winter Conference*, Comwell Rebild Bakker, Alborg, Denmark.
22. Riege, A. M. (2003). "Validity and Reliability Tests in Case Study Research: a Literature Review with "Hands-on" Applications for Each Research Phase", *Qualitative Market Research: An International Journal*, 6(2).
23. Shapiro, D. and J. Euchner (2016). "Democratizing Innovation", *Research Technology Management*, 59(2).
24. Shepherd, D. and R. Suddaby (2017). "Theory Building a Review and Integration", *Journal of Management*, 43(1).



# گفتمان‌های جمعیتی در ایران: سیاست و بازتولید رسانه‌ای<sup>۱</sup>

محمد جلال عباسی شوازی\* و سیده زهرا اجاق\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲

هدف سیاست‌گذاری‌ها ایجاد بهبود در روندهای اجتماعی است و موفقیت آنها به این بستگی دارد که افراد جامعه در سطح فردی آن را پذیرفته و متناسب با آن تغییر رفتار دهند. بنابراین در این مقاله پس از مرور گفتمان‌های علمی جمعیت‌شناسی و گفتمان‌های سیاسی حاکم بر ایران که سیاست‌های جمعیتی کشور را متأثر می‌سازند با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی، گفتمان‌های جمعیتی مرتبط با این گروه‌ها را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین نشان می‌دهد که گفتمان برخی از گروه‌های ذی‌نفع «بحرانی» و گفتمان مربوط به جمعیت‌شناسان «طبیعی» است. همچنین در مرحله تبیین با تشریح فرایندهای نهادی و اجتماعی این گفتمان‌ها نشان داده می‌شود که گفتمان بحرانی در رسانه‌ها با توجه به وجوه مختلف گفتمان و با شدت بیشتری بازتولید شده، حال آنکه گفتمان طبیعی، تنها از بعد توسعه مورد توجه واقع شده است.

**کلیدواژه‌ها:** گفتمان‌های جمعیتی؛ تحلیل گفتمان انتقادی؛ ایران؛ کیهان؛ گروه‌های ذی‌نفع؛

**متخصصان جمعیت‌شناسی**

---

۱. مقاله حاضر برگرفته از طرح پسادکتری نویسنده مسئول است که با راهنمایی دکتر عباسی شوازی و حمایت صندوق حمایت از پژوهشگران جوان در مؤسسه ملی مطالعات جمعیتی ایران انجام شده است.

Email: mabbasi@ut.ac.ir

\* استاد دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران؛

\*\* استادیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)؛

Email: z.ojagh@ihcs.ac.ir

## مقدمه

کشور ایران بین سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۰ سریع‌ترین کاهش باروری را تاکنون (Abbasi-Shavazi and McDonald, 2006) در مناطق روستایی و شهری تجربه کرده است. از این رو از سال ۱۳۸۹ تصویری از پیامدهای این موضوع در جامعه در حال انتشار است که رسانه‌ها متونی مانند موارد زیر را بسیار منتشر کرده‌اند:

- تک‌فرزندی، جمعیت کشور را تا سال ۱۴۱۵ در مرز ۸۵ میلیون نفر متوقف می‌کند (روزنامه ایران، ۱۳۹۱/۱۱/۲۱)،

- «پدیده سالمندی جمعیت و افزایش هزینه‌های بازنشستگی» (همان، ۱۳۹۲/۷/۳)،

- «جمعیت پیر چگونه جوان می‌شود؟» (همان، ۱۳۹۲/۸/۱۱)،

- «روش‌های اصولی و اعتدالی برای افزایش جمعیت» (همان، ۱۳۹۳/۴/۱۵)،

- «اصرار بر سیاست‌های تحدید نسل!» (روزنامه کیهان، ۱۳۹۳/۴/۲۰)،

- «شیب تند سالمندی در کشور» (همان، ۱۳۹۳/۵/۱۴)،

- «کاهش شاخص نرخ باروری، جمعیت کشور را تهدید می‌کند» (همان، ۱۳۹۴/۱۲/۱۸)،

- «نرخ رشد جمعیت به سمت منفی شدن می‌رود» (سایت هدا، ۱۳۹۵/۲/۱۴)،

- «پنجره فرصت جمعیتی برای ما مصیبت جمعیتی است» (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۲/۱۱/۸)،

- «پیامد کنترل شدید جمعیت، سالخوردگی است» (روزنامه شرق، ۱۳۸۹/۱۰/۲۳)،

- «کاهش رشد جمعیت و نرخ باروری وارد فاز بحران شد» (سایت جوان آنلاین، ۱۳۹۲/۲/۷)،

- «ایران ۳۱ میلیونی در راه نیست» (سایت روزنامه آرمان امروز، ۱۳۹۵/۱/۲۶)،

- «موج پیری در راه نیست؛ مردم را نگران نکنید» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۹۳/۱۱/۱).

ملاحظه می‌شود که تصویر غالب روزنامه‌ها، تغییر جمعیتی ایران را به شکل سالمند و پیر شدن جامعه نشان می‌دهد. رسانه‌ها با تأکید بر ماهیت این پیامدها، گفتمان‌هایی را تولید و بازتولید کرده و نقش مهمی در عمومیت بخشیدن به آنها ایفا می‌کنند. این گفتمان‌ها، هم بازنمایاننده تغییرات جمعیتی هستند و هم می‌توانند بر برنامه‌ها و سیاست‌های جمعیتی اثرگذارند. در واقع، گفتمان‌های جمعیتی، ماهیتی علمی - سیاسی دارند، یعنی هم مفاهیم علم و هم تحولات سیاسی تعیین‌کننده است. از این رو، برای درک نظم گفتمانی و شناخت

ماهیت گفتمان‌ها باید فهمی کلی از آنها داشت. این مقاله برگرفته از پژوهشی است که در سال ۱۳۹۵ برای تحلیل گفتمان‌های جمعیتی در ایران انجام شده است. گفتمان‌های جمعیتی با ارائه تصویرسازی‌هایی از تحولات نامرئی جمعیت، به آنها تجسم می‌بخشند (Messerschmidt, 2014: 306). در حوزه علم جمعیت‌شناسی به‌مثابه موضوعی تخصصی، تفاسیر مختلفی از موضوع جمعیت و مسائل مرتبط با آن وجود داشته و دارد که نظام گفتمانی متخصصان جمعیت‌شناسی را تشکیل می‌دهند و در حوزه سیاستگذاری عمومی به موضوع جمعیت و باروری در کشور توجه شده و می‌شود. همه این گفتمان‌ها در مرئی شدن تحولات جمعیتی نقش دارند که در ادامه به‌اختصار توضیح داده می‌شوند.

## ۱. گفتمان‌های جمعیتی

### ۱-۱. گفتمان‌های جمعیتی در علم جمعیت‌شناسی

اولین رویکرد مسئله‌مند به پدیده جمعیت، افزایش آن را راه‌حلی برای پیشرفت نمی‌داند. مالتوس در اواخر قرن هجدهم با پیوند تغییرات جمعیتی با منابع غذا معتقد است که جمعیت همواره به افزایش‌نمایی تمایل دارد ولی غذا به‌طور خطی افزایش می‌یابد (Mbisamakoro, 2014: 17). در نتیجه، این گفتمان محدود کردن رشد جمعیت را برای متعادل ساختن آن ضروری می‌داند. براساس نظر مالتوس، تعادل جمعیت یا به‌طور داوطلبانه با رفتارهایی مانند تأخیر در ازدواج، خودداری جنسی و یا کم کردن تعداد فرزندان رخ می‌دهد یا با کنترل‌های مثبت مانند خشکسالی، بیماری‌های همه‌گیر، جنگ و نظایر آنها اتفاق می‌افتد. در این گفتمان، فقر از طبقه پایین جامعه تنها با کنترل باروری رخت برخواهد بست.

سپس، پیشرفت‌های فناورانه قرن نوزدهم و افزایش بهره‌وری کشاورزی با وجود رشد جمعیت، موجب کاهش تدریجی نفوذ و اهمیت نظریه مالتوس شد. اما در سال‌های اخیر به‌جای ذخایر غذایی، نابودی منابع تجدیدنپذیر انرژی، گرمایش زمین، فرسایش خاک، کمبود آب، جنگل‌زدایی و... دلایل لزوم محدود کردن رشد جمعیت شناخته می‌شوند که گفتمان نومالتوسی (Hodgson, 1991) را پدید آورده‌اند.

در اواخر قرن نوزدهم مهاجرت به‌ویژه به کشور آمریکا گسترش یافت که اغلب این

مهاجران از کشورهای شرق و جنوب اروپا و عده‌ای هم از چین و ژاپن بودند. با کاهش فرزندآوری در طبقه متوسط و بالای سفیدپوستان اروپای شمال غربی، گفتمانی شکل گرفت که «کاهش جمعیت» را به‌مثابه مشکل یا مسئله می‌شناخت. به‌طوری‌که کاهش باروری را معادل خودخواهی و نژادکشی تلقی می‌کرد. البته کیفیت جمعیت هم مورد توجه بود، یعنی مسئله اقتصاد جای خود را به مسئله نژاد می‌داد (Mbisamakoro, 2014:19). درخصوص این گفتمان، دو خرده‌گفتمان شکل گرفت که یکی به کیفیت جمعیت و دیگری به کمیت جمعیت توجه داشت. به‌طوری‌که در ابتدا خرده‌گفتمان، اصلاح نژادی نامیده شد که به کیفیت جمعیت می‌پرداخت و کمتر به اندازه جمعیت توجه داشت. این خرده‌گفتمان برای اصلاح و بهبود ویژگی‌های زیست‌شناسانه ملت، بازتولید نژاد خوب (بالا‌تر از نظر ژنتیکی) را تشویق کرده و تولیدمثل نژاد پست‌تر ژنتیکی را باز می‌دارد. خرده‌گفتمان دوم، ملت به‌مثابه قدرت نام داشت، به‌این‌معنا که ملت یا گروهی از افراد برای تضمین آینده خویش به حفظ رشد مستمر جمعیت وابسته است (Bernstein, 2005).

برنشتاین (۲۰۰۵) شرح می‌دهد که از اواسط دهه ۱۹۷۰ سیاست جهانی این دوره و به‌ویژه تنش‌های بین شمال و جنوب به شکل مفاهیم رقیب و متضاد درباره اقتصاد سیاسی باروری آشکار شدند. کشورهای شمال، برنامه‌های جمعیتی و تنظیم خانواده را به‌مثابه پیش‌شرط توسعه ترویج می‌کردند، اما کشورهای جنوب، به‌ویژه آسیای جنوبی که اولین سیاست‌های جمعیتی را دارند، متأثر از مفاهیم مارکسی یعنی اولویت زیرساخت‌های اقتصادی در توسعه تاریخی و اندیشه‌ای، بر این باور بودند که توسعه بهترین روش پیشگیری از بارداری است (Mbisamakoro, 2014: 36). در سال ۱۹۸۴ جنبش زنان و به‌ویژه سلامت زنان اهمیت یافت و گفتمان جدید زنان به حقوق بشر به‌عنوان اصل سازمان‌دهنده برنامه‌های جمعیتی اولویت داد و در نتیجه، سرمایه‌گذاری در برنامه‌های بهداشت باروری و جمعیت اهمیت پیدا کرد. به‌این‌ترتیب، رویکرد برابری جنسیتی، حقوق باروری و جنسی مورد توجه قرار گرفتند (Bernstein, 2005). در این گفتمان، بر اولویت نیازهای رفاهی بشر و اهداف توسعه پایدار تأکید شده و مشکلات جنسی و بهداشت باروری در سیاست‌های جمعیتی، اهمیت مرکزی یافت. گفتمانی است پس از سال ۲۰۰۰ و با طرح اهداف توسعه هزاره، هدف سیاست جمعیتی پرداختن به

عدم تعادل بین روندهای جمعیت‌شناختی و اهداف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دانسته می‌شود (Mbisamakoro, 2014).

جدای از این گفتمان‌ها که در عرصه پژوهشی و تخصصی جمعیت‌شناسی طرح می‌شوند، موضوع جمعیت و برنامه‌ریزی برای آن مورد توجه سیاستگذاران ایرانی هم است و گفتمان‌هایی که بر سیاستگذاری عمومی ناظرند، سیاست‌های جمعیتی را هم تحت تأثیر قرار می‌دهند.

## ۲-۱. گفتمان‌های سیاسی و موضوع جمعیت در ایران

گفتمان اول مدرنیته است که در ایران بر وجه بهداشت و حقوق بهداشت باروری تأکید دارد و در دو دوره بر سیاست‌های جمعیتی ایران حاکم بوده است:

الف) در اولین برنامه کنترل جمعیت در برنامه عمرانی چهارم (۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱) که کاستن از تعداد فرزندان به حقوق بشر پیوند خورده و بر مزایای اقتصادی و اجتماعی آن برای افراد و جامعه تأکید می‌شود.

ب) در سال ۱۳۶۵ که ایران به نرخ رشد جمعیت بالای ۳ درصد رسید و این موضوع مورد توجه سازمان برنامه و بودجه قرار گرفت. «در سال ۱۳۶۸ با اتخاذ تنظیم خانواده به‌عنوان یک سیاست رسمی، اجرای برنامه‌ها به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، آموزش عالی و آموزش و پرورش سپرده می‌شود. دولت در سال ۱۳۶۹ تشکیل «شورای تحدید موالید» با ریاست وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را تصویب کرده و در سال ۱۳۷۰ نیز «اداره کل جمعیت و تنظیم خانواده» ایجاد می‌شود» (تجدد، ۱۳۸۷: ۱۵-۱۴). این اداره به‌عنوان واحد مجزایی برای توسعه برنامه‌های مربوطه در سطح کشور تشکیل شد و سپس در سال ۱۳۷۲ قانون تنظیم خانواده به تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان رسید. در این گفتمان علاوه بر کنترل بارداری و تنظیم خانواده، تغذیه و دسترس‌پذیر کردن خدمات بهداشتی - آموزشی برای مقابله با بیماری‌ها، حقوق باروری نیز به‌عنوان جزء تفکیک‌ناپذیر حقوق بشر قلمداد می‌شود. بدین ترتیب این گفتمان بر تأمین سلامت مادران و کودکان، و توانمندی زنان تأکید دارد. این گفتمان در دوره پس از انقلاب «واقع‌گرایی اسلامی نیز خوانده می‌شود که بر اصول عقل‌گرایی،

عمل‌گرایی و منافع ملی تأکید می‌کند و مدیریت جمعیت را در همین راستا مورد توجه قرار می‌دهد» (Mahmoodi, Mohammadpur and Rezaei, 2015: 1887؛ حکیمی و محمدعلیزاده، ۱۳۸۸).

گفتمان دوم، آرمان‌گرایی اسلامی نام دارد. مختصات اصلی این گفتمان عبارتند از: «احیای ارزش‌های ناب اسلامی، تشکیل امت اسلامی و مخالفت با سازمان‌های بین‌المللی. برای دستیابی به این اهداف، در گفتمان آرمان‌گرایی اسلامی، افزایش جمعیت مورد توجه بوده و جمعیت به‌عنوان منبع قدرت شناخته می‌شود» (پناهی، ۱۳۷۹: ۸۲؛ شایگان، ۱۳۸۱: ۱۲۲؛ Ibid.: 1889).

گفتمان سوم، عمل‌گرایی اسلامی است. تمرکز این گفتمان بر اسلام و جمهوری اسلامی ایران است؛ به‌طوری‌که ایران به‌منزله آرمان‌شهری اسلامی، کنترل جمعیت را به نفع اسلام و بقای کشور می‌داند. در این گفتمان، جمهوری اسلامی ایران و حکومتش، مدینه فاضله اسلامی است که باید به‌عنوان منشأ و مصدر انقلاب اسلامی حفظ شود. حاکمان و مردم باید به حقایق جهانی و شرایط داخلی توجه کنند و از قوانین و شرایط موجود برای دستیابی به جامعه اسلامی آرمانی و تسهیل ظهور ملت متحد اسلامی بیشترین بهره را ببرند. از این‌رو، در این گفتمان، کنترل جمعیت اقدامی مطلوب در نظر گرفته می‌شود که به نفع ایران و اسلام است و موجب حفظ و بقای جمهوری اسلامی می‌شود (سرمدی و ازغندی، ۱۳۹۵: 1890؛ Ibid.).

گفتمان اصلاح‌طلب، چهارمین گفتمان سیاسی غالب در ایران محسوب می‌شود که برنامه‌های جمعیتی را نیز متأثر می‌سازد. «عمل‌گرایی، عقل‌گرایی و گفتگو، آزادی‌های اجتماعی و فردی، احترام به شأن انسان، گفتگوی بین‌تمدن‌ها، توسعه جامعه مدنی، شمول همه ایرانیان در فرایند تصمیم‌گیری، توسعه و پیشرفت با تأکید بر فرهنگ از مفاهیم اصلی این گفتمان هستند» (Ibid.: 1892). گفتمان اصلاح‌طلب با تأکید بر عقل‌گرایی، توانمندسازی و جنسیت، رفتار مردم از جمله فرزندآوری را تصمیمی عقلانی در نظر می‌گیرد (کریمی قهی، ۱۳۹۱).

گفتمان پنجم یعنی گفتمان اصول‌گرا، «اهداف جهانی مانند فراهم آوردن عدالت، معنویت و شفقت برای جهانیان دارد و مؤلفه بارز این گفتمان خودی/دیگری ساختن است» (Ibid.: 1888). این گفتمان توجه ویژه‌ای به جمعیت و برنامه‌ریزی در راستای افزایش جمعیت داشته و همانند گفتمان آرمان‌گرایی اسلامی فرزندآوری بیشتر را تشویق می‌کند. در این گفتمان، «کنترل جمعیت به منظور افزایش سلامت و آموزش، هیچ تبیین مذهبی ندارد» (Ibid.: 1893؛ کریمی قهی، ۱۳۹۱).

بنابراین، با توجه به اهمیت جمعیت برای برنامه‌ریزی‌های کشور در وجوه مختلف، دست کم سه دسته از افراد در شکل‌گیری سیاست‌های جمعیتی می‌توانند ایفای نقش کنند: برنامه‌ریزان رسمی، متخصصان علمی، گروه‌های ذی‌نفع. از این رو هر سه دسته برای اطلاع‌رسانی و متأثر کردن افکار عمومی از رسانه‌ها بهره می‌گیرند، اما رسانه‌ها چگونه به بازنمایی نظرها و تصمیم‌های آنها مبادرت می‌ورزند؟ در این مقاله با تحلیل گفتمان انتقادی متون جمعیتی که روزنامه‌نگاران، متخصصان جمعیتی و گروه‌های ذی‌نفع در رسانه‌ها منتشر کرده‌اند، گفتمان حاکم و خرده‌گفتمان‌های احتمالی، شناسایی شده و رابطه گفتمان‌های روزنامه‌نگاران با گفتمان‌های متخصصان و گروه‌های ذی‌نفع نشان داده می‌شود. برای این منظور با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، متون منتشر شده در دو روزنامه اصلی کیهان، ایران و متونی که متخصصان جمعیت‌شناس در رسانه‌های مختلف مطرح کرده‌اند، مطالعه و تحلیل می‌شود.

## ۲. تحلیل گفتمان انتقادی

در تحلیل گفتمان انتقادی، هر نمونه از کاربرد زبان، رویدادی ارتباطی به‌شمار می‌رود که سه بعد دارد: اول، متن که شامل مواردی همچون حرف، نوشته، تصویر یا ترکیبی از اینهاست؛ دوم، عمل یا کرداری گفتمانی که شامل تولید و مصرف متون است؛ سوم، عمل یا کرداری اجتماعی. هدف اصلی تحلیل گفتمان انتقادی، تشریح نقشی است که کردار گفتمانی در حفظ نظم اجتماعی یا تغییر اجتماعی دارد. به نظر فرکلاف نظم گفتمانی، نوعی سیستم است؛ یعنی رویدادهای ارتباطی نه تنها نظم‌های گفتمانی را بازتولید می‌کنند، بلکه از طریق کاربرد خلاقانه زبان آنها را تغییر هم می‌دهند (Jorgensen and Phillips, 2002). به این ترتیب، نظم گفتمانی هم حد و مرز موارد را که می‌توانند گفته شوند، تعیین می‌کند و هم کاربران زبان می‌توانند نظم گفتمانی را به دو طریق تغییر دهند: اول، استفاده از ژانرها و گفتمان‌ها به روش‌های جدید و دوم، وارد کردن گفتمان‌ها و ژانرهای جدید از گفتمان‌های دیگر. این موضوع، ما را به مفهوم بیناگفتمانگی<sup>۱</sup> می‌رساند.

بیناگفتمانگی وقتی رخ می‌دهد که گفتمان‌ها و ژانرهای مختلف در رویداد گفتمانی به هم پیوند می‌خورند. با شکل‌گیری گفتمان‌های جدید، مرزهای درون نظم گفتمانی و میان نظم‌های گفتمانی تغییر می‌کند. وقتی انواع گفتمان به شکلی جدید با هم ترکیب می‌شوند، هم نشانه تغییر گفتمانی و اجتماعی - فرهنگی است و هم عامل وقوع آن به‌شمار می‌رود. برعکس، اگر گفتمان‌ها به روش مرسوم ترکیب شوند، هم شاخص ثبات نظم گفتمانی و نظم اجتماعی حاکم هستند و هم موجب آن می‌شوند. پس با تحلیل رابطه بین گفتمان‌های مختلف درون یک نظم گفتمانی و بین نظم‌های گفتمانی متفاوت، می‌توان بازتولید یا تغییر گفتمانی را مطالعه کرد (Ibid.: 74).

## ۱-۲. تحلیل گفتمان انتقادی برای مطالعه گفتمان‌های جمعیتی: متون مورد استفاده

برای انجام این مطالعه، در سایت‌های دو روزنامه کیهان و ایران و سایت‌های خبری اعم از خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های دیگر با کلیدواژه‌های سیاست جمعیتی، تغییر جمعیتی، کاهش جمعیت، افزایش جمعیت جستجو شد. متون جمعیتی، شناسایی و همه آنها برای تحلیل انتخاب شدند. در این مطالعه واحد تحلیل، کل متن رسانه‌ای است. جامعه مورد مطالعه در روزنامه‌های کیهان و ایران در بازه زمانی فروردین ۱۳۸۹ تا ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۵ است (جدول ۱). انتخاب سال ۱۳۸۹ به این دلیل است که مقام‌های رسمی از این سال به افت نرخ باروری در ایران توجه کردند و انتخاب ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۵ به دلیل پوشش چهارمین سالگرد ابلاغ سیاست‌های جمعیتی است.

درباره انتخاب روزنامه‌های ایران و کیهان لازم به توضیح است که روزنامه کیهان پس از اطلاعات، قدیمی‌ترین روزنامه کشور است و یکی از نهادهای اصلی جناح اصول‌گراست که انتظار می‌رود با توجه و عمق بیشتری به سیاست‌های جمعیتی پردازد و به همه جوانب آن توجه داشته باشد. روزنامه ایران نیز روزنامه‌ای متعلق به دولت شناخته می‌شود که به نظر می‌رسد تحلیل آن در انتقال نحوه فهم و مواجهه دولت با سیاست‌های جمعیتی مفید باشد. به‌ویژه آنکه اغلب مدت بازه زمانی تحلیل شامل دوره ریاست‌جمهوری اعتدال‌گراهاست که به جناح اصلاح‌طلب نزدیکی بیشتری دارند. با توجه به غلبه سیاسی دو جناح اصول‌گرا



و اصلاح طلب در کشور می‌توان گفت که سایر رسانه‌ها نیز در پوشش موضوعات مختلف از جمله سیاست‌های جمعیتی براساس سمت و سوی سیاسی خود، مشابه یا نزدیک به این دو روزنامه عمل می‌کنند. به خصوص اینکه در گوگل جستجو و برای تحلیل نظرهای متخصصان و ذی‌نفعان حقوق منتشر شد و در وبگاه‌های همه روزنامه‌ها نیز در دسترس قرار گرفتند و نتایج مؤید همین نکته است. پس تحلیل گفتمان متون دو روزنامه مذکور می‌تواند تصویری کلی از فضای رسانه‌ای و به‌ویژه مطبوعاتی ایران در اختیار پژوهشگران بگذارد.

#### جدول ۱. تعداد متون جمعیتی منتشره در دو روزنامه کیهان و ایران

نام	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵
کیهان	-	-	-	۲۱	۷۵	۲۰	۶
ایران	-	-	۳	۸	۱۹	۹	۲

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

درخصوص متون شناسایی گفتمان نخبگان (متخصصان و سیاستگذاران) در سایت گوگل (به دلیل فراگیر بودن این سایت در بین کاربران ایرانی) با کلیدواژه‌های جمعیت شناس و سیاست‌های جمعیتی، جستجو شد. اسامی متخصصان و ذی‌نفعان یا در نتیجه جستجو و یا با ملاحظه کمبود نمونه‌ها، براساس شناخت پیشین پژوهشگران به‌طور مستقیم شناسایی شدند. در هر دو مورد، جستجو تا جایی ادامه یافت که به اشباع نظری رسید. بدین معنا که متون مربوط به هر متخصص، اطلاع جدید به دست نمی‌داد یا تکراری بود.

#### ۲-۲. شیوه تحلیل

تحلیل گفتمان فر کلاف در سه سطح انجام می‌شود: توصیف، تفسیر و تبیین. در این پژوهش هر سه سطح مورد توجه و تحلیل قرار می‌گیرد اما تفاوت‌هایی با هم دارند. در مرحله اول، متن همچون شیء در نظر گرفته می‌شود و ویژگی‌های صوری مانند واژه‌ها و عباراتی که انتخاب شده و به یکدیگر

ربط داده شده‌اند ضمایر، افعال، کاربرد ضمایر معلوم یا مجهول و مدالیت به معنای نحوه بیان و شرح موضوع به شکل آمرانه یا پیشنهادی، تحلیل می‌شوند. در مرحله دوم، ماجرا و کنشگران دخیل در ماجرا توصیف و نوع تعامل بین آنها شناسایی می‌شود. نظم گفتمانی و بین‌گفتمانی در این مرحله شناسایی می‌شوند تا استراتژی‌ها، مفصل‌بندی‌ها و چگونگی توزیع گفتمان‌ها درک شوند. در مرحله آخر هم محققان باید فرایند اجتماعی مربوط با گفتمان شناسایی شده در مرحله تفسیر را تحلیل کنند.

### ۳. مرحله توصیف (تحلیل ساختار زبانی - تحلیل سطح متن)

#### ۳-۱. کلمات واجد کدام ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای و بیانی هستند؟

در آثار فرکلاف آن جنبه از ارزش تجربی بیشتر مورد توجه واقع شده است که چگونه تفاوت‌های ایدئولوژیک بین متون در بازنمایی‌های مختلفی که از جهان ارائه می‌دهند در واژگان آنها رمزگذاری می‌شود (فرکلاف، ۱۳۷۹). تحلیل متون رسانه‌ها در سطح کلمات نشان می‌دهد که کاربرد «صفت» و «نام‌گذاری» در متون مربوط به جمعیت رواج بیشتری دارد به طوری که «دیگری‌سازی» هم متعاقب این رویدادهای نگارشی انجام می‌شود. مثلاً نویسندگان و متخصصان با کاربرد صفاتی مانند متعادل یا نامتعادل، کم یا زیاد، در خطر یا طبیعی، نگران‌کننده یا بدون نگرانی، وضعیت جمعیت ایران را توصیف و ارزش‌گذاری می‌کنند. همچنین با نام‌گذاری به عواملی می‌پردازند که وضعیت جمعیتی فعلی را تغییر داده یا تثبیت می‌کنند. آنها با استفاده از این روش‌ها می‌خواهند معنای مشخصی را از وضعیت جمعیت ایران در ذهن مخاطب ایجاد کنند.

ازسویی در تحلیل روابط واژگانی به دلیل تخصص گروه‌های علمی، به‌ویژه جمعیت‌شناسان که موضوع را به‌مثابه مسئله یا رخداد صورت‌بندی کرده و شرح می‌دهند، تحلیل «مدالیت»‌ها یعنی نحوه بیان و شرح موضوع اهمیت می‌یابد. تحلیل انجام شده نشان می‌دهد که مدالیت‌های استفاده شده در گفتمان نخبگان علم جمعیت‌شناسی بیشتر «امری یا اعلانی» هستند. این مدالیت‌ها دلالت‌گر اقتدار حوزه علم نسبت به سایر حوزه‌هاست. کاربرد غالب این مدالیت‌ها، نشان‌دهنده لزوم توجه به دانایی محوری است و متخصصان با استفاده از این نوع مدالیت، تسلط و احاطه علمی خود را به موضوع بازنمایی می‌کنند.

### ۲-۳. ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای و بیانی هستند؟

در این قسمت از سطح تحلیل متن بر سه سؤال زیر و پاسخ به آن تمرکز می‌کنیم: ۱. آیا کنشگری نامشخص است؟ ۲. آیا جملات معلوم‌اند یا مجهول؟ ۳. نحوه استفاده از ما و شما یا ما و آنها چگونه است؟ در متون تحلیل شده، بیشتر جملات به صورت معلوم بیان شده‌اند. در متون اندکی که در مباحث متخصصان قابل مشاهده است، کنشگران نامشخص در جملات مجهول بیان شده‌اند. این وضعیت به‌ویژه در مباحثی رایج است که متخصصان دیدگاه‌های یکدیگر را نقد می‌کنند.

در مورد متونی که نظریه ذی‌نفعان یا نخبگان سیاسی را توضیح می‌دهند، جملات مجهول را در متون منتشر شده در کیهان خیلی بیشتر از ایران می‌توان مشاهده کرد. فرکلاف برای مجهول کردن جملات، «انگیزه ایدئولوژیک» قایل است (همان: ۱۸۹) ولی همان‌طور که گفته شد در متون مربوط به وضعیت جمعیت ایران، تولیدکنندگان متون عمدتاً از جمله‌های معلوم استفاده می‌کنند تا نشان دهند که نام‌گذاری‌ها و صفات مورد استفاده‌شان برای تشریح کمیت و کیفیت واقعی مستند و آماری است. حتی زمانی که متخصصان در حال رقابت گفتمانی هستند، مانند متون مربوط به مناظره‌ها، با استفاده از جمله‌های معلوم به نقد یکدیگر می‌پردازند و دیگری‌سازی زمانی انجام می‌شود که مصاحبه‌گر دیدگاه گفتمان رقیب را ذکر کرده یا متخصص در مقام دفاع از گفتمان خود برآمده است.

در متون روزنامه‌نگاران، زمانی که نظام گفتمانی متخصصان آمده است استفاده کمی از جمله‌های مجهول یا دیگری‌سازی می‌کنند اما زمانی که نظام گفتمانی غیرمتخصصان بستر بازتولید گفتمانی است، دیگری‌سازی و جمله‌های مجهول بسیار استفاده می‌شود. در این موارد، گفتمان متخصصان علمی نیز جزء دیگران یا غیر خودی‌ها قرار می‌گیرد.

### ۴. مرحله تفسیر

فرکلاف از واژه تفسیر برای نامیدن یک مرحله از مراحل تحلیل گفتمان انتقادی استفاده می‌کند. وی در مرحله تفسیر به دنبال بیان این مطلب است که مفسران چگونه بافت موقعیتی را تفسیر می‌کنند و چگونه این تفسیر نوع گفتمان مربوطه را مشخص می‌کند. به‌طور کلی، فرکلاف در

مرحله تفسیر به بافت موقعیتی، نوع و نظم گفتمانی اشاره دارد. او در این مرحله چهار سؤال اساسی مطرح می‌کند که عبارتند از: «ماجرا چیست؟ چه کسانی درگیر آن هستند؟ روابط میان آنها چیست؟ و نقش زبان در این خصوص چیست؟» (همان: ۲۲۲). در پژوهش حاضر کوشش می‌شود به این پرسش‌ها به‌طور خلاصه پاسخ داده شود:

**- ماجرا چیست؟** ماجرای اصلی در رخدادهای ارتباطی تحلیل شده، تضاد و رقابت گفتمان‌ها بر سر توضیح وضعیت فعلی و آتی جمعیتی ایران، چگونگی مواجهه با آن و نحوه پرداختن به سیاست‌های جمعیتی رهبری و برجسته‌سازی بخش‌های خاص آن است.

**- چه کسانی درگیر ماجرا هستند؟** در متون تحلیل شده حداقل دو بافت موقعیتی وجود دارد که دو مشارکت‌کننده اصلی دارد. در یک طرف، نویسنده/متخصص و گفتمان مورد نظرش قرار دارد که گوینده تلقی می‌شود و در طرف دیگر، گفتمان مخالف قرار دارد که در مقام مخاطب یا متهم است.

**- روابط میان آنها چیست؟** در تحلیل‌های انجام شده، روابط و مناسبات قدرت که در هر موقعیت تعیین و تثبیت می‌شوند، نشان داده شده‌اند.

**- نقش زبان چیست؟** در متون تحلیل شده که زبان در قالب‌های نوشتاری گوناگون ظاهر شده، گاه برای توجیه دلایل گفتمان خود، برای مجرم کردن دیگران، برای پاسخگویی به انتقادهای طرف مقابل یا برای واکنش به اقدام‌های خاص به کار رفته است.

#### ۱-۴. گفتمان شناسایی شده در پژوهش

اما علاوه بر موضوعات فوق در مرحله تفسیر، شناخت نظم گفتمانی واجد اهمیت است. در تحلیل نظم گفتمانی هدف آن است که استراتژی‌ها، مفصل‌بندی‌ها و چگونگی توزیع گفتمان‌ها در یک یا چند متن، مطالعه شود (نوذری و همکاران، ۱۳۹۲). برای این منظور باید گفتمان‌های حاکم یا مسلط در متون تحلیل شده شناسایی شوند:

**اول) گفتمان‌های روزنامه ایران:** براساس این تحلیل، گفتمان غالب در روزنامه ایران برای توصیف وضعیت جمعیتی ایران، «سالخوردگی» است که در بازه زمانی آذر ۱۳۹۱ تا خرداد ۱۳۹۵، به‌تأویب به‌مثابه «توسعه، افزایش هزینه، تهدید و خطر، کارایی، بیماری،

ظرفیت و بحرانی» بازنمایی می‌شود. گفتمان غالب دیگر در این روزنامه، «پیشران بودن امر اقتصاد» است. دو بیناگفتمانگی مهمی که در گفتمان‌سازی روزنامه *ایران* مشاهده می‌شود گفتمان علمی و فقهی است. براساس گفتمان فقهی، فرزندآوری جزء اعمال مستحب و در شمول موارد حکم حکومتی واقع است. ولی در گفتمان علمی که دو دسته پزشکان و جمعیت‌شناسان تولیدکننده آن محسوب می‌شوند بر «سلامت» و استفاده از «فرصت پنجره جمعیتی کنونی» در ایران تأکید می‌کنند که روزنامه *ایران* عمدتاً وجه اول گفتمان علمی را بازتولید می‌کند ولی در چرخه بازتولید گفتمانی، هیچ‌یک از این موارد به گفتمان اصلی تبدیل نمی‌شوند. به این ترتیب دو گفتمان مسلط در روزنامه *ایران* شناسایی می‌شوند.

**دوم) گفتمان‌های روزنامه کیهان:** روزنامه *کیهان* از سال ۱۳۹۲ تا پایان اردیبهشت ۱۳۹۵ انواع گفتمان‌ها را درباره جمعیت و سیاست‌های کلی جمعیت تولید کرده است. در سال ۱۳۹۲ «پیشران بودن امر اقتصاد» برای افزایش جمعیت، گفتمان اصلی *کیهان* است که بر اولویت اجرای مشوق‌ها به عنوان محرک افزایش جمعیت تأکید دارد. دو گفتمان «جمعیت به مثابه امنیت ملی» و «نفوذ» با برجستگی کمتر تولید می‌شوند. در سال ۱۳۹۳ گفتمان اصلی که *کیهان* تولید و بازتولید کرده، «اقتدار ملی» است. تفکر «نفوذ» نیز در این دوره هم در متون *کیهان* قابل مشاهده است. به طوری که در سال ۱۳۹۴ گفتمان «نفوذ»، تبدیل به گفتمان اصلی روزنامه *کیهان* می‌شود. در دو ماهه اول سال ۱۳۹۵ *کیهان* ضمن ادامه بازتولید گفتمان نفوذ، به بازتولید گفتمان «اقتدار ملی» و «امت اسلامی» نیز پرداخته است. دو حوزه بین‌گفتمانی مورد استفاده در روزنامه *کیهان* عبارتند از: گفتمان علم و رسانه‌های خارجی، که باید گفت در بیشتر مواقع برای تبیین و تقویت گفتمان خود آنها را به کار می‌برد. ملاحظه می‌شود که روزنامه *کیهان*، چهار گفتمان اصلی را بازتولید کرده که در زمان‌های مختلف بازتولید شده‌اند. البته باید توجه داشت که گفتمان *پیشران بودن امر اقتصاد* در روزنامه *ایران* نیز بازتولید شده است و گفتمان جمعیت به مثابه امنیت ملی، گفتمان مسلط نبوده است.

**سوم) گفتمان حاکم در بین صاحب‌نظران:** در بازه زمانی مورد تحلیل شاهد دو گفتمان متفاوت از سوی صاحب‌نظران جمعیت‌شناس و ذی‌نفع هستیم که براساس تصویری که از وضعیت جمعیتی ایران ارائه می‌دهند، طبیعی و بحرانی نامیده می‌شوند. درحالی که متخصصان جمعیت‌شناسی بر

گفتمان طبیعی تأکید دارند، ذی‌نفعانی که در عرصه جمعیتی اظهار نظر می‌کنند، گفتمان بحرانی را تولید و اشاعه می‌کنند. در ادامه ویژگی‌های هر یک از این گفتمان‌ها شرح داده می‌شود:

**الف) ویژگی‌های گفتمان بحرانی:** گفتمان بحرانی وضعیت جمعیت را خطر، تهدید، نگران‌کننده، انقراض یا انقطاع نسل می‌داند و بر جنبه استراتژیک جمعیت تأکید می‌کند. در این گفتمان افزایش جمعیت ابزاری برای به خطر انداختن آمریکا دانسته شده، صیانت و اعتلای جامعه از طریق بقای نسل و وظیفه مسئول ارشد نامیده می‌شود. این گفتمان، تأخیر در اجرای سیاست‌ها را نهي می‌کند، سالخورده‌گی را تهدید آینده ایران برمی‌شمارد و آینده مطلوب ایران را در وضعیت انفجار جمعیتی توصیف می‌کند. از منظر این گفتمان، تنظیم خانواده، برنامه دولت‌های بزرگ و سازمان‌های بین‌المللی است و به دلیل سلطه‌طلبی آنها در ایران اجرا شده است. زمان مورد توجه این گفتمان، تنها آینده و وضعیت بد جمعیت ایران در آینده است و افزایش باروری را به‌عنوان چاره معرفی می‌کند.

**ب) ویژگی‌های گفتمان طبیعی:** وضعیت جمعیت را طبیعی، مناسب، مطلوب، خوب و فرصت - پنجره جمعیتی و فرصت طلایی ارزیابی می‌کند. موضوعات جمعیتی را تخصصی و نیازمند پژوهش می‌داند و شناخت مسئله را نقطه آغازین یا عزیمت برای هر اقدامی از جمله برنامه‌ریزی و سیاستگذاری تلقی می‌کند. از این‌رو، شتابزدگی و کپی‌برداری از برنامه‌های جمعیتی را نهي می‌کند. نگرانی درباره سالخورده‌گی جمعیت در آینده را درست نمی‌داند و برنامه‌ریزی برای جوانان کنونی را عامل رفع نگرانی برای سالمندان آینده می‌داند. همچنین بر تعداد بیشتر جوانان نسبت به سالمندان در آینده توجه دارد. توجه به وضعیت حال را ضروری می‌داند و بی‌توجهی به نیازهای جوانان به‌ویژه بیکاری را تهدیدی برای جامعه برمی‌شمارد. از منظر این گفتمان، برنامه‌های تنظیم خانواده موفقیت و افتخار جمهوری اسلامی ایران و عامل سلامت و بهداشت مادر و کودک است. راهکار افزایش جمعیت ایران را تغییر اندک در نرخ باروری، سیاست‌های جمعیتی خاص هر استان، کاهش سن ازدواج، مدیریت مهاجرت، کنترل مسائل زیست‌محیطی، توانمندسازی جوانان و افزایش کیفیت جمعیت می‌داند.

## ۲-۴. تحلیل نظم گفتمانی و بیناگفتمانگی در متون جمعیتی

ابهام، فقدان گزارش علمی روشن و مشخص، اقدام‌های شتابزده، مشابهت برنامه‌ها با برنامه‌های سایر کشورها بدون توجه به شرایط اجتماعی- فرهنگی خاص ایران و اوضاع اقتصادی حاکم بر جامعه، زمینه‌های نقد گفتمان بحرانی و طرح گفتمان طبیعی را از سوی جمعیت‌شناسان فراهم کرده‌اند. نتیجه گفتمان طبیعی، توجه به اصول علمی حاکم بر مسائل جمعیت‌شناسی، تلاش برای شناخت و تدوین دقیق مسئله، ممانعت از اقدام‌های عجولانه، توجه چندبعدی به جمعیت و توجه همه‌جانبه به سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری است. اما هر یک از گفتمان‌های اصلی برای تقویت و تثبیت خود از متون گفتمانی دیگری استفاده یا مفصل‌بندی کرده‌اند (جدول ۲).

جدول ۲. رابطه گفتمانی گفتمان‌های جمعیتی در ایران

حوزه مطالعه	گفتمان‌های اصلی	بین گفتمانگی جهانی	بین گفتمانگی ملی	بین گفتمانگی متخصصان
متخصصان	طبیعی	توسعه، سازمان جهانی بهداشت	واقع‌گرایی اسلامی، اصلاح‌طلب	----
ذی‌نفعان	بحرانی	طبیعت‌گرایی باخرده گفتمان ملت به‌مثابه قدرت	آرمان‌گرایی اسلامی، اصول‌گرا	---
روزنامه ایران	سالخوردگی	طبیعت‌گرایی باخرده گفتمان ملت به‌مثابه قدرت	عمل‌گرایی و واقع‌گرایی اسلامی	بحرانی
	پیشران بودن امر اقتصاد	توسعه	واقع‌گرایی اسلامی، اصلاح‌طلب	توسعه
روزنامه کیهان	پیشران بودن امر اقتصاد	طبیعت‌گرایی باخرده گفتمان ملت به‌مثابه قدرت	عمل‌گرایی اسلامی	بحرانی
	اقتدار ملی	طبیعت‌گرایی باخرده گفتمان ملت به‌مثابه قدرت	عمل‌گرایی اسلامی	بحرانی
	نفوذ		اصول‌گرا	بحرانی
	امت اسلامی		آرمان‌گرایی اسلامی، اصول‌گرا	بحرانی

## ۵. مرحله تبیین

در مرحله تبیین، شالوده اجتماعی و نظریات اجتماعی شناسایی می‌شوند که در شکل‌گیری گفتمان‌ها نقش دارند. به عبارت دیگر، هدف از مرحله تبیین، توصیف گفتمان به عنوان بخشی از یک فرایند اجتماعی است (همان). در مرحله تبیین باید نشان داده شود که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌بخشد و گفتمان‌ها چه تأثیرات بازتولیدی می‌توانند بر ساختارها از نظر حفظ یا تغییر آنها بگذارند. ساختارهای اجتماعی شکل‌دهنده گفتمان، همان مناسبات قدرت هستند و در این مرحله نشان می‌دهیم که رابطه گفتمان‌ها با قدرت چگونه است. برای این منظور باید تأثیرات اجتماعی گفتمان و عوامل اجتماعی تعیین‌کننده گفتمان در سطوح اجتماعی و نهادی مطالعه و تحلیل شوند. در این مقاله هفت گفتمان اصلی در سه بافت یا موقعیت نخبگان، ذی‌نفعان و رسانه‌ها معرفی شدند و نشان داده شد که گفتمان‌های رسانه‌ای متأثر از گفتمان نخبگان علمی و گروه‌های ذی‌نفع جامعه هستند (جدول ۲). از این رو، در مرحله تبیین بر دو گفتمان بحرانی و طبیعی تمرکز می‌کنیم. برای این منظور گفتمان‌ها را در چارچوب این پرسش تحلیل می‌کنیم که این گفتمان‌ها به کدام فرایندهای نهادی و اجتماعی تعلق دارند؟

### ۵-۱. فرایندهای نهادی دو گفتمان بحرانی و طبیعی

محور موضوعی متون یعنی وضعیت جمعیت و نحوه روبه‌رو شدن با آن در قالب دو گفتمان بحرانی و طبیعی بیان شده‌اند. اما همین متون محل تقاطع نهادهای مختلفی هستند که هر کدام در این ماجرا نقش دارند. فرایندهای نهادی مهمی که هر دو گفتمان به آنها تعلق دارند، نهاد علم است. هر دو گروه برای توجیه علمی نظرها و راهبردهای خود از آمار و مستندات استفاده می‌کنند تا بتوانند بر جریان سیاستگذاری اثر گذارند؛ یعنی بتوانند تصمیمات حکومتی را در راستای تفکر خود جهت‌دهی کنند، اما موضع دو گروه نسبت به رابطه علم و سیاستگذاری متفاوت است. به طوری که یک گروه علم را نسبت به سیاست پیشینی و گروه دیگر، آن را پسینی تلقی می‌کنند.

برای گفتمان طبیعی این پرسش وجود دارد که گفتمان بحرانی، مبتنی بر چه مستندات



و کدام مطالعات علمی وضعیت جمعیت را نامطلوب می‌داند و موضوع «مسئله‌سازی»<sup>۱</sup> را طرح می‌کند. بدین معنا که در مقایسه با کمیت جمعیت، جامعه با مسائل مهم‌تری مشغول است و به نظر می‌رسد که اقتصاد مسئله اساسی ایران معاصر است، اما چرا کاهش جمعیت به‌عنوان مسئله برساخته و برجسته می‌شود. در واقع، از نظر گفتمان طبیعی، گروهی از افراد برای توجیه علمی راهبردهای جمعیتی خود، مباحثی را طرح کرده‌اند که دقت و اعتبار لازم را ندارند. درحالی‌که گفتمان طبیعی در نهادهای پژوهشی و دانشگاه‌های درجه اول کشور به تولید دانش پرداخته و مبتنی بر پژوهش و مدارک علمی و با شناخت دقیق مفاهیم جمعیت‌شناسی استدلال می‌کند از این رو وضعیت جمعیت را نیز طبیعی می‌داند. برای گفتمان طبیعی، هنگامی وضعیت جمعیت بحرانی می‌شود که سیاستگذار به پنجره جمعیتی کنونی بی‌توجه باشد و جامعه در ۳۰ یا ۴۰ سال آینده با سالمندانی ناتوان مواجه شود، درحالی‌که توانمند کردن جوانان امروزی می‌تواند مشکل افزایش تعداد سالمندان را در آینده برطرف سازد.

گفتمان طبیعی با تأکید بر لزوم توجه به ابعاد مختلف سیاست‌های جمعیتی، مسئله جمعیت را «کیفیت» آن می‌داند و بدین ترتیب بر بین‌رشته‌ای بودن و پیچیدگی مسئله توجه دارد درحالی‌که گفتمان بحرانی پیش و پس از سال ۱۳۸۹ با تأکید بر کمیت جمعیت و دلایل اهمیت آن، تنها بر موضوع لزوم افزایش تعداد یا «کمیت» جمعیت اصرار دارد. لازم به توجه است که آنچه گفتمان طبیعی، کیفیت جمعیت می‌نامد تنها در لفظ به گفتمان اصلاح نژادی شباهت دارد ولی در واقع در ذیل کلان گفتمان توسعه طرح می‌شود.

برای نمونه، گفتمان بحرانی بیش از هر چیز بر باروری پایین‌تر از حد جانشینی تأکید کرده و باروری کل در ایران را در سطح خیلی پایین، یعنی حدود ۱/۵ فرزند (Erfani, 2014) یا ۱/۳ (مشفق، محمودی و مطیع حق‌شناس، ۱۳۹۱) پیش‌بینی می‌کند و انقراض تدریجی نسل را نتیجه می‌گیرد (محمودی، ۱۳۹۲). حال آنکه گفتمان طبیعی با استفاده از داده‌های سرشماری ۱۳۹۰ نشان می‌دهد هر چند میزان باروری به پایین‌تر از سطح جانشینی رسیده و در سال‌های

اخیر روند کاهشی باروری کند شده ولی میزان باروری از سال ۱۳۸۱ به بعد در سطح ۲/۲ (Hosseini-Chavoshi and et al., 2013) و در دهه اخیر حدود ۱/۸ فرزند، ثابت مانده است (عباسی شوازی و حسینی چاووشی، الف ۱۳۹۱).

روبه‌رو شدن کشور با بحران سالخوردگی در سال‌های آینده نیز یکی دیگر از نکات مورد تأکید گفتمان بحرانی است (مشفق، محمودی و مطیع‌حق‌شناس، ۱۳۹۱). اما گفتمان طبیعی، این موضوع را تأیید نمی‌کند. در مطالعات صادقی (۱۳۹۱) و عباسی شوازی و صادقی (۲۰۱۳) نشان می‌دهند که در حال حاضر بیش از ۷۰ درصد جمعیت در سنین فعالیت (۱۵ الی ۶۴ سال) قرار دارند و وضعیت جمعیتی کشور را به «پنجره جمعیتی» و «فرصت طلایی» توصیف می‌کنند. این گفتمان با تردید در پیش‌بینی‌های درازمدت، انتظار دارد که تا سال‌های ۱۴۳۰ درصد افراد سالخورده به رقمی بین ۱۵ تا ۲۰ درصد برسد (عباسی شوازی و حسینی چاووشی، ب ۱۳۹۱). نکته دیگری که در گفتمان‌سازی‌ها مشاهده می‌شود، «دیگری‌سازی» است. زمانی که گفتمان بحرانی در رسانه‌ها باز تولید می‌شود، همبستگی خود و مردمی خاص را نشان می‌دهد. مردم خاص، شیعیان ولایت‌مدار و متدین هستند. گفتمان مذکور، این کار را با برقراری رابطه میان گفتمان بحرانی و رشد اقتصادی، رفاه، امنیت، دشمن‌ستیزی، توطئه و شکل‌گیری امت اسلامی انجام می‌دهد. متون بازتولیدکننده گفتمان بحرانی با برقراری رابطه با توصیف‌هایی چون در سراسیمگی بودن جمعیت، شیب تند جمعیت، ایست جمعیتی، بحرانی سالمندی و پیر شدن جمعیت تلاش می‌کنند تا شروطی برای پذیرش مخاطب به‌عنوان «مردم» قایل شوند. به‌عبارت‌دیگر، این متون به مخاطب می‌گویند اگر می‌خواهد اثبات کند که در زمره مردمی خاص است باید برای پیشگیری از افتادن در ورطه سالمندی برای فرزندآوری بیشتر اقدام کند. از این نظر می‌توان گفت که نقش رسانه در برقراری این روابط به لحاظ ایدئولوژیک تعیین‌کننده است.

ازسوی‌دیگر، گفتمان طبیعی از جنبه توسعه در رسانه باز تولید می‌شود ولی نمی‌تواند تبدیل به گفتمان غالب رسانه‌ای شود. با وجود این، تعلق در اجرای سیاست‌های جمعیتی و اجرایی نشدن برخی از برنامه‌ها و طرح‌های مجلس، ضمن اذعان به بار اقتصادی آنها، متأثر از این گفتمان به‌نظر می‌رسند. این گفتمان با مفاهیم توسعه، حقوق بشر و رویکرد

تأییدی به اقدام‌های جمعیتی سابق (برنامه تنظیم خانواده)، با رفاه و نیازهای واقعی جوانان ارتباط برقرار کرده و در واقع در برقراری این روابط، «استدلال» تعیین‌کننده بوده است. اثرگذاری استدلالی گفتمان طبیعی را می‌توان ناشی از مفصل‌بندی یا ترکیب گفتمان‌های علمی جمعیت‌شناسی با دو گفتمان واقع‌گرایی اسلامی و اصلاح‌طلب دانست. به‌ویژه آنکه این گفتمان بر مواجهه همه جوامع با مسئله جمعیت و انحصاری نبودن آن به ایران تأکید می‌ورزد. به‌این‌ترتیب خود را در گفتمان علمی جمعیت‌شناسی قرار می‌دهند که دلالت بر جهان‌شمولی علم دارد ولی نشان می‌دهند که به جنبه خاص بودن جمعیت از نظر فرهنگی و اجتماعی در ایران نیز وقوف دارند.

این متون با ارتباط میان استراتژی‌هایی چون لزوم ادامه برنامه تنظیم خانواده برای حفظ سلامت و بهداشت مادر و کودک، آزادی انتخاب مردم برای تعداد فرزندان، بیکاری و فقر موجب تحکیم گفتمان طبیعی می‌شوند. در واقع متخصصان در رخدادهای ارتباطی (مناظره، مصاحبه و یادداشت) به هویت اجتماعی مردم و مشکلات واقعی آنها توجه کرده، به تاریخی که جمعیت از سر گذرانده احترام گذاشته و توانسته‌اند برای گفتمان طبیعی شالوده اجتماعی بنا کنند.

## ۲-۵. فرایندهای اجتماعی دو گفتمان نخبگان و ذی‌نفعان

دو گفتمان بحرانی و طبیعی، یعنی رقابت و منازعه میان دو گروه از صاحب‌نظران، بخشی از فرایند اجتماعی است. به‌نظر می‌رسد مناسبات علم در جامعه امروز، بر نظارت و حکومت در حال اثرگذاری است. به‌عبارت‌دیگر، رویکرد فن‌سالارانه و مردم‌سالارانه در حال رقابت با یکدیگرند. رویکرد فن‌سالارانه بر این باور است که تصمیم‌ها باید براساس بهترین علوم اتخاذ شوند. این رویکرد در مواجهه با مسائل پیچیده مانند جمعیت، سراسرترین راهی را انتخاب می‌کند که به‌نظر می‌رسد، ولی رویکرد مردم‌سالارانه، بر آثار رویدادها و تصمیم‌گیری‌ها بر مردم و نظرهای آنها نسبت به مسئله توجه دارد. رویکرد اول، مردم را به پذیرش بهترین راه علمی شناخته‌شده ملزم می‌داند ولی رویکرد دوم برای مردم حق اظهارنظر و پرسش قایل است. در نتیجه، رابطه علم با عموم از حالت سلطه‌گرایانه و مقتدرانه به‌سمت رابطه تعاملی تغییر

جهت می‌دهد. اهمیت این موضوع در برهه زمانی مورد تحلیل به دلیل مشکلات اقتصادی، تحولات فرهنگی و تغییرات نسلی در ایران است که رویکرد مردم نسبت به فرزندآوری را متأثر می‌کنند. این وضعیت نشان می‌دهد که تحولات جمعیتی ایران در مشکلات ساختاری و وضعیت روانی-احساسی مردم ریشه دارد. مردم نگران وضعیت معیشت، اشتغال و سلامت خود و نزدیکانشان هستند. موارد مذکور همراه با تحولات فرهنگی شدید که رفتارهایی مانند طلاق و نگرش نسبت به آن را دگرگون می‌سازند، این افراد را نسبت به فرزندآوری و مسئولیت خود در قبال فرزند به اندیشه و بازاندیشی وامی‌دارند.

هریک از این رویکردها تلاش می‌کنند تا گفتمان متعلق به خود را از طریق رسانه‌ها انتشار دهند و به این ترتیب ضمن تولید محتوای رسانه‌ای از واژه‌ها و روابط ارتباطی و دستوری خاصی میان کلمات و جملات استفاده می‌کنند که آنها را به گفتمان از قبل موجودی نزدیک می‌سازد. با توجه به نظام‌های فکری علم و سیاست که در آنها مطالعه و زندگی می‌کنند، محتوایی تولید می‌کنند و کلمات و مفاهیمی را مورد استفاده قرار می‌دهند که آنها را به تفکر علمی و سیاسی ویژه‌ای نزدیک می‌سازد؛ مثلاً بارزترین ویژگی رویکردی که گفتمان بحرانی را تولید و ترویج می‌کند، پرداختن به تعداد و کمیت جمعیت است و توجیه معنایی یا مضمون آشکاری که بدان می‌پردازد، ملت به مثابه قدرت است: «کاهش رشد جمعیت و نرخ باروری وارد فاز بحران شد» (سایت جوان آنلاین، ۱۳۹۲/۲/۷)؛ «پنجره فرصت جمعیتی برای ما مصیبت جمعیتی است» (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۲/۱۱/۸)؛ «میزان باروری از ۵/۶ فرزند به‌ازای هر زن در سال ۱۳۶۷ به حدود ۱/۷ در سال ۱۳۹۰ رسیده است» (سایت نشان آنلاین، ۱۳۹۴/۱۰/۲۵)؛ «با وجود اجرای سیاست‌های جمعیتی: کاهش رشد جمعیت در سال ۱۳۹۴» (رادپو زمانه، ۱۳۹۵/۲/۲۵).

این موضوع در ادبیات علمی جمعیت با همین نام خوانده شده و با کلان گفتمان طبیعت‌گرایی پیوند دارد. این کلان گفتمان به نقش‌های طبیعی زن و مرد در ساختار دادن به نظم اجتماعی اولویت قایل است و روزنامه کیهان نیز از چنین وضعیتی حمایت می‌کند: «دوره کاهشی جمعیت را پیش رو داریم» (۱۳۹۳/۴/۲۵)؛ «شیب تند سالمندی در کشور» (۱۳۹۳/۵/۱۴)؛ «شمار جمعیت سالمند کشور ۲۵ درصد افزایش می‌یابد» (۱۳۹۴/۸/۲)؛ «افزایش ۲۵ درصدی جمعیت سالمندان در ۳۰ سال آینده» (۱۳۹۴/۸/۱۷)؛ «تضعیف حق مادری و حذف جمعیت

به نام توسعه؟!» (۱۳۹۴/۱۱/۱۲)؛ «کاهش شاخص نرخ باروری، جمعیت کشور را تهدید می‌کند» (۱۳۹۴/۱۲/۱۸)؛ «خزعلی: بدترین و سریع‌ترین کاهش جمعیت جهان در ایران رخ داد» (۱۳۹۵/۲/۱۴).

ازسوی دیگر، گفتمان طبیعی به حقوق و آزادی‌های مردم، کیفیت جمعیت و نیازهای آن توجه دارد که در ادبیات علمی با نام گفتمان‌های توسعه و حقوق بشر شناخته می‌شوند. این گفتمان بر کیفیت جمعیت و در نتیجه ایجاد جمعیتی با نیازهای برآورده شده و ویژگی‌های توسعه‌ای مانند تحصیل کرده، مرفه و در سلامت جسمی و روانی تأکید دارد: «دولتی که نمی‌تواند پاسخ مناسبی به بیکاری بدهد حق ندارد توصیه به توسعه جمعیت کند» (سایت فردا، ۱۳۸۹/۲/۸)؛ «لازمه توسعه کشور جابه‌جایی و مهاجرت است» (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۹/۲/۱۸)؛ «جمعیت سالی نیم درصد هم رشد کند، کافی است» (سایت خبرآنلاین، ۱۳۹۱/۵/۳۱)؛ «موج پیری در راه نیست، مردم را نگران نکنید» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۹۳/۱۱/۱)؛ «تأثیرات منفی سیاست‌های جمعیتی بر سلامت زنان/ برای افزایش جمعیت سالم باید برنامه‌ریزی کرد» (سایت روزان، ۱۳۹۳/۱۱/۱۶).

زمانی که این رویکردها به رسانه می‌رسند، رویکرد علمی با رویکرد سیاسی و مدیریتی رسانه نیز روبه‌رو شده و تولیدکننده محتوای رسانه تمام یا بخشی از هر گفتمان را گزینش و برجسته می‌سازد. همان‌طور که در بخش توصیف دیده شد رویکرد سیاسی غالب در روزنامه کیهان مطابق گفتمان‌های عمل‌گرایی اسلامی، آرمان‌گرایی اسلامی و اصول‌گرایی است. نکته مهم اینکه در گفتمان‌های سیاسی ایران نیز گفتمان عمل‌گرایی اسلامی، ملت به‌مثابه قدرت دیده می‌شود. اما روزنامه کیهان، دو گفتمان مستقل نسبت به گفتمان علمی نیز منتشر می‌کند که امت اسلامی و نفوذ هستند. البته گفتمان امت اسلامی که بازتولید گفتمان اصول‌گرا و آرمان‌گرایی اسلامی است، گفتمان مستقل روزنامه کیهان است که می‌توان آن را صرفاً سیاسی دانست.

در روزنامه ایران نیز ملت به‌مثابه قدرت بازنمایی و به‌صراحت بیان می‌شود، اما صفات و نام‌گذاری‌ها و روابط بین کلمات، این مضمون را هم به عمل‌گرایی و هم به واقع‌گرایی اسلامی نزدیک می‌کنند. در واقع، گفتمان مسلط ایران درباره جمعیت، سال‌خوردگی است:

«جمعیت با وضع قانون افزایش نمی‌یابد» (۱۳۹۲/۱۱/۴)؛ «هشدار رهبری درباره خطرات پیری جمعیت» (۱۳۹۲/۸/۱۱)؛ «ریشه‌یابی دلیل سالمند شدن جمعیت ایران» (۱۳۹۳/۳/۱۲) که معناپردازی‌های متنوعی هم برای آن دارد. طی این معنابخشی‌هایی که در روزنامه انجام می‌شود، هم اهمیت فرزندآوری برای حفظ و بقای کشور جمهوری اسلامی ایران را تکرار می‌کند و هم به برآوردن نیازهای سالمندان تأکید دارد. همچنین روزنامه *ایران* به‌ویژه در قالب مصاحبه و زمانی که به تولید محتوا درباره سیاست‌های جمعیتی می‌پردازد از گفتمان توسعه نیز استفاده می‌کند که بخشی از گفتمان طبیعی است.

ملاحظه می‌شود که گفتمان بحرانی امکان بازتولید بیشتری را در دو رسانه رسمی مورد مطالعه دارد که می‌تواند متأثر از قدرت گفتمان‌های اسلامی، شرایط سیاسی جامعه و ساختار مطبوعات کشور باشد. با وجود این، اختلاف نظر در خصوص وضعیت جمعیتی ایران را می‌توان یکی از جنبه‌های بارز تحولات جمعیتی ایران به‌شمار آورد که موجب منطقی شدن رویه عملیاتی شدن سیاست‌های جمعیتی در کشور شده است.

## ۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این مقاله با مرور اجمالی بر گفتمان‌های جمعیت‌شناسی و گفتمان‌های حاکم در عرصه سیاسی و سیاستگذاری ایران، به تحلیل انتقادی متون جمعیتی منتشره در دو روزنامه اصلی کشور یعنی *کیهان* و *ایران* پرداخته و نشان داد که این دو روزنامه، گفتمان‌های متنوعی را درباره تحولات جمعیتی ایران تولید و بازتولید کرده‌اند و تنوع گفتمانی آنها، اثرپذیری چندانی از گفتمان متخصصان جمعیت‌شناسی یعنی طبیعی نداشته است و برعکس، گفتمان بحرانی را در ابعاد مختلف آن بازتولید می‌کنند. این در حالی است که توجه به داده‌های حوزه علم جمعیت‌شناسی، احتمال فهم درست واقعیت را افزایش می‌دهد.

درواقع، دانش علمی از راه تغییر، تعدیل، اصلاح زبان و فهم سیاستگذاران بر تصمیم‌های سیاسی اثر می‌گذارد (Nutley, Walter and Davies, 2003). رسانه‌ها، به‌ویژه رسانه‌های جریان اصلی مثل *کیهان* و *ایران*، نقش مهمی در انتقال دانش علمی دارند و نحوه گفتمان‌سازی آنها بر درک سیاستگذار از ماهیت و وضعیت موضوع جمعیت در ایران

اثرگذار است. رسانه‌ها می‌توانند با تغییر گفتمان‌های رایج و برجسته کردن نتایج و یافته‌های علمی، درک شفاف‌تر و دقیق‌تری از ماهیت و وضعیت مسئله جمعیت در ایران ارائه دهند. در عین حال، بازتاب نتایج پژوهشی در رسانه‌ها نیاز به توانمندی آنها در زمینه تشخیص و تمیز پژوهش‌های علمی از سایر پژوهش‌ها نیز دارد؛ زیرا همچنان که جعفری و همکاران (۲۰۱۶) با تمرکز بر سیاست‌های جمعیتی نشان داده‌اند، پس از اینکه پژوهشگران درباره کاهش نرخ (رشد) جمعیت هشدار دادند، رسانه‌ها کاهش جمعیت را بازنمایی کردند اما پژوهش حاضر نشان می‌دهد که رسانه‌های جریان اصلی چگونه به بازنمایی مسئله جمعیت پرداخته‌اند و نتایج کدام پژوهش‌ها و مطالعه‌ها را بازتولید کرده‌اند. با توجه به اینکه سیاست‌گذاران هم می‌خواهند به موضوعات مورد توجه عموم پردازند، این احتمال وجود دارد که نه تنها موضوعات بلکه نحوه پوشش رسانه‌ای آن موضوعات در تصمیم‌گیری‌های سیاسی اثرگذارند. براساس نتایج این پژوهش، ضرورت دارد که رسانه‌ها، خط‌مشی همه‌جانبه‌تر و ترجیحاً علمی در خصوص پوشش موضوعاتی برگزینند که جنبه علمی-سیاسی دارند.

## منابع و مآخذ

۱. پناهی، محمدحسین (۱۳۷۹). «بررسی زمینه‌ها و اهداف انقلاب اسلامی ایران براساس شعارهای انقلاب»، مجله علوم اجتماعی، دوره ۷، ش ۱۱ و ۱۲.
۲. تجدد، حسین (۱۳۸۷). «پیامدهای منفی رشد بی‌رویه جمعیت و شهرنشینی در ایران»، حافظ، ش ۵۸.
۳. حکیمی، سویل و سکینه محمد علیزاده (۱۳۸۸). «حقوق باروری در نظام سلامت ایران: دستاوردها و چالش‌ها»، فصلنامه حقوق پزشکی، دوره ۳، ش ۱۱.
۴. خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۲/۱۱/۸). «پنجره فرصت جمعیتی برای ما مصیبت جمعیتی است» قابل دسترسی در: <https://www.isna.ir/news/92110805752>
۵. خبرگزاری فارس (۱۳۸۹/۲/۱۸). «لازمه توسعه کشور جابه‌جایی و مهاجرت است»، قابل دسترسی در: <https://www.farsnews.com/news/8902181651%20%20%20>
۶. رادیو زمانه (۱۳۹۵/۲/۲۵). «با وجود اجرای سیاست‌های جمعیتی: کاهش رشد جمعیت در سال ۱۳۹۴»، قابل دسترسی در: <https://www.radiozamaneh.com/277540>
۷. روزنامه اطلاعات (۱۳۹۳/۱۱/۱). «موج پیری در راه نیست، مردم را نگران نکنید»، قابل دسترسی در: <https://www.ettelaat.com>
۸. روزنامه ایران (۱۳۹۲/۸/۱۱). «جمعیت پیر چگونه جوان می‌شود؟»، ش ۵۵۰۰.
۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳/۴/۱۵). «روش‌های اصولی و اعتدالی برای افزایش جمعیت»، ش ۵۶۸۷.
۱۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱/۱۱/۲۱). «تک‌فرزندی، جمعیت کشور را تا سال ۱۴۱۵ در مرز ۸۵ میلیون نفر متوقف می‌کند»، ش ۵۲۹۵.
۱۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲/۷/۳). «پدیده سالمندی جمعیت و افزایش هزینه‌های بازنشستگی»، ش ۵۴۷۰.
۱۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲/۸/۱۱). «هشدار رهبری درباره خطرات پیری جمعیت»، قابل دسترسی در: <https://www.farsnews.com/news/13920809000265>
۱۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳/۳/۱۲). «ریشه‌یابی دلیل سالمند شدن جمعیت ایران»، ش ۵۶۶۰.
۱۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲/۱۱/۴). «جمعیت با وضع قانون افزایش نمی‌یابد»، قابل دسترسی در: <http://www.magiran.com/ppdf/nppdf/2825/p0282555430021.pdf>
۱۵. روزنامه شرق (۱۳۸۹/۱۰/۲۳). «پیامد کنترل شدید جمعیت، سالخوردگی است»، ش ۱۱۶۰.



۱۶. روزنامه کیهان (۱۳۹۳/۵/۱۴). «شیب تند سالمندی در کشور»، ش ۲۰۸۳۷.
۱۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴/۱۲/۱۸). «کاهش شاخص نرخ باروری، جمعیت کشور را تهدید می‌کند»، ش ۲۱۳۰۰.
۱۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳/۴/۲۰). «اصرار بر سیاست‌های تحدید نسل»، ش ۲۰۸۲۰.
۱۹. سایت جوان آنلاین (۱۳۹۲/۲/۷). «کاهش رشد جمعیت و نرخ باروری وارد فاز بحران شد»، قابل دسترسی در:  
<http://www.javanonline.ir/fa/news/522978>
۲۰. سایت خبرآنلاین (۱۳۹۱/۵/۳۱). «جمعیت سالی نیم درصد هم رشد کند، کافی است»، قابل دسترسی در:  
<https://www.khabaronline.ir/news/237194/>
۲۱. سایت روزنامه آرمان امروز (۱۳۹۵/۱/۲۶). «ایران ۳۱ میلیونی در راه نیست»، قابل دسترسی در:  
<https://www.hamsoli.com/newspaper/950126>
۲۲. سایت هادانا (۱۳۹۵/۲/۱۴). «نرخ رشد جمعیت به سمت منفی شدن می‌رود»، قابل دسترسی در:  
[www.hadana.ir](http://www.hadana.ir)
۲۳. سایت روزان (۱۳۹۳/۱۱/۱۶). «تأثیرات منفی سیاست‌های جمعیتی بر سلامت زنان/ برای افزایش جمعیت سالم باید برنامه‌ریزی کرد»، قابل دسترسی در: <http://roozannews.ir/fa>
۲۴. سایت فردا (۱۳۸۹/۲/۸). «دولتی که نمی‌تواند پاسخ مناسبی به بیکاری بدهد حق ندارد توصیه به توسعه جمعیت کند»، قابل دسترسی در: <https://www.fardanews.com>
۲۵. سایت نشان آنلاین (۱۳۹۴/۱۰/۲۵). «میزان باروری از ۵/۶ فرزند به ازای هر زن در سال ۱۳۶۷ به حدود ۱/۷ در سال ۱۳۹۰ رسیده است»، قابل دسترسی در: <http://www.ghatareh.com/news/src>
۲۶. سایت کیهان (۱۳۹۴/۱۱/۱۲). «تضعیف حق مادری و حذف جمعیت به نام توسعه؟!»، قابل دسترسی در:  
<http://kayhan.ir/fa/news/67295>
۲۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵/۲/۱۴). «خزعلی: بدترین و سریع‌ترین کاهش جمعیت جهان در ایران رخ داد»، قابل دسترسی در: <http://kayhan.ir/fa/news/74056>
۲۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴/۸/۱۷). «افزایش ۲۵ درصدی جمعیت سالمندان در ۳۰ سال آینده»، قابل دسترسی در:  
<http://kayhan.ir/fa/news/60169>
۲۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴/۸/۲). «شمار جمعیت سالمند کشور ۲۵ درصد افزایش می‌یابد»، قابل دسترسی در:  
<http://kayhan.ir/fa/news/58779>

۳۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳/۴/۲۵). «دوره کاهشی جمعیت را پیش رو داریم»، قابل دسترسی در:  
<http://kayhan.ir/fa/news/18782/>
۳۱. سرمدی، حمید و علی‌رضا ازغندی (۱۳۹۵). «جنگ تحمیلی و تأثیر آن بر تغییر گفتمان سیاست خارجی ایران (از آرمان‌گرایی دهه اول به عمل‌گرایی منفعت‌محور دهه دوم انقلاب اسلامی)»، پژوهش‌های ملی، دوره ۱، ش ۱۰.
۳۲. شایگان، فریبا (۱۳۸۱). «بررسی اهداف، آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران از دیدگاه امام خمینی (ره)». مجله علوم اجتماعی، ش ۲۰.
۳۳. صادقی، رسول (۱۳۹۱). «تغییرات ساختار سنی و ظهور پدیده پنجره جمعیتی در ایران: پیامدهای اقتصادی و الزامات سیاستی»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال چهارم، ش ۵۵.
۳۴. عباسی شوازی، محمدجلال و سعید خانی (۱۳۹۵). «ناامنی اقتصادی و باروری: مطالعه موردی زنان دارای همسر شهرستان سنندج»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۴، ش ۸.
۳۵. عباسی شوازی، محمدجلال و میمنت حسینی چاووشی (الف ۱۳۹۱). تحولات باروری در ایران در چهار دهه اخیر: کاربرد و ارزیابی روش فرزندان خود در برآورد باروری با استفاده از داده‌های سرشماری ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، تهران، پژوهشکده مرکز آمار ایران.
۳۶. \_\_\_\_\_ (ب ۱۳۹۱). «تحولات و سیاست‌های اخیر جمعیتی در ایران: ضرورت تدوین سند جامع جمعیت»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال هفتم، ش ۱۳.
۳۷. فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته پیران، شعبان‌علی بهرام‌پور، رضا ذوقدرا مقدم، رامین کریمیان، پیروز ایزدی، محمود نیستانی و محمدجواد غلامرضا کاشی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۳۸. کریمی قهی، محمدتقی (۱۳۹۱). «تحلیل گفتمان سه برنامه توسعه با رویکردی به مسائل زنان و خانواده»، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره ۴، ش ۱۳.
۳۹. محمودی، محمدجواد (۱۳۹۲). «تحولات جمعیتی، چالش‌های پیش‌رو و لزوم تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی ایران»، فصلنامه برداشت دوم، ش ۱۲-۱۱.
۴۰. مشفق، محمود، محمدجواد محمودی و نادر مطیع حق‌شناس (۱۳۹۱). «چشم‌انداز تحولات جمعیتی ایران: لزوم تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال چهارم، ش ۵۵.

۴۱. نوذری، حمزه، غلامرضا جمشیدیها، اسماعیل غلاممیور و یوسف ایرانی (۱۳۹۲). «سودمندی گفتمان انتقادی فرکلاف در تحلیل متون انضمامی: با نگاهی به متون تولیدشده رسانه‌ای با محوریت بحرانی اقتصادی و اجتماعی اخیر اروپا و آمریکا»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۲، ش ۱.
42. Abbasi-Shavazi, Mohammad Jalal and Peter McDonald (2006). "Fertility Decline in The Islamic Republic of Iran; 1972-2000 ", *Asian Population Studies*, 2 (3).
43. Abbasi –Shavazi, Mohammad Jalal and Rasoul Sadeghi (2013). "Demographic and Socio-economic Status of Youth in I.R.Iran", Report. UNFPA, University of Tehran, and Statistical Research and Training Center. Retrieved from: <http://iran.unfpa.org/Four-Reports-English/Youth%20in%20I.R.%20Iran.pdf>.
44. Bernstein, Stan (2005). "The Changing Discourse on Population and Development: Toward a new Political Demography", *Studies in Family Planning*, 36 (2).
45. Erfani, Amir (2014). "Low Fertility Intention in Tehran, Iran: The role of Attitudes Norms, and Perceived Behavioral Control", Paper Presented to the 2014 Annual Meeting of the Population Association of America, Boston, MA. May 1-3.
46. Hodgson, Dennis (1991). "The Ideological Origins of the Population Association of America", *Population and Development Review*, 17 (1).
47. Hosseini-Chavoshi, Meimanat, Peter McDonald, Mohammad Jalal Abbasi-Shavazi and Arash Rashidian (2013). "Tempo and Quantum of Fertility in Iran: An Application of the Synthetic Parity Progression Ratio Method", Paper Presented at the 17th International Population Conference of the IUSSP, Busan, Korea 26-30 August.
48. Jafari, Hasan, Abolghasem Pourreza, AbouAli Vedadhir and Ebrahim Jaafari-pooyan (2016). "Application of the Multiple Streams Model in Analyzing the new Population Policies Agenda-setting in Iran", *Quality and Quantity-International Journal of Methodology*, 51 (1).

49. Jorgensen, Marianne W. and Louise J. Phillips (2002). *Discourse Analysis as Theory and Method*, Sage Publication, London, Thousands Oaks, New Delhi.
50. Lutz, Wolfgang, Jesus Crespus Cuaresma and Mohammad Jalal Abbasi-Shavazi (2009). "Demography, Education and Democracy: Global Trends and the Case of Iran", International Institute for Applied Systems Analysis. Interim Report.
51. Mahmoodi, Karim, Ahmad Mohammadpur and Mehdi Rezaei (2015). "A Discourse Analysis of Population Policies in the Context of Politics in Iran", *Quality and Quantity*, No.49.
52. Mbisamakoro, Khelia (2014). "Between Continuity and Change: A Critical Discourse Analysis of the Cairo International Conference on Population and Development's Program of Action", Lund University, Department of Political Science, Supervisor: Christian Fernandes.
53. Messerschmidt, Reinhard (2014). "Garbled Demography or Demographization of the Social? A Foucaultian Discourse Analysis of German Demographic Change at the Beginning of the 21 st Century". *Historical Social Research*, 39 (1).
54. Nutley, Sandra, Isabel Walter and Huw Davies (2003). "From Knowing to Doing. a Framework for Understanding the Evidence into Practice Agenda", *Evaluation*, 9 (2).

# تأملی بر حاکمیت قوانین کیفری در زمان با تأکید بر احکام اجتهادی

محمدرضا عبدیان،\* غلامحسین الهام\*\* و سیدسلیمان مرتضوی\*\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۸	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۱۰
-------------------------	------------------------

یکی از اصول حقوق کیفری، عطف به ماسبق نشدن قوانین ماهوی است. این اصل نیز یکی از اصول پذیرفته شده قانونگذار مجازات اسلامی ایران است. ولی مواردی از آن استثنا شده که یکی از آنها، قوانین شرعی است که همواره عطف به ماسبق می‌شوند.

اما غیر از قوانین مسلم شرعی، بسیاری از احکام کیفری ماهوی مبتنی بر فتاوی فقها وجود دارند که دلایل اجتهادی داشته و بدون توافق و غالباً اختلافی است. در این موارد، رویکرد قانونگذار اتخاذ یکی از فتاوی است که جزء احکام ظاهری شرعی محسوب می‌شوند. گاه این فتاوی به سبب آسیب‌شناسی و مقتضیات زمانی در مراحل اصلاح قانون تغییر می‌یابند. در این تحقیق با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با کمک جمع‌آوری اطلاعات از طریق اسنادی و کتابخانه‌ای، رویکرد قانونگذار مجازات اسلامی و فقهای امامیه در مستثنا کردن قوانین کیفری مبتنی بر فتاوی فقهی اجتهادی از اصل عطف به ماسبق نشدن واکاوی می‌شود. در نهایت عطف به ماسبق نشدن قوانین شرعی مبتنی بر اجتهاد در صورتی که به حال متهم مساعد نباشد در فقه امامیه مورد تأمل قرار گرفت و این نتیجه به دست آمد که این قسم از قوانین عطف به ماسبق نمی‌شوند.

**کلیدواژه‌ها: عطف به ماسبق؛ قبح عقاب بلا بیان؛ حاکمیت قانون در زمان؛ احکام اجتهادی**

---

\* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)؛

Email: mrabdian@isu.ac.ir

Email: dr.elham@ut.ac.ir

\*\* دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه تهران؛

\*\*\* فارغ‌التحصیل دکتری فقه و مبانی حقوق، دانشکده الهیات، دانشگاه ارومیه؛

Email: salman.mortazavi@gmail.com

## مقدمه

قوانین هر جامعه‌ای ممکن است در بازه‌های زمانی مختلف، بنابه مصالحی دستخوش تغییر شوند که درباره این تحولات، اصولی در حقوق مورد مطالعه است؛ از جمله آنها موضوع حاکمیت قوانین در زمان است. مفاد این اصل آن است که در مواردی که قوانین دچار تغییر و تبدیل شده‌اند، قانون جدید به موارد سابق و قبل از وضع قانون جدید، سرایت داده نشود. این اصل در نظام حقوقی ایران به طور عام و نیز در مقررات کیفری، به طور خاص مورد پذیرش قرار گرفته است؛ ماده (۴) قانون مدنی به طور کلی اثر قانون را نسبت به آینده می‌داند و نیز اصل (۱۶۹) قانون اساسی در مورد جرم و مجازات بر همین اصل اشاره دارد: «هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود». قانونگذار جمهوری اسلامی ایران در اولین قانون عمومی کیفری موسوم به «قانون راجع به مجازات اسلامی» همانند قانون مجازات عمومی قبل از انقلاب، در ماده (۶) به طور مطلق قاعده منع عطف به ماسبق کردن مقررات جزایی را مورد پذیرش و تأکید قرار داد. لذا این ماده، بیانگر آن است که قوانین شرعی مثل حدود و قصاص و سایر مقررات عرفی و حکومتی مشمول این قاعده می‌شوند. قبول این نظر، مستلزم آن است که اعتبار قوانین شرعی، قبل از تصویب متزلزل شده یا حداقل قابلیت اجرای آن زایل شود. بدیهی است در این صورت پذیرش این نظر، از جهت مبانی فقهی محل مناقشه جدی قرار گیرد. متعاقب تصویب این قانون در دیوان عالی کشور در خصوص شمول ماده (۶) نسبت به قوانین شرعی مثل حدود و قصاص اختلاف نظر ایجاد شد و موضوع از فقهای شورای نگهبان استفسار شد. شورا در پاسخ تأکید کرد که در موقع تصویب این ماده تلقی آنان این بود که ماده (۶) منصرف از قوانین شرعی است. بنابراین توصیه کرد که اگر این تفسیر را می‌پذیرند بدان عمل کنند و در غیر این صورت از طریق مجلس شورای اسلامی به طور رسمی تفسیر این ماده را مطالبه کنند. سرانجام دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه به شماره ۴۵ مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۲۵ اعلام کرد که ماده (۶) از قوانین شرعی حدود و قصاص که از صدر اسلام تشریح شده‌اند، انصراف دارد (الهام، ۱۳۹۰: ۲).

این رویه در سال ۱۳۷۰ با تصویب قانون مجازات اسلامی و جایگزینی آن نسبت به

قانون «راجع به مجازات اسلامی» ۱۳۶۱ مورد توجه قانونگذار قرار گرفته و در ماده (۱۱) این قانون دامنه عطف به ماسبق شدن در محدوده مقررات کیفری ناظر به امور حکومتی که مصداق آن مجازات‌های بازدارنده بودند، مقید شد.

همین مبنا در سال ۱۳۹۲ مورد پذیرش واقع شده و در ماده (۱۰) قانون مزبور به این صورت تکرار شد: «در مقررات و نظامات دولتی مجازات و اقدام تأمینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده است... لکن چنانچه پس از وقوع جرم، قانونی مبنی بر تخفیف یا عدم اجرای مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی یا از جهاتی مساعدتر به حال مرتکب وضع شود نسبت به جرائم سابق بر وضع آن قانون تا صدور حکم قطعی، مؤثر است...». بر این اساس قوانین شرعی مثل حدود، قصاص، دیات و تعزیرات منصوص شرعی بنابر ماده (۱۰) قانون مجازات اسلامی از قاعده ماده مذکور استثنا شده و عطف به ماسبق می‌شوند.

قوانین شرعی را می‌توان از جهتی به دو صورت تحلیل کرد؛ قسمی از این جرائم که کیفیات و مجازات آنها با نص متقن و فتاوی فقهای امامیه مسلم بوده و اگر اجماعی نباشند، مورد اتفاق اکثر فقهاست؛ مثل اینکه مجازات قتل عمد، قصاص است یا کیفر زنا، محصن یا محصنه رجم است. اما برخی از این جرائم شرعی نیز هستند که مجازات و کیفیات آنها مورد اتفاق نیست و به علت اختلاف نصوص یا علل دیگر اختلاف وجود دارد. قسم دوم، احکام ظاهری هستند.

درباره قسم دوم که احکام ظاهری بوده و با روش اجتهادی از امارات شرعی استنباط می‌شوند و در این مقاله از آنها با عنوان قوانین شرعی مبتنی بر اجتهاد نام برده می‌شود، این سؤال مطرح است که آیا قوانین مبتنی بر اجتهاد، در صورت تغییر و اصلاح قانون مشمول استثنای ماده (۱۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌شود؛ چراکه کیفیات و مجازات جرائم شرعی قسم اول بین علما اتفاقی است و در موارد اندک در تحولات قانون محل تغییر و تبدیل واقع می‌شوند، ولی جرائم قسم دوم را مقنن به علت اختلافی بودن متناسب با مقتضیات و مصالح زمان و آسیب‌شناسی آنها مورد بازبینی قرار می‌دهد. از این رو است که عطف به ماسبق شدن یا نشدن این احکام مطرح می‌شود و به علت مشکلات اجرایی ناشی از این تغییرات نیاز به پژوهش دارد.

به طور مثال کسی که مطابق قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ متهم به محاربه و افساد فی الارض بوده است چنانچه پرونده وی تا زمان تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ منتهی به محکومیت نشود، در صورت عطف به ماسبق نشدن قانون جدید، این فرد با توجه به مواد (۱۹۰ و ۱۹۱) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ به یکی از مجازات‌های چهارگانه تخیری محکوم می‌شود. ولی در صورتی که قانون جدید عطف به ماسبق شود، این فرد محکوم به اعدام می‌شود. چراکه قانونگذار در ماده (۲۸۶) این قانون مجازات افساد فی الارض را متعین به اعدام کرده است.

بنابر کثرت تغییر و تبدیل‌ها در قانون مجازات اسلامی، در این مقاله اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین در این قسم از قوانین، مورد مطالعه و تأمل فقهی حقوقی قرار گرفته است. در پی پاسخ به مسئله تبیین شده در بالا، بعد از بیان مفهوم‌شناسی، به ترتیب تأملات حقوقی و فقهی عطف به ماسبق نشدن قوانین شرعی مبتنی بر اجتهاد و موضوعاتی در این خصوص مطرح می‌شود و در نهایت به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود.

## ۱. مفهوم‌شناسی

ابتدا در زیر به اختصار به تعریف سه اصطلاح فتوا، اجتهاد و اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین ماهوی کیفی اشاره و سپس به مسئله پژوهش پرداخته می‌شود.

### ۱-۱. مفهوم فتوا

شهید اول فتوا را صرف خبر دادن از حکم خداوند در یک قضیه می‌داند (شهید اول، ۱۴۰۰:ق: ۳۲۰). شیخ نجفی، می‌نویسد: فتوا اخبار از حکم شرعی الهی است که به یک کلی تعلق گرفته است؛ مثلاً فتوا به نجاست ملاقی خمر، ولی قول به نجاست یک ظرف به دلیل ملاقات با خمر فتوا نیست زیرا متعلق این حکم، جزئی است (نجفی، ۱۴۰۴:ق: ۱۰۰). آیت‌الله خویی نیز، فتوا را بیان احکام کلی بدون نظر به تطبیق آنها بر موارد جزئی می‌داند (خویی، بی تا، ۴۱:ج: ۵). بنابراین، فتوا اخبار از حکم شرعی الهی متعلق به یک کلی است و اگر فقیه در موردی خاص، اظهار نظر کند فتوا نیست.



## ۲-۱. مفهوم اجتهاد

آخوند خراسانی اجتهاد را به کارگیری نیرو و توان برای به دست آوردن دلیل و حجت بر احکام شرعی می‌داند (آخوند خراسانی، بی تا: ۴۶۳). ابوالقاسم خویی اجتهاد را چنین تعریف می‌کند: ملکه‌ای که در پرتو آن، قدرت بر استنباط حکم شرعی پیدا می‌شود یا کوشش برای به دست آوردن ظنّ بر حکم شرعی (در فرض عدم دسترسی به علم) (خویی، بی تا، ج: ۸). حیدری نیز تعریف اجتهاد را چنین آورده است: اجتهاد شناخت احکام شرعی از ادله آنهاست (حیدری، بی تا: ۳۱۵). بنابراین اجتهاد در میان فقهای شیعه قدرت استنباط احکام شرعی از منابع و ادله معتبر آنهاست.

## ۳-۱. اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین

منظور از عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری در حقوق جزا این است که قاضی نمی‌تواند حکم قانون لاحق را به مصادیق سابق تسری دهد و افعالی که پیش از تصویب این قانون جرم نبوده است به استناد آن مجازات کند (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۲۲۹).

قاعده عطف به ماسبق نشدن قوانین جزایی که در حقوق عرفی با عبارت «قوانین جزایی عطف به ماسبق نمی‌شوند» مطرح است، از اصول مسلم و ثابتی هستند که ضامن حفظ حقوق و آزادی‌های فردی است (فیض، ۱۳۶۹: ۶۹).

دکتر کاتوزیان در خصوص این اصل می‌نویسد: بنابر مکتب اصالت فرد، نتیجه منطقی وابسته بودن اعتبار قانون به آگاهی اشخاص، ممنوع بودن حکومت آن بر گذشته است. به همین جهت قاعده «عدم تأثیر قوانین نسبت به گذشته» یکی از اصول اساسی حکومت و ضامن حفظ آزادی‌های فردی در برابر تجاوز قانون است (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ۹).

## ۲. تأملات حقوقی عطف به ماسبق نشدن قوانین شرعی مبتنی بر اجتهاد

اصل قانونی بودن جرم و مجازات به عنوان یکی از اصول کلی نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران، بیانگر این معناست که هیچ جرم و کیفری بدون قانون وجود ندارد. به بیان دیگر فقط قانونگذار، صالح است در حدود مقرر در قانون اساسی به تشریح جرم و تعیین مجازات

پیردازد. در نظام قانونی ایران، اصول (۳۲، ۳۶، ۳۷، ۱۶۷ و ۱۶۹) از قانون اساسی و ماده (۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به صراحت این اصل را به رسمیت شناخته‌اند (شمس ناتری و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۰).

این اصل دو نتیجه منطقی در پی دارد، نخست تفسیر مضیق و محدود قوانین جزایی و دیگری عدم عطف به ماسبق شدن قوانین جزایی که هر دو از اصول مسلم حقوق جزاست. به تعبیر دیگر مفهوم این اصل این است که قاضی حق ندارد قانون جدید را در مورد اعمال سابق اجرا کند و اعمالی که قبل از این قانون جرم نبوده است براساس قانون جدید قابل تعقیب نیست. به عبارت دیگر، باید نسبت به هر عمل مجرمانه قانونی را اجرا کرد که در موقع وقوع عمل، حاکم است (آقایی جنت‌مکان، ۱۳۹۲: ۱۴۱).

مبنای عقلانی اصل قانونی بودن جرم، قبح عقاب بلا بیان است که مورد تأیید شارع نیز قرار دارد. عطف به ماسبق کردن قوانین جزایی در حقیقت به نقض همین قاعده منجر می‌شود. بنابراین به ظاهر قبح شرعی آن نیز باید مورد تأیید باشد.

بنابراین ماده (۱۰) قانون مجازات اسلامی که ناظر به قاعده عطف به ماسبق نشدن قوانین ماهیتی کیفری است مقرر می‌دارد: «در مقررات و نظامات دولتی مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده است و مرتکب هیچ رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل را نمی‌توان به موجب قانون مؤخر به مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم کرد...».

با توجه به مفهوم این ماده اجرای مقررات آن در قلمرو قوانین یا همان احکام شرع، یعنی حدود، قصاص و دیات کاربرد ندارد و این قوانین برخلاف صدر این ماده عطف به ماسبق می‌شوند. علاوه بر این در این زمینه رأی وحدت رویه‌ای از هیئت عمومی دیوان عالی کشور در سال ۱۳۶۵ صادر شده است - که همچنان به اعتبار خود باقی است - مقرر می‌دارد که مقررات ماده (۱۰) قانون مجازات اسلامی بر احکام الهی که از صدر اسلام تاکنون جاری بوده است اعمال نمی‌شود. تأکید رأی وحدت رویه بر این نکته که «از صدر اسلام تشریح شده‌اند...» در واقع بیانگر تعلیل رأی است. به عبارت دیگر چون این احکام از قبل تشریح شده و معتبرند کیفر براساس آنها مشمول قبح عقاب بلا بیان نیست. چراکه این قوانین مسبوق به

بیان شرعی هستند و در واقع عطف به ماسبق شدن آنها موضوعیت ندارد؛ زیرا سبق قوانین به زمان نزول وحی و تشریح برمی گردد.

بنابراین توضیحات و ماده (۱۰) و رأی مذکور قوانین شرعی عطف به ماسبق می شوند و در صورت تغییر و تبدیل آنها، قانون جدید به مصادیق و جرائم سابق سرایت می کند و مجازات جرائم سابق مطابق با قانون جدید تعیین و اجرا می شود.

اما با تأمل در اصول اساسی حقوق جزا می توان گفت که هر چند عطف به ماسبق شدن قوانین شرعی اجماعی و مبتنی بر نص شرعی را می توان پذیرفت؛ زیرا اولاً، این نوع احکام بسیار اندک مورد بازبینی قرار می گیرند و ثانیاً، بازبینی آنها به تغییر کیفیات اساسی و مجازات آنها نیست بلکه تنها در بازبینی قوانین، قیود غیر اساسی و شکل بیان قانون است.

با این وجود، در خصوص قوانین شرعی که کیفیات آنها در فقه امامیه به علت اختلاف ادله و نصوص یا دلیل های دیگر مورد اختلاف است و به تبع آنها فتوای واحدی وجود ندارد، قانونگذار به فراخور مصالح داخلی و خارجی نظام جمهوری اسلامی ممکن است در بازه های مختلف زمانی، از فتوای مختلف استفاده کند که می توان عطف به ماسبق شدن این قوانین شرعی را مورد تردید قرار داد.

بنابراین در صورت عطف به ماسبق شدن قوانین شرعی اجتهادی، اصل تساوی افراد در برابر قانون نقض خواهد شد. چراکه مطابق این اصل، بر افراد جامعه در یک زمان معین، قانون به نحو تساوی و یکسان اجرا می شود والا مستلزم تبعیض و اجرای قوانین کیفری و مجازات های متفاوت خواهد بود.

در جهت تقویت مدعای فوق باید اذعان داشت که اصل (۱۶۹) مقرر می دارد: «هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی شود». بنابراین هر فعل یا ترک فعلی به موجب قانونی مجازات می شود که در زمان ارتکاب، آن عمل را جرم دانسته و قانون لازم الاجرا بوده است.

همچنین در راستای عدم امکان عطف به ماسبق شدن قوانین شرعی اجتهادی بند اول ماده (۱۵) میثاق بین المللی حقوق مدنی سیاسی بیان می دارد که: «هیچ کس را نباید به واسطه انجام عملی و یا ترک آن که بنابر قوانین ملی و یا بین المللی جرم نبوده است، در آن واحد محکوم

نمود. همچنین نباید هیچ مجازات شدیدی را از آنچه در زمان ارتکاب جرم قابل اجرا بوده است، تعیین نمود. اگر پس از ارتکاب جرم مقررات قانونی دیگری وضع شود که مجازات ملایم‌تری را دربرداشته باشد، مجرم باید از آن مقررات استفاده نماید.»

بنابر آنچه گذشت، عطف به ماسبق شدن قوانین شرعی اختلافی و مبتنی بر اجتهاد که مساعد به حال متهم نیستند و ممکن است در زمان‌های مختلف بنابر مصالح داخلی و خارجی مورد بازبینی قرار گیرند با اصول حقوق جزا سازگار نیست و مطابق با این اصول، عطف به ماسبق نشدن این قسم از قوانین شرعی، مرجح است.

ممکن است گفته شود که در این استدلال‌ها، اصول حقوق جزا، مسلم و حاکم بر قوانین شرعی پنداشته شده و قوانین شرعی ملزم به پیروی از آنها شده‌اند. در پاسخ باید گفت که در استدلال‌های فوق اولاً، قوانین شرعی منصوص و مسلم شرعی، حاکم بر اصول جزایی از جمله عطف به ماسبق نشدن قوانین دانسته شده است. ثانیاً، عطف به ماسبق شدن احکام شرعی اختلافی و مبتنی بر اجتهاد در صورت مساعد بودن به حال متهم، پذیرفته شده است و ثالثاً، تنها در صورتی که عطف به ماسبق شدن این احکام مساعد به حال متهم نباشند مورد سنجش با اصول حقوقی واقع می‌شوند و آن به این دلیل است که وقتی این احکام شرعی در چارچوب قانون مصوب قرار گرفته می‌شوند و گاهی مورد تغییر و تبدیل واقع می‌شوند، باید با اصول پذیرفته شده در قانون اساسی و قوانین عادی دیگر سازگار باشد و در صورت عدم سازگاری اجرای آنها به مشکل برمی‌خورد. بنابراین رابطه اصول پذیرفته شده حقوقی و قوانین شرعی مبتنی بر اجتهاد رابطه حکومت نیست که یکی بر دیگری حاکم و دیگری محکوم باشد؛ بلکه وقتی احکام شرعی در قالب قانون درمی‌آیند باید برای پرهیز از مشکلات اجرایی با اصول قانون اساسی و قوانین عادی و اصول حقوقی، سازگار و هماهنگ باشد.

### ۳. تأملات فقهی عطف به ماسبق نشدن قوانین شرعی مبتنی بر اجتهاد

در این بخش عطف به ماسبق نشدن قوانین شرعی مبتنی بر اجتهاد را در محک چند قاعده مسلم مورد پذیرش شرع مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌دهیم:

### ۱-۳. قاعده قبح عقاب بلا بیان

از ادله‌ای که می‌تواند به تبیین عطف به ماسبق نشدن قوانین شرعی مبتنی بر اجتهاد کمک کند، قاعده قبح عقاب بلا بیان است که در زیر به اختصار مفاد آن بیان می‌شود و بر تقریر آن به عنوان دلیلی بر عطف به ماسبق نشدن قوانین شرعی مبتنی بر اجتهاد سعی می‌شود.

مفاد اجمالی این قاعده آن است که تا عملی را شرع نهی نکرده و آن نهی به مکلف ابلاغ نشده باشد، چنانچه شخصی مرتکب شود مجازات او عقلاً قبیح و زشت است و مادام که عملی توسط شرع واجب نشده و امر شارع به مکلف ابلاغ نشده، چنانچه شخصی ترک کند، مجازات او بر ترک فعل مزبور عقلاً قبیح و زشت است (محقق داماد، ۱۳۸۲ق، ۴ج: ۱۵).

فقهای امامیه این قاعده را عقلی می‌دانند و هر چند ادله روایی و قرآنی فراوان می‌توان بر آن اقامه کرد، اما دلیل آن را حکم عقل می‌دانند. آیت‌الله خویی در این باره می‌نویسد: مجازات کردن مکلف به خاطر مخالفت با تکلیفی که به وسیله بیان به وی نرسیده باشد از واضح‌ترین مصادیق ظلم است (خویی، ۱۴۲۲ق: ۲۷۶).

شیخ انصاری درباره دلیل این قاعده می‌نویسد: دلیل این قاعده حکم همه عقلا به قبیح و زشت بودن عقاب و مؤاخذه عبد توسط مولایش به خاطر انجام دادن فعلی است که مولا اعتراف می‌کند که حرمت و ممنوع بودن آن عمل را اصلاً به عبدش نگفته است و بدون بیان حرمتش وی را مؤاخذه می‌کند (انصاری، ۱۴۲۸ق: ۵۶).

علامه حلی نیز در مورد این قاعده بیان می‌دارد که متوجه ساختن تکلیف به کسی که آگاهی بر آن ندارد، خواستن امری خارج از توان و به اصطلاح تکلیف مالایطاق است و چنین تکلیفی قبیح است (علامه حلی، ۱۴۰۴ق: ۱۱۹). علامه وحید بهبهانی نیز به این قاعده در مقابل اخباری‌ها تمسک کرده است و آن را دلیل نفی احکامی دانسته است که برای وجوب یا تحریم آنها بیانی از طرف شارع به مکلف واصل نشده است (وحید بهبهانی، ۱۴۱۵ق: ۲۴۰).

شیخ طوسی نیز درباره این قاعده معتقد است که اعلام و گفتن وجوب و یا خوب بودن تکلیفی یا راهنمایی مکلف بر وجوب تکلیف شرط حسن بودن مکلف کردن فرد از سوی خداست؛ زیرا بیان و اعلام تکلیف به مکلف از جمله علت مکلف کردن فرد به وظیفه است (طوسی، ۱۳۷۵ق: ۶۲).

حائری یزدی نیز درباره این قاعده می‌نویسد: این قاعده، قاعده‌ای مسلم می‌باشد که هیچ تردیدی برای هیچ‌کس در آن نیست (حائری یزدی، ۱۴۱۸ق: ۴۲۷).

بنابراین قاعده مجازات بدون بیان و اعلام سابق از نظر عقل قبیح است و این حکمی مسلم در فقه امامیه است. پس چنانچه متهمی مرتکب جرمی شود و وی را به قانونی که به وی اعلام نشده مجازات کنند عقلاً قبیح است. در مورد بحث نیز، بنابر عطف به ماسبق شدن قوانین شرعی مبتنی بر اجتهاد، متهم مطابق با قانونی عقاب می‌شود که قبل از ارتکاب جرم از آنها اطلاعی نداشته است و چنین مجازاتی طبق قاعده بالا در فقه امامیه قبیح است. بنابراین عطف به ماسبق شدن قوانین شرعی مبتنی بر اجتهاد در صورتی که به حال متهم مساعد نباشد با قاعده قبح عقاب بلا بیان سازگاری و انطباق ندارد.

ممکن است اشکال گرفته شود که بیان در این قاعده بیان واصل است در صورتی که بیان حکم شرعی در تقنین، بیان جدید نیست بلکه بیان شکلی و رسمی حکم شارع است. بنابراین عقاب طبق آن عقاب بلا بیان نیست تا قبیح باشد.

البته باید دانست که گرچه تقنین احکام شرعی تقنین به معنای واقعی آن نیست و اظهار حکم شارع است اما در مواردی که دو حکم شرعی و بیشتر وجود داشته باشد، قانونگذار یکی را از زمانی اتخاذ کرده است، سرایت دادن حکم جدید بر موارد قبل نیز به علت بی‌اطلاعی مکلفان به اختلافات فتوایی، عقابی بدون بیان واصل است و در صورتی که مساعد به حال متهم نباشد قبیح است.

در صورتی که افراد جامعه مکلف به اطلاع از موارد اختلاف فتاوی شرعی و اقوال مختلف فقها باشند تقنین احکام شرعی بیان جدید نیست و عقاب طبق آن عقاب بلا بیان نیست ولی این امر ناممکن و موجب عسرو حرج است و عسرو حرج در دین نفی شده است. خلاصه اینکه بیان واصل به جامعه، بیان قبلی بوده و اکنون بیان تغییر پیدا کرده است، لذا بیان قوانین مبتنی بر دلایل اجتهادی را باید در زمان وقوع جرم ملاک قرار داد. به علاوه در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، اصل بر اجرای قوانین یا در واقع فتوایی است که در شکل و بیان قانونی و حقوقی اعلام می‌شوند و با وجود این قوانین، استناد و ارجاع به فتاوی نفی شده است. به طوری که تبصره ماده (۳) قانون آیین دادرسی مدنی بیان می‌دارد: «چنانچه قاضی

مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند پرونده به شعبه دیگری جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد» نیز مبین و مؤید آن است.

### ۲-۳. مجزی بودن مجازات سابق به عنوان امر ثانوی

از دیگر مباحث فقه امامیه که می‌تواند به عنوان مبنا برای اثبات این پژوهش تلقی شود، مسئله اجزاء است. در زیر به تعریف و اقسام آن اشاره و سپس به تطبیق آن بر مسئله مقاله پرداخته می‌شود. در مواردی مکلف به دلیل عذری از قبیل عسر، حرج، اضطرار و... نمی‌تواند تکلیف واقعی را انجام دهد؛ مثلاً به دلیل نبود آب، تیمم می‌کند؛ اصولیان این فعل دومی یعنی تیمم را حکم اضطراری گویند. اما در برخی موارد علت عدم امتثال تکلیف واقعی جهل به آن است و مکلف به دلیل جهلش، کار دیگری را به عنوان تکلیف انجام می‌دهد که به این تکلیف دوم حکم ظاهری می‌گویند. حال در صورتی که مکلف، امر ثانوی اضطراری یا ظاهری را امتثال کرد و سپس عذر یا جهل وی از بین رفت و به امتثال تکلیف واقعی قادر شد، این سؤال مطرح می‌شود که آیا امتثال امر ثانوی کافی است یا اینکه مجزی نیست و باید امر واقعی را به صورت قضا یا ادا انجام دهد. این مسئله در اصول فقه به مسئله اجزاء شهرت دارد (محقق داماد، ۱۳۸۲ق، ۴ج: ۱۹۲).

فقه‌های امامیه مسئله اجزاء را در چهار مورد بحث می‌کنند؛ در مورد اول بحث از اجزاء امتثال امر اضطراری از امر واقعی است؛ در قسم دیگری بحث از اجزاء امر ظاهری مستفاد از اماره یا اصل از امر واقعی در صورت کشف خلاف یقینی است و مقام بعدی بحث از اجزاء امر ظاهری مستفاد از اماره در مواقع کشف خلاف آن به صورت ظن است و در مقام چهارم اجزاء امر ظاهری مستفاد از اصل در صورت کشف خلاف ظنی است (مظفر، ۱۳۸۷: ۲۵۱). در مورد این مسئله درباره حکم قسم اول فقه‌های امامیه متفق القول هستند. ولی در اقسام دیگر با هم اختلاف نظر دارند. البته درباره اقسام دیگر نیز آیت‌الله بروجردی می‌نویسد: ظاهر تسالم و اتفاق فقیهان تا زمان شیخ اعظم بر اجزاء در این مسئله می‌باشد و اختلاف نظر از زمان ایشان پدید آمد (بروجردی، ۱۴۱۵ق: ۱۲۵).

فقه‌های معاصر امامیه در قسم دوم که در آن مکلف یقین پیدا می‌کند تکلیف ظاهری‌ای که

انجام داده خلاف واقع بوده و تکلیف واقعی چیز دیگری بوده قایل به عدم اجزاء و وجوب امتثال امر واقعی هستند. همچنین در دو قسم آخر نیز به علت اینکه اجزاء امر ثانوی مبنی بر مسلک سببیت است چنین مسلکی نزد آنها باطل و قایل به عدم اجزاء است<sup>۱</sup> (صدر، ۱۴۲۱ ق: ۴۱۴). البته این دیدگاه همه فقهای امامیه نیست و همان طور که بیان شد در این سه قسم اختلاف نظرهایی وجود دارد. اما درباره قسم اول، یعنی اجزاء امر اضطراری از تکلیف واقعی، مرحوم مظفر معتقد است که فقهای امامیه اجماعاً قایل به مجزی و مکفی بودن امر ثانوی هستند و نیاز به اعاده امر واقعی را منتفی می‌دانند (مظفر، ۱۳۸۷: ۲۵۳).

آیت‌الله بروجردی نیز معتقد است که تکلیف اضطراری مجزی از امر واقعی است و بعد از اضطرار، ادا یا قضایی لازم نیست (بروجردی، ۱۴۱۵ ق: ۱۳۰).

مکارم شیرازی اظهار داشته است که لسان ادله اضطراری مطلق و مثبت امر اضطراری برای فرد مضطر و اثبات کننده تکلیف واقعی برای فرد بدون عذر است و به همین دلیل فقهای امامیه قایل به اجزاء امر اضطراری می‌باشند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ ق: ۳۳۰).

اما از ادله فقهای امامیه در اجزاء امر اضطراری از امر واقعی می‌توان به این موارد اشاره کرد که احکام اضطراری برای تخفیف و توسعه بر مکلف وارد شده‌اند و اگر فرد، بعد از امتثال امر اضطراری دوباره مکلف به اعاده امر واقعی شود، این امر با تخفیف، تسهیل و تیسیر مکلف منافات دارد (مظفر، ۱۳۸۷: ۲۵۴). همچنین ادله تکالیف اضطراری مطلق‌اند؛ یعنی ظاهر آنها به اقتضای اطلاقشان این است که واجب منحصر در تکلیف اضطراری است و تکلیفی دیگر وجود ندارد و اگر ادا یا قضای دیگری واجب باشد باید بیان می‌شد و بیان نشد پس اعاده لازم نیست (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۷: ۴۲).

۱. سببیت اشعری، مقابل سببیت معتزلی بوده و به این معناست که قیام اماره سبب ایجاد مصلحت در مؤدای اماره می‌شود، و چون همه مصلحت در قیام اماره وجود دارد و طبق آن، حکم واقعی جعل می‌شود، پس احکام واقعی، تابع آرای مجتهدان است. به بیان دیگر، اشاعره می‌گویند: خداوند در لوح محفوظ هیچ حکمی ندارد و جعل حکم از سوی خداوند، تابع فتاوا و آرای مجتهدان است؛ یعنی قیام اماره سبب حدوث مصلحت در جعل طبق مؤدای آن می‌شود و به همین دلیل، اگر روزی رأی و فتوای مجتهد عوض شود، حکم الله حکم واقعی هم تغییر می‌یابد، چون علت تامه و تمام موضوع برای جعل حکم، فتوای مجتهد است؛ بنابراین، اگر رأی او تغییر کند، موضوع هم تغییر یافته و با تبدیل موضوع، حکم نیز ضرورتاً تغییر می‌یابد.



به علاوه اینکه بر فرض که وجوب ادا یا قضا با اطلاق ادله و... نفی نشد، در مواردی که در وجوب ادا یا قضای واجبی شک کنیم شک ما در اصل تکلیف است و در این مورد برائت جاری است (همان: ۴۳).

اما درباره مسئله تحقیق، باید گفت که در موارد تغییر قانون وقتی مجازاتی تغییر می کند، مورد از موارد دوم، سوم و چهارم بحث اجزاء نیست؛ زیرا همان طور که بیان شد در این موارد تکلیفی ثابت بود و بعد علم یا ظن حاصل شد که تکلیف واقعی غیر از این تکلیف است و در واقع تکلیف عمل شده، تکلیف نبود. ولی در مسئله تقنین دو فتوا و دو تکلیف وجود دارد و قانونگذار بنا بر مصالحی، از زمانی فتوای برگزیده در قانون را ملغی و فتوای دیگری را جایگزین آن می کند که در این موارد علم یا ظن به خلاف واقع بودن فتوای اول محقق نیست، بلکه صرفاً تکلیفی جایگزین تکلیف دیگر می شود. بنابراین تصویب قوانین همانند تشریح امر ثانوی از جمله امر اضطراری در مسئله اجزاء است.

در تشریح امر ثانوی همانند حکم اضطراری، شارع تحت شرایطی امر اولی واقعی را ملغی و حکم ثانوی را جایگزین آن می کند و همان طور که گذشت عمل به حکم ثانوی در زمان وجود شرایط آن مجزی است و بعد از آن زمان نیاز به اعاده حکم اولی واقعی نیست؛ مثلاً در زمان عدم امکان تیمم به علت فقدان آب یا ضرر داشتن آب و... حکم وجوب وضو ملغی و حکم ثانوی تیمم جایگزین می شود و بعد از رفع شرایط اضطراری هم نیازی به اعاده مورد سابق با وضو نیست.

در موارد تغییر قانون نیز دو فتوا وجود دارد و قانون سابق به عنوان امر ثانوی و تحت شرایط مصلحت تصویب می شود و اعمال آن بر مواردش حجیت لازم را داراست و با تصویب قانون جدید، موارد سابق تحت قانون سابق باقی می ماند و نیازی به اعمال قانون جدید بر موارد سابق نیست.

بالا تر اینکه مجزی بودن قانون سابق بر موارد سابق نسبت به حجیت امر اضطراری اولویت دارد؛ زیرا در موارد تغییر قانون، رابطه قانون سابق و لاحق عرضی است و مترتب بر هم نیستند و رابطه طولی ندارند؛ بدین صورت که مجازات قدیم و مجازات جدید دو فتوا و حکم اولی است که قانونگذار اولی را در زمانی و دومی را در زمانی اتخاذ کرده

است و هر کدام در زمان اختیار قانونگذار مجزی است. ولی در امر ثانوی اضطراری، دو حکم اولی نیستند بلکه یکی اولی و یکی ثانوی است و در طول هم و مترتب برهم اند به طوری که در صورت وجود شرایط حکم اولی نوبت به حکم ثانوی اضطراری نمی‌رسد. بنابراین در صورتی که بعد از رفع اضطرار و با وجود شرایط حکم اولی اعاده حکم اولی لازم نباشد و حکم اضطراری مجزی است، به طریق اولی قانون سابق بر موارد سابق مجزی است و لازم به اعمال قانون جدید نیست.

بنابر آنچه گذشت می‌توان گفت اعمال قاعده عطف به ماسبق نشدن در موارد تغییر قانون، در صورتی که قانون جدید مساعد به حال متهم نباشد، متناسب با قاعده اجزاء امر اضطراری است و قانون سابق بر مواردش اعمال شود.

### ۳-۳. قاعده مصلحت

مصلحت دلیل دیگری است که ممکن است بر عطف به ماسبق نشدن قوانین شرعی مبتنی بر اجتهاد و فتوای معیار اقامه شود. در زیر به توضیح آن و تبیین مقدار دلالت آن بر این مسئله پرداخته می‌شود.

فقه‌های امامیه بحث مستقلی را به «مصلحت» اختصاص ندادند و حدود آن را مشخص نکردند. بنابراین ارائه تعریفی جامع و مانع از مصلحت مشکل است. باین حال سعی می‌شود در ادامه معنای مصلحت در لغت و اصطلاح روشن شود.

مصلحت در نزد لغت‌شناسان عرب به معنای بهبود بخشیدن، نقیض تباه کردن و در مقابل مفسده آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج: ۲؛ ۲۶۲؛ جوهری، ۱۴۱۰ق: ۱۳۶۸) و در فرهنگ‌های فارسی به معنای صواب، شایستگی، صلاح، آنچه صلاح و سود شخص یا گروهی در آن باشد معنا شده است (دهخدا، ۱۳۷۲؛ معین، ۱۳۸۸: ۴۱۷۸).

اما درباره معنای اصطلاحی مصلحت، صاحب جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام می‌نویسد: از روایات و سخن فقه‌های امامیه فهمیده می‌شود که تمام احکام مربوط به معاملات و غیر آن برای تأمین مصالح دنیوی و اخروی مردم، که عرفاً مصلحت و فایده نامیده می‌شوند تشریح شده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج: ۲۲؛ ۳۲۴).

در نگاه ابوالقاسم علیدوست، مصلحت را نمی‌توان با تعریفی جامع و مانع تفسیر کرد و هرچه سخن در تفسیر و تبیین آن متمرکز شود بدون اینکه به این کار نیازی باشد، بر ابهام آن می‌افزاید. بنابراین بهتر است با بیان برخی اصول آن، با هویت و تجسد مصلحت شرعی آشنا تر شد (علیدوست، ۱۳۸۸: ۶۸). ایشان در ادامه این اصول را چنین برمی‌شمرد: منبع و مستند مصلحت شرعی قرآن، سنت و عقل قطعی است؛ برخی مصالح شرعی قابل درک و برخی غیر قابل درک هستند؛ و اینکه دنیوی صرف و مادی محض نبودن مصلحت دو ویژگی آخر آن است (همان: ۹۳-۹۲).

باید توجه کرد که مصلحت و کارکرد آن بیشتر در زمان تشکیل و اداره حکومت تجلی پیدا می‌کند. بنابراین بجاست که متقدمان شیعه به آن نپرداختند. ولی امروزه با تشکیل جمهوری اسلامی پرداختن به آن ضرورت دارد و فقهای معاصر به تبیین حدود و ثغور آن همت گماشتند.

در اندیشه امام خمینی زمان و مکان، دو عنصر تعیین کننده در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیری هستند؛ مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده و به‌ظاهر، همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند و موضوع اول واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد (موسوی خمینی، ۱۳۶۱: ۹۸).

اما باید دانست که نقش زمان و مکان در تغییر احکام به‌هیچ‌وجه با ثبات احکام شرعی منافات ندارد و تنها باعث تحول در اجتهاد منطبق با زمان و مکان است نه تحول در احکام و نیز صرفاً حکم اولی با تغییر شرایط، موضوعش پایان یافته و حکم دیگری برای آن آغاز شده است (سبحانی، ۱۳۸۳: ۱۷۹) و آن را نباید به معنای تسلیم محض فقیه در برابر عرف زمانه دانست. به این معنا که هرچه را مردم حلال دانستند، او هم فتوا به حلالیت آن دهد. در واقع تنها هر تغییر و دگرگونی در حکم با تغییر و دگرگونی در موضوع صورت می‌پذیرد؛ زیرا حلال حضرت محمد (ص) تا روز قیامت حلال و حرام حضرت محمد (ص) تا روز قیامت حرام است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲: ۱۸۶).

در همین راستا عده‌ای از فقهای امامیه، مصادیق احتکار را که منحصر به کالاهایی است که در روایات آمده به‌دلیل مصلحت جامعه و حل مشکلات معیشتی و اقتصادی مردم

و با ملاک دانستن نیاز انسان‌ها و در تنگنا بودن آنان، حتی به غیر از طعام نیز توسعه می‌دهند و به‌عنوان حکم واقعی اولیه و نه ثانویه و نه از باب «اضطرار»، حکم آن را حرمت اعلام می‌کنند (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۸۵).

بنابر آنچه گذشت می‌توان گفت مصلحت در نظر فقهای معاصر شیعه، خیر و صلاح مسلمین در انطباق احکام شرع با تحولات زمان‌ها و مکان‌های مختلف است.

این نکته با تنها تعریف مصلحت در فقه امامیه که محقق حلی ارائه کرده نیز سازگار است. به عقیده ایشان مصلحت عبارت است از آنچه که با مقاصد انسان در امر دنیوی یا اخروی یا هر دو موافق بوده و نتیجه آن به‌دست آوردن منفعت یا دفع ضرر باشد (محقق حلی، ۱۴۰۶ق: ۲۲۱). بنابراین عمل و حرکتی مصلحت است که در رسیدن انسان به هدف نهایی خلقت و در تحقق اهداف انبیا مؤثر باشد (علیدوست، ۱۳۸۸: ۸۷).

بنابر آنچه گذشت مصلحت، قیدی است که حکم را در زمان وجودش تغییر و حکمی دیگر را جایگزین آن می‌کند.

مقنن در جمهوری اسلامی نیز گاهی اوقات متناسب با شرایط زمانی و مکانی و گستره تحولات بین‌المللی بر پایه مصلحت، قوانین را تغییر می‌دهد؛ در این تغییر، حکم سابق حکم شرعی است که در نگاه قانونگذار باید متناسب با شرایط مصلحت تغییر یابد و حکمی متناسب با مصلحت جدید جایگزین آن شود. در این مورد باید دانست که قانون سابق تا زمان تغییر و تصویب قانون جدید، مصالح واقعی لازم داشته است و این مصالح اقتضا می‌کند که در صورتی که قانون جدید در بردارنده ضمانت اجرایی شدیدتر در مورد جرم واحد نسبت به قانون سابق باشد، قانون سابق بر مصادیق خود تا زمان تصویب قانون جدید به دلیل رعایت حقوق متهم، اعمال شود.

ممکن است بر این استدلال ایراد گرفته شود که قاعده مصلحت اقتضا ندارد که عطف به‌ماسبق نشدن احکام اجتهادی را اثبات کند، چه آنکه ممکن است همان‌طور که در عطف به‌ماسبق نشدن احکام شرعی مصلحت باشد، در عطف به‌ماسبق شدن احکام شرعی نیز مصلحت باشد و هیچ‌یک از این دو احتمال، بر دیگری ترجیح ندارد.

اما با تأمل بیشتر در استدلال مطرح شده آشکار می‌شود که مستدل معتقد است که هر

دو حکم شرعی حجیت شرعی لازم را دارند و مصلحت در هر دو به طور قطع و نه احتمالی وجود دارد. همچنین دو حکم، مصلحت شرعی لازم را برای اعمال دارند لکن مصلحت زمانی، مکانی، بین المللی و... که تقنین حکم اول را اقتضا کرد همچنان اقتضا می کند که این حکم بر مصادیق سابق اعمال شود و مصلحت وضع حکم جدید نیز این اقتضا را دارد که این حکم بر مصادیقی که از زمان تصویب ارتکاب می یابند اعمال شود.

بنابراین مقتضای تغییر قوانین، بر پایه مصلحت است که قوانین شرعی مبتنی بر اجتهاد در صورت تغییر و تبدیل، در مواردی که مساعد به حال متهم نباشد، به مصادیق قوانین شرعی سابق عطف نشود و بر این مصادیق همان قوانین زمان ارتکاب اعمال شود.

#### ۴-۳. قاعده درأ

قاعده درأ از جمله قواعدی است که در فقه امامیه در مباحث جزایی کاربرد فراوان دارد؛ به نظر می رسد این قاعده می تواند یکی از ادله عطف به ماسبق نشدن جرائم مستوجب حد و تعزیر باشد. در زیر مفاد این قاعده روشن و مورد بحث، تطبیق می شود.

مفاد قاعده آن است که در مواردی که وقوع جرم یا انتساب آن به متهم یا مسئولیت و استحقاق مجازات وی، به جهتی دارای تردید و مشکوک باشد؛ به موجب این قاعده بایستی جرم و مجازات را منتفی دانست (محقق داماد، ۱۳۸۲ق، ۴:ج ۴۳).

مهم ترین دلیل قاعده درأ احادیثی است که در کتب روایی امامیه از معصومان نقل شده است: قال رسول الله (ص)؛ ادرءوا الحدود بالشبهات و... (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق: ۷۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۴۷؛ محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ۲۶).

در این حدیث و دیگر احادیث هم مضمون که ابن ادریس آن را بین فقهای امامیه اجماعی (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق: ۴۴۶) و سیدعلی طباطبایی آن را متواتر دانسته است (صانعی، بی تا: ۴۹۵)، شارع دستور می دهد که حدود را با شبهه از بین ببرید؛ بدین معنا که حدود را در زمان شبهه بر مرتکب اعمال نکنید.

درباره دلالت ادله این قاعده و مفاد آن باید گفت که بدون تردید شبهه موضوعیه مشمول این قاعده است؛ زیرا حتی در صورت نبود قاعده و روایت مربوط به آن، به مقتضای

اصول اولیه، تا موضوع احراز نشود حکم بر آن جاری نمی‌شود. از این رو فقها در مورد شمول قاعده بر شبهات موضوعیه بحثی ندارند و مخالفتی در این مسئله نیست، اما در شبهات حکمیه گروهی قایل به تفصیل شده‌اند، به این بیان که وقتی جهل قصوری باشد مشمول قاعده می‌شود و اگر جهل تقصیری و ناشی از کوتاهی متهم در تعلم احکام باشد قاعده جاری نمی‌شود. لکن باید گفت که یکی از ادات عموم، جمع محلائی به الف و لام است و بنابراین «الشبهات» افاده عموم می‌کند و شامل هر شبهه‌ای چه موضوعیه و چه حکمیه - اعم از جهل تقصیری و قصوری - می‌شود (بجنوردی، ۱۴۰۱ق: ۱۷۸). ولی با وجود عمومیت و اطلاق قاعده، می‌توان گفت که عذر جاهل مقصر، مسموع نیست و چنین جاهلی عقوبت می‌شود؛ زیرا دلایل دیگری چون روایات، عقل و اجماع وجود دارد که یادگیری احکام را واجب می‌داند (محقق داماد، ۱۳۸۲ق، ج: ۴، ۵۸).

اما درباره این دلالت سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا عروض شبهه نزد مجرم معتبر است یا نزد حاکم یا نزد هر دو؟

فقهای امامیه در این مورد معتقدند که در این مقام و موارد دیگر عمومات وارده که در مقام قانونگذاری تشریح می‌شود، همیشه به‌طور قضیه حقیقیه است. در قضایای حقیقیه نظر خاص به مخاطب یا صنف خاص نیست بلکه در مقام قانونگذاری و بیان قانون هیچگاه اشخاص و اصناف مورد نظر نیستند و حکم بر نفس طبیعت است و مقنن موضوع مقدرالوجود را در نظر می‌گیرد (بجنوردی، ۱۴۰۱ق: ۱۸۰ و ۷۳-۷۲).

اما درباره شمول این قاعده نسبت به تعزیرات باید گفت در کتب لغت، حد به معنای مرز، پایان، خاتمه، انتها و منتهی آمده است (جوهری، ۱۴۱۰ق: ۴۶۲؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق: ۳۰۵؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ۱۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۲۱).

مرحوم محمد تقی مجلسی (ره) معتقد است که «حدود» شامل حد، تعزیر و قصاص می‌شود؛ بجنوردی نیز این نظر را متین دانسته است (بجنوردی، ۱۴۰۱ق: ۱۸۵). برخی دیگر نیز در خصوص عمومیت لفظ حدود می‌نویسند: «ظاهر داخل شدن تعزیرات در حدود می‌باشد» (نراقی، ۱۴۱۷ق: ۵۵۵؛ رحمان ستایش، ۱۴۲۵ق: ۷۸).

محقق داماد در این باره می‌نویسد: با ملاحظه مجموعه این روایات و دیگر اخبار، به‌نظر

می‌رسد حد به معنای مطلق مجازات است و هیچ شاهد قرآنی و روایی وجود ندارد که ثابت کند لفظ حد در معنای مجازات معینه حقیقت است و در دیگر معانی، مجازی است و اراده آن از این لفظ نیاز به قرینه دارد (محقق داماد، ۱۳۸۲ق، ج: ۴، ۶۹).

بنابر آنچه گذشت مفاد قاعده در عبارت است از اینکه چنانچه شبهه‌ای چه موضوعیه و چه حکمیه، در هر مرحله از ارتکاب، برای مجری یا متهم در انتساب اتهام یا اجرای مجازات پیش آمد، باید به دلیل این شبهه متهم را مجرم ندانسته، مجازات را جاری نکرد.

در مورد بحث، با اتخاذ فتوای جدیدی در قانون و تغییر آن، این شبهه پیش می‌آید که آیا مجازات جدید که از قانون قدیم شدیدتر است بر مرتکب سابق اعمال می‌شود و باید موارد سابق را مطابق با قانون جدید محاکمه و مجازات کرد یا خیر؟ چرا که قدر متیقن ما در این موضوع، قوانین مسلم شرعی بوده؛ برخلاف قوانین شرعی مبتنی بر اجتهاد که در جایی که عطف به ماسبق شدن این قوانین به ضرر متهم باشد شبهه و تردید به وجود می‌آید، که در این صورت طبق این قاعده، باید به مجرد شبهه و فقدان علم به استحقاق متهم نسبت به کیفیات و مجازات جدید - در صورتی که مساعد به حال متهم نباشد - اعمال قانون جدید بر وی رفع می‌شود و همان مجازات سابق لحاظ می‌شود. بنابراین عطف به ماسبق نشدن قوانین شرعی مبتنی بر اجتهاد، در مواردی که مساعد به حال متهم نباشد مطابق با این قاعده و سازگار با اصول جزایی فقه امامیه است.

اما شاید این ایراد بر این استدلال وارد شود که با وجود ماده (۱۰) قانون مجازات اسلامی شبهه‌ای در عطف به ماسبق شدن احکام شرعی وجود ندارد تا به قاعده در تأمسک شود؛ زیرا در این ماده به صراحت قوانین شرعی از قاعده عطف به ماسبق نشدن قوانین ماهوی استثنا شده است.

این ایراد با فرض وجود ماده (۱۰) و با لحاظ چارچوب قانون مجازات اسلامی وارد است؛ ولی باید توجه شود که تأمسک به قاعده مذکور به عنوان ایرادی بر عطف به ماسبق شدن احکام شرعی بیان نشده است بلکه به عنوان تأملی فقهی و با فرض عدم وجود ماده مذکور و در چارچوب فقهی و نه حقوقی بر قاعده کلی عطف به ماسبق شدن قوانین بیان شده است.

## ۵-۳. قاعده حفظ نظام

قاعده حفظ نظام دلیل دیگری است که ممکن است بر عطف به ماسبق نشدن قوانین شرعی مبتنی بر اجتهاد اقامه شود. در زیر به توضیح آن و تبیین مقدار دلالت آن بر این مسئله پرداخته می‌شود.

«نَظْم» و «نِظَام» دو مصدر از فعل «نَظَمَ» هستند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۲ج: ۵۷۸). لغت‌شناسان عرب گفته‌اند: «نَظْم به معنای پیوستگی و ضمیمه کردن چیزی به چیز دیگر است» (واسطی زبیدی حنفی، ۱۴۱۴ق: ۶۸۹) بنابراین، وقتی چیزی به چیز دیگر ضمیمه شود و میان آن دو، پیوستگی، هماهنگی و هم‌ترازی باشد، نظم محقق شده است.

در معنای اصطلاحی، مقصود از نظام و حفظ آن، رعایت اموری است که قوام جامعه و مردم به آن وابسته است و در صورت اختلال در آن، نظم زندگی و معیشت مردم به خطر می‌افتد و دچار هرج و مرج می‌شود. نظام به این معنا، در برابر ازهم‌گسیختگی و هرج و مرج به کار می‌رود و در غالب مواردی که در کتاب‌های فقهی به کار رفته، این معنا منظور بوده است. این مهم، همواره مورد تأکید فقها بوده است؛ برای مثال، از نظر ایشان به‌دست آوردن مرتبه اجتهاد، واجب کفایی است؛ به‌ویژه با توجه به آنکه ایشان اجتهاد را شرط قضا می‌دانند. صاحب جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام درباره دلیل این امر (یعنی وجوب تلاش برای رسیدن به اجتهاد، و وجوب حکم دادن و افتا) می‌نویسد: «لتوقف النظام علیها» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲۱ج: ۴۰۴).

از نقطه‌نظر معنای اصطلاحی، نظام، معمولاً همراه با پسوند اسلامی آمده و تنها در کتاب‌ها و کلمات فقهای معاصر به کار رفته است؛ به‌عنوان نمونه گفته شده است: «بر همه مسلمانان لازم است که قوانین و مقررات نظام اسلامی را محترم بشمارند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ۳ج: ۲۹۸) همچنین گفته شده است: «نشر اخباری که موجب ضعف نظام اسلامی می‌باشد، جایز نیست» (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۷ق: ۱۴۰) و نیز آمده است: «اگر کسی از قانونی که مغایر با نظام اسلامی است اطلاع پیدا کند، واجب است برای حل این مشکل و حذف قوانین مخالف با احکام اسلام، آن را به مقامات مسئول اطلاع دهد» (خامنه‌ای، ۱۴۲۴ق: ۴۸۵) همچنین گفته شده است: «حفظ نظام اسلامی، مجوز ارتکاب کار نامشروع نمی‌باشد» (منتظری نجف آبادی، ۱۴۰۹ق: ۵۰۰).

بر این اساس، مطابق نظر فقهای امامیه یکی از قواعد مهم و حاکم بر احکام اسلامی،



حفظ نظام جامعه و زندگی مردم است. گرچه فقها به طور مستقل درباره این مسئله بحث نکرده‌اند، اما از سخنان آنان می‌توان نتیجه گرفت که وجوب حفظ نظام جامعه، از مسلمات فقه است و آنچه سبب به هم ریختن نظام زندگی و معیشت جامعه می‌شود، ممنوع است و کارهایی که برای حفظ نظام جامعه ضرورت دارد، واجب است.

مطابق مفاد این قاعده، اجرای حدود شرعی منوط به تحقق حاکمیت اسلامی بر جامعه معین است. حاکمیت اسلامی نیز از طریق قانونگذاری، شیوه و نحوه و کیفیات اجرای حدود شرعی را در هر زمان تعیین می‌کند و افراد جامعه نیز تابع قانونگذار زمان خود برای حفظ نظم اجتماعی هستند. در غیر این صورت هر کس می‌تواند با این ادعا که حکم قانونگذار مخالف با برخی فتاوی فقهی است از آن تمکین نکند که به نوبه خود موجب هرج و مرج و اختلال در نظام خواهد بود. همان‌گونه که افراد جامعه به اجرای قوانین لازم‌الاجرا در زمان خود مکلفند، حاکمیت نیز ملزم به اجرای قوانین در زمان اعتبار آنهاست و جز در مواردی که قانون لاحق مساعد به حال متهم باشد، مجاز به عطف به ماسبق کردن آن نخواهد بود.

#### ۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بنابر آنچه در این مقاله گذشت عطف به ماسبق نشدن قوانین شرعی مبتنی بر اجتهاد در صورتی که به حال متهم مساعد نباشد در فقه امامیه و حقوق مورد تأمل قرار گرفت و نتایج زیر به دست آمد:

در بررسی حقوقی روشن شد که عطف به ماسبق شدن قوانین شرعی مبتنی بر اجتهاد در صورت مذکور، سازگار با اصول حقوق جزا، قانون اساسی و معاهدات بین‌المللی نیست؛ چراکه مطابق این اصول، اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین جزایی است و عطف به ماسبق شدن این قسم از قوانین در صورت مساعد نبودن به حال متهم با این اصول مسلم سازگاری ندارد.

اما در بررسی فقهی هم این مسئله آشکار شد که ظاهراً عطف به ماسبق شدن این قسم از قوانین یعنی قوانین شرعی مبتنی بر اجتهاد، در صورت مساعد نبودن به حال متهم، با قواعد و

اصول مسلم مورد پذیرش شرع سازگاری ندارد؛ از جمله اصولی که با عطف به ماسبق شدن این دسته از قوانین شرعی منافات دارد، قاعده قبح عقاب بلا بیان، اصل اجزاء قانون سابق در موارد و مصادیق قبل از تصویب قانون جدید، قاعده مصلحت قانون سابق، قاعده درأ و قاعده حفظ نظام است.

## ۵. منابع و مأخذ

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم (بی تا). کفایة الاصول، جلد اول، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۲. آقایی جنت مکان، حسین (۱۳۹۲). حقوق کیفری عمومی، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات جنگل.
۳. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی التحریر الفتاوی، جلد سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، جلد دوم و دوازدهم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۵. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳). حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ سی و نهم، تهران، نشر میزان.
۶. اصفهانی، محمد تقی، (مجلسی اول) (۱۴۰۶ق). روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور.
۷. الهام، غلامحسین (۱۳۹۰). «موقعیت های حقوقی استظهارات شورای نگهبان»، مرکز تحقیقات شورای نگهبان، پیش شماره ۱۳۹۰.
۸. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۲۸ق). فرائد الأصول، جلد دوم، چاپ نهم، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
۹. ایروانی، باقر (۲۰۰۷). الحلقة الثالثة فی اسلوبها الثاني، تهران، دارالمحبین.
۱۰. بجنوردی، سید محمد بن حسن موسوی (۱۴۰۱ق). قواعد فقهیه، جلد اول، تهران، مؤسسه عروج.
۱۱. بروجرودی، حسین (۱۴۱۵ق). نهاية الاصول، تهران، نشر تفکر.
۱۲. بهبهانی، محمد باقر (۱۴۱۵ق). الفوائد الحائریة، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
۱۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۴). ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش.
۱۴. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، جلد دوم، بیروت، دارالعلم للملایین.
۱۵. حائری، سیدعلی بن محمد طباطبایی (۱۹۲ق). ریاض المسائل، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۶. حائری یزدی، عبدالکریم (۱۴۱۸ق). دررالفوائد، چاپ ششم، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۱۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة، جلد بیست و هشتم، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۸. حیدری، علی نقی (بی تا). اصول استنباط، جلد اول، قم، مرکزیت مدیریت حوزه علمیه قم.
۱۹. خامنه ای، سیدعلی (۱۴۲۴ق). اجوبه الاستفتائات، قم، ناشر دفتر معظم له.
۲۰. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ق). مصباح الاصول، جلد اول، قم، طبع مؤسسه احیاء آثار السید الخوئی.
۲۱. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۸ق). موسوعة الامام الخوئی، قم، مؤسسه احیاء آثار السید الخوئی.

۲۲. \_\_\_\_\_ (بی تا). *التفیح فی شرح العروة الوثقی*، جلد اول و چهل و یکم، بی جا، بی نا.
۲۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲). *لغت نامه دهخدا*، جلد دوازدهم، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*، لبنان - سوریه، دارالعلم - الدار الشامیه.
۲۵. رحمان ستایش، محمد کاظم (۱۴۲۵ق). *رسائل فی ولایة الفقیه*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۶. زارعی سبزواری، علی (۱۴۳۰ق). *کفایة الأصول*، چاپ ششم، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۲۷. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۷). *الموجز فی أصول الفقه*، چاپ چهاردهم، قم، مؤسسه امام صادق (ع).
۲۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳). *تهذیب الاصول*، جلد دوم، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۲۹. شمس ناتری، محمد ابراهیم، حمیدرضا کلانتری، ابراهیم زارع و زینب ریاض (۱۳۹۵). *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی*، جلد اول، چاپ سوم، تهران، نشر میزان.
۳۰. شهید اول، محمد ابن مکی عاملی (۱۴۰۰ق). *المعة للمشقیه*، چاپ اول، قم، منشورات دارالفکر.
۳۱. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*، جلد چهارم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۲. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق). *المحیط فی اللغة*، جلد دوم، بیروت، عالم الكتاب.
۳۳. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۷ق). *جامع الاحکام*، جلد دوم، قم، حضرت معصومه.
۳۴. صانعی، یوسف (بی تا). *فقه و زندگی*، جلد دوم، قم، انتشارات میثم تمار.
۳۵. صدر، سید محمد باقر (۱۴۲۱ق). *دروس فی علم الأصول*، جلد دوم، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۳۶. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۳۷۵ق). *الاقتصاد الیهادی إلى طریق الرشاد*، تهران، انتشارات کتابخانه جامع چهل ستون.
۳۷. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۴ق). *مبادئ الوصول إلى علم الأصول*، چاپ اول، قم، المطبعة العلمية.
۳۸. علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۸). *فقه و مصلحت*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۹. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). *کتاب العین*، جلد سوم، قم، نشر هجرت.
۴۰. فیض، علیرضا (۱۳۶۹). *مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام*، جلد اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۵). *حقوق انتقالی: تعارض قوانین در زمان*، تهران، نشر دادگستر.
۴۲. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق). *الکافی*، قم، دار الحدیث للطباعة و النشر.

۴۳. محدث نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، جلد هجدهم، بیروت، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۴۴. محقق حلی، جعفر بن الحسن (۱۴۰۶ق). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد اول، قم، اسماعیلیان.
۴۵. محقق داماد، محمد (۱۳۸۲ق). المحاضرات (مباحث اصول الفقه)، جلد اول و چهارم، اصفهان، انتشارات مبارک.
۴۶. مشکینی، علی (بی تا). اصطلاحات الاصول، قم، چاپخانه الهادی.
۴۷. مظفر، محمدرضا (۱۳۸۷). أصول الفقه، چاپ پنجم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۸. معین، محمد (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸ق). انوار الأصول، جلد اول و سوم، چاپ چهاردهم، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۵۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۲). «استفتائات فقهی»، مجله رهنمون، دوره اول، ش ۵.
۵۱. منتظری نجف آبادی، حسینعلی (۱۴۰۹ق). دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیه، جلد دوم، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۵۲. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۶۱). صحیفه نور، جلد بیست و یکم، تهران، شرکت سهامی چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی.
۵۳. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد چهارم، بیست و یکم و بیست و دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۵۴. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۷ق). عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۵۵. واسطی زبیدی حنفی، محب الدین (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس، جلد هفدهم، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۵۶. وحید بهبهانی، محمد باقر بن محمد اکمل (۱۴۱۵ق). الفوائد الحائریة، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
۵۷. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۶ق). فرهنگ فقه مطابق مذهب اقل بیت عليهم السلام، قم، مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی.



# تحلیل فرار مالیاتی در ایران به روش شاخص چندگانه - علل چندگانه (MIMIC)

مهديه رضاقلي زاده، \* مجيد آقايي \*\* و اميرحسين عالمي \*\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۲۴

فرار مالیاتی از بخش‌های اصلی اقتصاد غیررسمی بوده و امروزه از مهم‌ترین مسائل و مشکلات نظام‌های مالیاتی محسوب می‌شود. از این رو در مطالعه حاضر پس از مشخص کردن عوامل به وجود آورنده فرار مالیاتی، میزان آن در ایران با استفاده از روش علل چندگانه - شاخص چندگانه (MIMIC)، به کمک نرم‌افزار آموس و روش حداکثر درست‌نمایی با اطلاعات جانبی، سری زمانی اندازه نسبی و مطلق آن طی دوره زمانی ۱۳۹۴-۱۳۵۷ محاسبه شده است.

نتایج برآورد سری زمانی فرار مالیاتی نشان می‌دهد روند فرار مالیاتی در ایران طی سال‌های مورد بررسی به‌رغم نوسان‌های عمده، در مجموع افزایشی بوده، به گونه‌ای که از ۶/۱۲ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۵۷ به ۱۱/۳۳ درصد در سال ۱۳۹۴ رسیده است. همچنین متغیرهای تورم، بار مالیاتی، درآمد سرانه و نرخ ارز رسمی اثر مثبت و معناداری بر فرار مالیاتی داشته و با افزایش آنها، فرار مالیاتی نیز بیشتر شده است و در مقابل، متغیرهای شاخص باز بودن اقتصادی، اندازه دولت و نرخ بیکاری اثر منفی بر فرار مالیاتی داشته و با افزایش آنها، فرار مالیاتی در کشور کاهش می‌یابد. همچنین، براساس یافته‌های این تحقیق، درآمد سرانه بیشترین تأثیر را بر فرار مالیاتی و از سویی بیشترین اثر فرار مالیاتی را بر رشد تقاضای پول داشته است.

**کلیدواژه‌ها: فرار مالیاتی؛ ایران؛ شاخص چندگانه - علل چندگانه (MIMIC)**

\* استادیار دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)؛

Email: m.gholizadeh@umz.ac.ir

Email: m.aghaei@umz.ac.ir

\*\* استادیار دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران؛

\*\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران؛

Email: amirhosseinalami@yahoo.com

## مقدمه

اقتصاد هر کشور را می‌توان به دو بخش رسمی و غیررسمی تقسیم کرد. ملاک این تقسیم‌بندی قابلیت ثبت و گزارش فعالیت‌های اقتصادی مورد نظر به‌طور رسمی است. اما در همه کشورها کم‌وبیش بخشی از فعالیت‌های اقتصادی به دلیل گریز از محدودیت‌های وضع شده در قوانین و مقررات به صورت پنهان و زیرزمینی انجام می‌شود. وجود یک بخش زیرزمینی در واقع انعکاسی از انگیزه افراد برای پنهان کردن فعالیت‌های اقتصادی‌شان است، چراکه این فعالیت‌ها اگر در بخش رسمی انجام شوند کمتر رضایت‌بخش بوده یا شروع چنین فعالیت‌هایی غیرقانونی است. مهم‌ترین مشکلی که محققان برای اندازه‌گیری اقتصاد زیرزمینی با آن مواجه‌اند نبود تعریف دقیقی از اقتصاد زیرزمینی است. بر مبنای تعریف اشنایدر، بوهن و کارمن<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) اقتصاد پنهان همه تولیدات قانونی مبتنی بر بازار کالا و خدمات را شامل می‌شود که به‌طور عمده از مقام‌های دولتی پنهان باشد. به‌طور کلی می‌توان گفت اقتصاد زیرزمینی شامل همه فعالیت‌های رایج اقتصادی ثبت نشده است که در صورت مشاهده شدن در تولید ناخالص داخلی محاسبه می‌شود و فعالیت‌هایی است که هم به‌صورت قانونی و هم غیرقانونی، بر ضرورت از پرداخت مالیات معاف هستند. از این رو این امکان وجود دارد که اقتصاد غیررسمی به‌عنوان منبعی برای فرار مالیات و ایجاد منافع غیرعادلانه در مقابل بخش رسمی فعالیت کند.

فرار مالیاتی جزء اصلی فعالیت‌های زیرزمینی یا بخش نامنظم اقتصاد بوده و اقتصاددانان بیش از پیش به دنبال تجزیه و تحلیل این پدیده هستند؛ زیرا هرچه شناخت از عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی و تعیین شدت اثر آن بر متغیرهای اقتصادی بیشتر باشد احتمال موفقیت سیاست‌گذاران اقتصادی و مقام‌های مالی برای کنترل و کاهش رشد آن حائز اهمیت است به‌طوری که در بسیاری از پژوهش‌های انجام شده، اقتصاد زیرزمینی با فرار مالیاتی یکی در نظر گرفته شده است (هادیان و تحویلی، ۱۳۹۲: ۴۰).

درک اینکه چه عواملی ممکن است به‌عنوان علل کلیدی، فرار مالیاتی را تحت تأثیر قرار دهد، یک روش مهم پژوهش است و بنابراین انجام پژوهش‌هایی به منظور برآورد میزان



فرار مالیاتی در ایران ضروری بوده و تحقیق حاضر تلاش می‌کند تا با استفاده از روش علل چندگانه - شاخص چندگانه<sup>۱</sup> به محاسبه فرار مالیاتی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۹۴-۱۳۵۷ بپردازد. به همین منظور، در بخش‌های بعدی ابتدا مروری بر مبانی نظری که شامل تعریف فرار مالیاتی، عوامل مؤثر و آثار آن با این پدیده خواهیم داشت و در ادامه به مطالعات انجام شده و همچنین نحوه برآورد و اندازه‌گیری میزان فرار مالیاتی و ارائه مدل و نتایج برآورد پرداخته و در پایان نیز با جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهاد نتایج تجربی مدل را مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد.

## ۱. مبانی نظری

### ۱-۱. تعریف فرار مالیاتی

به‌طور کلی باید گفت فرار مالیاتی «جزء اصلی فعالیت‌های زیرزمینی یا بخش نامنظم اقتصاد» بوده و اقتصاددانان بیش از پیش به دنبال تجزیه و تحلیل این پدیده هستند. اهمیت این موضوع به اندازه‌ای است که شنایدر اقتصاد زیرزمینی را با فرار مالیاتی یکی در نظر گرفته و در مطالعه خود در سال ۲۰۰۵ به این موضوع اشاره داشته است. همچنین بسیاری از پژوهش‌های خارجی و داخلی، انجام شده در زمینه جرم و جنایت نیز اقتصاد زیرزمینی را با فرار مالیاتی یکی در نظر گرفته‌اند. یک توجیه برای این تشابه آن است که درآمد گزارش نشده شامل آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی است که در صورت گزارش به دولت، ملزم به پرداخت مالیات هستند (Schneider, 2005). به‌عبارت‌دیگر اقتصاد زیرزمینی، فعالیت‌ها و مبادله‌هایی را شامل می‌شود که هرکدام ممکن است قانونی یا غیرقانونی باشد که اندازه‌گیری نشده‌اند و فقدان گزارش نیز معمولاً به‌دلیل فرار مالیات است. فرار مالیاتی به این معناست که مؤدی کمتر از میزانی که قانون موظف کرده، پرداخت کند. شنایدر و اینست فرار مالیاتی را به‌عنوان کاهش غیرقانونی مالیات پرداختی با عدم گزارش درآمد یا اعلام کردن نرخ‌های تفریق بالاتر تعریف می‌کنند (Schneider and Enste, 2000: 85).

## ۲-۱. عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی

به منظور توسعه روش‌ها و ابزارهای مقابله با فرار مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات، ابتدا باید درک روشنی از دلایل متفاوت بروز آنها داشت. با دقت در ادبیات نظری موضوع می‌توان دریافت که عمدتاً دو جریان عمده در تبیین رفتار فرار مالیاتی وجود دارد از یک طرف با مدل‌های نئو کلاسیکی مواجه‌ایم و از طرف دیگر شاهد رویکردی نهادگرا در توضیح فرار مالیاتی هستیم. نقطه آغازین رویکرد به سال ۱۹۷۲ با مقاله مشهور آلینگهام و ساندمو<sup>۱</sup> با عنوان «فرار از مالیات بر درآمد: یک تحلیل نظری» باز می‌گردد. نظریه مذکور بعدها به «مدل استاندارد فرار مالیاتی»<sup>۲</sup> معروف شد و آلینگهام و ساندمو ترجیح دادند که با عنوان «تحلیل A-S»<sup>۳</sup> از آن نام برند. این مدل با استفاده از عوامل اقتصادی سعی در توضیح پدیده فرار مالیاتی دارد. با توجه به چندبعدی بودن بحث فرار مالیاتی، انتقادهای متعددی بر مدل‌های مشابه مدل استاندارد فرار مالیاتی شکل گرفت که تنها عوامل اقتصادی را مورد توجه قرار می‌دهند و در واکنش به بی‌توجهی نسبت به عوامل غیراقتصادی تأثیرگذار بر فرار مالیاتی، نظریه‌های دیگری توسعه یافتند که فرار مالیاتی را صرفاً معلول عوامل اقتصادی نمی‌دانستند (امیدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۴). به‌طور کلی، هنجارها و کنش‌های اجتماعی، عدالت مالیاتی، فساد مأموران مالیاتی، عدم گسترش فرهنگ مالیاتی در جامعه، عدم مبادله اطلاعات کامل، نبود سیستم نظارت و پیگیری در اخذ مالیات، عدم استقبال از تسلیم اظهارنامه‌های مالیاتی و ضعیف بودن ضمانت‌های اجرایی در این مورد، تأخیر در وصول مالیات، مشکلات مربوط به تشخیص علی‌الرأس مالیات، قوانین پیچیده و متعدد، عدم شناسایی مؤدیان و مستند نبودن میزان درآمد آنها، وجود معافیت‌های وسیع و متنوع و... برخی از عوامل نهادی تأثیرگذار بر فرار مالیاتی در نظر گرفته می‌شوند (صمدی و تابنده، ۱۳۹۲).

با در نظر گرفتن این نکته که بدون شک رواج و گسترش فرار مالیاتی در هر کشور علاوه بر عوامل نهادی، تابعی از وضعیت اقتصادی و ساختاری هر کشور بوده و نیز با توجه

- 
1. Allingham and Sandmo
  2. Tax Evasion Standard Model
  3. A- S Analysis

به هدف مطالعه حاضر، در ادامه به مهم‌ترین عوامل اقتصادی مؤثر بر فرار مالیاتی اشاره می‌شود؛ متغیرهایی که در بخش تجربی از آنها استفاده شده و براساس یافته‌های مقاله از اهمیت بالاتری نسبت به سایر متغیرها برخوردار بوده‌اند:

**تورم:** رشد سطح عمومی قیمت کالاها، مصرفی به دلایل مختلفی می‌تواند به افزایش حجم اقتصاد زیرزمینی منجر شود. با توجه به وضعیت نابرابری توزیع درآمد در کشور، می‌توان انتظار داشت که با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، خانواده‌های بیشتری زیر خط فقر قرار گیرند. ناتوانی در تأمین کمترین درآمد کافی برای گذراندن زندگی با انجام فعالیت‌های قانونی، می‌تواند عامل مؤثری در توجیه‌پذیری روی آوردن به فعالیت‌های اقتصاد زیرزمینی به‌شمار آید. بنابراین، انتظار می‌رود با گسترش پدیده فقر، اندازه اقتصاد زیرزمینی رشد یابد (پیرایی و رجایی، ۱۳۹۴: ۳۲). همچنین تغییرات گسترده و فزاینده قیمت می‌تواند نرخ‌های مالیات بر درآمد افزایش یافته افراد و بنگاه‌ها را بالا برد و انگیزش افراد به فرار مالیاتی بیشتر شود، در نتیجه حجم اقتصاد زیرزمینی افزایش می‌یابد. از طرفی افزایش فشار تورمی موجب گران‌تر شدن قیمت مواد اولیه برای فعالیت در اقتصاد زیرزمینی می‌شود (Schneider, Buehn and Karmann, 2007). در این زمینه کرانی و نورزاد<sup>۱</sup> (۱۹۸۶) نیز در بررسی اثر تورم بر فرار مالیاتی در اقتصاد آمریکا نشان دادند که ارتباط بین این پارامترها مثبت است.

**شاخص باز بودن اقتصاد:** محدودیت‌های تجاری و باز بودن اقتصاد عامل دیگری است که اثر مهمی بر فرار مالیاتی دارد. اعمال محدودیت‌های تجاری و عدم آزادی اقتصادی مناسب، منجر به این می‌شود که صادرات و واردات به‌صورت غیرقانونی و قاچاق انجام گیرد و باعث افزایش فرار مالیاتی شود. در تجویزهای سیاستی، راه مقابله با گسترش اقتصاد پنهان و فرار مالیاتی، کاهش محدودیت‌های قانونی عنوان می‌شود. در بعضی از کشورها علاوه بر محدودیت‌های تعرفه‌ای از سیاست‌های غیرتعرفه‌ای مانند ممنوعیت واردات یا صادرات برخی از کالاها به‌صورت کلی یا موقت، قطع یا محدود ساختن رابطه تجاری با کشورهای خاص، سهمیه‌بندی واردات یا صادرات تعدادی از کالاها و غیره نیز استفاده می‌شود (اشراف‌زاده و مهرگان، ۱۳۷۹). همچنین مطالعات

دیگری حاکی از آن است که آزادسازی سریع تجارت بدون شفافیت و اجرای کارآمد قوانین ممکن است سطح فساد را افزایش دهد و در نتیجه میزان فرار مالیاتی گسترش یابد.

**نرخ بیکاری:** تانزی<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) معتقد است رابطه بین نرخ بیکاری و اقتصاد زیرزمینی مبهم است و نظریه‌های اقتصادی نمی‌توانند به‌طور قطع جهت همکاری نرخ بیکاری و اقتصاد سایه را تعیین کنند. از طرفی ناتوانی در تأمین حداقل درآمد کافی برای گذران زندگی از طریق فعالیت‌های قانونی می‌تواند عامل مؤثری در توجیه پذیرش مخاطرات و روی آوردن به فعالیت‌های غیرقانونی به حساب آید. به عبارت دیگر نبود شغل به اندازه مورد نیاز جامعه از یکسو و وجود هزینه‌های بالای زندگی از سوی دیگر فرد را خواسته یا ناخواسته مجاب می‌کند که به فعالیت در بخش پنهان اقتصاد روی آورد. دل‌آنو، گومز و آلونون<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) نشان دادند که رابطه مثبتی بین بیکاری و اقتصاد سایه در اقتصاد کشور پرتغال وجود دارد. این محققان متذکر شدند که فعالیت در اقتصاد زیرزمینی و اقتصاد سایه‌ای به فرار مالیاتی بالا منجر می‌شود. همچنین از آنجا که این متغیر شاخصی از عملکرد عمومی اقتصاد به‌شمار می‌رود افزایش آن می‌تواند حاکی از ورود به دوره رکود اقتصادی و کاهش تقاضای نیروی کار، چه برای فعالیت‌های رسمی و چه برای فعالیت‌های غیررسمی باشد (نصراللهی، فرزندگان و طالعی اردکانی، ۱۳۹۱).

**بار مالیاتی:** نرخ‌های مالیات بالا و بار مالیاتی از مهم‌ترین علل فرار مالیاتی محسوب می‌شوند. بار مالیاتی میزان جوهی است که افراد پرداخت می‌کنند. این مقدار به دو قسمت بار پولی و بار واقعی قابل تقسیم است. بار پولی میزان جوهی است که مشمول مالیات پرداخت می‌کند، اما بار واقعی میزان جوهی است که پرداخت‌کننده نهایی پرداخت می‌کند (جعفری صمیمی، ۱۳۷۸). مالیات‌ها بر انتخاب میزان فراغت نیروی کار اثرگذار بوده و همچنین بر عرضه نیروی کار در اقتصاد سایه‌ای یا بخشی از اقتصاد که بر آن مالیات وضع نمی‌شود تأثیر گذارند، زیرا هرچه اختلاف بین هزینه نیروی کار در بخش رسمی برای بنگاه و دستمزد دریافتی نیروی کار در این بخش بیشتر باشد، مالیات بیشتری گرفته شود یا بنگاه سهم بیشتری برای تأمین اجتماعی پرداخت کند، هم بنگاه‌ها و هم نیروی کار انگیزه بالاتری برای فعالیت در بخش زیرزمینی دارند. تا زمانی که این اختلاف به صورت

1. Tanzi

2. Dellanno, Gomez and Alanon

وسیع‌تری به بار مالیاتی کل و سیستم تأمین اجتماعی وابسته باشد، این عوامل از کلیدی‌ترین افزایش اقتصاد زیرزمینی است (Schneider and Enste, 2000). افزایش و کاهش نرخ مالیات بدون مطالعه کافی و عواقب آن روی بخش زیرزمینی، خود می‌تواند یک عامل مهم دیگر باشد. نبود نظام مالیاتی کارآمد و سیاست‌ها و روش‌های مستمر و بلندمدت را می‌توان از جمله عوامل تشدیدکننده حرکت به سمت فرار مالیاتی و ورود به بخش غیررسمی دانست (سلیمی فر و کیوانفر، ۱۳۸۹).

**اندازه دولت:** در دهه‌های گذشته واقعیت مهمی در مورد افزایش بخش سایه‌ای اقتصاد روشن شده است. این واقعیت، حضور و دخالت سیاستمداران و نظام بوروکراسی در عرصه فعالیت‌های اقتصادی است. دولت به‌عنوان رابط برای افزایش اقتصاد زیرزمینی است. با افزایش مداخله دولت در اقتصاد، از میزان آزادی عمل افراد کاسته می‌شود و انگیزه آنها را برای فعالیت در بخش رسمی کاهش می‌دهد. لذا افراد ترجیح می‌دهند در بخش زیرزمینی فعالیت داشته باشند. همچنین دولت نمی‌تواند از اتهام بار مالیاتی بگریزد. فشار قوانین مانند قوانین بازار کار، محدودیت ساعت کار، حداقل دستمزد، حداقل سن، هزینه‌های بیمه، موانع تجاری و تعرفه‌های بالا، استانداردهای محیط کار و موقعیت بحران‌های اقتصادی از جمله عواملی هستند که وابسته به سیاست‌های دولت است. همچنین وجود زمان‌های طولانی دریافت مجوزهای قانونی، تولیدکنندگان زیادی را به سمت تولید بدون مجوز یعنی تولید در بخش زیرزمینی سوق می‌دهد (نیلی و ملکی، ۱۳۸۵). اشنایدر و ساواسان (۲۰۰۷) همچنین نشان دادند که افزایش در شدت مقررات، عامل مهمی در ایجاد انگیزه در افراد به اقتصاد غیررسمی و بنابراین افزایش فرار مالیاتی در ترکیه و کشورهای همسایه بوده است.

**درآمد سرانه:** این متغیر اثر مبهمی بر فعالیت‌های غیررسمی دارد. از یک طرف افزایش درآمد سرانه و تأمین حداقل منابع لازم برای زندگی می‌تواند انگیزه پذیرش ریسک اعمال غیرقانونی و غیررسمی را کاهش داده و موجب کاهش حجم اقتصاد پنهان و در نتیجه کاهش فرار مالیاتی شود. به‌عنوان مثال براساس یافته‌های اشنایدر، تولید ناخالص داخلی سرانه پایین‌تر در یک کشور، انگیزه بالاتری برای فعالیت در اقتصاد سایه‌ای را فراهم می‌سازد. به‌خصوص کشورهای در حال توسعه که تولید ناخالص داخلی سرانه پایین‌تری را نسبت به کشورهای توسعه‌یافته دارند، انگیزه فعالیت در اقتصاد سایه‌ای بیشتر است. از طرف دیگر افزایش درآمد سرانه سبب

افزایش تقاضا می‌شود. این افزایش تقاضا ممکن است شامل تقاضا برای کالاهای قانونی و غیرقانونی شود و در نتیجه این احتمال وجود دارد که از این طریق فرار مالیاتی رخ دهد. مطالعه بارون و دی تلا<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) وجود رابطه‌ای مثبت بین درآمد سرانه و فساد را اثبات می‌کنند.

**نرخ ارز رسمی:** نوسان‌های بازار ارز می‌تواند عاملی اساسی برای گسترش فعالیت‌های غیرقانونی تلقی شود. اختلاف نرخ ارز رسمی و غیررسمی در مقیاس خرد موجب گسترش بازار سیاه ارز می‌شود. در مقیاس کلان اقتصادی، افراد دارای رانت و امتیازات ویژه از این اختلاف محسوس نرخ ارز برای واردات با نرخ رسمی و فروش در بازار با نرخ غیررسمی، سبب برهم زدن تعادل بازار و افزایش قیمت و تورم در گروه کالایی خاص می‌شوند که نتیجه آن احتمال فرار مالیاتی در این حالت است. بیزواس و مارجیت<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) از لحاظ نظری ارتباط بین نرخ ارز در بازار سیاه و تجارت غیرقانونی را نشان داده‌اند.

### ۳-۱. آثار فرار مالیاتی

فرار مالیاتی آثار سوئی بر اقتصاد می‌گذارد که می‌توان به تأثیر آن بر رشد اقتصادی، توزیع درآمد، مصرف انرژی و... اشاره کرد. در ادامه آثار فرار مالیاتی بر رشد مصرف انرژی، رشد تولید ناخالص داخلی و رشد تقاضای پول بررسی می‌شود:

**رشد تولید ناخالص داخلی:** فرار مالیاتی اثر مبهمی بر رشد اقتصادی دارد. از یک طرف گروهی معتقدند که افزایش فعالیت‌های زیرزمینی بنا به دلایلی می‌تواند سبب کاهش تولید ناخالص داخلی شود. بالاتر بودن هزینه‌های فعالیت و تولید در بخش واقعی و رسمی اقتصاد نسبت به اقتصاد زیرزمینی موجب می‌شود که بنگاه‌های موجود در بخش رسمی توان رقابت کمتری با بخش زیرزمینی داشته باشند و لذا در بلندمدت امکان خروج این بنگاه‌ها از بخش رسمی وجود داشته و به کاهش تولید ناخالص داخلی منجر می‌شود. افزایش فعالیت‌ها در بخش اقتصاد زیرزمینی، نیروی کار موجود را در جامعه جذب کرده و با تأثیر بر بازار کار زمینه رکود در بازار محصول را فراهم می‌کند. اما از طرف دیگر، فعالیت‌های این بخش با جذب نیروی کار

1. Barun and Ditella  
2. Biswas and Marjit

در جامعه و ایجاد درآمد برای آنها موجب افزایش تقاضا برای تولیدات بخش رسمی شده و تولید ناخالص داخلی را افزایش می‌دهد. همچنین توسعه اقتصاد زیرزمینی سبب جذب نقدینگی موجود در جامعه شده و در فعالیتهای رسمی اختلال ایجاد می‌کند (پیرایی و رجایی، ۱۳۹۴). در مطالعه دل آنو، گامز و پردو<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) نیز ارتباط مبهم این متغیرها تأیید شده است.

**رشد مصرف انرژی:** افزایش یا کاهش تولید کالا و خدمات در کل اقتصاد (رسمی و غیررسمی) با توجه به نیازمندی به عوامل تولید (از جمله نهاده انرژی) بر میزان مصرف عوامل اثر می‌گذارد و در اطلاعات مربوط به آنها منعکس می‌شود. علت اینکه از این شاخص به عنوان نمایه‌ای از افزایش یا کاهش اقتصاد زیرزمینی و فرار مالیاتی استفاده می‌شود این است که بنگاه‌های تولیدی و خدماتی از مواد اولیه و عوامل تولیدی برای تولید کالا و ارائه خدمات بهره می‌جویند، افزایش در استفاده از انرژی (به عنوان عامل تولید) به معنای افزایش در تولید کالا و خدمات در اقتصاد رسمی و زیرزمینی محسوب می‌شود، بنابراین افزایش در مصرف انرژی می‌تواند نشان‌دهنده افزایش در تولید کالا و خدمات در اقتصاد زیرزمینی باشد و در نتیجه احتمال فرار مالیاتی نیز به وجود آید (صامتی، سامتی و دلانی، ۱۳۸۸).

**رشد تقاضای پول:** از آنجاکه فعالیت‌های انجام شده در اقتصاد زیرزمینی عمدتاً به صورت پنهانی و غیرقانونی انجام می‌شوند، عاملان و فعالان در این بخش سعی می‌کنند معاملات خود را تا حد امکان با پول‌های نقد انجام دهند تا از سیستم ثبت اطلاعات و نهادهای قانونی در امان باشند. پس می‌توان انتظار داشت با افزایش فعالیت‌های اقتصاد زیرزمینی تقاضا برای پول نقد و به دنبال آن نسبت پول در گردش افزایش یابد. در خصوص اعتبار این فرض در چارچوب شرایط اقتصادی ایران، تردیدهایی وجود دارد. سطح ارائه خدمات نظام بانکی و نیز نحوه دسترسی ممیزهای مالیاتی به اطلاعات مربوط به حساب‌های بانکی اشخاص در ایران، وضعیتی متفاوت با کشورهای صنعتی غربی دارد که کارآمدی شاخص مذکور را در تبیین آثار پولی اقتصاد سیاه کاهش می‌دهد (عرب‌مازار یزدی، ۱۳۸۰).

## ۲. مطالعات انجام شده

در این قسمت به منتخبی از مهم‌ترین مطالعات انجام شده به تفکیک مطالعات خارجی و داخلی اشاره می‌شود.

### جدول ۱. مطالعات خارجی

نام محقق	موضوع تحقیق و دوره زمانی	سال انجام تحقیق	روش تحقیق	یافته‌های تحقیق
برگر و همکاران <sup>۱</sup>	فرار از پرداخت هزینه مجوز تلویزیون در اتریش	۲۰۱۶	شاخص چندگانه - علل چندگانه	هرچه میزان نرخ مالیات وضع شده بالاتر رود، مقدار فرار مالیاتی افزایش می‌یابد.
اشنایدر	بررسی اندازه اقتصاد سایه‌ای و فرار مالیاتی در ۳۱ کشور اروپایی طی دوره زمانی ۲۰۱۴-۲۰۰۳.	۲۰۱۰	شاخص چندگانه - علل چندگانه	اندازه اقتصاد سایه‌ای از ۲۰ درصد در سال ۲۰۰۳ به ۱۵/۷ درصد در سال ۲۰۱۴ کاهش یافته است.
آریو و بکو <sup>۲</sup>	شناسایی عوامل تعیین‌کننده و اندازه‌گیری فرار مالیاتی در کشور نیجریه طی دوره زمانی ۲۰۱۰-۱۹۷۵	۲۰۱۲	تابع تقاضای پول	اندازه فرار مالیاتی در دوره مورد مطالعه بین ۲/۰۹ تا ۶/۷۵ درصد بوده است. همچنین نتایج نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت بین نرخ مالیات و مقدار فرار مالیاتی است.
امبای و یو <sup>۳</sup>	بررسی فرار مالیاتی در کشورهای در حال توسعه طی دوره ۱۹۸۴-۲۰۰۶.	۲۰۱۰	روش نسبت نقد و روش گشتاور تعمیم‌یافته	قدرت اجرایی مقامات مالیاتی، سطح توسعه‌یافتگی، نرخ بهره، نرخ تورم و درجه شهرنشینی در کشورها، نسبت نقد را توضیح می‌دهند.
کمال <sup>۴</sup>	محاسبه حجم فرار مالیاتی پاکستان طی سال‌های ۲۰۰۵-۱۹۹۵	۲۰۰۷	تقاضای پول نقد	فرار مالیاتی در دوره مورد بررسی دارای روند افزایشی بوده است.
سوکرام و واتسون <sup>۵</sup>	علل شکل‌گیری فرار مالیاتی در ترینیداد و توباگو طی سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۶۰.	۲۰۰۵	الگوی خودتوضیح با وقفه‌های گسترده و مدل پولی تانزی	در بلندمدت از میان عوامل مختلف اقتصادی: درآمد سرانه، واردات، بدهی خارجی، بیکاری و تورم بر سطح فرار مالیاتی تأثیر گذار بوده‌اند.
تانزی	اندازه‌گیری اقتصاد زیرزمینی و فرار مالیاتی در ایالات متحده آمریکا طی سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۳۰.	۱۹۸۳	مدل نسبت پولی مؤثر بر پول در گردش	بار مالیاتی، درآمد سرانه، نرخ سود سپرده و نسبت حقوق و دستمزد به درآمد ملی در تخمین فرار مالیاتی آن تأثیر مستقیم دارند.

- Berger and etal.
- Ariyo and Bekoe
- Embai and yu
- Kemal
- Sookram and Watson



## تحلیل فرار مالیاتی در ایران به روش شاخص چندگانه - علل چندگانه (MIMIC) \_\_\_\_\_ ۲۰۱

### جدول ۲. مطالعات داخلی

نام محقق	موضوع تحقیق و دوره زمانی	سال انجام تحقیق	روش تحقیق	یافته‌های تحقیق
امیدی‌پور و پژویان	«فرار مالیاتی در پایه مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی در ایران» برآوردهای سالانه ۱۳۹۲-۱۳۵۲	۱۳۹۶	رهیافت تابع تقاضای پول تاثری	حجم فرار مالیاتی برآوردی در پایه مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی در ایران طی دوره مورد بررسی روند صعودی دارد.
امیدی‌پور و همکاران	«برآورد حجم اقتصاد زیرزمینی و فرار مالیاتی؛ تحلیل تجربی در ایران» طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۵۲.	۱۳۹۴	رهیافت تابع تقاضای پول تاثری و الگوی تصحیح خطای برداری	حجم اقتصاد زیرزمینی و فرار مالیاتی برآوردی در ایران طی دوره مورد بررسی روند صعودی دارد.
صمدی و تابنده	«فرار مالیاتی در ایران (بررسی علل و آثار و برآورد میزان آن)» طی سال‌های ۱۳۸۶ - ۱۳۴۹.	۱۳۹۲	روش چندگانه و علل چندگانه	اندازه دولت، درآمد مصرف‌کننده، نرخ تورم و نرخ بیکاری از جمله عوامل مهم اثرگذار بر گسترش فرار مالیاتی در ایران طی دوره مورد بررسی بوده است.
هادیان و تحویلی	«شناسایی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در اقتصاد ایران» طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۵۶.	۱۳۹۲	الگوی خودتوضیح با وقفه‌های گسترده	چهار متغیر نرخ مالیات، پیچیدگی قوانین و مقررات، نبود سرمایه اجتماعی و تورم در بلندمدت رابطه مثبت با فرار مالیاتی دارند.
عبداله میلانی و اکبرپور روشن	«فرار مالیاتی ناشی از اقتصاد غیررسمی» در ایران طی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۷۰.	۱۳۹۱	الگوی خودتوضیح با وقفه‌های گسترده و تابع تقاضای پول	حجم فرار مالیاتی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۸۹-۱۳۷۰ در حال افزایش است.
مداح و نعمت‌الهی	«نرخ تعرفه و فرار مالیاتی در واردات ایران از شرکای مهم تجاری» رابطه بین فرار مالیاتی در واردات کشور و نرخ‌های تعرفه در گروه‌های مختلف کالایی با کد دو رقمی براساس طبقه‌بندی سیستم هماهنگ ۱۳۸۷-۱۳۸۲.	۱۳۹۲	الگوی داده‌های تلفیقی	نتایج حاصل از تخمین مدل‌های فرار مالیاتی رابطه مستقیم و معناداری بین فرار مالیاتی و نرخ تعرفه را تأیید می‌کند به طوری که با افزایش یک درصد نرخ تعرفه، فرار مالیاتی در واردات ایران ۰/۹ درصد افزایش می‌یابد.

همچنانکه ملاحظه می‌شود، هرچند مطالعاتی در سطح استان‌ها و کل کشور درباره عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی انجام شده است اما درباره آثار فرار مالیاتی و محاسبه میزان آن مطالعات اندکی وجود دارد. صادقی و شکیبایی (۱۳۸۰) از منطق فازی استفاده کرده و میزان فرار مالیاتی را برای دوره ۱۳۷۸-۱۳۴۳ تخمین زده‌اند. همچنین عبدالله میلانی و اکبرپور روشن (۱۳۹۱) از روش تابع تقاضای پول استفاده و میزان فرار مالیاتی را در ایران برای دوره ۱۳۸۹-۱۳۷۰ محاسبه کرده‌اند. اما در مطالعه حاضر، با در نظر گرفتن مجموعه وسیعی از متغیرهای علل و آثار، از روش علل چندگانه - شاخص چندگانه استفاده شده و میزان فرار

مالیاتی در یک بازه زمانی طولانی‌تر محاسبه شده است. مزایای این روش این است که متغیر پنهانی فرار مالیاتی را براساس عوامل مؤثر و آثار آن تخمین می‌زند، درحالی‌که در منطق فازی تنها یک سری عوامل ذهنی در نظر گرفته شده و فقط میزان فرار مالیاتی براساس قواعد منطق فازی برآورد می‌شود. همچنین روش تابع تقاضای پول مقدار دقیقی برای برآورد میزان فرار مالیاتی ارائه نخواهد کرد.

### ۳. نحوه برآورد و اندازه‌گیری میزان فرار مالیاتی

محققان بسیاری به دلیل در دسترس نبودن اطلاعات از پدیده فرار مالیاتی از روش‌های گوناگون برای محاسبه آن بهره برده‌اند که برخی از آنها به‌طور مستقیم و برخی دیگر به‌طور غیرمستقیم به محاسبه فرار مالیاتی اقدام کرده‌اند. در روش‌های مستقیم از جمع روش حساب‌های ملی<sup>۱</sup>، روش نمونه‌گیری<sup>۲</sup>، روش مطالعه بودجه<sup>۳</sup>، روش مطالعه مستقیم مالیات‌دهندگان<sup>۴</sup> و ظرفیت بالقوه قانونی<sup>۵</sup> براساس رفتار فردی که زیر بار مالیات فرار می‌کنند، تئوری ساخته و با جای‌گذاری متغیرهای مناسب، فرار مالیاتی محاسبه می‌شود. در این روش‌ها ضمن مشکل وقت‌گیر بودن و هزینه‌بر بودن، معمولاً کتمان اطلاعات به مقدار بسیاری وجود دارد (امیدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۴). اما در روش‌های غیرمستقیم که در شمار پر کاربردترین روش‌های مطالعه فرار مالیاتی هستند با برآورد اقتصاد زیرزمینی میزان فرار مالیاتی محاسبه می‌شود. این روش‌ها را می‌توان به سه دسته روش‌های مبتنی بر علت فعالیت (از قبیل: مدل‌سازی تقریبی لاپلاس<sup>۶</sup> و منطق فازی<sup>۷</sup>)، روش‌های مبتنی بر آثار (از قبیل: حجم اسکناس‌های درشت در گردش، نسبت نقد، اختلاف بین آمار مالیاتی و درآمد ملی، حسابرسی مالیاتی، اختلاف در حساب‌های ملی، روش نهاده

- 
1. National Accounts Method
  2. Sampling Method
  3. Budget Survey Method
  4. Direct Taxpayer Survey
  5. Tax Capacity
  6. Laplace Transform Approach
  7. Fuzzy Logic Method

فیزیکی<sup>۱</sup>، روش بازار کار<sup>۲</sup> و... (Thomas,1999; Bhattacharyya,1990) و روش‌های مبتنی بر علل و آثار (از قبیل: رهیافت تقاضا برای پول<sup>۳</sup> و روش شاخص‌های چندگانه - علل چندگانه) تقسیم‌بندی کرد (عرب‌مازار یزدی، ۱۳۸۰). با توجه به اینکه روش مورد استفاده برای محاسبه اندازه فرار مالیاتی در مقاله حاضر، روش علل چندگانه - آثار چندگانه است، در این بخش به ارائه توضیحات کاملی در خصوص روش‌شناسی آن پرداخته می‌شود.<sup>۴</sup>

### ۱-۳. الگوی علل شاخص‌های چندگانه - آثار چندگانه

روش شاخص‌های چندگانه - علل چندگانه که زلنر<sup>۵</sup> (۱۹۷۰) معرفی کرد، در حال حاضر متداول‌ترین روش برای اندازه‌گیری متغیرهای پنهان است. آنچه تاکنون سایر مدل‌های اقتصاد زیرزمینی بر آن تأکید داشتند، علاوه بر بسیاری از فروض محدودکننده، استفاده از شاخص محاسباتی و همچنین استفاده از یک‌سری متغیرهایی بوده که به‌عنوان عوامل تعیین‌کننده فرار مالیاتی بسیار محدودکننده بوده است. این خود یکی از عمده‌ترین نقاط ضعف روش‌های به‌کار رفته برای اندازه‌گیری حجم اقتصاد زیرزمینی و فرار مالیاتی در ایران و جهان است. در راستای اجتناب از مواجهه با ضعف مذکور، استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری<sup>۶</sup> به‌عنوان روشی جدید که محدودیت‌های کمتر دارد و نیز به بررسی علل شاخص چندگانه می‌پردازد، تقریباً بر سایر روش‌های محاسبه مزیت داشته و یکی از بهترین روش‌های تخمین متغیرهای پنهان است. در این روش برای تخمین ضرایب نامشخص از مجموعه‌ای از معادلات ساختاری استفاده شده که در آنها متغیر مشاهده نشده مستقیماً قابل اندازه‌گیری نیست، از این رو با الگوسازی معادلات ساختاری و بررسی علل و آثار متغیر پنهان در اقتصاد، به اندازه‌گیری متغیر پنهان پرداخته می‌شود. این مدل شامل یک متغیر پنهان

1. Physical Input Approach
2. Labor Market Approach
3. Currency Demand Function

۴. به منظور اجتناب از زیاد شدن حجم مقاله، از ذکر توضیحات مربوط به سایر روش‌ها اجتناب می‌شود (در صورت نیاز از طریق مکاتبه با نویسنده قابل دسترس است).

5. Zelner
6. Structural Equation Modeling (SEM)

(اقتصاد زیرزمینی)، چند متغیر علی به عنوان علل ایجادکننده اقتصاد زیرزمینی و چند شاخص نمایانگر اقتصاد زیرزمینی است. به بیان ساده‌تر در این روش اقتصاد زیرزمینی به عنوان متغیر غیرقابل مشاهده فرض می‌شود که از چندین علت ناشی بوده و خودش نیز به وجود آورنده آثاری برای اقتصاد است. یک الگوی کامل معادلات ساختاری از دو جزء تشکیل می‌شود که عبارتند از: معادله ساختاری<sup>۱</sup> و معادله اندازه‌گیری<sup>۲</sup>. معادله ساختاری به بررسی ارتباط بین اقتصاد زیرزمینی و متغیرهای ایجادکننده آن می‌پردازد و در معادله اندازه‌گیری چگونگی اثرپذیری شاخص‌های مختلف از اقتصاد زیرزمینی مطرح است که منظور از شاخص، بازارهایی است که اقتصاد زیرزمینی بر آنها اثر می‌گذارد مانند بازار کالا و خدمات، بازار کار، بازار پول و بازار عوامل تولید (پیرایی و رجایی، ۱۳۹۴). بنابراین می‌توان گفت در این معادلات، متغیر پنهان (در پژوهش حاضر فرار مالیاتی) از یک طرف با علل به وجود آورنده خود در ارتباط است و از طرف دیگر آثاری بر اقتصاد دارد و با در نظر گرفتن هم‌زمان علل به وجود آورنده متغیر پنهان و نیز آثار آن بر اقتصاد، به اندازه‌گیری متغیر پنهان می‌پردازد. براساس این نظر یک ارتباط خطی بین متغیرهای علی و اقتصاد زیرزمینی و همچنین بین اقتصاد زیرزمینی و متغیرهای آثار وجود دارد. این روش رابطه بین متغیر پنهان غیرقابل مشاهده و متغیرهای قابل مشاهده (شامل علل متغیر پنهان و شاخص آن) را با حداقل سازی فاصله بین ماتریس کوواریانس نمونه و ماتریس پیش‌بینی شده توسط مدل، توضیح می‌دهد. مدل تجربی مورد استفاده مبتنی بر یک نظریه آماری با عنوان «متغیر مشاهده نشده» است که چند علت و چند شاخص از پدیده‌هایی که باید اندازه‌گیری شوند را در نظر می‌گیرد (Joreskog and Goldberger, 1975).

همان‌گونه که بیان شد در روش شاخص‌های چندگانه - علل چندگانه برآورد متغیر پنهان با حل هم‌زمان معادله ساختاری و اندازه‌گیری در یک سیستم معادلاتی صورت می‌پذیرد. معادله (۱)، معادله ساختاری است که نشان‌دهنده ارتباط بین اقتصاد زیرزمینی و متغیرهای علی اقتصاد زیرزمینی است:

$$\eta_i = \delta' x_i + \vartheta_i \quad (1)$$

---

1. Structural Model

2. Measurement Model

$$[\eta] = [\delta_1 \quad \delta_2 \quad \dots \quad \delta_q] \begin{bmatrix} x_1 \\ x_2 \\ \vdots \\ x_q \end{bmatrix} + [\vartheta] \quad (۲)$$

$\eta$ : متغیر پنهان (اقتصاد زیرزمینی)

$(X_1) = X_2 X_3 \dots X_q$ ; بردار  $(1 * q)$  از سری زمانی علل پیدایش اقتصاد زیرزمینی است که با اندیس  $t$  مشخص شده است. هر سوی سری زمانی  $i = 1, \dots, q$  علت بالقوه پیدایش متغیر پنهان  $\eta_t$  است.

بردار  $\delta' = (\delta_1, \delta_2, \dots, \delta_q)$  از ضرایب الگوی ساختاری است که در معادله ساختاری رابطه علی بین متغیر پنهان و علل را نشان می دهد.

$\vartheta$ : خطای الگوی ساختاری است. از آنجا که معادله ساختاری تنها بخشی از متغیر پنهان  $\eta$  را نشان می دهد، جمله خطای  $\vartheta$  نشان دهنده جزء توضیح داده نشده است.

میزان متغیر پنهان از رابطه زیر قابل محاسبه است:

$$\eta = \delta_1 x_1 + \delta_2 x_2 + \delta_3 x_3 + \dots + \delta_q x_q + \nu \quad (۳)$$

مدل شاخص های چندگانه - علل چندگانه متغیرها را به صورت انحراف از میانگین، اندازه گیری کرده و فرض می شود که جملات خطا با علل همبستگی ندارند یعنی:

$$E(X_t \vartheta'_t) = E(\vartheta'_t X_t) = 0 \quad (۴)$$

معادله (۴)، معادله اندازه گیری است که به بررسی ارتباط بین اقتصاد زیرزمینی ( $\eta_t$ ) و شاخص های نشان دهنده آن ( $y$ ) می پردازد:

$$y_t = \lambda \eta_t + \varepsilon_t \quad (۵)$$

$$\begin{bmatrix} y_1 = \lambda_1 \eta + \varepsilon_1 \\ y_2 = \lambda_2 \eta + \varepsilon_2 \\ \vdots \\ y_p = \lambda_p \eta + \varepsilon_p \end{bmatrix} \quad (۶)$$

$$\begin{bmatrix} y_1 \\ y_2 \\ \vdots \\ y_p \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} \lambda_1 \\ \lambda_2 \\ \vdots \\ \lambda_p \end{bmatrix} [\eta] + \begin{bmatrix} \varepsilon_1 \\ \varepsilon_2 \\ \vdots \\ \varepsilon_p \end{bmatrix} \quad (7)$$

که در آن:

$y' = (y_1, y_2, y_3, \dots, y_p)$  بردار  $(1 * p)$  از سری زمانی شاخص‌های نمایانگر اقتصاد زیرزمینی (آثار متغیر پنهان) است.

$\lambda' = (\lambda_1, \lambda_2, \lambda_3, \dots, \lambda_p)$  ضرایب الگوی اندازه‌گیری شده است.

$\varepsilon' = (\varepsilon_1, \varepsilon_2, \dots, \varepsilon_p)$  خطای الگوی اندازه‌گیری، بردار  $(1 * p)$  از اجزای اخلال است که هر یک از اجزای اخلال به جمله خطای آوای (نوفه) سفید هستند.

در این معادله‌ها فرض می‌شود که جملات خطای  $v$  و  $e$  دارای توزیع نرمال بوده و بین جملات خطا همبستگی وجود ندارد یعنی:

$$E(v e) = 0 \quad (8)$$

با جایگزینی معادله (۱) در معادله (۶)، الگوی فوق به صورت یک سیستم معادلات رگرسیونی به صورت زیر درمی‌آید:

$$y = \lambda(\delta' x + v) + \varepsilon$$

$$\begin{bmatrix} y_1 \\ y_2 \\ \vdots \\ y_p \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} \lambda_1 \delta_1 & \lambda_1 \delta_2 & \dots & \lambda_1 \delta_q \\ \lambda_2 \delta_1 & \lambda_2 \delta_2 & \dots & \lambda_2 \delta_q \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ \lambda_p \delta_1 & \lambda_p \delta_2 & \dots & \lambda_p \delta_q \end{bmatrix} \begin{bmatrix} x_1 \\ x_2 \\ \vdots \\ x_q \end{bmatrix} + \begin{bmatrix} \lambda_1 v + \varepsilon_1 \\ \lambda_2 v + \varepsilon_2 \\ \vdots \\ \lambda_p v + \varepsilon_p \end{bmatrix} \quad (9)$$

و شکل خلاصه شده معادلات به صورت زیر است:

$$Y = \Pi'x + Z$$

$$\begin{bmatrix} y_{11} \\ y_{21} \\ \vdots \\ y_{p1} \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} \lambda_1 \delta_1 x_{11} + \lambda_1 \delta_2 x_{21} + \dots + \lambda_1 \delta_q x_{q1} + \lambda_1 v + \varepsilon_{11} \\ \lambda_1 \delta_1 x_{11} + \lambda_2 \delta_2 x_{21} + \dots + \lambda_1 \delta_q x_{q1} + \lambda_2 v + \varepsilon_{21} \\ \vdots + \vdots + \vdots + \vdots + \vdots \\ \lambda_p \delta_1 x_{11} + \lambda_p \delta_2 x_{21} + \dots + \lambda_p \delta_q x_{q1} + \lambda_p v + \varepsilon_{p1} \end{bmatrix} \quad (10)$$

که در آن:

$\delta' = II$ : شکل خلاصه شده ماتریس ضرایب است.

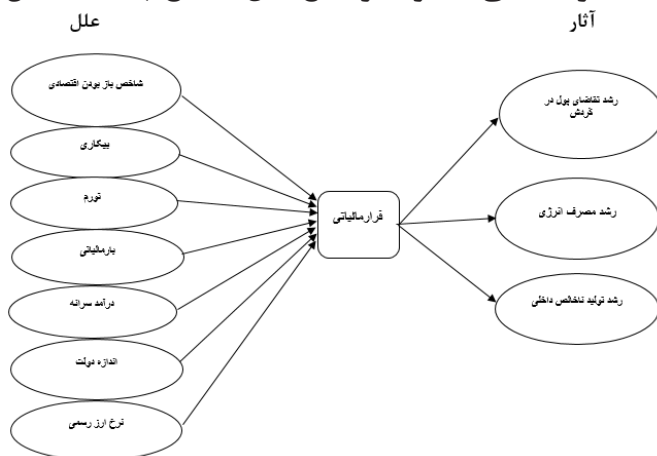
$Z = \lambda v + \varepsilon$ : شکل خلاصه شده جمله خطاست.

این سیستم معادلات با مشکل شناسایی مواجه است که برای گریز از این مشکل می‌توان یکی از عناصر  $\lambda$  را به یک مقدار از پیش تعیین شده مقید کرد. در این صورت به دست آوردن برآوردهای منحصر به فرد از پارامترها امکان پذیر خواهد بود (Bollen, 1989). تنها مسئله‌ای که در این حالت به وجود خواهد آمد این است که مقادیر برآورد شده برای هر پارامتر به صورت مطلق ارزیابی و تفسیر نمی‌شوند، بلکه به صورت نسبی (نسبت به تخمین سایر پارامترها) ارزیابی و تفسیر می‌شوند و تنها می‌توان مقادیر نسبی عوامل را تخمین زد. پس از برآورد پارامترهای الگوی فوق، با استفاده از تخمین عناصر بردار  $\delta$ ، در قالب معادله رگرسیونی که در آن روابط علل با متغیر غیر قابل مشاهده تصریح شده است، سری زمانی متغیر مشاهده نشده به دست می‌آید. البته این سری زمانی به دست آمده از اقتصاد زیرزمینی به صورت اعداد رتبه بندی شده است که محدودیت اصلی روش مورد استفاده است. چنانچه بتوان با استفاده از اطلاعات فرعی دیگر، حجم اقتصاد زیرزمینی را در یک یا چند نقطه برآورد کرد، با کمک سری زمانی مذکور می‌توان سری زمانی را از ارقام اصلی اقتصاد زیرزمینی در طول دوره مورد بررسی به دست آورد (عرب‌مازار یزدی، ۱۳۸۰).

الگوی پیشنهادی این تحقیق برای اندازه گیری فرار مالیاتی با روش شاخص چندگانه - علل

چندگانه به این صورت است:

شکل ۱. ساختار فرار مالیاتی در ایران بر اساس مدل شاخص چندگانه - علل چندگانه



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

توضیحات مربوط به متغیرهای معرفی شده در شکل ۱، در جدول ۳ توضیح داده شده است.

جدول ۳. تعریف و علائم اختصاری متغیرهای پژوهش

منبع آمار	توضیحات	متغیر تحقیق	نام متغیر در نرم افزار آموس	علامت اختصاری
بانک مرکزی ایران	رشد شاخص قیمت کالاهای مصرفی ضربدر ۱۰۰	نرخ تورم	$X_1$	INF
بانک مرکزی ایران	نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی ضربدر ۱۰۰	شاخص باز بودن اقتصاد	$X_2$	TOPEN
مرکز آمار ایران	نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال اقتصادی ضربدر ۱۰۰	نرخ بیکاری	$X_3$	UN
بانک مرکزی ایران	نسبت مالیات بر واردات بر کل واردات ضربدر ۱۰۰	بار مالیاتی	$X_4$	TB
بانک مرکزی ایران	نسبت تملک دارایی سرمایه به تولید ناخالص داخلی ضربدر ۱۰۰	اندازه دولت	$X_5$	GV
بانک مرکزی ایران	نسبت تولید ناخالص داخلی به جمعیت	درآمد سرانه	$X_6$	PI
بانک مرکزی و بانک جهانی	نرخ ارز در بازار رسمی	نرخ ارز رسمی	$X_7$	RER
بانک مرکزی ایران	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی ضربدر ۱۰۰	رشد تولید ناخالص داخلی	$Y_1$	GGDP
بانک مرکزی ایران	نرخ رشد تقاضای پول ضربدر ۱۰۰ یا حجم نقدینگی ( $M_2$ )	رشد تقاضای پول	$Y_2$	$GM_2$
ترازنامه انرژی وزارت نیرو	نرخ رشد مصرف نهایی انرژی ضربدر ۱۰۰	رشد مصرف انرژی	$Y_3$	GEC

مأخذ: یافته‌های تحقیق.



#### ۴. مدل سازی و نتایج برآورد

در این قسمت برای برآورد میزان فرار مالیاتی با روش حداکثر درست‌نمایی از بسته نرم‌افزاری آموس<sup>۱</sup> استفاده شده است که قابلیت‌های زیادی برای تخمین سیستم‌های معادلاتی دارد و در بردارنده متغیر یا متغیرهای پنهان (غیرقابل مشاهده) است. در این بخش پس از تخمین عوامل و به دست آوردن سری زمانی ارقام رتبه‌بندی شده از متغیر غیرقابل مشاهده، با استفاده از اطلاعات فرعی دیگر و با کمک سری زمانی مذکور می‌توان سری زمانی را از ارقام اصلی فرار مالیاتی در طول دوره مورد بررسی به دست آورد.

به منظور انتخاب مدل برتر از بین مدل‌های برآورد شده، دو روش مورد استفاده قرار می‌گیرد. روش اول روش فری و وک - هانمان<sup>۲</sup> (۱۹۸۴) است که براساس آن اولویت در انتخاب مدل برتر با سازگاری علائم متغیرها با مبانی نظری و معناداری ضرایب از نظر آماری است. روش دوم، روش گیلز<sup>۳</sup> (۱۹۹۹) است که در آن اولویت با شاخص‌های برازش عمومی مدل است (زراعت‌زاد، ابراهیمی و کیانی، ۱۳۹۲). رویکرد انتخاب مدل نهایی در این تحقیق، رویکرد دوگانه است. براساس این رویکرد، ابتدا مدل‌های سازگار با مبانی نظری و معنادار از نظر آماری انتخاب شده و سپس از میان آنها مدلی که از نظر معیارهای برازش عمومی در وضعیت بهتری قرار دارد، به عنوان مدل برتر انتخاب می‌شود. از این رو با توجه به اینکه در مدلیابی معادلات ساختاری، هدف رسیدن به بهترین مدل از نظر معیارهای برازش و سازگاری علائم متغیرها با مبانی نظری است، در چارچوب روش‌شناسی تحقیق پس از آزمون نرمالیده داده‌ها، تعداد زیادی مدل مورد بررسی و آزمون قرار گرفت. از میان این مدل‌ها، تعداد بسیاری از آنها با توجه به نامناسب بودن ضرایب و شرایط خاص خود مدل (مانند  $R^2$  بالای یک) حذف شدند. از بین مدل‌های باقی‌مانده، مدل‌هایی مورد بررسی بیشتر قرار گرفتند که سازگار با مبانی نظری و واقعیت‌های اقتصادی کشور بوده و با شاخص‌های برازش و آزمون معناداری ضرایب تأیید شده باشند. در نهایت از بین این مدل‌ها، دو مدل که

1. Amos

2. Frey and Weck-Hannemann

3. Gils

نتایج آنها با شدت بیشتری این شرطها را تأمین کردند به عنوان مدل‌های برتر و مناسب‌تر انتخاب شدند. در اینجا ذکر چند نکته ضروری است:

- متغیر تقاضای پول در دو حالت جداگانه به صورت تقاضای پول و رشد تقاضای پول در مدل‌ها استفاده شد و در نهایت مشخص شد که نتایج برآورد مدل با لحاظ کردن متغیر رشد تقاضای پول مناسب‌تر بوده و لذا از این متغیر در برآوردهای نهایی استفاده شد.

- براساس نتایج حاصل از برآورد و برازش مدل‌ها با لحاظ کردن دو متغیر مصرف انرژی و رشد مصرف انرژی، متغیر رشد مصرف انرژی به عنوان متغیر مورد استفاده در برآورد نهایی انتخاب شد.

- برای متغیر باز بودن اقتصادی از سه شاخص مختلف شامل نسبت جمع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی، نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی و نسبت واردات به تولید ناخالص داخلی استفاده شد که در نهایت براساس نتایج حاصل از مدل‌ها و برازش آنها، از نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخص باز بودن اقتصادی در برآورد فرار مالیاتی استفاده شد.

- با در نظر گرفتن دو متغیر رشد تولید ناخالص داخلی و تولید ناخالص داخلی در برآوردها، در نهایت از رشد تولید ناخالص داخلی برای تخمین مدل استفاده شد.

- برای متغیر بار مالیاتی از چهار شاخص مختلف شامل نسبت جمع مالیات مستقیم و مالیات غیرمستقیم به تولید ناخالص داخلی، نسبت مالیات مستقیم به تولید ناخالص داخلی، نسبت مالیات غیرمستقیم به تولید ناخالص داخلی و نسبت مالیات بر واردات بر کل واردات استفاده شد که پس از برازش مدل‌ها، از نسبت مالیات بر واردات بر کل واردات استفاده شد.

- برای متغیر اندازه دولت از بین دو شاخص نسبت هزینه مصرفی به تولید ناخالص داخلی و نسبت تملک دارایی سرمایه (هزینه عمرانی) به تولید ناخالص داخلی، براساس نتایج، شاخص دوم یعنی نسبت تملک دارایی سرمایه (هزینه عمرانی) به تولید ناخالص داخلی انتخاب شد.

برای انتخاب مدل برتر از بین دو مدل نهایی باید عملکرد شاخص‌های آماری و برازشی را مورد توجه قرار داد. معیارهای برازش عمومی آموس برای دو مدل برتر در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول ۴. نتایج برازش مدل‌های منتخب یک و دو

دو	یک	مدل	
		نام اختصاری	
۰/۷۵	۰/۷۹	CFI	شاخص برازش تطبیقی
۰/۷۴	۰/۷۵	GFI	شاخص خوبی برازش
۰/۵۳	۰/۵۶	PCFI	برازش تطبیقی مقتصد
۰/۴۸	۰/۵۰	PNFI	برازش هنجار شده مقتصد
۰/۷۱	۰/۷۱	PRATIO	شاخص نسبت مقتصد
۰/۶۸	۰/۷۱	NFI	خوبی برازش هنجار شده
۱۴۰/۴۸۱	۱۲۸/۰۳۲	AIC	معیار اطلاعات آکائیک
۳/۷۹۷	۳/۴۶۰	ECVI	شاخص اعتبار متقاطع
۰/۸۹	۰/۸۸	R <sup>2</sup>	شاخص مجذور کای دو
۲۰۱/۱۴۶	۱۸۸/۶۹۷	CAIC	سازگار معیار اطلاعات آکائیک

مأخذ: همان.

در این قسمت به بررسی شاخص‌های ارائه شده در جدول ۴ پرداخته می‌شود: شاخص مجذور کای<sup>۱</sup>، معیار اطلاعات آکائیک<sup>۲</sup> و شاخص اعتبار متقاطع<sup>۳</sup> از جمله معیارهای عمومی برازش هستند که مقادیر کوچک‌تر آنها بیانگر برازش بهتر مدل است. این معیار بر پایه این فرض استوار است که هراندازه تفاوت میان ماتریس کوواریانس حاصل از داده‌های نمونه و ماتریس واریانس و کوواریانس مدل کمتر باشد، برازندگی مدل با داده‌های تجربی بیشتر است. این معیارها تحت تأثیر حجم نمونه هستند و با تغییر نمونه مقادیر آنها نیز تغییر پیدا می‌کند (همان). علاوه بر این معیارها، می‌توان از معیارهای شاخص خوبی برازش<sup>۴</sup>، شاخص خوبی برازش تعدیل شده<sup>۵</sup>، شاخص خوبی برازش هنجار نشده<sup>۶</sup> و شاخص برازش

- 
1. Chi-square Index
  2. Akaike's Information Criterion (AIC)
  3. Expected Cross Validation Index (ECVI)
  4. Goodness of Fit Index (GFI)
  5. Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)
  6. Normed Fit Index (NFI)

تطبیقی<sup>۱</sup> استفاده کرد. این شاخص‌ها به گونه‌ای هستند که مقادیر آنها باید بین صفر و یک قرار گیرند و هرچه این مقادیر به یک نزدیک‌تر شوند نشان‌دهنده خوبی برازش و هرچه به صفر نزدیک‌تر شوند نشان‌دهنده برازش ضعیف است. این شاخص‌ها تحت تأثیر حجم نمونه نیستند و بر برتری نسبی برازش عمومی تأکید دارند. همچنین می‌توان از شاخص برازش مقتصد<sup>۲</sup> نیز استفاده کرد که درصد برازش مدل با کمترین هزینه یعنی کمترین تعداد پارامتر است. شاخص نسبت مقتصد بیانگر میزان هزینه محقق در آزاد کردن پارامتر است، یعنی این شاخص بر اساس نسبت درجه آزادی مدل تدوین شده و مقدار آن بین صفر و یک است، به گونه‌ای که هرچه به یک نزدیک‌تر شود قابلیت مدل مقتصد بیشتر می‌شود. با ضرب این نسبت در شاخص برازش هنجار شده<sup>۳</sup> و شاخص برازش تطبیقی، شاخص مقتصد به دست می‌آید. مقادیر قابل قبول برای این دو شاخص ۰/۵ یا ۰/۶ است.

#### ۱-۴. انتخاب الگوی نهایی فرار مالیاتی

پس از مقایسه ملاک‌های برازش و نتایج تخمینی الگوها، مدلی به عنوان مدل نهایی انتخاب می‌شود که در آن متغیرهای رشد مصرف انرژی، رشد تقاضای پول و رشد تولید ناخالص داخلی به عنوان آثار و متغیرهای تورم، نرخ بیکاری، نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی، نرخ ارز رسمی، درآمد سرانه، نسبت تملک دارایی سرمایه (هزینه عمرانی) به تولید ناخالص داخلی و نسبت مالیات بر واردات بر کل واردات به عنوان علل تشکیل دهنده فرار مالیاتی در نظر گرفته شده‌اند که این الگو نیز مبنای محاسبات فرار مالیاتی محسوب خواهد شد. همان‌گونه که بیان شد بر اساس نتایج به دست آمده از برآوردهای مختلف در تحقیق حاضر، شاخص‌های این الگو عملکرد نسبتاً بهتری را در مقایسه با سایر الگوها نشان می‌دهند. همچنین این الگو از نظر معنادار بودن ضرایب عوامل و آثار فرار مالیاتی در مقایسه با سایر الگوهای معرفی شده وضعیت بهتری دارد.

1. Comparative Fit Index (CFI)

2. Parsimony Fit Index (PRATIO)

3. P Normed Fit Index (PNFI)

در الگوی نهایی منتخب، متغیرهای تورم، بار مالیاتی (نرخ تعرفه)، درآمد سرانه و نرخ ارز رسمی اثر مثبت و معنادار بر فرار مالیاتی دارند. با توجه به تأثیرگذاری مثبت نرخ تورم بر میزان فرار مالیاتی می‌توان گفت از یک طرف با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، میزان فقر در جامعه افزایش یافته و توانایی تأمین زندگی از طریق انجام فعالیت‌های رسمی، برای خانواده‌های بیشتری غیرممکن شده و آنها را به فعالیت‌های اقتصاد زیرزمینی و فرار مالیاتی ناگزیر می‌کند. از طرفی با افزایش سطح قیمت‌ها، نرخ‌های مالیات بر درآمد افزایش یافته و انگیزه افراد برای فرار مالیاتی را بیشتر می‌کند. در خصوص تأثیرگذاری مثبت بار مالیاتی بر فرار مالیاتی باید این نکته را در نظر گرفت که در این مطالعه از نرخ تعرفه به‌عنوان تبیین‌کننده بار مالیاتی استفاده شده است. افزایش نرخ تعرفه می‌تواند تشدیدکننده ورود به بخش غیررسمی باشد و حرکت به سمت فرار مالیاتی را افزایش دهد. در مطالعه حاضر از بین متغیرهای مؤثر بر فرار مالیاتی، درآمد سرانه بیشترین تأثیر را بر فرار مالیاتی دارد. افزایش درآمد سرانه سبب افزایش تقاضا می‌شود که این افزایش تقاضا ممکن است شامل تقاضا برای کالاهای قانونی و غیرقانونی شود و در نتیجه این احتمال وجود دارد که از این طریق فرار مالیاتی رخ دهد. در خصوص تأثیرگذاری مثبت نرخ ارز بر فرار مالیاتی می‌توان گفت افزایش نرخ ارز به افزایش هزینه‌های واردات رسمی منجر شده، حجم قاچاق را کالا زیاد کرده و در نتیجه میزان فرار از مالیات نیز بیشتر می‌شود.

همچنین در الگوی منتخب برآورد شده، متغیرهای شاخص باز بودن اقتصادی، اندازه دولت و نرخ بیکاری، اثر منفی بر فرار مالیاتی دارد. کاهش محدودیت‌های تجاری و آزادی اقتصادی بیشتر، صادرات و واردات غیرقانونی و قاچاق را کاهش داده و از این رو فرار مالیاتی را کم می‌کند. در خصوص تأثیرگذاری منفی اندازه دولت بر فرار مالیاتی باید این نکته را در نظر داشت که اگرچه انتظار می‌رود با افزایش اندازه دولت، میزان فعالیت‌های غیررسمی بیشتر شده و احتمال فرار مالیاتی گسترش یابد، ولی در این مطالعه ضریب برآوردی این متغیر معنادار نبوده و کمترین اثر را به خود اختصاص داده است. همچنین در خصوص تأثیرپذیری منفی فرار مالیاتی از نرخ بیکاری باید توجه کرد اگرچه به‌صورت کلی انتظار بر این است که با افزایش نرخ بیکاری، تمایل افراد برای ورود به فعالیت‌های غیررسمی افزایش یافته و میزان

فرار مالیاتی گسترش یابد، اما نتایج این مطالعه بیان می‌کند که افزایش بیکاری به کاهش فرار مالیاتی در کشور منجر شده است. با توجه به اینکه نرخ بیکاری در کشور شاخصی از عملکرد عمومی اقتصاد به‌شمار رفته و افزایش آن می‌تواند حاکی از ورود به دوره رکود اقتصادی و کاهش تقاضای نیروی کار، چه برای فعالیت‌های رسمی و چه برای فعالیت‌های غیررسمی باشد، رابطه معکوس بین بیکاری و فرار مالیاتی در این تحقیق غیرمنطقی به نظر نمی‌رسد. گفتنی است تانزی (۱۹۹۹) معتقد است نظریه‌های اقتصادی نمی‌توانند به‌طور قطع جهت همکاری نرخ بیکاری و اقتصاد زیرزمینی را تعیین کنند و این رابطه بنا به شرایط کشور می‌تواند مثبت یا منفی باشد.

گفتنی است در الگوی انتخاب شده، بیشترین اثر فرار مالیاتی بر رشد تقاضای پول و همچنین در بین متغیرهای علل بیشترین تأثیر مربوط به درآمد سرانه است.

## ۲-۴. برآورد متغیر پنهان و سری زمانی نسبی و مطلق فرار مالیاتی در ایران

با توجه به الگوی ساختاری شاخص‌های چندگانه - علل چندگانه در شکل ۱ تابع معادله خطی متغیر پنهان به‌صورت زیر خواهد بود:

$$\omega_t = \varphi_1 x_{1t} + \varphi_2 x_{2t} + \varphi_3 x_{3t} + \varphi_4 x_{4t} + \varphi_5 x_{5t} + \varphi_6 x_{6t} + \varphi_7 x_{7t} \quad (11)$$

که در آن  $x_1$  تا  $x_7$  متغیرهای علی در شکل ۱ هستند که در جدول ۳ توضیح داده شده‌اند.  $\varphi_1$  تا  $\varphi_7$  ضرایب متغیرهای علی هستند که با استفاده از تخمین الگو با نرم‌افزار آموس حاصل می‌شوند. برای برآورد اولیه شاخص، کافی است به‌جای متغیرهای توضیحی مدل، مقادیر عددی آنها در معادله (۱۱) قرار گیرد تا شاخص برای هر سال به‌دست آید که این سری اعداد به‌عنوان مبنا برای محاسبه شاخص نسبی و مطلق فرار مالیاتی مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

برای تبدیل شاخص فوق به اندازه نسبی فرار مالیاتی (درصدی از تولید ناخالص داخلی) اطلاعات جانبی دیگری مورد نیاز است. برای این کار باید یک سال را به‌عنوان مبنا انتخاب و از میانگین چند مطالعه به‌عنوان معیار در تبدیلات استفاده کرد. در این مطالعه از هفت مطالعه قبلی که با روش‌های متفاوت حجم فرار مالیاتی را در ایران برآورد کرده‌اند، استفاده شد و

با توجه به اینکه همه این مطالعات سال ۱۳۸۰ را پوشش داده‌اند، این سال به‌عنوان سال پایه انتخاب می‌شود. در جدول ۵، مطالعات منتخب و اندازه فرار مالیاتی محاسبه شده آنها در سال ۱۳۸۰ به اختصار نشان داده شده‌اند.

جدول ۵. برآورد اندازه فرار مالیاتی در سال ۱۳۸۰ در مطالعات مختلف

مقدار برآورد فرار مالیاتی	روش برآورد	پژوهشگر
۲۷/۷۶	متغیر پنهان	صامتی، سامتی و دلانی (۱۳۸۸)
۲۸/۳	شبکه عصبی	فلاحتی، نظیفی و عباسپور (۱۳۹۳)
۷/۲۷	تقاضای پول	عبداله میلانی و اکبرپور روشن (۱۳۹۱)
۱۴/۳۴	علل چندگانه - آثار چندگانه	صمدی و تابنده (۱۳۹۲)
۲۰/۰۸	متغیر پنهان	زرء نژاد، ابراهیمی و کیانی (۱۳۹۲)
۹/۰۱	رویکرد پولی	تقی‌نژاد عمران و نیک‌پور (۱۳۹۲)
۲۶/۵۲	تحلیل عامل اکتشافی	غفاری و علیزاده (۱۳۹۲)
۱۹/۰۴		میانگین

مأخذ: نتایج مطالعات مختلف.

میانگین به‌دست آمده برای اندازه فرار مالیاتی سال ۱۳۸۰ در مطالعات فوق، ۱۹/۰۴ است که از این عدد به‌عنوان معیاری برای تبدیل شاخص اولیه به شاخص نسبی فرار مالیاتی به کار گرفته می‌شود و از طریق عملیات زیر انجام می‌شود (پیرایی و رجایی، ۱۳۹۴):

$$\omega_i = \omega_i^* \frac{\omega_{1380}}{\omega_{1380}^*} \quad (12)$$

$\omega_i$ : میزان فرار مالیاتی برحسب درصد تولید ناخالص داخلی.

$\omega_i^*$ : میزان شاخص که براساس معادله (۱) به‌دست می‌آید.

$\omega_{1380}$ : رقم مبنا که همان میانگین (۱۹/۰۴) است.

$\omega_{1380}^*$ : میزان شاخص در سال ۱۳۸۰ براساس برآورد انجام شده در مدل.

سری زمانی محاسبه شده برای میزان نسبی فرار مالیاتی در ایران به‌صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی به همراه سری زمانی مذکور که در مطالعات دیگر محاسبه شده، در جدول ۶ آورده شده است.

جدول ۶. سری زمانی میزان نسبی فرار مالیاتی در ایران (درصدی از تولید ناخالص داخلی)

سال	مطالعه حاضر	صمدی و تابنده (۱۳۹۲)	صادقی و شکیبایی (۱۳۸۰)	عبداله میلانی و اکبرپور روشن (۱۳۹۱)
۱۳۵۷	۶/۱۲	۱۴/۲۳	۱۶/۳	-
۱۳۵۸	۸/۵۷	۱۲/۷۲	۹/۲	-
۱۳۵۹	۱۱/۱۴	۱۰/۶۶	۹/۱	-
۱۳۶۰	۱۳/۴۳	۹/۷۵	۱۶/۱	-
۱۳۶۱	۱۵/۵۴	۱۰/۵۹	۱۲	-
۱۳۶۲	۱۸/۰۰	۱۱/۴۹	۱۱/۶	-
۱۳۶۳	۲۱/۷۲	۱۰/۹۱	۱۶/۸	-
۱۳۶۴	۲۲/۲۹	۱۰/۶۵	۱۶/۳	-
۱۳۶۵	۲۲/۲۳	۹/۳۶	۹/۴	-
۱۳۶۶	۲۴/۱۴	۹/۰۷	۷/۵	-
۱۳۶۷	۱۸/۹۷	۸/۳۳	۵/۴	-
۱۳۶۸	۲۱/۱۸	۸/۶۵	۹/۸	-
۱۳۶۹	۲۳/۹۷	۹/۵۶	۱۰/۵	-
۱۳۷۰	۲۰/۷۹	۱۰/۵۳	۱۲/۳	۸/۷۶
۱۳۷۱	۱۸/۱۷	۱۰/۹۱	۱۳/۴	۹/۳۱
۱۳۷۲	۱۸/۳۹	۱۰/۷۸	۶/۲	۵/۷۷
۱۳۷۳	۲۰/۳۴	۱۰/۷۲	۶	۵/۹۱
۱۳۷۴	۲۱/۴۷	۱۱/۰۴	۱۴/۹	۶/۱۰
۱۳۷۵	۱۹/۷۳	۱۱/۹۵	۱۳/۰۱	۷/۱۲
۱۳۷۶	۱۸/۵۳	۱۲/۳۳	۱۷/۶	۸/۷۳
۱۳۷۷	۲۱/۵۴	۱۲/۶۶	۱۳/۹	۱۱/۱۱
۱۳۷۸	۲۴/۴۶	۱۳/۰۴	۱۹/۴	۱۴/۱۰
۱۳۷۹	۲۱/۱۵	۱۳/۷۶	-	۸/۲۴
۱۳۸۰	۱۹/۰۴	۱۴/۳۴	-	۷/۲۷
۱۳۸۱	۱۶/۸۴	۱۵/۵۶	-	۵/۸۱
۱۳۸۲	۱۵/۵۱	۱۶/۶۶	-	۵/۹۰
۱۳۸۳	۱۴/۵۴	۱۷/۷۰	-	۵/۸۶
۱۳۸۴	۱۴/۰۸	۱۹/۵۰	-	۶/۴۳
۱۳۸۵	۱۳/۲۵	۲۰/۹۳	-	۵/۱۰
۱۳۸۶	۱۱/۶۸	۳۱/۳۳	-	۴/۶۲



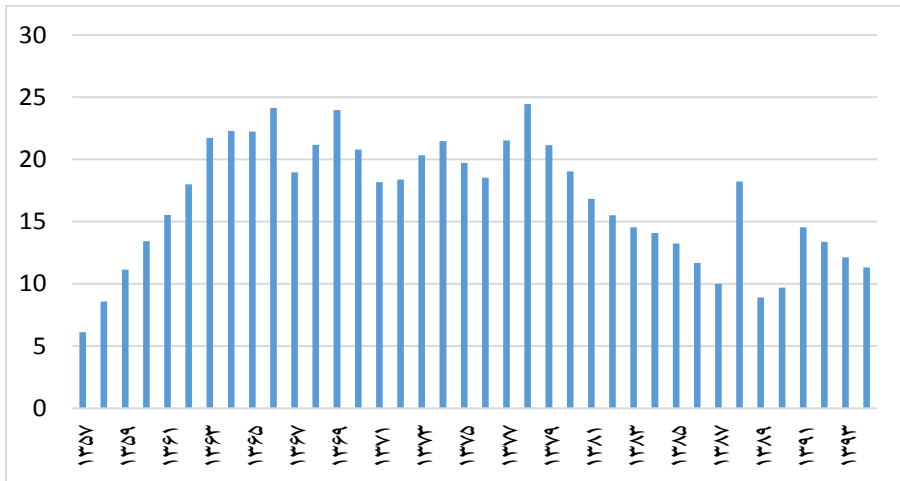
سال	مطالعه حاضر	صمدی و تابنده (۱۳۹۲)	صادقی و شکیبایی (۱۳۸۰)	عبداله میلانی و اکبرپور روشن (۱۳۹۱)
۱۳۸۷	۱۰/۰۰	-	-	۶/۳۷
۱۳۸۸	۱۸/۲۴	-	-	۷/۲۳
۱۳۸۹	۸/۹۲	-	-	۵/۰۴
۱۳۹۰	۹/۶۹	-	-	-
۱۳۹۱	۱۴/۵۶	-	-	-
۱۳۹۲	۱۳/۳۹	-	-	-
۱۳۹۳	۱۲/۱۳	-	-	-
۱۳۹۴	۱۱/۳۳	-	-	-

مأخذ: محاسبات تحقیق و نتایج مطالعات انجام شده داخلی.

همان گونه که مشاهده می شود مقایسه این اعداد به دست آمده با نتایج برخی مطالعات داخلی دیگر، وجود تفاوت هایی را در اندازه نسبی فرار مالیاتی طی دوره مورد مطالعه نشان می دهد؛ زیرا این امکان وجود دارد که اندازه فرار مالیاتی با تغییر دوره مورد مطالعه و همچنین به لحاظ علل دیگری که ممکن است به طور مستقیم یا غیرمستقیم باعث گسترش این پدیده پنهان شود، افزایش یا کاهش یابد. همچنین همان طور که بیان شد، مطالعات داخلی که طی سال های اخیر به محاسبه اندازه فرار مالیاتی در کشور پرداخته اند از روش های متفاوتی استفاده کرده اند و تفاوت در روش مورد استفاده نیز می تواند به تفاوت در نتایج به دست آمده شود. به عنوان مثال میزان فرار مالیاتی محاسبه شده عبداله میلانی و اکبرپور روشن (۱۳۹۱) با استفاده از روش تقاضای پول در همه سال های مورد بررسی، کوچک تر از اعداد محاسبه شده در تحقیق حاضر است. در محاسبه فرار مالیاتی با روش تقاضای پول فرض می شود همه معامله ها در اقتصاد غیررسمی به صورت نقدی انجام می شود، در صورتی که در واقعیت این طور نیست و تنها بخشی از معاملات اقتصاد غیررسمی به صورت نقدی انجام می شود. بنابراین همان گونه که در جدول ۶ نیز مشاهده می شود، میزان متغیر پنهان با این روش کمتر از حد واقعی، تخمین زده خواهد شد.

روند شاخص نسبی فرار مالیاتی در ایران (به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی) طی دوره زمانی مورد مطالعه در نمودار ۱ نشان داده شده است.

### نمودار ۱. اندازه نسبی فرار مالیاتی (درصدی از تولید ناخالص داخلی) در ایران طی دوره زمانی ۱۳۵۷-۱۳۹۴



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

همان‌طور که مشاهده می‌شود اگرچه روند فرار مالیاتی دارای نوسان‌هایی در بازه زمانی مورد نظر است، اما به‌طور کلی در دوره ۳۶ ساله روندی افزایشی داشته است، به‌طوری‌که از ۶/۱۲ درصد تولید ناخالص داخلی رسمی در سال ۱۳۵۷ به بیشترین مقدار خود در سال ۱۳۷۸ (۲۴/۴۶ درصد از تولید ناخالص داخلی) افزایش یافته و در نهایت در سال ۱۳۹۴ به ۱۱/۳۳ درصد رسیده است. همان‌گونه که در نمودار مشخص است، میزان فرار مالیاتی بعد از سال ۱۳۷۸ (که حداکثر مقدار را دارد) تا سال ۱۳۸۷ روندی کاهشی را طی کرده و سپس در سال ۱۳۸۸ به یک‌باره افزایش یافته است که این جهش در نتایج مطالعه امیدیه‌پور و همکاران (۱۳۹۴) و عبدالله میلانی و اکبرپور روشن (۱۳۸۰) نیز مشاهده می‌شود.

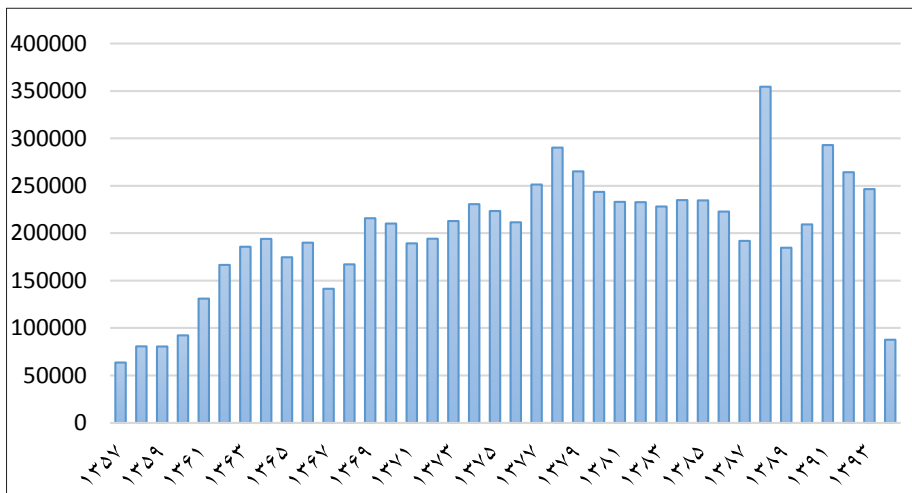
در صورتی‌که شاخص نسبی فوق در تولید ناخالص داخلی هر سال ضرب شود، مقدار مطلق فرار مالیاتی در ایران برای هر سال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۳ به‌دست می‌آید. مقادیر مطلق فرار مالیاتی محاسبه شده در جدول ۷ نشان داده شده است:

جدول ۷. مقدار مطلق فرار مالیاتی در ایران

اندازه مطلق فرار مالیاتی (میلیارد ریال)	سال	اندازه مطلق فرار مالیاتی (میلیارد ریال)	سال
۲۱۱۵۱۲/۴۵۴	۱۳۷۶	۶۳۶۶۴/۹۳۳	۱۳۵۷
۲۵۱۳۲۹/۰۷۳۲	۱۳۷۷	۸۰۷۱۵/۰۴۰۶۶	۱۳۵۸
۲۹۰۲۵۰/۹۴۰۹	۱۳۷۸	۸۰۵۴۷/۷۴۰۰۵	۱۳۵۹
۲۶۵۲۱۰/۲۴۴۲	۱۳۷۹	۹۲۳۰۴/۶۷۱۵۹	۱۳۶۰
۲۴۳۵۵۸/۳۴۷۲	۱۳۸۰	۱۳۱۰۴۵/۱۳۵۷	۱۳۶۱
۲۳۳۰۳۷/۹۳۴۵	۱۳۸۱	۱۶۶۵۶۹/۳۹۷	۱۳۶۲
۲۳۲۷۲۰/۱۲۵۲	۱۳۸۲	۱۸۵۷۳۴/۸۵۳۸	۱۳۶۳
۲۲۸۱۶۶/۳۰۷۵	۱۳۸۳	۱۹۴۰۲۱/۲۲۴۸	۱۳۶۴
۲۳۴۹۰۵/۶۵۱	۱۳۸۴	۱۷۴۶۳۸/۲۵۳۴	۱۳۶۵
۲۳۴۵۹۳/۶۴۳۳	۱۳۸۵	۱۹۰۰۱۷/۱۰۰۴	۱۳۶۶
۲۲۲۸۲۵/۹۶۵۴	۱۳۸۶	۱۴۱۴۱۳/۳۶۴۷	۱۳۶۷
۱۹۱۸۹۶/۷۴۹۶	۱۳۸۷	۱۶۷۱۷۰/۵۳۵	۱۳۶۸
۳۵۴۴۶۱/۷۶۰۹	۱۳۸۸	۲۱۵۷۹۶/۱۳۴۹	۱۳۶۹
۱۸۴۶۸۵/۰۷	۱۳۸۹	۲۱۰۱۹۰/۵۷۵۱	۱۳۷۰
۲۰۹۲۷۸/۸۴۸۸	۱۳۹۰	۱۸۹۲۹۹/۲۲۵	۱۳۷۱
۲۹۲۹۳۵/۵۱۶۲	۱۳۹۱	۱۹۴۱۹۴/۱۱۹۳	۱۳۷۲
۲۶۴۳۲۱/۱۳۲۵	۱۳۹۲	۲۱۲۸۴۶/۲۴۱۵	۱۳۷۳
۲۴۶۵۰۷/۱۱۶۱	۱۳۹۳	۲۳۰۶۲۶/۷۶۲۳	۱۳۷۴
۸۷۶۹۸/۵۳۷۲۲	۱۳۹۴	۲۲۳۴۵۸/۳۵۴۷	۱۳۷۵

نمودار ۲ مقدار مطلق فرار مالیاتی را برای هر سال در دوره ۳۶ ساله مورد بررسی نشان می‌دهد.

نمودار ۲. اندازه مطلق فرار مالیاتی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۵۷-۱۳۹۴



مأخذ: همان.

همان‌گونه که در نمودار ۲ مشاهده می‌شود مقدار فرار مالیاتی از  $63664/933$  میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ به  $87698/53722$  میلیارد ریال در سال ۱۳۹۴ رسیده است.

### ۵. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به اینکه فرار مالیاتی از اصلی‌ترین فعالیت‌های زیرزمینی بوده و هرچه شناخت عوامل مؤثر بر آن و تعیین شدت آن بر متغیرهای اقتصادی بیشتر باشد، احتمال موفقیت سیاست‌گذاران اقتصادی و مقام‌های مالی برای کنترل و کاهش رشد آن حائز اهمیت است، تحقیق حاضر با استفاده از روش علل چندگانه - شاخص چندگانه به برآورد اندازه فرار مالیاتی در ایران و بررسی علل و آثار آن طی دوره زمانی ۱۳۵۷-۱۳۹۴ با استفاده از بسته نرم‌افزاری آموس پرداخته است. پس از مقایسه ملاک‌های برازش و نتایج تخمینی

الگوهای برآورد شده، مدلی به‌عنوان مدل نهایی و مبنای محاسبات فرار مالیاتی انتخاب شد که در آن متغیرهای رشد مصرف انرژی، رشد تقاضای پول و رشد تولید ناخالص داخلی به‌عنوان آثار و متغیرهای تورم، نرخ بیکاری، نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی، نرخ ارز رسمی، درآمد سرانه، نسبت تملک دارایی سرمایه (هزینه عمرانی) به تولید ناخالص داخلی و نسبت مالیات بر واردات بر کل واردات به‌عنوان علل تشکیل‌دهنده فرار مالیاتی در نظر گرفته شده‌اند. این الگو از نظر معنادار بودن ضرایب عوامل و آثار فرار مالیاتی در مقایسه با سایر الگوهای برآورد شده وضعیت بهتری دارد. در این الگو متغیرهای تورم، بار مالیاتی (نرخ تعرفه)، درآمد سرانه و نرخ ارز رسمی اثر مثبت و معنادار بر فرار مالیاتی داشته و متغیرهای شاخص باز بودن اقتصادی، اندازه دولت و نرخ بیکاری اثر منفی بر فرار مالیاتی دارد. گفتنی است در الگوی انتخاب شده، بیشترین اثر فرار مالیاتی بر رشد تقاضای پول است. همچنین در بین متغیرهای علل، بیشترین تأثیر مربوط به درآمد سرانه است.

نتایج محاسبه اندازه نسبی فرار مالیاتی بیانگر این است که اگرچه روند فرار مالیاتی نوسان‌هایی در بازه زمانی مورد نظر دارد، اما به‌طور کلی در دوره ۳۶ ساله روندی افزایشی داشته است، به‌طوری‌که از ۶/۱۲ درصد تولید ناخالص داخلی رسمی در سال ۱۳۵۷ به بیشترین مقدار خود در سال ۱۳۷۸ (۲۴/۴۶ درصد از تولید ناخالص داخلی) افزایش یافته و در نهایت در سال ۱۳۹۴ به ۱۱/۳۳ درصد رسیده است. همچنین نتایج محاسبه اندازه مطلق فرار مالیاتی نشان می‌دهد که مقدار آن از ۶۳۶۶۴/۹۳۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ به ۸۷۶۹۸/۵۳۷۲۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۴ رسیده است.

براساس یافته‌های این پژوهش مبنی بر تأثیرگذاری مثبت نرخ تورم بر میزان فرار مالیاتی، کاهش نرخ تورم و جلوگیری از گسترش آن می‌تواند یکی از عوامل مهم و اثرگذار در کاهش فرار مالیاتی در کشور باشد که این امر با اجرای سیاست‌های پولی مناسب و انضباط مالی دولت امکان‌پذیر است. همچنین نظر به اینکه کاهش محدودیت‌های تجاری و بازر شدن اقتصاد، فرار مالیاتی را کمتر می‌کند، یکی از راهکارهای بسیار مؤثر برای مقابله با گسترش آن، کاهش محدودیت‌های قانونی عنوان می‌شود.

## منابع و مآخذ

۱. اشراف‌زاده، حمیدرضا و نادر مهرگان (۱۳۷۹). «تخمین حجم فعالیت‌های اقتصاد زیرزمینی در ایران با استفاده از روش تقاضا برای اسکناس و مسکوک در گردش»، مجموعه مقالات سومین همایش ملی بررسی پدیده قاچاق کالا، دانشگاه تربیت مدرس.
۲. امیدپور، رضا، جمشید پژیوان، تیمور محمدی و عباس معمارنژاد (۱۳۹۴). «برآورد حجم اقتصاد زیرزمینی و فرار مالیاتی: تحلیل تجربی در ایران»، پژوهشنامه مالیات در ایران، ش ۲۸ (مسلسل ۷۶).
۳. امیدپور، رضا و جمشید پژیوان (۱۳۹۶). «فرار مالیاتی در پایه مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی در ایران (برآوردهای سالانه ۱۳۹۲-۱۳۵۲)»، فصلنامه اقتصاد مالی، سال یازدهم، ش ۳۹.
۴. تقی‌نژاد عمران، وحید و معصومه نیک‌پور (۱۳۹۲). «اقتصاد زیرزمینی و علت‌های آن، مطالعه موردی ایران»، فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، سال دوم، ش ۸.
۵. پیرایی، خسرو و حسینعلی رجایی (۱۳۹۴). «اندازه‌گیری اقتصاد زیرزمینی در ایران و بررسی علل آثار آن»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال سوم، ش ۹.
۶. جعفری صمیمی، احمد (۱۳۷۸). اقتصاد بخش عمومی ۲، تهران، نشر سمت.
۷. زراءنژاد، منصور، صلاح ابراهیمی و پویان کیانی (۱۳۹۲). «برآورد حجم قاچاق کالا در ایران به روش MIMIC»، سیاستگذاری اقتصادی، سال پنجم، ش ۹.
۸. سلیمی‌فر، مصطفی و محمد کیوانفر (۱۳۸۹). «اقتصاد غیررسمی در ایران و اثر تورم بر آن»، دانش و توسعه، سال هفدهم، ۱۷ (۳۳).
۹. صادقی، حسین و علیرضا شکیبایی (۱۳۸۰). «فرار مالیاتی و اندازه اقتصاد زیرزمینی ایران (با رویکرد روش اقتصادسنجی فازی)»، نامه مفید، دوره ۷، ش ۲۷.
۱۰. صامتی، مجید، مرتضی سامتی و علی دلانی (۱۳۸۸). «برآورد اقتصاد زیرزمینی در ایران به روش MIMIC»، مطالعات اقتصاد بین‌الملل، ش ۳۵.
۱۱. صمدی، علی حسین و رضیه تابنده (۱۳۹۲). «فرار مالیاتی در ایران (بررسی علل و آثار و برآورد میزان آن)»، پژوهشنامه مالیات، ش ۱۹ (مسلسل ۶۷).
۱۲. عبدالله میلانی، مهنوش و نرگس اکبرپور روشن (۱۳۹۱). «فرار مالیاتی ناشی از اقتصاد غیررسمی»، پژوهشنامه مالیات، ش ۱۳ (مسلسل ۶۱).

۱۳. عرب‌مازار یزدی، علی (۱۳۸۰). «اقتصاد سیاه در ایران: اندازه، علل و آثار آن در سه دهه اخیر»، برنامه و بودجه، ش ۶۲ و ۶۳.

۱۴. غفاری، فرهاد و هانیه‌علیزاده (۱۳۹۲). «برآورد اندازه اقتصاد زیرزمینی در ایران و بررسی عوامل موثر بر آن»، فصلنامه علوم اقتصادی، سال هفتم، ش ۲۵.

۱۵. فلاحتی، علی، مینو نظیفی و سحر عباسپور (۱۳۹۳). «مدل‌سازی اقتصاد سایه‌ای و تخمین فرار مالیاتی در ایران با استفاده از شبکه عصبی»، فصلنامه تحقیقات توسعه اقتصادی، دوره ۲، ش ۶.

۱۶. مداح، مجید و سمیه نعمت‌الهی (۱۳۹۲). «نرخ تعرفه و فرار مالیاتی در واردات ایران از شرکای مهم تجاری»، پژوهش‌های اقتصادی، دوره ۱۳، ش ۳.

۱۷. نصرالهی، زهرا، محمدرضا فرزندگان و سمانه طالعی اردکانی (۱۳۹۱). «بررسی روند تحولات اقتصاد سایه‌ای ایران (مقایسه نرم‌افزارهای مدل‌سازی گرافیک و لیزر)»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال دوازدهم، ش ۲.

۱۸. نیلی، مسعود و منصور ملکی (۱۳۸۵). «اقتصاد غیررسمی: علل ایجاد، روش‌های تخمین و اثرات آن بر بخش رسمی»، فصلنامه شریف، ش ۳۶.

۱۹. هادیان، ابراهیم و علی تحویلی (۱۳۹۲). «شناسایی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در اقتصاد ایران»، برنامه‌ریزی و بودجه، سال هجدهم، ش ۲.

20. Allingham, M. and A. Sandmo (1972). "Income Tax Evasion: A Theoretical Analysis", *Journal of Economics*, 1(3-4).

21. Ariyo, A. and W. Bekoe (2012). "Currency Demand, the Underground Economy and Tax Evasion: The Case of Nigeria", *Journal of Monetary and Economic Integration*, 11(2).

22. Barun, M. and R. Ditella (2004). "Inflation, Inflation Variability, and Corruption", *Economic and Politics* 16.

23. Berger, M., G. Fellner, R. Sausgruber and C. Traxler (2016). "Higher Taxes, More Evasion? Evidence from Border Differentials in TV License fees", *Journal of Public Economics*, 13(5).

24. Bhattacharyya, Dlip K. (1990). "An Ecometrics Method of Estimating the Hidden Economy", United Kingdom (1960-1984): Estimates and Tests. The *Economic Journal*, 100(sep.).
25. Biswas, A. and S. Marjit (2007). "Preferential Trade and Mis – invoicing: Some Analytical Implication", *International Review of Economics and finance* 16(1).
26. Blackburn, K., N. Bose and S. Capasso (2012). "Tax Evasion, the Underground Economy and Financial Development", *Journal of Economic Behavior and Organization*, 83(2).
27. Bollen, K. A. (1989). *Structure Equation with Latent Variable*, New York , Wiley Publishing Company.
28. Crane, S. and F. Nourzad (1986). "Inflation and Tax Evasion: An Empirical Analysis", *The Review of Economics and Statistics*, 68 (2).
29. \_\_\_\_\_ (1990). "Tax Rates and Tax Evasion: Evidence from California Amnesty Data", *National tax Journal*, 43(2).
30. Dell, Anno, R., M. Gomez and A. Alanon (2007). "Shadow Economy in three Different Mediterranean Countries: France, Spain and Greece: a Mimic Approach", *Empirical Economy*, 33(1).
31. Dell'Anno, R., M. Gómez and A. Pardo (2004). *Shadow Economy in Three Very Different Mediterranean Countries: France, Spain and Greece. A MIMIC Approach*, Working Paper.
32. Embai, A. and W. C. Yu (2010). *Tax Evasion and Currency Ratio: Panel Evidence from Developing Countries*, Working Paper, College of Business, USA.
33. Feige, E. (1990). "Defining and Estimating Underground and Informal Economies the New Institutional Economics Approach", *World Development*, 18(7).
34. Frey, B. S. and H. Weck-Hannemann (1983). "Estimating the Shadow Economy: A 'Naive' approach", *Oxford Economic Paper*, 35(1).



35. \_\_\_\_\_ (1984). "The Hidden Economy as an Unobserved Variable", *European Economic Review* 26(1).
36. Gils, D. E. A. (1999). "Modeling the Hidden Economy and the tax Gap in New Zealand", *Empirical Economics*, 24.
37. Joreskog, K. and A. S. Goldberger (1975). "Estimate of a Model with Multiple Indicators and Multiple Cause of a Single Latent Variable", *Journal of the American Statistical Association*, 165(3).
38. Kemal, M. A. (2007). *A Fresh Assessment of the Underground Economy and Tax Evasion in Pakistan: Causes, Consequences, and Linkages with the Formal Economy*, Working Papers and Research Reports, University Library of Munich, Germany.
39. Schneider, F. (2005). "Shadow Economics Around the World. What to We Really Know", *European Journal of Political Economy*, 21(3).
40. \_\_\_\_\_ (2010). *Size and Development of the Shadow Economy of 31 European Countries from 2003 to 2010*, Working Paper, University of Linz.
41. Schneider, F., A. Buehn and A. Karmann (2007). *Size and Development of the Shadow Economy and of do it Yourself Activities: the Case of Germany*; Working Paper No. 14.
42. \_\_\_\_\_ (2009). "Show Economy and do it Yourself Activities: the German Case," *Journal of Institutional Theoretical/Economics*, 165 (4).
43. Schneider, F. and F. Savasan (2007). "DYMIMIC Estimates of the Size of Shadow Economies of Turkey and Neighboring Countries", *International Research Journal of Finance and Economics*, 9.
44. Shneider, F. and D. Enste (2000). "Shadow Economics Around the World: Size, Causes, and Consequences ", *Journal of Economic Literature*, 38(1).
45. Sookram, S. and P. Watson (2005). *Tax Evasion, Growth and the Hidden Economy in Trinidad and Tobago*. Institute of Social and Economic Studies, Working Paper 418.

46. Tanzi, V. (1983). "The Underground Economy in the United States: *Annual Estimates, 1930-1980*", *Staff Paper*, 30(2).
47. \_\_\_\_\_ (1999). "Uses and Abuses of Estimates of the Underground Economy", *Economic Journal*, 109.
48. Thomas, J. (1999). "Quantifying the Black Economy: Measurement without Theory Yet Again?"; *Economic Journal*, 109.
49. Zelner, A. (1970). "Estimation of Regression Relationships Containing Unobservable Variables", *International Economic Review*, 11(3).

# پارادایم دینی (اسلامی) آموزش صیانت از منابع طبیعی

علی اصغر قاسمی\* و منصور شاه‌ولی\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۹

مطالعه حاضر با هدف شناسایی و تبیین پارادایم دینی (اسلامی) آموزش صیانت از منابع طبیعی برای مواجهه با بحران‌های زیست‌محیطی عصر کنونی انجام شده است. در این مطالعه از دو روش پژوهشی اسنادی و تبیینی به‌منظور نقد و بررسی پارادایم‌های متعارف آموزش، توصیف چرایی و ضرورت تبیین پارادایم دینی (اسلامی) آموزش صیانت از منابع طبیعی استفاده شده است. تبیین هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی، روش‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی پارادایم دینی (اسلامی) آموزش صیانت از منابع طبیعی، از مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج این مطالعه است. از این رو نتایج نشان می‌دهد آموزش صیانت از منابع طبیعی ایدئال بایستی مبتنی بر بوم‌عرفتی اسلام و با رویکرد دینی باشد. در پایان، الگوی پیشنهادی آموزش صیانت از منابع طبیعی با نگاه دینی و اسلامی براساس مؤلفه‌های هدف‌غایی، گروه‌های هدف، محتوای آموزشی، تمهیدات و روش‌های آموزشی و با لحاظ کردن «دانش ماوراءالطبیعه»، «دانش علمی/تحلیلی» و «دانش و اخلاق قدسی» طراحی شد که می‌تواند مورد استفاده برنامه‌ریزان و مسئولان منابع طبیعی کشور قرار گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** پارادایم دینی (اسلامی)؛ آموزش صیانت از منابع طبیعی؛ اسلام

\* دانشجوی دکتری بخش ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)؛  
Email: tehrana40@yahoo.com

Email: shahvali@shirazu.ac.ir

\*\* استاد دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز؛

## مقدمه

منابع طبیعی، در زمره نعمت‌ها و موهبت‌های بزرگ الهی است تا آدمی در برابر آنها شکرگزار باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۶). صیانت از این منابع به رفتار آحاد جامعه وابسته است؛ زیرا طرز تلقی و نگرش آنان، بر نوع رفتار با این منابع تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، اینکه آنان چه درکی از رفتار خویش با منابع طبیعی دارند، چگونه بر آنها ارزش قایلند و بالاخره، سازنده محیطی محسوب می‌شوند که در آن پرورش یافته و با سایر موجودات آن تعامل می‌کنند (دیبايي، همتیان و آرتا، ۱۳۸۷). شناخت این موارد به این دلیل مهم است که ریشه اصلی نابسامانی‌های موجود در حفاظت از منابع طبیعی، به چگونگی درک و باورهای انسان و میزان آگاهی او نسبت به اهمیت منابع طبیعی باز می‌گردد؛ زیرا رفتارهای ما با اندیشه‌هایمان هدایت می‌شوند. به این ترتیب نقش بسیار مهم آموزش در همه سطوح در ارتقای دانش، تحلیل، اخلاق و مسئولیت‌پذیری افراد در برابر جامعه و منابع طبیعی، انکارناپذیر است (عابدی سروستانی، شاه‌ولی و محقق داماد، ۱۳۸۶).

با توجه به اینکه در فرهنگ غنی اسلامی و نیز تصریح اصول (۴۵ و ۵۰) قانون اساسی، حفاظت و صیانت از منابع طبیعی و محیط زیست یک وظیفه همگانی به حساب می‌آید و همچنین با توجه به اینکه آموزش از مؤلفه‌های تأثیرگذار توسعه هر کشور است بنابراین، انجام آموزش‌های وسیع، همه‌جانبه، مستمر و فراگیر برای تبدیل فرهنگ منابع طبیعی به معارف عمومی یک ضرورت است (دیبايي، همتیان و آرتا، ۱۳۸۷).

شناخت و توصیف واقعیت از جمله طبیعت و منابع طبیعی، قبل از ظهور و گسترش علوم انسانی اساساً در اختیار علمای مذهبی و فلسفی بوده است که به تفکر، تعمق و تحقیق می‌پرداختند و رابطه‌ای دوستانه با منابع طبیعی داشته‌اند. نگاهی تاریخی به طرز تلقی، نوع نگرش، فهم و درک، رفتار، شناخت و نوع ارزش‌گذاری انسان نسبت به منابع طبیعی، ریشه بحران‌های زیست‌محیطی را بازنمایی می‌کند. در واقع تخریب منابع طبیعی از پارادایم انسان مدرن در قالب نگاه او به خود و جهان هستی، از میزان درک و فهم وی و رابطه او با آنها ناشی می‌شود (شاه‌ولی، کشاورز و غلامعلی‌زاده، ۱۳۸۷؛ ابدی، ۱۳۹۲)، به طوری که انسان مدرن به جای اینکه به شناخت جهان و تغییر رفتار خود پردازد به تخریب طبیعت پرداخته است (اشرف، ۱۳۶۹؛ ابدی، ۱۳۹۲). به همین دلیل بحران‌های زیست‌محیطی و منابع طبیعی

معلول زندگی مدرن و پارادایم انسان مدرنی است که به دست خویش این منابع را تخریب می کند (الخباز، ۱۳۸۵). این بحران‌ها نشانه‌ای از فاجعه بزرگ‌تر یعنی دوری انسان از زندگی مطابق با خواست خداوند است. این انسان هرچه از توحید فاصله گرفته است علم و دین را در تعارض بیشتری می بیند. درحالی که اعتقاد به خلیفه‌الله بودن انسان در زمین، ضامن حفظ هماهنگی علم و دین است (کاریزی، ۱۳۸۷).

تا پیش از رنسانس و انقلاب صنعتی، نگاه و رابطه انسان‌ها با طبیعت و منابع طبیعی آن بوده است که این دو مقدس بوده و ماهیت خود را از ذات اقدس الهی برگرفته‌اند. ولی با رواج پارادایم اثبات‌گرای آگوست کنت<sup>۱</sup> این اعتقاد به وجود آمد که دوران دین و اندیشه‌های وحیانی و مقدس‌سپری شده و خدای آینده بشر، علم تجربی است و تنها این پارادایم در قالبی کمی و علمی تجربی می‌تواند در واقعیات کنکاش کرده و نتایج معتبر را کسب کند (محقق داماد، ۱۳۹۰؛ ابدی، ۱۳۹۲). به عبارت دیگر، روش شناخت انسان برای ورود به عرصه واقعیت طبیعت و طرز تلقی وی تغییر کرد و کفایت علم (Lacey, 1996) و سودمندی روش‌های علمی در همه حوزه‌های تحقیق (Medved, 2008) مورد تأکید قرار گرفت. در نتیجه، علم‌گرایی محض پایه‌ریزی شد و تحقق هدف و غایتی خارج از طبیعت، یعنی رفاه انسان برای شناخت رموز طبیعت در اولویت قرار گرفت که نتیجه آن استثمار منابع طبیعی در راستای اهداف خودخواهانه انسان مدرن بود؛ زیرا چنین تلقی می‌شد که منابع طبیعی برای همیشه وجود خواهند داشت. درحالی که این خرد و فهم انسانی رابطه نادرست وی با منابع طبیعی را وخیم‌تر کرد، زیرا رفتار و برخورد نادرست انسان با این منابع با نام علم، کار، تولید و بهره‌وری انجام می‌گرفت (رضوی، ۱۳۸۹). از این رو انسان رسالت چیرگی و تسلط (عابدی سروستانی و شاه‌ولی، ۱۳۸۸؛ Gaukroger, 2004) بر طبیعت را برگزید و خود را ارباب جهان نامید (نصر، ۱۳۸۷). او دیگر به طبیعت به‌عنوان امری مقدس توجه نداشت؛ بلکه در سایه قدرتی که از دستاوردهای فناوری‌ها و سنت‌شکنی‌های جاهلانه به دست آورد، آنها را ابزاری برای تحقق اهداف خویش تلقی کرد (ابدی، ۱۳۹۲). نکته مورد توجه این

است که بیشتر درگیری‌ها و به‌ویژه روابط خصمانه و جاهلانه با منابع طبیعی و طبیعت به دلیل تعریف، شناخت، فهم و نگرش نادرست انسان است (حاج مؤمنی، ۱۳۷۵؛ همان). پیامد چنین نگرشی، بروز بحران‌های مختلف تغییر اقلیم، خشکسالی، هجوم ریزگردها، بحران آب و... است که موجب طرح این پرسش شده است که آیا منابع طبیعی می‌تواند تداوم رفتار فعلی انسان‌ها را تحمل کند یا اینکه باید تغییر رفتار دهد؟ انسان در ابتدا، بر این باور بود که مشکلات پیش آمده در حوزه منابع طبیعی را می‌توان با فنون و فناوری‌های پیشرفته حل کرد اما در ادبیات پایداری نیمه دوم قرن بیستم چنین مطرح شد که مشکلات زیست‌محیطی که به‌دست انسان مدرن به‌وجود آمده‌اند، همه با صرف به‌کارگیری فنون و فناوری‌ها، برطرف نمی‌شود بلکه به تغییر فکر و رفتار انسان نیاز است و اهمیت این موضوع تا حدی است که سمت‌وسوی علوم زیست‌محیطی از علوم محیطی و فیزیکی به سمت علوم رفتاری در حال تغییر است (شاه‌ولی و شاه‌مراد، ۱۳۹۰).

در همین راستا، بسیاری بر این باورند که بحران زیست‌محیطی در واقع یک بحران اخلاقی، معنوی و دینی و معلول دوری انسان از آموزه‌های اخلاقی است که ناشی از غرور بشری است (محقق داماد، ۱۳۹۰) و جدایی دین از زندگی دنیوی، می‌تواند مهم‌ترین عامل بروز این بحران باشد، زیرا بوم‌شناسی انسانی، به شدت تحت تأثیر باورهای دینی انسان از ماهیت و طبیعت است. اهمیت یافتن تأثیر باورهای اخلاقی و ارزش‌های مذهبی بر رفتار با دیگران و از جمله رابطه با منابع طبیعی، تأکید بر این دارد که راه‌حل مشکلات تخریب منابع طبیعی، در بازگشت مجدد به سنت ادیان باید جستجو شود (عابدی سروسنایی، شاه‌ولی و محقق داماد، ۱۳۸۶)، زیرا ادیان به انسان کمک می‌کنند تا آگاهانه و ناخودآگاه تعامل درست با طبیعت و منابع طبیعی را شکل دهد (حدادی، ۱۳۸۷؛ ابدی، ۱۳۹۲). نقطه مشترک ادیان، معنویت و آموزه‌های اخلاقی است که طرح آموزه‌های اخلاقی مشترک نظیر صلح، عدالت و محبت را فراهم می‌آورند (مسعودنیا، ۱۳۸۹). همچنین، معرفت‌شناسان نیز معتقدند که در مجموعه باورهای هر باورمند، برخی از آنها مرکزیت دارند، به نحوی که نادیده گرفتن آنها، هزینه‌های گزافی برای فرد و جامعه به همراه خواهد داشت (شاه‌ولی و شاه‌مراد، ۱۳۹۰). بنابراین اگر انسان یک رویکرد فکری و فرهنگی همراه با معنویت دارا باشد، می‌تواند با

درک عقلانی، رحمانی و اخلاق قرآنی، زندگی و مناسبات درستی با دیگران از جمله منابع طبیعی داشته باشد (محقق داماد، ۱۳۹۰؛ ابدی، ۱۳۹۲). بشر به‌زعم این واقعیت که اشرف مخلوقات جهان است؛ در رویارویی با نیروی حیاتی تشکیل‌دهنده کل طبیعت، ناچیز و حقیر است (زاهدی، ۱۳۷۹؛ ابدی، ۱۳۹۲). به همین دلیل به نیروی وحی نیازمند است. در واقع، توحید، بنیادی‌ترین اصل اسلام است که بر این مبنا تفکر اسلامی اساس جهت‌گیری‌ها و فعالیت‌های انسان است (نقی‌زاده، ۱۳۸۹؛ ابدی، ۱۳۹۲). هر قدر پارادایم انسان‌ها ریشه‌دارتر و با طبیعت و به نهاد انسان نزدیک‌تر باشد از قدرت و توان فزون‌تری برخوردار است و نیروهای برآمده از آنها نیز تداوم بیشتری دارند. بنابراین، پدیده‌های منبعث از پارادایم اسلامی (دینی) با روح و جان انسان سازگاری دارند و مشوق رابطه منطقی و عاقلانه با خود، هم‌نوعان و طبیعت و نوع بهره‌برداری از آنهاست (بزی، ۱۳۸۱؛ ابدی، ۱۳۹۲). برای پیشگیری از تخریب هرچه بیشتر منابع طبیعی و رفتار عاقلانه و عارفانه با این نعمت‌ها و هدایای الهی، باید در راستای ارتقا و تغییر دانش و بینش آحاد جامعه تلاش‌ها و اقدام‌هایی انجام گیرد که بهره‌گیری از رهنمودهای ادیان از جمله دین مبین اسلام در کنار یافته‌های علمی از مهم‌ترین این شیوه‌هاست. به این ترتیب، نقش بسیار مهم آموزش در همه سطوح و برای بالا بردن آگاهی و مسئولیت‌پذیری افراد در صیانت از منابع طبیعی، انکارناپذیر است و به همین دلیل، دستگاه‌های متولی، بدون پرداختن به این موارد، نه تنها نمی‌توانند خود را سامان دهند بلکه، به انجام رسالت خویش نیز قادر نخواهند بود. از سوی دیگر، بررسی جایگاه فلسفه در آموزش صیانت از منابع طبیعی در حال حاضر گویای آن است که متأسفانه در آموزش صیانت از منابع طبیعی، اصولاً به فلسفه آموزش کمتر توجه می‌شود و برنامه‌های آموزشی عمدتاً با بینش صرف علمی طراحی و اجرا می‌شوند. همچنین، اگر فعالیت آموزشی در این زمینه انجام گرفته است، غالباً با فلسفه ایدئالیسم<sup>۱</sup> یا رئالیسم<sup>۲</sup> و نهایت امر پراگماتیسم<sup>۳</sup> (عمل‌گرا) است. این مکاتب در آموزش فقط به نمود انسان و محسوسات توجه می‌کنند.

---

1. Idealism  
 2. Realism  
 3. Pragmatism

ولی به نهاد انسان توجهی ندارند بنابراین نمی‌توانند به اهداف غایی مادی و معنوی آموزش دست پیدا کنند. درحالی‌که فلسفه اسلام بر این است که انسان‌ها باید آموزش ببینند تا به تکلیف خود واقف شوند که در غیر این صورت در محدوده عقل و علم تجربی خود عمل خواهند کرد که در این صورت نباید مؤاخذه شوند. درحالی‌که در قرآن کریم به این نکته اشاره شده است که «لا یكلف الله نفساً إلاّ وسعها لها ما کسبت و علیها ما اکتسبت...؛ خداوند هیچ کس را، جز به اندازه توانش، تکلیف نمی‌کند. (انسان) هر کار (نیکی) را انجام دهد، برای خود انجام داده؛ و هر کار (بدی) کند، به زیان خود کرده است» (بقره: ۲۸۶). به‌طور خلاصه فلسفه آموزش صیانت از منابع طبیعی با نگاه دینی (اسلامی)، توجه به هر دو جنبه «نمود» و «نهاد» انسان در قالب، ظرفیت‌سازی، توانمندسازی، مهیاسازی و آماده‌سازی آنها برای رویارویی با چالش‌های پیش روی صیانت از منابع طبیعی است.

## ۱. مواد و روش

روش پژوهش این مقاله از نوع تحلیل اسنادی و تبیینی است. استفاده از روش اسنادی به منظور مرور، نقد و بررسی اسناد و مدارک مرتبط با آموزش صیانت منابع طبیعی بوده است. از روش تبیینی برای توصیف چرایی و ضرورت مباحث فلسفی و دینی در آموزش صیانت از منابع طبیعی استفاده شده است.

## ۲. منابع طبیعی به‌عنوان انفال

منابع طبیعی تجدیدشونده (آب، خاک، جنگل و مرتع) نقش مهم و حیاتی در زندگی موجودات زنده جانوری و انسان دارند. بی‌تردید بدون وجود این نعمات خدادادی انسان نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. دین مبین اسلام به آنها به‌عنوان انفال و موهبت الهی اهمیت زیادی داده است. انفال یعنی بخشش‌های الهی و ثروت‌های خدادادی که باید در راه خدا و مردم مصرف شوند (قرن سفلی، کوسه غراوی و شهرکی، ۱۳۹۳) به‌طوری‌که در اولین آیه سوره مبارکه انفال، خداوند متعال به پیامبر گرامی می‌فرماید: «یَسْئَلُونَكَ عَنِ الْإِنْفَالِ قُلِ الْإِنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ...؛ ای پیامبر از تو درباره انفال سؤال می‌کنند، بگو انفال مخصوص خدا و پیامبر است» (انفال: ۱).



انفال ثروت‌های طبیعی چون زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نزارها، بیشه‌های طبیعی و مرتعی را شامل می‌شود که حریم اشخاص نیست و در اختیار حکومت اسلامی است تا براساس مصالح عامه نسبت به آنها عمل کند. شناسایی مالکیت امام مسلمین و حکومت اسلامی بر منابع طبیعی یادشده علاوه بر تعادل اقتصادی جامعه، کمک می‌کند تا حکومت ثروت ناشی از بهره‌وری انفال را در کاهش فاصله طبقاتی، عدالت اقتصادی و اجتماعی به کار گیرد. این امر در حفظ تعادل محیط زیست نیز مؤثر است؛ زیرا حکومت با وضع مقررات و اعمال آنها در زمینه منابع طبیعی و موجودات زیست‌محیطی می‌تواند از تجاوز به حریم طبیعت جلوگیری کند و با برنامه‌ریزی همه‌جانبه به توسعه محیط زیست مبادرت ورزد. لذا طراحی انفال در نظام اقتصادی اسلام برای حکومت اسلامی روشی بنیادی برای حفظ محیط زیست قبل از آلودگی و تخریب تلقی می‌شود.

مواد (۲۵ و ۲۶) قانون مدنی نیز بر مالکیت و تصرف دولت بر اموال عمومی براساس مصالح عمومی و منافع ملی اشاره دارد. بنابراین انفال در عصر غیبت در اختیار ولی فقیه و حکومت اسلامی قرار می‌گیرد تا نحوه صحیح استفاده عموم را از آنها تعیین کند و بهره‌برداری از آنها را تحت نظم خاصی در آورد؛ از این رو انفال در اختیار حکومت اسلامی است تا طبق مصالح عمومی از آنها بهره‌برداری کند (بحرانی، ۱۳۹۳).

نظر مراجع معظم تقلید از جمله آیات عظام بهجت (ره)، مکارم شیرازی، نوری همدانی، صافی گلپایگانی و موسوی اردبیلی (ره) در خصوص بهره‌برداری از انفال چنین است: هرگونه تصرف غیرمجاز و آسیب رساندن به منابع طبیعی به‌عنوان انفال شرعاً جایز نیست و بهره‌برداری از این منابع باید با نظر و اذن ولی امر مسلمین و یا حاکم شرع انجام پذیرد؛ بنابراین تخریب، تجاوز و بهره‌برداری غیرمجاز و خلاف نه‌تنها از نظر قانونی درست نبوده و جرم محسوب می‌شود بلکه مورد رضایت خداوند و امام زمان (عج) نیز نیست، پس اگر فردی مسلمان باشد نباید دست به چنین اعمالی بزند (حوزه نمایندگی ولی فقیه سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، ۱۳۹۵).

از آنجا که در احادیث شریفه ائمه (ع) مواردی بی‌شمار درباره انفال و ضرورت

صیانت از آنها آمده و با عنایت به قاعده (لاضرر) که در احادیث پیامبر (ص) و ائمه (ع) مورد تأکید است در دین مبین اسلام ضرر رساندن به دیگران به شدت مورد نکوهش است. همان‌طور که امام خمینی (ره) معتقدند قاعده لاضرر بر احکام حکومتی هم دلالت دارد. پیامبر اسلام (ص) در این خصوص می‌فرمایند: در حوزه حکومت اسلامی ضرر زدن به مؤمنان و مشکل‌آفرینی بر آنان ممنوع است. با توجه به مطالب فوق این‌گونه می‌توان نتیجه گرفت که تخریب و تصرف انفال نوعی ضرر و زیان رساندن به عموم مردم است. برای مثال، تخریب جنگل‌ها و مراتع و آلوده کردن خاک‌ها و آب‌ها باعث راه افتادن سیل‌های ویرانگر می‌شود و در نتیجه خاک‌ها شسته می‌شوند و بخشی از زمین‌های کشاورزی از بین می‌روند و به طبع باعث نابودی جان انسان‌ها و موجودات دیگر خواهد شد. در نهایت تخریب و از بین بردن منابع طبیعی مورد رضایت خداوند، پیامبر و امامان (ع) نیست.

در اصول (۴۵ و ۵۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این امر اشاره شده است؛ اما وظیفه صیانت از اراضی ملی و منابع طبیعی به‌عنوان انفال مطابق قانون برعهده سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور است که این وظیفه حاکمیتی را قائم‌مقامی از سوی رهبری و ولایت فقیه انجام می‌دهد که در صورت بروز هر نوع تخلف و تعدی در اراضی ملی، با متخلف برابر قانون رفتار می‌شود (لقمان‌پور، قاسمی و جعفریان، ۱۳۹۳).

**۳. اهمیت و ضرورت آموزش ذی‌نفعان، جوامع محلی و بهره‌برداران منابع طبیعی**  
نزدیک به ۱۳۶ میلیون هکتار از ۱۶۴ میلیون هکتار مساحت کل کشور جمهوری اسلامی ایران، تحت پوشش منابع طبیعی تجدیدشونده قرار دارد. این رقم معادل ۸۳ درصد از کل اراضی کشور است که جنگل‌ها و مراتع، بیشه‌زارها، جنگل‌های گرمسیری جنوب و اراضی بیابانی و کویری را شامل می‌شود. مسئولیت و وظیفه احیا، اصلاح، صیانت و بهره‌برداری از منابع طبیعی تجدیدشونده در این پهنه وسیع برعهده سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور است که تنها متولی تأمین فراورده‌ها و محصولات جنگلی و مرتعی و تضمین‌کننده خوراک دام و صنایع چوبی کشور و در نهایت استمرار توسعه پایدار این منابع محسوب

می‌شود. این سازمان به منظور انجام هرچه بهتر وظایف خود، ناگزیر به آموزش گروه‌های هدف است (دفتر آموزش، ترویج و مشارکت‌های مردمی سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، ۱۳۹۳).

به نظر برخی از کارشناسان آموزشی در دنیای امروز تحولات علمی و فناورانه به حدی سریع پیش می‌رود که دانش بشری هر پنج سال یک‌بار دو برابر می‌شود و این افزایش همه‌چیز را در حال تغییر و تحول قرار می‌دهد. بدین منظور سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور توجه خاصی را به موضوع آموزش در ابعاد مختلف تخصصی و متناسب با اهداف و مأموریت‌های محوله به منظور افزایش دانش فنی و اطلاعات تخصصی گروه‌های هدف مبذول می‌دارد. آموزش ذی‌نفعان و بهره‌برداران اگر با توجه به مسائل، مشکلات و نیازهای سازمان به صورت صحیح، جامع و کامل انجام پذیرد و به‌عنوان وسیله‌ای برای تحقق اهداف معین و مشخص از آن استفاده شود، اهمیت و فواید بی‌شماری دارد که برخی از آنها به شرح زیر است:

۱. تسریع و تسهیل راه نیل به اهداف سازمانی،
  ۲. بهبود کیفی و کمی محصولات یا خدمات ارائه شده از سوی سازمان،
  ۳. ایجاد هماهنگی در نحوه انجام کارهای سازمان،
  ۴. پیشگیری از تداخل وظایف، مسئولیت‌ها و دوباره کاری‌ها در سازمان،
  ۵. شکوفا کردن استعدادهای نهفته ذی‌نفعان و بهره‌برداران منابع طبیعی،
  ۶. تقویت روحیه و انگیزه ذی‌نفعان و بهره‌برداران منابع طبیعی،
  ۷. کاهش در نظارت‌های مستقیم و غیرمستقیم،
  ۸. کاهش هزینه‌های عمومی سازمان،
  ۹. افزایش میزان بهره‌وری ذی‌نفعان و بهره‌برداران،
  ۱۰. ایجاد حس انعطاف‌پذیری و مسئولیت‌پذیری ذی‌نفعان و بهره‌برداران و ایجاد زمینه رشد و موفقیت شغلی، اجتماعی، انفرادی و خصوصی،
  ۱۱. استفاده بهینه از ظرفیت‌های مجریان طرح‌ها و بهره‌برداران در مدیریت منابع طبیعی.
- ماهیت فرابخشی آموزش از سوی سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور نیز ایجاب

می‌کند که افراد حقیقی و حقوقی، از سطوح خرد تا کلان از آگاهی و نگرشی مناسب برای حفاظت، احیا، توسعه و بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی برخوردار شوند (همان).

#### ۴. صیانت از منابع طبیعی از دیدگاه دینی (اسلامی)

اسلام دینی جهان‌شمول و مدعی پاسخ‌گویی به نیازهای انسان در هر عصری است که برای همه روابط، قوانین و مقررات دارد. البته این بدان معنا نیست که برای هر موضوع با عنوان خاص و متداول امروز آن، حکم خاصی را مقرر داشته باشد، اما منابع طبیعی و محیط زیست در آموزه‌های اسلامی به‌طور عام و در نزد امامیه به‌طور خاص، ارزش ویژه‌ای دارند (فتحی و اجارگاه و فرمهینی فراهانی، ۱۳۸۲).

اسلام برای صیانت از منابع طبیعی نظرهای روشنی دارد. از نظر اسلام، طبیعت متعلق به انسان است؛ «و الارض وضعها للأنام؛ یعنی زمین را برای انسان‌ها آفریده‌ایم» (الرحمن: ۱۰)؛ یا در آیه دیگر، قرآن می‌فرماید: «... خلق لكم ما فی الارض جمیعاً...؛ همه آنچه که در زمین وجود دارد، برای شما انسان‌ها آفریده شده است» (بقره: ۲۹). این آیات نشان می‌دهند که این منابع طبیعی حق همگانی است و محدود به نسل خاص یا دوره‌ای خاص نیست بلکه برای کل بشریت است؛ بنابراین همه آحاد بشر در آن حق دارند. به تبع هر حقی یک تکلیف ایجاد می‌کند؛ یعنی هم‌زمان که بشر حق استفاده از منابع طبیعی را دارد در قبال آنها مسئولیت دارد تا آنها را برای استفاده آیندگان حفظ و صیانت کند و به تخریب آنها نپردازد و در این امانت الهی خیانت نکند؛ بنابراین همه باید این موهبت را امانت‌دارانه صیانت کنند (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره محیط زیست، ۱۳۹۵).

در دین اسلام، همانند ادیان مسیحی و یهودی، مالکیت خداوند بر مخلوقات و همچنین عمل به وظایف و دستورات خداوند در ارزیابی رفتار انسان با محیط زیست طبیعی، امری مسلم است؛ اما از ویژگی‌های جهان‌بینی اسلام در خدامحوری را می‌توان به مفهوم «محیط بودن خداوند بر همه چیز» مرتبط دانست. دیدگاه اسلامی با طرح این ویژگی، مفهومی کاملاً متفاوت و پشتوانه‌ای مناسب برای نیاز به یک جهان‌بینی کل‌نگر را برای صیانت از منابع طبیعی، ارائه می‌دهد. اهمیت این جهان‌بینی را می‌توان در پاسخ به این نیاز درک کرد که تلاش برای ارائه

یک جهان‌بینی غیرانسان‌محور با پست‌مدرنیسم، به‌جای اینکه بر مبنای رفع موانع دوجانبه‌ای باشد که باعث جدایی انسان از طبیعت می‌شود، یعنی آن چیزی که محیط زیست‌گرایان مدعی آن هستند، می‌باید بر هضم انسان در طبیعت به نحوی استوار باشد که مجدداً یگانگی انسان با همه مخلوقات از جمله طبیعت را به‌خوبی کشف و درک کرد. در این صورت، رابطه انسان با طبیعت در دیدگاه خدامحوری اسلامی می‌باید با این حقیقت درک شود که خداوند نه تنها خالق تمام هستی است بلکه بر همه مخلوقات خویش نیز احاطه کامل دارد (ابدی، ۱۳۹۲).

بررسی متون و مستندات مختلف دین اسلام، نشانگر وجود دیدگاه‌های مشخص در راستای صیانت از منابع طبیعی است. در دین اسلام صیانت از منابع طبیعی یک وظیفه تلقی می‌شود. خداوند، طبیعت را هدفمند خلق کرده و همه مخلوقات را به لحاظ کمیت و کیفیت به‌اندازه و متناسب آفریده است. مؤید این جمله گفتار خداوند در قرآن کریم است که می‌فرماید: «إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ؛ ما هر چه آفریدیم به اندازه آفریدیم» (قمر: ۴۹). پس هر چیز مقدار و حدودی دارد که باید به‌طور صحیح از آن بهره‌برداری شود تا نابود نشود. چراکه این نعمت‌های الهی فقط به این نسل تعلق ندارند بلکه به نسل‌های بعد نیز تعلق دارند. در واقع اگر اسلام بر حمایت عناصر اساسی در طبیعت و حفاظت از آنها تأکید دارد برای خیر انسان و تأمین ضروریات و نیازهای نسل‌های حاضر و آینده است. از پیامبر اکرم (ص) نیز روایت شده است که: «تَحْفَظُوا مِنَ الْأَرْضِ فَإِنَّهَا أُمَّكُمْ؛ از زمین حفاظت کنید به‌درستی که آن مادر شماست». به همین دلیل، جهان‌هستی از نظمی دقیق برخوردار و همه مخلوقات در تعادل و تناسب و به اندازه آفریده شده‌اند که هر یک از اجزا و عناصر در بقای این کره خاکی و انسان نقش دارند؛ بنابراین، هر تغییر نابجا و زیان رساندن به اجزای این نظام عظیم، حیات هستی را به خطر می‌اندازد (اسراری و آرام، ۱۳۸۷).

بنابر مباحث فوق، اسلام، طبیعت و منابع طبیعی را مقدس می‌داند و معتقد است رابطه انسان با این منابع از یک نوع قداست برخوردار است (عابدی سروستانی، شاه‌ولی و محقق داماد، ۱۳۸۶)؛ بنابراین، ارتباط انسان با منابع طبیعی، تحت تأثیر نظرها، عقاید، ارزش‌ها، افکار و رفتار اوست و تغییر در این موارد مسئولیت و بهره‌برداری وی را از منابع طبیعی تحت تأثیر قرار خواهد داد. لذا، هرگونه تلاش برای صیانت از منابع طبیعی باید از اصلاح پارادایم انسان‌ها آغاز

شود؛ زیرا این انسان‌ها هستند که سرانجام همه توصیه‌ها را بنابر چگونگی خصوصیات روانی خود تفسیر و تعبیر کرده و ممکن است آنها را به کار برند یا رد کنند (شاه‌ولی، ۱۳۷۵). در این خصوص الگوی شاه‌ولی (شکل ۱) بر این نکته تأکید دارد که حرکت از رویکرد فعلی پایداری و صیانت از منابع طبیعی که بر تفکر عمل‌گرایی تمرکز دارد باید به رویکرد توحیدی و با صیانت از منابع طبیعی تغییر یابد که حول به‌کارگیری آموزه‌های دینی برای حفاظت و صیانت از آنها می‌چرخد. به همین منظور ضروری است تا انسان‌هایی که بهره‌برداران و حافظان اصلی این منابع هستند، عمیقاً درک شوند و آموزش داده شوند (شاه‌ولی و امیری اردکانی، ۱۳۹۲). شواهد نیز نشان می‌دهند توصیه‌های فنی صرف نتوانسته‌اند به طرز مؤثری در پیشگیری از تخریب منابع طبیعی موفق باشند. از این رو، رویکرد جدید در پایداری و صیانت از منابع طبیعی باید علاوه بر عوامل فنی، متوجه انسان باشد که خواه‌ناخواه، وجه فلسفی و دینی را دربرمی‌گیرد. ولی برای صیانت از منابع طبیعی، از دیدگاه فلسفی، دینی و به‌ویژه اخلاقی، کمتر سخن به میان می‌آید. درحالی‌که بدون آموزش صحیح مباحث معنوی، قرآنی و اعتقادی، در فراگیرترین شکل فلسفی و اخلاقی آنها، هرچه از تخریب منابع طبیعی و ضرورت صیانت و حفاظت از آنها سخن به میان آید، راه به‌جایی نخواهیم برد (عابدی سروسستانی، شاه‌ولی و محقق داماد، ۱۳۸۶).

از سوی دیگر یونسکو در سال ۲۰۰۰ با انتشار کتاب جهانی‌سازی و محلی‌گرایی در آموزش عالی بر این نکته تأکید دارد که دانشگاه‌ها باید نظام آموزشی خود را براساس گلدان حکمت که بر سه پایه دانش اصلی «ماوراءالطبیعه» و دو پایه دیگر «دانش علمی - تحلیلی» و «دانش اخلاق و دین» است بنا نهند. این تنوع دانش نبض پایداری است و باعث می‌شود تا دانش‌آموختگان چنین نظام‌های دانشگاهی که آموزش‌گران، پژوهش‌گران و مسئولان حوزه‌های مختلف خواهند بود، بوم‌معرفتی خود را بشناسند و با آن سازگار باشند؛ بنابراین یونسکو، آموزش هم‌زمان دانش‌های تحلیلی، ماوراءالطبیعه و دین و اخلاق را به‌نظام‌های آموزش عالی کشورها که مسئولیت تربیت کنشگران و کارشناسان عرصه‌های گوناگون اجتماع را برعهده دارند، توصیه می‌کند (شاه‌ولی و شاه‌مراد، ۱۳۹۰).

**شکل ۱. رویکردهای فعلی و آتی برای پایداری و صیانت از منابع طبیعی**



مأخذ: شاه‌ولی، ۱۳۷۵.

با توجه به مطالب بالا، باید صیانت از منابع طبیعی با نگاه دینی (اسلامی) را مبنا قرار داد؛ زیرا تحقیقات دانشمندان علوم دینی در جهان نیز نشان می‌دهد همه ادیان الهی، به صیانت از منابع طبیعی توجه دارند (محمودزاده، ۱۳۸۷؛ شاه‌ولی، ۱۳۹۳) و کامل‌ترین توصیه‌ها را برای صیانت از منابع طبیعی دارا هستند که می‌تواند منبعی جامع برای آموزش مورد استفاده قرار گیرند (اسراری و آرام، ۱۳۸۷).

**۵. فلسفه آموزش صیانت از منابع طبیعی**

به‌طور کلی، فلسفه آموزش در هر حوزه از جمله منابع طبیعی، دارای یک نظام خاص نیست. بلکه از مطالعه و تجزیه و تحلیل مشکلات، مسائل و علایق متناقض حاکم بر عرصه‌های منابع طبیعی سرچشمه می‌گیرد. با توجه به فلسفه آموزش در جامعه، معیارهای روشن و مشخص‌کننده‌ای برای تعیین خط‌مشی‌های اساسی و انتخاب اهداف کلی و جزئی، نظام

آموزشی جامعه به دست می‌آید؛ زیرا نتیجه کلی دارا بودن یک مبنای فلسفی روشن و اعتقاد به اصول آن برای یک نهاد، این است که از تلف شدن اوقات گران‌بهای عمر نسل‌های یک جامعه و منابع مادی و معنوی آنها، جلوگیری به عمل آورد. بنابراین، فلسفه آموزش به‌ویژه در این مطالعه، باید روشن کند که چرا در جوامع مختلف، افراد برای اهداف متفاوت آموزش می‌بینند؟ هدف غایی از آموزش صیانت از منابع طبیعی چیست؟ آیا هدف غایی افراد از این آموزش یکی است؟ آیا مخاطبان مختلف این حوزه باید آموزش یکسان ببینند؟ آیا آموزش آنها باید عمومی یا تخصصی باشد؟ آیا آموزش آنها باید نظری یا عملی باشد؟ آیا آموزش آنها باید فنی یا اعتقادی باشد؟ اما سؤال کلیدی این است که چرا باید از ظرفیت همه کنشگران به‌ویژه کنشگران دینی برای آموزش صیانت از منابع طبیعی استفاده کرد؟ به این ترتیب فلسفه آموزش صیانت از منابع طبیعی با نگاه متعالی باید ویژگی‌های زیر را دارا باشد:

- تلفیقی از مبانی علمی و معرفتی باشد.

- اهداف غایی (مادی و معنوی) آموزش را باید مشخص کند.

- راه عملی ساختن اهداف آموزش را باید نشان دهد.

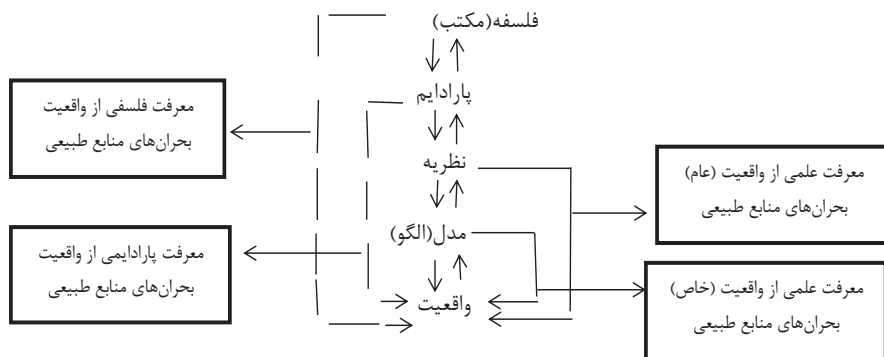
بررسی جایگاه فلسفه در آموزش صیانت از منابع طبیعی در حال حاضر گویای آن است که متأسفانه در آموزش صیانت از منابع طبیعی، اصولاً به فلسفه آموزش کمتر توجه می‌شود و برنامه‌های آموزشی عمدتاً با بینش صرف علمی طراحی و اجرا می‌شوند و اگر فعالیت آموزشی در این زمینه با نگاهی فلسفی انجام گرفته باشد، غالباً با فلسفه ایدئالیسم یا رئالیسم و نهایت امر فلسفه پراگماتیسم بوده‌اند. این در حالی است که این فلسفه‌ها در امر آموزش، به عامل انسانی نگاهی همه‌جانبه ندارند و نمی‌توانند به اهداف غایی انسان دست پیدا کنند. اما فلسفه اسلام برای آموزش این است که انسان‌ها باید آگاه شوند تا به تکلیف خود واقف شوند که در غیر این صورت در محدوده عقل و علم تجربی خود عمل خواهند کرد (حجازی، ۱۳۸۵). بنابراین مسئولان و ذی‌نفعان آموزش صیانت از منابع طبیعی به استناد مباحث یادشده، موظفند برای دستیابی به اهداف آموزشی تلاش بیشتری کنند و نواقص خود را به کارگیری ظرفیت سایر نهادهای مرتبط با موضوع آموزش منابع طبیعی از جمله نهادهای دینی برطرف کنند تا گروه‌های هدف و مخاطبان آنها، همیاران طبیعت شوند و صیانت از منابع طبیعی را به‌عنوان تکلیف بپذیرند.



## ۶. پارادایم‌های آموزش صیانت از منابع طبیعی

سطوح شناخت از واقعیت‌ها سلسله‌مراتبی دارد که بالاترین سطح آن شناخت فلسفی است. شناخت پارادایمی، پایین‌تر از شناخت فلسفی قرار دارد. این دو سطح در طراحی برنامه‌های آموزشی مورد توجه قرار نمی‌گیرند. درحالی‌که رویکردهای آموزشی باید از سطوح الگوها و نظریه‌های علمی به سطوح پارادایمی و فلسفی ارتقا پیدا کنند. سطوح الگویی و نظریه‌ای و حتی پارادایمی عموماً بر مکاتب عمل‌گرای جزءنگر، غیربومی و غیرمعرفتی مبتنی بوده که به دلیل ناسازگاری با شرایط معرفتی کشورها، پایداری را در عرصه‌های منابع طبیعی این کشور محقق نکرده‌اند. به‌عبارت‌دیگر، حداقل آنچه همه ملت‌ها را هم‌راستا و هم‌زبان می‌کند، صرفاً علم، جغرافیا، اقتصاد و فرهنگ نیست؛ زیرا هریک از این ویژگی‌ها به میزانی از تشدد برخوردارند. از دلایل دیگر ضرورت توجه به سطوح شناخت فلسفه و پارادایم این است که سطوح الگوها و نظریه‌ها جزءنگرند و تشدد بین آنها زیاد است. ولی هرچه به سمت سطوح بالاتر شناختی یعنی شناخت پارادایمی و مکتبی/فلسفی حرکت شود کل‌نگری و جامعیت در آنها بیشتر می‌شود. خوش‌بینانه‌ترین وجه آن است که در طراحی برنامه‌های آموزشی یک ترکیب متعادل از سطوح الگوها، نظریه‌ها، پارادایم‌ها و مکتب‌ها/فلسفه‌ها مورد توجه قرار گیرد (ایمان، ۱۳۸۷: ۳۵-۲۸). شکل ۲ سلسله‌مراتب شناخت در توضیح واقعیت بحران‌های منابع طبیعی را نشان می‌دهد.

شکل ۲. سلسله‌مراتب شناخت در توضیح واقعیت بحران‌های منابع طبیعی



همان‌طور که اشاره شد از مهم‌ترین سطوح شناخت واقعیت‌ها از جمله واقعیت آموزش صیانت از منابع طبیعی، توجه به سطح شناخت پارادایم است. در مطالعه حاضر، پارادایم‌های مکاتب متعدد نسبت به مقوله آموزش صیانت از منابع طبیعی مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. پارادایم‌های مکاتب «اثبات‌گرا»، «پسااثبات‌گرا»، «انتقادگرا» و «ساخت‌گرا» غالباً در آموزش صیانت از منابع طبیعی رویکردی کالبد شکافانه دو زمانه از گذشته تا حال ارائه می‌دهند. تلاش‌های آنها به دلیل توجه نداشتن به رابطه انسان با منابع طبیعی از یکسو و مادی‌گرایی آنها از سوی دیگر کارساز نبوده است. از این‌رو هرگونه تلاش برای پیشگیری از تخریب این منابع باید از اصلاح این پارادایم‌ها آغاز شود. تمرکز اصلی آموزش صیانت از منابع طبیعی، در این پارادایم‌ها انتقال فناوری‌هاست و به انسان توجه کمتری دارند. به همین دلیل یک پارادایم منطبق با فطرت انسان و احکام الهی باید ارائه داد که ماهیت فرارشته‌ای داشته باشد و تبیین‌کننده رابطه مناسب انسان با طبیعت، مبتنی بر ارزش‌های دینی باشد. این پارادایم طبق بوم‌فنی و معرفتی کشور، یک پارادایم دینی (اسلامی) خواهد بود (شاه‌ولی و ملکیان، ۱۳۹۳: ۶۸-۴۳). پارادایم دینی (اسلامی) سازگار با بوم‌فنی و معرفتی کشور، علاوه بر انتقال فناوری‌های نوین، نقش‌های دیگری همچون؛ تربیت انسان متعهد و متخصص، توانمندسازی و مهیاسازی انسان‌ها، توجه به نهادهای بومی، سازمان‌های مردم‌نهاد، تعاونی‌ها، توسعه فرهنگی، آموزش مهارت‌ها به جوامع محلی، ارتقای سطح دانش، بینش و مهارت مردم و بهره‌برداران، جلب مشارکت مردم و نهادهای دولتی در مدیریت پایدار منابع طبیعی، ارتقای بهره‌وری و اثربخشی را مدنظر دارد و به‌طور خلاصه به هر دو «نمود» و «نهاد» انسان توجه می‌کند (حسینی، ۱۳۸۰).

به‌طور کلی در طراحی پارادایم دینی (اسلامی) آموزش صیانت از منابع طبیعی باید به پنج پرسش اساسی پاسخ داد:

۱. هستی‌شناسی منابع طبیعی از منظر پیدایش، بهره‌برداری و معضلات موجود آنها چگونه باید باشد؟ (هستی‌شناسی)
۲. نگاه به انسان برای آموزش صیانت از منابع طبیعی باید چگونه باشد؟ (انسان‌شناسی)
۳. منابع طبیعی را چگونه می‌توان شناخت؟ شناخت‌شناسی این منابع چگونه باید باشد؟ (شناخت‌شناسی)
۴. روش‌های مواجهه با پیامدهای تخریب منابع طبیعی کدام است و چگونه باید باشد؟ (روش‌شناسی)
۵. چه ارزش‌هایی برای صیانت از منابع طبیعی ارجحیت دارند؟ به عبارت دیگر،

ارزش گذاری منابع طبیعی چگونه باید باشد؟ (ارزش شناسی)

پاسخ به سؤال‌های اجزای پارادایم دینی (اسلامی) آموزش صیانت از منابع طبیعی را می‌توان به شرح جدول ۱ مطرح کرد.

جدول ۱. اجزای پنج‌گانه پارادایم دینی (اسلامی) آموزش صیانت از منابع طبیعی

اجزای پارادایم	پارادایم دینی (اسلامی)
هستی شناسی	منحصر نبودن هستی به طبیعت؛ نگاه به منابع طبیعی از ورای عینیت و قایل شدن معنویت برای آن؛ ارتباط طولی بین بخش طبیعی و بخش ماوراء طبیعت؛ انسان اوج خلقت نظام هستی؛ وصل انسان به ماوراءالطبیعه؛ توجه هم‌زمان به انسان و طبیعت؛ تلقی عناصر طبیعت به‌عنوان آیات الهی؛ غایت‌مند بودن هستی؛ ترکیب عینیت و ذهنیت برای هستی؛ مراتب حیات دنیوی و اخروی انسان.
شناخت‌شناسی	بهره‌گیری توأمان از توصیفات تجربی حاصل از مشاهده‌ها و تأویل و تفسیر آنان براساس شواهد ذهنی و اکتشافات درونی و دستورهای شریعت؛ تعامل سه‌نوع پویایی افقی (صیانت از منابع طبیعی از منظر تخصص‌های مقتضی)، عمودی (صیانت از منابع طبیعی از فراسوی زمان حال) و مورب (صیانت از منابع طبیعی با در نظر گرفتن شرایط محلی و بین‌المللی)؛ شروع شناخت منابع طبیعی از طریق عینیات و در ادامه با تأکید بر تعامل عین و ذهن؛ رابطه انسان با منابع طبیعی تسخیری است نه قهری و قسری که متأثر از رابطه انسان با خالق آن است؛ توجه به بعد معنوی رابطه انسان با منابع طبیعی؛ انسان برخاسته از طبیعت و همسو و همسنج با آن است؛ تعامل انسان با منابع طبیعی و خالق آنها.
روش شناسی	تنوع در روش‌شناسی به‌دلیل تنوع در شناخت‌شناسی یعنی حس، تجربه، شهود، عقل و وحی در آموزش صیانت از منابع طبیعی (تلفیق منابع شناخت علمی، دینی و فلسفی)؛ بهره‌گیری از اسباب ذهنی) نظیر گفتگو و تفسیر(همراه با استدلال عقلی، مکاشفه، مباحثه، تفسیر و هرمنوتیک؛ بهره‌گیری از ترغیب/اقناع/ اجمال مبتنی بر مشارکت و تشریک‌مساعی گروه‌های ذی‌نفع؛ توجه به گفت‌وگو به‌جای نسخه‌پیچی؛ تغییر رویکرد از مشاهده‌گری به‌سوی پرسشگری، فرارشته‌ای و کل‌نگر؛ تحلیل و مقایسه دستاوردها به‌جای تکیه صرف بر محاسبه نتایج و ارزشیابی آنها با معیارهای سوگیرانه و یک‌جانبه.
انسان‌شناسی	توجه هم‌زمان به نمود و نهاد انسان و طبیعت؛ انسان موجودی با هویت واحد و ثابت؛ توجه به ابعاد مادی و معنوی در امر آموزش انسان.
ارزش شناسی	احترام به ارزش ذاتی منابع طبیعی و درنهایت جلب رضایت و خشنودی خالق آنها؛ توجه به ارزش‌های علمی، دینی و فرهنگی طبیعت؛ تأکید بر ارزش‌های الهی؛ توجه به قرب الهی؛ وحدانیت و اتفاق‌نظر پیرامون خواسته‌ها و انتظارات همه انسان‌ها؛ ارجحیت صیانت از منابع طبیعی تجدیدپذیر شده مطابق با دستورات خالق هستی؛ بهره‌برداری از منابع طبیعی در راه رضایت خدا؛ انسان موجودی اشرف در جهان مادی؛ پیروی از دستورات شرع مقدس برای اداره و رفتار با یکدیگر و با طبیعت.

## ۷. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

اکثر متفکران و فیلسوفان انسان‌شناس غربی و شرقی معاصر، این حقیقت را پذیرفته‌اند که وضع بسیار وخیم کره زمین ما اگر معلول چند علت باشد، قطعاً یکی از اساسی‌ترین آنها تفکیک جدی میان علوم و معنویات، ارزش‌ها و فرهنگ والای آنهاست که در روزگاری نه‌چندان دور، به‌وسیله بعضی از سطحی‌نگران با وجد و شغف فراوان برای جوامع بشری مطرح کردند. بحران زیست‌محیطی که در حال حاضر گریبان‌گیر برخی کشورهاست، از بحران معنوی، روحی و اخلاقی در آنها سرچشمه می‌گیرد. حاصل آنکه، آنچه تاکنون تحت عنوان پایداری و صیانت از منابع طبیعی انجام گرفته، چیزی بیش از فعالیت‌های فنی در استفاده از منابع نبوده و در این باره، به اصول دینی و اسلامی توجهی نشده است. این توجه نکردن باعث اشکال‌های فراوان شده است که در نهایت به تخریب منابع طبیعی انجامیده است. تبیین اصول اساسی بهره‌وری، نظیر قانون لاضرر، تعدیل غرایز انسان به نحو صحیح از طریق تعیین پاداش‌های بزرگ و کیفرهای سخت، رعایت عدالت درون‌نسلی و بین‌نسلی‌ها، توجه به خود انسان و ایجاد مسئولیت در او نسبت به اعتقادات و ارزش‌ها از جمله نقاط قوت دیدگاه دینی در استفاده از منابع طبیعت است. سخن این است که زبان جدیدی در حال تولد است که ظرفیت‌ها، ضرورت‌ها و راهکارهای خود را داراست. این زبان جدید و راهکار نو در فلسفه، دین و مذهب ریشه دارد که در آن بر شناخت انسان‌ها تأکید دارد؛ چراکه هرگونه تغییر و تحول از انسان‌ها باید آغاز شود و به طبع انسان‌ها پایداری را به‌وجود می‌آورند و پایه‌های آن را مستحکم می‌کنند؛ از این رو دیدگاه جدید در پایداری و صیانت از منابع طبیعی باید علاوه بر عوامل فنی، متوجه انسان باشد که خواه‌ناخواه وجهی فلسفی و دینی را نیز در برمی‌گیرد. با توجه به مباحث این مطالعه، آموزش صیانت از منابع طبیعی ایدئال بایستی مبتنی بر بوم‌عرفتی اسلام و با رویکرد دینی باشد. الگوی پیشنهادی آموزش صیانت از منابع طبیعی با نگاه دینی و اسلامی براساس مؤلفه‌های آن یعنی هدف‌غایی، گروه‌های هدف، محتوای آموزشی، تمهیدات آموزشی و روش‌های آموزشی به شرح شکل ۳ است.

**هدف غایی:** دلیل وجودی هر نظام آموزشی تحقق هدف‌های آن نظام است. اگر هدف‌ها به درستی شفاف‌سازی شوند، می‌توان براساس آن، استانداردهای مشخصی را برای ارزیابی عملکرد نظام آموزشی وضع کرد. بالاترین سطح آن، هدف غایی است که برای آموزش صیانت منابع طبیعی، باید تحقق کمال انسانی مدنظر باشد و برای این منظور باید اراده و اختیار انسانی، خودانگیختگی انسانی، آزادسازی انسانی و جنبه‌های نرم‌افزاری، جایگزین ابزارمداری انسان، تجربه‌گرایی و رفتارگرایی محض و جنبه‌های سخت‌افزاری شوند تا «رهایی و کمال انسانی» میسر شود. این غایت به سازمان و آموزش‌گزارش، برای آموزش با نگاه اسلامی و دینی رهنمودهایی ارائه می‌دهد. برای این منظور، آشنایی آموزش‌گران با بینش‌های فلسفی و نیز هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، شناخت‌شناختی، روش‌شناختی و ارزش‌شناختی پارادایم دینی (اسلامی) باید مدنظر قرار گیرد.

**گروه‌های هدف:** هر نهادی برای بقای خود ناگزیر است به نیازها و علائق گروه هدف خود توجه کند. منظور از گروه هدف از نظر آموزشی به افرادی اطلاق می‌شود که به حضور در دوره‌های آموزشی اقدام می‌کنند. در اکثر پارادایم‌ها، گروه هدف، مجریان طرح‌ها و بهره‌برداران پیشرو منابع طبیعی هستند. ولی در پارادایم دینی (اسلامی) تحول در گروه‌های هدف و توجه به همه مخاطبان با اولویت‌بخشی به زنان، جوانان و فقرای روستایی اهمیت بسیاری دارد.

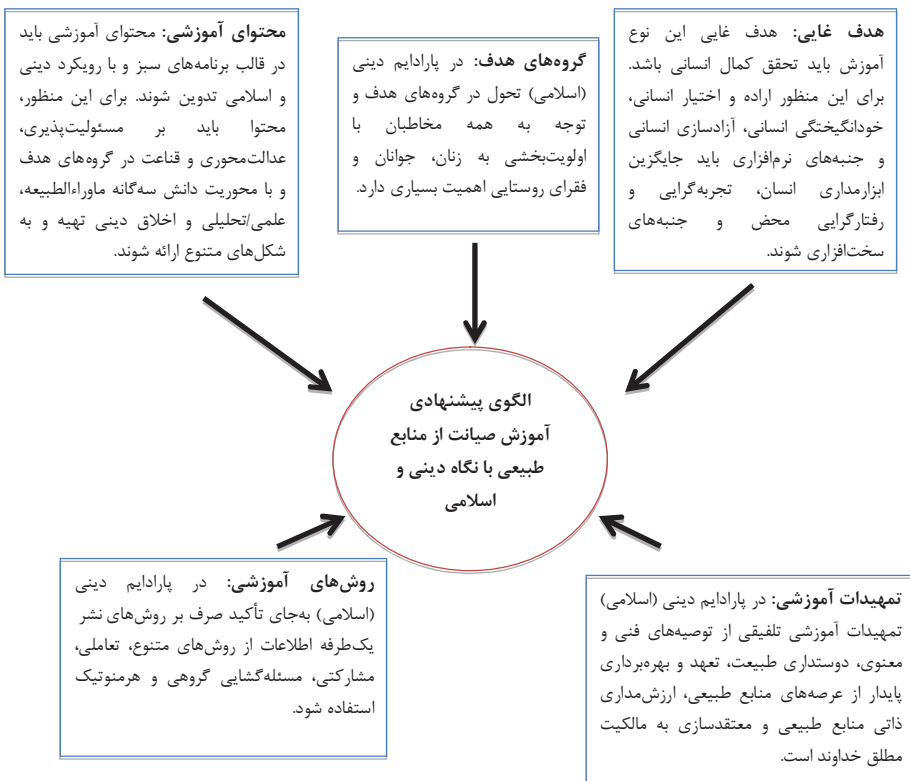
**محتوای آموزشی:** محتوای آموزشی متعارف نمی‌تواند پاسخگوی مسائل منابع طبیعی حال حاضر باشد. لذا محتوای آموزشی باید در قالب برنامه‌های سبز و با رویکرد دینی و اسلامی تدوین شوند. برای این منظور، محتوای آموزشی باید بر مسئولیت‌پذیری، عدالت‌محوری و قناعت در گروه‌های هدف و با محوریت دانش سه‌گانه ماوراءالطبیعه، علمی/تحلیلی و اخلاق دینی تهیه و به شکل‌های متنوع ارائه شوند. با انتخاب محتوای آموزشی مناسب می‌توان اثربخشی و ثمربخشی بیشتری برای آموزش گروه‌های هدف فراهم کرد.

**تمهیدات آموزشی:** در پارادایم‌های علمی از جمله اثبات‌گرا، تمهیدات آموزشی دربرگیرنده اشاعه و تنفیذ اطلاعات و دانش فنی در بین گروه‌های هدف مدنظر است. ولی

در پارادایم دینی (اسلامی) تمهیدات آموزشی باید تلفیقی از توصیه‌های فنی و معنوی، دوستداری طبیعت، تعهد و بهره‌برداری پایدار از عرصه‌های منابع طبیعی، ارزش‌مداری ذاتی منابع طبیعی و معتقدسازی به مالکیت مطلق خداوند باشد.

**روش‌های آموزشی:** آموزش‌گران منابع طبیعی برای تحقق کامل اهداف آموزشی باید دوره‌های آموزشی بین‌رشته‌ای و فرارشته‌ای را گذرانده باشند و به‌جای تأکید صرف بر روش‌های نشر یک‌طرفه اطلاعات، روش‌های متنوع، تعاملی، مشارکتی، مسئله‌گشایی گروهی و هرمنوتیک را مورد توجه قرار دهند.

### شکل ۳. الگوی پیشنهادی آموزش صیانت از منابع طبیعی با نگاه دینی و اسلامی



## منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابدی، بیژن (۱۳۹۲). «شبه‌سازی رفتار مصرف انرژي گلخانه‌داران استان همدان با تأکید بر پارادایم متعالی»، رساله دکتری ترویج و آموزش کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز.
۳. اسراری، الهام و مهرداد آرام (۱۳۸۷). «نگاهی به محیط زیست از دیدگاه قرآن کریم»، مجموعه مقالات بخش مقاله‌نویسی بیست‌وپنجمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، جلد سوم، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع).
۴. اشرف، سیدعلی (۱۳۶۹). «تعلیم و تربیت: مفاهیم اسلامی و جامعه نوین»، ترجمه بهرام محسن‌پور، فصلنامه تعلیم و تربیت، ش ۴.
۵. الخباز، یوسف (۱۳۸۵). «این ساحره افسونگر! (اسلام، مصرف‌گرایی و بحران زیست‌محیطی)»، ترجمه آشتیانی، مجله سوره، ش ۲۶.
۶. ایمان، محمدتقی (۱۳۸۷). «ارزیابی پارادایمی انسان به‌عنوان عنصر اساسی در طراحی پارادایم الهی»، فصلنامه حوزه و دانشگاه، روش‌شناسی علوم انسانی، سال چهاردهم، ش ۵۴.
۷. بحرانی، عبدالعلی (۱۳۹۳). منابع طبیعی در کلام وحی، انتشارات اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان فارس.
۸. بزی، خدا رحم (۱۳۸۱). «ایدئولوژی اسلامی و محیط زیست»، مجله وقف میراث جاویدان، ش ۳۹ و ۴۰.
۹. جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۸۶). اسلام و محیط زیست، تهران، انتشارات مرکز نشر اسراء.
۱۰. حاج مؤمنی، علی‌اکبر (۱۳۷۵). «دین و دنیای معاصر»، نامه فرهنگ، ش ۲۳.
۱۱. حجازی، یوسف (۱۳۸۵). چهار بنیان آموزش کشاورزی و منابع طبیعی، چاپ اول، انتشارات پونه.
۱۲. حدادی، محسن (۱۳۸۷). «مبانی اخلاق زیست‌محیطی در ادیان»، مجله اطلاعات حکمت و معرفت، ش ۳.
۱۳. حسینی، سید محمود (۱۳۸۰). «جزوه جامعه‌شناسی توسعه روستایی»، گروه ترویج و آموزش دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران.
۱۴. حوزه نمایندگی ولی‌فقیه سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور (۱۳۹۵). منابع طبیعی تجدیدشونده و آموزه‌های دینی، انتشارات سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور.
۱۵. خاک، عباس (۱۳۸۸). «اسراف و بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی»، نشریه سبزینه، سال چهارم، ش ۳۵.
۱۶. دفتر آموزش، ترویج و مشارکت‌های مردمی سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور (۱۳۹۳). نقش

- و عملکرد آموزش در سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، انتشارات دفتر آموزش، ترویج و مشارکت‌های مردمی.
۱۷. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره محیط زیست (۱۳۹۵). نهضت حفظ محیط زیست، انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۸. دیبایی، شادی، فریبا همیتیان و فاطمه آرتا (۱۳۸۷). برنامه جامعه آموزش همگانی محیط زیست، چاپ اول، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
۱۹. رضوی، سیدمسعود (۱۳۸۹). «احتضار طبیعت (گفتگو با سید حسین نصر)»، مجله اطلاعات حکمت و معرفت، سال پنجم، ش ۴.
۲۰. زاهدی، محمدجواد (۱۳۷۹). نقش دین: گفتگوی توین بی وایکه دا»، فصلنامه هفت آسمان، ش ۷.
۲۱. شاه‌ولی، منصور (۱۳۷۵). «آیا کشاورزی پایدار ریشه در توصیه‌های فنی و / یا مذهب و فلسفه دارد؟» مجموعه مقالات اولین سمینار اقتصاد کشاورزی ایران، جلد دوم، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۲۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳). «جزوه درسی بینش‌های فلسفی در آموزش»، بخش ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه شیراز.
۲۳. شاه‌ولی، منصور، قادر عربی و مسعود بیژنی (۱۳۸۲). «یادگیری دانش سه‌گانه»، اصفهان، انتشارات نصح.
۲۴. شاه‌ولی، منصور، مرضیه کشاورز و ثمیه غلامعلی‌زاده (۱۳۸۷). «تبیین بنیان‌های فلسفی الگوی ترویج کشاورزی تحت شرایط جهانی شدن»، ماهنامه جهاد، ش ۲۸۳ و ۲۸۴.
۲۵. شاه‌ولی، منصور و عاطفه ملکیان (۱۳۹۳). «طراحی الگوی ارتباطی و اطلاع‌رسانی به‌منظور توانمندسازی زنان عضو صندوق اعتبارات خرد روستای لپویی استان فارس با پارادایم توحیدمحور»، فصلنامه روستا و توسعه، سال هفدهم، ش ۳.
۲۶. شاه‌ولی، منصور و لیلا شاه‌مراد (۱۳۹۰). «تبیین رویکرد متعالیه برای آموزش زیست‌محیطی ایران ۱۴۰۴»، همایش ملی آموزش در ایران ۱۴۰۴، تهران، لوح فشرده مقالات، کد مقاله ۳۱۱.
۲۷. شاه‌ولی، منصور و محمد امیری اردکانی (۱۳۹۲). «روش‌شناسی پژوهش در دانش بومی کشاورزی»، تهران، انتشارات سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی.
۲۸. عابدی سروسستانی، احمد، منصور شاه‌ولی و سیدمصطفی محقق داماد (۱۳۸۶). «ماهیت و دیدگاه‌های اخلاق زیست‌محیطی با تأکید بر دیدگاه اسلامی»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال دوم، ش ۱ و ۲.



۲۹. عابدی سروسنایی، احمد و منصور شاه‌ولی (۱۳۸۸). «نقش ترویج در ارتقاء اخلاق زیست‌محیطی کشاورزان»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال چهارم، ش ۱ و ۲.
۳۰. فتیحی واجارگاه، کوروش و محسن فرمهینی فراهانی (۱۳۸۲). دانش زیست‌محیطی زنان برای توسعه پایدار، چاپ اول، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۳۱. فصیحی، امان‌الله (۱۳۸۹). «بررسی کارآمدی نظریه کارکردگرایی»، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، سال اول، ش ۲.
۳۲. قزل سفلو، ابوطالب، یازمیراد کوسه غراوی و محمدرضا شهرکی (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر شناخت منابع طبیعی و آبخیزداری، انتشارات اداره کل منابع طبیعی استان گلستان.
۳۳. کاریزی، محسن (۱۳۸۷). «ادیان و محیط زیست»، مجله اطلاعات معرفت و حکمت، ش ۳.
۳۴. لقمان‌پور، مجید، علی اصغر قاسمی و وحید جعفریان (۱۳۹۳). «افق و چشم‌انداز ترویج و آموزش منابع طبیعی و محیط زیست»، مجموعه مقالات همایش ملی چشم‌انداز توسعه پایدار روستایی در برنامه ششم توسعه کشور، دانشگاه تهران.
۳۵. محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۰). «الهیات در محیط زیست (گزارشی از آرمان‌شهر علامه اقبال لاهوری)»، فصلنامه اخلاق زیست‌محیطی، سال اول، ش ۱.
۳۶. محمدی، مسلم (۱۳۹۰). «ابعاد هویت‌یابی نظام اخلاقی دین با تأکید بر جنبه‌های کارکردگرایی»، فصلنامه اندیشه نوین دینی، سال هفتم، ش ۲۷.
۳۷. محمودزاده، احمد (۱۳۸۷). «تحقق سند چشم‌انداز ۲۰ ساله»، خبرگزاری فارس، شماره ۸۷۱۰۰۲۰۴۰۱، قابل دسترسی در: [www.farsnews.com/newstext](http://www.farsnews.com/newstext).
۳۸. مسعودنیا، حسین (۱۳۸۹). «جهانی‌شدن و ادیان توحیدی: فرصت‌ها و چالش‌ها»، پژوهش، سال نوزدهم، ش ۵۵.
۳۹. مقدم، سعید و کریم‌خان محمدی (۱۳۹۰). «نقد و بررسی زمینه‌های معرفتی و وجود نظریه کارکردگرایی دورکیم»، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، سال دوم، ش ۳.
۴۰. ملک‌محمدی، ایرج (۱۳۸۶). «جزوه درسی بینش‌های فلسفی در ترویج»، دانشگاه تهران، گروه ترویج و آموزش کشاورزی.
۴۱. نصر، سیدحسن (۱۳۸۷). «انسان و طبیعت، بحران معنوی انسان متجدد»، ترجمه احمدرضا جلیلی، نقد و نظر، سال چهارم، ش ۳ و ۴.

۴۲. نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۹). «تفکر توحیدی و سازمان فضایی شهر»، فصلنامه کتاب ماه هنر، ش ۱۴۴.

43. Gaukroger, S. (2004). *Francis Bacon and the Transformation of Early-Modern Philosophy*, Cambridge University Press.

44. Lacey, A. R. (1996). *A Dictionary of Philosophy*, Third edition, University of London.

45. Medved, D. (2008). *Hidden Light: Science Secrets of the Bible*, The Toby P Rress/ KorenPub.

# مدل رهبری دانشوران در سازمان‌های دانش‌بنیان ایران:

## رویکرد تئوری داده‌بنیاد

علی آتشی، \* عباسعلی رستگار \* و حسین دامغانیان \*\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۲

با نگاه به دانش به‌عنوان سرمایه اصلی شرکت‌های دانش‌بنیان و توجه به تفاوت‌های رفتار دانشوران با دیگر کارکنان، می‌توان مهم‌ترین چالش‌های این شرکت‌ها را انگیزش، نفوذ و رهبری دانشوران دانست. هدف این پژوهش شناخت مدل و مؤلفه‌های رهبری دانشوران در سازمان‌های دانش‌بنیان ایران است که در زمره مطالعات کیفی و به روش تئوری داده‌بنیاد اجرا شده است. از این رو با تدوین پروتکل مصاحبه، پژوهشگران با استفاده از نمونه‌گیری نظری به انتخاب اعضای نمونه آماری و انجام مصاحبه‌های عمیق و اکتشافی پرداختند. پس از اجرای ۱۵ مصاحبه و انجام مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی، مدل رهبری دانشوران شامل ۱۶ کد محوری استخراج شد. مقوله محوری سبک رهبری مبتنی بر اعتماد متقابل شامل مؤلفه‌های حکمرانی اخلاق و عدالت، فرهنگ شفاف و غیرسیاسی، خیرخواهی متقابل، کنترل تخصصی تفویض شده و توسعه کارگروهی و مشارکتی است و راهبردهای انگیزش از طریق: اعتماد، شرایط کاری، شغل و جبران خدمات از دیگر یافته‌های این پژوهش است. همچنین تأکید می‌کند سازمان‌های حمایتی در بدنه جمهوری اسلامی ایران باید در قالب آموزش‌های کسب‌وکار و مدیریتی علاوه بر آموزش‌های فنی، مدیران این سازمان‌ها را توانمند سازند تا بتوانند در فضای رقابت داخلی و بین‌المللی فعال بمانند.

کلیدواژه‌ها: رهبری دانشوران؛ سازمان‌های دانش‌بنیان؛ تئوری داده‌بنیاد؛ رهبر دانشی؛ مدل رهبری دانشوران

\* دانشجوی دکتری مدیریت رفتاری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری؛ دانشگاه سمنان؛

Email: ali.atashi@semnan.ac.ir

\*\* دانشیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری، دانشگاه سمنان (نویسنده مسئول)؛

Email: a\_rastgar@semnan.ac.ir

\*\*\* دانشیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری، دانشگاه سمنان؛

Email: hdamghanian@semnan.ac.ir

## مقدمه

سازمان‌های دانش‌بنیان نقش مهمی در اقتصاد دانش‌محور امروزی ایفا می‌کنند (Wu and Lee, 2017: 1). سازمان‌های دانش‌بنیان قادرند به توانمندی‌هایی دست یابند که از نیرویی اندک، قدرتی عظیم بیافرینند و خاصیت اهرمی و اثر پروانه‌ای را در خدمت اهداف سازمان قرار دهند (رحمان‌سرشت و ذبیحی، ۱۳۹۵: ۲). با این وجود این شرکت‌ها در مسیر رشد خود، با چالش‌های مختلف خارجی و داخلی روبه‌رو هستند. در محیط خارجی آنها با مشکلاتی از قبیل تأمین سرمایه مورد نیاز، فروش محصولات یا خدمات تولید شده، عدم حمایت دولت در برابر واردات بی‌رویه، کالای قاچاق و بسیاری از مشکلات دیگر مواجهند. در محیط داخلی اما این شرکت‌ها مسائل متفاوت‌تری نسبت به دیگر سازمان‌ها دارند. چالش‌های مربوط به مدیریت منابع انسانی و رفتار سازمانی از مهم‌ترین این مسائل است و چنانچه به‌درستی مدیریت نشود، مشکلات فراوانی برای سازمان‌های دانش‌بنیان ایجاد می‌کند.

با مدنظر قرار دادن دانش به‌عنوان سرمایه اصلی شرکت‌های دانش‌بنیان، می‌توان گفت چالش رهبری کارکنان دانشی که از آنها به «دانشور» تعبیر می‌شود، مهم‌ترین مسئله داخلی این شرکت‌هاست (Bildstein, Gueldenberg and Tjitra, 2013). دانشور شخصی است که فعالیت‌های برنامه‌ریزی، پژوهش، تجزیه و تحلیل، ساماندهی، ذخیره‌سازی، توزیع، بازاریابی، انتقال و تجارت اطلاعات و تولید دانش را انجام می‌دهد (Lakeshman, 2009). این کارکنان از مغز خود برای تبدیل نظرها و ایده به محصولات، خدمات و فرایند استفاده می‌کنند (Phil-Thingvad, 2014).

پژوهش‌های مختلف (Yao and Fan, 2015; Bildstein, Gueldenberg and Tjitra, 2013; Lakeshman, 2009) بیان کرده‌اند که رفتار دانشوران با دیگر کارکنان متفاوت است و این باعث تفاوت در نحوه انگیزش و رهبری ایشان می‌شود. از دیگر سو، در این شرکت‌ها فاصله دانشی بین رهبر با دانشوران بسیار کمتر از دیگر شرکت‌هاست و این تفاوت رفتار سازمانی را منجر می‌شود (Jayasingam, Ansari and Jantan, 2010). از این رو مسئله آن است که الگوهای مدیریت در عصر دانش دیگر به تسهیل بهره‌وری دانشوران قادر

نیستند (Bildstein, Gueldenberg and Tjitra, 2013). هامل<sup>۱</sup> (۲۰۰۹: ۹۱) نیز این‌طور نتیجه‌گیری کرده است که مدیریت برای عصر جدید باید بازنگری شود و این شرایط محدودیت‌هایی بر رهبری کلاسیک وارد می‌کند، چراکه رهبری کلاسیک تنها به نفوذ رهبر برای به‌دست آوردن تعهد و انگیزه پیروان در جهت تمرکز بر اهداف سازمانی تکیه دارد (Clarke, 2013) در این میان با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد دانشوران (از جمله تمایل به استقلال کاری، گریز از کار تیمی و غیره)، نیاز به شناخت مدل رهبری متفاوتی برای ایشان احساس می‌شود (Hwang, 2016: 3).

از مرور ادبیات و پیشینه پژوهش‌ها در زمینه رهبری دانشوران این‌گونه برمی‌آید که غالباً بررسی اثر یک متغیر بر رهبری دانشوران (Edgar, Geare and O’Kane, 2015)، یا بعضاً اثر یک یا چند متغیر بر فقط یکی از مؤلفه‌های رهبری دانشوران (همانند انگیزش) در دستور کار بوده است (Nair and Vohra, 2010; De Sousa and Dierendonck, 2010) و کماکان جای خالی مدلی احساس می‌شود که بتواند مؤلفه‌های جامع‌تری برای رهبری دانشوران در نظر بگیرد. از این‌رو شاید سبک‌های رهبری برای سازمان‌های دانش‌بنیان کم‌وبیش مطرح شده باشند (Amar and Hlupic, 2016; Bildstein, Gueldenberg and Tjitra, 2013) اما نگاه این سبک‌های رهبری بیشتر به محیط و مؤلفه‌های سازمانی بوده و از منظر مدیریت دانشوران، پژوهش‌ها در زمینه رهبری سازمان‌های دانش‌بنیان دارای خلأ هستند و به‌طور ویژه تاکنون پژوهشی انجام نشده است که ارائه‌دهنده مدل رهبری دانشوران در سازمان‌های دانش‌بنیان باشد. اهمیت و ضرورت انجام پژوهش در حوزه شرکت‌های دانش‌بنیان از آنجا نشئت می‌گیرد که سودآوری بالای شرکت‌های فعال در حوزه دانش‌بنیان در کشورهای پیشرو مانند آمریکا و ژاپن باعث شده است تا در ایران نیز موضوع شرکت‌های دانش‌بنیان و اقتصاد دانش‌بنیان بیش از پیش پررنگ‌تر شود. به‌طوری‌که به اذعان معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، تا شهریور سال ۱۳۹۶، ۱۸ هزار شرکت در سامانه شرکت‌های دانش‌بنیان این معاونت ثبت‌نام کرده و بیش از ۱۰ هزار شرکت اطلاعات خود را تکمیل کرده‌اند و ۳۲۰۰ شرکت به‌عنوان

دانش‌بنیان پذیرفته شده‌اند (صاحبکار خراسانی، ۱۳۹۶). از طرف دیگر با توجه به اینکه ایجاد و شکل‌گیری نظریه دانش‌بنیان در کشورهای پیشرفته شکل گرفته است، پیاده‌سازی و اجرای آن در ایران با مسائل متعددی روبه‌رو است و این سؤال را مطرح می‌کند که شرکت‌های دانش‌بنیان در چه شرایطی قابلیت رشد و بهره‌وری دارند؟ پاسخ به این سؤال ابعاد متعددی دارد که یکی از آنها ناظر به شرایط داخلی سازمان و بهره‌برداری مؤثر از نیروهای دانشور موجود در سازمان است. از این‌رو توسعه و معرفی مدلی که بتواند پیش‌آیندها، عوامل زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر و راهبردهای رهبری در این سازمان‌ها را تبیین کرده و خروجی حاصل از یک رهبری اثربخش را در این نوع از سازمان‌ها معرفی کند، از ضرورت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. سؤال پژوهش حاضر آن است که مدل رهبری دانشوران در سازمان‌های دانش‌بنیان چگونه است؟

## ۱. تعاریف

### ۱-۱. دانشور

اولین بار دراکر<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) دانشور را این‌گونه تعریف کرد: «کسی که بیش از هر کس دیگری در سازمان در مورد کار و شغلش می‌داند». تعریف داوینپورت<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) بدین شرح است: «دانشوران میزان بالایی از تخصص، آموزش یا تجربه را همراه دارند و هدف ابتدایی مشاغل آنها شامل خلق، توزیع و به‌کارگیری دانش است». در تعریف دیگری واژه دانشور اشاره به کارکنانی دارد که سطوح بالایی از تحصیلات و/یا تجربه را در یک حوزه خاص دارند و از مهارت‌های شناختی خود برای حل مسائل پیچیده استفاده می‌کنند (Hayaman and Elliman, 2000) در منتهای این طیف می‌توان به تعریف هوریب<sup>۳</sup> (۱۹۹۹) اشاره کرد که کارهای فیزیکی که با دست انجام می‌شوند را از زمره کار دانشی خارج ساخته است. از نظر وی دانشور کسی است که با فکر خود - و نه با دستان خود - با خلاقیت، تحلیل، ترکیب و قضاوت کردن ایجاد ارزش می‌کند. به نظر می‌رسد تعریف اول آنچنان حوزه وسیعی از کارکنان را شامل شود که

1. Drucker  
2. Davenport  
3. Horibe

جدا کردن دانشوران از سایر کارکنان معنای چندانی دربر نداشته باشد و از این رو دشواری مطالعه رفتار دانشوران را دربر خواهد داشت. لذا مقاله حاضر تعریف دوم را به‌عنوان تعریف مناسب‌تر انتخاب می‌کند، تا بتواند با استفاده از ایجاد تمایز بین انتظارها و رفتار دانشوران و سایر کارکنان، مدل رهبری ایشان را استخراج کند.

## ۲-۱. رهبری و رهبری دانشی

بیشتر تعاریف رهبری بر مفهوم آن تأکید دارند؛ مانند اینکه رهبری فرایندی است؛ رهبری شامل تأثیر است، رهبری در محیط گروهی معنا پیدا می‌کند و به معنای تعامل بین رهبر و پیروان است (فانی، حمدان و خائف الهی، ۱۳۸۹). نقش رهبر دانشی از نظر سینگ<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) «ایجاد چشم‌انداز استراتژیک، انگیزش دانشوران، برقراری ارتباط مؤثر، فعالیت به‌عنوان عامل تغییر، هدایت افراد در حیطه سازمان و مدل کردن رویه‌های خوب است».

## ۳-۱. سازمان دانش‌بنیان

سازمان دانش‌بنیان مفهوم جدیدی است که با ظهور اقتصاد دانش‌بنیان شکل گرفته است. در سازمان‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان، کالاها و خدمات دانشی تولید می‌شود. سازمان‌های دانش‌بنیان به توانمندی‌هایی دست می‌یابند که قادرند از نیرویی اندک، قدرتی عظیم بیافزایند و خاصیت اهرمی و اثر پروانه‌ای را در خدمت اهداف سازمان قرار دهند (رحمان سرشت و ذبیحی، ۱۳۹۵: ۲). کونیگوا، اورباکوا و فجفار<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) دانش‌محوری، حفاظت از مالکیت معنوی و ارتباط مؤثر و قوی با مشتریان را از ویژگی‌های اصلی کسب‌وکارهای دانش‌بنیان می‌دانند. لزوم ایجاد تحولی اساسی در فرایندهای سازمانی، مدیریت و رهبری، ظهور مفاهیم یادگیری سازمانی و سازمان یادگیرنده و همچنین ضرورت توجه به موضوعات مربوط به خلاقیت و نوآوری برای دستیابی به مزیت رقابتی را می‌توان به‌عنوان محرک‌های اصلی شکل‌گیری سازمان‌های دانش‌بنیان مطرح کرد (همان: ۳). در قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان که مجلس

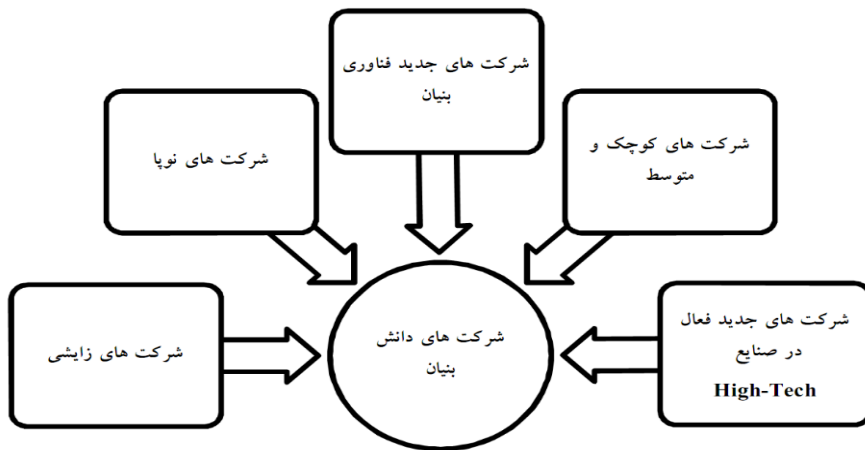
1. Singh

2. Königová, Urbancova and Fejfar

شورای اسلامی ایران به تصویب رسانده است، شرکت‌های دانش‌بنیان این گونه تعریف شده است: «شرکت یا مؤسسه خصوصی یا تعاونی است که به منظور هم‌افزایی علم و ثروت، توسعه اقتصاد دانش‌محور، تحقق اهداف علمی و اقتصادی (شامل طراحی و تولید کالا و خدمات) در حوزه فناوری‌های برتر و با ارزش‌افزوده فراوان به‌ویژه در تولید نرم‌افزارهای مربوط تشکیل می‌شود» (مجلس شورای اسلامی ایران، ۱۳۸۹).

در پژوهشی که در سال ۱۳۹۴ خیاطیان و همکاران انجام دادند تعاریف مختلف شرکت‌های دانش‌بنیان بررسی شده است که به‌طور خلاصه در شکل ۱ مشاهده می‌شود.

شکل ۱. مفاهیم استخراج شده از تعاریف مختلف شرکت‌های دانش‌بنیان



مأخذ: خیاطیان و همکاران، ۱۳۹۴.

در پژوهش آنها، با استفاده از روش تحلیل محتوا ۶ ویژگی برای شرکت‌های دانش‌بنیان ارائه شد که عبارتند از: جدید بودن فناوری، جوان بودن شرکت‌ها، اندازه آنها که اغلب متوسط و کوچک هستند، استقلال شرکت‌ها، ویژگی‌های مؤسسان و سرمایه انسانی و موضوع فعالیت که در زمینه بهره‌برداری از دانش فنی یا فناوری جدید یا تمرکز بر پژوهش و توسعه است. درنهایت در پژوهش خیاطیان و همکاران (۱۳۹۴)، تعریفی از شرکت‌های دانش‌بنیان ارائه شده است که مورد استفاده این پژوهش است: «شرکت‌های جوان و مستقلی که بخشی از منابع



خود را به پژوهش و توسعه اختصاص می‌دهند، بخش بزرگی از نیروی انسانی آنها را افرادی با توان علمی و تخصص بالا تشکیل می‌دهند و بیشتر به وسیله یک کارآفرین و یا مجموعه‌ای از کارآفرینان تشکیل می‌شوند که تمرکز بر توسعه و بهره‌برداری تجاری از یک ایده خلاقانه یا نوآورانه است و بر پایه یک دانش فنی با فناوری توسعه یافته می‌باشند. در بیشتر موارد نیز از فناوری‌های متوسط یا پیشرفته و یا فرایندهای نوآورانه در محصولات، خدمات یا فرایندهای خود استفاده می‌کنند.

## ۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

پالیتیس<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۱ و در زمانی که مباحث حوزه مدیریت دانش در آغاز راه خود قرار داشت، تأثیر سبک‌های مختلف رهبری را در مدیریت دانش (و به‌طور خاص در فرایند اکتساب دانش) بررسی کرد. در واقع تأثیر این سبک‌های رهبری بر مؤلفه‌های رفتاری اکتساب دانش در کار این محقق مورد کنکاش قرار گرفتند. در پژوهش وی از مدل‌های کلاسیک مهم در رهبری و همچنین نظریه‌های جدید رهبری مانند «رهبری خود مدیریتی» به‌عنوان متغیرهای مستقل و از مؤلفه‌های اکتساب دانش مانند کنترل، ارتباطات، فهم مسئله و مذاکره به‌عنوان متغیرهای وابسته استفاده شده است. در نهایت مدل نهایی پژوهش نشان‌دهنده تأثیر هر یک از سبک‌های رهبری بر مؤلفه‌های اکتساب دانش است.

نایر و وهر<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) در پژوهشی که برای پیش‌بینی فاکتورهای مؤثر بر بیگانگی از کار در دانشوران انجام دادند چندین عامل مهم دارای اهمیت و تأثیر را شناسایی کردند که عبارتند از: فقدان کار معنادار، ناتوانی شغل برای اجازه ابراز وجود به دانشور و روابط ضعیف یا کم کیفیت کاری. پژوهش نایر و وهر از آن جهت اهمیت دارد که در تحقیقات بسیاری که در ابعاد مختلف رفتاری دانشوران از جمله انگیزش، رهبری و غیره انجام شد، بر نقش خودسازماندهی، داشتن کاری مهم، قدردانی از دانشوران برای کاری که انجام داده‌اند تأکید شده است.

از دیگر پژوهش‌های انجام شده در زمینه رهبری دانشوران می‌توان به پژوهشی اشاره کرد که هدف آن ارائه چارچوبی مبتنی بر معنا برای فهم انگیزش دانشوران و یک مدل رهبری مؤثر برای این

1. Politis

2. Nair and Vohra

چارچوب است (De Sousa and Dierendonck, 2010). در این پژوهش، انگیزش دانشوران را می‌توان از منظر معنا با در نظر گرفتن دو سازه به‌خوبی شناسایی کرد: جهت‌گیری کار و هویت کار. چارچوب جهانی معنا برای دانشوران براساس سه ویژگی بنا نهاده شده: کار به‌عنوان پیشه، نیاز به یک نهاد عضویتی قوی با هم‌رده‌ها و نیاز به خودمختاری که مدل رهبری خدمتگزار با این ویژگی‌ها به‌خوبی تطبیق می‌یابد و بالقوه می‌تواند احساس معناداری و هدفمندی را ایجاد کند و انگیزش درونی دانشوران را تحریک کند. از این رو به‌عنوان اثر جانبی، رفتار پیچیده انطباقی ظهور خواهد کرد که به بهره‌وری هم در سطح سازمانی و هم در سطح اجتماعی منجر خواهد شد (Ibid.).

پژوهش دیگری در سال ۲۰۱۳ در زمینه رهبری مؤثر دانشوران در کسب و کارهای چندفرهنگی انجام شده که از مهم‌ترین یافته‌های آن می‌توان به این موضوع اشاره کرد که اثربخشی ادراک شده رهبری به‌شدت متأثر از انتظارات پیروان است. لذا یک سبک رهبری که در یک فرهنگ می‌تواند مؤثر باشد، با انتقال به فرهنگ دیگری ممکن است اثربخشی خود را از دست دهد. از این رو واکنش مناسب با رفتار رهبری هر فرد، عنصر کلیدی رهبران موفق جهانی است (Bildstein, Gueldenberg and Tjitra, 2013).

در سال ۲۰۱۵ پژوهشی با عنوان «بویایی متغیر رهبری دانشوران» و با هدف بررسی فاکتورهای تأثیرگذار بر عملکرد دانشوران انجام شد (Edgar, Geare and O'Kane, 2015). در این پژوهش که از نگاه دانشوران به موضوع پرداخته، نقش فاکتورهای بسیاری بررسی شده است، اما نقش مدیران ارشد یا مدیران خط مقدم بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است. نتایج مهم آن به‌طور خلاصه نشان می‌دهد که رفتار و حمایتی که دانشوران از مدیران ارشد خود دریافت می‌دارند، تأثیر مهمی بر عملکرد و بهره‌وری فردی آنها دارد. به‌خصوص رفتاری که در خود ارزش، اعتماد و احترام داشته و احساس پشتیبانی، شناخت و قدردانی از کاری که فرد انجام داده است را برساند به‌طور معناداری به دانشوران برای رسیدن به عملکرد بالاتر و بهتر انگیزه و قدرت می‌دهد.

باقری (۱۳۹۴) در پژوهشی که جامعه آماری آن دانشگاهیان هستند با بررسی «مدیریت دانش فردی: شایستگی رقابتی دانشگران» نشان داد که مدیران دانشگاه دارای سطح متوسطی از مهارت‌های مدیریت دانش فردی هستند. همچنین، در مقایسه میان مدیران دانشکده‌های مختلف، تفاوت معناداری مشاهده نشد. به‌این ترتیب، تربیت و پرورش نیروی انسانی شایسته، قبل از ایجاد

و توسعه سیستم و ساختار سازمانی متناسب در جهت مدیریت دانش، دارای ارزش بنیادی است. جهانی و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی «سبک‌های رهبری و ویژگی‌های متناسب با آن در تئوری پیچیدگی» پرداخته‌اند. نتایج حاصل از پژوهش درخصوص ویژگی‌های رهبران بدین گونه به دست آمده است: تأثیر رفتار رهبران بر مخاطبان همیشه قابل پیش‌بینی نیست؛ روابط رهبر و پیروان می‌تواند مبتنی بر علت‌ها و نتایج خطی نباشد؛ ساختار سازمان پیچیده است و بنابراین روابط رهبر - پیرو می‌توان نتایج پیچیده‌ای را ایجاد کند.

ابیلی، حیات و یوزباشی (۱۳۹۳) با «بررسی عوامل مؤثر بر بهره‌وری منابع انسانی دانشگاه شرکت ملی نفت ایران» نشان دادند اولویت‌بندی عوامل فردی به ترتیب شامل شایستگی، رضایت شغلی، توان و مهارت می‌شود. همچنین اولویت‌بندی عوامل سازمانی به ترتیب شامل انگیزش، مشارکت، آموزش و ارتباطات سازمانی گزارش شد.

چهار رویکرد اصلی در زمینه رهبری و ارزیابی رفتار رهبر (ویژگی‌های رهبر، رفتار رهبر، اقتضایی رهبری و رهبری تحول آفرین و کاریزماتیک) اطلاعات بسیار اندکی درخصوص رهبری از بعد مدیریت دانش و اطلاعات ارائه کرده‌اند. برخی از جنبه‌های خاص این رویکردها، نقش رهبران در مدیریت دانش را دربرمی‌گیرد اما از ارزیابی سازوکار مدیریت دانش باز مانده‌اند. به عبارت بهتر، تأکید نظریه‌های کلاسیک رهبری بر جنبه‌هایی غیر از مدیریت دانش بوده است (Lakshman, 2007). رویکرد ویژگی‌های رهبر، برخورداری رهبر از دانش کسب و کار (که یکی از اجزای مدیریت دانش است) را به عنوان خصیصه مورد نیاز رهبران موفق بر شمرده است. رویکردهای رفتاری و اقتضایی رهبری، فرایندهای جستجو، اکتساب و استفاده از دانش را از جمله ویژگی‌های کلیدی رفتار رهبرانی می‌دانند که بر عملکرد نیروهای زیردست خود تأثیر گذارند. رهبری اقتضایی، اطلاعات و نیازمندی‌های دانشی هر وضعیت را از جمله اقتضائاتی می‌داند که رفتار رهبر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. رفتار رهبران در تسهیل دانش و اطلاعات مورد نیاز با فرایند مدیریت دانش می‌تواند تأثیر معناداری بر اثربخشی سازمان داشته باشد. از منظر رویکرد کاریزماتیک نیز اکتساب و تحلیل اطلاعات یکی از عوامل ضروری برای ایجاد و توسعه یک دید مناسب نسبت به رهبر است. با توجه به توضیحات فوق، جای خالی یک الگوی رهبری که بتواند در زمینه رهبری

دانشوران و مدیریت دانش در سازمان‌های دانش‌بنیان مؤثر واقع شود و خلأ رویکردهای کلاسیک رهبری را پوشش دهد، احساس می‌شود. از این معجزا هدف این پژوهش، استخراج مدل رهبری دانشوران در سازمان‌های دانش‌بنیان با استفاده از روش تئوری داده‌بنیاد است.

### ۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به لحاظ هدف از تحقیقات توسعه‌ای - کاربردی است که با استفاده از راهبرد پژوهش‌های کیفی و پارادایم تفسیری و از طریق رویکرد استقرایی، مفاهیم اصلی برای مدل رهبری دانشوران را مورد بررسی قرار داده است. در این تحقیق برای گردآوری اطلاعات هم از منابع کتابخانه‌ای و هم از مصاحبه استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش، خبرگانی هستند که به لحاظ علمی بر حوزه‌های رفتار سازمانی و همچنین مدیریت دانش تسلط داشته‌اند و روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند یا همان نمونه‌گیری نظری است. نمونه‌های هدفمند باید براساس معیارهای مشخصی انتخاب شوند (ابوالمعالی، ۱۳۹۱: ۳۸۹)، بنابراین باید به این معیارها اشاره شود: ۱. مصاحبه‌شونده، به نوعی با شرکت‌های دانش‌بنیان در ارتباط بوده باشد؛ ۲. مصاحبه‌شونده خود نیز کار دانشی کرده باشد و به نوعی دانشور محسوب شود؛ ۳. مصاحبه‌شونده با حوزه‌های مدیریت دانش، مدیریت رفتار سازمانی و مدیریت منابع انسانی آشنایی داشته باشد.

در این پژوهش تعداد ۱۸ نفر از مدیران عامل و مدیران منابع انسانی سازمان‌های دانش‌بنیان کشور و اساتید دانشگاه صاحب‌نظر در این حوزه مورد مصاحبه‌های عمیق و اکتشافی قرار گرفتند و در نهایت مصاحبه با ۱۵ نفر مفید ارزیابی شد.

مصاحبه‌ها به صورت رو در رو، عمیق و با طرح پرسش‌های باز در ۴۵ الی ۸۰ دقیقه انجام گرفت. سؤال‌های مصاحبه از نوع باز بوده و در خلال جریان مصاحبه طرح می‌شود و برای اینکه جریان مصاحبه از کنترل مصاحبه‌کننده خارج نشود، در هر مصاحبه ۶ سؤال کلیدی در کنار سایر سؤال‌ها پرسیده شد که به این شرح است: ۱. دانشوران اصولاً چه ویژگی‌های منحصر به فردی دارند که آنان را از بقیه کارکنان متمایز می‌کند؟ ۲. رهبر دانشی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ ۳. سبک رهبری دانشوران چگونه باید باشد؟ ۴. راهبردهای انگیزش دانشوران چیست؟ ۵. چالش‌های رهبری دانشوران چیست و چگونه بر رهبری ایشان

تأثیر می‌گذارد؟ ۶. نتایج حاصل از رهبری اثربخش دانشوران در سازمان دانش‌بنیان چه می‌تواند باشد؟

اولین مرحله در فرایند تفسیر، تبدیل داده‌ها به متن نوشتار است. این مرحله به ثبت و یادداشت منظم داده‌ها نیاز دارد. این یادداشت هم از روی گفتار شرکت‌کنندگان و هم از روی گفتار پژوهشگر (سؤال‌های مصاحبه) به عمل می‌آید (همان: ۳۹۵). بنابراین مصاحبه‌ها با کسب اجازه از مصاحبه‌شوندگان ضبط شد و به صورت متنی روی کاغذ پیاده شد. چراکه تحلیل و بررسی دقیق‌تر دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان به مرور چندباره گفتگو و خواندن و بازخوانی مکرر نیاز داشت. نمونه‌گیری نظری تا رسیدن مقوله‌ها به اشباع نظری ادامه پیدا کرد. اشباع نظری مرحله‌ای است که در آن داده‌های جدیدی در ارتباط با مقوله پدید نمی‌آیند، مقوله گستره مناسبی یافته و روابط بین مقوله‌ها برقرار و تأیید می‌شوند (همان: ۴۰۱).

#### ۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تحلیل مصاحبه‌ها و استخراج مدل پژوهش براساس ادبیات نظری و مطالعات میدانی و مصاحبه‌های انجام شده، از روش تحلیل داده‌بنیاد متنی و بر مبنای روش کوربین و استراوس<sup>۱</sup> (۱۹۹۰) بهره گرفته شد. این رهیافت که رهیافت نظام‌مند نیز نامیده می‌شود، بر استفاده از گام‌های تحلیل داده‌ها مشتمل بر کدگذاری باز، محوری و انتخابی و تدوین یک الگوی منطقی یا یک توصیف بصری از نظریه تولید شده تأکید دارد (دانایی فرد، الوانی و آذر، ۱۳۹۲: ۹۴).

تحلیل داده‌ها در تئوری داده‌بنیاد طی سه گام اصلی انجام می‌گیرد که به لحاظ مفهومی مجزا هستند اما ضرورتاً متوالی نیستند. اولین گام یافتن مقوله‌های مفهومی در داده‌ها در سطح اولیه‌ای از انتزاع است. دومین گام یافتن ارتباطی بین این مقوله‌هاست و سومین گام مفهوم‌سازی و گزارش این ارتباطات در سطح بالاتری از انتزاع است. به این معنا که در کل سه نوع کد وجود دارد: اول، کدهای اساسی<sup>۲</sup> که با کدگذاری باز<sup>۳</sup> ایجاد می‌شوند.

---

1. Corbin and Strauss  
2. Substantive Codes  
3. Open Coding

این کدها مقوله‌های مفهومی اولیه موجود در داده‌هاست. دوم، کدهای نظری<sup>۱</sup> است که با کدگذاری محوری<sup>۲</sup> ایجاد می‌شوند و مقوله‌های مفهومی اولیه را به هم مرتبط می‌کنند و سوم، کدهای هسته‌ای<sup>۳</sup> است که با کدگذاری انتخابی<sup>۴</sup> ایجاد می‌شوند. کدهای هسته‌ای مفهوم‌سازی بالاتری از کدگذاری نظری هستند و نظریه داده‌بنیاد در اطراف آنها ساخته می‌شوند (ابوالمعالی، ۱۳۹۱: ۳۹۹).

بنابراین اولین هدف، یافتن کدهای اساسی در داده‌هاست. اینها مقوله‌هایی هستند از داده‌ها، اما در سطحی انتزاعی‌تر از خود داده‌ها ساخته می‌شوند. در این سطح از تحلیل برخی کدهای اساسی ظاهر می‌شوند که درون داده‌ها، مرکزی‌تر از بقیه هستند. هدف دوم، در کنار هم قرار دادن کدهای اساسی برای مرتبط کردن آنها با استفاده از کدهای نظری است. این ارتباطات درونی به شکل گزاره‌ها و فرضیه‌هایی درباره داده‌ها بیان می‌شوند تا داده‌ها را درون تئوری داده‌بنیاد یکپارچه کنند. هدف سوم این است که یک نظم و ساختاری که از سطح انتزاع بالاتری برخوردار است را در داده‌ها پیدا کند که این فرضیه‌ها را درون یک نظریه منسجم یکپارچه کرده و آنها را توصیف و تشریح کند (Punch and Oancea, 2014: 168).

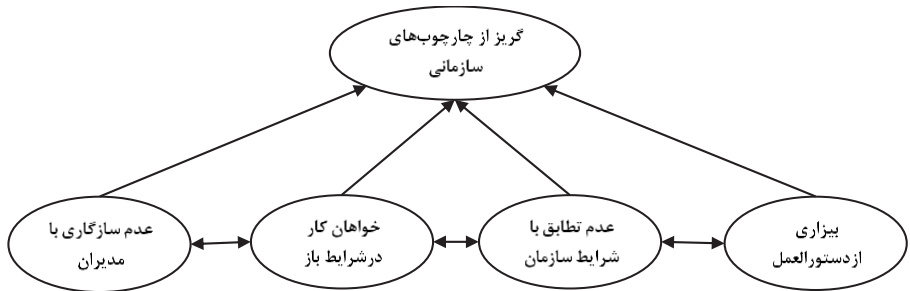
#### ۱-۴. مرحله کدگذاری باز

کدگذاری باز، فرایند تحلیلی است که از طریق آن مفاهیم شناسایی شده و ویژگی‌ها و ابعاد آنها در داده‌ها کشف می‌شود (دانایی‌فرد، الوانی و آذر، ۱۳۹۲: ۹۴). در این مرحله، نظریه پرداز داده‌بنیاد، مقوله‌های اولیه اطلاعات در خصوص پدیده در حال مطالعه را با تقطیع<sup>۵</sup> اطلاعات شکل می‌دهد. نکته‌ای که در این بین مطرح است، ایجاد تمایز بین نشانه‌ها و مفاهیم است. پس از بررسی کدهای اولیه، پژوهشگر ممکن است با مقایسه این کدها دریابد که چند کد، یک پدیده واحد را نشان می‌دهند. لذا این کدها را یک نشانه<sup>۶</sup> می‌نامند و

1. Theoretical Codes
2. Axial Coding
3. Core Codes
4. Selective Coding
5. Segmentation
6. Indicator

مجموع چند نشانه تشکیل دهنده یک کد است (همان: ۹۵). به‌عنوان مثال در سؤال مربوط به ویژگی‌های منحصربه‌فرد دانشوران، نشانه‌ها و مفهوم مربوط به آن در شکل ۲ نشان داده شده است.

شکل ۲. مدل مفهوم استخراج شده از نشانه‌ها



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

برای انجام فرایند کدگذاری باز ابتدا فایل صوتی مصاحبه‌ها به‌صورت دقیق گوش داده شد و همه پاسخ‌ها به‌صورت مکتوب روی کاغذ نوشته شد. برای اطمینان از پیاده‌سازی کامل مصاحبه‌ها و از قلم نیفتادن برخی از پاسخ‌ها (هرچند پاسخ‌هایی که از نظر ذهن و پیش‌زمینه پژوهشگر ممکن بود بسیار بدیهی به‌نظر برسد)، هر مصاحبه سه بار گوش فرا داده شد و هر بار چند جمله به‌متون اضافه شد. پس از آن محققان به کدگذاری اولیه پاسخ‌ها و استخراج کدهای اولیه اقدام کردند. جهت استخراج کدهای اولیه سعی شد تا آنجایی که ممکن بود از عبارات کوتاه استفاده شود. به‌عنوان مثال یکی از پاسخ‌های مصاحبه‌شونده‌ها به سؤال اول به شرح زیر بود:

«اینها به سختی با مدیرعامل کنار می‌آیند برای اینکه مدام دارند میگن مدیرعامل بی‌سواده...» که محقق برای آن از کد «عدم قبول سطح فنی مدیران» استفاده کرد.

در ادامه یکی از جداول مربوط به کدگذاری برای استخراج مفاهیم و مقوله‌های مدل رهبری دانشوران ذکر شده است. در این مرحله کدها، مفاهیم و مقوله‌ها به‌صورت جداگانه دسته‌بندی و نشان داده شده‌اند.

### جدول ۱. کدگذاری باز مربوط به سؤال سوم؛ سبک رهبری دانشوران چگونه باید باشد

مقوله‌ها	مفاهیم	کدها (نشانه‌ها)
	حکمرانی اخلاق و عدالت	دانشوران به عدالت در سازمان بسیار حساس هستند؛ عدالت توزیعی با اعتماد سازمانی مرتبط است؛ عدالت رویه‌ای بر اعتماد شناختی تأثیر دارد؛ عدالت رویه‌ای ارتباط میان توسعه کارکنان و اعتماد در رهبران را تعدیل می‌کند؛ همه ابعاد عدالت بر اعتماد سازمانی تأثیر دارد؛ رویه‌های منابع انسانی: عدالت در سازمان؛ رویه‌های منابع انسانی: سیستم پاداش مبتنی بر عدالت؛ رفتار همراه با انصاف در کارکنان؛ تأکید بر اخلاقیات؛ اصول اخلاقی مشترک سازمانی؛ شخصیت اخلاقی؛ رفتار خوب با کارکنان باعث ایجاد اعتماد می‌شود؛ درک وجود جو اخلاقی اعتماد را در رهبر افزایش می‌دهد؛ درک رفتار اخلاقی رهبر بر اعتماد دانشوران تأثیر دارد؛ رابطه میان جو اخلاقی سازمانی و قصد خروج از خدمت توسط اعتماد و سایر فاکتورها تعدیل می‌شود.
فرهنگ شفاف و غیرسیاسی		پیروان به رهبرانی که شفاف و مثبت هستند بیشتر اعتماد می‌کنند؛ شفافیت سازمانی؛ رهبر باید یک فرهنگ مبتنی بر ارزش‌هایی چون اعتماد، شفافیت و صداقت ایجاد کند؛ خلق رویه‌ای برای ایجاد شفافیت در عملیات جاری و آینده سازمان؛ رویه‌ها و سیاست‌های شفاف منابع انسانی؛ پرورش اعتماد از طریق جو سازمانی صادق؛ فرهنگ سازمانی روشن؛ سطح بالای سیاست در سازمان از اعتماد می‌کاهد؛ سیاسی کاری اعتماد را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد؛ خودداری از بهره‌برداری از دیگران به نفع خود؛ با دانشوران نمی‌توان پنهان کاری داشت؛ چیزی از دید دانشوران پنهان نمی‌ماند؛ دانشوران به مسئله قدرت در سازمان کاری ندارند و کارشان را می‌کنند؛ دور زدن دانشوران؛ کانون‌های قدرت در سازمان را مخالف کار صحیح می‌دانند؛ با رفتار سیاسی انگیزه‌شان را از دست می‌دهند و دچار حاشیه می‌شوند؛ ایجاد شرایطی که افراد نسبت به کار و سازمان احساس مالکیت کنند.
سبک رهبری مبتنی بر اعتماد متقابل	خیر خواهی متقابل	رفتار خیرخواهانه در قبال پیروان؛ رهبری خیرخواهانه؛ خیرخواهی نشان از اعتماد است؛ خیر خواه بودن؛ اعتماد به یک نفر وابسته به شناخت از ویژگی‌های شخصیتی اوست مانند: خیر خواهی؛ ارائه راهنمایی برای بهبود عملکرد فردی؛ نقش مربی داشتن؛ توانمندسازی کارکنان؛ حسن نیت؛ توجه به مسائل و مشکلات پیرو؛ درک نیازهای پیرو؛ فضای آزمون و خطا؛ دادن ابزارهای جدید؛ دوره‌های آموزشی؛ فرصت آزمون و خطا؛ توسعه مهارت‌های افراد؛ ارتقای افراد؛ توسعه همکاری؛ ایجاد تعاملات سازنده؛ نگاه متفاوت به پیروان؛ حمایت از ایده‌ها؛ عدم تنبیه و سرزنش در صورت شکست؛ فرصت یادگیری؛ دادن کارهای جدید به صورت مداوم؛ حمایت در شکست از تجربیات.
	کنترل تخصصی تفویض شده	باید کنترل خفیف برای ساخت یک جامعه مبتنی بر اعتماد به کار رود؛ عدم دخالت غیرضروری و بیش از حد؛ اجتناب از روحیه کنترل و قدرت‌طلبی؛ ایجاد خودسازماندهی به جای کنترل افراد؛ تسهیم و تفویض کنترل؛ پایش و کنترل مدیریت اعتماد کارکنان را کاهش می‌دهد؛ کنترل متقابل؛ کنترل امور تخصصی از سوی متخصصان انجام شود نه مدیران؛ به نحوی کنترل بین دانشوران توزیع شود؛ ایجاد امکانات جهت گرفتن بازخورد از همه قسمت‌های سازمان (کنترل نامحسوس)؛ تشویق به خودسازماندهی و خودکنترلی؛ گشودگی در تأثیرپذیری و کنترل؛ پایش عملکرد؛ تسهیم و تفویض کنترل؛ کنترل اقتضایی؛ کنترل خروجی؛ بررسی نتیجه کار؛ کنترل کم؛ خودکنترلی؛ کنترل غیررسمی؛ کنترل مبتنی بر اعتماد؛ حداقل کنترل؛ عدم تأکید به کنترل فرایند؛ کنترل نامحسوس فرایند.
توسعه کار گروهی و مشارکتی		تشویق به کار گروهی؛ اجازه به افراد برای کار با یکدیگر برای ایجاد عملکرد پویا و تعامل مثبت؛ تصمیم‌گیری مشارکتی و ایجاد رسم همکاری و تعاون؛ حمایت از گروه‌های مختلف که برای مشورت و هم‌افزایی میان کارکنان ایجاد می‌شود؛ ایجاد فضای تعاملی مثبت و کار گروهی؛ تمرکز بر ایجاد روابط قوی و پایدار بین کارکنان سازمان؛ تقویت روابط بلندمدت سالم؛ تقویت متقابل؛ تمرکز بر ایجاد منافع مشترک؛ ایجاد فرصت تعامل همکاران با یکدیگر؛ حمایت در مواقع ایجاد مشکل با دیگران؛ کار کردن با دیگران برای پشتیبانی از کل تیم.

مأخذ: یافته‌های تحقیق.



## ۲-۴. مرحله کدگذاری محوری

کدگذاری محوری فرایند ربط‌دهی مقوله‌ها به زیرمقوله‌هایشان و پیوند دادن مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد است. این کدگذاری به این دلیل محوری نامیده شده است که کدگذاری حول «محور» یک مقوله تحقق می‌یابد (Strauss, 1987). در این مرحله پژوهشگر، یک مقوله مرحله کدگذاری باز را به عنوان مقوله محوری انتخاب کرده و سپس دیگر مقوله‌ها را به آن ربط می‌دهد. این مقوله‌های دیگر عبارتند از: شرایط علی (عواملی که بر پدیده مرکزی تأثیر می‌گذارند)، راهبردها (کنش‌هایی که در پاسخ به پدیده مرکزی صورت می‌گیرد)، عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر (عوامل محیط خاص و عمومی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارد) و پیامدها (خروجی‌های به دست آمده از به کارگیری راهبردها). در شکل ۳ براساس پارادایم کوربین و استراوس (۱۹۹۰) طبقه‌های اصلی و طبقه محوری چیدمان شده است.

ویژگی‌های فردی و رفتاری دانشوران از شرایط علی چیدمان شد. همان‌طور که مصاحبه‌شوندگان نیز بیان کرده‌اند، مهم‌ترین تفاوتی که سبک رهبری کارکنان عادی با کارکنان دانشی دارد به ویژگی‌های فردی و رفتاری متمایز دانشوران باز می‌گردد. این ویژگی‌ها سبب می‌شود تا رهبری دانشوران با مشکلاتی مواجه شود و رهبران با توجه به این ویژگی‌ها باید سبک رهبری مناسب را انتخاب کنند.

ویژگی‌های فردی و رفتاری رهبر دانشی و نیز ویژگی‌های سازمانی از عوامل مداخله‌گر دسته‌بندی شده است که این عوامل بر راهبردهای رهبری دانشوران تأثیر گذارند. به عبارت دیگر، رهبران با توجه به خصیصه‌های فردی و رفتاری خود سبک رهبری و راهبردهای انگیزشی مناسب را انتخاب می‌کنند. چالش‌های رفتار سازمانی و ویژگی‌های کاری دلخواه دانشوران نیز از شرایط زمینه‌ای دسته‌بندی شده است، چراکه فعالیت‌های رهبر در چنین بستری باید انجام گیرد.

اصول رهبری، راهبردها و خروجی‌های مدل نیز به عنوان مهم‌ترین یافته‌های پژوهش، در مدل ساختاربندی شده است. سبک رهبری مبتنی بر اعتماد متقابل، به عنوان مقوله اصلی، سبک رهبری حاصل از این پژوهش است.

شکل ۳. مدل استخراج شده پژوهش با استفاده از نظریه داده بنیاد



مأخذ: همان.

### ۳-۴. مرحله کدگذاری انتخابی

در کدگذاری باز، تحلیل‌گر به پدید آوردن مقوله‌ها و ویژگی‌های آنها می‌پردازد و سپس می‌کوشد تا مشخص کند که چگونه مقوله‌ها در طول بعدهای تعیین شده تغییر می‌کنند. در

کدگذاری محوری مقوله‌ها به‌طور نظام‌مند بهبود یافته و با زیرمقوله‌ها پیوند داده می‌شوند. با این حال اینها هنوز مقوله‌های اصلی نیستند که در نهایت برای یک آرایش نظری بزرگ‌تر یکپارچه شوند به‌طوری که نتایج پژوهش، شکل نظریه پیدا کنند. کدگذاری انتخابی، فرایند یکپارچه‌سازی و پیوند بین مقوله‌هاست (دانایی فرد، الوانی و آذر، ۱۳۹۲: ۱۰۰). در این مرحله از کدگذاری، نظریه‌پرداز داده‌بنیاد یک نظریه از روابط فیما بین مقوله‌های موجود در مدل کدگذاری محوری را به نگارش درمی‌آورد. فرایند یکپارچه‌سازی و بهبودبخشی نظریه در کدگذاری انتخابی از طریق روش‌هایی نظیر نگارش خط داستان که مقوله‌ها را به هم متصل می‌کند و فرایند دسته‌بندی با یادداشتهای شخصی درخصوص ایده‌های نظری انجام می‌شود. در خط داستان پژوهشگر بررسی می‌کند که چگونه عوامل مخصوصی بر پدیده اثر می‌گذارند و به استفاده از راهبردهایی خاص با خروجی‌های ویژه منجر می‌شوند.

به عبارت دیگر، کدگذاری انتخابی، یافته‌های مراحل کدگذاری قبلی را گرفته، مقوله محوری را انتخاب می‌کند و به شکلی نظام‌مند آن را به دیگر مقوله‌ها ربط می‌دهد. آن روابط را اثبات می‌کند و مقوله‌هایی که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند را تکمیل می‌کند (Lee, 2001: 127).

#### ۴-۴. مقوله محوری

مقوله محوری این پژوهش سبک رهبری دانشوران است که در پاسخ به سؤال مربوط به ویژگی‌های رهبری دانشوران استخراج شده است:

**الف) سبک رهبری مبتنی بر اعتماد متقابل:** به‌طور کلی بر نقش اعتماد در رهبری دانشوران در پژوهش‌های مختلف از جمله پژوهش‌های کارک، شمیر و چن<sup>۱</sup> (۲۰۰۳)، ویتالا<sup>۲</sup> (۲۰۰۴)، مک لوگین<sup>۳</sup> (۲۰۱۴)، مس ماچوکا<sup>۴</sup> (۲۰۱۴)، عمار و لویپیک<sup>۵</sup> (۲۰۱۶) و آتاپوتا و راناوک<sup>۶</sup> (۲۰۱۷) تأکید شده است. جانمایه غالب داده‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها بر این موضوع استوار

1. Kark, Shamir and Chen
2. Viitala
3. McLoughlin
4. Mas- Machuca
5. Amar and Lipic
6. Atapattu and Ranawake

است که جاری بودن اعتماد متقابل لازمه اتمسفر شرکت‌های دانش‌بنیان است. تفاوت پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌ها در زمینه رهبری مبتنی بر اعتماد این است که مصاحبه‌شوندگان هم بر اعتماد رهبر دانشی به دانشور و هم به اعتماد دانشور به رهبر دانشی تأکید داشتند. از این رو مقوله محوری که این سبک رهبری را دربرمی‌گیرد، سبک رهبری مبتنی بر اعتماد متقابل نامیده شده است. اولین ویژگی این سبک رهبری حکمرانی فضای اخلاق و عدالت است. مفاهیمی همچون درستی، یکدستی، یکپارچگی رفتار و عمل، رفتار عادلانه، رویه‌های عادلانه و غیره مواردی هستند که مصاحبه‌شوندگان تأکید داشتند. ویژگی دوم، فرهنگ شفاف و غیرسیاسی است. همان‌طور که مصاحبه‌کنندگان شماره ۶ و ۱۳ گفته‌اند:

«... پروتکل‌های رفتاری بین مدیر و دانشور باید شفاف و واضح باشد... و در قالب این پروتکل‌ها ارزیابی افراد انجام می‌شود...»

«... این افراد [دانشوران] از فضای سیاسی در سازمان گریزانند و بی‌انگیزه می‌شوند...»

ویژگی دیگر سبک رهبری دانشوران، خیرخواهی متقابل است. این خیرخواهی شامل خیرخواهی رهبر دانشی برای توسعه دانشور، پیشرفت وی و داشتن دغدغه او و همچنین متقابلاً خیرخواهی دانشور برای سازمان در راستای رسیدن به اهداف سازمانی است. تقریباً همه مصاحبه‌کنندگان در مورد دانشوران بر این موضوع اتفاق نظر داشتند که کنترل ایشان باید نامحسوس، از طریق خروجی‌ها، توسط افراد متخصص (و نه لزوماً مدیران) انجام شود. این نوع کنترل هم نشان‌دهنده اعتماد سازمان به دانشوران است و هم باعث می‌شود اعتماد دانشور و رهبر دانشی نسبت به یکدیگر متقابلاً افزایش یابد. همچنین سازمان باید فرایند انجام کار را برعهده دانشور گذاشته و از کنترل دقیق و مرحله به مرحله اجتناب کند و به عبارت بهتر به جای فرایندها، خروجی کار دانشور را کنترل کند:

«اصلاً نباید دانشور را ریز و جزئی کنترل کنی، برای اینکه رفتار آنها غیرقابل پیش‌بینی است. شاید مثلاً آن دوست دارد کار را ببرد خانه و شب تا صبح روش کار کند. برای همین مدیر باید فقط خروجی کار دانشور را کنترل کند تا ببیند با آن چیزی که مورد انتظار بود یکی هست یا نه؛ وگرنه کنترل‌های دست‌وپاگیر باعث دلزدگی دانشور از کار می‌شود...».

به‌عنوان ویژگی آخر سبک رهبری مبتنی بر اعتماد متقابل، توسعه کار گروهی و

مشارکتی مورد تأکید مصاحبه‌شوندگان بود. این موضوع از آن جهت اهمیت داشت که فردگرایی و عدم مشارکت در گروه از ویژگی‌های دانشوران بوده و سوق دادن دانشوران به سمت کارهای گروهی و مشارکت دادن ایشان در تصمیم‌گیری‌ها و امور سازمان حلقه اعتماد در فضای سازمان را تقویت می‌کند.

#### ۵-۴. شرایط علی

مقوله‌های شرایط علی به‌طور کلی دو دسته‌اند:

**الف) ویژگی‌های فردی دانشوران:** این ویژگی‌ها که دانشوران را از دیگران متمایز می‌کند شامل توانایی ذهنی بالا و تحلیل‌گری دانشوران، شخصیت چالش‌جو و جاه‌طلب ایشان، فردگرایی برخاسته از دانش و انگیزش غیرمادی است. سطح دانش فنی دانشوران بالاست، در جستجوی رشد و ترقی‌اند و تمایل به تجربه مسائل جدید دارند. البته همه ویژگی‌های فردی دانشوران لزوماً مثبت نیست. آنها شاید از هوش بالای خود استفاده منفی کنند؛ دانشوران تکرو، سرکش، مغرور و خودسر هستند که این ویژگی‌ها امر رهبری آنان را با دشواری مواجهه می‌سازد.

**ب) ویژگی‌های رفتاری دانشوران:** شامل گریز از چارچوب‌های سازمانی، استقلال‌طلبی دانشور و خساست دانشی است. دانشوران خواهان کار در شرایط باز هستند، استقلال و آزادی عمل می‌خواهند و مدام سازمان خود را تغییر می‌دهند. دانشوران از چارچوب‌های سازمانی که ایشان را محدود کند گریزانند و تلاش می‌کنند از این قواعد رها شوند. خساست دانشی نیز یکی دیگر از ویژگی‌های رفتار سازمانی دانشوران است. بدین معنا که این گروه از کارکنان به‌راحتی دانش خود را در اختیار دیگران (همکاران و مدیران) قرار نمی‌دهند. یافته‌های این پژوهش با پژوهشی که قلی‌پور و لبافی (۱۳۹۴) در زمینه پنهان‌سازی دانش در شرکت‌های نرم‌افزاری انجام داده‌اند همخوانی دارد. در این پژوهش دانش با عنوان «گنج مخفی» تعبیر شده است که به دلایلی از جمله حسادت، تنگ‌نظری و منزوی بودن به‌راحتی در اختیار دیگران قرار داده نمی‌شود. در پژوهش‌های مختلف، از زوایای گوناگونی به موضوع عدم تسهیم دانشوران پرداخته شده است. به‌عنوان نمونه، از دست دادن شهرت و

قدرت دانش (Abzari, Shaemi Barzaki and Abbasi, 2011)، عدم اعتماد و محاسبه هزینه و فایده تسهیم دانش (Wang and Noe, 2010) از عواملی هستند که به خودداری دانشوران از تسهیم دانش منجر می‌شوند.

#### ۶-۴. عوامل زمینه‌ای

درخصوص دغدغه‌ها یا چالش‌های رهبری دانشوران که در مدل این پژوهش به‌عنوان عوامل زمینه‌ای در نظر گرفته شد، می‌توان نتایج مدل چالش مدیریت رفتار سازمانی دانشوران و ویژگی کاری مطلوب دانشور را کشف کرد.

**الف) چالش مدیریت رفتار سازمانی دانشوران:** در این خصوص اجماع نظر مصاحبه‌شوندگان روی مشکلات مربوط به جذب، حفظ و کنترل آنان است. سازمان‌های دانش‌بنیان در جذب دانشوران چالش دارند، چراکه دانشوران در مصاحبه‌ها زیاد سؤال می‌پرسند و به‌نوعی مایلند آنها سازمان را انتخاب کنند تا اینکه سازمان آنها را انتخاب کند. اصولاً دانشوران به‌دلیل ویژگی‌های خاصی که دارند بیم کمتری از آینده شغلی خود دارند و به همین علت به‌راحتی سازمان را ترک می‌کنند:

«... حفظ اینها [دانشوران] مثل جذبشون خیلی سخته؛ کلاً دانشوران به‌راحتی سازمان را ترک می‌کنند و این مسئله خیلی بزرگیه که بتوانیم آنها را حفظ کنیم. از نظر یک دانشور امنیت شغلیش تخصصی است که دارد...».

ایجاد «حس داشتن کار با معنا و با مفهوم» نیز چالش دیگر در مدیریت دانشوران است. دانشوران به عواملی که شاید برای کارکنان عادی به‌عنوان عامل انگیزاننده به حساب آید، توجهی ندارند. از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر چالش امنیت اطلاعات است. دو نفر از مصاحبه‌شوندگان نظرهای زیر را در خلال مصاحبه‌ها بیان کرده‌اند:

«... یکی از مشکلات رایج شرکت‌های دانش‌بنیان این است که چون دانش توسط همین دانشوران خلق شده، به‌راحتی و با کوچک‌ترین اختلاف نظری با مدیرانشان، دانش را با خودشان از سازمان می‌برند و حتی بعضاً شرکت رقیب تأسیس می‌کنند...».

«... ما مواردی داشته‌ایم که یکی از کارکنان شرکت دانش‌بنیان اطلاعات مهمی را از

سازمان بیرون برده و فروخته.».

ب) ویژگی‌های کاری مطلوب دانشور: پیچیدگی کار، بازخورد گرفتن، احترام و احساس هویتی که دانشوران از شغل به دست می‌آورند از جمله مواردی هستند که می‌توان به‌عنوان عناصر حائز اهمیت برشمرد. ایشان کار با مفهوم می‌خواهند و دوست دارند نتیجه کار خود را در سازمان مشاهده کنند. به نقش اجتماعی کار و جایگاه آن در جامعه نیز بسیار اهمیت می‌دهند.

#### ۷-۴. عوامل مداخله‌گر

ویژگی‌های زیر به‌عنوان عوامل مداخله‌گر در مدل دسته‌بندی شده‌اند:

الف) ویژگی‌های فردی رهبر دانشی: در سازمان‌های دانش‌بنیان، معمولاً رهبران دانشی، خود دانشور نیز هستند. در خصوص «سبک قدرت»، اکثر مصاحبه‌شونده‌ها بر قدرت تخصص تأکید داشتند. رهبر دانشی باید حتماً تخصص علمی و فنی لازم را در حوزه کاری تحت نظر داشته باشد:

«... کسی که بخواهد یک عده دانشور را رهبری کند، اول خودش باید دانشور باشد. این یعنی اینکه خودش درباره کاری که دانشور انجام می‌دهد تخصص فنی داشته باشد، یا حداقل از کلیات انجام کار آگاه باشد. اگر این‌طور نباشد دانشور اصلاً آن فرد را به‌عنوان رهبر قبول نمی‌کند...».

ب) ویژگی‌های رفتاری رهبر دانشی: مهارت توسعه سرمایه اجتماعی لازمه رهبری دانشوران است. رهبر باید بتواند اعتماد پیروان را جلب کند، افراد را توسعه دهد و مهارت ساخت شبکه داشته باشد. لازم است رهبر دانشی توان مدیریت فرایندهای دانشی را داشته و از هوشمندی کسب و کار جهت نفوذ در بازار و بقا استفاده کند.

ج) شرایط سازمانی: کاهش میزان بوروکراسی و رسمیت در سازمان و افزایش آزادی عمل مطلوب دانشوران است. رهبر دانشی باید در تلاش باشد تا همه حاشیه‌های غیرکاری را از سازمان حذف کرده و محیط کاری باز برای کارکنان فراهم کند. همچنین ابزار فناوری باید در صورت نیاز دانشوران برای انجام امور در اختیار ایشان قرار گیرد چراکه از وجهه فناوری، دانشوران نیاز به حمایت دارند. درنهایت روابط کاری دلپذیر، چالش‌ها و حواشی ارتباطی را کاهش می‌دهد و از این مجرا بر تمرکز دانشوران بر وظایف سازمانی اثر مثبت دارد.

## ۸-۴. راهبردها

راهبردهای کشف شده از طریق تئوری زمینه‌ای به شرح زیر است:

**(الف) انگیزش از طریق شغل:** بدین منظور ایجاد هویت وظیفه یکی از راهکارهای مهم است. القای حس مفید بودن و موفقیت و دادن بازخورد نتیجه کار به دانشور می‌تواند از اقدام‌های مؤثر در این زمینه باشد. همچنین ایجاد پیچیدگی شغلی با ایجاد کار چالشی و برنامه‌مند نیز می‌تواند مؤثر واقع شود.

**(ب) انگیزش از طریق شرایط کاری:** ایجاد محیط کاری آرام و دور از حاشیه می‌تواند کارایی و اثربخشی دانشور را افزایش دهد. ایجاد آرامش جسمی و روحی و استخدام همکاران مکمل در قالب یک تیم در این زمینه تأثیرگذار است. داوونپورت (۲۰۰۵) در پژوهش خود برای افزایش بهره‌وری دانشوران، به نقش شرایط کاری اشاره کرده است. مورد توجه بودن و احترام به دانش دانشوران در فضای کاری برایشان اهمیت بسیار دارد.

«... دانشور دوست دارد بهش احترام بگذارند و بقیه افراد ارزش آن را درک کنند و به دانش آن احترام بگذارند...».

**(ج) انگیزش از طریق اعتماد:** این راهبرد با مشارکت و آزادی عمل به دست می‌آید. درخصوص مشارکت دادن دانشوران در تصمیم‌گیری‌ها مصاحبه‌شوندگان نظرات متفاوتی داشتند. اکثریت، مشارکت دادن دانشوران در تصمیم‌گیری‌های سازمان را عامل کلیدی در انگیزش دانشوران می‌دانستند. اما یکی از مصاحبه‌شونده‌ها عقیده داشت که کارکنان را نباید در مسائل کلیدی سازمان دخالت داد:

«... مشارکت عامل کلیدی است. دانشور را حتماً باید در امور سازمان دخالت داد.».

«... اصلاً نباید مشارکت داد. چون در این صورت دو حالت پیش می‌آید. یا باید به نظرات آنها عمل کرد که در این حالت با درست از آب درآمدن آن نظر، دیگر نمی‌شود فرد را کنترل کرد؛ یا باید به نظرات آنها عمل نکرد که در این حالت نیز دانشور ناراحت و سرخورده خواهد شد. پس بهتر است از ابتدا در تصمیمات سرنوشته‌ساز سازمان دانشور را مشارکت ندهیم...».

تعداد سه نفر از مصاحبه‌شونده‌ها نیز بر این اعتقاد بودند که مشارکت باید به صورت کلی باشد و نه مشارکت جزئی. بدین معنا که به صورت کلی باید دانشور را در امور سازمان



دخالت داد، اما نباید به آنها اجازه تصمیم‌گیری درباره همه مسائل را داد. از منظر این افراد، دانشوران بیشتر نقش تصمیم‌سازی را برعهده دارند تا تصمیم‌گیری.

**۵) انگیزش از طریق جبران خدمت:** جبران خدمت دانشوران در مقایسه با کارکنان عادی متفاوت است. مطابق نظر اعضای نمونه آماری پژوهش، حقوق مناسب و بالا برای انگیزش دانشوران شرط لازم است اما کافی نیست. دانشوران نیازمند عوامل بهداشتی سطح بالایی هستند که این امر کار را برای رهبران کمی دشوار می‌کند. طبق نظر چند نفر از مصاحبه‌شوندگان با پیشرفت در دوره عمر سازمان، توقعات مادی دانشوران بیشتر می‌شود:

«... وقتی شرکت تازه راه افتاده، همه برای رسیدن به هدف شرکت کار می‌کنند و حتی از جیب خودشان هم خرج می‌کنند و هر پولی بماند تقسیم می‌شود، اما به مرور که سازمان جلو می‌رود، افراد مرزهای مالی‌شان را شفاف‌تر می‌کنند و دریافتی بیشتری می‌خواهند...».

## ۹-۴. پیامدها

مهم‌ترین بخش از مدل رهبری دانشوران را بخش خروجی آن تشکیل می‌دهد؛ چراکه همه اقدام‌های ذکر شده در بالا، از اقدام‌های رهبر گرفته تا راهبردها و عوامل زمینه‌ای و تعدیل‌گر، برای آن است که به خروجی مناسب حاصل از رهبری دانشوران دست یافت. نتایج حاصل از مدل به شرح زیر است:

**الف) بهبود عملکرد شغلی:** با رهبری اثربخش دانشوران، عملکرد وظیفه‌ای و زمینه‌ای دانشوران بهبود می‌یابد. نکته مهمی که ذکر آن در این بخش ضروری است موضوع رفتار شهروندی سازمانی دانشوران است. یکی از سؤال‌های محققان در خصوص خروجی‌های مدل این بود که آیا رهبری خوب دانشوران می‌تواند به بروز رفتار شهروندی سازمانی در آنان منجر شود یا خیر که مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به این سؤال نظرهای متفاوتی داشتند. عده‌ای از مصاحبه‌شوندگان بر این باور بودند که رفتار شهروندی در دانشوران امری بی‌معناست زیرا همان‌طور که عنوان شد یکی از ویژگی‌های فردی دانشوران این بود که تعهد سازمانی و کار تیمی در آنان پایین است. بنابراین انتظار رفتار شهروندی از آنان امری بی‌مفهوم است.

عده‌ای نیز بر این عقیده بودند که چنانچه رهبر بتواند وظیفه رهبری خود را به‌درستی انجام دهد می‌توان انتظار داشت که رفتار شهروندی در دانشوران بروز کند.

**ب) محیط سازمانی مثبت:** محیط مثبت از طریق کاهش تعارضات در سازمان، افزایش رضایت شغلی و شور و شوق کاری و افزایش شادکامی کارکنان حاصل می‌شود.

**ج) بهره‌وری سازمانی:** طبق نظر مصاحبه‌شوندگان، رهبری مؤثر دانشوران موجب پیشرفت سازمان، هم‌افزایی و کارایی خواهد شد که درنهایت بهره‌وری سازمان افزایش پیدا می‌کند. با حفظ دانشوران، افزایش همکاری بین آنان، توسعه کار تیمی، توان خلق، تسهیم و ذخیره دانش در سازمان بهبود پیدا می‌کند. طی پژوهش‌های متعددی اثر فرایندهای مدیریت دانش بر خلاقیت و نوآوری سازمانی تأیید شده است. این ادعا در پژوهش شوجاهات و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) نیز بررسی و تأیید شده است. دادن آزادی عمل و فرصت خلاقیت به پیروان که از راهبردهای رهبری دانشی است، موجب ایده‌سازی، نوآوری در محصول و نوآوری در فرایندها می‌شود که بهره‌وری سازمانی را افزایش می‌دهد.

**د) کاهش نرخ خروج:** همه مصاحبه‌شوندگان بر کاهش ترک سازمان در صورت اجرای صحیح راهبردها تأکید داشتند.

## ۵. روایی و پایایی ابزار پژوهش

برای سنجش روایی و پایایی از روش ممیزی پژوهش استفاده شده است. ممیزی پژوهشی عبارت است از فرایند بازبینی، تأیید و حصول اطمینان و دستیابی به یقین (دانایی فرد، الوانی و آذر، ۱۳۹۲: ۲۲۲). یکی از راهبردهای ممیزی، حساسیت پژوهشگر است. در این پژوهش محققان در حد توان سعی کردند تا با اشراف دانش، عدم پابندی بیش از حد به دستورالعمل‌ها، گوش دادن مناسب به داده‌ها، دقت در انتزاعی‌سازی، عدم حرکت

فراتر از فنون کدگذاری داده‌ها، عدم استفاده قیاسی از چارچوب‌های پیشین یا تبعیت از دستورالعمل‌ها به شیوه‌ای معمول و استفاده استراتژیک از آنها در تصمیم‌گیری، حساسیت خود را در همه مراحل پژوهش حفظ کنند.

راهبرد دیگر ممیزی، متناسب بودن نمونه است. در نمونه پژوهش کیفی باید از آزمودنی‌هایی استفاده شود که بهترین دانش را در مورد موضوع پژوهشی دارا باشند. این امر باعث می‌شود کارآمدی و اثربخشی اشباع طبقه‌ها همراه با بهینه کردن کیفیت داده‌ها تضمین شود. در این تحقیق محققان تلاش کردند تا مصاحبه‌های خود را در حد امکان با بهترین و با تجربه‌ترین مدیران شرکت‌های دانش‌بنیان و اساتید دانشگاه انجام دهند و مصاحبه‌ها تا حد رسیدن به اشباع نظری ادامه یافته‌اند.

## ۶. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش تلاش شد تا الگوی رهبری دانشوران در سازمان‌های دانش‌بنیان با رویکرد تئوری داده‌بنیاد بررسی شود. بدین منظور پس از بررسی ادبیات و پیشینه پژوهش در حوزه رهبری دانشوران، الگوها و نظریه‌های مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و سؤال‌های مورد نیاز برای استخراج مدل رهبری دانشوران طراحی شد. در مجموع از هشت سؤال طراحی شده، تعداد ۶ سؤال مورد تأیید خبرگان قرار گرفت. در مرحله بعدی محققان با استفاده از نمونه‌گیری نظری به انتخاب اعضای نمونه آماری و انجام مصاحبه‌های عمیق و اکتشافی پرداختند. در مجموع تعداد ۱۵ مصاحبه مفید به صورت کتبی و صوتی مورد ثبت و ضبط قرار گرفت. تقریباً می‌توان گفت در مصاحبه سیزدهم کفایت نظری حاصل شد اما محققان برای تشریح بیشتر نکات مبهم تا دو مصاحبه دیگر پیش رفتند تا جای تردید در اشباع یافته‌ها و عدم کشف مبحث جدید باقی نماند. مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی از روی فایل‌های صوتی و نوشتاری ثبت شده از طریق خواندن و بازخوانی مکرر انجام شد که در نهایت ۱۶ کد محوری به دست آمد و مدل رهبری دانشوران با استفاده از این کدها استخراج شد.

طبق مدل نهایی پژوهش، داشتن دانش رهبری، برخورداری از سطح دانش فنی بالا، برخورداری از قدرت مرجعیت، هوشمندی رقابتی و مهارت ارتباطات از جمله شرایط رهبری

دانشوران است. نتایج حاصل با پژوهش‌های مشابه از قبیل پژوهش بیلدستین، گالدنبرگ و تجیترا<sup>۱</sup> (۲۰۱۳)، همخوانی دارد. علاوه بر آن نتایج پژوهش جسیم‌الدین و نقشبندی<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) روی ۱۷۲ شرکت فرانسوی نشان می‌دهد که سطوح بالاتر رهبری مبتنی بر دانش می‌تواند به بهبود بهره‌وری سازمانی از طریق نوآوری - که از برون‌دادهای مدل این پژوهش نیز است - منجر شود. در این پژوهش قدرت تخصص و قدرت مرجعیت از لازمه‌های رهبری دانشوران کشف شده است، درحالی که طبق پژوهش جایاسینگام، انصاری و جانانتان<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) قدرت تخصص، لازمه رهبری دانشوران ذکر شده است اما قدرت مرجعیت، دیگر کاربردی در دنیای دانشوران ندارد.

مقوله محوری مدل عبارت است از: سبک رهبری مبتنی بر اعتماد متقابل که چاپمن، جانسون و کیلنر<sup>۴</sup> (۲۰۱۴) نیز در پژوهش خود به نقش اعتماد در رهبری دانشوران تأکید داشته‌اند. درنهایت یافته مدل این است که جانمایه رهبری دانشوران اعتماد متقابل است. از مجرای اعتماد رهبر به پیرو، تفویض اختیار، خیرخواهی، حمایت و مشارکت در امور سازمان حاصل می‌شود و در سایه اعتماد پیرو به رهبر، نوآوری سازمانی، تسهیم دانش، کاهش نرخ خروج، افزایش بهره‌وری سازمانی و عملکرد بهتر شغلی ایجاد می‌شود. نوآوری این پژوهش این است که تاکنون در پژوهش‌های مختلف اعتماد پیرو به رهبر هدف قرار داده شده بود؛ اما در مدل پژوهش حاضر اعتماد رهبر به پیروان نیز در سازمان‌های دانش‌بنیان از منظر مصاحبه‌شوندگان ضروری شناخته شده است.

مطابق با نظر دراگر (۱۹۹۹)، تشویق نوآوری و تسهیل یادگیری از لازمه‌های رهبری دانشوران است که در سبک رهبری به این عوامل اشاره شده است. یافته‌های این پژوهش درخصوص سبک ارتباطی رهبران نشان داد که رهبر باید از ارتباطات حمایتی استفاده کند که این یافته‌ها با پژوهش هامرین، جوهانسون و جان<sup>۵</sup> (۲۰۱۶) و بیلدستین، گالدنبرگ و

- 
1. Bildstein, Gueldenberg and Tjitra
  2. Jasimuddin and Naqshbandi
  3. Jayasingam, Ansari and Jantan
  4. Chapman, Johnson and Kilner
  5. Hamrin, Johansson and Jahn

تجیتر (۲۰۱۳) همخوانی دارد. شایسته است رهبر به نیازها و مشکلات پیروان خود توجه نشان دهد و دید متفاوت‌تری به پیروان خود داشته باشد و حسن‌نیت خود را در عمل به دانشوران پیرو اثبات کند. این نتایج با پژوهش کوهانگ، پالیزکویچ و گلوچوسکی<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) همخوانی دارد. همچنین ولف<sup>۲</sup> (۲۰۱۰)، بیون و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۷)، به نقش دغدغه‌مندی و خیرخواهی در رهبری دانشوران تأکید داشته‌اند. این مؤلفه در مدل تحت عنوان «خیرخواهی متقابل» نشان داده شده است.

مؤلفه دیگر «فرهنگ شفاف و غیرسیاسی» در رهبری دانشوران است. پاین<sup>۴</sup> (۲۰۰۳)، مس ماچوکا (۲۰۱۴) و بلیگ<sup>۵</sup> (۲۰۱۷) به نقش شفافیت در رهبری دانشوران صحنه گذاشته‌اند و پون<sup>۶</sup> (۲۰۰۶) معتقد است فضای سیاسی از اعتماد در میان دانشوران می‌کاهد.

دیکونینک<sup>۷</sup> (۲۰۱۰) دریافته است که ادراک وجود جو اخلاقی، اعتماد را در رهبر افزایش می‌دهد. از سویی ادراک رفتار اخلاقی رهبر به طور مثبت بر اعتماد تأثیر دارد (Den Hartog and De Hoogh, 2009). نتایج این تحقیقات با مؤلفه «حکمرانی اخلاق و عدالت» یافت شده در مدل همخوانی دارد. به اذعان مصاحبه‌شوندگان، وجود جو اخلاقی، اعتماد میان دانشور و رهبر دانشی را افزایش می‌دهد. همچنین دانشوران به موضوع عدالت در سازمان بسیار حساسند. بیداریان و جعفری<sup>۸</sup> (۲۰۱۲) دریافتند که همه انواع عدالت بر فضای اعتماد در سازمان تأثیر دارد.

موضوع کنترل از ابتدای مطرح شدن دانشوران در سازمان‌ها مورد مناقشه بوده است. یک مؤلفه مهم سبک رهبری مبتنی بر اعتماد متقابل، مؤلفه «کنترل تخصصی تفویض شده» است. بدین معنا که دانشوران تمایل دارند در موضوعات فنی، افراد متخصص (و نه مدیر)

- 
1. Koohang, Paliszkievicz and Goluchowski
  2. Wolfe
  3. Byun and etal.
  4. Paine
  5. Bligh
  6. Poon
  7. DeConinck
  8. Bidarian and Jafari

خروجی کار را کنترل کرده و اظهار نظر کنند. وجود شبکه کنترل در سازمان باعث تفویض کنترل خروجی‌ها به دانشوران در سازمان می‌شود. این تفویض کنترل نتیجه اعتماد متقابل سازمان و دانشوران است. برنستروم و هیلگ<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) نیز بر این باورند که کنترل مستقیم مدیر بر دانشوران، باعث کاهش اعتماد می‌شود. همچنین عمار و لوبیک (۲۰۱۶) پیشنهاد می‌کنند از کنترل خفیف برای ایجاد یک جامعه مبتنی بر اعتماد باید استفاده کرد. با توجه به روحیه فردگرای دانشوران، توسعه اعتماد در سازمان باعث ایجاد زیرساختی برای توسعه فعالیت‌های گروهی و مشارکت دانشوران در تصمیم‌گیری‌های سازمانی می‌شود. ادامه این مسیر حلقه اعتماد در سازمان را تقویت می‌کند. توکلی، محمدی و خدایی (۱۳۹۶) نیز در پژوهش خود بر این موضوع صحه گذاشته‌اند.

راهبردهای رهبری دانشوران که عموماً با مسائل انگیزشی مرتبطند عبارتند از: انگیزش از طریق شغل، شرایط کاری، اعتماد و جبران خدمت. این راهبردها که ارتباط نزدیکی با ویژگی‌های فردی دانشوران نیز دارند، راهبردهایی هستند که فعالیت‌های رهبر را به سمت اثربخشی سوق می‌دهند. کوهانگ، پالیز کویچ و گلوچوسکی (۲۰۱۷)، اعتماد، مدیریت دانش و بهبود عملکرد سازمانی را از جمله نتایج حاصل از رهبری اثربخش دانشوران بر شمرده‌اند. پژوهش حاضر علاوه بر تأیید عوامل فوق در قالب مقوله «بهره‌وری سازمانی» یافته‌هایی از جمله «عملکرد شغلی بالاتر»، «محیط سازمانی مثبت» و «کاهش نرخ خروج» را نیز به عنوان پیامدهای رهبری دانشوران استخراج کرده است. خلاقیت و نوآوری نیز خروجی‌های مدل است که در پژوهش چیونگ و وانگ<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) به آن اشاره شده است. عملکرد زمینه‌ای و افزایش رفتار شهروندی سازمانی برای دانشوران که در خلال مصاحبه‌ها به آن اشاره شد با پژوهش یاو و فان<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) مطابقت دارد. این محققان نشان دادند عملکرد دانشوران در سه حوزه عملکرد وظیفه‌ای، رفتار شهروندی و رفتارهای ضد شهروندی یا رفتارهای مخرب قرار می‌گیرد که این امر بنا به شرایط سازمان متغیر است.

1. Bernström and Helge

2. Cheung and Wong

3. Yao and Fan

از یافته‌های قابل تأمل این پژوهش آن است که موضوع رضایت شغلی که از برون‌دادهای مهم رفتار سازمانی است در مورد دانشوران چندان مورد دغدغه و نگرانی نیست و اکثریت مصاحبه‌شوندگان روی این موضوع اتفاق نظر داشتند. اظهارات مصاحبه‌شونده شماره ۹ در این زمینه جالب توجه است:

«... به شخصه وقتی به موضوع فکر می‌کنم، خیلی دغدغه رضایت شغلی دانشوران را ندارم، چون دانشور یا از جایی که کار می‌کند و شغلش، رضایت دارد یا آنجا کار نمی‌کند، منظورم این است که دانشوران به دلیل دانشی که دارند و اینکه بازار کار برای آنها فراهم است، با کمترین سطوح نارضایتی سازمانشان را ترک می‌کنند... لذا اغلب شما دانشور را در سازمانی در حال کار می‌بینی که در آن رضایت شغلیش برقرار است».

به‌طور خلاصه می‌توان گفت این پژوهش با ارائه یک مدل کاربردی در زمینه رهبری دانشوران، می‌تواند کمک فراوانی به مدیران و رهبران سازمان‌های دانش‌بنیان در استفاده بهینه از سرمایه انسانی خود کند. رهبران دانشی با استفاده از مدل ارائه شده در این پژوهش می‌توانند هم از توانمندی‌های مورد نیاز خود جهت رهبری، هم از ویژگی‌های پیروان و هم از سبک‌ها و راهبردهای لازم جهت رهبری دانشوران آگاهی یابند. از جمله مهم‌ترین کارکردهای این پژوهش می‌تواند کاربرد آن برای سازمان‌ها و نهادهایی باشد که نقش حمایتی از سازمان‌های دانش‌بنیان را برعهده دارند و ایشان را ترغیب می‌کند تا ضمن ارائه آموزش‌های لازم به این سازمان‌ها و مدیرانشان، مسیر آشنایی ایشان با اصول کسب‌وکار را هموار کنند که از لازمه‌های رهبری سازمان‌های دانش‌بنیان است. سه نفر از مصاحبه‌شوندگان که از نزدیک با شرکت‌های دانش‌بنیان همکاری داشتند، مهم‌ترین چالش این شرکت‌ها را عدم آشنایی رهبران این سازمان‌ها (که غالباً بنیان‌گذاران آنها حول یک ایده دانشی هستند) با اصول و قواعد کسب‌وکار و شناخت بازار دانسته‌اند.

این پژوهش نیز برای طی صحیح مسیر دارای محدودیت‌هایی است. عدم دسترسی به مدیران سازمان‌های دانش‌بنیان، محدودیت زمان در اجرای مصاحبه‌ها، محدودیت زمانی محققان جهت برگزاری مصاحبه‌های بیشتر و درنهایت عدم آشنایی برخی از مصاحبه‌شوندگان با بعضی مفاهیم رهبری، از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر است.

محققان می‌توانند با انجام پژوهش‌های کمی و بررسی ابعاد مختلف مدل این پژوهش، به توسعه دانش کاربردی در زمینه رهبری دانشوران کمک کنند. علاوه بر این، همان‌طور که در متن پژوهش نیز عنوان شد، بحث مشارکت دانشوران در تصمیم‌گیری‌های سازمان و نیز بحث رفتار شهروندی سازمانی آنان با ابهام‌هایی مواجه بود که پژوهشگران می‌توانند این دو متغیر را با دقت بیشتری در پژوهش‌های آتی مورد بررسی قرار دهند. حساست دانشی نیز از مؤلفه‌هایی بود که در مدل داده‌بنیاد از مصاحبه‌ها با خبرگان استخراج شد که جا دارد در پژوهش‌های آتی انگیزه‌های دانشوران از خودداری از تسهیم دانش در شرکت‌های دانش‌بنیان بررسی شود.

از چالش‌های سازمان‌های دانش‌بنیان، عدم آشنایی مدیران و رهبران آنها از اصول و علوم مدیریت کسب‌وکار است که در مدل نیز به آن اشاره شده است. از این‌رو طراحی مدل و چارچوب آموزشی که معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری به عنوان خط‌مشی آموزش این شرکت‌ها مورد استفاده قرار گیرد، می‌تواند از موضوع‌های کاربردی برای پژوهش‌های آینده باشد. فراتر از آن و با توجه به آسیب‌هایی که شرکت‌های نوپای دانش‌بنیان ممکن است در نتیجه عدم آشنایی با اصول کسب‌وکار ببینند، این آموزش‌ها می‌توانند در قالب بندهای قانونی به عنوان الزام‌های پیش از پذیرفته شدن به عنوان شرکت دانش‌بنیان مورد پژوهش قرار گرفته و برای تصویب پیشنهاد شوند.



## منابع و مآخذ

۱. ابوالمعالی، خدیجه (۱۳۹۱). پژوهش کیفی، از نظریه تا عمل، تهران، نشر علمی.
۲. ایبلی، خدایار، علی اصغر حیات و علیرضا یوزباشی (۱۳۹۳). «بررسی عوامل مؤثر بر بهره‌وری منابع انسانی دانشگر شرکت ملی نفت ایران»، فصلنامه مدیریت منابع انسانی در صنعت نفت، ۶ (۱۹).
۳. باقری، امین (۱۳۹۴). «مدیریت دانش فردی: شایستگی رقابتی دانشگران»، نشریه پژوهش‌های تربیتی، ۲ (۳۰).
۴. توکلی، عبدالله، علیرضا محمدی و ارشیا خدایی (۱۳۹۶). «رهبری کوانتومی: چرایی، چیستی و چگونگی»، فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی، دوره ۶، ش ۱.
۵. جهانی، جعفر، محبوبه مهرورز، فرشاد عامریفر و رضا عقیلی (۱۳۹۴). «سبک‌های رهبری و ویژگی‌های متناسب با آن در تئوری پیچیدگی»، اولین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت در هزاره سوم، رشت، شرکت پیشگامان پژوهش‌های نوین.
۶. خیاطیان، محمدصادق، سیدحسب‌الله طباطبائیان، مقصود امیری و مهدی الیاسی (۱۳۹۴). «تحلیل محتوای ویژگی‌های شرکت‌های دانش‌بنیان»، مجله پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی، ۵ (۲).
۷. دانایی‌فرد، حسن، مهدی الوانی و عادل آذر (۱۳۹۲). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران، انتشارات صفار.
۸. رحمان‌سرشت، حسین و محسن ذبیحی (۱۳۹۵). «دی.ان.ای شرکت‌های دانش‌بنیان»، مجله رشد و فناوری، ۱۳ (۴۹).
۹. شورینی، سهراب (۱۳۷۹). تئوری‌های رهبری سازمانی و کاربرد آنها در نظام مدیریت ایران، چاپ دوم، تهران، انتشارات قائم.
۱۰. فانی، علی اصغر، محمود حمدان و احمدعلی خائف الهی (۱۳۸۹). «طراحی مدل رهبری مناسب برای مدیریت سازمان‌های لبنان (مدیریت بیمارستان)»، مدرس علوم انسانی، ش ۶۶.
۱۱. قلی‌پور، آرین و سمیه لبافی (۱۳۹۴). «ارائه مدل زمینه‌ای پنهان‌سازی دانش در شرکت‌های تولید نرم‌افزار»، پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی، ۵ (۱).
۱۲. صاحبکار خراسانی، سیدمحمد (۱۳۹۶/۶/۷). «پوشش ۳۲۰۰ شرکت دانش‌بنیان در کشور/ پیگیری کسب حمایت شهرداری مشهد از محصولات دانش‌بنیان»؛ خبرگزاری ایسنا، کد خبر: ۹۶۰۶۱۷۰۹۸۵۶. وب سایت [www.isna.ir](http://www.isna.ir).
۱۳. مجلس شورای اسلامی ایران (۱۳۸۹). قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان.

14. Abzari, M., A. Shaemi Barzaki and R. Abbasi (2011). "Knowledge Sharing Behavior: Organizational Reputation or Losing Organizational Power, Case study: Employees of Agricultural Bank in Fars state", *International Journal of Business and Social Science*, Vol. 2(17).
15. Amar, A. D. and V. H. Lupic (2016). "Leadership for Knowledge Organizations", *European Journal of Innovation Management*, 19(2).
16. Atapattu, M. and G. Ranawake (2017). "Transformational and Transactional Leadership Behaviours and their Effect on Knowledge Workers' Propensity for Knowledge Management Processes", *Journal of Information and Knowledge Management*, 16. 1750026. 10.1142/S0219649217500265.
17. Bernstrøm, V. H. and S. Helge (2017). "Significance of Monitoring and Control for Employees' Felt Trust, Motivation, and Mastery", *Nordic Journal of Working Life Studies*, Vol. 7(4).
18. Bidarian, S. and P. Jafari (2012). "The Relationship between Organizational Justice and Organizational Trust", *Social and Behavioral Sciences*, Vol. 47.
19. Bildstein, I., S. Gueldenberg and H. Tjitra (2013). "Effective Leadership of Knowledge Workers: Results of an Intercultural Business Study", *Management Research Review*, Vol. 36, Iss 8.
20. Bligh, M. C. (2017). "Leadership and Trust", In J. Marques and S. Dhiman, *Leadership Today: Practices for Personal and Professional Performance* (pp. 21-42), Switzerland, Springer International Publishing.
21. Byun, G., Y. Dai, S. Lee and S. Kang (2017). "Leader Trust, Competence, LMX, and Member Performance: A Moderated Mediation Framework", *Psychological Reports*, Vol. 120(6).
22. Chapman, A. L., D. Johnson and K. Kilner (2014). "Leadership Styles Used by

Senior Medical Leaders: Patterns, Influences and Implications for Leadership Development", *Leadership in Health Services*, 27(4).

23. Cheung, M. F. and C. S. Wong (2011). "Transformational Leadership, Leader Support, and Employee Creativity", *Leadership and Organization Development Journal*, 32(7).
24. Clarke, N. (2013). "Model of Complexity Leadership Development", *Human Resource Development International*, 16(2).
25. Corbin, J. and A. Strauss (1990). "Grounded theory Research: Procedures, Canons, and Evaluative Criteria", *Qualitative Sociology*, Vol. 13(1).
26. Davenport, T. H. (2005). "Improving Knowledge Worker Performance", In T.H. Davenport, *Thinking for a Living How to Get Better Performance and Results from Knowledge Workers*, Boston, Harvard Business School Press.
27. De Coninck, J. B. (2010). "The Effect of Organizational Justice, Perceived Organizational Support, and Perceived Supervisor Support on Marketing Employees' Level of Trust", *Journal of Business Research*, 63(12), doi: 10.1016/j.jbusres.2010.01.003.
28. Den Hartog, D. N. and A. B. De Hoogh (2009). "Empowering Behavior and Leader Fairness and Integrity: Studying Perceptions of Ethical Leader Behavior from a Levels-of-analysis Perspective", *European Journal of Work and Organizational Psychology*, 18(2), doi: 10.1080/13594320802362688.
29. De Sousa, M. C. and D. V. Dierendonck (2010). "Knowledge Workers, Servant Leadership and the Search for Meaning in Knowledge-driven Organizations", *On the Horizon*, Vol. 18, Iss. 3.
30. Drucker, P. F. (1999). *Knowledge Worker Productivity: the biggest Challenge*, California.

31. Edgar, F., A. Geare and P. O'Kane (2015). "The Changing Dynamic of Leading Knowledge Workers", *Employee Relations*, Vol. 37, Iss. 4.
32. Hamel, G. (2009). "Natural leaders", *Leadership Excellence*, 26 (9).
33. Hamrin, S., C. Johansson and J. L. Jahn (2016). "Communicative Leadership: Fostering Co-worker Agency in two Swedish Business Organizations", *Corporate Communications: An International Journal*, 21 (2).
34. Hayman, A. and T. Elliman (2000). "Human Elements in Information System Design for Knowledge Workers", *International Journal of Information Management*, Vol. 20 (4).
35. Horibe, F. (1999). *Managing Knowledge Workers: New Skills and Attitudes to Unlock Intellectual Capital in your Organization*, New York, John Wiley and Sonsk.
36. Hwang, Y. (2016). "A Study on the Multidimensional Information Management Capability of Knowledge Workers", *Aslib Journal of Information Management*, 68(2).
37. Jasimuddin, S. M. and M. M. Naqshbandi (2018). "Knowledge-oriented Leadership and Open Innovation: Role of Knowledge Management Capability in France-based Multinationals", *International Business Review*, Vol. 27(3).
38. Jayasingam, S., M. A. Ansari and M. Jantan (2010). "Influencing Knowledge Workers: the Power of Top Management", *Industrial Management and Data Systems*, 110(1).
39. Kark, R., B. Shamir and G. Chen (2003). "The Two Faces of Transformational Leadership: Empowerment and Dependency", *Journal of Applied Psychology*, 88(2).
40. Koohang, A., J. Paliszkievicz and J. Goluchowski (2017). "The Impact of Leadership on Trust, Knowledge Management, and Organizational Performance:

A Research Model", *Industrial Management and Data Systems*, 117(3).

41. Kälkäjä, M. and V. Puhakka (2015). "Self-Management and Its Part in Knowledge Workers' Experiences of High Performance", Master's Thesis, Business School, University Oulu.
42. Königová, M., H. Urbancova and J. Fejfar (2012). "Identification of Managerial Competencies in Knowledge-based Organizations", *Journal of competitiveness*, 4(1).
43. Lakshman, C. (2009). "Organizational Knowledge Leadership: An Empirical Examination of Knowledge Management by top Executive Leaders", *Leadership and Organization Development Journal*, 30 (4).
44. \_\_\_\_\_ (2007). "Organizational Knowledge Leadership: A Grounded theory Approach", *Leadership and Organization Development Journal*, 28(1).
45. Lee, J. (2001). "A Grounded theory: Integration and Internalization in ERP Adoption and Use", Lincoln, ETD Collection for University of Nebraska. AA13016318.
46. Mabey, C., C. Kulich and F. Lorenzi-Cioldi (2012). "Knowledge Leadership in Global Scientific Research", *The International Journal of Human Resource Management*, 23(12).
47. Mas-Machuca, M. (2014). "The Role of Leadership: The Challenge of Knowledge Management and Learning in Knowledge-Intensive Organizations", *Journal of Educational Leadership and Management*, Vol 2. (1).
48. McLoughlin, D. (2014). *Knowledge Worker Trust Within Organisations*, Emu Plains, N.S.W.: Ithikos.
49. Mládková, L. (2012). "Leadership in Management of Knowledge Workers", *Procedia-social and Behavioral Sciences*, 41.

50. Nair, N. and N. Vohra (2010). "An Exploration of Factors Predicting Work Alienation of Knowledge Workers", *Management Decision*, Vol. 48, Iss. 4.
51. Paine, K. D. (2003). "Guidelines for Measuring Trust in Organizations", Institute for Public Relations.
52. Pihl-Thingvad, S. (2014). "Is Self-leadership the new Silver Bullet of Leadership? An Empirical Test of the Relationship between Self-leadership and Organizational Commitment", *Management Revue*, 25(2).
53. Politis, J. D. (2001). "The Relationship of Various Leadership Styles to Knowledge Management", *Leadership and Organization Development Journal*, Vol. 22, Iss.8.
54. Poon, J. L. (2006). "Trust-in-supervisor and Helping Coworkers: Moderating Effect of Perceived Politics", *Journal of Managerial Psychology*, 21(6). doi: 10.1108/02683940610684373.
55. Punch, K. F. and A. Oancea (2014). *Introduction to Research Methods in Education*, Sage Publication.
56. Shujahat, M., M. José Sousa, S. Hussain, F. Nawaz, M. Wang and M. Umera (2019). "Translating the Impact of Knowledge Management Processes into Knowledge-based Innovation: The Neglected and Mediating Role of Knowledge-worker Productivity", *Journal of Business Research*, Vol. 94.
57. Singh, S. K. (2008). "Role of Leadership in Knowledge Management: A Study", *Journal of Knowledge Management*, Vol.12, Iss. 4.
58. Strauss, A. (1987). *Qualitative Analysis for Social Scientists*, New York, Cambridge University Press.
59. Viitala, R. (2004). "Towards Knowledge Leadership", *Leadership and Organization Development Journal*, 25(6).

60. Wang, S. and R. A. Noe (2010). "Knowledge Sharing: A Review and Directions for Future Research", *Human Resource Management Review* 20.
61. Wolfe, C. R. (2010). "Behaviors That Develop Mutual Trust and Its Association with Job Satisfaction", Blacksburg, Virginia: Doctoral Dissertation Submitted to the Faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University.
62. Wu, W. L. and Y. C. Lee (2017). "Empowering Group Leaders Encourages Knowledge Sharing: Integrating the Social Exchange Theory and Positive Organizational Behavior Perspective", *Journal of Knowledge Management*, 21(2).
63. Yao, J. and L. Fan (2015). "The Performance of Knowledge Workers Based on Behavioral Perspective", *Journal of Human Resource and Sustainability Studies*, 3(01) 21.





# مشوق‌ها و موانع بازگشت به کشور: بررسی موردی متخصصان مقیم ایالات متحده آمریکا

علی صنایعی\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱۶

گام اول سیاستگذاری برای بازگشت متخصصان، شناخت موانع و مشوق‌های بازگشت و الگوهای رفتاری متخصصان مقیم خارج از کشور است ولی در این حیطه مطالعات کافی انجام نشده است. براساس مطالعه کیفی صورت گرفته در این مقاله، چند فرضیه درخصوص موانع و مشوق‌ها به دست آمده و سپس با یک پیمایش منحصربه‌فرد از ایرانیان مقیم آمریکا مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج حاصل از تحلیل کمی پاسخ‌های بیش از ۱۵۰۰ ایرانی مقیم آمریکا مؤید این فرضیه‌هاست: ۱. مهم‌ترین مشوق بازگشت دلایل شخصی و میهنی افراد است؛ ۲. مهم‌ترین مانع بازگشت کیفیت زندگی است؛ ۳. برای افرادی که فی‌الواقع در معرض تصمیم به بازگشت یا عدم بازگشت هستند، موانع اقتصادی نقشی پررنگ دارند ولی به مرور زمان نقش این موانع کم‌رنگ‌تر می‌شود و نقش عواملی مانند کیفیت زندگی افزایش می‌یابد و به‌طور کلی با طولانی شدن زمان اقامت احتمال بازگشت کاهش می‌یابد؛ ۴. مستقل از مشوق‌ها و موانع بازگشت، افراد تمایل دارند به پیشرفت ایران کمک کنند.

**کلیدواژه‌ها:** مهاجرت متخصصان؛ موانع بازگشت متخصصان؛ مشوق‌های بازگشت متخصصان؛ ایران؛ ایالات متحده آمریکا

\* استادیار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی؛

Email: sanaei@umich.edu

## مقدمه

افراد بسیاری از ایرانیان، مقیم کشورهای خارجی هستند و تعداد معتابهی از آنها تحصیلات عالی و تخصص‌های ارزشمند دارند. سیل جوانان جویای کار و تحصیلات که سالانه ایران را بعضاً برای همیشه ترک می‌کنند، «فرار مغزها» را ظرف چند دهه گذشته به یکی از دغدغه‌های حاکمیتی تبدیل کرده است. به طوری که از این معضل بسیار سخن به میان می‌آید و راه‌حل‌های مختلفی پیشنهاد می‌شود که از این بین کم‌وبیش سیاست‌هایی هم به عرصه عمل راه یافته‌اند. در این میان پژوهش‌هایی در مورد علل مهاجرت انجام شده است اما پژوهش‌ها درباره دلایل ایرانیان خارج از کشور برای بازگشتن یا بازنگشتن به کشور و موانع پیش روی بازگشت آنها کم است که این امر باعث می‌شود سیاست‌گذاری در این حوزه بدون توجه به واقعیات میدانی و براساس برساخته‌های ذهنی انجام شود. پژوهش پیش‌رو با هدف برداشتن گام اولیه در جهت رفع این نقصان است.

در این پژوهش ابتدا، براساس مشاهده‌های توأم با مشارکت، چند فرضیه در مورد مشوق‌ها و موانع بازگشت به دست آمده است و سپس با استفاده از پیمایشی که از یک نمونه بیش از ۱۵۰۰ نفری از ایرانیان مقیم آمریکا انجام شده، این فرضیه‌ها به بوته آزمایش سپرده شده‌اند. مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش ارائه نقشه‌ای از موانع و مشوق‌های بازگشت براساس تحلیل عاملی پاسخ‌های دریافت شده و بررسی میزان تأثیر این موانع و مشوق‌هاست. به طور کلی موانع و مشوق‌ها هر یک به سه دسته تقسیم شده‌اند: موانع اقتصادی، مسائل اجتماعی و کیفیت زندگی همچنین امکانات و فرصت‌های تحقیقاتی، مشوق‌های مربوط به مسائل خانوادگی و اجتماعی، احساس امکان تأثیر در ایران و احساس وظیفه میهنی از جمله این موارد است. مهم‌ترین نکات حائز اهمیت یکی این است که بسیاری از ایرانیان مقیم خارج از کشور هیچگاه تصمیم بر بازنگشتن نمی‌گیرند، بلکه شرایط زندگیشان به گونه‌ای پیش می‌رود که باز نمی‌گردند؛ دیگر اینکه در ابتدای امر موانع اقتصادی مهم هستند ولی به مرور زمان و با طولانی شدن اقامت در خارج، این موانع کم‌رنگ می‌شوند. اما از یک سو موانع مربوط به مسائل اجتماعی و کیفیت زندگی با گذر زمان پررنگ‌تر می‌شوند و از سوی دیگر مشوق‌های شخصی و میهنی برای بازگشتن به مرور زمان کم‌رنگ می‌شوند؛ و نکته دیگر

اینکه بیشتر پرسش‌شوندگان علاقه‌مندند در صورت اقامت در خارج از ایران در جهت ارتقای ایران کمک کنند.

باید تأکید شود که در این پژوهش قصد هیچ داوری در مورد درستی یا نادرستی اخلاقی بازگشتن یا بازنگشتن به ایران نیست، هدف صرفاً بیان مشاهده‌های کیفی و کمی و یافتن الگوهای موجود است که برای سیاستگذاری در این زمینه لازم است. واضح است که برای داوری در مورد درستی یا نادرستی اخلاقی بازگشتن نیاز به دانسته‌هایی است که برای کسی جز فرد تصمیم‌گیرنده امکان دسترسی به آنها فراهم نیست. وانگهی، چه بسیار ایرانیان مقیم خارج از کشور که تأثیرشان در پیشرفت ایران بیشتر از برخی کسانی است که پس از مدتی اقامت در خارج از کشور به ایران بازگشته‌اند. اما این عدم موضع‌گیری اخلاقی، به معنای نداشتن موضع‌سیاستی نیست. از دید کلان ملی، واضح است که حتی بازگشت درصد کمی از متخصصان و صاحبان حرف و سرمایه به ایران می‌تواند تأثیر چشمگیری بر شاخص‌های مختلف علمی و اقتصادی کشور گذارد.

### ۱. طرح مسئله و سابقه تحقیق

مهاجرت و حتی مهاجرت متخصصان امری جدید در تاریخ بشر نیست، ولی ابعاد این پدیده در قرن بیستم، با توجه به سهولت انتقال اطلاعات، کم‌خطر شدن سفرهای بین‌قاره‌ای و مشکلاتی که جنگ‌های جهانی برای افراد در بیشتر نقاط دنیا پدید آورد، باعث شد این پدیده بر صفحه رادار سیاستگذاران بسیاری از کشورها به‌عنوان یک معضل جدی ثبت شود. اصطلاح فرار مغزها<sup>۱</sup> در بریتانیا در فضای بازسازی پس از جنگ جهانی دوم در مواجهه با خروج بسیاری از متخصصان وضع شد که عمدتاً به مقصد آمریکای شمالی و طشان را ترک می‌کردند (MacKay, 1969) و نشان‌دهنده عمق نگرانی از پدیده مهاجرت متخصصان در زمان بازسازی پس از جنگ در اروپا است.

اینکه اصطلاح فرار مغزها در زمان و مکانی دیگر وضع شده از این رو مهم است که به

ما یادآوری کند، به‌رغم تصویری که رسانه‌ها ممکن است القا کنند، مهاجرت متخصصان پدیده‌ای استثنایی و مختص ایران امروز نیست. به همین دلیل نیز پیش از پرداختن به پرسش اصلی این پژوهش لازم است تصویری از وضعیت مهاجرت ایرانیان در مقایسه با مهاجرت از سایر کشورها ارائه شود.

ایران طی یک سده گذشته با افت‌وخیزهای مهاجرتی، هم به‌عنوان مبدأ و هم مقصد، مواجه بوده است. آنچه در وهله اول دلیل اصلی مهاجرت به ایران و از ایران به‌نظر می‌رسد، تحولات سیاسی در ایران به‌خصوص انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و در کشورهای منطقه به‌خصوص جنگ‌های داخلی افغانستان و عراق است. شواهد نشان می‌دهد روند مهاجرت از ایران پس از جنگ تحمیلی فروکش نکرد (حاجی‌یوسفی و به‌مرد، ۱۳۸۵) و حتی با گذشت تقریباً ۳۰ سال از پایان جنگ، کماکان شاهد مهاجرت متخصصان هستیم. اما در مقام مقایسه، وضعیت ایران چگونه است؟

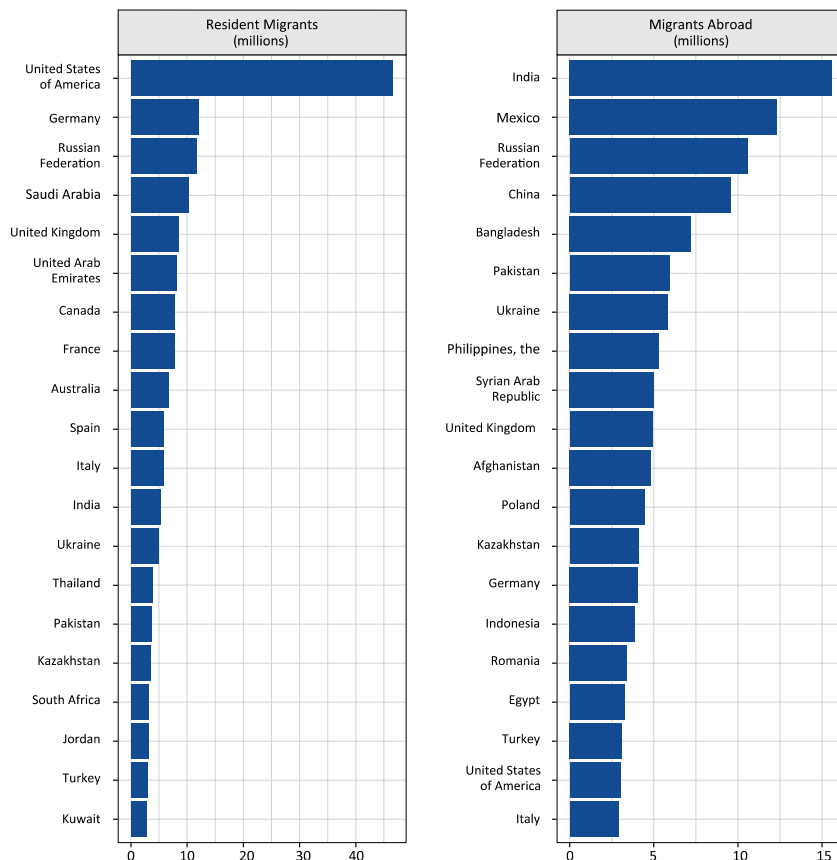
آمارهای سازمان ملل نشان می‌دهد جمعیت مهاجران<sup>۱</sup> در جهان در سال ۲۰۱۵ به ۲۴۴ میلیون نفر (۳/۳ درصد جمعیت جهان) رسیده است که ۴۴ درصد بیشتر از جمعیت مهاجران در سال ۲۰۰۰ است (United Nations, 2015) و بیش از ۲۰ درصد از مهاجرت جهانی، مهاجرت شمال-شمال (از کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای توسعه‌یافته) است. همان‌گونه که نمودار ۱ نشان می‌دهد، ایران در میان ۲۰ کشور اول مهاجرفرست محسوب نمی‌شود (International Organization for Migration, 2018) و حتی نرخ مهاجرت از ایران (۱/۵ درصد جمعیت) هم از میانگین جهانی پایین‌تر است.<sup>۲</sup> این امر کاملاً برخلاف تصویری است که رسانه‌های داخلی و خارجی از وضعیت مهاجرت ایرانیان ارائه می‌کنند و ایران را یک استثنا در جهان امروز معرفی می‌کنند (CNN, 2017).

۱. تعریف مورد استفاده در آمارهای سازمان ملل، زندگی در کشوری غیر از کشور محل تولد است. از این ۲۴۴ میلیون نفر، ۲۰ میلیون نفر پناهنده هستند.

۲. توجه کنید که نمودار ۱ براساس آمارهای مهاجرت (ورود و خروج) به‌صورت جداگانه و نه براساس نرخ خالص مهاجرت ترسیم شده است. در نتیجه بعضی کشورها (مثلاً آلمان) هم از مهاجرفرست‌ترین کشورها هستند و هم از مهاجرپذیرترین کشورها.

نمودار ۱. بیست کشور اول مهاجر فرست (سمت راست) و مهاجر پذیر (سمت چپ) در

جهان براساس جمعیت متولد خارج از کشور



Source: International Organization for Migration, 2018.

شاید تصور شود که ایرانیان مهاجر زیاد نیستند (در مقام مقایسه با سایر کشورها) ولی مشکل این است که ایرانیانی که برای تحصیل رحل سفر می‌بندند (در مقایسه با دانشجویان مهاجر سایر کشورها) زیادند. اما در این زمینه هم ایران براساس آمار «مؤسسه مشاوره بین‌المللی آموزش و قوانین» در قیاس با کشورهای مشابه وضعیتی حاد ندارد. تعداد دانشجویان بین‌المللی در جهان از ۱/۳ میلیون در سال ۱۹۹۰ به ۵ میلیون نفر

در سال ۲۰۱۴ رسیده است (پژوهشکده مطالعات فناوری، ۱۳۹۵). در آمریکا هم با آنکه بیشترین تعداد دانشجوی خارجی را می‌پذیرد نیز داستان از همین قرار است. به طوری که در فاصله سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۲، تعداد ویزای دانشجویی صادر شده در آمریکا از ۱۱۰,۰۰۰ مورد به ۵۲۴,۰۰۰ رسیده است که از این میان، چین (۲۵٪)، هند (۱۵٪)، کره جنوبی (۱۰٪)، عربستان سعودی (۵٪) و کانادا (۴٪) بیشترین تعداد دانشجوی خارجی را در ایالات متحده دارند. اما با نگاه به جدول ۱، نرخ بازگشت دانشجویان خارجی را در آمریکا نشان می‌دهد که صورت مسئله تا حدودی تغییر می‌کند. به رغم اینکه کشور ما از مهاجرپرست‌ترین کشورها محسوب نمی‌شود، اما نرخ بازگشت دانشجویان ایرانی بسیار کم است به طوری که کمتر از ۱۰ درصد از دانشجویان ایرانی از آمریکا باز می‌گردند.<sup>۱</sup> این امر، اهمیت موضوع پژوهش حاضر را نشان می‌دهد که به جای پرداختن به دلیل مهاجرت، به دلیل عدم بازگشت آنها پرداخته شود. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، گام نخست مطالعه مشوق‌ها و موانع بازگشت، متخصصان است که سؤال اصلی این پژوهش است.

#### جدول ۱. درصد ماندگاری فارغ‌التحصیلان خارجی دکتری در آمریکا برحسب کشور مبدأ

کشور	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱
چین	۹۲	۹۱	۸۹	۸۷	۸۵
هند	۸۹	۸۸	۸۵	۸۳	۸۲
ایران	۹۱	۹۰	۸۹	۹۲	۹۲
ژاپن	۵۳	۵۰	۴۵	۴۳	۳۸
ترکیه	۶۶	۶۳	۵۸	۵۶	۵۶
مصر	۶۵	۵۸	۵۵	۴۸	۴۸
روسیه	۷۳	۷۸	۷۸	۷۴	۷۳

مأخذ: پژوهشکده مطالعات فناوری، ۱۳۹۵.

۱. البته حتی در این مورد هم ارقام مربوط به ایران با کشورهای مثل چین و هند قابل مقایسه است.

مطالعه علل و آثار مهاجرت سابقه‌ای طولانی دارد. معمولاً از راونشتاین به‌عنوان کسی یاد می‌شود که بنیان‌گذار مطالعه علمی مهاجرت است (Ravenstein, 1876). بسیاری از مشاهده‌ها و اجزای نظریه او کماکان معتبرند از جمله اینکه بیشتر مهاجران جوان و مجردند، نه خانواده‌ها، یا اینکه جمعیت شهرها بیشتر از اینکه از رشد طبیعی فزونی یابد، در اثر مهاجرت افزایش می‌یابد و اینکه بیشترین میزان مهاجرت در مسافت‌های کوتاه اتفاق می‌افتد. راونشتاین مهاجرت را محصول علل رانشی از مبدأ و علل کششی در مقصد<sup>۱</sup> می‌دانست (Tobler, 1995). بعدها لی<sup>۲</sup> (۱۹۶۶) بر مبنای مشاهده‌های راونشتاین، نظریه مهاجرت خود را ارائه کرد که به نظریه کششی - رانشی معروف شد. تقسیم عوامل دخیل در مهاجرت به عوامل کششی و رانشی چندان انعطاف‌پذیر است که می‌تواند عوامل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... را در سطوح مختلف فردی و اجتماعی دربرگیرد. در پژوهش حاضر نیز از همین رویکرد برای بررسی مشوق‌ها و موانع بازگشت متخصصان استفاده شده است.

ادبیات علمی مربوط به مهاجرت در رشته‌های مختلف دانشگاهی امروز به حدی از گستردگی رسیده است که حتی ذکر ابعاد مختلف پژوهش‌های این حوزه هم در این نوشته مقدور نیست. پژوهشگران با پشتوانه‌ای از مشرب‌های مختلف فکری به بررسی ابعاد مختلف مهاجرت پرداخته‌اند. تأثیرات مثبت و منفی مهاجرت بر کشورهای مبدأ و مقصد از نظر سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی گاه در مقیاسی جهانی و گاه در مقیاسی منطقه‌ای و محلی مطالعه شده‌اند.<sup>۳</sup> در ایران هم پژوهش‌های ارزشمندی در این خصوص انجام شده است که به چند مورد اشاره می‌شود. بلندهمتان و محمدی (۱۳۹۴) به بررسی چرایی خودداری متخصصان دانشگاهی از مهاجرت از کشور می‌پردازند و نظام ارزشی آنان که «میهن‌پرستی آکادمیک» نامش می‌نهند را دلیل اصلی عدم مهاجرت استادان مورد مطالعه می‌یابند. محمدی الموتی (۱۳۸۳) مهاجرت متخصصان را از ایران جزئی از جهانی شدن بازار کار می‌داند. شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی (۱۳۹۳)

---

1. Push and Pull Factors

2. Lee

۳. برای نگاهی به مرور ادبیات این حوزه از دید پژوهشگران رشته‌های مختلف دانشگاهی رجوع کنید به:

Rudolph, 2003; Ceobanu and Escandell, 2010; Fassin, 2011; Castles and Miller, 1993; Hainmueller and Hopkins, 2014; Koopmans, 2013; Hero, 2010.

نشان داده‌اند شاخص‌های نشانگر آزادی‌های اقتصادی، سیاسی و مدنی تأثیر معکوس بر روند مهاجرت دارند. موسوی‌راد و قدسیان (۱۳۹۴) با تحلیلی مبتنی بر شبیه‌سازی به این نتیجه می‌رسند که نه با کاهش تنش در روابط خارجی و نه با بهبود نظام آموزشی نمی‌توان باعث کاهش نرخ خروج متخصصان شد.

در این میان، نزدیک‌ترین کارها به پژوهش پیش‌رو، آنهایی هستند که به مقوله بازگشت یا مهاجرت معکوس<sup>۱</sup> پرداخته‌اند. در یکی از امیدوارکننده‌ترین مطالعات جامع انجام شده، ساکسنیان<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) با بررسی موفقیت چشمگیر صنایع الکترونیکی و کامپیوتری در دره سیلیکون<sup>۳</sup> و مشابه‌سازی‌های موفق آن در بعضی کشورها (یکی از بارزترین مثال‌ها تایوان است)، نشان می‌دهد که اولاً همه این موارد موفقیت پایه در مهاجرت معکوس متخصصانی دارد که هم تجربه کار در شرکت‌های الکترونیکی در دره سیلیکون را داشته‌اند و هم توانسته‌اند از شبکه‌های حرفه‌ای و تجاری‌ای که به آن متصل بوده‌اند بهره ببرند. ثانیاً این مهاجرت معکوس و مشابه‌سازی‌ها نه تنها از قدرت و اهمیت دره سیلیکون نکاسته بلکه برعکس باعث نوعی هم‌افزایی جهانی شده است.

چرا مهاجرت معکوس رخ می‌دهد و چه موانعی بر سر راه آن قرار دارد؟ هرچند در این زمینه هم کارهای خوبی انجام شده، ولی بیشتر رویکرد اقتصادی بر این مطالعات غلبه دارد. کاسارینو<sup>۴</sup> (۲۰۰۴) با مرور ادبیات وسیع این حوزه دلایل بازگشت را در میان نظریه‌های موجود برمی‌شمرد. از دید نظریه اقتصاد نئوکلاسیک، در مهاجرت غلبه با ادامه مهاجرت است و آنان که بازمی‌گردند شکست خوردگان در مهاجرت هستند. از دید نظریه‌های اقتصادی، کار بازگشت جزئی طبیعی از پروژه مهاجرت است که به دلیل وابستگی به مبدأ انجام می‌شود و ممکن است زمانی رخ دهد که اهداف مهاجر به دست آمده باشد. از دید نظریه پردازان ساختارگرا، بازگشت در چارچوب دوگانه مرکز - حاشیه انجام می‌شود که

1. Return Migration

2. Saxenian

۳. Silicon Valley منطقه‌ای در اطراف خلیج سانفرانسیسکو در کالیفرنیا که از زمان اختراع ترانزیستور تاکنون پیشتاز صنایع اطلاعاتی و مخابراتی در جهان بوده است.

4. Cassarino



تأثیری در رابطه میان مرکز و حاشیه نمی‌گذارد و به دلایل شخصی و عاطفی انجام می‌شود. نظریه پردازان فراملی گرایانه نیز معتقدند بازگشت لزوماً دائمی نیست، بر بستری از اوضاع تاریخی و اجتماعی انجام می‌شود؛ روابط خانوادگی نقشی اساسی در بازگشت دارند و وضعیت مکفی اقتصادی برای بازگشت علت معده هستند. از منظر نظریه شبکه‌های اجتماعی، بازگشت جزئی از پروژه مهاجرت است که به دلایل اقتصادی، اجتماعی و سازمانی رخ می‌دهد و در واقع همانند مهاجرت آغازین، بازگشت هم به دلیل وجود شبکه‌های اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی ممکن می‌شود و تکمیل‌کننده این شبکه‌هاست.

داستمن و وایس<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) در مطالعه مهاجران بریتانیا بیان می‌کنند که تعداد بسیار زیادی از مهاجران موقتی هستند و در نظر نگرفتن اینکه مهاجرت آنها موقتی است باعث نتایج نادرست در مطالعات می‌شود. یکی از دلایل آنها این است که در نظر نگرفتن طبیعت دائمی یا موقتی مهاجران باعث می‌شود که یکی از عوامل اساسی تفاوت در رفتار آنها نادیده گرفته شود. با بررسی آمار مهاجران در بریتانیا مشاهده می‌کنند که در مورد مهاجران سفیدپوست از زمان مهاجرت تا ۱۰ سال بعد از آن تنها ۴۰ درصد از مهاجران کماکان در بریتانیا حضور دارند در حالی که درباره مهاجران غیرسفیدپوست این عدد ۸۰ درصد است. آنها مدلی ارائه می‌کنند که مصرف در مبدأ برای افراد ترجیح دارد اما درآمد ممکن است در خارج بیشتر باشد. سه نتیجه در این مدل امکان‌پذیر است عدم مهاجرت، مهاجرت دائم یا مهاجرت موقت. در صورتی که مهاجرت رخ دهد، فرد مهاجر می‌ماند تا زمانی که بازگشت بر ماندن ترجیح پیدا کند. دلایل اصلی این بازگشت از نظر آنها یکی ترجیح ذاتی کشور مبدأ است که وقتی ارزش مهاجر بودن در مقابل هزینه‌هایش از حدی کمتر شود، فرد ترجیح می‌دهد باز گردد، دیگری دلایل اقتصادی و قدرت خرید بیشتر در کشور مبدأ است و همچنین سرمایه انسانی افراد در مبدأ ارزش بیشتری دارد. این مورد آخر به‌طور خاص بیشتر به دانشجویان و صاحبان فنون تخصصی مربوط می‌شود.

علیپور، افقی و عباداللهی (۱۳۹۳) با بررسی یک نمونه ۲۵ نفری از ایرانیان خارج از

کشور، علت مهاجرت را کمبود امکانات در داخل و رضایت علمی و شغلی در خارج از کشور می‌یابند. مهم‌ترین نکته مورد توجه در این میان، نبود مطالعات درباره بازگشت است. چه عواملی باعث می‌شود ایرانیانی که برای کار یا تحصیل موقتاً ترک وطن کرده‌اند، بنای اقامت دائم در خارج از کشور برپا کنند یا به وطن باز گردند؟ در ادامه ابتدا نتایج حاصل از مطالعه کیفی و فرضیه‌های به دست آمده و پس از آن مطالعه کمی انجام شده ارائه می‌شود.

## ۲. مطالعه کیفی

مطالعه کیفی براساس روش مشاهده مشارکتی در ۹ بحث گروهی درباره بازگشتن و بازنگشتن به ایران در میان ایرانیان مقیم آمریکا در فاصله زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ انجام شده است. در میان جمع‌های ایرانی، به‌خصوص جمعیت دانشجوی، بحث در مورد ایران و سؤال در مورد بازگشت به ایران موضوع مکرر بحث و گفتگو است. دایره بحث گاه بسیار محدود است و به یک حوزه مشخص مربوط می‌شود، مثلاً یک ضعف اداری در ایران، گاه بسیار گسترده است و از مسائل اخلاقی و حقوقی تا مسائل اقتصادی را هم‌زمان دربرمی‌گیرد. در خلال صحبت‌های رد و بدل شده، به نظم‌ها و الگوها در مواضع اتخاذ شده توجه می‌شود. در ادامه مسائلی که به تکرار در صحبت‌ها آمده است به صورت نقل قول‌های کوتاه آورده شده‌اند.

بنابراین پیش از شروع بحث، لازم است مفاهیم با دقت بیشتری تعریف شوند. برای این بحث، هر فرد دارای مدرک دانشگاهی بالاتر از کارشناسی، متخصص دانسته شده است. این تصمیم از یکسو به دلیل سهولت اتخاذ شده و از سوی دیگر به هر صورتی که مفهوم متخصص را تعریف کنیم، با این تعریف کاربردی (براساس مدرک) دارای همبستگی بالایی خواهد بود. اقامت خارج از کشور هم به صورت حضور دائم حداقل یک سال گذشته در خارج از ایران تعریف شده است.

## ۱-۲. اقتصاد و کیفیت زندگی

یکی از دلایل پررنگ در مباحث تصمیم به بازگشت، دلایل اقتصادی است، اما نکته جالب توجه این است که دلایل اقتصادی را عمدتاً کسانی مطرح می‌کنند که به طور جدی به

بازگشت فکر می‌کنند. مثلاً یک دانشجوی دکتری پس از سه سال حضور در خارج از ایران می‌گوید «حقوق هیئت علمی در تهران کفاف زندگی را نمی‌دهد. من از دوستان که می‌پرسم همه بیرون دانشگاه هم یک کار خوب دارند. خانه هم که اصلاً امکان خریدش وجود ندارد». اما کسانی که مدت طولانی در خارج از کشور حضور داشته‌اند و مسئله بازگشت به‌عنوان یک دغدغه واقعی برایشان وجود ندارد، نوعاً کمتر به مسائل اقتصادی اشاره می‌کنند. برای کسانی که تجربه بازگشت ناموفق به ایران را دارند نیز مسئله اقتصاد و به‌خصوص مسکن مسئله‌ای جدی است: «من و خانمم بعد از فارغ‌التحصیلی برگشتیم ایران ولی نتوانستیم دوام بیاوریم. خیلی فرق هست بین محیط کار اینجا و ایران... ولی بزرگ‌ترین مشکل برای ما این بود که توی تهران خانه نداشتیم. واقعاً کسی که خانه ندارد نمی‌تواند برگردد. من از وقتی دوباره برگشتم آمریکا به دوستانم می‌گویم که اگر پدر پولدار ندارید، ایران برنگردید، یا اگر برمی‌گردید، بروید شهرستان».

نکته بارز دیگر در سخنان کسانی که به تصمیم بازگشت دارند، مسائل مربوط به کیفیت زندگی است که به‌طور کلی از دو سنخند: مسائل زیست‌محیطی و مجموعه‌ای به‌هم‌تنیده از مسائل اداری، اجتماعی، سیاسی. مثلاً کسی که در شرف فارغ‌التحصیلی در تعطیلات کریسمس به ایران آمده تا فضای شغلی را ارزیابی کند می‌گوید: «من واقعاً چه توجیهی دارم که دست خانواده‌ام را بگیرم ببرم در آن هوای آلوده. من وقتی تهران هستم به‌خاطر آلودگی بچه‌ام را پارک نمی‌توانم ببرم. حتی مدارس شهر به‌خاطر آلودگی تعطیل می‌شود. من واقعاً انگیزه‌ای ندارم که به جمعیت این شهر اضافه کنم». به همین ترتیب، تأثیر منفی مسائل اجتماعی هم به‌طور پررنگی در سخنان ایرانیان مقیم خارج از کشور به چشم می‌خورد. دانشجویان معمولاً قبل از مهاجرت درگیر دریافت تأییدیه‌های مجوز خروج از کشور هستند و به‌نوعی این آخرین تجربه تلخ آنها از سیستم اداری ایران در مقایسه با تجربه زندگی در کشور مقصد تا مدت‌ها در ذهن و بیانشان وجود دارد. به همین ترتیب، ایرانیان خارج از کشور از «فضول» بودن مردم ایران، نفوذ سیاست (به معنای یارکشی جناحی) در همه فعالیت‌ها، خودتربینی قشر مرفه، فرهنگ رانندگی و سایر مثال‌ها از امور روزمره زندگی ذکر می‌کنند و این امور را نشانه‌ای از سخت بودن بازگشت به ایران می‌دانند.

آنچه در این مسائل مهم است، دید مقایسه‌گر افرادی است که بیرون کشور زندگی می‌کنند. مثلاً یکی از افراد که مدتی طولانی بیرون از ایران زندگی کرده بود به دیگران می‌گفت: «اول از ایران می‌آیی، می‌بینی اینجا هم بهشت نیست. ولی بعد که به ایران می‌روی، می‌فهمی که ایران دیگر برایت قابل تحمل نیست. چیزهایی که قبلاً شاید حتی به آنها توجه هم نمی‌کردی را می‌بینی که چه اندازه برایت زندگی در ایران را دردآور می‌کنند».

علاوه بر نگاه مقایسه‌ای، آنچه در تصمیم‌گیری افراد مهم است واقعیت نیست، بلکه درک آنها از واقعیت است. زاویه دید و تجربه شخصی افراد در مسائل مربوط به کیفیت زندگی بسیار حائز اهمیت است و به همین دلیل باید توجه خاصی شود که این مسائل از دید ایرانی خارج از کشور دیده شود. مثلاً کسی که سال‌ها در ایران زندگی کرده از آلودگی هوا یا کاغذبازی اداری در ایران حتماً مطلع است، ولی شاید اینها را علتی برای کوچ از ایران نداند، حال آنکه کسی که از بیرون ایران به بازگشت می‌اندیشد، ممکن است به همین دلایل عطای بازگشت را به لقایش ببخشد. برای اینکه این تفاوت نگاه بهتر آشکار شود، می‌توان مثالی ذکر کرد از توصیه یکی از ایرانیان خارج از کشور (که بیش از ۳۰ سال در آمریکا اقامت داشته است) به دوستانش برای مسافرت کوتاه‌مدت به ایران: «ایران آلودگی زیاد است. حتماً مراقب باشید که به بچه‌ها آب شهری ندهید؛ فقط آب معدنی بدهید. همه دوستان ما که ایران سر می‌زنند بچه‌هایشان مریض می‌شوند. یک دلیلش آب است. خیلی مراقب بچه‌ها باشید». این سخنان که بیشتر به‌نوعی فوبیا شبیه است تا درک واقعی از ایران امروز، از این خبر می‌دهد که گوینده سخن هرچند به‌ظاهر به ایران رفت و آمد دارد ولی در واقع تصویرش از ایران غیرواقعی است، چه اینکه اگر همین سخنان به انگلیسی بیان می‌شد، نمی‌توانست فهمید که گوینده کلام اصالتاً ایرانی است یا خیر، چون در آلوده دانستن ایران ظاهراً فرقی بین ایران و یک کشور عقب‌افتاده قائل نیست.

از کلامی که نقل شد، علاوه بر نوعی فوبیا از بهداشت در ایران، تأکید بر فرزندان هم به چشم می‌خورد که در کلام بسیاری از افراد دیگر هم وجود داشته است. این نکته که «ما به‌خاطر بچه‌ها تصمیم بگیریم برنگردیم». از زبان یادگرفتن کودکان تا فارسی بلد نبودن آنها، تا کنکور برای ورود دانشگاه و دلایلی از این‌سختی در سخن افراد مکرر شنیده می‌شود، مانند

پزشکی که کمتر از یک سال بود از ایران خارج شده بود و از اوضاع ناراضی بود و می گفت: «ما به خاطر این از ایران آمدیم که بچه‌ها سختی‌هایی که ما کشیدیم را تجربه نکنند. من و خانمم از لحاظ کاری وضعمان در ایران خیلی خوب بود». یا شخص دیگری که می گفت: «بچه‌ای که اینجا بزرگ شده نمی تواند ایران زندگی کند».

## ۲-۲. دلایل شخصی، خانوادگی، ملی

یکی دیگر از مهم ترین دلایل برای بازگشت به ایران، مسائل شخصی و خانوادگی است: «من مطمئنم که می‌خواهم برگردم. ولی هیچ توهمی نسبت به وضعیت در ایران ندارم. می‌دانم که من هم مثل بقیه کسانی که به ایران بازگشتند نمی‌توانم آنجا را متحول کنم. می‌دانم که نمی‌توانم کار خاصی بکنم. این حرف‌ها هم که ما مدیون ایران هستیم اینها هم نیست. دلیل اصلیم برای برگشتن پدر و مادرم هستند. من خیلی از آنها دور بوده‌ام. حالا که به من احتیاج دارند می‌خواهم کنارشان باشم». این فرد مانند بسیاری دیگر از ایرانیانی که به بازگشت می‌اندیشند، به صراحت دلایل خانوادگی را عامل بازگشت خود می‌داند. دلایل خانوادگی را حتی در سخن آنها که نیت بازگشت ندارند هم می‌توان یافت: «تا پیش از فوت مادرم، منتظر بودیم که یک فرصتی پیش بیاید که بکنیم از اینجا و برگردیم ایران. ولی الآن واقعاً انگیزه‌ای برایمان نمانده است. نه من و نه خانمم کسی به آن معنا نداریم ایران. خواهر و برادرها نصفشان ایرانیانند نصف دیگر همین جا هستند».

علاوه بر این دلایل، این نکته که ایران وطن ماست در همه مباحث مربوط به مهاجرت یا بازگشت مطرح می‌شود. بحث وطن معمولاً دو شکل دارد: گاهی به معنای وظیفه (یا دین) نسبت به ایران مطرح می‌شود مانند «اگر همه متخصصان با یأس پای خودشان را بیرون بکشند، چطور می‌شود انتظار بهبود داشت؟». این معنای از وطن حتی وقتی به صراحت در بحث نیاید، در واقع به قرینه‌ای محذوف است، مثلاً کسی که می‌گوید «من از اینجا بهتر می‌توانم به ایران خدمت کنم». درحقیقت دارد به سؤالی محذوف در مورد وظیفه یا دین نسبت به ایران سخن می‌گوید. گاهی نیز وطن به معنای جایی مطرح می‌شود که خود انسان در آن احساس بهتری دارد. مانند «اینجا هر کاری بکنی خارجی

هستی». یا اینکه «آخرش کار یک روزی تمام می‌شود. دوست داری دوران پیری را اینجا بگذرانی یا توی ایران؟».

دلایل مذهبی در هر دو روی سکه خود را نشان می‌دهند. بعضی نگرانی از تربیت مذهبی فرزندان را به‌عنوان دلیلی برای بازگشتن به ایران ذکر می‌کنند که با یافتن «مدرسه اسلامی خوب» در کشور محل اقامتشان، دیگر دلیلی برای بازگشت به ایران ندارند. بعضی هم در مقابل، تنگ‌نظری مذهبی و ریاکاری افراد را دلیلی برای عدم بازگشت ذکر می‌کنند. در میان صحبت‌های ردوبدل شده، از خود دین یا دینداری افراد، یا حتی امری مانند حجاب به‌صراحت دلیلی برای عدم بازگشت یاد نشد، بلکه از آفت‌های اجتماعی و سیاسی (به‌خصوص ریاکاری و ریاکارپروری) به‌عنوان دلایل منفی و مایوس‌کننده صحبت به میان آمد.

### ۲-۳. مرور زمان

نکته دیگر که باید به آن اشاره کرد این است که در بیشتر موارد گویا بازه‌ای از زمان وجود دارد که اگر در آن بازه بازگشت اتفاق نیفتد، عملاً بازگشت ممکن نیست، هرچند فرد تمایل به بازگشت داشته باشد. یک دلیل این مشاهده انتخاب است: درواقع، آنها که بازگشتی هستند، بازمی‌گردند و آنها که می‌مانند، بازگشتی نیستند و در نتیجه بازنگشتن آنها با مرور زمان طولانی‌تر نباید تعجب‌آور باشد. اما دلیل دیگری هم در میان است: بازگشت با گذشت زمان دشوارتر می‌شود. یکی از افراد آدم‌ها را با درخت مقایسه کرد: «نهال را راحت می‌شود جابه‌جا کرد، اما واقعاً از درختی که ریشه کرده، چه انتظاری می‌توان داشت؟». شبیه این سخن به گونه‌ای دیگر هم بیان شد: «ما همیشه نیتان این بوده که یک روز به ایران برگردیم. مشکل این است که هیچ‌وقت آن روز نیامده». به همین ترتیب شخص دیگری از تجربه شخصی‌اش می‌گوید: «ما چهار بار در این ۲۰-۳۰ سال گذشته تصمیم جدی به برگشتن گرفته‌ایم. هر بار یک اتفاقی افتاده که نشده برگردیم. اگر می‌خواهید برگردید، زود برگردید، اگر نه همین جا می‌مانید تا روزی که ببینید به ایران برگشتن صرفاً یک آرزوی نشدنی است».

#### ۴-۲. فرضیه‌ها

با عنایت به مشاهدات کیفی، فرضیه‌های زیر در مورد ایرانیان خارج از کشور مطرح می‌شود:

**فرضیه اول:** دلایل شخصی و میهنی بیشترین تأثیر در بازگشتن متخصصان به کشور دارند.

**فرضیه دوم:** دلایل مربوط به کیفیت زندگی نقش پررنگ در عدم بازگشت متخصصان دارد.

**فرضیه سوم:** مستقل از موانعی که در بازگشت ممکن است وجود داشته باشد، متخصصان تمایل به کمک به بهبود اوضاع اقتصادی و علمی داخل ایران دارند.

**فرضیه چهارم:** با طولانی شدن زمان اقامت خارج از کشور، موانع اقتصادی نقش کم‌رنگ‌تر و سایر موانع بازگشت نقش پررنگ‌تری دارند و به‌طور کلی احتمال بازگشت کاهش می‌یابد.

#### ۳. تحلیل کمی داده‌ها و بررسی فرضیه‌ها

##### ۳-۱. داده‌ها

آل یاسین و همکاران (۱۳۹۳) با استفاده از داده‌های نظرسنجی آماری از ایرانیان مقیم خارج از کشور در پاییز سال ۱۳۹۳ در این زمینه به مطالعه از لحاظ کمی پرداختند. جمعیت هدف، ایرانیان تحصیل کرده یا در حال تحصیل در خارج از کشور بودند. نظرسنجی مشتمل بر سؤال‌های عمومی، موانع بازگشت، انگیزه‌های بازگشت و در مورد تصمیم به بازگشتن بود که به‌صورت آنلاین برگزار شد و دعوت از آنها با استفاده از شبکه‌های اجتماعی بود که پرسش‌های این نظرسنجی در پیوست آورده شده‌اند.

نظرسنجی مذکور برای پژوهش پیش‌رو طراحی نشده بود و همه سؤال‌های مورد نظر بحث حاضر را نمی‌پوشاند، اما سؤال‌های آن تا حد خوبی برای داوری در مورد فرضیه‌های مطرح شده در اینجا مورد استفاده قرار گرفت. ضعف اصلی این نظرسنجی این است که روی یک نمونه آماری تصادفی از جمعیت هدف انجام نشده است. این امر باعث می‌شود که اطمینان از نتایج این پژوهش نداشته باشیم که تا چه اندازه تعمیم‌پذیر به جمعیت هدف است. با این وجود، نظرسنجی از یک نمونه ایدئال برای چنین پژوهشی با توجه به گستردگی جمعیت هدف و همچنین نبود دسترسی به ایشان تقریباً از لحاظ عملی غیرممکن است. علاوه بر این، به دلیل تلاش برگزارکنندگان نظرسنجی و همه‌گیر بودن ابزارهای ارتباطی

مدرن در جمع اقشار تحصیل کرده و در حال تحصیل در خارج از کشور، می‌توان ادعا کرد که به احتمال قوی بین افرادی که دعوت به شرکت در نظرسنجی را دریافت کرده‌اند و آنها که این دعوت را دریافت نکرده‌اند تفاوت معناداری از حیث متغیرهای مورد بررسی وجود ندارد. بیشترین عاملی که احتمال دارد باعث اریبی (بایاس) یافته‌ها شود، همبستگی بین شرکت کردن یا نکردن در نظرسنجی و متغیرهای مورد مطالعه باشد. دور از انتظار نیست که افرادی با درجه بالاتری از دل‌بستگی به ایران و مسائل مربوط به رشد ایران احتمال شرکتشان بیشتر از دیگران باشد. سه نکته برای کاستن از نگرانی‌های روشی درباره داده‌های مورد استفاده قابل تأمل است: اول اینکه آنچه وجهه نظر این تحقیق است، رابطه بین متغیرهاست و نه بیان نسبت پاسخ‌های مختلف در نمونه و می‌توان خوشبین بود که رابطه بین متغیرهای مختلف در این نمونه دچار اریبی چندان نشده است. دوم اینکه این داده‌ها با فاصله زیادی خیرالموجودین هستند. در پژوهش‌های انجام شده درباره مهاجرت ایرانیان از داده‌هایی استفاده شده است که هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی بسیار ضعیف‌تر از داده‌های پژوهش حاضر هستند. نکته سوم اینکه مشکل عدم پاسخ در نظرسنجی‌های با نمونه تصادفی هم وجود دارد و این انتقاد به بیشتر تحلیل‌های مبتنی بر نظرسنجی وارد است.

در نظرسنجی آل یاسین و همکاران (۱۳۹۳) بیش از ۴۰۰۰ نفر شرکت کرده‌اند؛ نتایج تحلیل اولیه این پیمایش به صورت آنلاین در دسترس همگان قرار گرفته است<sup>۱</sup> که به دلیل صرفه‌جویی در متن، برای جزئیات در مورد توزیع متغیرهای اندازه‌گیری شده و اطلاعات بیشتر در مورد نظرسنجی به وبسایت مربوط ارجاع داده می‌شود. برای مطالعه حاضر، از میان افراد، صرفاً کسانی انتخاب شدند که مدرک بالاتر از کارشناسی دارند، در زمان پاسخ در آمریکا اقامت داشته‌اند و حداقل یک سال را خارج از کشور سپری کرده بودند؛ به این ترتیب ۱۵۰۴ نفر باقی می‌مانند. در اینجا ابتدا به انعکاس تقاطع دو متغیر مورد نیاز اشاره می‌شود (جدول ۲): تمایل به کمک (تمایل به کمک برای پیشرفت ایران در صورت اقامت در خارج از کشور) و اندیشه عدم بازگشت (اندیشیدن به طور جدی به بازگشت به ایران).



در میان همه ایرانیان، کسانی که تمایل به کمک دارند بیشتر از آنهایی هستند که این تمایل را ندارند و این امر را می‌توان در مقایسه با تعداد افراد در ستون اول و دوم متوجه شد. مثلاً حتی از میان ایرانیانی که اساساً به بازگشت به ایران نمی‌اندیشند، ۳۷۸ نفر تمایل دارند به ایران کمک کنند در حالی که فقط ۱۴۲ نفر به این کار تمایل ندارند. البته جالب است که در میان ایرانیانی که برای کمک به ایران تمایلی ندارند، بیشتر افراد به بازگشت به ایران نمی‌اندیشند.

### جدول ۲. تقاطع تمایل به بازگشت و اندیشه عدم بازگشت

در صورت حضور در خارج از ایران، آیا علاقه‌مند هستید در فعالیت‌هایی مرتبط با ایران همکاری داشته باشید؟			آیا به برگشتن به ایران به‌طور جدی فکر می‌کنید؟
مجموع	خیر	بله	
۸۵	۱۶	۶۹	۱-بله، در یک تا دو سال آینده
%۵/۶۵	%۵/۹۵	%۵/۵۹	
۱۹۶	۲۲	۱۷۴	۲-بله، در سه تا پنج سال آینده
%۱۳/۰۳	%۸/۱۸	%۱۴/۰۹	
۷۰۳	۸۹	۶۱۴	۳-بله، ولی برنامه مشخصی ندارم
%۴۶/۷۴	%۳۳/۰۹	%۴۹/۷۲	
۵۲۰	۱۴۲	۳۷۸	۴-خیر
%۳۴/۵۷	%۵۲/۷۹	%۳۰/۶۱	
۱,۵۰۴	۲۶۹	۱,۲۳۵	مجموع

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

### ۲-۳. تحلیل عاملی

گام اول در تحلیل کمی داده‌های این پژوهش، تحلیل عاملی مشوق‌ها و موانع بازگشت است. در میان سؤال‌های این پیمایش، ۳۶ سؤال به این مقوله اشاره داشتند. تحلیل عاملی این ۳۶ سؤال ۶ عامل با مقدار ویژه بیش از ۱ به دست می‌دهند. در تحلیل عاملی اکتشافی انتخاب تعداد عوامل براساس معنای به دست آمده از عوامل است و بررسی عوامل نشان می‌دهد

که این ۶ عامل به خوبی معنا دارند. بنابراین در مطالعات ۶ عامل حفظ شدند. تحلیل عاملی اکتشافی با استفاده از روش بیشینه‌سازی احتمالاتی<sup>۱</sup> و چرخش عوامل با الگوریتم کوآرتیمین<sup>۲</sup> که الگوریتم چرخش اریب است انجام شده است.

جدول ۳ بارگیری عوامل را پس از چرخش نشان می‌دهد. عوامل ۱ تا ۶ را به ترتیب می‌توان به صورت زیر تعبیر کرد:

۱. کیفیت زندگی پایین‌تر در ایران برای خود و فرزندان و مشکلات اجتماعی و سیاسی در ایران (کیفیت زندگی)،

۲. جذابیت‌های شخصی، خانوادگی، مذهبی و میهنی در ایران (بازگشت به میهن)،

۳. احساس وظیفه و وامداری نسبت به ایران (احساس وظیفه)،

۴. قدرت تأثیرگذاری بیشتر در ایران (تأثیرگذاری)،

۵. کیفیت پایین‌تر کارهای تحقیقاتی در ایران (کیفیت پژوهش)،

۶. مشکلات اقتصادی بازگشت به ایران (مشکلات اقتصادی).

به وضوح، موارد ۱، ۵ و ۶ از موانع و موارد ۲، ۳ و ۴ از مشوق‌های بازگشت هستند. جدول ۴ همبستگی بین این عوامل را نشان می‌دهد؛ به دلیل اینکه از یک چرخش اریب استفاده شده تا تفسیر عوامل آسان‌تر باشد، عوامل استخراج شده بر یکدیگر عمود نیستند. توجه کنید که این متغیرها از دید پاسخ‌دهندگان هستند؛ مثلاً یک فرد ممکن است احساس وظیفه و وامداری زیادی نسبت به ایران داشته باشد و دیگری برخلاف او چنین احساسی نداشته باشد؛ یا مثلاً یک فرد ممکن است فکر کند کیفیت پژوهش در ایران پایین است و فرد دیگری ممکن است فکر کند که کیفیت پژوهش در ایران خوب است. آنچه در ادامه مطالعه می‌شود تأثیر این متغیرهای ذهنی بر احتمال بازگشت و اندیشیدن به بازگشت به ایران است.

مشوق‌ها و موانع بازگشت به کشور: بررسی موردی متخصصان مقیم ایالات متحده آمریکا — ۳۰۷

جدول ۳. بازگیری عوامل پس از چرخش (عامل‌های ۱، ۵ و ۶ موانع ۲، ۳ و ۴ مشوق‌های بازگشت)

متغیر	عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳	عامل ۴	عامل ۵	عامل ۶	یکتایی
درآمد پایین						۰/۷۵	۰/۴۶
مسکن						۰/۶۵	۰/۵۸
شغل						۰/۴۵	۰/۷۱
تناسب تخصص					۰/۴۳		۰/۷۰
شبکه همکاران					۰/۳۶	۰/۳۳	۰/۷۲
محیط کار	۰/۴۱						۰/۶۴
امکان تحقیقات					۰/۴۸		۰/۶۴
شغل آکادمیک							۰/۸۰
نبودن دوست در ایران							۰/۸۱
کیفیت زندگی	۰/۳۷						۰/۷۲
فرصت‌ها برای فرزندان	۰/۴۷						۰/۵۸
سربازی							۰/۹۴
مشکلات اجتماعی	۰/۶۸						۰/۴۵
عدم ثبات سیاسی	۰/۶۱						۰/۵۲
اینترنت بد	۰/۵۵						۰/۵۵
کمبود تحقیقات در صنایع					۰/۴۷		۰/۶۸
ارتباطات آکادمیک					۰/۶۲		۰/۵۳
عدم ثبات کسب و کار	۰/۳۲				۰/۲۹		۰/۷۵
کیفیت پایین تحقیقات					۰/۵۵		۰/۶۲
تحریم‌ها	۰/۳۹						۰/۶۹
تبعیض جنسیتی	۰/۷۴						۰/۴۸
عقب افتادن					۰/۳۱		۰/۷۱
تأثیرگذاری بیشتر			۰/۶۱				۰/۵۹
بیرون‌خارجی‌ام			۰/۵۴				۰/۶۴
وظیفه			۰/۷۱				۰/۳۷
احساس دین			۰/۸۳				۰/۲۹
اختلاف فرهنگی		۰/۵۸					۰/۴۲
وطن		۰/۸۲					۰/۳۳
مشکلات سیاسی خارج							۰/۴۸
قدرت تأثیر در ایران							۰/۴۷
موثر در ایران							۰/۴۶
خانواده							۰/۴۵
مسائل مذهبی							۰/۴۴
دوستان بهتر							۰/۴۳
محیط بهتر							۰/۴۳
میان‌نسالی در خارج							۰/۴۲

توضیح: مکان‌های خالی نشان‌دهنده وزن‌های با قدر کوچک‌تر از ۰/۳ است.  
مأخذ: همان.

جدول ۴. همبستگی بین عوامل استخراج شده از مشوق‌ها و موانع بازگشت به ایران

مشکلات اقتصادی	کیفیت پژوهش	تأثیر گذاری	احساس وظیفه	بازگشت به میهن	کیفیت زندگی	
					۱/۰۰	کیفیت زندگی
				۱/۰۰	-۰/۴۶	بازگشت به میهن
			۱/۰۰	۰/۵۰	-۰/۴۱	احساس وظیفه
		۱/۰۰	۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۴۱	تأثیر گذاری
	۱/۰۰	-۰/۰۷	۰/۵۳	۰/۵۳	-۰/۳۰	کیفیت پژوهش
۱/۰۰	-۰/۱۲	۰/۳۸	-۰/۰۶	۰/۰۴	۰/۲۳	مشکلات اقتصادی

مأخذ: همان.

### ۳-۳. دلایل بازگشتن و بازنگشتن

گام بعدی بررسی این است که کدام یک از ۶ عامل استخراج شده با دو متغیر وابسته مورد نظر، تصمیم‌پاسخ‌دهندگان به بازگشت و تمایل آنها به همکاری برای پیشرفت ایران، همبستگی دارند. ابتدا سنجش تصمیم به بازگشت از طریق دو سؤال بررسی شده است:

اول، احتمال بازگشت (احتمال بازگشت به ایران ظرف پنج سال آینده چقدر است، از ۱ تا ۱۰ انتخاب کنید). این متغیر روی بازه صفر تا یک تصویر شده است.

دوم، اندیشه عدم بازگشت (اندیشیدن به بازگشت یا عدم بازگشت به ایران). این متغیر از یک تا چهار است. توجه کنید که مقادیر بالاتر نشانگر عدم بازگشت هستند (چهار نشان‌دهنده نیندیشیدن به بازگشت است).

جدول ۵ نشان‌دهنده رابطه بین مشوق‌ها و موانع استخراج شده از تحلیل عاملی به‌عنوان متغیرهای مستقل و دو متغیر وابسته فوق است. علاوه بر عوامل استخراج شده از تحلیل عاملی مشوق‌ها و موانع بازگشت، متغیر دیگری نیز در جمع متغیرهای مستقل قرار گرفته که دغدغه کمک به پیشرفت ایران است که به‌صورت یک سؤال بلی/خیر پرسیده شده است. ستون‌های اول و دوم به‌احتمال بازگشت (به‌عنوان متغیر وابسته) می‌پردازند. اولین مدل، رگرسیون کسری

با تابع پیوند لجستیکی است که مناسب متغیر وابسته در اینجاست (چون احتمال بازگشت بین صفر و یک محدود است) و دومین مدل رگرسیون خطی کمترین مربعات<sup>۱</sup> است. به همین ترتیب، ستون‌های سوم و چهارم به اندیشه عدم بازگشت (به‌عنوان متغیر وابسته) می‌پردازد، که ستون سوم یک مدل رگرسیون لجیت ترتیبی<sup>۲</sup> است و ستون چهارم مدل رگرسیون خطی کمترین مربعات است. دلیل استفاده از رگرسیون لجیت ترتیبی این است که متغیر وابسته مورد استفاده با مقیاسی ترتیبی سنجیده شده و متریک نیست. درعین حال، محدود بودن یا متریک نبودن متغیرهای وابسته در بسیاری از کاربردهای عملی نادیده گرفته می‌شود و به دلیل سادگی تعبیر نتایج، از مدل‌های خطی استفاده می‌شود؛ در اینجا نیز نتایج رگرسیون خطی به همین دلایل منعکس شده‌اند. مدل رگرسیون خطی به صورت زیر قابل بیان است:

$$y = \beta_0 + \beta_1 D + \beta_2 F_1 + \dots + \beta_7 F_6 + \varepsilon$$

که  $y$  نشان‌دهنده متغیر وابسته،  $D$  نشان‌دهنده دغدغه پیشرفت و  $F_1$  تا  $F_6$  نشان‌دهنده عوامل شش‌گانه مستخرج از تحلیل عاملی هستند. خطای استاندارد هر ضریب در زیر آن ذکر شده و میزان معنای آماری ضرایب با ستاره نشان داده شده به طوری که یک ستاره نشان‌دهنده معناداری آماری در حد  $p=0.05$  است. نکته دیگر این است که عوامل استخراج شده از تحلیل عاملی، همگی انحراف معیار ۱ دارند و از این جهت با هم قابل قیاس هستند. نتایج حاصله فرضیه‌های اول و دوم را تأیید می‌کنند.

نتیجه هر چهار رگرسیون بیانگر این است که عامل کیفیت زندگی اصلی‌ترین مانع و عامل بازگشت به میهن اصلی‌ترین مشوق در بازگشت هستند. تغییر عامل کیفیت زندگی به اندازه یک انحراف معیار، با کاهش احتمال بازگشت به اندازه ۸ درصد همراه است و تغییر عامل بازگشت به میهن به اندازه یک انحراف معیار، با افزایش احتمال بازگشت به اندازه ۶ درصد همراه است (طبق ستون دوم جدول ۵).

جدول ۵. عوامل مؤثر در تصمیم به بازگشت

عوامل	۱	۲	۳	۴
	احتمال بازگشت	احتمال بازگشت	اندیشه عدم بازگشت	اندیشه عدم بازگشت
دغدغه کمک به پیشرفت	۰/۰۱۲	-۰/۰۰۸	°-۰/۳۵۸	-۰/۰۴۵
	(۰/۰۹)	(۰/۰۱)	(۰/۱۵)	(۰/۰۵)
کیفیت زندگی	***-۰/۳۵۶	***-۰/۰۸۳	***۰/۶۱۹	***۰/۲۲۵
	(۰/۰۵)	(۰/۰۱)	(۰/۰۱)	(۰/۰۲)
بازگشت به میهن	***-۰/۴۳۳	***۰/۰۶۳	***-۰/۸۴۷	***-۰/۲۲۸
	(۰/۰۵)	(۰/۰۱)	(۰/۰۹)	(۰/۰۳)
احساس وظیفه	***۰/۲۹۴	***۰/۰۴۸	**۰/۲۴۲	**۰/۰۷۴
	(۰/۰۵)	(۰/۰۱)	(۰/۰۹)	(۰/۰۳)
تأثیر گذاری	***۰/۲۷۰	***۰/۰۴۴	***-۰/۵۵۲	***-۰/۱۵۷
	(۰/۰۵)	(۰/۰۱)	(۰/۰۹)	(۰/۰۳)
کیفیت پژوهش	**۰/۱۱۳	-۰/۰۱۱	°۰/۱۷۲	°۰/۰۴۸
	(۰/۰۴)	(۰/۰۱)	(۰/۰۷)	(۰/۰۲)
مشکلات اقتصادی	-۰/۰۷۵	**۰/۰۱۵	۰/۱۲۳	°۰/۰۵۲
	(۰/۰۴)	(۰/۰۱)	(۰/۰۷)	(۰/۰۲)
ثابت	***-۱/۱۷۸	***۰/۲۸۰		***۳/۱۳۳
	(۰/۰۸)	(۰/۰۱)		(۰/۰۴)
N	۱۳۳۷	۱۳۳۷	۱۳۵۹	۱۳۵۹
Log likelihood	-۶۸۱/۵	۲۳۶	-۱۱۸۷/۳	-۱۳۳۷/۲
R <sup>2</sup>		۰/۴۱۶		۰/۳۸۵

توضیح: خطای استاندارد هر تخمین زیرش در پرانتز آمده است.

\* p < 0/05

\*\* p < 0/01

\*\*\* p < 0/001: معناداری آماری با ستاره نشان داده شده است.

مدل ۱ رگرسیون کسری با تابع پیوند لجستیک، مدل ۳ لجستیک مراتبی (ordinal logit) و مدل‌های ۲ و ۴ OLS هستند.

توجه کنید که متغیر وابسته در ستون‌های ۱ و ۲ احتمال بازگشت در پنج سال آینده است ولی در ستون‌های ۳ و ۴ هرچه بزرگ‌تر باشد معنایش عدم تمایل به بازگشت است؛ به همین دلیل انتظار می‌رود علامت ضرایب در ستون‌های ۱ و ۲ مخالف ستون‌های ۳ و ۴ باشد.

مأخذ: همان.

عوامل احساس وظیفه، تأثیر گذاری و مشکلات اقتصادی هم مانند انتظار (دو عامل اول مشوق و عامل سوم مانع بازگشت) در بازگشت مؤثر هستند و از لحاظ آماری معنا دارند، هر چند وزن تأثیر آنها کمتر است. تغییر به اندازه یک انحراف معیار در هر کدام از این سه عامل به ترتیب با تغییر به اندازه ۴/۸ درصد (در اثر تغییر احساس وظیفه)، ۴/۴ درصد (در اثر تغییر تأثیر گذاری) و ۱/۵ درصد (در اثر تغییر مشکلات اقتصادی) در احتمال بازگشت همراه است. از میان عامل‌ها، دو عامل، کیفیت پژوهش (به معنای پایین بودن کیفیت و اهمیت پژوهش در ایران) و مشکلات اقتصادی هم ضرایب کوچک‌تری دارند و هم معناداری آماری آنها به مدل مورد استفاده بستگی دارد. مشاهده دیگر در مورد نتایج جدول ۵ این است که متغیر دغدغه کمک به پیشرفت، چندان اهمیتی ندارد. این متغیر صرفاً در مدل سوم از لحاظ آماری معنادار است که در آنجا نیز در قیاس با عوامل استخراج شده از وزن زیادی برخوردار نیست هر چند علامت جبری آن در جهت مورد انتظار (یعنی منفی) است؛ افزایش دغدغه با کاهش اندیشه در مورد عدم بازگشت همبسته است. برای تعبیر آن می‌توان از نسبت بخت تجمیعی<sup>۱</sup> استفاده کرد: افزایش متغیر دغدغه کمک به پیشرفت از صفر به یک، باعث کاهش نسبت بخت تجمیعی به اندازه ۳۰ درصد می‌شود  $\exp(0.358) = 0.7$ . به‌طور کلی نتایج مؤید فرضیه‌های اول و دوم هستند. گام بعدی بررسی رابطه عوامل استخراج شده و متغیر وابسته دیگر در این مطالعه، تمایل به کمک از خارج است. سؤالی که در نظرسنجی پرسیده شده به صورت بله/خیر بوده است: «در صورت حضور در خارج از ایران، آیا علاقه‌مند هستید در فعالیت‌هایی مرتبط با ایران همکاری داشته باشید؟» به همین دلیل از رگرسیون لجستیک استفاده شده است. نتیجه در جدول ۶ آمده است. نتایج مطالعه عوامل مؤثر در تمایل کمک از خارج از کشور (جدول ۶) این است که به‌جز عامل احساس وظیفه، هیچ‌یک از عوامل دیگر به سطح معمول معناداری آماری نمی‌رسد. به‌عبارت‌دیگر، به‌جز عامل احساس وظیفه که تأثیر نسبتاً بزرگی بر تمایل به همکاری از خارج از ایران دارد، سایر مشوق‌ها و موانع تأثیری بر تمایل به کمک در صورت اقامت در خارج از کشور ندارند. این امر تأییدکننده فرضیه سوم است. میزان تأثیر عامل احساس وظیفه را می‌توان براساس نسبت بخت<sup>۲</sup> این‌گونه بیان کرد که افزایش این عامل به

1. Proportional Odds Ratio

2. Odds Ratio

اندازه یک انحراف معیار، باعث افزایش نسبت بخت تمایل به کمک به اندازه ۵۴ درصد می‌شود  $\exp(0.432) = 1.54$ . این نتیجه خلاف انتظار نیست، چون طبعاً هرچه احساس وظیفه نسبت به ایران بیشتر باشد، فرد تمایل دارد حتی در صورت عدم امکان بازگشت نیز در جهت اعتلای ایران کاری انجام دهد. همچنین پایین دانستن کیفیت پژوهش در ایران باعث کاهش تمایل به همکاری می‌شود؛ افزایش این عامل به اندازه یک انحراف معیار، باعث کاهش نسبت بخت تمایل به کمک به اندازه ۲۶ درصد می‌شود  $\exp(-0.27) = 0.76$ . این امر نیز هر چند پیش‌بینی نشده بود، ولی توجه‌پذیر است: کسانی که امیدی به پیشرفت علمی ندارند، طبیعی است که نخواهند برای پیشرفت ایران انرژی صرف کنند.

دغدغه کمک به پیشرفت بزرگ‌ترین تأثیر را بر تمایل به همکاری دارد؛ افزایش متغیر دغدغه کمک به پیشرفت از صفر به یک، باعث افزایش نسبت بخت تمایل به کمک به اندازه ۴/۵ برابر (۴۵۰ درصد) می‌شود  $\exp(1.51) = 4.5$ ، که رقم چشمگیری است.

#### جدول ۶. عوامل مؤثر در تمایل برای کمک به ایران در صورت سکونت در خارج از کشور

عوامل	تمایل به کمک از خارج	تمایل به کمک از خارج	تمایل به کمک از خارج
دغدغه کمک به پیشرفت	***۱/۶۷۷	***۱/۵۵۹	***۱/۵۱۴
	(۰/۲۰)	(۰/۱۹)	(۰/۱۸)
کیفیت زندگی	۰/۲۴۲	۰/۲۹۳	۰/۲۴۲
	(۰/۱۳)	(۰/۱۲)	(۰/۱۲)
بازگشت به میهن	۰/۰۴۵	۰/۱۲۴	۰/۱۳۹
	(۰/۱۲)	(۰/۱۱)	(۰/۱۱)
احساس وظیفه	**۰/۳۶۷	***۰/۴۵۲	***۰/۴۳۲
	(۰/۱۳)	(۰/۱۳)	(۰/۱۳)
تأثیر گذاری	۰/۰۵۲	-۰/۰۲۶	-۰/۰۲۴
	(۰/۱۲)	(۰/۱۲)	(۰/۱۱)



عوامل	تمایل به کمک از خارج	تمایل به کمک از خارج	تمایل به کمک از خارج
کیفیت پژوهش	°°-۰/۲۹۲	°°-۰/۲۷۲	°°-۰/۲۷۱
	(۰/۱۱)	(۰/۱۰)	(۰/۱۰)
مشکلات اقتصادی	۰/۰۴۲	-۰/۰۲۶	-۰/۰۱۲
	(۰/۱۱)	(۰/۱۰)	(۰/۱۰)
لگاریتم سنوات خارج از کشور	۰/۰۱۶	۰/۰۴۳	
	(۰/۱۳)	(۰/۱۱)	
لگاریتم سن	۰/۱۶۷		
	(۰/۸۱)		
مرد	-۰/۳۳۶		
	(۰/۱۸)		
دکتری	۰/۲۸		
	(۰/۱۷)		
ثابت	۰/۰۶۴	°°° ۰/۶۶۲	°°° ۰/۷۴۹
	(۲/۷۰)	(۰/۱۹)	(۰/۱۴)
N	۱۱۸۹	۱۳۱۶	۱۳۵۸
Log likelihood	-۴۶۹/۷	-۵۲۰/۹	-۵۳۸/۶
Pseudo R <sup>2</sup>	۰/۱۶۶	۰/۱۵۶	۰/۱۵۲

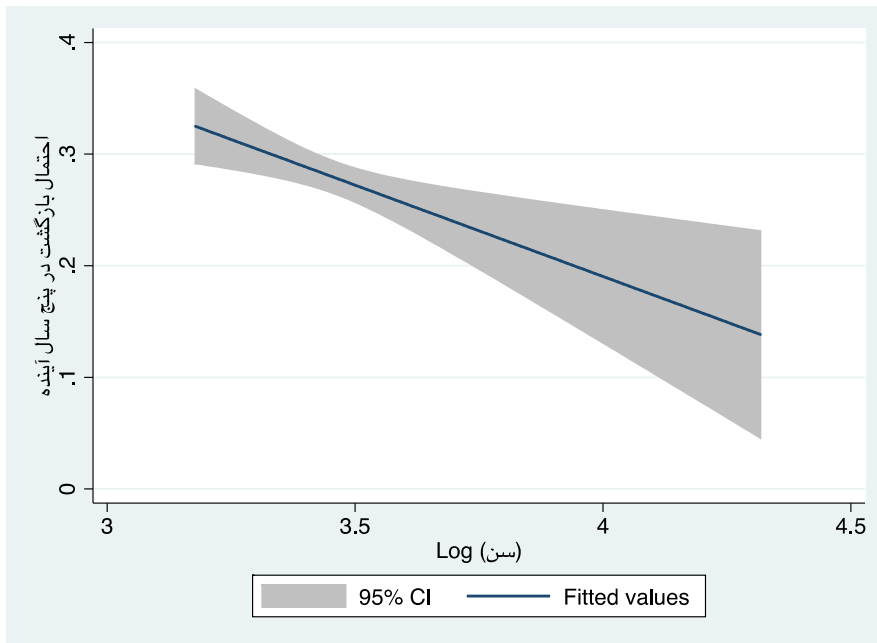
**توضیح:** خطای استاندارد هر تخمین زیرش در پرانتز آمده است.

معناداری آماری با ستاره نشان داده شده است: \*\*\*  $p < 0/001$ , \*\*  $p < 0/01$ , \*  $p < 0/05$

مأخذ: همان.

آخرین گام در تحلیل کمی این پژوهش، بررسی تأثیر متغیرهای دموگرافیک بر عوامل استخراج شده است. متأسفانه پیمایش مورد استفاده به‌رغم خصوصیات منحصر به فرد و ارزشمند، در متغیرهای دموگرافیک از غنای چندانی برخوردار نیست. اما خوشبختانه متغیرهای اصلی مورد نیاز این پژوهش که سن و سنوات اقامت خارج از کشور هستند را شامل می‌شود. نمودار ۲ رابطه کلی احتمال بازگشت و لگاریتم سن را، همراه با بازه فاصله اطمینان آن نشان می‌دهد.

نمودار ۲. رابطه بین احتمال بازگشت و لگاریتم سن افراد



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

جدول ۷ نشان‌دهنده رگرسیون خطی عوامل استخراج شده روی این متغیرهاست. گفتنی است که همبستگی متغیرهای لگاریتم سن و لگاریتم سنوات خارج از کشور تنها ۰/۵۴ است و نگرانی از بابت وجود هردوی آنها در مدل نیست. به روشنی می‌توان دید که گذر زمان باعث افزایش اصلی (کیفیت زندگی در ایران) و کاهش مشوق اصلی (بازگشت به میهن) می‌شود. افزایش دو برابری سنوات خارج از کشور با افزایش ۴۳ درصدی مانع کیفیت زندگی همراه است:  $\exp(0.525 \times \ln 2) = 1.43$ . همچنین دو برابر شدن سن با کاهش ۹ درصدی مشوق بازگشت به میهن همراه است:  $\exp(-0.132 \times \ln 2) = 0.91$ . گذر زمان باعث افزایش مشوق تأثیرگذاری در ایران می‌شود به طوری که افزایش دو برابری سنوات خارج از کشور با افزایش ۸ درصدی این مشوق همراه است:  $\exp(0.112 \times \ln 2) = 1.08$ . از سویی اما، گذر زمان باعث کاهش مانع مشکلات اقتصادی می‌شود: دو برابر شدن سنوات اقامت

خارج از کشور با کاهش ۴۷ درصدی مانع مشکلات اقتصادی ( $\exp(-0.67 \cdot \ln 2) = 0.63$ ) همراه است. به‌طور کلی، نتایج تأییدکننده فرضیه چهارم هستند، هرچند نتیجه تا حدودی پیچیده است. بعضی از موانع و مشوق‌ها با گذر زمان پررنگ‌تر و بعضی با گذر زمان کم‌رنگ‌تر می‌شوند، اما دو عامل مهم‌تر هر دو جهتی از زمان تأثیر می‌پذیرند که گذر زمان احتمال بازگشت را کم می‌کند. بنابراین، می‌توان نتایج را همان‌گونه که نمودار ۲ نشان می‌دهد، مؤید فرضیه چهارم نیز دانست.

جدول ۷. نتایج رگرسیون عامل‌ها روی متغیرهای دموگرافیک

تغییر عوامل	کیفیت زندگی	بازگشت به میهن	احساس وظیفه	تأثیرگذاری	کیفیت پژوهش	مشکلات اقتصادی
لگاریتم سنوات خارج	°/۵۲۵	-۰/۱۵۴	-۰/۲۶	-۰/۴۱۸	-۰/۲۷۴	-۰/۶۷۰
	(۰/۲۵)	(۰/۲۶)	(۰/۲۵)	(۰/۲۴)	(۰/۲۵)	(۰/۲۴)
لگاریتم سن	-۰/۰۶۵۸	°°-۰/۱۳۲	۰/۰۵۲۵	°°/۱۱۲	۰/۰۵۳	-۰/۰۰۹۸۱
	(۰/۰۴)	(۰/۰۴)	(۰/۰۴)	(۰/۰۴)	(۰/۰۴)	(۰/۰۴)
مرد	°°°-۰/۳۶۴	۰/۰۰۲۷۲	-۰/۰۲۷۳	°/۱۰۶	-۰/۰۹۱۶	۰/۰۹۱۹
	(۰/۰۶)	(۰/۰۶)	(۰/۰۵)	(۰/۰۵)	(۰/۰۵)	(۰/۰۵)
دکتری	°-۰/۱۳۱	۰/۰۶۳۱	°°/۱۷۲	۰/۰۸۱۳	۰/۰۴۵۵	۰/۰۸۱۴
	(۰/۰۶)	(۰/۰۶)	(۰/۰۵)	(۰/۰۵)	(۰/۰۵)	(۰/۰۵)
ثابت	-۱/۴۱۶	۰/۶۵۹	۰/۷۴۹	۱/۲۰۷	۰/۹۲	°°۲/۲۱۸
	(۰/۸۵)	(۰/۸۶)	(۰/۸۵)	(۰/۸۱)	(۰/۸۳)	(۰/۷۹)
N	۱۱۹۴	۱۱۹۴	۱۱۹۴	۱۱۹۴	۱۱۹۴	۱۱۹۴
R <sup>2</sup>	۰/۰۴۴	۰/۰۱۷	۰/۰۱	۰/۰۱۲	۰/۰۰۵	۰/۰۱۷

توضیح: خطای استاندارد هر تخمین زیرش در پرانتز آمده است.

معناداری آماری با ستاره نشان داده شده است: \*  $p < 0/001$ ، \*\*\*  $p < 0/01$ ، \*\*  $p < 0/05$

مأخذ: همان.

#### ۴. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

در این پژوهش ابتدا نشان داده شد که ایران یک استثنای عجیب در مورد مهاجرت نیست و حتی از مهاجرفرست‌ترین کشورها هم محسوب نمی‌شود، بلکه ضعف در پایین بودن نرخ بازگشت متخصصان به کشور است. مطالعه کمی انجام شده روی تحصیل‌کردگان ایرانی مقیم آمریکا تأیید‌کننده فرضیات به‌دست آمده از بخش کیفی است، هرچند تکمیل این مطالعه نیازمند داده‌هایی کامل‌تر است. مشاهده شد که موانع و مشوق‌های ذهنی بازگشت را به‌طور کلی در ۶ زمینه می‌توان خلاصه کرد. موانع عبارتند از: کیفیت زندگی پایین‌تر در ایران برای خود و فرزندان و مشکلات اجتماعی و سیاسی در ایران، کیفیت پایین‌تر کارهای تحقیقاتی در ایران و مشکلات اقتصادی بازگشت به ایران که از این میان کیفیت پژوهش در عمل تأثیری در تصمیم به بازگشت ندارد. مشوق‌ها عبارتند از: جذابیت‌های خانوادگی و میهنی در ایران، احساس وظیفه و وامداری نسبت به ایران و قدرت تأثیرگذاری بیشتر در ایران است. از این میان کیفیت زندگی مهم‌ترین مانع و جذابیت‌های خانوادگی و میهنی مهم‌ترین مشوق برای بازگشت هستند. البته مشوق‌ها و موانع برای افراد مختلف متفاوتند مثلاً مشکلات اقتصادی برای جوانان پررنگ‌تر از مسن‌ترها نمود دارند. همچنین مشاهده شد که بیشتر افراد ابراز علاقه کرده‌اند که در صورت اقامت در خارج از کشور با ایران همکاری کنند. تنها مشوقی که در این خصوص نقش دارد احساس وظیفه است و تنها مانعی که مهم است پایین دانستن کیفیت پژوهش در ایران است. اما مهم‌ترین توصیه سیاستی این پژوهش براساس دو مشاهده شکل می‌گیرد: اول اینکه سنوات اقامت در خارج از کشور رابطه‌ای جدی با احتمال بازگشت دارد. با بالا رفتن سن، احتمال بازگشت پایین می‌آید. به‌نظر می‌رسد پس از فارغ‌التحصیلی، یک پنجره طلایی وجود دارد که در آن احتمال واقعی برای بازگشت وجود دارد. دوم اینکه افرادی که درون این پنجره بازگشت قرار دارند افرادی هستند که نگرانی‌های اقتصادی دارند، یعنی با گذشت زمان نگرانی‌های اقتصادی این افراد رفع می‌شود اما به دلایل دیگر احتمال بازگشتشان پایین می‌آید. بنابراین، به‌نظر می‌آید باید برای بازگشت این قشر برنامه‌ریزی بهتری انجام شود. توصیه سیاستی دیگر این است که یکی از اولویت‌های سیاستگذاری درباره مهاجرت باید استفاده از سرمایه، تجربه، دانش و ارتباطات ایرانیان خارج از کشور باشد. داده‌ها نشان

می‌دهد بیشتر این افراد، حتی اگر قصد بازگشت به ایران نداشته باشند، به شدت تمایل دارند برای پیشرفت ایران کمک کنند. یکی از موانع این امر ناآگاهی متخصصان خارج از کشور از وضعیت واقعی پژوهش در کشور است و چنانچه مشاهده شد، افرادی که از وضعیت پژوهش ایران ناامیدترند، کمتر به همکاری تمایل دارند. بر این اساس انتظار می‌رود ارائه تصویری مناسب از وضعیت پژوهش در داخل (که در دو دهه اخیر دستاوردهای فراوانی داشته است و در رتبه‌های بین‌المللی هم رکوردهای ارزنده‌ای به دست آورده است) و تلاشی گسترده‌تر برای ارتباط با ایرانیان متخصص خارج از کشور، باعث تشویق این افراد به همکاری بیشتر برای رشد و اعتلای علمی ایران شود.

## پیوست - پرسشنامه نظرسنجی بازگشت (آل یاسین و همکاران، ۱۳۹۳):

۱. آیا به برگشتن به ایران به طور جدی فکر می کنید؟
۲. آیا کمک به پیشرفت ایران، بخشی از دغدغه های اصلی شما تلقی می شود؟
۳. در صورت حضور در خارج از ایران، آیا علاقه مند هستید در فعالیت هایی مرتبط با ایران همکاری داشته باشید؟
۴. شرایط مالی هنگام برگشت: درآمدها در ایران نسبت به کشورهای دیگر کم است و کفاف یک زندگی مناسب را نمی دهد.
۵. من دوست دارم زمانی که به ایران برمی گردم، تا حد خوبی استقلال مالی داشته باشم و بتوانم یک زندگی متناسب با توجه به شئون اجتماعی خودم داشته باشم.
۶. مشکل مسکن: با توجه به شرایط ایران برای من خرید مسکن ممکن نیست. اجاره و رهن هم با توجه به درآمد کم در بدو ورود دشوار خواهد بود.
۷. عدم قطعیت در پیدا کردن شغل: من در مورد شغل خودم در بدو بازگشت مطمئن نیستم. اگر می دانستم که هنگامی که به ایران برمی گردم برای ۳-۴ سال اول شغل مناسبی خواهم داشت، به ایران برمی گشتم.
۸. عدم تناسب دانش و تجربه من با امکانات ایران: من در این مدت که خارج از ایران بوده ام برای ساختن شغل خود و پیشرفت شغلی تلاش زیادی کرده ام. اگر به ایران برگردم، پیشرفت های شغلی که اینجا داشته ام فایده چندانی ندارند و باید از اول شروع کنم.
۹. نداشتن شبکه ارتباطی با صاحبان حرفه: من چند سال است که خارج از ایران بوده ام و شبکه ارتباطی قوی ای در ایران ندارم و به نظر من موفقیت در ایران بدون شبکه ای از افراد ممکن نخواهد بود.
۱۰. مشکلات محیط های کاری: مسائلی مثل زدوبندهای کاری، عدم تناسب موقعیت افراد با شایستگی هایشان، وابستگی زیاد بازار به دولت و بعضی نهادهای قدرت و... چشم انداز روشنی از کار در ایران ترسیم نمی کند.
۱۱. ضعف امکانات تحقیقاتی: رشته تخصصی من نیازمند امکانات آزمایشگاهی و تحقیقاتی گسترده ای است که در حال حاضر در ایران موجود نیست و در آینده نزدیک هم امیدی به تحقق آن نیست.
۱۲. فرایند جذب دانشگاه: هدف اصلی من عضویت هیئت علمی است. طولانی و نامشخص بودن فرایند جذب در دانشگاه ها (برای مثال مسئله گزینش) باعث نگرانی من می شود.
۱۳. فقدان دوستان: اکثر دوستان من دیگر در ایران نیستند. اگر به ایران برگردم احساس تنهایی می کنم و این موضوع مرا دلسرد می کند.

۱۴. کیفیت زندگانی: مواردی مثل ترافیک و آلودگی هوا و به طور کلی کیفیت پایین زندگی در ایران و از طرفی تمرکز تمام امکانات در تهران، یکی از موانع اصلی بازگشت من به ایران است.
۱۵. آینده بهتر برای فرزندان: من به دلایل مختلف دوست ندارم فرزندانم در ایران بزرگ شوند.
۱۶. سربازی: مشکل سربازی یکی از موانع اصلی بازگشت بلندمدت من به ایران است.
۱۷. جنسیت؟
۱۸. چند سال است که خارج از ایران هستید؟
۱۹. هم‌اکنون در چه کشوری ساکن هستید؟
۲۰. زمینه کاری/تحصیلی شما چیست؟
۲۱. مقطع تحصیلی شما چیست؟
۲۲. مشکلات اجتماعی و فرهنگی: شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران مرا آزار می‌دهد. مسائلی مانند عدم رعایت حقوق دیگران، برخی قانون‌های ناعادلانه، نبود آزادی‌های اجتماعی، دخالت در کار دیگران و بسیاری از مسائلی که هر فردی به‌طور روزمره با آنها سروکار دارد برای من آزاردهنده است.
۲۳. عدم قطعیت بلندمدت سیاسی: من به پایداری شرایط سیاسی ایران خوشبین نیستم و نگرانی از آینده سیاسی بلندمدت ایران یکی از موانع اصلی برگشت من است.
۲۴. محدودیت دسترسی به اطلاعات: محدودیت‌های اینترنت، سرعت پایین و فیلترینگ سایت‌ها دسترسی مرا به اطلاعات کاسته و مانع فعالیت مؤثر من می‌شود.
۲۵. عدم ارتباط صنعت با دانشگاه: من دوست دارم که نتیجه تحقیقاتم در دانشگاه وارد صنعت شود و به بار بنشیند، اما در ایران ارتباط بین صنعت و دانشگاه بسیار ضعیف است.
۲۶. مشکل ارتباط با محافل علمی خارج از ایران: من دوست دارم تحقیقاتم را در حد پیشرفته ادامه بدهم و بتوانم ارتباطم با محافل علمی دنیا را حفظ کنم. برگشتن به ایران این ارتباط را برایم دشوار می‌کند.
۲۷. متولد چه سالی هستید؟ (شمسی)
۲۸. عدم احساس مفید بودن: هزاران نفر در حد و اندازه‌های توانایی من در آمریکا و اروپا هستند. کاری که من در خارج از کشور انجام می‌دهم در عین حال که مفید و کارآمد است ولی در کل اثر ناچیزی دارد. من در خارج از ایران به اندازه کافی احساس مؤثر بودن نمی‌کنم. این باعث می‌شود انگیزه‌ام برای بازگشت به ایران بیشتر شود.

۲۹. من فکر می‌کنم به دلیل اختلافات فرهنگی-زبانی، در شغل خودم در خارج از ایران از یک حدی بیشتر رشد نخواهم کرد.
۳۰. من به دلیل ملاحظات ایدئولوژیک برگشتن به ایران را برای خودم یک تکلیف می‌دانم.
۳۱. احساس تعهد اخلاقی: من احساس می‌کنم که به ایران مدیونم و باید در بهتر شدن شرایط ایران سهمی داشته باشم. به همین دلیل فکر می‌کنم اگر در این راستا هیچ تلاشی نکنم در آینده پشیمان می‌شوم.
۳۲. عدم سنخیت با فرهنگ غربی: من با فرهنگ غربی احساس سنخیت نمی‌کنم، و زندگی در فرهنگ ایرانی را ترجیح می‌دهم.
۳۳. احساس غربت: من در ایران بزرگ شده‌ام و نسبت به آنجا احساس تعلق خاطر دارم. ایران را «خانه» و «وطن» خودم می‌دانم، ولی زندگی خارج از ایران همیشه برایم با حس «غربت» همراه است. به همین دلیل دوست دارم در ایران زندگی کنم.
۳۴. من جهت‌گیری کلی سیاست‌های کشورهای غربی را درست نمی‌دانم و نمی‌خواهم در پیشبرد چنین سیاست‌هایی نقش داشته باشم.
۳۵. امکان دستیابی به نقش‌های کلیدی: با توجه به کم بودن افرادی با تحصیلات و تخصص من در کشور، فکر می‌کنم در بلندمدت فرد متمایز و بانفوذی خواهم بود. این احساس نفوذ و قدرت یکی از انگیزه‌های اصلی من برای بازگشت است.
۳۶. احساس مفید بودن در ایران: من باور دارم که توانایی‌ها و استعداد‌های من در ایران مؤثر خواهد بود و حضور من در ایران برای جامعه سود خواهد داشت. این احساس مفید بودن و تأثیرگذاری یکی از انگیزه‌های اصلی من برای بازگشت است.
۳۷. پدر و مادر و فامیل برای من خیلی زحمت کشیده‌اند و دوست دارم در روزگار میان‌سالی و پیری که به من نیاز دارند در کنارشان باشم.
۳۸. من به دلایل مسائل مذهبی دوست دارم در ایران زندگی کنم.
۳۹. زندگی در ایران حلقه‌های دوستانه همدلانه و صمیمانه‌تری برای من فراهم می‌کند.
۴۰. من ایران را محیط مناسب‌تری برای زندگی و رشد خودم و خانواده‌ام می‌دانم.
۴۱. تصور زندگی در غرب در دوران میان‌سالی و پیری برایم ناخوشایند است.
۴۲. بی‌ثباتی در قوانین برای کسب‌وکار: من دوست دارم کسب‌وکار جدیدی ایجاد کنم و به نظر می‌رسد فرصت‌های زیادی برای شروع کسب‌وکار در ایران هست، اما ثبات در قوانین وجود ندارد و تغییرات غیرقابل پیش‌بینی در قوانین روی موفقیت کسب‌وکارها تأثیرگذار است.



۴۳. به‌طور نسبی کدام مانع وزن بیشتری در عدم بازگشت شما به ایران دارد؟
۴۴. به‌طور نسبی کدام انگیزه وزن بیشتری در تصمیم شما خواهد داشت؟
۴۵. با توجه به تمام انگیزه‌ها و موانعی که وجود دارد، چقدر محتمل می‌دانید که در پنج سال آینده به ایران برگردید؟
۴۶. تصور شما از شرایط مالی مناسب در ایران چیست؟ برای شما «حداقل» حقوق ماهانه برای یک زندگی مناسب چقدر است؟
۴۷. عقب‌ماندن از جریان: اگر به ایران برگردم، درحالی‌که اکثر دوستان و هم‌دوره‌ای‌هایم در خارج از ایران در حال پیشرفت در کارشان هستند، احساس عقب‌ماندن از جریان می‌کنم.
۴۸. سطح علمی پایین: به‌طور کلی سطح علمی و تحقیقاتی ایران در رشته من پایین‌تر از سطح جهانی است، و به همین دلیل کار علمی در دانشگاه‌های ایران برایم راضی‌کننده نیست.
۴۹. تحریم‌ها: با وجود تحریم‌ها توسعه بسیاری از فعالیت‌های علمی و صنعتی در ایران محدود خواهند ماند. بنابراین توقف یا ادامه تحریم‌ها در تصمیم من مؤثر است.
۵۰. تبعیض‌های جنسیتی: در محیط‌های کاری و جامعه ایران نگاه تبعیض‌آمیزی به زنان وجود دارد. محدودیت‌های اجتماعی زنان برای من آزاردهنده است.

## منابع و مآخذ

۱. آل یاسین، امیرحسین، محمد رشیدیان، آمنه شامخی، محمدامین صادقی، محمد مروتی و حمید مهینی (۱۳۹۳). «نظرسنجی انگیزه‌ها و موانع بازگشت به ایران»، آنلاین: [www.bazgasht.info](http://www.bazgasht.info)
۲. بلندهمتان، کیوان و شیرکوه محمدی (۱۳۹۴). «چرایی خودداری متخصصان از مهاجرت: بازنمایی هویت استادی»، راهبرد فرهنگ، ش ۳۱.
۳. پژوهشکده مطالعات فناوری (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی وضعیت کشور در مهاجرت و جابه‌جایی بین‌المللی افراد تحصیل کرده»، آنلاین: <http://www.css.ir/fa/content/91519>
۴. حاجی یوسفی، امیرمحمد و سمیه بهمرد (۱۳۸۵). «چرایی مهاجرت متخصصان از ایران پس از پایان جنگ تحمیلی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، ش ۴.
۵. شاه‌آبادی، ابوالفضل و آمنه جامه‌بزرگی (۱۳۹۳). «تأثیر آزادی اقتصادی، سیاسی و مدنی بر مهاجرت (با تأکید بر مهاجرت متخصصان)»، مجلس و راهبرد، ش ۷۷.
۶. علیپور، سمیره، نادر افقی و حمید عبداللهی (۱۳۹۳). «بررسی میزان تمایل بازگشت متخصصان مهاجر (مطالعه موردی ایران)»، اولین کنفرانس سراسری توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
۷. محمدی الموتی، مسعود (۱۳۸۳). «جهانی شدن و مهاجرت متخصصان: بررسی تجربه ایران». رفاه اجتماعی، ش ۱۵.
۸. موسوی راد، سیدحامد و حسین قدسیان (۱۳۹۴). «تحلیل مهاجرت متخصصان و تأثیر سیاست‌های بازدارنده با استفاده از پویایی‌های سیستم»، پژوهش‌های مدیریت راهبردی، دوره ۲۱، ش ۵۹.
9. Cassarino, J. P. (2004). "Theorising Return Migration: The Conceptual Approach to Return Migrants Revisited", *International Journal on Multicultural Societies (IJMS)* 6(2).
10. Castles, S. and M. J. Miller (1993). *The Age of Migration: International Population Movements in the Modern World*, London, Macmillan.
11. Ceobanu, A. M. and X. Escandell (2010). "Comparative Analyses of Public Attitudes Toward Immigrants and Immigration Using Multinational Survey Data: A Review of Theories and Research", *Annual Review of Sociology*, 36.

12. CNN (2017). "Iran's MIT", Online: <http://edition.cnn.com/2017/06/27/middleeast/irans-mit-sharif-university-technology/index.html>
13. Dodani, S. and R. E. LaPorte (2005). "Brain Drain from Developing Countries: How Can Brain Drain be Converted into Wisdom Gain?", *Journal of the Royal Society of Medicine*, 98(11).
14. Dustmann, C. and Y. Weiss (2007). "Return Migration: Theory and Empirical Evidence from the UK", *British Journal of Industrial Relations*, 45(2).
15. Fassin, D. (2011). "Policing Borders, Producing Boundaries. The Governmentality of Immigration in Bark Times", *Annual Review of Anthropology*, 40.
16. Hainmueller, J. and D. J. Hopkins (2014). "Public Attitudes Toward Immigration", *Annual Review of Political Science*, 17.
17. Hero, R. E. (2010). "Immigration and Social Policy in the United States", *Annual Review of Political Science*, 13.
18. International Organization for Migration (2018). "World Migration Report 2018", Online: <https://www.iom.int/wmr/world-migration-report-2018>
19. Koopmans, R. (2013). "Multiculturalism and Immigration: A Contested Field in Cross-national Comparison", *Annual Review of Sociology*, 39.
20. Lee, E. S. (1966). "A theory of migration", *Demography*, 3(1).
21. MacKay, D. I. (1969). *Geographical Mobility and the Brain: A Case of Aberdeen University Graduates, 1860-1960*, Allen and Unwin.
22. Ravenstein, E. G. (1876). *The Birthplaces of the People and the Laws of Migration*, Trübner.
23. Rudolph, C. (2003). "Security and the Political Economy of International Migration", *American Political Science Review*, 97(4).
24. Saxenian, A. (2007). *The New Argonauts: Regional Advantage in a Global Economy*, Harvard University Press.

25. Tobler, W. (1995). "Migration: Ravenstein, Thornthwaite, and Beyond", *Urban Geography*, 16 (4).
26. United Nations (2015). Online: <http://www.un.org/sustainabledevelopment/blog/2016/01/244-million-international-migrants-living-abroad-worldwide-new-un-statistics-reveal>

# بررسی ارتباط پویای بین شوک‌های نفتی و شاخص

## ریسک کشوری در ایران

آرش رفاح کهریز\* و حسن حیدری\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۴

طی سالیان اخیر، شاخص ریسک کشوری از کلیدی‌ترین شاخص‌های اقتصادی مطرح شده که ارتباط آن با دیگر متغیرهای کلان اقتصادی به‌ویژه نفت مورد توجه اقتصاددانان و پژوهشگران قرار گرفته است. از این رو، مطالعه حاضر به بررسی ارتباط متقابل میان شوک‌های نفتی و شاخص ریسک کشوری در ایران برای بازه زمانی ۲۰۱۲:۱-۲۰۲۲:۱ در چارچوب مدل خودرگرسیون برداری ساختاری می‌پردازد. نتایج حاصل از مطالعه نشان می‌دهد در ایران شوک‌های عرضه نفت اثر معناداری بر شاخص ریسک کشوری ندارند ولی شوک‌های قیمت واقعی نفت خام و تقاضای جهانی نفت تأثیرات معناداری بر شاخص ریسک کشوری دارند. به طوری که بیشترین تأثیرپذیری شاخص ریسک کشوری از میان شوک‌های سه‌گانه مربوط به شوک‌های قیمت واقعی نفت خام است. علاوه بر این، نتایج مطالعه بیانگر این مطلب است که واکنش متغیرهای عرضه و قیمت واقعی نفت خام نسبت به تغییرات شاخص ریسک کشوری در ایران منفی بوده و واکنش تقاضای جهانی نفت از تغییرات شاخص ریسک کشوری در ایران مثبت است که این روابط از لحاظ آماری معنادار نیست.

**کلیدواژه‌ها:** شاخص ریسک کشوری؛ شوک‌های نفتی؛ مدل خودرگرسیون برداری ساختاری

Email: arash.refah@gmail.com

\* کارشناس ارشد اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه؛

Email: h.heidari@urmia.ac.ir

\*\* استاد دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه (نویسنده مسئول)؛

## مقدمه

به‌طور گسترده، شوک‌های نفتی به‌دلیل تأثیر انکارناپذیر آن بر عملکرد اقتصادی نظیر رشد و توسعه اقتصادی، درآمدهای دولت‌ها، مخارج مصرفی خانوارها، سرمایه‌گذاری، بازده سهام، نرخ تورم، نرخ ارز و سیاست‌های پولی و مالی و دیگر بخش‌های اقتصادی، مورد توجه زیادی واقع شده است؛ به‌طوری‌که در اقتصاد برخی کشورها، ارتباط میان شوک‌های نفتی و متغیرهای اقتصادی قوی است (Narayan and et al., 2014). در اقتصاد ایران نیز، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای صادرکننده نفت، سازوکار آثار شوک‌های نفتی ممکن است متفاوت باشد. در واقع درآمدهای حاصل از نفت و مشتقات نفتی، متغیرهای زیادی از اقتصاد ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهند (پایتختی اسکویی و شافعی، ۱۳۹۳). آمار و اطلاعات موجود در کشور بیانگر این واقعیت است که صادرات بیش از اندازه نفت خام برای سالیان متمادی باعث وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای ارزی حاصل از فروش این ماده شده، به‌طوری‌که همه فعالیت‌های اقتصادی از جمله فعالیت بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با درآمد این محصول ارتباط پیدا کرده است. علاوه بر این، درآمدهای نفتی بخش چشمگیری از درآمدهای دولت را تشکیل می‌دهد که با توجه به نقش دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه این وابستگی می‌تواند شدیدتر نیز شود. ازسویی، با توجه به اینکه نفت در اقتصاد کشورها، یک متغیر برونزا تلقی می‌شود و فعالیت‌های کلان اقتصادی نسبت به شوک‌های نفتی از حساسیت ویژه‌ای برخوردارند، هرگونه تغییرات ایجاد شده در آن می‌تواند اقتصاد کشورها را به‌ویژه در زمینه سرمایه‌گذاری با تغییراتی مواجه سازد. اگرچه تاکنون تحلیل‌های زیادی در مورد شوک‌های نفتی و اقتصاد کلان و همچنین نااطمینانی‌های آنها صورت گرفته ولی بااین‌حال تاکنون چگونگی ارتباط بین شوک‌های نفتی و عوامل مهم خارجی نظیر شاخص ریسک کشوری در کشور، مورد توجه محققان قرار نگرفته است. ابعاد اهمیت بررسی ارتباط میان شوک‌های نفتی و ریسک کشوری بسیار گسترده است. مطالعات زیادی اثبات کرده‌اند که در اثر شوک‌های به‌وجود آمده در نفت، دیگر فعالیت‌های اقتصادی دچار تغییر و تحول می‌شوند و حتی ممکن است باعث ایجاد ریسک در متغیرهای مهم اقتصادی نظیر: تولید، تورم، قیمت سهام و بیکاری

که از اجزای اصلی شاخص ریسک کشوری محسوب می‌شوند را تحت تأثیر قرار دهند. از بعد دیگر، نفت نه تنها به طور گسترده بر فعالیت‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد بلکه باعث افزایش نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی می‌شود و با در نظر گرفتن این نکته که ریسک کشوری سطح عمومی نااطمینانی‌های سیاسی - اجتماعی و اقتصادی در یک کشور تعریف می‌شود، بر ارزش وام‌ها و سرمایه‌گذاری‌های خارجی آن کشور نیز تأثیر خواهد گذاشت (Bouchet, Clark and Gros Lambert, 2003; Oetzl, Bettis and Zenner, 2001).

از این رو، هدف اصلی این مطالعه بررسی ارتباط پویایی بین انواع شوک‌های مختلف نفتی و شاخص ریسک کشوری در ایران، طی بازه زمانی ۲۰۱۵:۱۲-۲۰۰۲:۱ با استفاده از رهیافت خودرگرسیون برداری ساختاری<sup>۱</sup> است. بدین منظور، این مقاله در ابتدا به معرفی و بیان مختصری از شاخص ریسک کشوری اختصاص داده است. سپس به ترتیب قسمت دوم و سوم به مبانی نظری و پیشینه مطالعات پرداخته و در قسمت چهارم روش‌شناسی تحقیق و سپس برآورد مدل و تجزیه و تحلیل یافته‌ها در قسمت پنجم ارائه شده است و در نهایت به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پرداخته شده است.

## ۱. شاخص ریسک کشوری

اهمیت ریسک، نبود الگوی کامل و همچنین جذابیت موضوع به دلیل فراگیر بودن آن، موجب شده است تا پژوهشگران متعددی توجه خاصی به موضوع‌های مرتبط با ریسک اختصاص دهند. ریسک کشوری یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که در دهه‌های اخیر در ادبیات اقتصاد جهانی، وارد شده است. ریسک کشوری به همه عواملی اطلاق می‌شود که به دلیل تغییر اوضاع اقتصادی یا سیاسی - اجتماعی، کشورها از پرداخت تعهدات مالی بین‌الملل باز می‌مانند. این تعهدات، ممکن است مربوط به تعهدات قبلی یا پرداخت‌های جاری واردات کشور باشد. تجربه بحران‌های مختلف اقتصادی و مالی در سطوح بین‌الملل به خصوص از سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم، کشورها و سرمایه‌گذاران بزرگ بین‌الملل

را بر آن داشت که با تخمینی درست از اوضاع حاکم بر اقتصادهای منطقه‌ای و کشوری، سعی در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کنند؛ به طوری که ضمن شناخت همه ریسک‌های سیستمی و غیرسیستمی، تأثیر آنها را در میزان بازده مورد انتظار به حداقل برسانند. تجمع این تلاش‌ها از دهه ۱۹۷۰ میلادی تاکنون به شکل یافتن و بروز مفهومی با عنوان ریسک کشوری شد که مجموعه‌ای از ریسک‌های اقتصادی، سیاسی - اجتماعی، منطقه‌ای و خارج مرز را دربرمی‌گیرد (راعی و فاضلیان، ۱۳۹۱). از این رو شاخص ریسک کشوری یکی از مهم‌ترین پارامترهای تأثیرگذار بر روند تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران در هر کشوری است. شاپیرو<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) ریسک کشوری را سطح عمومی نااطمینانی‌های سیاسی و اقتصادی در هر کشور تعریف می‌کند که بر ارزش وام‌ها یا سرمایه‌گذاری‌ها در آن کشور تأثیر می‌گذارد. بنابراین، تحلیل ریسک کشوری شامل ارزیابی عوامل سیاسی، اقتصادی و مالی یک کشور وام‌گیرنده یا کشورپذیرای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌شود که ممکن است در پرداخت باموقع اصل سود وام، وقفه ایجاد کند یا بر بازدهی سرمایه‌گذاری خارجی تأثیر منفی گذارد (Hoti and McAleer, 2005).

یکی از مؤلفه‌های مهم در تحلیل ریسک کشوری، ریسک سیاسی است. این ریسک، ریسک غیرتجاری، از حوادث و اوضاع سیاسی در یک کشور پدید می‌آید که می‌تواند باعث زیان در تجارت بین‌المللی شود. حوادث و اوضاع سیاسی مانند جنگ، درگیری‌های داخلی و خارجی، تغییرات دولت و حمله‌های تروریستی ممکن است به طور جدی بر سودآوری تجارت بین‌المللی تأثیر گذارد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰). مؤلفه‌های دیگر ریسک کشوری، ریسک اقتصادی و ریسک مالی نام دارند که به وضعیت و عملکرد کلی نظام اقتصادی و مالی مربوط می‌شوند. این مؤلفه‌ها نمی‌توانند به طور کامل از نظام یا فرایند سیاسی کشور جدا باشند. عوامل اقتصادی و مالی تأثیرگذار بر این ریسک‌ها، نتایج سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها هستند. برای مثال سیاست‌های پولی و مالی که به تورم پایین، بیکاری کم و کسری بودجه پایین می‌انجامد و سیاست‌هایی که به ثبات نظام مالی کمک

1. Shapiro



می‌کند، تأثیری مثبت بر ارزیابی ریسک کشوری دارند (Yim and Mitchell, 2005). نتایج تحلیل ریسک کشوری به همان اندازه که به‌عنوان ابزار تصمیم‌گیری پیش از وام‌دهی به کار می‌رود، برای پس از وام‌دهی نیز کاربرد دارد. پیش از وام‌دهی، تصمیم‌هایی مانند چه مبلغی وام داده شود و چقدر گرفته شود، بر ریسک اندازه‌گیری شده متکی است. پس از وام‌دهی نیز، تحلیل‌های دوره‌ای ریسک کشوری به‌عنوان ابزار پایش به کار می‌رود و یک سیستم از پیش هشداردهنده را فراهم می‌کند. با افزایش تحرک جهانی سرمایه، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، نتایج تحلیل‌های ریسک کشوری برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز بسیار مهم است. در این خصوص، همواره هایس<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) با توجه به سرعت رو به افزایش تحرک سرمایه و گسترش تجارت بین‌الملل، بر نیاز به گسترش حوزه تحلیل‌های ریسک کشوری تأکید داشت (Nath, 2008).

روش‌های متنوعی تاکنون در تحلیل و رتبه‌بندی ریسک کشوری صورت گرفته که این تنوع، ناشی از ماهیت متفرق ریسک‌ها و نوع سرمایه‌گذاری‌هاست. از آنجا که تاکنون نظریه جامعی درباره ریسک کشوری عرضه نشده است، می‌توان اعتقاد داشت که همه روش‌های به کار رفته در سطح بسیاری از مؤسسه‌های رتبه‌بندی، به نحوی، تجربی بوده است و بسیاری از آنها چک‌لیست‌های از قبل تعیین شده، شاخص‌های مورد نظر را جمع و پس از تحلیل پاسخ‌ها، رتبه ریسک کشوری را ارزیابی می‌کنند (Te Velde and Bezemer, 2006). برای محاسبه شاخص ریسک کشوری، تاکنون مؤسسه‌های گوناگونی نظیر EIU<sup>۲</sup>، II<sup>۳</sup>، شاخص راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری<sup>۴</sup> وابسته به PRS Group و ECR<sup>۵</sup> در رتبه‌بندی شاخص ریسک کشوری فعالیت می‌کنند. در این بین، یکی از بارزترین و بهترین آنان شاخص راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری است که با هدف راهنمایی و ارائه مشاوره به سرمایه‌گذاران خارجی برای پرهیز از سرمایه‌گذاری در کشورهای با ریسک بالا تدوین شده و حتی در

---

1. Hayes

2. Economist Intelligence Unit

3. Institutional Investor

4. International Country Risk Guide (ICRG)

5. Euromoney Country Risk

بخشی به‌طور ویژه (ریسک مصادره و عدم برگشت سود سرمایه‌های خارجی)، به نوع نگرش، قوانین و سیاست‌های کشورهای میزبان در خصوص ورود سرمایه و ریسک برگشت اصل و فرع سرمایه می‌پردازد (Williams and Siddique, 2008).

در جدول زیر، اجزای ریسک کشوری بر مبنای شاخص راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری و ارتباط زیرگروه‌های آن با اجزای متغیرهای کلان اقتصادی آورده شده است.

#### جدول ۱. اجزای ریسک کشوری شاخص راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری و متغیرهای اقتصاد کلان

انواع ریسک	اجزای ریسک کشوری	متغیرهای اقتصاد کلان
ریسک سیاسی	- ثبات دولت - شرایط اجتماعی و اقتصادی	- درآمدها و مخارج مصرفی دولت - بیکاری، بازار سهام، بازده بازار سهام
ریسک اقتصادی	- سرمایه‌گذاری - نظم و قانون - تولید داخلی ناخالص سرانه و واقعی سالانه - رشد اقتصادی	- سرمایه‌گذاری ناخالص - سیاست پاسخ - تولید ناخالص داخلی سرانه
ریسک مالی	- نرخ تورم سالانه - تعادل بودجه به‌عنوان درصدی از تولید داخلی ناخالص - حساب جاری به‌عنوان درصدی از تولید داخلی ناخالص - میزان بدهی به‌عنوان درصدی از صادرات کالا و خدمات - حساب جاری به‌عنوان درصدی از صادرات کالا و خدمات - درصد تغییرات ثبات نرخ ارز	- تورم - تعادل بودجه - حساب جاری - خالص صادرات - توازن خارجی - نرخ ارز

Source: Liu and etal., 2016.

شاخص ریسک سیاسی بر پایه ۱۰۰ امتیاز و ریسک مالی و ریسک اقتصادی هر یک بر مبنای ۵۰ امتیاز طراحی شده است. امتیاز این سه شاخص بر عدد دو تقسیم شده تا وزن آنها در شاخص ریسک مرکب به‌دست آید (PRS Group). بنابراین امتیاز شاخص ریسک کشوری از صفر تا ۱۰۰ است که در گروه‌هایی از ریسک بسیار پایین (۸۵ تا ۱۰۰ امتیاز)

و ریسک بسیار بالا (صفر تا ۴۵) قرار می‌گیرد (Liu and etal., 2016). شاخص ریسک سیاسی از ۱۲ مؤلفه اصلی و شاخص‌های ریسک اقتصادی و مالی نیز هر کدام از پنج مؤلفه اصلی تشکیل شده‌اند. ارزیابی ریسک‌های اقتصادی و مالی براساس تجزیه و تحلیل داده‌های عینی و ارزیابی ریسک سیاسی براساس تحلیل ذهنی اطلاعات و آمار و اطلاعات در دسترس صورت می‌گیرد که آمار و اطلاعات به‌دست آمده برای ۱۴۰ کشور به‌صورت ماهانه و برای ۲۶ کشور دیگر نیز بر مبنای سالانه و تحت عنوان‌های مختلف از وب‌سایت PRS Group ارائه می‌شود (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰).

تاکنون نیز مطالعات متعددی درباره نحوه مدل‌سازی شاخص ریسک کشوری صورت گرفته است نظیر: Agliardi and etal., 2012; Oetzal, Bettis and Zenner, 2001; Brown, Cavusgil and Lord, 2015; Johansson, 2010; Rios-Morales and etal., 2009; Van Gestel and etal., 2006; Verma and Soydemir, 2006; Hammer, Kogan and Lejeune, 2006; Hoti and McAleer, 2005; Yim and Mitchell, 2005. که بیشتر مطالعات صورت گرفته روی متغیرهایی نظیر تولید ناخالص داخلی، تورم و بیکاری بوده است.

## ۲. مبانی نظری

در پی شوک نفتی در دهه ۱۹۷۰ مطالعات بسیاری در زمینه ارتباط شوک‌های نفتی و متغیرهای اقتصادی انجام شده است. نخستین مطالعه در این زمینه را همیلتون (۱۹۸۳) انجام داد. وی اظهار کرد شوک قیمت نفت یکی از عوامل رکود اقتصادی در آمریکا بوده است، به‌طوری‌که افزایش قیمت نفت باعث کاهش تولید ناخالص ملی می‌شود. این مطالعه مبنای بسیاری از مطالعات در خصوص تأثیر شوک نفتی بر متغیرهای کلان اقتصادی قرار گرفت (Park and Ratti, 2008). در این خصوص، پیش از نخستین شوک نفتی (۱۹۷۴-۱۹۷۳) بیشتر کشورهای در حال توسعه، وام‌های بلندمدت از منابع رسمی خارجی دریافت کردند که بعد از نخستین شوک نفتی ثابت شد منابع، نهادها و مؤسسه‌های رسمی برای مواجهه با بی‌تعادلی‌های بزرگ پیش روی کشورهای در حال توسعه ناکافی بودند و برای مواجهه با این نیازهای در حال افزایش، بانک‌های تجاری باید به میدان می‌آمدند. سپس، بعد از دومین شوک نفتی ۱۹۸۰-۱۹۷۹ بیشتر کشورها با بدهی

خارجی چشمگیری، مشکلات بازپرداخت بدهی‌ها را تجربه کردند. پس از آن، تحلیل ریسک کشوری به‌طور فزاینده‌ای کانون توجه نه‌تنها بانک‌ها و نهادهای بین‌المللی، بلکه دولت‌ها و مجامع عمومی نیز قرار گرفت (Frenkel, Karmann and Scholtens, 2004).

تاکنون مطالعات زیادی درخصوص نفت و شوک‌های نفتی و ارتباط آن با متغیرهای کلان اقتصادی در کشور صورت گرفته است (پایتختی اسکویی و شافعی، ۱۳۹۳؛ صیادی و بهرامی، ۱۳۹۴؛ عرفانی و چرم‌گر، ۱۳۹۳؛ محنت‌فر، ۱۳۹۵)؛ ولی پژوهشی درخصوص ارتباط آن با شاخص ریسک کشوری، در میان مطالعات داخلی مشاهده نمی‌شود همچنين مطالعات عمیقی در میان مطالعات خارجی درخصوص بررسی ارتباط بین ریسک کشوری و متغیرهای اقتصادی از قبیل تولید ناخالص داخلی، قیمت‌گذاری اوراق قرضه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بازار سهام و نرخ بهره و دیگر متغیرها انجام گرفته است (Erb, Harvey and Viskanta, 1996; Benitez and etal., 2007; Busse and Hefeker,) اما (Nazmi, 2002; Hassan and etal., 2003; Cuadra and Sapriza, 2008; 2007) اما مبحث اصلی درخصوص نفت و ریسک کشوری این موضوع است که نفت می‌تواند آغازگر نوسان‌های فعالیت‌های اقتصادی باشد و حتی باعث ایجاد ریسک شود و به همین دلیل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و متغیرهای کلان اقتصادی مانند تولید، تورم، بیکاری، قیمت سهام و درآمد دولت را نیز که از عوامل اصلی اجزای ریسک کشوری هستند را تحت تأثیر قرار دهند (Brown and Yucel, 2002; Cunado and De Gracia, 2003; Ewing and Thompson,) 2007; Fayyad and Daly, 2011; Hammoudeh and Li, 2005; Kilian, Rebucci and Spatafora, 2009; Korhonen and Ledyeva, 2010; Mehrara and Oskoui, 2007; (Nandha and Hammoudeh, 2007; Rafiq, Salim and Bloch, 2009; Reboredo, 2012). بر این اساس، به‌دلیل اهمیت شوک‌های نفت در اقتصاد کشورهای نفتی، معمولاً عمده متغیرهای اقتصادی از آن تأثیر می‌پذیرند و از آنجا که کشورهای صادرکننده نفت مثل نیروی هسته‌ای در بازارهای بین‌المللی انرژی هستند بنابراین بی‌ثباتی در این کشورها می‌تواند امنیت انرژی را به‌صورت گسترده مختل کند (Jaffe and Manning, 2000). علاوه بر این، ثبات و بی‌ثباتی ریسک در سطح ملی کشورهای صادرکننده نفت که از اجزای ریسک کشوری

هستند در امنیت انرژی جهان بررسی می‌شوند. همچنین، با توجه به اهمیت راهبرد ژئوپولیتیکی منابع نفتی تجدیدناپذیر، مشخصات ریسک کشورهای صادرکننده نفت به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر انرژی کشورهای واردکننده نفت تأثیر گذاشته و آن را از طریق کانال‌های تجارت و سرمایه‌گذاری تحت تأثیر قرار می‌دهد (Liu and etal, 2016). برای به‌دست آوردن بینش بیشتر در مورد شوک‌های نفتی و شاخص ریسک کشوری ضروری است بدانیم چگونه ریسک کشوری با شوک‌های نفتی مرتبط است. بیشتر مطالعات تجربی انجام شده بیانگر این است که شوک‌های نفتی اغلب به‌عنوان تعیین‌کننده‌های وضعیت اقتصاد کلان و نااطمینانی‌های به‌وجود آمده در اقتصاد است (Li, Yin and Zhou, 2016). تغییرات قیمت نفت به‌علت شوک‌های به‌وجود آمده ناشی از عرضه و تقاضای نفت ممکن است به نوسان‌های فعالیت‌های اقتصادی و حتی ریسک منجر شود. به‌عنوان مثال آنتونا کاکیس، چاتزیانتونیو و فیلیز<sup>۱</sup> (۲۰۱۴)، طی مطالعه‌ای بیان کردند که آثار منفی نفت بر فعالیت‌های اقتصادی ممکن است فشار بیشتری بر انتخاب سیاست‌های اقتصادی وارد کند که باعث افزایش نااطمینانی‌های سیاسی-اقتصادی شود که از دید بین‌المللی، این فعالیت‌های اقتصادی و نااطمینانی‌های سیاستی نظیر تولید، تورم، بازده سهام، عرضه پول و مخارج دولت منعکس‌کننده ریسک کشوری هستند (Liu and etal., 2016; Bouchet, Clark and Gros Lambert, 2003)، که در اثر شوک‌های به‌وجود آمده در بازار نفت عوارض جانبی آن بر نوسان‌های اقتصاد کلان تأثیر گذاشته و در نهایت شاید باعث افزایش میزان ریسک کشوری شود. از این رو، در سال‌های اخیر مطالعات متعددی درخصوص این موضوع در میان مطالعات خارجی مشاهده می‌شود اما ارتباط میان شوک‌های نفتی و ریسک کشوری از چشم پژوهشگران داخلی مغفول مانده است.

### ۳. پیشینه مطالعات

#### ۳-۱. مطالعات خارجی

آگلیاردی<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۲)، در پژوهشی با عنوان «بررسی شاخص ریسک کشوری برای بازارهای نوظهور با استفاده از روش تصادفی» به بررسی شاخص ریسک اقتصادی، سیاسی و

1. Antonakakis, Chatziantoniou and Filis

2. Agliardi and etal.

مالی در بازارهای نوظهور پرداختند. در این تحقیق، آنها برای به دست آوردن شاخص ریسک با توجه به شاخص‌های ممکن از مجموعه‌ای از عوامل ریسک فردی با استفاده از آماره آزمون‌ها و بر آورد آن با استفاده از روش برنامه‌ریزی عدد صحیح مختلط محاسبه کردند و یک رتبه‌بندی ریسک اقتصادی، سیاسی و مالی برای کشورهای نوظهور محاسبه و در نهایت یک شاخص کلی از ریسک تعریف کردند که یکی از نتایج اصلی این تحقیق این بود که ریسک مالی از عوامل مهم منجر به ریسک در بازارهای نوظهور است که به دنبال ریسک اقتصادی و سیاسی ایجاد می‌شود. در پژوهشی دیگر، ساری، اوزون‌کایا و هاموده<sup>۱</sup> (۲۰۱۳)، به بررسی رابطه تفکیکی بین رتبه ریسک کشوری و بازار سهام ترکیه با استفاده از رویکرد خودرگرسیون با وقفه توزیعی<sup>۲</sup> پرداختند و با مطالعه روابط کوتاه‌مدت و بلندمدت بین تغییرات بازار سهام و ریسک سیاسی، مالی و اجزای ریسک اقتصادی، وجود یک رابطه بلندمدت بین رتبه‌های ریسک ترکیه و بازار سهام را تأیید کردند و سه ریسک اقتصادی، مالی و سیاسی را از عوامل تأثیرگذار بر بازار سهام نام بردند و درعین حال نشان دادند که در کوتاه‌مدت تنها ریسک سیاسی و مالی تأثیر مثبت و معناداری بر بازار سهام دارند. آیلویی<sup>۳</sup> (۲۰۱۵)، در مطالعه‌ای به بررسی ارتباط بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، شاخص فساد و ریسک کشوری در مرکز و شرق اروپا پرداخت و بیان کرد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نشان‌دهنده یکی از راه‌های مهم برای بهبود و افزایش سطح رقابت در بخش‌های تشکیل‌دهنده یک سیستم اقتصادی است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیرات مختلفی روی اقتصاد کشورهای میزبان (تأثیر بر رشد اقتصادی، توسعه منطقه‌ای و توسعه پایدار) دارد که از کشوری به کشور دیگر با توجه به معیارهای مختلف (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نهادی) متفاوت است. علاوه بر این، نتایج مطالعه او نشان داد که بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و شاخص فساد رابطه معناداری وجود ندارد. لیو و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۶)، در پژوهشی، ویژگی‌های آماری رتبه‌بندی ریسک کشوری تحت تأثیر نوسان‌های قیمت نفت را در کشورهای صادرکننده نفت با توجه به

1. Sari, Uzunkaya and Hammoudeh

2. Auto Regressive Distributed Lag

3. Iloie

4. Liu and etal.

رتبه‌بندی راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری از ۳۶ کشور صادرکننده نفت در دوره زمانی ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۴ را در چارچوب نظری تضاد کروکس<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) بررسی کردند. نتایج تجربی حاصل از پژوهش آنان، بیانگر آن است که شاخص‌های مربوط به ریسک کشوری با وجود نوسان‌های قیمت نفت نسبتاً ثابت باقی می‌مانند، به همین دلیل کشورها براساس خواص رتبه‌بندی تمایل دارند خوشه<sup>۲</sup> خاصی را حفظ کنند که این ویژگی از اهمیت زیادی برای برآورد ریسک تجارت و سرمایه‌گذاری در صادرات بین‌المللی برخوردار است.

چن و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۶)، در پژوهشی برای پاسخ به این سؤال که چرا آثار سیاستی اوپک در قیمت‌های جهانی نفت خام باعث نگرانی‌های گسترده‌ای شده است و تجزیه و تحلیل آثار آن اهمیت زیادی در تصمیم‌ها دارند؟ با استفاده از شاخص ریسک کشوری بین‌المللی به‌عنوان یک پروکسی برای وضعیت سیاسی کشورها با استفاده از مدل خودرگرسیون برداری ساختاری آثار سیاستی اوپک را بر قیمت نفت خام بررسی کردند که نتایج مطالعه آنان حاکی از آن بود که ریسک سیاسی کشورهای عضو اوپک تأثیر مثبت و معناداری بر بهای نفت خام در دوره زمانی ژانویه ۱۹۹۸ تا سپتامبر ۲۰۱۴ داشته است. همچنین، لی، لی و ناینگ<sup>۴</sup> (۲۰۱۷)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین شوک‌های قیمت نفت و ریسک کشوری با استفاده از رهیافت خودرگرسیون برداری ساختاری برای کشورهای صنعتی (G-7) طی ژانویه ۱۹۹۴ تا دسامبر ۲۰۱۴ پرداختند. نتایج مطالعه آنان بیانگر آن است که ریسک کشوری به‌طور چشمگیری با تغییرات شوک‌های قیمت نفت تحت تأثیر قرار می‌گیرد که بر این اساس یک شوک مثبت پیش‌بینی نشده قیمت نفت باعث کاهش ریسک کشوری در کشورهای G-7 می‌شود. هاستد و دسوزا فیلهو<sup>۵</sup> (۲۰۱۷)، تأثیر ثبات توسعه پایدار در ۹ کشور (فرانسه، آلمان، استرالیا، کانادا، ژاپن، آمریکا، انگلستان، سوئیس و هنگ‌کنگ) و ریسک کشوری را با استفاده از داده‌های پایدار و داده‌های محیط زیست، اجتماع و عملکرد حکومت<sup>۶</sup> برای

1. Cruces

2. Cluster

3. Chen and etal.

4. Lee, Lee and Ning.

5. Husted and De Sousa-Filho

6. Environmental, Social, Governance (EGS)

۴۵۹ شرکت در ۹ کشور مذکور در حمایت از آثار مقایسه‌ای در پایداری حکومت عملکرد بررسی کردند و به‌طور خلاصه بیان کردند که هر نوع پایداری حکومت تأثیر مثبتی روی عملکرد محیط زیست، اجتماع و عملکرد حکومت دارد.

### ۲-۳. مطالعات داخلی

در مطالعات داخلی نیز، عرفانی و چرم‌گر (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر نااطمینانی قیمت نفت بر متغیرهای اقتصاد کلان ایران (روش گارچ چندمتغیره با رهیافت BEKK)» برای دوره زمانی ۱۳۶۸-۱۳۸۸ به بررسی تأثیر نااطمینانی قیمت نفت به‌طور هم‌زمان بر تولید ناخالص داخلی، تورم، شاخص بورس اوراق بهادار تهران و نرخ ارز پرداختند. نتایج تحقیق آنان نشان داد که قیمت نفت به‌طور هم‌زمان با چهار متغیر مذکور، رابطه منفی دارد و افزایش نااطمینانی قیمت نفت سبب کاهش تولید ناخالص ملی، تورم، شاخص بورس اوراق بهادار و نرخ ارز می‌شود. صیادی و بهرامی (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «ارزیابی اثرات سیاست‌های سرمایه‌گذاری در آمد نفتی بر متغیرهای عملکرد اقتصادی ایران: رویکرد تعادل عمومی تصادفی پویا<sup>۱</sup> (DSGE)» و با لحاظ ویژگی‌هایی از قبیل: نیازهای توسعه زیرساختی و وجود ویژگی ناکارایی سرمایه‌گذاری عمومی و مقایسه آن با مدل مبتنی بر فرضیه درآمد دائمی<sup>۲</sup> به بررسی پرداختند. نتایج آنان نشان داد تکانه‌های درآمدهای نفتی موجب افزایش مصرف، مخارج جاری و عمرانی دولت و کاهش تورم در کوتاه‌مدت شده است، هرچند در میان‌مدت به دلیل انتقال تکانه‌های نفتی به بخش تقاضا، تورم در اقتصاد با افزایش مواجه می‌شود. همچنین، محنت‌فر (۱۳۹۵)، در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر شوک‌های نفتی و متغیرهای کلان اقتصادی برای بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۳۵۰ و با استفاده از الگوی خودرگرسیون برداری نشان داد که شوک‌های درآمد نفتی تأثیر منفی بر تولید ناخالص داخلی در ایران دارند که آثار این شوک‌ها طی زمان افزایش می‌یابد.

مرور مطالعات انجام یافته داخلی بیانگر این است تاکنون مطالعه‌ای با عنوان ارتباط میان

1. Dynamic Stochastic General Equilibrium (DSGE)

2. Permanent Income Hypothesis (PIH)



شوک‌های نفتی و شاخص ریسک کشوری صورت نگرفته است و با توجه به اهمیت بسیار زیاد ریسک کشوری در میان جوامع بین‌الملل، مطالعه حاضر می‌تواند زمینه‌ساز مطالعات آتی در کشور باشد.

#### ۴. روش‌شناسی تحقیق

##### ۴-۱. مدل خودرگرسیون برداری ساختاری و تصریح مدل تحقیق

مدل‌های خودرگرسیون برداری<sup>۱</sup> روش اقتصادسنجی مناسبی برای بیان روابط پویایی بین متغیرهایی است که امکان وجود آثار متقابل و مبهم بین آنها وجود داشته باشد. یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که در مدل‌های خودرگرسیون برداری مطرح شد، این بود که شوک‌های برآورد شده در این مدل‌ها، ساختاری نبوده و بدون مراجعه به ساختارهای خاص اقتصادی نمی‌توان مفاهیم اقتصادی مدل‌های خودرگرسیون برداری را درک کرد از این رو مدل‌های خودرگرسیون برداری ساختاری این مشکل را برطرف کردند (Lütkepohl, 2004). سپس، بلانچارد و برنانک<sup>۲</sup>، سیمز و واتسون<sup>۳</sup> (۱۹۸۶) با در نظر گرفتن محدودیت‌های نظری روی تأثیرات هم‌زمان شوک‌ها، الگوی خودرگرسیون برداری ساختاری را توسعه دادند و بعدها بلانچارد و کوا<sup>۴</sup> (۱۹۸۹)، کلاریدا و گالی<sup>۵</sup> (۱۹۹۴) و آشلی و گرانت<sup>۶</sup> (۱۹۹۶) با اعمال محدودیت‌های نظری روی تأثیر بلندمدت شوک‌ها، توابع واکنش آنی را شناسایی کردند. تفاوت عمده بین روش خودرگرسیون برداری ساختاری و خودرگرسیون برداری معمولی در این است که در مدل‌های خودرگرسیون برداری اختلال‌های ساختاری متعامد و ناهمبسته هستند لذا مهم‌ترین مزیت این مدل‌ها نسبت به مدل‌های خودرگرسیون برداری غیرمقید که شناسایی شوک‌ها به‌طور ضمنی و سلیقه‌ای صورت می‌گیرد، رهیافت خودرگرسیون برداری ساختاری به‌طور صریح یک منطق اقتصادی مبتنی بر تئوری‌های اقتصادی برای اعمال قیود و محدودیت‌ها را در نظر می‌گیرد (Kilian, 2011).

1. Vector Autoregressive (VAR)
2. Blanchard and Bernanke
3. Sims and Watson
4. Blanchard and Quah
5. Clarida and Gali
6. Ashil and Grant

فرم عمومی مدل خودرگرسیون برداری ساختاری به شکل زیر است:

$$A_0 y_t = C_0 + \sum_{i=1}^p A_i y_{t-i} + \varepsilon_i \quad (1)$$

که در آن  $y_t = (SS_t, ADS_t, OSDS_t, CRIRN_t)$  و اجزای بردار  $y_t$  عبارتند از:

یک بردار با ابعاد  $4 \times 1$  از متغیرهای درونزا شامل:

$SS_t = \text{Supply-side shocks}$ ;  $ADS_t = \text{Aggregate Demand Shocks}$

$OSDS_t = \text{Oil Specific Demand Shocks}$ ,  $CRIRN_t = \text{Country Risk of IRN}$

$$A_0^{-1} A_0 y_t = A_0^{-1} C_0 + \sum_{i=1}^p A_0^{-1} A_i y_{t-i} + A_0^{-1} \varepsilon_i \quad (2)$$

که در این صورت، مدل براساس اجزای قابل مشاهده به صورت رابطه زیر بیان می شود:

$$y_t = a_0 + \sum_{i=1}^p B_i y_{t-i} + e_t \quad (3)$$

که در آن  $A_0^{-1} A_i = B_i$  و  $e_t = A_0^{-1} \varepsilon_t$ ،  $i = 1, 2, \dots, p$  است و ماتریس وارینانس - کوواریانس

آن به این شکل می آید:  $E[e_t e_t'] = A_0^{-1} D A_0^{-1}$

برای تعریف  $A_0^{-1}$  در معادله (۲) محدودیت های زیر در کوتاه مدت برای مدل مورد نظر قرار

گرفته شده است. فرض بر این است که متغیرها نسبت به همه تغییرات متغیرها جز در موارد خاص

مشخص شده واکنشی ندارند که به طور خاص محدودیت های زیر در کوتاه مدت را اعمال می کنیم:

$$e_t = \begin{bmatrix} e_{1,t}^{sup} \\ e_{2,t}^{rea} \\ e_{3,t}^{ppo} \\ e_{4,t}^{cr} \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} a_{11} & 0 & 0 & 0 \\ a_{21} & a_{22} & 0 & 0 \\ a_{31} & a_{32} & a_{33} & 0 \\ a_{41} & a_{42} & a_{43} & a_{44} \end{bmatrix} \times \begin{bmatrix} \varepsilon_{1,t} \text{ supply-side shock} \\ \varepsilon_{2,t} \text{ aggregated enand shock} \\ \varepsilon_{3,1} \text{ oil specific demand shock} \\ \varepsilon_{4,1} \text{ contry risk of Iran} \end{bmatrix} \quad (4)$$

فرضیات تشخیصی مدل فوق، به صورت ذیل است که: اول، عرضه (تولید) نفت خام نسبت به

شوگ های تقاضای واکنش نشان نمی دهد؛ به عبارت دیگر، منحنی عرضه کوتاه مدت نفت خام عمودی

است. دوم، فعالیت های حقیقی اقتصاد جهانی (تقاضای کل جهان)، به طور هم زمان از تغییرات قیمت

نفت تأثیر نمی‌پذیرند. سوم، تغییرات قیمت واقعی نفت (تقاضای ویژه بازار نفت) با شوک‌های طرف عرضه قابل توضیح نیستند. نهایتاً فرض چهارم بر این بیان استوار است که شاخص ریسک کشوری از شوک‌های سه‌گانه نفتی تأثیر می‌پذیرد (Lee, Lee and Ning, 2017). بنابراین، به دنبال فروض فوق، فرضیه اول ما در این تحقیق بدین قرار است که: ۱. شوک‌های سه‌گانه (عرضه، تقاضا و قیمت واقعی) نفت تأثیر معناداری بر شاخص ریسک کشوری در ایران دارند. همچنین، برخی از حوادث ریسک سیاسی به‌ویژه در کشورهای نفتی باعث ایجاد نوسان‌هایی در قیمت نفت شده است (Wu and Zhang, 2014; Zhao and etal., 2016). به‌عنوان مثال، ژائو و همکاران<sup>۱</sup> نشان دادند که انتظار می‌رود همیشه ریسک سیاسی ظرفیت صادرات کشورهای نفتی را کاهش دهد. برای مثال بعد از عرضه نفت نیز، ثابت شده است که وقایعی نظیر جنگ ایران و عراق و بحران‌های اقتصادی آسیا تأثیر چشمگیری در میزان عرضه نفت داشته است (Zhao and etal., 2016). از طرفی تقاضا نیز مسائلی نظیر خطرات زیست‌محیطی بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاران و تصمیم‌های شرکت‌های تولیدی برای تقاضای نفت مؤثر بوده است. بر این اساس، فرضیه دوم ما بدین صورت است که ۲. تغییرات شاخص ریسک کشوری در ایران تأثیر معناداری بر شوک‌های سه‌گانه نفت دارد.

## ۲-۴. معرفی متغیرها

هدف اصلی مطالعه حاضر، بررسی ارتباط پویای بین شوک‌های سه‌گانه (عرضه، تقاضا و قیمت واقعی) نفت خام و شاخص ریسک کشوری در ایران طی بازه زمانی ۲۰۱۵:۱۲-۲۰۲۰:۱ است. به این منظور، داده‌ها و اطلاعات مربوط به عرضه جهانی نفت از سایت آژانس انرژی آمریکا<sup>۲</sup> اخذ شده، قیمت نفت خام از وب‌سایت اوپک<sup>۳</sup> و داده‌های شاخص ریسک کشوری ایران نیز از راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری وابسته به وب‌سایت PRS Group تهیه شده است. علاوه بر این، برای استخراج تقاضای اقتصاد جهانی در مطالعات گذشته معمولاً از نماگرهای فعالیت حقیقی

1. Zhao and etal.

2. Energy Information Administration (EIA)

3. Organization of the Petroleum Exporting Countries (OPEC)

اقتصاد جهانی از قبیل تولید ناخالص داخلی و تولیدات صنعتی جهان استفاده می‌شد ولی با توجه به اینکه کیلیان<sup>۱</sup>، در سال ۲۰۰۹، شاخصی تحت عنوان شاخص فعالیت حقیقی اقتصاد جهان<sup>۲</sup> در مقاله خود بر اساس بازارهای محصولات صنعتی محاسبه کرد که همه‌ساله آن را به‌روز می‌کند و طی سال‌های اخیر در مطالعات، از این شاخص به‌عنوان شاخص اقتصاد جهانی استفاده می‌شود. از این‌رو در این مطالعه نیز از آمار ماهانه این شاخص استفاده شده و داده‌های مربوطه از سایت شخصی کیلیان اخذ شده است (<http://www-personal.umich.edu/~lkilian/reaupdate.txt>).

### ۳-۴. ایستایی متغیرها

قبل از برآورد مدل، باید داده‌ها از لحاظ مانایی مورد آزمون و بررسی قرار گیرند. برای بررسی فرضیه وجود یا نبود ریشه واحد در سری‌های زمانی، آزمون‌های متعددی وجود دارند که در این مطالعه، از آزمون فیلیپس پرون<sup>۳</sup> استفاده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود متغیرهای عرضه (SS) و قیمت جهانی نفت (OSDS) در سطح مانا هستند ولی شاخص ریسک کشوری (CRIRN) و تقاضای جهانی نفت (ADS) با یک‌بار تفاضل‌گیری مانا شدند.

### جدول ۲. آزمون مانایی متغیرها با استفاده از آزمون فیلیپس - پرون

نتیجه	مقدار آماره با یک‌بار تفاضل‌گیری		نتیجه	مقدار آماره در سطح		متغیرها
	II	I		II	I	
مانا	-۵/۸۱*	-۵/۳۴*	نامانا	-۰/۴۵	-۰/۸۰	CRIRN
مانا	-۹/۹۲*	-۹/۳۲*	نامانا	-۲/۵۹	-۱/۵۸	ADS
-	-	-	مانا	-۹/۴۷*	-۹/۲۰*	OSDS
-	-	-	مانا	-۱۵/۴۷*	-۱۵/۳۳*	SS

**توضیح:** I نشان‌دهنده آزمون PP با عرض از مبدأ و II بیانگر آزمون PP با عرض از مبدأ همراه با روند است.

\* نشان‌دهنده معناداری در سطح ۱ درصد است.

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

1. Kilian
2. Index REA
3. Phillips-Perron (PP)

### ۵. برآورد مدل و تجزیه و تحلیل یافته‌ها

این مطالعه مطابق با مطالعات صورت گرفته در این زمینه، براساس مطالعه لی، لی و ناینگ (۲۰۱۷)، ارتباط پویایی بین شوک‌های نفتی و شاخص ریسک کشوری در ایران با استفاده از مدل خودرگرسیون برداری ساختاری مورد بررسی قرار می‌دهد. در مدل‌های خودرگرسیون برداری ساختاری قبل از برآورد مدل، باید تعداد وقفه بهینه انتخاب شود. بر این اساس، در جدول زیر مقدار معیارهای اطلاعاتی شوارتز<sup>۱</sup> و حنان-کوئین<sup>۲</sup> برای انتخاب وقفه بهینه مدل گزارش شده است.

جدول ۳. تعیین وقفه بهینه مدل خودرگرسیون برداری ساختاری

حنان - کوئین	شوارتز	وقفه
۱/۰۳	۱/۰۷	۰
-۰/۵۶°	-۰/۱۵°	۱
-۰/۴۵	-۰/۱۴	۲

توضیح: \* وقفه بهینه  
مأخذ: همان.

براساس جدول فوق، تعداد وقفه بهینه برای مدل خودرگرسیون برداری ساختاری، براساس کمترین مقدار هر دو معیار اطلاعاتی شوارتز و حنان-کوئین، وقفه بهینه ۱ است. در ادامه، با توجه به اینکه برخی از متغیرهای تحقیق در سطح مانا نیستند؛ در مرحله بعد، هم‌انباشتگی متغیرها را مورد آزمون قرار می‌دهیم. برای بررسی وجود یا نبود رابطه بلندمدت بین متغیرها از روش یوهانسن-یوسیلیوس<sup>۳</sup> استفاده شده است. در این آزمون، مقدار آماره حداکثر مقدار ویژه ( $\lambda_{max}$ ) و آماره اثر ( $\lambda_{trace}$ ) با مقدار آماره‌های به‌دست آمده در سطح بحرانی ۵ درصد مقایسه می‌شود. چنانچه مقدار آماره‌های به‌دست آمده بیشتر از مقدار

1. Schwarz Information Criterion (SIC)
2. Hannan-Quinn Information Criterion (HQ)
3. Johanson and Joselius

آماره‌های حداکثر مقادیر ویژه و اثر در سطح بحرانی ۵ درصد باشد بیانگر وجود هم‌انباشتگی و رابطه بلندمدت در میان متغیرهاست. در جدول زیر نتایج آزمون ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون هم‌انباشتگی بین متغیرها

آزمون اثر				آزمون حداکثر مقدار ویژه			
فرضیه	فرضیه	مقدار	مقدار بحرانی آماره	فرضیه	فرضیه	مقدار	مقدار بحرانی آماره
صفر	مقابل	آماره	در سطح ۵ درصد	صفر	مقابل	آماره	در سطح ۵ درصد
$r=0$	$r \geq 0$	۱۰۹/۴۰	۴۷/۸۵	$r=0$	$r=1$	۷۶/۲۳	۲۷/۵۸
$r \leq 1$	$r \geq 1$	۳۳/۱۶	۲۹/۷۹	$r \leq 1$	$r=2$	۲۳/۵۳	۲۱/۱۳
$r \leq 2$	$r \geq 2$	۹/۶۳	۱۵/۴۲	$r \leq 2$	$r=3$	۸/۵۶	۱۴/۲۶

مأخذ: همان.

بر اساس مقدار آماره‌های  $(\lambda_{max})$  و  $(\lambda_{trace})$  و مقادیر بحرانی آزمون در سطح ۵ درصد، می‌توان وجود حداقل یک بردار هم‌انباشتگی را نتیجه گرفت. از این رو، در برآورد مدل خودرگرسیون برداری ساختاری از سطح متغیرها استفاده می‌شود. در ادامه، در مرحله بعد به برآورد مدل خودرگرسیون برداری ساختاری و تجزیه و تحلیل توابع واکنش آنی برای هر دو فرضیه تحقیق می‌پردازیم.

#### ۱-۵. آثار شوک‌های نفتی بر شاخص ریسک کشوری

در این بخش با استفاده از توابع واکنش آنی تجمعی به بررسی اثر شوک‌های نفتی بر شاخص ریسک کشوری در ایران پرداخته می‌شود. توابع واکنش آنی، رفتار پویای متغیرهای دستگاه معادله‌ها طی زمان و به‌هنگام بروز یک شوک به میزان یک انحراف معیار را نشان می‌دهد. همچنین، با استفاده از توابع واکنش آنی تجمعی در مدل‌های خودرگرسیون برداری ساختاری، گویاترین نتایج برای تحلیل روابط پویا بین متغیرهای یک سیستم را نیز در بلندمدت می‌توان نشان داد. نمودار ۱ واکنش شاخص ریسک کشوری از تأثیرپذیری شوک‌های نفتی به میزان یک انحراف معیار را نشان می‌دهد. خطوط نقطه‌چین بیانگر فواصل اطمینان در سطح اطمینان

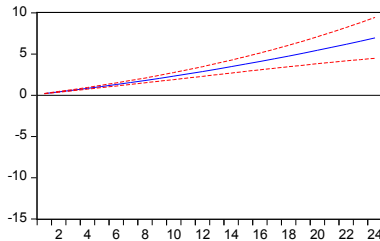
۹۵ درصد است.<sup>۱</sup> همان‌طور که در این نمودار ملاحظه می‌شود در دوره‌های اول، بیشترین تأثیرپذیری ریسک کشوری از خود شاخص است اما این روند در دوره‌های بعدی کاهش می‌یابد (الف). در نمودار (ب) شوک وارد شده به میزان یک انحراف معیار بر عرضه جهانی نفت، تأثیر مثبتی بر تغییرات میزان شاخص ریسک کشوری در ایران دارد که از لحاظ آماری در سطح ۹۵ درصد معنادار نیست. اما شوک‌های تقاضای جهانی نفت و شوک قیمت واقعی نفت تأثیر عمیقی بر تغییرات میزان شاخص ریسک کشوری در ایران دارند. براساس نمودار، یک افزایش غیرمنتظره به میزان یک انحراف معیار در تقاضای جهانی نفت به کاهش میزان عددی شاخص ریسک کشوری منجر می‌شود به این صورت که شوک حاصل از تقاضای جهانی در چند دوره (ماه) اول معنادار نبوده ولی بعد از گذشت ۶ دوره از لحاظ آماری معنادار می‌شود و روند این تأثیر منفی با گذشت زمان نیز بیشتر می‌شود (ج). اما در این میان، بیشترین میزان تأثیرپذیری شاخص ریسک کشوری ناشی از شوک‌های قیمت واقعی نفت خام است. بدین نحو که با یک شوک وارده بر قیمت واقعی نفت خام به میزان یک انحراف معیار از همان زمان شروع شوک، باعث ایجاد تأثیر عمیقی بر کاهش میزان شاخص عددی ریسک کشوری می‌شود که این روند با گذشت زمان واکنش ریسک کشوری نسبت به شوک‌های قیمت واقعی نفت را با شدت فزاینده‌ای افزایش می‌دهد (د). بر این اساس، فرضیه اول مطالعه مبتنی بر اینکه شوک‌های سه‌گانه نفت تأثیر معناداری بر شاخص ریسک کشوری در ایران دارند؛ در مورد شوک‌های تقاضای جهانی و قیمت واقعی نفت تأیید ولی در مورد عرضه جهانی نفت خام رد می‌شود. از سوی دیگر، با توجه به اینکه هر چقدر مقدار عددی میزان شاخص ریسک کشوری پایین‌تر باشد (به صفر نزدیک‌تر باشد) بیانگر میزان ریسک بالای آن کشور در عرصه بین‌الملل است لذا، شوک‌های قیمت واقعی و تقاضای جهانی نفت باعث کاهش مقدار عددی شاخص راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری و در نتیجه افزایش میزان ریسک در ایران شده و به تبع آن یکی از مهم‌ترین آثار منفی آن کاهش میزان سرمایه‌گذاری (به ویژه سرمایه‌گذاری خارجی)

۱. خطوط نقطه‌چین در نمودارهای مربوط به توابع واکنش آنی تجمعی نمایانگر کرانه‌های معناداری با دو انحراف معیار است که اگر کرانه‌های معناداری حول توابع واکنش آنی تجمعی دربرگیرنده صفر باشند به بیانی دیگر اگر هر دو کرانه خطوط بالاتر یا پایین‌تر از محور افقی قرار نگیرند آثار شوک‌ها معنادار نخواهد بود.

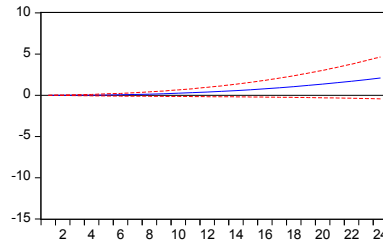
خواهد بود. در توجیه این رفتار می‌توان گفت زمانی که شوک‌های نفتی رخ می‌دهد باعث افزایش درآمدهای ارزی ناشی از صادرات نفت ایران می‌شود که در ادامه در اثر آن، تولید نفت نیز افزایش می‌یابد که باعث افزایش فشارهای تورمی ناشی از آن گشته و در نتیجه باعث افزایش ریسک کشوری بین‌المللی و کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود.

### نمودار ۱. توابع واکنش آنی شاخص ریسک کشوری و شوک‌های عرضه، تقاضا و قیمت واقعی نفت

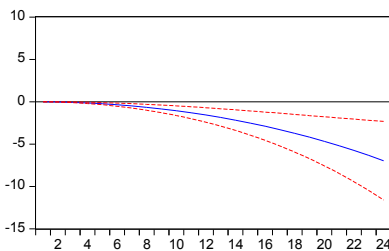
الف) واکنش ریسک کشوری به شوک ریسک کشوری



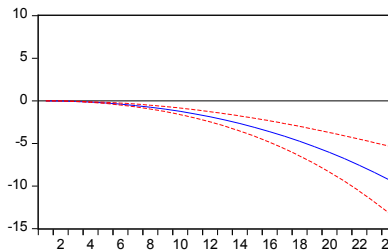
ب) واکنش ریسک کشوری به شوک عرضه نفت



ج) واکنش ریسک کشوری به شوک تقاضای نفت



د) واکنش ریسک کشوری به شوک قیمت واقعی نفت



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

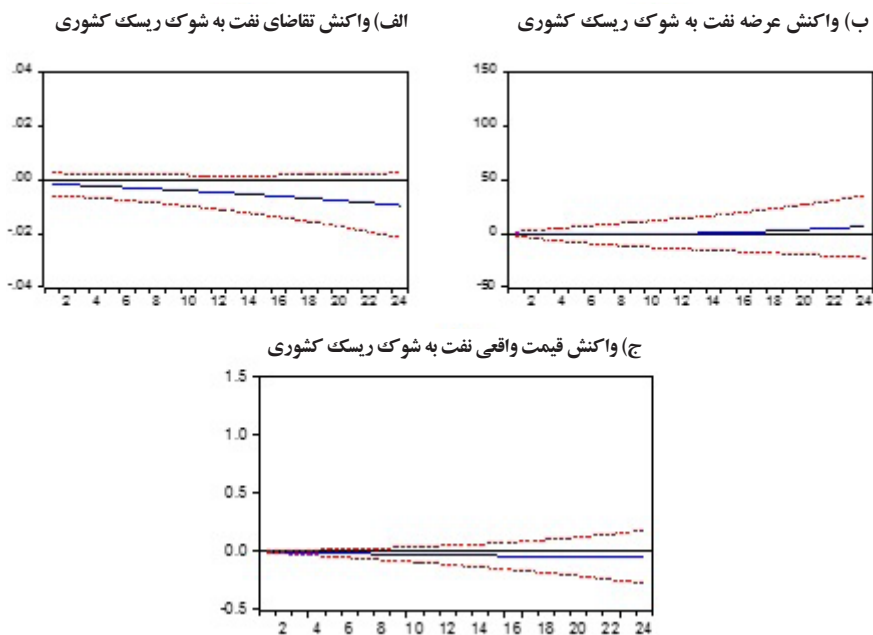
### ۲-۵. آثار تغییرات شاخص ریسک کشوری بر شوک‌های نفتی

نمودار ۲، توابع عکس‌العمل واکنش آنی تجمعی شوک‌های سه‌گانه نفت را نسبت به تغییرات شاخص ریسک کشوری نشان می‌دهد. این نمودار نشان می‌دهد که افزایش مقدار عددی شاخص ریسک (کاهش میزان ریسک کشوری بین‌المللی) باعث افزایش تقاضای جهانی نفت از ایران می‌شود ولی این ارتباط از لحاظ آماری در سطح ۹۵ درصد معنادار نیست (الف). علاوه بر این، نتایج مطالعه نشان می‌دهد که افزایش مقدار عددی شاخص



ریسک (کاهش میزان ریسک کشوری) به‌طور چشمگیری باعث کاهش قیمت واقعی نفت و عرضه نفت در ایران می‌شود که این تغییرات نیز در سطح ۹۵ درصد معنادار نیست<sup>۱</sup> (ب و ج). بنابراین، فرضیه دوم مطالعه مبنی بر اینکه تغییرات شاخص ریسک کشوری در ایران تأثیر معناداری بر شوک‌های سه‌گانه (عرضه، تقاضا و قیمت واقعی) نفت خام دارد، رد می‌شود. در تحلیل این رفتار می‌توان گفت، با توجه به اینکه طی سالیان اخیر قسمت اعظمی از بودجه دولت وابسته به درآمدهای ناشی از نفت بوده است لذا میزان ریسک کشوری تأثیر بر مقدار عرضه نفت ایران نداشته و دولت به‌اجبار برای پوشش مخارج خود به عرضه نفت زیاد هر چند با کاهش قیمت زیاد، اقدام کرده است.

نمودار ۲. واکنش شوک‌های عرضه، تقاضا و قیمت واقعی نفت نسبت به تغییرات شاخص ریسک کشوری



مأخذ: همان.

۱. خاطر نشان می‌سازیم که در مطالعه لی، لی و ناینگ (۲۰۱۷) که برای هفت کشور صنعتی (G-۷) مطالعه شده است، تأثیر شوک‌های ریسک کشوری بر شوک‌های سه‌گانه نفتی در سطح ۹۵ درصد نیز معنادار به‌دست نیامدند.

۳-۵. تجزیه واریانس خطای پیش‌بینی ریسک کشوری بر اساس شاخص مونت کارلو به کمک تجزیه واریانس می‌توان دریافت که تغییرات یک متغیر سری زمانی تا چه حد نشست گرفته از اجزای اخلال خود متغیر است و تا چه میزان از اجزای اخلال سایر متغیرها تأثیر پذیرفته است. رویکرد تحلیل مبتنی بر تجزیه واریانس خطای پیش‌بینی به منظور پویایی‌های موجود در یک مدل خودرگرسیون برداری ساختاری برای مقایسه سهم هر یک از متغیرها در هر دوره، از خطای پیش‌بینی همان دوره استوار است که با افزایش طول دوره پیش‌بینی واریانس خطای پیش‌بینی افزایش می‌یابد. از این رو، تجزیه واریانس خطای پیش‌بینی ریسک کشوری در جدول ۵ نشان داده شده است. در این جدول، ستون S.E میزان خطای استاندارد پیش‌بینی در دوره‌های مختلف را نشان می‌دهد. منبع این خطا، تغییر در مقادیر جاری و شوک‌های آتی است و از آنجا که این خطا در هر دوره بر اساس خطای دوره قبل محاسبه می‌شود بنابراین به مرور زمان مقدار آن افزایش می‌یابد و بنابه میزان دقت و صحت اطلاعات میزان خطای پیش‌بینی با مقدار اختلافی افزایش خواهد یافت. ستون‌های بعدی این جدول به ترتیب بیانگر درصد واریانس تغییرات ناگهانی شاخص ریسک کشوری نسبت به تغییرات ناگهانی شوک‌های عرضه جهانی، تقاضای جهانی و قیمت واقعی نفت خام است.

جدول ۵. تجزیه واریانس خطای پیش‌بینی ریسک کشوری

OSDS	ADS	SS	CRIRN	S.E	دوره (ماه)
۰/۰۰ (۰/۰۰)	۰/۰۰ (۰/۰۰)	۰/۰۰ (۰/۰۰)	۱۰۰/۰۰ (۰/۰۰)	۰/۱۹	۱
۲/۲۹ (۰/۶۵)	۲/۱۳ (۱/۴۳)	۰/۰۲ (۰/۵۷)	۹۵/۵۴ (۱/۴۰)	۰/۳۶	۳
۱۰/۶۹ (۲/۸۷)	۸/۶۹ (۴/۸۳)	۰/۳۵ (۰/۹۶)	۸۰/۲۵ (۴/۳۵)	۰/۵۹	۶
۲۹/۸۵ (۷/۸۳)	۱۹/۹۸ (۹/۵۵)	۱/۴۲ (۲/۲۰)	۴۸/۷۲ (۷/۱۶)	۱/۱۹	۱۲
۵۰/۴۲ (۱۳/۶۵)	۲۷/۰۲ (۱۳/۷۲)	۲/۶۸ (۳/۲۰)	۱۹/۸۶ (۶/۴۴)	۳/۲۴	۲۴
۵۸/۵۱ (۱۶/۱۱)	۲۷/۹۰ (۱۵/۵۹)	۳/۱۷ (۳/۵۱)	۱۰/۳۹ (۵/۱۹)	۶/۵۷	۳۶
۶۸/۹۴ (۱۹/۰۳)	۲۶/۱۰ (۱۸/۶۶)	۳/۸۱ (۳/۸۲)	۱/۱۴ (۴/۱۱)	۴۸/۵۰	∞

توضیح: اعداد داخل پرانتز بیانگر مقدار آماره  $t$  بر مبنای خطای استاندارد شاخص شبیه‌سازی مونت کارلو است. مأخذ: همان.

براساس اطلاعات مندرج در جدول فوق، در دوره‌های (ماه‌های) اول بیشترین درصد تغییرات ریسک کشوری را، خود متغیر توضیح می‌دهد ولی با گذشت زمان این روند کاهش یافته و قدرت توضیح‌دهندگی متغیرها افزایش می‌یابد به طوری که بعد از گذشت ۳۶ ماه تنها ۱۱ درصد تغییرات شاخص ریسک کشوری ناشی از تغییرات خود متغیر بوده و بقیه ۸۹ درصد تغییرات ناشی از شوک‌های نفتی است که در این بین، بیشترین سهم را شوک‌های قیمت واقعی نفت خام به خود اختصاص داده است. علاوه بر این، در بلندمدت نیز این روند ادامه داشته و سهم شوک‌های قیمت نفت از ۵۸ درصد به ۶۹ درصد افزایش می‌یابد. بنابراین، نتایج فوق همانند نتایج توابع واکنش آنی، بیانگر این مطالب است که اثرگذاری شوک‌های قیمت واقعی نفت خام بر شاخص ریسک کشوری بزرگ‌تر و سریع‌تر از دیگر شوک‌های نفتی است.

## ۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه نفت از استراتژیکی‌ترین منابع مهم کشور محسوب می‌شود و همچنین، وابستگی بیش از حد اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی طی سال‌های اخیر، همواره مطالعات متعددی در مورد شوک‌های نفتی و ارتباط آن با متغیرهای کلان اقتصادی صورت گرفته است اما در مورد ارتباط بین شوک‌های نفتی و شاخص ریسک کشوری مطالعه‌ای در کشور وجود ندارد بنابراین به دلیل اهمیت نفت در اقتصاد کشور این سؤال مطرح می‌شود که در جریان ارتباط بین شاخص ریسک کشوری و شوک‌های نفتی، شوک‌های سه‌گانه (عرضه، تقاضای جهانی و قیمت واقعی) نفت چه تأثیری می‌توانند بر شاخص ریسک کشوری داشته باشند و برعکس. از سویی با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین پارامترهای تأثیرگذار بر میزان سرمایه‌گذاری به‌ویژه سرمایه‌گذاری خارجی در هر کشوری، میزان شاخص ریسک آن کشورهاست از این‌رو نقش شاخص ریسک کشوری در میزان سرمایه‌گذاری‌ها نیز مهم جلوه می‌کند. بنابراین، مطالعه حاضر به دلیل اهمیت موضع شاخص ریسک در اقتصاد بین‌الملل به دنبال پاسخ به وجود یا نبود ارتباط میان شوک‌های نفتی و شاخص ریسک کشوری در ایران است. بدین منظور در این مطالعه، ارتباط میان شاخص ریسک کشوری و شوک‌های

نفتی با استفاده از مدل خودرگرسیون برداری ساختاری و با استفاده از داده‌های ماهانه طی بازه زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۵ بررسی شد. نتایج حاصل از مطالعه بیانگر این است که شوک‌های عرضه نفت تأثیر معناداری بر شاخص ریسک کشوری در ایران ندارند ولی شوک‌های تقاضای جهانی و قیمت واقعی نفت خام آثار عمیقی بر شاخص ریسک کشوری داشته‌اند؛ بدین نحو که با افزایش غیرمنتظره در تقاضای جهانی و قیمت واقعی نفت خام به میزان یک انحراف معیار، مقدار عددی شاخص ریسک بسیار کاهش و در نتیجه میزان خود ریسک کشوری افزایش می‌یابد (زیرا هر قدر میزان مقدار عددی شاخص ریسک کشوری پایین‌تر باشد، به صفر نزدیک‌تر باشد به منزله افزایش ریسک کشوری بین‌المللی است). از این رو، فرضیه اول پژوهش مبنی بر اینکه شوک‌های سه‌گانه نفت تأثیر معناداری بر شاخص ریسک در ایران دارند؛ در خصوص عرضه جهانی نفت رد ولی در مورد شوک‌های تقاضای جهانی و قیمت واقعی نفت خام تأیید می‌شود. همچنین نتایج تجزیه واریانس خطای پیش‌بینی بر مبنای شاخص مونت کارلو نیز ضمن تأیید نتایج توابع واکنش آنی نشان می‌دهد که قیمت واقعی و تقاضای جهانی نفت خام تأثیر بسیار زیادی بر روند تغییرات شاخص ریسک کشوری داشته، به طوری که در بلندمدت حدود ۹۵ درصد از تغییرات ریسک کشوری از شوک‌های قیمت واقعی و تقاضای جهانی نفت خام ناشی می‌شود.

علاوه بر این، نتایج مطالعه نشان می‌دهد که تأثیر شاخص ریسک کشوری بر تقاضای جهانی نفت اثر مثبت داشته و بر قیمت واقعی و تقاضای جهانی نفت اثر منفی دارد اما این آثار از لحاظ آماری در سطح ۹۵ درصد معنادار به دست نیامدند. از این رو، فرضیه دوم تحقیق مبنی بر تأثیر گذاری شاخص ریسک کشوری بر شوک‌های سه‌گانه نفت رد می‌شود. بنابراین، به طور کلی نتایج بازگوکننده تأثیر مهم شوک‌های نفتی بر شاخص ریسک دارد ولی ارتباط معکوس بین آنان یعنی؛ تأثیر ریسک کشوری بر شوک‌های نفتی معنادار نیستند. از این رو، با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌شود سیاست‌های راهبردی نظیر مدیریت بهینه منابع به‌ویژه در منابع نفتی و مشتقات آن و همچنین ایجاد و استفاده مناسب از صندوق‌های ذخیره ارزی، گسترش و بهبود تعامل روابط اقتصادی با کشورهای جهان، کاهش میزان وابستگی دولت به منابع درآمدی حاصل از نفت و حمایت از دیگر بخش‌های

اقتصاد ایران به‌ویژه کشاورزی از اولویت‌های اصلی دولت‌مردان برای کاهش آثار شوک‌های نفتی بر اقتصاد ایران باشد. علاوه بر این، با در نظر گرفتن این مسئله که همواره در اقتصاد، شاخص ریسک و سرمایه‌گذاری از ارتباط محکمی برخوردارند؛ وجود ریسک از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر روند سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی هر کشوری است. از این رو با توجه به اینکه سرمایه‌گذاران بالقوه، نقش اساسی در روند رشد و توسعه اقتصادی هر کشوری دارند و استفاده از فرصت‌های سرمایه‌گذاری در اقتصاد کشورها، از اولویت اساسی در سرمایه‌گذاری برخوردار است؛ بنابراین به تسهیل قوانین و مقررات سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاران و تلاش جهت پایین بودن میزان ریسک کشوری برای حضور بهتر و گسترده‌تر سرمایه‌گذاران و بهبود بخشیدن بخش سرمایه‌گذاری در اقتصاد کشور نیازمندیم که پیشنهاد می‌شود نتایج این مطالعه، مورد توجه دولت‌مردان و سیاست‌گذاران اقتصادی و همچنین سرمایه‌گذاران قرار گیرد.

## منابع و مآخذ

۱. پایتختی اسکویی، سیدعلی و احسان شافعی (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر نوسانات قیمت نفت بر تغییرات شاخص قیمت سهام در ایران»، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، سال دهم، ش ۴۳.
۲. راعی، رضا و سیدمحسن فاضلیان (۱۳۹۱). «بررسی و عرضه مدل رابطه بین ریسک کشوری و جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای در حال توسعه»، فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی، سال ششم، ش ۲.
۳. صیادی، محمد و جاوید بهرامی (۱۳۹۴). «ارزیابی اثرات سیاست‌های سرمایه‌گذاری درآمد نفتی بر متغیرهای عملکرد اقتصادی ایران: رویکرد تعادل عمومی پویا (DSGE)»، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، سال چهارم، ش ۱۶.
۴. عرفانی، علیرضا و اکرم چرم‌گر (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر ناطمینانی قیمت نفت بر متغیرهای اقتصاد کلان ایران (روش گارچ چندمتغیره BEKK)»، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، سال دهم، ش ۴۰.
۵. محنت‌فر، یوسف (۱۳۹۵). «بررسی تأثیر شوک‌های نفتی بر متغیرهای اقتصاد کلان در ایران (۱۳۹۰-۱۳۵۰)»، فصلنامه مطالعات اقتصاد کاربردی ایران، سال پنجم، ش ۱۷.
۶. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۰). معرفی و نقد شاخص راهنمای بین‌الملل ریسک کشوری (ICRG)، انتشارات دفتر مطالعات محیط کسب و کار.
7. Agliardi, E., R. Agliardi, M. Pinar, T. Stengos and N. Topaloglou (2012). "A New Country Risk index for Emerging Markets: A Stochastic Dominance Approach", *Journal of empirical finance*, 19(5).
8. Antonakakis, N., I. Chatziantoniou and G. Filis (2014). "Dynamic Spillovers of Oil Price Shocks and Economic Policy Uncertainty", *Energy Economics*, 44.
9. Benítez, P. C., I. McCallum, M. Obersteiner and Y. Yamagata (2007). "Global Potential for Carbon Sequestration: Geographical Distribution, Country Risk and Policy Implications", *Ecological Economics*, 60(3).
10. Bouchet, M. H., E. Clark and B. Gros Lambert (2003). *Country Risk Assessment: A Guide to Global Investment Strategy*, John Wiley and Sons.
11. Brown, C. L., S. T. Cavusgil and A. W. Lord (2015). "Country-risk Measurement

- and Analysis: A new Conceptualization and Managerial tool", *International Business Review*, 24(2).
12. Brown, S. P. and M. K. Yücel (2002). "Energy Prices and Aggregate Economic Activity: an Interpretative Survey", *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 42(2).
  13. Busse, M. and C. Hefeker (2007). "Political Risk, Institutions and Foreign Direct Investment", *European Journal of Political Economy*, 23(2).
  14. Chen, H., H. Liao, B. J. Tang and Y. M. Wei (2016). "Impacts of OPEC's Political Risk on the International Crude Oil Prices: An Empirical Analysis Based on the SVAR Models", *Energy Economics*, 57.
  15. Cuadra, G. and H. Sapriza (2008). "Sovereign Default, Interest Rates and Political Uncertainty in Emerging Markets", *Journal of International Economics*, 76(1).
  16. Cuñado, J. and F. P. De Gracia (2003). "Do Oil Price Shocks Matter? Evidence for some European Countries", *Energy Economics*, 25(2).
  17. Erb, C. B., C. R. Harvey and T. E. Viskanta (1996). "Political risk, Economic Risk, and Financial Risk", *Financial Analysts Journal*, 52(6).
  18. Ewing, B. T. and M. A. Thompson (2007). "Dynamic Cyclical Comovements of Oil Prices with Industrial Production, Consumer Prices, Unemployment, and Stock Prices", *Energy Policy*, 35(11).
  19. Fayyad, A. and K. Daly (2011). "The Impact of Oil Price Shocks on Stock Market Returns: Comparing GCC Countries with the UK and USA", *Emerging Markets Review*, 12(1).
  20. Frenkel, M., A. Karmann and B. Scholtens (Eds.) (2004). *Sovereign Risk and financial Crises*. Berlin, Springer.
  21. Hammer, P. L., A. Kogan and M. A. Lejeune (2006). "Modeling Country Risk Ratings Using Partial Orders", *European Journal of Operational Research*, 175(2).

22. Hammoudeh, S. and H. Li (2005). "Oil Sensitivity and Systematic Risk in Oil-sensitive Stock Indices", *Journal of Economics and Business*, 57(1).
23. Hassan, M. K., N. C. Maroney, H. M. El-Sady and A. Telfah (2003). "Country Risk and Stock Market Volatility, Predictability and Diversification in the Middle East and Africa", *Economic Systems*, 27(1).
24. Hoti, S. and M. McAleer (2005). *Modelling the Riskiness in Country Risk Ratings*, Emerald Group Publishing Limited.
25. <http://www-personal.umich.edu/~lkilian/reaupdate.txt>
26. Husted, B. W. and J. M. De Sousa-Filho (2017). "The Impact of Sustainability Governance, Country Stakeholder Orientation, and Country Risk on Environmental, Social, and Governance Performance", *Journal of Cleaner Production*, 155.
27. Iloie, R. E. (2015). "Connections between FDI, Corruption Index and Country Risk Assessments in Central and Eastern Europe", *Procedia Economics and Finance*, 32.
28. Jaffe, A. M. and R. A. Manning (2000). "The Shocks of a World of Cheap Oil", *Foreign Affairs*.
29. Johansen, S. and K. Juselius (1990). "Maximum Likelihood Estimation and Inference on Cointegration—with Applications to the Demand for Money", *Oxford Bulletin of Economics and Statistics*, 52(2).
30. Johansson, A. C. (2010). "Asian Sovereign debt and Country Risk", *Pacific-Basin Finance Journal*, 18(4).
31. Kilian, L. (2011). "Structural Vector Autoregressions", Working Paper, 8515, University of Michigan.
32. Kilian, L., A. Rebucci and N. Spatafora (2009). "Oil Shocks and External Balances", *Journal of International Economics*, 77(2).



33. Killian, L. (2009). "Not all Oil price Shocks are Alike: Disentangling Demand and Supply Shocks in the Crude Oil Market", *American Economic Review*, 99 (3).
34. Korhonen, I. and S. Ledyeva (2010). "Trade Linkages and Macroeconomic Effects of the Price of Oil", *Energy Economics*, 32(4).
35. Lee, C. C., C. C. Lee and S. L. Ning (2017). "Dynamic Rrelationship of Oil price Shocks and Country Risks", *Energy Economics*. doi:10.1016/j.eneco.2017.01.028.
36. Li, L., L. Yin and Y. Zhou (2016). "Exogenous Shocks and the Spillover Effects between Uncertainty and Oil Price", *Energy Economics*, 54.
37. Liu, C., X. Sun, J. Chen and J. Li (2016). "Statistical Properties of Country Risk Ratings Under Oil Price Volatility: Evidence from Selected Oil-exporting Countries", *Energy policy*, 92.
38. Lutkepohl, H. (2004). *Applied Time Series Econometric*, Cambridge University Press.
39. Mehrara, M. and K. N. Oskoui (2007). "The Sources of Macroeconomic Fluctuations in Oil Exporting Countries: A Comparative Study", *Economic Modelling*, 24(3).
40. Nandha, M. and S. Hammoudeh (2007). "Systematic Risk, and Oil Price and Exchange rate Sensitivities in Asia-Pacific Stock Markets", *Research in International Business and Finance*, 21(2).
41. Narayan, P. K., S. Sharma, W. C. Poon and J. Westerlund (2014). "Do Oil Prices Predict Economic Growth? New Global Evidence", *Energy Economics*, 41.
42. Nath, H. K. (2008). "Country Risk Analysis: A Survey of the Quantitative Methods", *Available at SSRN*1513494.
43. Nazmi, N. (2002). "Global Finance, Sovereign Risk and Economic Performance of Brazil", *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 42(5).

44. Oetzel, J. M., R. A. Bettis and M. Zenner (2001). "Country Risk Measures: how Risky are They?", *Journal of World Business*, 36(2).
45. Park, J. and A. R. Ratti (2008). "Oil Price Shocks and Stock Markets in the US and 13 European Countries", *Energy Economics*, 30(5).
46. Phillips, P. C. and P. Perron (1988). "Testing for a Unit Root in Time Series Regression", *Biometrika*, 75(2).
47. PRS Group: <http://epub.prsgroup.com/products/international-country-risk-guide-icrg>
48. Rafiq, S., R. Salim and H. Bloch (2009). "Impact of Crude Oil Price Volatility on Economic Activities: An Empirical Investigation in the Thai Economy", *Resources Policy*, 34(3).
49. Reboredo, J. C. (2012). "Modelling Oil Price and Exchange Rate Co-movements", *Journal of Policy Modeling*, 34(3).
50. Rios-Morales, R., D. Gamberger, T. Šmuc and F. Azuaje (2009). "Innovative Methods in Assessing Political Risk for Business Internationalization", *Research in International Business and Finance*, 23(2).
51. Sari, R., M. Uzunkaya and S. Hammoudeh (2013). "The Relationship between Disaggregated Country Risk Ratings and Stock Market Movements: An ARDL Approach", *Emerging Markets Finance and Trade*, 49(1).
52. Te Velde, D. W. and D. Bezemer (2006). "Regional Integration and Foreign direct Investment in Developing Countries", *Transnational Corporations*, 15(2).
53. Van Gestel, T., B. Baesens, P. Van Dijke, J. Garcia, J. A. Suykens and j. Vanthienen (2006). "A Process Model to Develop an Internal Rating System: Sovereign Credit ratings", *Decision Support Systems*, 42(2).
54. Verma, R. and G. Soydemir (2006). "Modeling Country Risk in Latin America: A Country Beta Approach", *Global Finance Journal*, 17(2).

55. Williams, A. and A. Siddique (2008). "The use (and abuse) of Governance Indicators in Economics: A Review", *Economics of Governance*, 9(2).
56. Wu, G. and Y. J. Zhang (2014). "Does China factor matter? An Econometric Analysis of International Crude oil Prices", *Energy Policy*, 72.
57. Yim, J. and H. Mitchell (2005). "Comparison of Country risk Models: Hybrid Neural Networks, Logit Models, Discriminant Analysis and Cluster Techniques", *Expert Systems with Applications*, 28(1).
58. Zhao, L., X. Zhang, S. Wang and S. Xu (2016). "The Effects of Oil Price Shocks on Output and Inflation in China", *Energy Economics*, 53.



# مدارای سیاسی - اجتماعی در ایران معاصر

## چشم‌اندازی نظری به آسیب‌شناسی مفهومی و انضمامی

حاصل داسه، \* ملک یحیی صلاحی \*\* و مجید توسلی رکن‌آبادی \*\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۲۳

مدارا، در طول زمان و به‌ویژه از هنگام جنگ‌های مذهبی قرن‌های شانزدهم و هفدهم میلادی در اروپا، از سوژه‌های مهم و نیز چالش‌برانگیز فلسفه، سیاست و مذهب بوده است. مدارا با سایر مؤلفه‌های جامعه مدرن همچون دموکراسی، جامعه مدنی، آزادی و حقوق بشر پیوندی تنگاتنگ داشته و اکنون به بخش گسست‌ناپذیر از آنها بدل شده است. اما با وجود اقبال عمومی و علمی به مفهوم مدارا، به‌ویژه در دهه‌های پایانی قرن بیستم و آغاز قرن بیست‌ویکم، هنوز از لحاظ مفهومی تا اندازه‌ای عقب‌مانده و توسعه‌نیافته است. تا جایی که ابهام‌ها و عدم توافق گسترده‌ای حول ابعاد مفهومی و نیز سطح سیاسی، مذهبی و اخلاقی مدارا وجود دارد. این پژوهش که به روش تحلیلی-تطبیقی انجام شده است، بعد از گذر کوتاهی به تبارشناسی لغوی و ایضاح مفهومی، به ارائه تعریف و طبقه‌بندی جامعی از مدارا پرداخته و در ادامه کاستی‌ها و ابهام‌های مدارا را در ایران برجسته ساخته است. در این راستا، پژوهش حاضر به سردرگمی نظری-عملی مدارا در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی ایران معاصر می‌پردازد و این چشم‌انداز اساسی را مطرح می‌کند که ابهام معنایی مدارا به‌طرزی ناگزیر به سردرگمی عملی آن انجامیده است.

**کلیدواژه‌ها:** مدارای سیاسی-اجتماعی؛ تساهل و تسامح؛ تبارشناسی؛ سردرگمی معنایی؛ تاریخ معاصر ایران

---

\* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران؛  
Email: haseldaseh@yahoo.com

\*\* دانشیار دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)؛  
Email: m-salahi@srbiau.ac.ir

\*\*\* دانشیار دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران؛  
Email: m-tavasoli@srbiau.ac.ir

## مقدمه

یکی از اصطلاحات مهمی که در سال‌های اخیر به سپهر ادبیات سیاسی - اجتماعی ایران وارد شده، مفهوم «مدارا» یا مفاهیم مترادف آن همچون «تساهل و تسامح» است. این اصطلاح که در چارچوب گفتمان سیاسی‌ای که از میانه‌های دهه ۱۳۷۰ به این سو بر ایران سایه گسترانید، به یکی از سوژه‌های سیاسی و فلسفی - فرهنگی بدل شده است، تا جایی که در کنار سوژه‌هایی چون مردم‌سالاری، تکثرگرایی، آزادی بیان، جامعه مدنی و حقوق بشر در ادبیات سیاسی ایران مورد پذیرش قرار گرفته است.

اگرچه تاریخچه مدارا را به قرن شانزدهم میلادی نسبت می‌دهند و آن را یکی از ارمغان‌های روشنگری به حساب می‌آورند، اما عموماً مدارا پدیده‌ای متأخر است که عملاً به «مدرنیته» گره خورده است. در سیر تکاملی دولت - ملت‌های مدرن، از معاهده وستفاليا (۱۶۴۸) تا به امروز، مدارا هم‌پایه مفاهیمی چون حقوق بشر، حاکمیت قانون و آزادی مطرح شده است. در میان مسلمانان نیز مدارا در دوران متأخر، با ظهور نهضت احیای تفکر دینی سیدجمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده و همچنین نهضت مشروطیت در ایران مطرح شد. در دو قرن گذشته، تعریف مدارا بر مبنای اسلام و سنت‌های دینی و همچنین نسبت میان «اسلام» و «مدارا» یکی از دل‌مشغولی‌های مهم اندیشمندان مسلمان از طیف‌های مختلف فکری بوده است.

با وجود این، مدارا همواره از ابعاد و ساحت‌های متعددی نظیر فلسفه، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، روانشناسی، تاریخ، الهیات و اخلاق مورد بررسی واقع گشته است. از آنجا که وظیفه تنظیم و تدوین چارچوب‌های مفهومی بر دوش پژوهش‌های فلسفی به معنای عام این اصطلاح است، چستی «مدارا» به عنوان پرسش بنیادین پژوهش حاضر در خصوص ایران می‌تواند از نقطه‌ای کانونی برخوردار شود. با این وجود پرسش‌های دیگری نیز در این باره مطرح است که به لحاظ نظری مدارا در ایران معاصر با چه مسائلی مواجه بوده و در راستای انسجام ملی و از میان برداشتن زمینه‌های منازعات سیاسی، مدارا می‌تواند حاوی چه پیامدهایی باشد؟

بنابراین، با مدنظر قرار دادن ایران در کانون این پژوهش درصدد است تا نخست با بررسی مبانی نظری این مفهوم در سنت اندیشه سیاسی، گامی در راستای تعریف و طبقه‌بندی روشن‌تری از مدارا برداشته تا از این طریق تمهیدی برای کاربردپذیری آن در عرصه سیاسی

ایران مهیا شود. در نهایت این مقاله با بهره‌گیری از منابع غنی سنت اندیشه اسلامی و رویکرد حقوق شهروندی در جوامع چندفرهنگی، داده‌های تاریخی و سیاسی موجود را در ایران تحلیل کرده و با تلفیق این دو روش آن را در زمینه سیاست در ایران معاصر به آزمون می‌کشد. همچنین با پیش‌فرض‌های نظری - تاریخی، این استدلال را مطرح می‌کند که در پیش‌گرفتن مدارای سیاسی در عرصه سیاست از ارتباط وثیقی با توسعه سیاسی و دستیابی به ثبات در ایران برخوردار است.

## ۱. چشم‌اندازهای نظری و روش‌مدار

### ۱-۱. نگاهی به ادبیات نظری مفهوم مدارا

با وجود آنکه نخستین کاربرد استوار مدارا «Toleration» در زبان انگلیسی، در قرن پانزدهم گزارش شده است برخی بر این باورند که این واژه از دو کلمه استقامت و شکیبایی یعنی «Endurance» و «Fortitude» مشتق شده است که در قرن چهاردهم مورد استفاده بوده‌اند (Zagorin, 2003: 4-5). بنابراین، تساهل، تسامح، تحمل و مدارا هرچند با واژه «Tolerance» (تولرانس) دارای اشتراک معنایی هستند، اما وجوه تمایزی نیز با آن دارند. واژه Toleration به معنای تحمل کردن، ابقا کردن و اجازه دادن است و در معنای جدید غربی آن، بیشتر برای ویژگی روش سیاسی حکومت به کار می‌رود تا شیوه‌های اخلاقی یا دینی. در حالی که تساهل و تسامح یا مدارا در ادبیات فارسی، بیشتر مفهومی اخلاقی است تا سیاسی. اما واژه مذکور در فارسی به معنای تساهل، تسامح، مدارا، شکیبایی و تحمل ترجمه شده است. این در حالی است که هر یک از واژه‌های مذکور، بار معنایی متفاوتی نسبت به همدیگر دارند (فولادی، ۱۳۷۹: ۱۰۰).

بشیریه نیز قایل به تفاوت میان تساهل و تحمل است به گونه‌ای که او استدلال می‌کند «در تساهل اجبار محلی از اعراب ندارد ولی در تحمل اجبار وجود دارد» (۱۳۷۰: ۱۲۵). تساهل، پذیرش مطلق نیست، بلکه جمع اعتراض و پذیرش است و به همین دلیل با مفاهیم نزدیک‌تر دیگر تفاوت دارد (همان: ۱۲۳).

قلب رواداری، خویش‌داری است. وقتی ما فعالیتی را تحمل می‌کنیم، یعنی کشش

فراوان خود را برای ممانعت قهری از بروز فعالیت‌هایی که خلاف میل ماست، مهار می‌کنیم. به زبان انتزاعی‌تر، رواداری را می‌توان به‌مثابه روشی سیاسی فهمید که هدفش بی‌طرفی، پرهیز از جانبداری یا انصاف در میان عاملان سیاسی است (Fiala, 2004: 103).

رواداری مستلزم سه شرط مرتبط به هم است؛ وقتی عامل یا فاعلی چیزی را تحمل می‌کند:

۱. عامل قضاوتی منفی درباره این چیز دارد؛

۲. عامل قدرت نفی یا رد کردن آن را دارد؛

۳. عامل تعمداً از آن پرهیز می‌کند (Ibid.:105).

## ۲-۱. چشم‌انداز روشی

روش تحلیلی - تطبیقی، یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین روش‌های پژوهش در حوزه مسائل کلان علوم اجتماعی است که با پرسش‌های کلانی سروکار دارد و واحدهای مشاهده و تحلیل خود را از سطوح میانی و کلان انتخاب می‌کند، این حوزه به‌خصوص در جامعه‌شناسی تطبیقی و تاریخی از اهمیت بارزی برخوردار است. «روش تطبیقی که مبتنی بر فهم شباهت‌ها و تفاوت‌هاست، یکی از قدیمی‌ترین روش‌ها در اندیشه اجتماعی و علوم اجتماعی است». ارسطو به مقایسه میان دولت شهرهای گوناگون یونان و هرودوت به مقایسه میان جهان یونانی و غیر یونانی پرداختند. دانیل لیتل معتقد است که جان استوارت میل در کتاب *نظام منطقی* از استدلال علی (یعنی روش‌های توافق و اختلاف) برای بررسی پدیده‌های تاریخی و تطبیقی بهره برده و هدف از این روش مشاهده مکرر پدیده‌های اجتماعی و تاریخی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف است که، تغییرات و تحول پدیده را بررسی و حتی شرایط مقدم بر وقوع یک حادثه یا علل شکل‌گیری واقعه را مشخص می‌کند (غفاری، ۱۳۸۸: ۷۸-۷۷).

## ۲. تبارشناسی مدارا

### ۲-۱. خاستگاه‌ها و ریشه‌ها

با گذار اروپا از دوره قرون وسطی و برآمدن عصر روشنگری، این مفهوم وارد مرحله‌ای جدید می‌شود، چون متفکران لیبرال در پی محدود کردن اقدام‌های تحکم و آمرانه دولت و



کلیسا بودند. آنها استدلال می‌کردند که انسان‌ها خطاپذیرند و باید فروتنی و تواضع معرفتی داشته باشند (Fiala, 2004: 107). این تعلق خاطر به خطاپذیری انسانی قلب چیزی است که بعداً به صورت رواداری «معرفت‌شناختی» توصیف شد. وقتی به رسمیت شناختن خطاپذیری آدمی با نقد قدرت سیاسی و قدرت کلیسا تلفیق می‌شود، صورت استخوان‌دارتری از رواداری سیاسی شکل می‌گیرد (Ibid.: 115).

با همه این موارد، می‌توان اشاره داشت که پایه و اساس فلسفی مفهوم «مدارا» مسئله «بازشناسی دیگری» به منزله یک واقعیت هستی‌شناختی است، یعنی از نظر هستی‌شناختی رسمیت دادن به یک فرد دیگر به عنوان دیگری. کثرت‌گرایی بخشی از معنای فلسفی مفهوم «مدارا» را تشکیل می‌دهد. چارچوب این هستی‌شناسی کثرت‌گرا در این امر خلاصه می‌شود که به قول هانا آرنه هر فردی از این امر آگاهی دارد که انسان‌ها و نه انسان بر کره ارض زندگی می‌کنند (جهانبگلو، ۱۳۸۴: ۳۶۲).

از آنجا که «مدارا» در چارچوب وضعیت هستی‌شناسی‌ای که اعتقاد به وحدت‌گرایی، یکتایی و هماهنگی غایات انسانی داشته باشد مطرح نمی‌شود. اصل تفاوت پایه و اساس هستی‌شناختی کثرت‌گراست که در امر برخورد و رویارویی نگرش‌ها و غایت‌های گوناگون جلوه می‌کند. از این رو نگرش‌ها و غایت‌های زندگی با یکدیگر متفاوت بوده و به همین دلیل هیچگاه یک غایت در مقام حقیقت مطلق نمی‌تواند تعیین‌کننده سعادت بشری باشد (همان: ۳۶۴-۳۶۳).

در نظریات آبابی کلیسا و مسیحیت اولیه، نظم دولت - شهرهای یونان را که بر اساس تکثر خدایان و الهه‌های متعدد استوار بود، از بنیاد مردود می‌دانستند. آنها میانه‌ای با اسطوره‌های یونانی نداشتند و آن را چیزی جز انحطاط و گمراهی تلقی نمی‌کردند. مسیحیت همچنین نظام اجتماعی و اخلاقی امپراتوری روم را که مبتنی بر پرستش خدایان بود، بر هم زد و به همین دلیل، از سوی رومیان مورد عدم تساهل و بی‌مهری قرار گرفت، بنابراین پس از گسترش و مبدل شدن به دین دولتی، خود را در برابر رفتار و عقاید مخالف به تدریج، نامتساهل دید تا جایی که در اواخر قرون وسطی، عدم تساهل به شدت بر کلیسا حکم‌فرما شد. بدین ترتیب، سرپیچی از رهنمودهای کلیسا هم‌پایه طغیان در برابر دولت به شمار می‌رفت و بدعت و مخالفت با کلیسا هرج‌ومرج شناخته می‌شد و کلیسا تنها مفسر بر حق کلام خدا بود و مخالفان آن به شدت سرکوب می‌شدند.

آگوستین قدیس که از نخستین مدافعان ممنوعیت فعالیت بدعت گذاران و گمراهان بود، مجازات مرگ را برای آنان جایز می‌شمرد. طرفداران آزار غیرمسیحیان، بیش از همه تحت تأثیر آرا و آثار سنت آگوستین، پرنفوذترین آباء کلیسا در غرب اروپا بودند. آگوستین در ابتدا، پیرامون استفاده از زور و اجبار در امور مذهبی دچار شک و تردید بود اما پس از آشنایی با فرقه دوناتیست<sup>۱</sup> (که به باطل بودن درجات اسقفان مسیحی باور داشتند)، نظر خود را تغییر داد (Coffey, 2000: 22). او دوناتیست‌ها را عامل تفرقه در کلیسای کاتولیک می‌دید و بر این باور بود که باید به هر وسیله‌ای، حتی قوه قهریه، آنها را به راه راست هدایت کرد تا از هرگونه دودستگی در کلیسا احتراز شود. او در سالیان ابتدایی ایمان به مسیحیت، خود را «مشتاق حقیقت»<sup>۲</sup> می‌نامید اما بعدها خود را «مشتاق آرامش»<sup>۳</sup> لقب داد. به این ترتیب، سنت آگوستین، تردید را کنار گذاشت و به توجیه استفاده از زور و مجازات‌هایی چون تبعید و تازیانه پرداخت (MacMullen, 1997: 196).

همچنین مؤلفه‌هایی همچون تساهل و مدارا، حقوق بشر، پیشرفت و رهایی که به تدریج در قرن هجدهم میلادی به صورت فرایندی پرتکاپو و تأثیرگذار درمی‌آیند. در فرایند روشنگری، جایگاه و حقوق انسان، خرد خودبنیاد، خوداندیشی، نقادی، دانش تجربی برپایه مشاهده و آزمایش، و استقلال دو نهاد دین و سیاست از یکدیگر، مورد تأکید قرار گرفت (محمودی، ۱۳۸۳: ۶۷-۶۶). واپسین دوره که به نحوی چشمگیر زیست جهان کنونی ما را شکل داده، دوره مدرن است.

صحبت از این دوره بسیار است اما شاید در هیچ جایی به اندازه انگلستان و نزد هیچ کدام از فلاسفه به اندازه فلاسفه انگلیسی نتوان سراغ اندیشه‌های مدارا و تساهل و تسامح را گرفت. بنابراین در اینجا و به حکم ضرورت به بررسی دو ایده حداقلی مدارای جان لاک و حداکثری جان استوارت میل می‌پردازیم. البته لازم به توضیح است که قبل از جان لاک و جان استوارت میل، پیربیل نخستین فردی بود که در غرب نظریه تساهل را در کتابی به

---

1. Donatist  
2. Cupidus Veri  
3. Quietis Avidus

نام مجبورشان کن تا بگروند در دفاع از مدارای مذهبی ارائه کرده است. او باور به دین را برداشت و خداوند را دیدگاهی شخصی و ذهنی می‌دانست و معتقد بود که چون خرد انسان فاقد قابلیت مطلق است پس یک راه وجود دارد و آن پذیرش «اصل عدم ایقان» است. عده‌ای از صاحب‌نظران این تعریف را بنیاد نظری و عملی مدارا قلمداد می‌کنند (رضوی، ۱۳۹۲).

## ۲-۲. سپیده‌دمان مدارا

رواداری سیاسی به خویشتن‌داری قدرت سیاسی مربوط است. دولت قرار است همچون یک داور ثالث یا بیرونی عمل کند، قرار بر این نیست که دولت یکی از طرفین باشد که مستقیماً در روند داوری و نفی نقش داشته باشد. به این ترتیب رواداری سیاسی قابل به آرمانی است که در آن باید داور سیاسی بی‌طرف و بدون جانبداری و تعصب باشد. رواداری سیاسی اکنون مستلزم احترام به حریم خصوصی، جدایی کلیسا از دولت و احترام عمومی به حقوق انسان است (Fiala, 2004: 116).

در سال ۱۶۸۷، جان لاک، چشم‌انداز نظری خود را در کتابی تحت عنوان رساله‌ای در باب تساهل به رشته تحریر درآورد که در آن به موازات مطالبه صریح آزادی و شکیبایی مذهبی، به بررسی فلسفه سیاسی خود پرداخته است. این کتاب در انتقاد از عدم تساهل از جانب حکومت وقت انگلستان نوشته شده و پیامدهای سیاسی ناشی از عدم تساهل در اروپا و به‌ویژه در انگلستان را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد (بهشتی، ۱۳۷۶: ۱۹۰-۱۸۸). جان لاک، ابتدا باید این سد بزرگ را از سر راه برمی‌داشت. جایگزینی تجربه و احساس فردی به جای مرجعیت سنت‌ها و عقاید تثبیت شده، کمک شایانی به روح فردگرایی و تکثر و تساهل می‌کرد. عدم خشونت که در اندیشه لاک به صورت تساهل مذهبی نمود می‌یابد عبارت است از قبول و پذیرش آنچه که قبول نداریم و به آن معترضیم، اما این اعتراض همواره معطوف به یک نوع خویشتن‌داری و صیانت خود از طرد و انهدام یک تفکر یا یک اندیشه است (لاک، ۱۳۷۷: ۷). با خواندن نامه‌ی در باب تساهل مشخص می‌شود که هرچند در قرن هفدهم ایده تساهل مذهبی مقبولیت همگانی نیافته بود، اما اشخاص خردمند با آشکار شدن فواید تساهل، رو به سوی تساهل آوردند. به همین دلیل است که مسئله تساهل که در

اساس مسئله‌ای سیاسی است، در آن زمان به شکل مسئله آزادی وجدان یا آزادی فکری انتزاعی مطرح نبود، بلکه تحت عنوان مسئله حدود قدرت قاضی در مسائل مذهبی مطرح می‌شد (بهشتی، ۱۳۹۱: ۲۹). عقل‌گرایی عصر روشنگری درست در مقابل ادعاهای کلیسا جهت گرفت و منکر آن شد که هیچ مجموعه‌ای از عقاید اعتبار پیشینی داشته باشد و به شدت از تحقیقات علمی آزاد دفاع کرد (ارنبرگ، ۱۳۹۵: ۱۵۰).

چند قرن پس از لاک، یک مفهوم فربه و حداکثری از مدارا شکل گرفت که جان استوارت میل در طرح آن نقشی اساسی داشت. دفاعی که استوارت میل از ضرورت مشارکت شهروندان، حکومت انتخابی و «فرد» در برابر «جمع» انجام داد به بسط و توسعه ایده مدارا کمک شایان توجهی کرد. هدف میل در کتاب درباره آزادی کشف و توضیح «ماهیت و حدود» سلطه جامعه بر فرد بود. پیامد اصلی چنین سلطه‌ای خود را در متن «نبرد» میان آزادی فردی و اقتدار سیاسی نشان می‌دهد. به باور او، در گذشته نبرد بر سر اقتدار به شکل نزاع میان رعایا و حکام بوده است. به بیان دقیق‌تر، این نبرد بر تحدید قدرت حکومت‌های سلطنتی و اشرافی تمرکز داشته است.

### ۲-۳. مدارا در دوران متأخر

در دوران مدرن، شرایط اجتماعی تعبیه شده برای برآوردن «ضرورت حاکمان منتخب و موقت» به تأسیس نهادهای دموکراسی نمایندگی انجامیده است. این نیز به نوبه خود مسئله دیگری را پیش می‌کشد. اکنون حاکمان از طریق زیردستان «تعیین می‌شوند» و در نتیجه اراده دولت، اراده ملت هم هست. با این حال، همین امر موجب افزایش تعیین‌کننده قدرت عقیده جمع می‌شود، زیرا جامعه‌ای که حاکمان در آن انتخاب می‌شوند جامعه‌ای است که می‌تواند تابع قدرت رأی و عقیده اکثریت شود. استوارت میل از این قدرت به «استبداد اکثریت» و به تنش میان «عقیده جمعی» و «استقلال فردی» هم تعبیر می‌کند. رویکرد میل، بدین ترتیب مبتنی بر حمایت از فردگرایی است. از نظر او، فرد بیش از هر چیز باید به مثابه هویتی مستقل به تصور درآید. حق مسلم این هویت استقلال او در پیگیری علائق و منافع خویش است. از آنجاکه جامعه شامل افراد متنوعی است، در نتیجه علائق و منافع متنوعی را هم دربر خواهد داشت (سجویک، ۱۳۸۷).

هرچند در چارچوب بحث جهانی شدن و مدارا می‌توان از اندیشمندان مختلفی در سال‌های اخیر نام برد، اما به جرئت می‌توان گفت که آثار و پژوهش‌های هیچ‌کدام از آنها به اندازه ویل کیملیکا مهم و تأثیرگذار نبوده است. پروژه کیملیکا را می‌توان احیای سنت پرداختن به مسئله حقوق اقوام دانست که در اروپای قرن نوزدهم رواج داشت و البته مانند امروز مخالفان و موافقانی داشت. باید گفت گرچه چندفرهنگ‌گرایی لیبرال، سنتی رایج در عمل سیاسی کشورهای غربی در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم بوده است - به‌خصوص با شکل‌گیری موج‌های جدید مهاجرت به این کشورها پس از پایان جنگ جهانی دوم - ولی احتمالاً می‌توان گفت تا پیش از کتاب *شهروندی چندفرهنگی: نظریه‌ای لیبرالی در باب حقوق اقلیت‌ها* (۱۹۹۵) ویل کیملیکا، کمتر کسی در چارچوب فلسفه سیاسی لیبرال با جدیت، عمق و وسعت او به مسئله حقوق اقلیت‌های قومی/ملی پرداخته بود. کتاب فوق را می‌توان نقطه عطفی در فلسفه سیاسی تحلیلی در مورد مسئله حقوق اقوام دانست. این کتاب بین سه نوع حقوق برای قومیت‌ها یا اقلیت‌های ملی ساکن یک سرزمین، تمیز قابل می‌شود و این سه حق را حقوق گروه - جدایش‌یافته<sup>۱</sup> می‌نامد. حقوق گروه - جدایش‌یافته حقوقی است که به گروه‌ها تعلق می‌گیرد و نه افراد و عبارتند از:

● حقوق خودگردانی،<sup>۲</sup>

● حقوق چند - قومی،<sup>۳</sup>

● حقوق نمایندگی ویژه.<sup>۴</sup>

آخرین مورد به معنای سهم ویژه دادن به اقلیت‌های ملی در نهادهای تصمیم‌گیری کلان کشور است. حقوق اول و سوم از نظر کیملیکا منحصر به اقلیت‌های ملی و حق دوم متعلق به مهاجران است (کیملیکا، ۱۳۹۵: ۲۴-۱۳). به نظر می‌رسد توجه به مباحثی از این دست در راستای تعمیق مدارا می‌تواند زمینه‌های تقلیل منازعات سیاسی و دستیابی به ثبات و توسعه سیاسی را هرچه بیشتر به پیش برد.

---

1. Group-differentiated Rights  
 2. Self-government Rights  
 3. Polyethnic Rights  
 4. Special Representation Rights

#### ۴-۲. مدارا در حوزه معرفت

این نکته واجد اهمیت اساسی است که بین مفهوم «تولرانس» در مسیحیت و اندیشه سیاسی غرب با مفهوم «مدارا» در اندیشه اسلامی، تفاوت ماهوی و ساختاری وجود دارد. بدین معنی که تولرانس یک اصطلاح سیاسی متأخر است، درحالی که «تساهل و تسامح و مدارای اسلامی کلماتی هستند که بیشتر در گوش ما طنین اخلاقی داشته و به نوعی فضیلت اخلاقی اشاره می کنند» (داوری اردکانی، ۱۳۷۶: ۴).

روح رواداری در روش گفتگویی سقراطی به مثابه مؤلفه‌ای از جست‌وجوی او در پی حقیقت آشکار است. در سراسر گفتگوهای افلاطونی، سقراط با تحمل به حریفان گفتگوی خود اجازه می‌دهد که حقیقت را در هر مسیری که این جست‌وجو ممکن است آنها را بدان رهنمون کند بجویند و حریفان خود را تشویق می‌کند که رویه‌های خود را ارائه کنند تا حقیقت آشکار شود. در نتیجه، برای سقراط حقیقت مرتبط است با داشتن ذهنی باز، هرچند این نوع از تحمل گفتگویی قرار است به بینشی یکه و واحد از حقیقت منجر شود (Fiala, 2004: 106-107).

برخلاف باور غالب در میان متفکران غربی و مسیحی، به‌ویژه در دوران معاصر، اسلام پیوسته بر حقانیت تعالیم خود به‌عنوان یک منظومه فکری و سرمشق و آیینی برای زیستن در صلح و آزادی و برابری و در هیئت یک جنبش رهایی‌بخش و عدالت‌خواه تأکید کرده، ولی هرگز مدعی نشده است که دیگر مذاهب و آیین‌ها از حقیقت به کلی بی‌بهره‌اند. برعکس وجود گروه‌ها و گرایش‌های دیگر فکری و دینی که در مسیر حق‌خواهی و عدالت‌طلبی فعالیت دارند، از جمله تعالیم انبیای سلف را تصدیق کرده، با احترام و ستایش از آنها نام می‌برد و خود را ادامه‌دهنده همان راه معرفی می‌کند (بقره: ۹۷، آل‌عمران: ۲ و ۵۰، مائده: ۴۸) اسلام دین رحمت است و برای همه انسان‌ها بدون در نظر گرفتن زبان، نژاد، مذهب، قومیت یا جنسیت حق حیات قایل است و به شأن انسانی‌شان احترام می‌گذارد. در راستای نگاه تکثرگرایانه به مذاهب و شرایع، نه‌فقط برای حذف رقبای فکری خود از جامعه تلاش نمی‌کند و اصرار نمی‌ورزد بلکه ضمن حفظ رابطه دوستانه و ادامه همزیستی مسالمت‌آمیز با آنها، برای پیشبرد اهداف و آرمان خود، راهبردی مبتنی بر گفتگوی انتقادی و آگاهی‌دهنده و عمل‌رهایی و تعالی‌بخش برمی‌گزیند (پیمان، ۱۳۹۴: ۴۳).

در همین راستا برزگر و بیات (۱۳۹۵) در پژوهش «الگوی مطلوب سیاستگذاری مدارا در جمهوری اسلامی ایران»، عنوان می‌کنند که مسئله تساهل و مدارا از مباحثی است که در قلمرو ادبیات سیاسی مطرح است و امروزه در روند تکامل سیاسی دولت‌ها ضرورت پیدا می‌کند و هر دولتی ناگزیر از تساهل و مدارا و حدود و میزان آن مواجه می‌شود. نویسندگان در این پژوهش در پی آن بوده‌اند که عمدتاً ریشه‌های اسلامی برای مدارا جستجو کنند و بر همین مبنا نیز به ارائه بعضی راهکارها بپردازند، راهکارهایی که اساساً مثال‌هایی از سیرت و اوصاف پیامبر اسلام (ص) و ائمه (ع) محسوب می‌شوند.

محمد اسفندیاری در کتاب *حقیقت و مدارا* اظهار می‌دارد: «جمع حقیقت و مدارا دشوار است. آنکه خود را برحق می‌داند، دشوارش می‌آید با دگراندیشان مدارا کند. حال اینکه هنر در جمع این دو است که هم آدمی دغدغه حقیقت را داشته باشد و هم مداراپیشه سازد» (اسفندیاری، ۱۳۹۵: ۱۰).

مدارا یکی از طرق یا به عبارتی بهترین راه برای زندگی در حقیقت و برای حقیقت است، چون آنجاکه مدارا ایجادکننده بحث و گفتگو است کذب و دروغ نمی‌تواند بر حقیقت غلبه کند (جهانبگلو، ۱۳۸۴: ۳۳۶).

با وجود چنین تفاسیر متعددی از مسئله مدارا در ادبیات سیاسی اسلام، جریانات سلفی - تکفیری، الهیات انحصارگرا و عاری از مدارای خود را با قرائت در خلأ آیات قرآنی برمی‌سازند و هیچ توجهی به ایده‌های اخلاقی و همچنین زمان‌مندی و مکان‌مندی فهم دینی ندارند؛ اما در واقع، تحلیل آیات قرآن ناممکن است، مگر در پرتو کل مضمون اخلاقی پیام قرآنی. خود قرآن مکرراً به اوامر اخلاقی همچون محبت، عدالت، احسان<sup>۱</sup> یا معروف<sup>۲</sup> اشاره می‌کند. قرآن هیچ‌یک از این مقوله‌ها را به وضوح تعریف نمی‌کند ولی میزان خاصی از راستی و درستی را در خواننده فرض می‌گیرد. مثلاً قرآن مصرانه به مسلمانان فرمان می‌دهد نیکی کنند. واژه معروف همانی است که همه به‌عنوان نیک می‌شناسند. معروف، در گفتمان قرآنی، بخشی از آن چیزی است که فرد می‌تواند واقعیت زیسته بخواند - که محصول تجربه انسانی و فهم

---

1. Kindness  
2. Goodness

هنجاری برساخته است. اصطلاح قرآنی احسان، در لفظ یعنی زیبا ساختن و بهتر کردن، نیز چنین وضعی دارد؛ اما زیبا ساختن یا بهتر کردن، فقط در بافت یک فهم و عمل جامعه‌شناختی می‌تواند معنا داشته باشد (Abou El Fadl, 2002: 10).

این ایده که مسلمانان باید به عدالت، حتی علیه نفع شخصی خود، قیام کنند مستند به این تصور است که ابنای بشر می‌توانند به سطوح بالای عاملیت اخلاقی نایل شوند. از مسلمانان به‌عنوان عاملان انتظار می‌رود به سطحی از وجدان اخلاقی برسند، وجدانی که در رابطه خود با خدا رعایت خواهند کرد. در رابطه با هر تکلیف اخلاقی، فرض متن قرآنی آن است که خواننده یک معنای اخلاقی ذاتی و قبلی را به متن خواهد آورد. از این رو، فقط اگر خواننده متن را به لحاظ اخلاقی غنی کند متن به لحاظ اخلاقی خواننده را غنی خواهد کرد. معنای متن دینی فقط مبتنی بر معنای ظاهری و اثرگانش نیست بلکه به ساختمان اخلاقی‌ای که خواننده بدان می‌دهد، هم بستگی دارد. پس اگر خواننده بی‌تعهد اخلاقی به متن رجوع کند تقریباً لاجرم چیزی جز بینش‌هایی گسسته، شرعی و عملی نمی‌یابد (Ibid.: 11).

از این رو، تحلیل شرایط تاریخی‌ای که هنجارهای اخلاقی قرآن در آن مورد بحث قرار گرفتند ضروری است. بسیاری از نهادهای مطروحه در قرآن - چون جزیه یا صورت‌بندی اتحاد با غیرمسلمانان - فقط وقتی فهم می‌شود که خواننده از رویه‌های تاریخی حاکم بر [زمان] وحی متن مطلع باشد. ولی جریان‌ات افراط‌گرا با حذف بافت تاریخی و اخلاقی از قرآن، نص مقدس را صرفاً به‌نفع گزاره‌های الهیاتی خود روایت می‌کنند. برای مثال، گفتمان قرآنی می‌تواند به آسانی از اخلاقیات تنوع و مدارا حمایت کند. قرآن، واقعیت تفاوت و تنوع جوامع انسانی را نه فقط چشم دارد بلکه می‌پسندد (Ibid.: 15).

### ۳. سردرگمی معنایی مدارا در بافتار تاریخ معاصر ایران

با این پیشینه نظری در سنت فلسفی - سیاسی غرب و نگاهی اجمالی به سنت اندیشه اسلامی شاید بتوان برخی از یافته‌های این دو سنت را که از قابلیت کاربردپذیری بر عرصه سیاسی ایران برخوردار باشند تصویرپردازی کرد. همان‌گونه که پیش از این نیز ذکر شد، با وجود اقبال عمومی و علمی به مفهوم مدارا، به‌ویژه در آغاز قرن بیست و یکم، هنوز از لحاظ مفهومی



عقب‌مانده و توسعه‌نیافته است. مسئله، زمانی پیچیده‌تر می‌شود که مفهوم مدارا را در بافتار ایران معاصر مطرح کنیم. به عبارت دیگر، ما پیرامون مدارا با دو چالش کلیدی مواجهیم که قدمت آنها هم‌پای ورود مدرنیته به ایران است. این دو چالش عبارتند از: نخست چالش‌های انتزاعی و دوم، چالش‌های انضمامی. در حوزه انتزاع، با این پرسش دشوار و هم‌پیوند مواجهیم که باید مدارا را در چه بستری تعریف و تبیین کنیم: دین، سنت یا قوانین داخلی و بین‌المللی؟ می‌توان به این پرسش، سؤال‌های بیشتری نیز اضافه کرد. از این‌رو، مدارا را می‌توان مفهومی کاملاً سهل و ممتنع دانست، زیرا با وجود آنکه به ظاهر مفهومی روشن با ابعادی تعریف شده است اما در عین حال به شدت پیچیده و دشوار است. در اینجا، برای روشن ساختن مسئله و ایضاح مفاهیم، چاره‌ای نیست جز آنکه به شکلی تبارشناختی به واکاوی مسئله مدارا و مفاهیم هم‌پیوند با آن در بستر تاریخ و بافتار ایران بپردازیم. علاوه بر این، همان‌طور که پیش از این نیز گفته شد، تأکید و تمرکز پژوهش حاضر بر مدارای اجتماعی و ابعاد مختلف آن از قبیل قوانین مدنی و اساسی، حقوق شهروندی، حقوق اقوام و اقلیت‌ها و اصول تکثرگرایی است. از این‌رو، بدون روشن ساختن نسبت میان دولت - ملت مدرن، ایدئولوژی، قانون و ساختارهای سیاسی - اقتصادی با مفاهیم هم‌پیوند با مدارا همچون قومیت‌ها، اقلیت‌های مذهبی - نژادی و غیره نمی‌توان پاسخ درست و مشخصی برای پرسش‌های مطرح شده پیدا کرد.

### ۱-۳. قاجاریه و سوءتفاهمی با عنوان ممالک محروسه

در نیم قرن گذشته، علاقه زایدالوصفی در میان بسیاری از اندیشه‌ورزان و مورخان ایرانی شکل گرفته که به استناد به عبارت «ممالک محروسه» که تقریباً در سراسر دوران قاجار باب بود، ایران آن عهد را برخوردار از نوعی شبه‌فدرالیسم و یا حتی فدرالیسم حقیقی بدانند. به عبارت دیگر، بعضی از پژوهش‌گران بر این باورند که عنوان «ممالک محروسه ایران» که در دوران شاهان قاجار و به‌ویژه پس از مرگ فتحعلی‌شاه قاجار و در دوران ناصری، به کار برده شده، همان اصطلاحی است که در زبان انگلیسی «United Kingdom» می‌خوانند؛ و از این کشف نتیجه می‌گیرند که ایران دوره قاجار و پیش از آن، به نوعی «فدرالیسم پادشاهی»

بوده است. با وجود این، در دوران قاجار «United Kingdom» را به واژه «ممالک مجتمعه» برگرداندند و نه «ممالک محروسه». برخی از افراد این استدلال را فراتر برده و معتقدند که پیش از انقلاب مشروطیت شکل حکومت در ایران، به نوعی فدرالیسم سنتی بود. ممالک محروسه ایران یک فکت تاریخی است که در همه کتب تاریخی و ادبیات آن دوره و اسناد تاریخی در وزارت خارجه می‌بینیم، یعنی ایران از چند ایالت یا مملکت تشکیل شده بود مثل: مملکت آذربایجان، مملکت کردستان، مملکت بلوچستان و خراسان و غیره که مجموعه این ممالک، کشور ایران را به وجود می‌آوردند (امینی، ۱۳۹۲: ۱).

این ادعا چندان نسبتی با واقعیت ندارد. درحقیقت، سه نکته اساسی در مورد قاجاریه وجود دارد که هرگونه تحلیلی در مورد شبه‌فدرالیسم، نظام ملوک‌الطوایفی و مدارای قومی - زبانی باید آنها را مدنظر قرار دهد. نخست، ممالک محروسه صرفاً برداشتی اشتباه از نظام واژگانی آن دوره تاریخی است. ضعف بنیادی قاجار نه به خودگردانی اقوام و آزادی اقلیت‌ها که صرفاً به دخالت گسترده قدرت‌های خارجی آن روزگار، روسیه تزاری و امپراتوری بریتانیا، منتهی شد. دوم، مدرنیته ناصری نه بر مبنای درک فلسفی - حقوقی از پیشرفت غرب که اساسی ظاهری و پوسته‌ای داشت. این مدرنیته بازتابی در نظام سیاسی - اقتصادی نداشت و دستاوردی در زمینه اساس مدرنیته یعنی فردیت، عقلانیت، مدارا، آزادی و امثالهم نداشت. سوم، مسئله مشروعیت نظام سیاسی که از دوره صفویه به یکی از جدی‌ترین و مهم‌ترین مسائل فراروی حکومت‌ها در ایران بدل شد و در نهایت به بسط نفوذ روحانیت شیعه در ساختار سیاسی انجامید و در دوران قاجار نیز تداوم داشت (همان: ۳-۲).

## ۲-۳. نجوایی از مدارا: مشروطه و مدارا

بدون شک، جنبش مشروطیت سیده‌دمان تحول در بسیاری از مفاهیم و نقطه عطف جدال سنت و مدرنیته بود. طی این جنبش است که نخستین بار، در کنار انسان «تکلیف مدارا» انسان «حق مدارا» نیز پا به منظومه سیاسی - اجتماعی ایران می‌گذارد. خواسته‌های اصلی جنبش یعنی عدالتخانه و دارالشورا یا حاکمیت قانون و مشارکت سیاسی در راستای گذار انسان ایرانی از «رعیت» به «شهروند» است. علاوه بر این، بحث بر سر حقوق اقلیت‌ها و مدارا در قبال آنها به صورت جدی مطرح می‌شود.

تأثیرپذیری قانون اساسی مشروطه و گرایش قانونگذاران مشروطه به اروپا و مسائل حقوق بشر در تساهل و تسامح قانونی نسبت به اقلیت‌های دینی و مذهبی مؤثر بوده است (گودرزی، ۱۳۹۶: ۴۱). با این همه، این تأثیرپذیری نه در اصول و احکام جزئی و دقیق که در پاره‌ای از اصول کلی تبلور یافته است، اما همان‌گونه که ذکر شد، همین اصول محدود با توجه به الگوها و روندهای پیشین، به‌ویژه در دوران قاجار، پیشرفتی مهم محسوب می‌شود. با این همه - حتی اگر فرجام جنبش مشروطه را هم کنار بگذاریم - دولت مرکزی نه تنها به فکر تمرکززدایی و توجه به اقوام و اقلیت‌ها نبود که از آن هنگام به بعد تمرکز و تمرکزگرایی حاکمیت به طرز روزافزونی عمیق‌تر و شدیدتر می‌شود. هرچند مشارکت اقوام و اقلیت‌ها در نهضت مشروطه (به‌ویژه زرتشتیان به لحاظ حمایت‌های مالی و مسیحیان ارمنی به لحاظ نظامی)، برخی بندهای قانون اساسی و تفکر آزادی‌خواهانه نخبگان نهضت، وضعیت و شرایط اقوام و اقلیت‌ها تا اندازه‌ای ارتقا می‌یابد و دچار تغییرات مثبتی می‌شود. اما در هیچ کدام از بندها و اصول قانون اساسی به‌طور مستقیم و به‌صورت علنی صحبتی از حقوق اقوام و اقلیت‌ها نیست و عمدتاً آنچه در این راستا برداشت می‌شود مبتنی بر قرائت‌های موسع است. با وجود این، در اصل (۸) متمم قانون اساسی، ۱۴ ذی‌القعدة ۱۳۲۴ (۸ دی، سال ۱۲۸۵) آمده است که «اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی‌الحقوق خواهند بود» همچنین در اصل (۹) می‌افزاید که «افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و متعرض احدی نمی‌توان شد مگر به حکم و ترتیبی که قوانین مملکت معین می‌نماید». به‌علاوه، در ماده (۱۲) قانون اصلاحی انتخابات سال ۱۲۹۰، مقرر شد یهودیان، زرتشتیان، مسیحیان ارمنی شمال و جنوب و مسیحیان آشوری، هریک، نماینده‌ای در مجلس داشته باشند. این ماده قانونی در همه ادوار مجلس، چه پیش از انقلاب اسلامی چه پس از آن، ثابت مانده و اجرا شده است. موافقان این رویه، آن را برای دفاع از حقوق قانونی اقلیت‌های دینی در نظام قانونگذاری ایران امتیاز بزرگی می‌دانند (رئیس‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۳-۳۲).

همان‌طور که مشاهده شد، با وجود دگرذیسی اساسی که مشروطه در شئونات سیاسی - اجتماعی و حتی اقتصادی پدید آورد اما در بسط دموکراسی، آزادی، تمرکززدایی و تکثرگرایی دستاورد چندانی نداشت. به عبارت دیگر، گوهر اصلی جنبش مشروطه خواهی در قانون اساسی

و متمم آن تبلور یافت تا قدرت سیاسی زیر فرمان قانون در آید و ساختارهای حکومتی در انجام وظایف خود برابر قانون رفتار کنند. قانون اساسی حدود اختیارات پادشاه را تعیین کرد تا شاه در چارچوب آن سلطنت کند و حکومت به نمایندگان برگزیده خویش سپرده شود اما به دلایل متعدد در استقرار دموکراسی، انتخابات آزاد، تکثرگرایی، حقوق اقوام و اقلیت‌های قومی، زبانی و مذهبی راه به جایی نبرد. در ادامه نیز سیر تحولات به گونه‌ای رقم خورد که وضعیت نه تنها تغییری نکرد بلکه در مواردی وخیم‌تر نیز شد.

### ۳-۳. به محاق رفتن مدارا: سیاست و ایدئولوژی قومی - فرهنگی در دوران پهلوی

مسئله‌ای که تقریباً بیشتر اندیشمندان و روشنفکران معاصر ایران بر آن اجماع دارند این است که رژیم پهلوی، بسیاری از دستاوردهای مشروطه و به‌طور کلی پروژه مشروطه، را به محاق برد و از آن جز کالبدی بی‌جان برجای نگذاشت. باین‌همه، تصمیم‌گیری‌ها و سیاستگذاری‌های پهلوی اول و دوم، به‌ویژه در زمینه ناسیونالیسم، سیاست‌های قومی - زبانی، یکسان‌سازی، تمرکزگرایی شدید، تعریف جامعه چندفرهنگی به‌مثابه تهدید، تأکید بر امنیت فیزیکی به‌جای امنیت روانی و درنهایت حذف ناهمسازی و تلاش برای همگنی در ابعاد مختلفی چون زبان، لباس، آداب و رسوم و به‌طور کلی همه مؤلفه‌های فرهنگی، تأثیرات دیرپایی بر شئون مختلف سیاسی - اجتماعی ایران معاصر گذاشت.

با وجود این، پروسه و برنامه ملت‌سازی را می‌توان مهم‌ترین و تأثیرگذارترین سیاست دودمان پهلوی تلقی کرد. ایدئولوژی ملت‌سازی برای خاندان پهلوی، فقط شامل مفاهیم ناسیونالیستی نبود بلکه مفاهیم مدرن و تاحدی دینی را نیز دربرمی‌گرفت. دال‌های ناسیونالیسم باستان‌گرا (مملکت، میهن، ایران، زبان فارسی، نژاد آریایی، عرب‌ستیزی، احیای امپراتوری، وحدت ملی، تمامیت ارضی، رستاخیز ایران، وطن‌پرستی، شاه‌دوستی و غیره) در مدار اول این ایدئولوژی قرار داشتند. سپس دال‌های مدرنیسم (توسعه، پیشرفت، تمدن بزرگ، خردگرایی، غرب‌گرایی و غیره) در مدار دوم و دال‌های دینی (تشیع، دیانت، اسلام عرفی، زرتشتی‌گری و غیره) در مدار سوم قرار می‌گرفتند که همگی حول دال برتر «ملت ایران» مفصل‌بندی شده بودند.

در مجموع، دولت پهلوی به‌مثابه یک دولت مدرن که در صدد آسیمیلیسیون (یکسان‌سازی) همه اقوام و مذاهب بود، از نظم نمادین برخوردار بود که می‌توان آن را ایدئولوژی ملت‌سازی نامید. در چارچوب این ایدئولوژی، دال‌های باستان‌گرایی و مدرنیسم در مدارهای اول و دوم منظومه ایدئولوژی قرار داشتند و دال‌های دینی دارای کمترین میزان اهمیت بودند اما کنار گذاشته نشدند. امر واقعی (آنچه در خارج از سپهر زبان ایدئولوژیک وجود داشت اما در مقابل نمادین‌سازی مقاومت می‌کرد) که قابل حل شدن در نظم نمادین مذکور نبود، بالاخره بازگشت و نظم نمادین را به هم ریخت؛ انقلاب اسلامی بازگشت امر واقعی بود. به‌عبارت‌دیگر، آن اموری که قابل بازنمایی در نظم نمادین (در اینجا ایدئولوژی ملت‌سازی) نبودند، به‌جای خود بازگشتند.

#### ۴-۳. مدارا در بستر تفکر دینی: انقلاب اسلامی و ملت‌سازی

انقلاب اسلامی حاوی دو تحول بنیادی بود؛ سقوط پهلوی و ایجاد فرصت برای نیروهای گریز از مرکز. در اثر وقوع انقلاب، ساختار سیاسی پیشین در دو بعد نهادی (سیستم نظامی، اداری و آموزشی) و فکری (اندیشه سیاسی) فروپاشید. پروژه ملت‌سازی براساس منظومه ایدئولوژیکی که در آن، مفاهیم دینی در اولویت قرار گرفتند و مفاهیم ناسیونالیستی که در دوره پهلوی در اولویت بودند، به آخر رانده شدند، بازتعریف شد. بازسازی هویت ملی بر چنین شالوده‌ای کار چندان ساده‌ای نبود.

در این راستا، قانون اساسی به‌مثابه متنی که تجلی گفتمان مسلط اسلام‌گرایی بود، تدوین شد. امری که از همان ابتدا در مقدمه قانون اساسی مشاهده می‌شود، ماهیت فراملی آن است. به این معنا که حوزه شمول این قانون از دیدگاه قانونگذاران از چارچوب مرزهای یک «دولت - ملت» فراتر می‌رود. به‌عبارت‌دیگر، مفهوم «امت» جایگزین «دولت - ملت» می‌شود و بر این مبنا انسان ایرانی در یک منظومه گسترده‌تر تعریف می‌شود. به‌طوری‌که، ازسویی بر برابری حقوق همه شهروندان ایرانی تأکید دارد و ازسوی دیگر، آنچه «ملت ایران» نامیده می‌شود براساس خصوصیات فرهنگی (زبان، تاریخ، دین و غیره) یک قومیت خاص تعریف می‌شود. برای نمونه، در اصل مربوط به شرایط رئیس‌جمهور، بر شیعه بودن وی تأکید

می‌شود. همچنین علاوه بر مسئله قومی، از همان ابتدای جمهوری اسلامی تأکید زیادی بر ماهیت دینی انقلاب شد. تأکید بر اسلام شیعی ضمن ایجاد هویت اجتماعی مشترک برای جامعه شیعیان ایران، به دلیل وجود عناصر انعطاف‌ناپذیر در آن به واگرایی هویت اجتماعی اهل سنت و اقلیت‌های مذهبی دیگر در مناطق غیرشیعی شد و شکاف مذهبی را به قومی اضافه کرد (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۳۷۵)؛ گرچه در نظریه سیاسی رسمی و مواضع مسئولان نظام خصوصاً امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای از ابتدای انقلاب تاکنون بر وحدت شیعه و سنی تأکید شده است.

### ۱-۴-۳. قانون اساسی: مدارا و چندفرهنگ‌گرایی

درخصوص قانون اساسی، از همان ابتدای تدوین آن و بعدها در اجرای آن مقوله‌های مربوط به ملت‌سازی (خصوصاً قومیت و دین) همواره جنجال‌آفرین بوده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۲۴ آبان ۱۳۵۸، از یک منظر جهانی و فراملی به امور می‌پردازد. از این رو، در مقدمه قانون اساسی، آنچه که مورد توجه واضعان قانون اساسی بوده، زمینه‌های اعتقادی و عینیت بخشیدن به آن زمینه‌ها و پرورش ارزش‌های والا و جهان‌شمول اسلامی از جمله تشکیل امت واحد جهانی است و به نظر می‌رسد که «اتحاد ملی» ایرانیان نیز درون همین امت مفروض است.

اگرچه در قانون اساسی به‌طور مستقیم به مدارا اشاره نشده است اما برخی از مفاهیم هم‌پیوند با آن مطرح شده است. به‌عنوان نمونه، در مقدمه قانون اساسی به مشارکت فعال و گسترده همه عناصر اجتماع در روند تحول جامعه اشاره شده است و زمینه چنین مشارکتی را در همه مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می‌سازد. در اصل (۳) قانون اساسی، مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش (بند «۸») و همچنین توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم (بند «۱۵») مورد تأکید قرار گرفته است که از مصادیق و الزام‌های اتحاد ملی به‌شمار می‌آیند. در اصل (۹) نیز، وحدت و تمامیت ارضی کشور، همراه و هم‌تراز با آزادی و استقلال، اجزای تفکیک‌ناپذیر جمهوری اسلامی ایران

هستند. در اصل (۲۶) قانون اساسی، «عدم نقض وحدت ملی»، شرط اساسی آزادی احزاب، جمعیت‌ها و... است (مردوخی، ۱۳۸۶: ۱۶۶).

باین همه، اگرچه بندهای یادشده قانون اساسی - یعنی اصول (۲۶) تا (۳۸) - متضمن برخی اصول مدارا و تساهل و تسامح برپایه حقوق شهروندی و سایر حقوق مدنی و اساسی است، اما همه آنها حدود و ثغور مختص به خود را دارند. به عبارت دیگر، قانون اساسی، حدود و قلمروی این اصول را مواردی چون شرک، خلل به مبانی اسلام، تهدید و توطئه علیه نظام، اخلال به حقوق و مصالح عمومی، نقض اصول استقلال - آزادی، نقض قانون و وحدت ملی می‌داند.

از این رو، عدم تعریف روشن، شفاف و علنی «مدارا» و اصول آن؛ دایره شمول و عدم شمول آن؛ عدم تصریح واضح و آشکار «مدارا» در ذیل حقوق مدنی، حقوق اساسی و سایر اصول مربوطه در قانون اساسی؛ کلی‌نگری و عدم ارائه مصادیق کافی و لازم درباره مدارا و رواداری؛ مقید کردن حقوق و آزادی‌ها به قیدوبندهایی چون قرار گرفتن در چارچوب اصول کلی و مصالح عمومی و ملی؛ سرانجام نبود ضمانت‌های اجرایی مستحکم، از جمله نقصان‌ها و آسیب‌هایی هستند که فراروی مدارا در قانون اساسی وجود دارد.

## ۲-۴-۳. سند چشم‌انداز، برنامه‌های شش‌گانه توسعه و چندفرهنگ‌گرایی

همه برنامه‌های توسعه‌ای که در بعد از انقلاب تدوین شد، در ادامه همان خط سیر ایدئولوژیک ملت‌سازی است که به تفصیل به آن اشاره کردیم. به عبارت دیگر، همچنان تأکید بر ایدئولوژی انقلابی در کنار تمرکزگرایی و تأکید بر مؤلفه‌های مذهب شیعه و در نهایت همسانی و همسان‌سازی در جامعه است. در هیچ‌جا، به تمرکززدایی، تکثرگرایی، مدارا، تساهل، رواداری و مانند اینها اشاره نشده است و اساساً تمرکز این برنامه‌ها بیش از هر چیز بر رفع فقر و برقراری عدالت بوده است.

بنابراین در همه برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب: برنامه اول توسعه ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲؛ برنامه دوم توسعه ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸؛ برنامه سوم توسعه ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳؛ برنامه چهارم توسعه ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸؛ برنامه پنجم توسعه ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ و سرانجام برنامه ششم توسعه ۱۳۹۶

تا ۱۴۰۰، گرانیکاه و نقطه تمرکز آن بر عدالت و توسعه اقتصادی بوده است و در مورد برخی مسائل از جمله مدارا و شمول آن و همچنین حقوق اقوام و اقلیت‌ها سخنی به میان نیامده است.

به‌علاوه، این مسئله در مورد سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ هم صادق است و دقیقاً بر مبنای همان پارادایم و دیدگاهی به نگارش درآمده که برنامه‌های توسعه نیز بر اساس آن تدوین شده‌اند. از این رو، سند چشم‌انداز نیز از همان کاستی‌ها برخوردار است. در نتیجه، در اینجا نیز چشم‌انداز تمرکزگرایانه به‌قوت خود باقی است و در نتیجه ایران به‌مثابه یک کلیت مطرح می‌شود و نه جامعه‌ای چندفرهنگی و چندقومی که حقوق و آزادی‌های اساسی و قانونی دارد. در هیچ کدام از برنامه‌های توسعه و حتی آمایش سرزمین به این موضوع توجه نشده است.

در حقیقت، مدارا و توسعه پایدار لازم و ملزوم یکدیگرند. بنابراین از یکسو، مدارا به توسعه اقتصادی مربوط می‌شود و به عبارت دیگر «مدارا»، قبل از هر چیز ایجاب می‌کند که شرایط اقتصادی به‌گونه‌ای باشد که هر فرد امکان رهایی از قید مشکلات معیشتی را داشته باشد. زمانی که افراد در شرایط دشوار و بی‌ثبات اقتصادی به سر می‌برند، هیچگاه امکان مدارا نمی‌یابند. نیازمندی، به ایجاد نوعی نیروی مقاوم می‌انجامد که عمدتاً عدم مدارا و طرد دیگران را برمی‌انگیزد؛ زیرا گروه انسانی که با نیازهای معیشتی خود دست‌به‌گریبان است، مدارای محدودی دارد. هیچ جامعه‌ای بدون توسعه اقتصادی، اقبالی برای اجرای مدارا نخواهد داشت» (جهانگیری و افراسیابی، ۱۳۹۰: ۱۶۱). از سوی دیگر، مدارا یکی از بنیان‌های توسعه پایدار است چراکه در فضای مدارا، نقادی و مسئولیت رشد می‌کند و همه روابط کلامی و ارتباطی را تغییر می‌دهد. روح تعاون، کار جمعی، وحدت، مسئولیت اجتماعی و امکان گفتگو میان افراد گروه و جامعه فراهم می‌شود و امکان تحول و دگرگونی را با توجه به الزام‌ها و نیازهای جامعه در خود می‌پروراند و همه افراد جامعه را برای کسب تجربه تازه و گسترش نوآوری و مشارکت اجتماعی آماده می‌سازد. فضای جامعه را عقلانی و قابل اعتماد جلوه می‌دهد و باعث امنیت اجتماعی و فردی و روابط معنادار در جامعه می‌شود (میری، ۱۳۷۷: ۲۷۳).



#### ۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مدارا را می‌توان با مؤلفه‌هایی همچون وجود تنوع و اختلاف، ناخشنودی و نارضایتی، وجود آگاهی و قصد، احترام، توافق، وجود قدرت و توانایی مداخله و درنهایت کنترل و مهار خویش در مداخله و مقاومت همراه دانست. با مطالعه ادبیات نظری درباره این موضوع درمی‌یابیم که این مفهوم، گستره وسیعی از زمینه‌های مختلف نظیر مدارای دینی، قومی، اخلاقی، سیاسی، فرهنگی، جنسی، قومی، ملیتی و نژادی را دربرمی‌گیرد و از متغیرهای متعددی همچون بافتاری، تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و جامعه‌شناختی اثر می‌پذیرد.

با وجود اقبال عمومی و علمی به مفهوم مدارا، به‌ویژه در آغاز قرن بیست‌ویکم، هنوز از لحاظ مفهومی و نیز سنخ‌شناسی، عقب‌مانده و توسعه‌نیافته است. این مسئله در ایران به مراتب حادتر است، چراکه پژوهش درباره مدارا عمدتاً متوجه ریشه‌های ادبی - دینی شده و معدودی نیز به پژوهش‌های کمی پرداخته‌اند، در نتیجه تمرکز را از مبانی و ریشه‌های مدارا به ظواهر آن فروکاسته است. از این رو، نه تعریف دقیق، روشن و مورد اجماعی از مدارا وجود دارد و نه دایره مفهومی مدارا به دقت تعیین شده است.

بنابراین، اگر همه این تعاریف را با هم درآمیזیم، می‌توانیم به جوهر هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی واحد دست‌یابیم و به تعریفی جامع‌تر، جهان‌شمول‌تر و همگانی‌تر برسیم: «مدارا، فضیلتی اخلاقی است که منعکس‌کننده پذیرش تمایلات، اعتقادات، نگرش‌ها، آداب و رسوم و رفتار دیگران است. این فضیلت می‌تواند نه تنها بر مبنای قانون و حق، بلکه تکلیف باشد».

از این رو پژوهش حاضر برای پر کردن خلأ موجود و نیز دستیابی به چشم‌اندازی جامع و مانع، مدارا را بر مبنای دو موضوع و درون‌مایه: ادوار تاریخی تفکر و مذهب، طبقه‌بندی کرده است. این طبقه‌بندی صرف نظر از جامعیت آن می‌تواند درک درستی از سیر تکامل و تطور مدارا در بسترهای سیاسی، مذهبی، اقتصادی و فرهنگی ارائه کند.

به‌طور کلی، فارغ از سیاست‌گذاری‌های کوتاه‌مدت یا بلندمدت و تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان، شاهد روندها، فرایندها و دیدگاه‌های مشابهی نسبت به اقوام و اقلیت‌های قومی - زبانی در تاریخ معاصر ایران هستیم. متأسفانه در دوران معاصر، چندفرهنگ‌گرایی و لوازم آن، با

بحران‌های جدی مواجه بوده است. مهم‌ترین این بحران‌ها را می‌توان در موارد زیر فهرست کرد:

نخست، حاکمیت نگاه بدبینانه و امنیتی. نگاه امنیتی در صد سال گذشته همواره گریبان‌گیر اقوام و اقلیت‌ها بوده است. تعریف اقوام و اقلیت‌ها به‌منزله مسئله‌ای امنیتی، شاید جدی‌ترین معضل فراروی آنها باشد. وجود اقلیت‌ها در حاشیه مرزها و ادامه آنها در کشورهای همسایه، همواره به‌عنوان تهدیدی بسیار جدی تلقی شده است.

دوم، اولویت نگاه «تکلیف - مدارانه» بر «حق - مدارانه». به‌عبارت‌دیگر، این اقوام و اقلیت‌ها هستند که باید تکالیف خود را در قبال کشورشان انجام دهند و حق نه‌پدیده‌ای ذاتی بلکه عارضی و تابعی از خدمت آنها به کشورشان است.

سوم، «رسوب‌گذاری» دیدگاه قطبی در مواجهه با اقوام و اقلیت‌ها؛ حاکمیت بر مبنای رسوب‌گذاری ذهنی در مورد اقوام و اقلیت‌ها می‌اندیشد. به‌عنوان نمونه، درحالی‌که برخی اقوام حضور حداکثری در ساختار قدرت دارند، برخی دیگر صرفاً در حد مقام‌های محلی جزء باقی می‌مانند.

چهارم، تمرکزگرایی به‌بخشی ثابت از اصول سیاست‌گذاری در ایران بدل شده که ظاهراً هرگونه تغییری در آن ناممکن است؛ هرگونه تفویض قدرت به مناطق با مقاومت بسیار شدید قدرت سیاسی روبه‌رو می‌شود.

پنجم، با وجود خرده‌گفتمان‌های مختلف، همواره ایدئولوژی بر نگاه و ذهنیت مقام‌ها و مدیران سیاسی در قبال اقوام و اقلیت‌ها سایه افکننده است. هیچ خرده‌گفتمانی موفق به تغییر سیاست‌ها و حتی نگرش‌ها نشد و عملاً اصلاحات در حد شعار باقی ماند.

## منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ارنبرگ، جان (۱۳۹۵). سیر حکمت جامعه مدنی از یونان تا جهان مدرن تاریخ، ترجمه هومن نیک‌اندیش، انتشارات توانا.
۳. اسفندیاری، محمد (۱۳۹۵). حقیقت و مدارا، تهران، نگاه معاصر.
۴. امینی، محمد (۱۳۹۲). سفر از ممالک محروسه به فدرالیسم قومی، قابل دسترسی در: <https://iranchehr.com/>
۵. برزگر، ابراهیم و مصطفی بیات (۱۳۹۵). «الگوی مطلوب سیاستگذاری مدارا در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، سال دهم، ش ۳۵.
۶. بشیریه، حسین (۱۳۷۰). «پیش درآمدی بر تاریخ اندیشه تساهل سیاسی»، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۲۶.
۷. بهشتی، سیدعلیرضا (۱۳۷۶). «معرفی و نقد کتاب: نامه جان لاک در باب تساهل»، نامه فرهنگ، ش ۲۸.
۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱). ابعاد نظری مسئله تساهل، تهران، مؤسسه توسعه دانش و پژوهش.
۹. پیمان، حبیب‌الله (۱۳۹۴). «اسلام، مدارا یا خشونت؟»، ماهنامه ایران فردا، ش ۱۴.
۱۰. جهاننگلو، رامین (۱۳۸۴). موج چهارم، تهران، نشر نی.
۱۱. جهانگیری، جهانگیر و حسین افراسیابی (۱۳۹۰). «مطالعه خانواده‌های شهر شیراز در زمینه عوامل و پیامدهای مدارا»، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۲، ش ۳.
۱۲. داوری اردکانی، رضا (۱۳۷۶). «تساهل و تسامح»، فصلنامه فرهنگ، ش ۲۷ و ۲۸.
۱۳. رئیس‌زاده، محمد (۱۳۸۹). حقوق اقلیت‌ها، حقوق مالکیت فکری، حقوق خانواده و...، تهران، نشر کتاب مرجع، چاپ اول، به نقل از: <http://rasekhoon.net/article/show/1231974>
۱۴. رضوی، اشکان (۱۳۹۲). «مداراگری یا تساهل چیست؟» قابل دسترسی در: <http://www.hambastegi-iran.org>
۱۵. زنگنه، پیمان و سمیه حمیدی (۱۳۹۴). «واکاوی اثرات سیاست تساهل و مدارا بر فرایند توسعه پایدار در ایران»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، ش ۳۰.
۱۶. سجویک، پیتر (۱۳۸۷). «جان استوارت میل: یک زندگی فکری»، ترجمه حجت پویان، مجله شهروند، ش ۴۲.

۱۷. صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۵). مدیریت منازعات قومی در ایران: نقد و بررسی الگوهای موجود و ارائه الگوی مطلوب، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.

۱۸. غفاری، غلامرضا (۱۳۸۸). «منطق پژوهش تطبیقی»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۳، ش ۴.

۱۹. فولادی، محمد (۱۳۷۹). «تساهل و تسامح از منظر دین»، فصلنامه معرفت، ش ۳۵.

۲۰. کیملیکا، ویل (۱۳۹۵). شهروندی چندفرهنگی: نظریه‌ای لیبرالی در باب حقوق اقلیت‌ها، ترجمه ابراهیم اسکافی، تهران، نشر شیرازه.

۲۱. گودرزی، پروانه (۱۳۹۶). «روند قانونی شدن تساهل و تسامح نسبت به اقلیت‌های دینی در ایران پس از مشروطه تا روی کار آمدن رضاشاه»، فصلنامه تاریخ‌روایی، ش ۷.

۲۲. لاک، جان (۱۳۷۷). نامه‌ای در باب تساهل، ترجمه شیرزاد گلشاهی کریم، تهران، نشر نی.

۲۳. محمودی، سیدعلی (۱۳۸۳). «روشنگری، نقادی و نوگرایی»، مجله آیین، سال اول، ش ۲.

۲۴. مردوخی، بازید (۱۳۸۶). «نقش نهادهای نظام تدبیر در ایجاد اتحاد ملی در ایران»، مجموعه مقالات همایش ملی اتحاد ملی: راهبردها و سیاست‌ها، پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۲۵. میری، احمد (۱۳۷۷). وجوه گوناگون تساهل سیاسی، در تسامح آری یا نه؟، مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر، قم، انتشارات خرم.

26. Abou El Fadl, Khaled (2002). *The Place of Tolerance in Islam*, Beacon Press.
27. \_\_\_\_\_ (2004). *Islam and the Challenge of Democracy*, Princeton University Press.
28. Coffey, John (2000). *Persecution and Toleration in Protestant England 1558-1689*, Studies in Modern History, Pearson Education.
29. Fiala, Andrew (2004). *Toleration*, University of Wisconsin Green Bay.
30. <http://www.iep.utm.edu/tolerati/>
31. MacMullen, Ramsay (1997). *Christianity and Paganism in the Fourth to Eight Centuries*, Yale University Press.
32. Zagorin, Perez (2003). *How the Idea of Religious Toleration Came to the West*, Princeton University Press.

# رتبه‌بندی استان‌های کشور بر اساس شاخص‌های حمل‌ونقل جاده‌ای

حسنعلی فرجی سبکبار\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۲

حرکت مسافر، کالا و اطلاعات، از مؤلفه اصلی جوامع امروزی محسوب می‌شوند. هدف از سیستم‌های حمل‌ونقل پرکردن فاصله بین مکان‌های جغرافیایی است که به تولید سفر انجامیده و کالا و مسافر با مجموعه‌ای از مقصدها جذب می‌شوند. ایران کشور گسترده‌ای است که مراکز شهری و روستایی، تولید و مصرف به صورت ناهمگونی در سطح آن پراکنده شده‌اند و با سیستم‌های حمل‌ونقل جاده‌ای این مراکز ارتباط برقرار می‌کنند. از سویی ایران که به‌عنوان کریدور در مسیر بزرگراه‌های بین‌المللی قرار دارد و پل ارتباطی بین شرق و غرب جهان محسوب می‌شود، از نظر شاخص‌های حمل‌ونقل و عملکردی استان‌های آن در یک سطح قرار ندارند.

از این‌رو هدف این مقاله تعیین رتبه و جایگاه استان‌های کشور بر اساس شاخص‌های حمل‌ونقل جاده‌ای است که از روش الکترو III برای رتبه‌بندی استفاده شده است. برای رتبه‌بندی استان‌ها از پنج معیار (امور ایمنی و ترافیک، برنامه‌ریزی حمل‌ونقل هوشمند، امور فنی و زیربنایی، حمل‌مسافر و حمل‌کالا) استفاده شده است. بر اساس نتایج تحقیق، استان تهران به دلیل سیستم متمرکز جاده‌ای، تراکم جمعیت و فعالیت‌ها در بالاترین رتبه قرار دارد، پس از آن استان قزوین که در کنار شاهراه‌های اصلی کشور واقع شده رتبه دوم و استان‌های کرمانشاه، البرز و مرکزی به صورت مشترک در رتبه سوم و استان‌های کرمان و سیستان و بلوچستان به دلیل دوری از مرکز و تراکم پایین مسیرهای حمل‌ونقل در انتهای لیست واقع شده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** الکترو III؛ حمل‌ونقل جاده‌ای؛ جغرافیای حمل‌ونقل؛ سیستم‌های حمل‌ونقل؛ رتبه‌بندی

## مقدمه

حرکت کالا، مردم و اطلاعات از مؤلفه‌های اصلی در جوامع امروزی است. به طوری که فرایندهای اقتصادی موجود با افزایش در جابه‌جایی و بهبود دسترسی همراه بوده است. گرچه این روند به انقلاب صنعتی باز می‌گردد، اما در نیمه دوم سده بیستم به‌عنوان فرایندی در راستای اقتصاد آزاد، ظهور بلوک‌های اقتصادی، پیشرفت‌های صورت گرفته در سیستم کار جهانی و استفاده مؤثرتر از منابع، به سرعت تشدید شده است. در حالی که این شرایط وابستگی متقابلی به ظرفیت‌سازی برای مدیریت، پشتیبانی و بسط حرکت‌های مسافران، بار و همین‌طور جریان آزاد اطلاعات دارد. جوامع روزبه‌روز به سیستم‌های حمل‌ونقل برای پشتیبانی از طیف وسیعی از فعالیت‌ها، ارتباطات و همچنین عرضه انرژی گرفته تا بخش توزیع در بین کارخانجات وابسته‌تر می‌شوند. از این‌رو توسعه سیستم‌های حمل‌ونقل مورد بحث و جدل برای پاسخ به نیازهای تحرک و جابه‌جایی بوده تا از توسعه اقتصادی و مشارکت در اقتصادی جهانی پشتیبانی کند (Rodrigue and et al., 2009). ایران نیز سرزمین گسترده‌ای است و مراکز جمعیتی، مراکز تولید و مصرف به صورت ناهمگونی در سطح آن پراکنده شده‌اند. معمولاً بین منابع اولیه، مراکز تولید و مصرف فاصله جغرافیایی وجود دارد که به یمن سیستم‌های حمل‌ونقلی باید پر شوند. جابه‌جایی‌ها به حمل کالا محدود نمی‌شوند بلکه جابه‌جایی‌های گسترده جمعیت و مسافر بین مراکز جمعیتی در سطح ایران در حال وقوع است.

از این‌رو برای حمل کالا و مسافر سیستم‌های مختلف حمل‌ونقل هوایی، دریایی، ریلی و جاده‌ای وجود دارد که در این میان حمل‌ونقل جاده‌ای از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است. از سویی، ایران در مسیر شاهراه‌های بین‌المللی قرار گرفته است که شرق و غرب جهان را می‌تواند به هم پیوند دهد و ترانزیت بین‌المللی کالا و مسافر شناخته شود. همه اینها حکایت از اهمیت سیستم‌های حمل‌ونقلی و به‌ویژه حمل‌ونقل جاده‌ای در اقتصاد ملی و رونق‌بخشی به بخش بزرگی از اقتصاد ملی ایران را نشان می‌دهد. در این میان فرصت‌ها، ظرفیت‌ها و عملکرد نظام حمل‌ونقلی در استان‌های کشور با هم فرق می‌کند. درک جایگاه و مقایسه استان‌ها از نظر شاخص‌های حمل‌ونقلی می‌تواند در شناخت، ارزیابی و بهبود وضعیت شبکه حمل‌ونقل در سطح ملی کمک کند. بنابراین در این تحقیق با استفاده از شاخص‌های

مرتبط به سیستم حمل‌ونقل کشور به ارزیابی و مقایسه و رتبه‌بندی استان‌های کشور براساس شاخص‌های حمل‌ونقلی می‌پردازیم.

## ۱. مبانی نظری

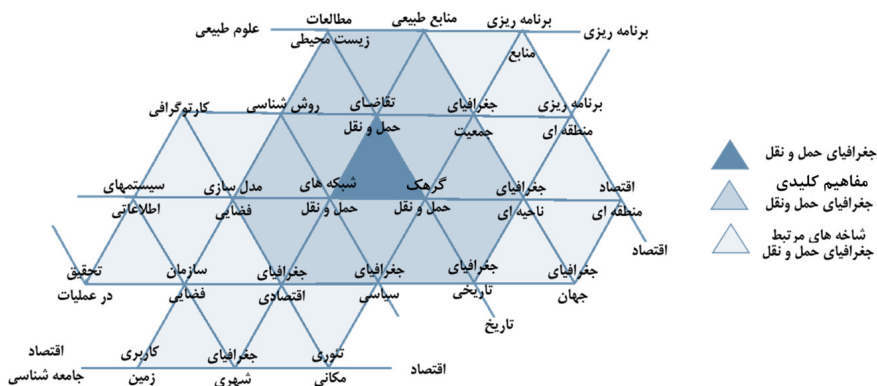
هدف از حمل‌ونقل، چیرگی بر فضا است که به وسیله انواع محدودیت‌های طبیعی و انسانی مانند فاصله، زمان، بخش‌های مدیریتی و توپوگرافی مشخص می‌شوند. به طور کل، این محدودیت‌ها به عنوان اصطکاک فاصله شناخته می‌شوند. با این وجود، قیود و اصطکاک می‌تواند تاحدی محدودکننده باشند. با در نظر گرفتن این محدودیت‌ها هزینه‌ها که بر حسب عواملی مانند فاصله تغییر می‌یابند به عنوان ماهیت حمل‌ونقل شناخته می‌شوند. با این رویکرد بدون جغرافیا، حمل‌ونقل معنایی نمی‌یابد و جغرافیا نیز بدون حمل‌ونقل وجود نخواهد داشت. بنابراین هدف حمل‌ونقل انتقال خصوصیات جغرافیایی بار، مسافر یا اطلاعات از یک مبدأ به مقصد است که به عنوان ارزش افزوده این فرایند شناخته می‌شود (Ibid.).

فعالیت‌های اقتصادی به صورت تصادفی در سطح فضا و مناطق توزیع نشده‌اند. مکان‌فعالیت‌های اقتصادی با عواملی مانند وجود منابع، کارکردهای تولید، هزینه‌های انتقال، تقاضا برای محصول نهایی تعیین می‌شود. ترکیب این عوامل در یک منطقه نسبت به سایر عوامل بر گستره وسیعی هم‌جهت بر رشد و توسعه در منطقه اثر دارد. برای مثال در بخش کشاورزی به علت ویژگی‌های خاص مانند فسادپذیری، فصلی بودن، حجم- توسعه و رشد بخش کشاورزی به شدت به یک سیستم حمل‌ونقل منعطف وابسته است. اهمیت هزینه‌های حمل‌ونقل در کشاورزی نشان می‌دهد که بیش از ۸ درصد ارزش کل فروش مربوط به هزینه‌های جابه‌جایی محصول است. هزینه‌های حمل‌ونقل ارزش کل فروش محصولات کشاورزی نسبت به معدن و منابع اولیه کمتر است. در کشاورزی یک تفاوت مشخص در سهم فروش وجود دارد که برای خدمات حمل‌ونقلی هزینه می‌شود و این هزینه به درجه فسادپذیری محصولات مربوط است که برای محصولات با نسبت فسادپذیری بالا هزینه نسبتاً بیشتری در مقایسه با محصولات فسادپذیری متوسط و پایین صورت می‌پذیرد. برای مثال محصول هندوانه را در نظر بگیرید تحقیقات نشان می‌دهد که حدود ۱۵ درصد قیمت تمام شده محصول در بازار مربوط به هزینه حمل‌ونقل آن از محل تولید به محل مصرف

است. افزایش یا کاهش هزینه‌های حمل در نتیجه اثر بالقوه‌ای بر زراعت در بیشتر مناطق تولیدی خواهد داشت برای مثال مناطقی که دور یا صعب‌العبور هستند معمولاً تولید برخی محصولات توجیه‌پذیر نیست زیرا مستلزم صرف هزینه حمل و نقل زیادی خواهد بود که قیمت محصول را از مناطق رقیب گران‌تر خواهد کرد و در بازار مصرف نمی‌تواند جایگاهی بیابد.

تغییرات در هزینه‌های جابه‌جایی و خدمات نقش مهمی در فراوری برای مؤسسه‌ها دارد. تک‌تک مؤسسه‌ها زمانی که به ارزیابی اقتصادی گزینه‌های مختلف سایت‌های کارخانجات می‌پردازند، همیشه به هزینه حمل و نقل مواد اولیه و نیز عرضه محصولات توجه می‌کنند. اثر مکانی صنایع در نهایت ساختار فضایی صنایع را در منطقه مشخص می‌کند (Nichols, 1969) که خود نشان‌دهنده اهمیت مکان، فاصله و ویژگی‌های محصول است که به محور مطالعات جغرافیای حمل و نقل مربوط می‌شود که سنت طولانی در جغرافیا دارد.

### شکل ۱. حوزه‌های جغرافیای حمل و نقل



Source: Haggett, 2001.

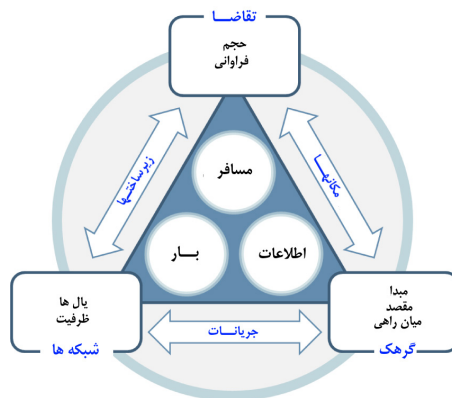
در تحلیل‌های مکانی حمل و نقل، ۱۲ مفهوم کلیدی به جغرافیای حمل و نقل مربوط می‌شود، در بین آنها سه موضوع شبکه، گره‌ها و تقاضای حمل و نقل در مرکز مطالعات جغرافیای حمل و نقل واقع می‌شوند (شکل ۱). با توجه به ویژگی‌های حمل و نقل و جابه‌جایی کالا و مسافر، یک پیوند تنگاتنگ بین شاخه‌های مختلف جغرافیا از جمله جغرافیای جمعیت، تاریخی، ناحیه‌ای، سیاسی و



اقتصادی وجود دارد. البته سایر مفاهیم همانند برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، سیستم‌های اطلاعاتی، تحقیق در عملیات و تئوری‌های مکانی به‌طور عمده در جغرافیای حمل‌ونقل از ابزارها و روش‌هایی برای تحلیل فضایی حمل‌ونقل محسوب می‌شوند که در سطح گسترده‌تر، پیوندهایی با حوزه‌های متعدد علوم از جمله علوم طبیعی، ریاضیات و اقتصاد وجود دارد.

حمل‌ونقل، سیستمی است که از عناصر محوری شبکه، گرهک و تقاضا تشکیل شده که بین این عناصر یک رابطه متقابل وجود دارد. تقاضا برای جابه‌جایی افراد، بار و اطلاعات از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی می‌شود. گرهک‌ها مکان‌هایی هستند که حرکت از آنها شروع شده و به آنها ختم یا انتقال<sup>۱</sup> می‌یابد. مفهوم گرهک برحسب مقیاس‌های جغرافیایی معنا می‌یابد و از مقیاس محلی شروع شده و تا مقیاس جهانی گسترش می‌یابد. شبکه‌ها از مجموعه‌ای یال ساخته می‌شوند که از زیرساخت‌های حمل‌ونقلی به‌دست می‌آیند. سه رابطه متقابل و امیدانس (مقاومت) شبکه عبارت است:

### شکل ۲. مؤلفه‌های سیستم حمل‌ونقل



Source: Rodrigue and etal., 2009.

– مکان‌ها: سطحی از تجمع فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی که تقاضا را تعریف می‌کنند و مکانی است که تقاضا در آن رخ می‌دهد. امیدانس آن به‌طور تقریب تابعی از دسترسی‌پذیری

به گرهک‌هایی است که در گرهک‌های تقاضا باید خدماتی ارائه شوند.

- **جریان‌ها:** مقدار ترافیک شبکه است که تابعی از تقاضا و ظرفیت یال‌هاست که آنها را پشتیبانی می‌کند. جریان‌ها موضوع اصلی اصطکاک فضا با فاصله است که مهم‌ترین عامل امیدانس محسوب می‌شود.

- **زیرساخت‌ها (پایانه‌ها):** تسهیلات می‌توانند از طریق پایانه‌ها به شبکه دسترسی پیدا کنند. گرهک‌ها و یال‌ها از آنها شروع می‌شوند. ظرفیت پایانه‌های حمل‌ونقلی برای انتقال جریان عامل امیدانس عمده محسوب می‌شوند.

زیرساخت‌های حمل‌ونقل نقش مؤثری در توسعه اقتصادی و ارتقای سطح رشد و کاهش تفاوت‌های درون و بین‌ناحیه‌ای می‌شوند (Button, 1998). پروژه‌های حمل‌ونقلی بدون شک اثر مستقیم فضایی دارند، بنابراین بر پتانسیل توسعه نواحی کشور اثر مستقیم دارند. از این رو در تنظیم خط‌مشی‌ها و سیاست‌گذاری حمل‌ونقل در گام نخست به آثار توسعه‌ای سیستم حمل‌ونقل در سطح مناطق توجه می‌شود، به عبارتی سیستم حمل‌ونقل مستقیماً بر سازمان فضایی و سیاست‌های توسعه ناحیه‌ای، از طریق ترویج و ارتقای مراکز پویا و محورهای توسعه مانند بهبود دسترسی به سایر مناطق برای بازارهای بزرگ مقیاس اثر خواهد داشت. تحقیقات گسترده‌ای در زمینه اثر توسعه حمل‌ونقل در رشد مناطق و کاهش نابرابری‌های فضایی صورت گرفته و نتایج این تحقیقات حکایت از نقش مؤثر حمل‌ونقل بر توسعه منطقه و به دنبال آن توسعه کل کشور دارند. بنابراین پایش وضعیت حمل‌ونقل و بهبود وضعیت آنها می‌تواند آثار فرابخشی داشته باشد و کل نظام توسعه‌ای کشور از آن بهره ببرند (Gauthier, 1973; Kreibich, 1978; Haynes, 1997; Papadaskalopoulos and Christofakis, 2008; Chang, 2013; Jiang and et al., 2016; Carlucci and et al., 2017; Štátná and Vaishar, 2017; Tsekeris, 2017; Tveter, 2017).

### ۱-۱. عوامل مؤثر بر انتخاب نوع وسیله حمل‌ونقل

جابه‌جایی کالا، مسافر و اطلاعات<sup>۱</sup> با سیستم‌های مختلف حمل‌ونقلی صورت می‌پذیرد که تنوع زیادی دارند، عوامل متعددی در انتخاب نوع وسیله حمل‌ونقل مؤثر است که بنابه ماهیت

۱. در این مقاله با توجه به موضوع تأکید بر حمل‌مسافر و بار از طریق سیستم حمل‌ونقل جاده‌ای است.

تقاضای حمل‌ونقل (کالا و مسافر) با هم فرق می‌کند در ادامه به بررسی این عوامل می‌پردازیم. -**مسافر:** عوامل مهم مؤثر بر انتخاب نوع سیستم حمل‌ونقل عبارتند از: الف) شرایط اقتصادی-اجتماعی مسافران از جمله جنسیت، درآمد و سایر عوامل، ب) ویژگی‌های سفر مسافر از جمله هدف از سفر، فاصله سفر، زمان سفر و محیط جغرافیایی، ج) ویژگی‌های فنی و اقتصادی نوع حمل‌ونقل شامل زمان حرکت، طول زمان، زمان انتظار، زمان انتقال وسایل، راحتی، امنیت و... مسافران همیشه تلاش می‌کنند تا نوع حمل‌ونقلی را انتخاب کنند که بتواند خواسته‌های آنها را ارضا کند (Gronau, 1970; Liberatore, 1970; and Miller, 1995; Arnold and etal., 2004; De-jun and etal., 2012; Chang, 2013).

-**بار:** در اینجا مجموعه‌ای از موضوع‌ها وجود دارد که هنگام انتخاب وسیله حمل مناسب برای جابه‌جایی کالاها باید مورد توجه قرار گیرد. استفاده مؤثر از تجهیزات حمل‌ونقلی می‌تواند هزینه‌های حمل‌ونقل، جابه‌جایی و لجستیک را کاهش دهد. با این وجود بنابه مقصد، نوع کالاها، انتخاب سیستم حمل از جمله راه آهن، جاده، هوایی و کانال‌های آبی متفاوت خواهد بود. زمانی که تصمیم به انتخاب نوع وسیله حمل‌ونقل برای جابه‌جایی کالا مطرح می‌شود، مجموعه‌ای از عوامل دخالت دارند که باید مورد توجه قرار گیرند، مهم‌ترین آنها عبارتند از: هزینه حمل‌ونقل، اطمینان و منظم بودن خدمت، امنیت، ویژگی‌های کالا و زمان حمل (McGinnis, 1989; Brooks, 1990; Matear and Gray, 1993; Tongzon, 2009).

## ۲. مروری بر وضعیت شبکه حمل‌ونقل کشور

سیستم حمل‌ونقل کشور از طریق شبکه‌ای از راه‌های آبی، هوایی، ریلی، جاده‌ای به جابه‌جایی مسافر و کالا می‌پردازد و در این میان گستردگی و اهمیت حمل‌ونقل جاده‌ای بارز است، سیستم حمل‌ونقل جاده‌ای از طریق مجموعه‌ای از شبکه‌های ارتباطی (بزرگراه، آزادراه، جاده اصلی و فرعی) گسترده کل کشور را تحت پوشش قرار داده و باعث اتصال مناطق مختلف شده و آنها را از انزوای آورده و در اقتصاد ملی وارد کرده است. براساس آمار منتشر شده از سوی سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای کشور، کل شبکه جاده‌ای کشور بالغ بر ۸۷ هزار کیلومتر<sup>۱</sup> است

۱. این مقدار بدون در نظر گرفتن راه‌های روستایی است.

که ۲/۷۵ درصد آن آزادراه، ۱۹/۰۷ درصد بزرگراه، ۲۹/۳۰ درصد راه اصلی و ۴۸/۸۷ درصد راه فرعی است. از مجموع راه‌های کشور ۳۴۶۳۳ کیلومتر (۵۸/۱۳ درصد) را بزرگراه‌ها، آزادراه‌ها یا سایر راه‌هایی هستند که مراکز استانی را به هم وصل می‌کنند و تردد آنها بیش از ۱۲۰۰ معادل سواری نقلیه و ترانزیتی است که به‌عنوان راه‌های شریانی<sup>۱</sup> شناخته می‌شوند و حدود ۲۴۹۴۲ کیلومتر (۴۱/۸۶ درصد) راه‌های کشور در گروه راه‌های ترانزیت قرار می‌گیرند که برای تردد وسایل نقلیه خارجی در نظر گرفته شده‌اند و به‌عنوان جاده‌های ترانزیت<sup>۲</sup> شناخته می‌شوند. از طریق جاده‌های کشور در سال ۱۳۹۵ بالغ بر ۱۵ میلیون سفر برای جابه‌جایی مسافر و بالغ بر ۲۷ میلیون سفر برای حمل کالا صورت پذیرفته است که در مجموع حدود ۳۸۸ میلیون تن کالا و بیش از ۱۶۷ میلیون نفر مسافر جابه‌جا شده است که خود حجم بالایی از فعالیت را منعکس می‌کند، برای مشخص شدن حجم جابه‌جایی مسافر، اگر کل جمعیت کشور را حدود ۸۰ میلیون نفر در نظر بگیریم، به‌طور متوسط هر ایرانی (اعم از مرد، زن، بچه و کودک) دو سفر برون‌شهری را در سال انجام داده است و سرانه جابه‌جایی کالا حدود ۵ میلیون تن به‌ازای هر ایرانی است و این وظیفه از طریق ۱۲۰ هزار نفر راننده شب‌زنده‌دار مسافری و ۴۷ هزار نفر راننده سخت‌کوش باری صورت می‌پذیرد. براساس شکل ۳ از مجموعه مسافران جابه‌جا شده، تقریباً یک چهارم سفرها مربوط به استان‌های تهران و استان خراسان رضوی است و حدود نیمی از سفرها به وسیله ۶ استان تهران، خراسان رضوی، اصفهان، فارس، خوزستان و آذربایجان غربی انجام شده است. همچنین نیمی از بار حمل شده در ۶ استان تولید می‌شود و استان‌های اصفهان، خوزستان، تهران، خراسان رضوی، فارس و کرمان به‌ترتیب بیشترین سهم را دارند (شکل ۴). تعداد ناوگان باری حمل‌ونقل جاده‌ای کشور شامل ۱۶ هزار اتوبوس و ۲۱ هزار مینی‌بوس است که کار جابه‌جایی مسافر را انجام می‌دهند و ۳۵۹ هزار وسیله نقلیه باری در جاده‌های کشور مشغول فعالیتند. جدول ۱، خصوصیات سیستم حمل‌ونقل جاده‌ای کشور را نشان داده است.

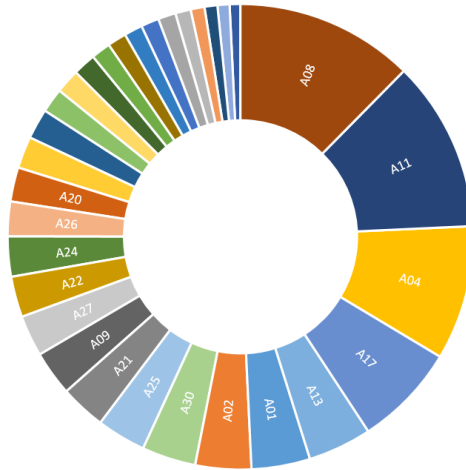
---

1. Aterial Roads

۲. مخفف کلمه فرانسوی (Transport International par la Route (TIR).

شکل ۳. مقایسه تعداد مسافر بر حسب استان‌های کشور

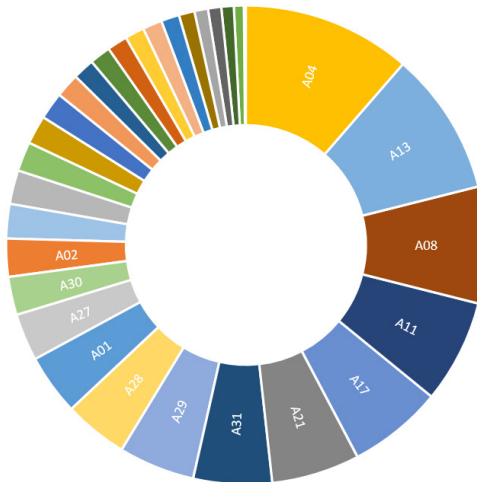
(کدها مستخرج از جدول ۱)



مأخذ: سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای، ۱۳۹۵.

شکل ۴. مقایسه بار حمل شده بر حسب استان‌های کشور

(کدها مستخرج از جدول ۱)



مأخذ: همان.

### جدول ۱. خصوصیات سیستم حمل و نقل کشور به تفکیک استان سال ۱۳۹۵

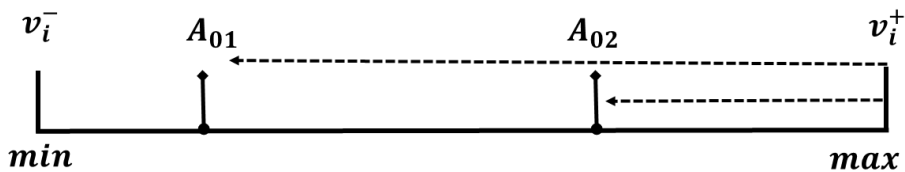
ردیف	استان	طول شبکه راه‌ها (کیلومتر)				تعداد سفر (هزار سفر)		حجم جابه‌جایی		تعداد وسیله نقلیه				
		آزادراه	بزرگراه	راه اصلی	راه فرعی	مسافری	کالا	حمل کالا (هزار تن)	حمل مسافر (هزار نفر)	بازی	مسافری	اتوبوس	مینی‌بوس	باری
	جمع کل	۲۴۰۱	۱۶۲۳/۶	۲۵۳۳/۸	۴۳۶۰/۱۰۶	۱۵۱۵۹	۲۷۱۹۴	۳۸۷۵۱۵	۱۶۶۹۰	۴۷۱۲۹۰	۱۱۹۶۲۳	۱۶۰۲۸	۲۷۷۰۷	۳۵۹۷۰۱
A01	آذربایجان شرقی	۲۳۴	۳۵۲/۵	۹۹۳	۱۹۰۰/۰۶	۶۱۸	۱۲۷۶	۱۵۹۲۵	۶۷۹۳	۳۰۵۸۶	۵۹۷۷	۸۰۴	۱۴۶۴	۲۴۶۰۸
A02	آذربایجان غربی	۳	۲۹۹	۶۶۴	۲۰۰۸	۶۹۹	۷۵۹	۹۹۴۱	۶۴۷۵	۲۴۲۰۸	۴۵۰۶	۷۰۷	۱۱۰۵	۱۵۴۱۷
A03	اردبیل	۰	۱۳۷	۷۱۶	۷۰۲	۲۷۱	۲۶۹	۳۵۴۸	۲۰۴۶	۱۱۰۷۳	۲۶۵۶	۴۲۳	۲۶۷	۷۵۱۳
A04	اصفهان	۳۹۹	۱۶۹۵	۲۱۰۰	۱۲۵۱	۱۱۳۱	۲۷۰۸	۴۴۰۴۲	۱۵۶۰۱	۴۸۰۹۳	۹۴۶۱	۲۰۱۴	۲۵۳۹	۳۶۷۳۰
A05	البرز	۶۸	۱۰۸	۱۵۷	۷۷	۱۲۹	۶۴۲	۷۱۰۷	۲۰۸۰	۸۹۲۷	۲۵۸۴	۶۰۲	۱۰۷۵	۱۴۰۴۲
A06	ایلام	۰	۸۷	۵۶۴	۸۵۳	۲۳۸	۱۶۵	۲۶۱۰	۲۲۶۱	۴۳۱۷	۲۰۳۹	۱۳۷	۲۳۲	۲۴۴۲
A07	بوشهر	۰	۶۳۸/۵	۶۰۸	۸۴۸	۱۹۶	۳۹۹	۵۶۳۸	۳۴۹۸	۴۶۴۱	۱۷۰۴	۱۶۸	۷۰۴	۳۲۴۳
A08	تهران	۱۹۷	۴۵۳	۱۹۸	۹۲	۱۴۶۱	۳۱۶۰	۳۰۴۶۲	۲۰۶۶۴	۱۵۷۳۸	۶۲۷۶	۲۸۸۸	۱۱۰۰	۳۱۴۴۱
A09	چهارمحال و بختیاری	۰	۲۲۶	۷۸۵	۲۹۱	۵۱۴	۲۹۵	۳۴۹۲	۵۲۱۲	۱۴۶۵۲	۵۱۸۴	۲۶۰	۱۰۶۹	۷۸۰۴
A10	خراسان جنوبی	۰	۴۰۴	۱۰۴۹	۳۹۱۸	۱۸۸	۲۷۹	۴۰۷۲	۲۱۸۵	۸۲۵۴	۱۶۸۸	۲۵۵	۱۴۰	۳۶۵۷
A11	خراسان رضوی	۱۱۱	۱۱۵۰	۱۲۶۴	۳۹۶۰	۱۲۰۸	۱۹۹۴	۲۷۰۶۸	۱۹۸۵۵	۳۹۶۶۳	۸۵۱۴	۱۶۲۲	۲۸۷۷	۲۹۷۳۱
A12	خراسان شمالی	۰	۱۶۹	۴۶۷	۷۴۵	۲۷۷	۲۲۶	۳۲۱۵	۲۶۵۷	۷۲۲۰	۱۶۵۱	۱۶۱	۲۵۶	۳۶۳۶
A13	خوزستان	۱۳۵	۱۰۵۳	۲۶۷۲/۸	۱۱۹۸	۹۲۵	۲۰۸۹	۳۷۶۰۶	۷۴۰۴	۱۸۷۵۱	۶۶۴۶	۶۲۰	۱۷۶۸	۱۳۹۴۵
A14	زنجان	۲۰۰	۱۱۳/۲	۳۴۲	۹۷۴	۲۲۶	۴۲۵	۶۳۰۷	۱۶۲۴	۶۸۶۱	۲۰۴۰	۱۸۲	۳۳۵	۵۱۴۶
A15	سمنان	۳۰	۶۸۷	۳۴۶	۵۶۴	۲۰۶	۵۸۳	۸۸۴۴	۱۷۸۳	۴۶۴۹	۱۳۸۶	۱۶۷	۲۶۰	۳۱۸۳
A16	سیستان و بلوچستان	۰	۲۴۳	۲۳۴۴	۳۶۵۲	۳۵۶	۳۱۸	۵۰۵۰	۳۶۸۳	۸۴۷۹	۳۰۵۱	۵۱۳	۵۰۴	۴۹۳۶
A17	فارس	۰	۱۵۹۰	۲۱۵۹	۵۱۹۵	۹۶۶	۲۰۳۲	۲۴۷۰۰	۱۱۹۱۸	۵۳۰۹۷	۶۷۵۹	۹۴۸	۱۶۰۱	۳۶۵۲۶
A18	قزوین	۲۱۷	۳۶۱	۲۳۰	۵۶۴	۲۳۰	۵۹۵	۷۶۷۳	۲۸۱۸	۱۱۹۴۵	۲۵۸۸	۲۴۲	۷۸۵	۹۳۷۲
A19	قم	۲۲۹	۱۹۱/۴	۱۷۶	۱۵۱	۱۳۸	۴۳۵	۴۷۹۱	۲۱۳۴	۴۹۰۵	۱۸۰۲	۲۹۳	۳۱۱	۳۵۷۱
A20	کردستان	۰	۲۲۶	۳۰۸	۱۰۹۳	۵۰۴	۳۵۷	۵۳۱۶	۳۹۶۴	۱۰۷۶۴	۴۱۷۳	۱۶۱	۱۱۰۵	۵۷۴۵
A21	کرمان	۵۶	۱۷۲۸	۱۹۳۳	۲۶۸۸	۶۳۸	۱۲۰۲	۲۳۰۵۶	۵۲۸۵	۱۶۸۷۲	۵۳۹۶	۵۰۹	۶۷۱	۱۳۵۰۱
A22	کرمانشاه	۰	۳۷۹	۵۱۶	۱۹۱۶	۴۱۳	۵۰۲	۷۵۰۵	۴۷۲۵	۱۷۴۵۸	۳۵۶۴	۲۲۶	۱۲۶۹	۱۲۹۳۱
A23	کهگیلویه و بویراحمد	۰	۱۱۰	۵۸۰	۹۲۵	۲۵۸	۴۷	۵۴۸	۱۲۴۲	۱۸۷۵	۱۷۰۱	۸۶	۱۴۸	۹۶۵
A24	گلستان	۰	۲۴۷	۷۰۱	۲۵۰	۴۲۲	۴۲۲	۵۶۶۸	۴۶۴۵	۱۱۳۳۵	۳۳۰۸	۲۴۴	۸۹۲	۷۸۱۲
A25	گیلان	۵۶	۴۱۹	۳۲۲	۱۰۷۰	۷۲۱	۶۲۵	۸۹۹۹	۵۷۰۸	۸۱۹۳	۴۰۳۸	۲۱۰	۸۵۴	۵۱۴۹
A26	لرستان	۱۰۴	۳۸۵	۷۴۲	۶۴۵	۳۸۸	۳۹۵	۵۰۳۱	۴۰۱۶	۱۵۵۳۸	۳۲۱۹	۲۵۹	۷۷۰	۹۴۷۴
A27	مازندران	۳۶	۷۸۲/۲	۵۵۵	۹۹۲	۷۴۲	۹۶۷	۱۲۳۵۵	۴۷۶۵	۱۶۱۸۹	۸۸۰۵	۲۴۱	۱۱۱۹	۱۱۴۹۵
A28	مرکزی	۲۰۷	۵۳۸	۴۲۳	۶۶۲	۲۳۴	۱۱۳۰	۱۶۷۱۹	۲۸۰۶	۱۱۰۵۳	۲۶۰۸	۳۳۶	۶۸۷	۸۶۰۳
A29	هرمزگان	۳۴	۶۷۱	۶۴۹	۱۶۸۱	۱۷۴	۱۱۱۷	۱۹۸۹۵	۱۴۰۸	۴۲۶۳	۱۸۱۱	۷۹	۴۷۸	۴۷۸۵
A30	همدان	۸۵	۴۹۷/۸	۳۱۷	۷۵۱	۵۸۹	۶۷۰	۱۰۰۰۱	۶۲۴۳	۱۹۰۰۱	۳۰۳۷	۳۲۲	۱۰۵۰	۱۳۳۹۰
A31	یزد	۰	۶۸۶	۶۵۷	۹۸۵	۹۹	۱۰۶۶	۲۰۵۳۱	۱۴۸۲	۱۲۶۹۰	۱۴۵۱	۳۴۹	۲۷۲	۸۷۰۸

مأخذ: سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای، ۱۳۹۵.

### ۳. روش‌شناسی

روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره را به سه دسته اصلی رتبه‌بندی<sup>۱</sup>، خوشه‌بندی<sup>۲</sup>، و درجه‌بندی<sup>۳</sup> می‌توان تقسیم کرد (Faraji Sabokbar and etal., 2016) در روش‌های رتبه‌بندی گزینه‌ها براساس مجموعه‌ای از معیارها مقایسه و مرتب می‌شوند. گزینه دارای رتبه ۱ برترین گزینه و سایر گزینه‌ها به ترتیب پس از آن قرار می‌گیرند. در روش‌های خوشه‌بندی، گزینه‌ها در گروه‌های همگن قرار می‌گیرند در روش خوشه‌بندی هیچ خوشه‌ای بر خوشه دیگر ارجحیت ندارد. در روش‌های درجه‌بندی، گزینه‌ها در گروه‌های از پیش تعریف شده قرار می‌گیرند در این روش‌ها برعکس روش‌های خوشه‌بندی، گروه‌ها نسبت به هم رجحان دارند. در این تحقیق از روش رتبه‌بندی برای ارزیابی استان‌های کشور استفاده می‌کنیم. برای رتبه‌بندی، معمولاً گزینه‌ها براساس معیارها با هم مقایسه می‌شوند. روش‌های مقایسه گزینه‌ها را به طور کل به دو دسته می‌توان تقسیم کرد: روش‌های مقایسه با راه‌حل ایدئال و روش‌های تسلط<sup>۴</sup>. در روش‌های مقایسه با راه‌حل ایدئال برای هر معیار بهترین و بدترین گزینه تعریف می‌شود و سایر گزینه‌ها براساس ارزش‌شان بین این دو قرار می‌گیرند (شکل ۵). در روش‌های تسلط گزینه‌ها براساس معیارها باهم به صورت زوجی مقایسه می‌شوند و برتری و تسلط یک گزینه بر گزینه‌های دیگر تعیین می‌شود.

شکل ۵. فاصله گزینه‌های نسبت به راه‌حل ایدئال مثبت و منفی



Source: Faraji Sabokbar and etal., 2016.

1. Ranking
2. Clustering
3. Sorting
4. Outranking Methods

در این تحقیق از روش الکترو III استفاده می شود که در گروه روش های تسلط قرار می گیرد.

### ۳-۱. روش الکترو III

روش الکترو را اولین بار روی<sup>۲</sup> (۱۹۶۸) ارائه کرد و سپس توسعه یافت و به سرعت در حوزه های مختلف مورد استفاده قرار گرفت. نقطه شروع برای روش های تسلط تشکیل ماتریس تصمیم است که میزان کارایی گزینه ها را با توجه به معیارهای تعیین شده نشان می دهد. خروجی تحلیل آن رابطه بین مجموعه ای از گزینه ها است. گزینه a بر گزینه b مسلط خواهد بود اگر a حداقل به خوبی b باشد و استدلال دیگری در برابر آن وجود نداشته باشد (Pena and et al., 2007). به رابطه بین گزینه a و b توجه کنید، چهار وضعیت محتمل است:

- اگر رابط  $aSb$  وجود داشته باشد و  $bSa$  وجود نداشته باشد، یعنی  $aPb$  (a کاملاً بر b رجحان دارد)،
  - اگر رابطه  $bSa$  صادق باشد و  $aSb$  صادق نباشد، یعنی (b کاملاً بر a رجحان دارد)،
  - اگر رابطه  $bSa$  و  $aSb$  صادق باشد، یعنی  $aIb$  صادق باشد (a نسبت به b بدون تفاوت است)،
  - اگر هیچ کدام از روابط  $bSa$  و  $aSb$  صادق نباشد (a نسبت به b غیرقابل مقایسه است).
- برای ارزیابی ها براساس روش الکترو III لازم است تا دو نماگر (همانگی و ناهمانگی) را برای زوجی از گزینه ها تعریف کنیم.

### ۳-۱-۱. مفاهیم پایه مدل الکترو III

- آستانه ترجیح  $[P_i]$ : زمانی که تصمیم گیرنده یک گزینه را براساس معیار  $i$  با سایر گزینه ها مقایسه می کند، اگر از  $P_i$  بیشتر باشد، بر سایر گزینه ها ارجح می داند، اگر  $(g_i(a) + p(g_i(b))) > g_i(b)$ ، براساس معیار  $i$  گزینه b کاملاً بر گزینه a رجحان دارد.
- آستانه بی تفاوتی  $[q_i]$ : براساس معیار  $i$  اختلافی که اگر از آن کمتر باشد تصمیم گیرنده



بین این دو گزینه تفاوتی قائل نمی‌شود. اگر  $g_i(b) > g_i(a) + q(g_i(a))$  براساس معیار  $i$  گزینه  $b$  خیلی ضعیف بر گزینه  $a$  رجحان دارد.

- آستانه وتو  $[v_i]$ : رابطه بین گزینه را براساس معیار مسدود می‌کند.

اگر  $g_i(b) > g_i(a) + v_i(g_i(a))$  براساس معیار  $i$  باشد گزینه  $a$  نمی‌تواند بر گزینه  $b$  رجحان داشته باشد اگر  $b$  از مقدار  $a$  به علاوه مقدار اضافه‌تری از آستانه وتو بیشتر باشد کارایی بیشتری خواهد داشت.

### ۲-۱-۳. مراحل رتبه‌بندی براساس الکترو III

الف) نقطه شروع ایجاد ماتریس تصمیم. پارامترهای  $p_i$ ،  $q_i$  و  $v_i$  را کاربر با توجه به شناختی که از مسئله تصمیم دارد تعیین می‌کند.

ب) محاسبه نماگر هماهنگی برای هر معیار

$$C_i(a,b) = \begin{cases} 0 & \text{if } g_i(b) \geq g_i(a) + p_i(g_i(a)) \\ 1 & \text{if } g_i(b) \leq g_i(a) + q_i(g_i(a)) \\ \frac{g_i(a) + p_i(g_i(a)) - g_i(b)}{p_i(g_i(a)) - q_i(g_i(a))} & \text{در غیر این صورت} \end{cases}$$

ج) محاسبه نماگر ناهماهنگی عمومی

$$C(a,b) = \frac{\sum w_i c_i(a,b)}{\sum w_i}$$

د) محاسبه نماگر ناهماهنگی برای هر معیار

$$D_i(a,b) = \begin{cases} 0 & \text{if } g_i(b) \leq g_i(a) + p_i(g_i(a)) \\ 1 & \text{if } g_i(b) \geq g_i(a) + v_i(g_i(a)) \\ \frac{g_i(b) - g_i(a) - p_i(g_i(a))}{v_i(g_i(a)) - p_i(g_i(a))} & \text{در غیر این صورت} \end{cases}$$

اگر آستانه وتو ( $v_i$ ) تعیین نشده باشد، برای همه زوج گزینه‌ها  $D_i(a,b) = 0$  در نظر گرفته

می‌شود.

### هـ) محاسبه نماگر اعتبار

$$S(a,b) = \begin{cases} C(a,b), & \text{if } D_i(a,b) \leq C(a,b) \\ C(a,b) \prod_{D_i(a,b) > C(a,b)} \frac{1 - D_i(a,b)}{1 - C_i(a,b)} \end{cases} \quad \forall i$$

در غیر این صورت

اگر آستانه و تو ( $V_i$ ) تعیین نشده باشد، برای همه زوج گزینه‌های  $s(a,b)=c(a,b)$  در نظر گرفته می‌شود.

### و) رتبه‌بندی گزینه‌ها

#### - چکانه نزولی

۱. حداکثر مقدار نماگر اعتبار را تعیین کنید:  $\lambda_{max} = \max S(a,b)$

۲. مقدار لاندا را محاسبه کنید:  $(0.3 - 0.15\lambda_{max}) - \lambda = \lambda_{max}$  که در آن  $0.15$  و  $0.3$  مقادیر از پیش تعیین شده ضرایب چکانه  $a$  و  $b$  هستند.

۳. برای هر گزینه  $a$  لاندا - قدرتمند را تعیین کنید، یعنی تعداد گزینه‌هایی که مقدار  $b$  آنها  $S(a,b) > \lambda$  باشد.

۴. برای هر گزینه  $a$  لاندا - ضعیف را تعیین کنید، یعنی تعداد گزینه‌هایی که مقدار  $b$  آنها  $s(b,a) > s(a,b) * (1 - (0.3 - 0.15\lambda))$  باشد.

۵. برای هر گزینه وضعیت آن را تعیین می‌کنید یعنی اختلاف بین لاندا - قدرتمند و لاندا - ضعیف را تعیین کنید.

۶. گزینه‌ها با بزرگ‌ترین وضعیت چکانه اول  $dl$  گفته می‌شود.

۷. اگر  $dl$  بیش از یک گزینه بود مراحل را روی مجموعه  $dl$  تکرار می‌کنیم، تا همه گزینه‌ها طبقه‌بندی شوند. اگر در اینجا یک گزینه وجود داشت، آن گزینه ارجح‌ترین است. سپس با مجموعه گزینه‌های اصلی منهای مجموعه  $dl$  ادامه می‌دهیم، تا همه گزینه‌ها طبقه‌بندی شوند.

#### - چکانه صعودی

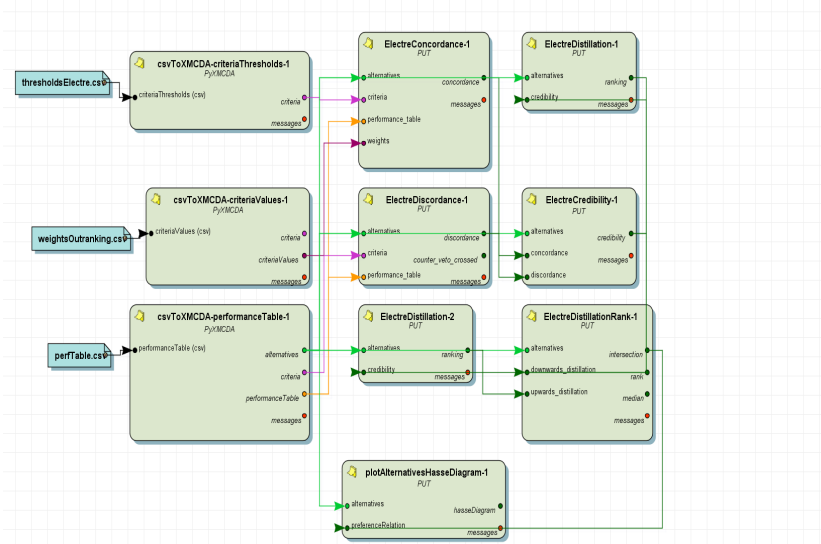
همان روش به دست آوردن چکانه نزولی را انجام می‌دهیم اما در مرحله ۶ مجموعه‌ای از گزینه‌ها که کمترین مقدار را دارند چکانه اول را می‌سازند.

### - رتبه‌بندی نهایی

در اینجا چندین روش وجود دارد که به کمک آن می‌توان هر دو ترتیب را با هم ترکیب کرد. مرسوم‌ترین روش اشتراک دو رابطه تسلط است.  $aRb$  (برحسب  $R$  آیا  $a$  بر  $b$  برتری دارد) اگر و تنها اگر  $a$  برتری داشته باشد یا طبقه‌ای مشابه  $b$  برحسب ترتیب مربوط به هر دو رابطه وجود داشته باشد در این صورت  $a$  رتبه‌ای بالاتر از  $b$  دریافت می‌کند.

شکل ۶ مؤلفه‌های مدل و ترکیب ورودی‌ها، توابع تحلیلی و خروجی‌ها را نشان می‌دهد. این مدل براساس نرم‌افزار DIVIZ طراحی و اجرا شده است.

شکل ۶. مدل طراحی شده الکترون III برای رتبه‌بندی استان‌های کشور



مأخذ: طراحی مدل در DIVIZ.

### ۲-۳. وزن‌دهی به شاخص‌ها

یکی از مراحل اصلی در هر مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره، تعیین ضریب یا درجه اهمیت شاخص‌هاست. روش‌های وزن‌دهی به شاخص‌ها به‌طور کلی به دو روش عینی

و ذهنی تقسیم می‌شود. روش عینی براساس ساختار و نحوه توزیع داده‌ها وزن و درجه اهمیت شاخص تعیین می‌شود. شاخصی که بیشترین اطلاعات را برای رتبه‌بندی و تفکیک گزینه‌ها ارائه دهد وزن و درجه اهمیت بیشتری می‌یابد. روش ذهنی، مبتنی بر نظریات متخصصان و صاحب‌نظران است که با توجه به تجربه‌های خود و مقایسه معیارها درجه اهمیت شاخص را تعیین می‌کنند. در این تحقیق از روش مقایسه زوجی برای استخراج وزن شاخص‌ها استفاده شده است برای این منظور از پنج متخصص در حوزه حمل‌ونقل نظرسنجی شده است تا به مقایسه زوجی شاخص‌ها بپردازند و میزان رجحان یک شاخص بر شاخص دیگر را تعیین کنند. پس از جمع‌آوری نظرهای متخصصان با استفاده از روش میانگین هندسی آنها را با هم تلفیق و وزن شاخص‌ها استخراج شد.

### ۳-۳. شاخص‌های تحقیق

سیستم حمل‌ونقل جاده‌ای از چند مؤلفه اصلی تشکیل می‌شود که در محور آن کالا و مسافر قرار دارد. کالا و مسافر به کمک وسیله نقلیه (مسافربری، باربری) و از طریق جاده جابه‌جا می‌شود (مدل حمل‌ونقل را رودریگه و همکاران<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۹ ارائه کرده است) زیرساخت‌ها، ایمنی جاده و تسهیلات می‌تواند در ایجاد رضایت و امنیت سفر نقش مهمی داشته باشند و ازسویی فراوانی و حجم سفر باعث توجیه اقتصادی بیشتر مسیرها و کریدورهای اصلی شده و رونق بسیاری از فعالیت‌های مرتبط با حمل‌ونقل جاده‌ای را به‌دنبال خواهند داشت. برای ساخت شاخص‌ها مؤلفه‌های اصلی سیستم حمل‌ونقل در قالب داده‌های ارائه شده ازسوی سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای کشور شاخص‌سازی شد که فهرست آنها در جدول ۲ آمده است.

1. Rodrigue and etal.

### جدول ۲. شاخص‌های تحقیق

امور ایمنی و ترافیک	تعداد راه‌دارخانه در هر ۱۰۰۰ کیلومتر
	تعداد پاسگاه در برابر هر ۱۰۰۰ کیلومتر
	تعداد ماشین‌آلات و تجهیزات راه‌داری در هر ۱۰۰ کیلومتر
	تعداد متوفیات ناشی از تصادفات رانندگی برون‌شهری به‌ازای هر ۱۰۰ کیلومتر راه برون‌شهری
برنامه‌ریزی حمل‌ونقل هوشمند	تعداد مصدومان ناشی از تصادفات رانندگی به‌ازای هر ۱۰۰ کیلومتر راه برون‌شهری
	تردد شمار در هر ۱۰۰ کیلومتر
	توزین در حال حرکت در هر ۱۰۰ کیلومتر
	پیام‌نما (VMS) در هر ۱۰۰ کیلومتر
امور فنی و زیربنایی	نظارت تصویری در هر ۱۰۰ کیلومتر
	کنترل سرعت در هر ۱۰۰ کیلومتر
	طول راه همسنگ
	تراکم راه همسنگ شده
حمل مسافر	تراکم راه
	تعداد مجتمع‌های خدماتی-رفاهی به‌ازای هر ۱۰۰۰ کیلومتر راه برون‌شهری
	روکش تقویتی به‌ازای هر ۱۰۰۰ کیلومتر برون‌شهری
	متوسط سفر
حمل کالا	متوسط سفر برون‌استانی
	متوسط سفر درون‌استانی
	نسبت وارد شده به استان به برون‌استانی
	متوسط نفر-کیلومتر مسافر جابه‌جا شده در هر سفر وسیله نقلیه اتوبوس
	متوسط نفر-کیلومتر مسافر جابه‌جا شده در هر سفر وسیله نقلیه مینی‌بوس
	متوسط نفر-کیلومتر مسافر جابه‌جا شده در هر سفر وسیله نقلیه سواری
	ظرفیت اتوبوس متوسط تعداد مسافر در هر سفر برحسب استان مبدأ و نوع وسیله
	متوسط تعداد مسافر در هر سفر برحسب استان مبدأ و نوع وسیله مینی‌بوس
	متوسط تعداد مسافر در هر سفر برحسب استان مبدأ و نوع وسیله اتوبوس
	متوسط تعداد مسافر در هر سفر برحسب استان مبدأ و نوع وسیله مینی‌بوس
حمل کالای	متوسط بار حمل شده توسط وسیله نقلیه باری
	نسبت بار وارد شده به برون‌استانی
	متوسط بار حمل شده توسط وسیله نقلیه باری
	سابقه راننده
	سواد راننده
متوسط تن-کیلومتر کالای حمل شده در هر سفر برحسب استان مبدأ و انواع بارگیر	

یافته‌های تحقیق برای بررسی وضعیت حمل و نقل کشور در سطح استان‌ها از پنج معیار اصلی استفاده شده است. فهرست و خصوصیات شاخص‌های تحقیق در جدول ۳ آمده است. براساس نظر سنجی از متخصصان و کاربرد مدل مقایسه زوجی برای استخراج وزن شاخص‌ها مهم‌ترین عامل در رتبه استان‌ها حمل کالا است که ضریب ۰/۴۴۵ را دریافت می‌کند پس از آن معیارهای حمل مسافر با ۰/۲۰۵، امور ایمنی با ۰/۱۶۵، امور فنی و زیربنایی با ۰/۱۱۵ و در نهایت برنامه‌ریزی حمل و نقل هوشمند ۰/۰۷۰ قرار می‌گیرد. برای اجرای مدل شاخص‌ها با استفاده از رابطه زیر بی‌مقیاس شده‌اند:

$$r = \frac{x - \min(x)}{\max(x) - \min(x)}$$

برای شاخص‌های مثبت

$$r = \frac{\max(x) - x}{\max(x) - \min(x)}$$

برای شاخص‌های منفی

### جدول ۳. خصوصیات شاخص‌های تحقیق

شاخص	امور ایمنی و ترافیک	برنامه‌ریزی حمل و نقل هوشمند	امور فنی و زیربنایی	حمل کالا	حمل مسافر
	G1	G2	G3	G4	G5
وزن	۰/۱۶۵	۰/۰۷۰	۰/۱۱۵	۰/۴۴۵	۰/۲۰۵
آستانه بی‌تفاوتی	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱
آستانه ترجیح	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۱
جهت شاخص	Max	Max	Max	Max	Max

مأخذ: همان.

جدول ۴ ورودی‌های بی‌مقیاس شده شاخص‌های تحقیق G1 تا G5 را نشان می‌دهد. داده‌ها در بازه صفر تا یک بی‌مقیاس شده‌اند. براساس نتایج تحلیل در زمینه معیار حمل بار استان تهران بالاترین امتیاز و استان خراسان شمالی کمترین امتیاز را دریافت کرده است، پس از استان تهران، استان‌های هرمزگان و البرز که در رتبه‌های بعدی قرار دارند تفاوت نسبتاً زیاد

است ولی بین سایر استان‌ها این اختلاف کمتر است. در حوزه حمل مسافر بهترین شرایط مربوط به استان ایلام و سپس قم است و در پایین‌ترین رده استان زنجان واقع شده است. در زمینه امور ایمنی و ترافیک، بهترین شرایط مربوط به زنجان و ضعیف‌ترین شرایط مربوط به استان‌های خراسان جنوبی و استان خوزستان است.

از نظر معیارهای امور فنی و زیربنایی بهترین شرایط مربوط به استان اصفهان و پایین‌ترین رده نیز مربوط به استان یزد است که سایر استان‌ها نیز بین این دو واقع شده‌اند.

براساس نتایج حاصل از مدل الکترو III (جدول ۵)، استان تهران بالاترین رتبه را در بین استان‌های ایران از نظر شاخص‌های حمل‌ونقل به خود اختصاص داده است، پس از تهران استان قزوین در جایگاه دوم و سپس سه استان البرز، کرمانشاه و مرکزی به‌طور مشترک در جایگاه سوم واقع شده‌اند. استان‌های کرمان و سیستان و بلوچستان در این فهرست رتبه پانزدهم را به خود اختصاص داده‌اند. برای آنکه ارزیابی بهتری از نتایج مدل حاصل شود، ستون‌های G1 تا G5 مقایسه بین ارزش هر شاخص و مقدار میانگین همان شاخص است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، استان تهران در هر پنج شاخص از میانگین، بالاتر است و با توجه به وزن و اهمیت شاخص‌ها بالاترین اثرگذاری را شاخص حمل بار به خود اختصاص داده است. در ادامه، برای تحلیل وضعیت رتبه استان‌ها از نمودار هاسه استفاده شده است که ساختار و جایگاه استان‌ها را نسبت به هم نشان می‌دهد (نمودار ۱).

جدول ۴. معیارهای بی‌مقیاس شده، رتبه‌بندی سیستم حمل‌ونقل جاده‌ای استان‌های کشور ۱۳۹۵

استان	کد	امور ایمنی و ترافیک	برنامه‌ریزی و حمل‌ونقل هوشمند	امور فنی و زیربنایی	حمل کالا	حمل مسافر
آذربایجان شرقی	A <sub>01</sub>	↑ ۰/۷۵۶	↓ ۰/۱۹۷	↓ ۰/۱۴۴	⇒ ۰/۴۷۸	↓ ۰/۱۵۹
آذربایجان غربی	A <sub>02</sub>	⇒ ۰/۵۹۰	↓ ۰/۲۳۱	↓ ۰/۱۵۳	↓ ۰/۱۸۳	↓ ۰/۰۷۶
اردبیل	A <sub>03</sub>	⇒ ۰/۵۸۸	⇒ ۰/۳۳۲	↓ ۰/۱۸۴	↓ ۰/۳۱۳	↓ ۰/۲۱۹
اصفهان	A <sub>04</sub>	⇒ ۰/۳۵۹	⇒ ۰/۴۲۷	↑ ۱/۰۰۰	⇒ ۰/۵۵۶	⇒ ۰/۲۹۶
البرز	A <sub>05</sub>	⇒ ۰/۶۶۶	↑ ۰/۷۳۱	↓ ۰/۲۳۷	⇒ ۰/۶۱۲	↓ ۰/۱۷۲
ایلام	A <sub>06</sub>	⇒ ۰/۶۲۴	↓ ۰/۱۳۹	↓ ۰/۱۲۳	↓ ۰/۱۹۲	↑ ۱/۰۰۰
بوشهر	A <sub>07</sub>	⇒ ۰/۴۱۳	⇒ ۰/۴۲۵	↓ ۰/۱۵۴	↓ ۰/۲۴۹	↗ ۰/۵۲۶
تهران	A <sub>08</sub>	⇒ ۰/۶۱۲	⇒ ۰/۵۴۶	⇒ ۰/۳۴۳	↑ ۱/۰۰۰	↗ ۰/۵۳۳
چهارمحال و بختیاری	A <sub>09</sub>	↑ ۰/۹۷۴	↓ ۰/۲۱۹	↓ ۰/۰۹۲	↓ ۰/۱۲۴	⇒ ۰/۲۶۰
خراسان جنوبی	A <sub>10</sub>	↓ ۰/۰۰۰	↓ ۰/۰۲۲	↓ ۰/۱۰۲	↓ ۰/۱۳۶	↗ ۰/۵۵۰
خراسان رضوی	A <sub>11</sub>	⇒ ۰/۳۶۹	↓ ۰/۱۷۷	↓ ۰/۱۱۰	⇒ ۰/۴۱۱	↗ ۰/۵۸۷
خراسان شمالی	A <sub>12</sub>	↑ ۰/۸۵۲	↓ ۰/۲۶۱	↓ ۰/۰۶۴	↓ ۰/۰۰۰	↓ ۰/۲۴۲
خوزستان	A <sub>13</sub>	↓ ۰/۰۰۰	↓ ۰/۱۳۳	↓ ۰/۱۵۹	⇒ ۰/۴۵۱	⇒ ۰/۲۶۹
زنجان	A <sub>14</sub>	↑ ۱/۰۰۰	⇒ ۰/۳۶۷	↓ ۰/۱۸۲	↓ ۰/۱۸۷	↓ ۰/۰۰۰
سمنان	A <sub>15</sub>	↑ ۰/۷۸۸	↓ ۰/۲۲۸	↓ ۰/۰۳۵	↓ ۰/۰۹۱	⇒ ۰/۲۶۲
سیستان و بلوچستان	A <sub>16</sub>	↓ ۰/۱۷۰	↓ ۰/۰۰۰	↓ ۰/۰۸۲	↓ ۰/۲۶۹	↓ ۰/۱۰۶
فارس	A <sub>17</sub>	↓ ۰/۱۳۷	↓ ۰/۱۲۰	↓ ۰/۲۱۵	⇒ ۰/۳۵۵	⇒ ۰/۲۶۲
قزوین	A <sub>18</sub>	↑ ۰/۸۷۷	↓ ۰/۲۹۹	↓ ۰/۲۸۶	⇒ ۰/۴۰۴	↓ ۰/۱۸۶
قم	A <sub>19</sub>	⇒ ۰/۶۳۳	↑ ۱/۰۰۰	↓ ۰/۲۵۰	↓ ۰/۲۷۲	↗ ۰/۶۶۶
کردستان	A <sub>20</sub>	↑ ۰/۷۲۳	↓ ۰/۰۷۲	↓ ۰/۰۹۰	↓ ۰/۱۷۷	↓ ۰/۱۷۶
کرمان	A <sub>21</sub>	↓ ۰/۰۴۱	↓ ۰/۱۶۱	↓ ۰/۱۵۱	↓ ۰/۲۳۹	↓ ۰/۱۱۰
کرمانشاه	A <sub>22</sub>	↑ ۰/۷۳۴	↓ ۰/۲۴۰	↓ ۰/۲۷۲	⇒ ۰/۳۶۹	⇒ ۰/۴۱۴
کهگیلویه و بویراحمد	A <sub>23</sub>	⇒ ۰/۵۷۳	↓ ۰/۲۲۹	↓ ۰/۱۳۷	↓ ۰/۲۴۰	↓ ۰/۱۳۰
گلستان	A <sub>24</sub>	↑ ۰/۷۴۹	⇒ ۰/۴۴۸	↓ ۰/۰۷۴	↓ ۰/۲۳۷	↓ ۰/۲۴۵
گیلان	A <sub>25</sub>	⇒ ۰/۶۲۵	⇒ ۰/۳۴۰	↓ ۰/۲۳۱	⇒ ۰/۴۴۷	↓ ۰/۱۸۸
لرستان	A <sub>26</sub>	↑ ۰/۸۷۰	↓ ۰/۱۳۴	↓ ۰/۱۶۹	↓ ۰/۲۳۰	⇒ ۰/۲۷۳
مازندران	A <sub>27</sub>	⇒ ۰/۵۳۹	↓ ۰/۲۷۱	↓ ۰/۲۹۲	⇒ ۰/۵۹۸	↓ ۰/۲۲۲
مرکزی	A <sub>28</sub>	↑ ۰/۸۶۶	⇒ ۰/۶۱۳	↓ ۰/۱۴۷	↓ ۰/۲۶۸	⇒ ۰/۲۷۳
هرمزگان	A <sub>29</sub>	↓ ۰/۱۰۷	↓ ۰/۱۵۲	↓ ۰/۱۶۴	⇒ ۰/۶۵۲	⇒ ۰/۳۰۸
همدان	A <sub>30</sub>	↑ ۰/۸۲۹	⇒ ۰/۵۶۶	↓ ۰/۱۷۷	↓ ۰/۲۱۰	⇒ ۰/۲۵۳
یزد	A <sub>31</sub>	⇒ ۰/۴۶۰	↓ ۰/۲۱۸	↓ ۰/۰۰۰	↓ ۰/۱۹۶	↓ ۰/۱۰۴

مأخذ: همان.

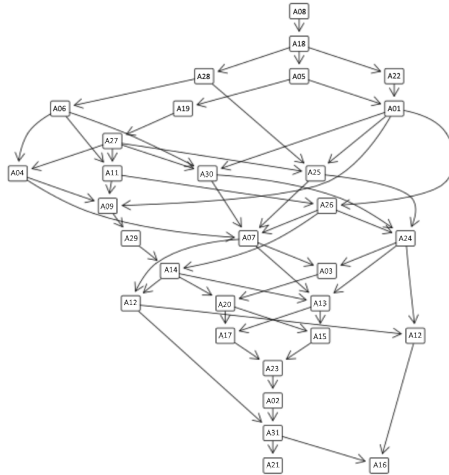


جدول ۵. ورودی‌ها و خروجی‌های رتبه‌بندی سیستم حمل‌ونقل جاده‌ای استان‌های کشور ۱۳۹۵

خروجی‌ها			ورودی‌ها					کد	استان
رتبه‌بندی کل	رتبه‌بندی نزولی	رتبه‌بندی صعودی	G <sub>5</sub>	G <sub>4</sub>	G <sub>3</sub>	G <sub>2</sub>	G <sub>1</sub>		
۱	۱	۱	●	●	●	●	●	A <sub>08</sub>	تهران
۲	۲	۲	●	●	●	●	●	A <sub>18</sub>	قزوین
۳	۴	۳	●	●	●	●	●	A <sub>05</sub>	البرز
۳	۶	۲	●	●	●	●	●	A <sub>22</sub>	کرمانشاه
۳	۲	۷	●	●	●	●	●	A <sub>28</sub>	مرکزی
۴	۷	۴	●	●	●	●	●	A <sub>01</sub>	آذربایجان شرقی
۴	۴	۵	●	●	●	●	●	A <sub>19</sub>	قم
۵	۴	۶	●	●	●	●	●	A <sub>27</sub>	مازندران
۶	۴	۱۱	●	●	●	●	●	A <sub>04</sub>	اصفهان
۶	۵	۹	●	●	●	●	●	A <sub>11</sub>	خراسان رضوی
۶	۱۲	۷	●	●	●	●	●	A <sub>25</sub>	گیلان
۶	۱۱	۸	●	●	●	●	●	A <sub>30</sub>	همدان
۷	۸	۱۳	●	●	●	●	●	A <sub>09</sub>	چهارمحال و بختیاری
۷	۱۰	۱۰	●	●	●	●	●	A <sub>26</sub>	لرستان
۸	۱۳	۱۲	●	●	●	●	●	A <sub>07</sub>	بوشهر
۸	۱۵	۱۰	●	●	●	●	●	A <sub>24</sub>	گلستان
۸	۹	۱۴	●	●	●	●	●	A <sub>29</sub>	هرمزگان
۹	۱۸	۱۲	●	●	●	●	●	A <sub>03</sub>	اردبیل
۹	۱۰	۱۵	●	●	●	●	●	A <sub>14</sub>	زنجان
۱۰	۱۴	۲۱	●	●	●	●	●	A <sub>10</sub>	خراسان جنوبی
۱۰	۱۷	۱۷	●	●	●	●	●	A <sub>13</sub>	خوزستان
۱۰	۱۹	۱۶	●	●	●	●	●	A <sub>20</sub>	کردستان
۱۱	۱۶	۲۳	●	●	●	●	●	A <sub>12</sub>	خراسان شمالی
۱۱	۲۰	۱۹	●	●	●	●	●	A <sub>15</sub>	سمنان
۱۱	۲۱	۱۸	●	●	●	●	●	A <sub>17</sub>	فارس
۱۲	۲۱	۱۹	●	●	●	●	●	A <sub>23</sub>	کهگیلویه و بویراحمد
۱۳	۲۲	۲۰	●	●	●	●	●	A <sub>02</sub>	آذربایجان غربی
۱۴	۲۳	۲۱	●	●	●	●	●	A <sub>31</sub>	یزد
۱۵	۲۴	۲۳	●	●	●	●	●	A <sub>16</sub>	سیستان و بلوچستان
۱۵	۲۵	۲۲	●	●	●	●	●	A <sub>21</sub>	کرمان

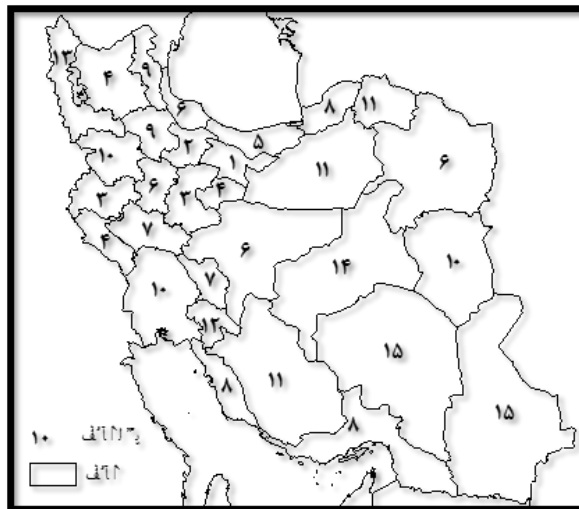
مأخذ: همان.

نمودار ۱. هاسه دیاگرام<sup>۱</sup> رتبه‌بندی استان‌های کشور بر اساس خصوصیات حمل‌ونقل برون‌شهری



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

نقشه ۱. رتبه استان‌های کشور بر اساس خصوصیات حمل‌ونقل برون‌شهری



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

#### ۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

سیستم‌های حمل‌ونقل برای پر کردن فاصله بین فضاهای جغرافیایی شکل گرفته و توسعه یافته‌اند. با پیشرفت‌های تکنولوژیک، حرکت و جابه‌جایی بین مناطق تسهیل و تسریع شده و به‌نوعی فاصله جغرافیایی کاسته شده است. جابه‌جایی مسافر و کالا در سیستم حمل‌ونقل جاده‌ای، از طریق شبکه حمل‌ونقل گسترده و متنوعی که در سطح کشور توزیع شده است، پل ارتباطی بین مناطق به‌وجود آورده و باعث شده امکان تبادل بین مناطق به‌وجود آید. به‌طور معمول بین محل ماده اولیه، محل تولید و محل مصرف فاصله وجود دارد، این فاصله به کمک سیستم حمل‌ونقل پر می‌شود. عوامل متعددی در تبادل بین مناطق از جمله ماهیت کالا، وزن، حجم، قابلیت خراب شدن، ارزش و... مؤثرند. سیستم حمل‌ونقل کارا با فراهم کردن امکان تبادل بین مناطق، باعث توسعه مناطق و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای می‌شود. مناطق دورافتاده که فاصله زیادی با مراکز تولید و مصرف دارند به یمن وجود شبکه حمل‌ونقل مناسب می‌توانند از انزوای خارج شوند، بنابراین شناسایی میزان کارایی شبکه‌های حمل‌ونقل در همه ابعاد در راستای توسعه سرزمین و به‌ویژه توسعه پایدار مؤثر است. نتایج این تحقیق حکایت از نابرابری‌های فضایی در سیستم حمل‌ونقلی کشور دارد و مناطق توسعه‌یافته‌تر به‌ویژه کلان‌شهرهای کشور مانند تهران، مشهد، کرج، اصفهان، فارس و تبریز که به‌عنوان مراکز تولید و جذب سفر شناخته می‌شوند، در شبکه حمل‌ونقلی کشور گرهک‌های اصلی محسوب شوند، از طریق شبکه حمل‌ونقل می‌توانند به سایر مناطق متصل و باعث رونق بخشیدن به کل فضای ملی شوند.

نگاهی به الگوی فضایی رتبه استان‌های کشور نشان می‌دهد، استان‌های بارتبه بالا، اطراف کلان‌شهر تهران قرار دارند که انعکاسی از الگوی شعاعی و متمرکز شبکه حمل‌ونقل کشور براساس تهران است که بیشترین سفرها را تولید می‌کند. از نظر الگوی فضایی حمل‌ونقل بار، بالاترین رتبه متعلق به استان تهران و سپس هرمزگان است که دو سویه الگوی ورود کالا به کشور از طریق بنادر جنوبی، انتقال کالا به تهران و سپس توزیع آن در سطح کشور است برای صادرات غیرنفتی نیز تقریباً چنین الگویی حاکم است. پس از تهران و هرمزگان استان‌های البرز و مازندران بالاترین رتبه را دارند. استان مازندران نیز به‌دلیل وضعیت کشاورزی و تأمین محصولات کشاورزی و دامی در کشور از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

چالش اصلی در ضعف شبکه حمل و نقل از یک سو استان‌های رده پایین تر است که باید مورد توجه ویژه قرار گیرند و از سوی دیگر استان‌های در رده‌های بالاتر نیز باید ارتقا یابند تا ظرفیت حرکت در همه کشور را به وجود آورند و تأثیر رشد در کلان‌شهرها به مناطق دیگر رخنه کند. با این نگرش باید توجه داشت توسعه حمل و نقل کشور، فقط محدود به این بخش نمی‌شود بلکه با توجه به جایگاه آن می‌تواند باعث رونق بخشیدن به سایر بخش‌های اقتصادی، کاهش فاصله مناطق مختلف کشور و فرصت‌های کارآفرینی را در مناطق محروم فراهم آورد و به‌عنوان موتور اقتصاد مقاومتی برای توسعه ملی محسوب شود که این امر مستلزم بهبود در سیستم‌های حمل و نقلی کشور، کاهش هزینه‌ها، بهبود کیفی ناوگان و... است.

## منابع و مأخذ

۱. سازمان راه‌داری و حمل‌ونقل جاده‌ای (۱۳۹۵). سالنامه آماری قابل دسترس در سایت:  
<http://www.rmto.ir/Pages/SalnameAmari.aspx>
2. Arnold, P. and etal. (2004). "Modelling a Rail/Road Intermodal Transportation System," *Transportation Research Part E: Logistics and Transportation Review* 40(3).
3. Brooks, M. R. (1990). "Ocean Carrier Selection Criteria in a New Environment," *Logistics and Transportation Review* 26(4).
4. Button, K. (1998). "Infrastructure Investment, Endogenous Growth and Economic Convergence," *The Annals of Regional Science* 32(1).
5. Carlucci, F. and etal. (2017). "Regional Heterogeneity in Italy: Transport, Devolution and Corruption," *Land Use Policy* 66(Supplement C).
6. Chang, Y. C. (2013). "Factors Affecting Airport Access Mode Choice for Elderly air Passengers", *Transportation Research Part E: Logistics and Transportation Review* 57.
7. De-jun, W. and etal. (2012). "The Study and Application of the Distribution Ratios Model of Passenger Flows in Regional Transportation Corridor", *Software Engineering and Knowledge Engineering: Theory and Practice: Selected Papers from 2012 International Conference on Software Engineering, Knowledge Engineering and Information Engineering* (SEKEIE 2012). W. Zhang. Berlin, Heidelberg, Springer Berlin Heidelberg.
8. Faraji Sabokbar, H. and etal. (2016). "A Novel Sorting Method TOPSIS-sort: an Application for Tehran Environmental Quality Evaluation," *E+ M Ekonomie a Management* 19(2).
9. Gauthier, H. L. (1973). *Geography, Transportation and Regional Development, Transport and Development*, B. S. Hoyle, London, Macmillan Education UK.
10. Gronau, R. (1970). "The Effect of Traveling Time on the Demand for Passenger Transportation," *Journal of Political Economy* 78(2).

11. Haggett, P. (2001). *Geography: a Global Synthesis*, Pearson Education.
12. Haynes, K. E. (1997). "Labor Markets and Regional Transportation Improvements: the Case of High-speed Trains An Introduction and Review", *The Annals of Regional Science* 31(1).
13. Jiang, X. and etal. (2016). "Transportation and Regional Economic Development: Analysis of Spatial Spillovers in China Provincial Regions", *Networks and Spatial Economics* 16(3).
14. Kreibich, V. (1978). "The Successful Transportation System and the Regional Planning Problem: An Evaluation of the Munich Rapid Transit System in the Context of Urban and Regional Planning Policy," *Transportation* 7(2).
15. Liberatore, M. J. and T. Miller (1995). "A Decision Support Approach for Transport Carrier and Mode Selection", *Journal of Business Logistics* 16(2).
16. Matear, S. and R. Gray (1993). "Factors Influencing Freight Service Choice for Shippers and Freight Suppliers", *International Journal of Physical Distribution & Logistics Management* 23(2).
17. McGinnis, M. A. (1989). "A Comparative Evaluation of Freight Transportation Choice Models", *Transportation Journal*, 29(2).
18. Nichols, T. (1969). "Transportation and Regional Development in Agriculture," *American Journal of Agricultural Economics* 51(5).
19. Papadaskalopoulos, A. and M. Christofakis (2008). Transport and Regional Development, *Regional Analysis and Policy: The Greek Experience*, H. Coccossis and Y. Psycharis, Heidelberg, Physica-Verlag HD.
20. Pena, R. R. and etal. (2007). *Use and Evaluation of Electre III/IV*, Universitat Rovira i Virgili.
21. Rodrigue, J. P. and etal. (2009). *The Geography of Transport Systems*, Routledge.

22. Roy, B. (1968). "Classement et Choix en Présence de Points de Vue Multiples," *Revue Française D'informatique et de Recherche Opérationnelle* 2(8).
23. Tongzon, J. L. (2009). "Port Choice and Freight Forwarders," *Transportation Research Part E: Logistics and Transportation Review* 45(1).
24. Tsekeris, T. (2017). "Domestic Transport Effects on Regional Export Trade in Greece," *Research in Transportation Economics* 61(Supplement C).
25. Tveter, E. (2017). "The Effect of Airports on Regional Development: Evidence from the Construction of Regional Airports in Norway," *Research in Transportation Economics* 63 (Supplement C).
26. Šťastná, M. and A. Vaishar (2017). "The Relationship Between Public Transport and the Progressive Development of Rural Areas," *Land Use Policy* 67(Supplement C).





# طراحی مدل راهبردی سیاستگذاری امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران

سیدامین رضوی نژاد\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۲ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۱۳

تأمین امنیت که از وظایف اصلی و عمده دولت‌هاست نیاز به سیاستگذاری در این حوزه را ضروری می‌کند. در این راستا، مدل‌سازی یکی از روش‌های تسهیل فهم و اجرای فرایند سیاستگذاری است که به مدد دولتمردان می‌آید. مقاله حاضر با هدف طراحی مدل مطلوب سیاستگذاری در حوزه امنیت داخلی در جمهوری اسلامی ایران، مدل تلفیقی از نظریات اتریزی (L.R.F) و هیرشمن (E.V.L) را به عنوان مدل مطلوب، طراحی و تبیین می‌کند. در مدل مذکور، طبق تعریف امنیت داخلی، مردم نقشی محوری در مباحث امنیتی دارند و مجذوب کردن و رضایتمندی مردم، شاخصی مهم برای سنجش امنیت داخلی محسوب می‌شود. در این مدل، روش اجرای سیاست‌های امنیت داخلی تا حد زیادی با ارزش‌ها و هنجارهای مردم مطابق است و وفادار کردن مردم شاخص مهمی در ارزیابی محسوب می‌شود. هدف این پژوهش، تبیین ضرورت تجدیدنظر در سیاستگذاری امنیتی و ارائه مدلی کارآمد در عصر حاضر و در نهایت انطباق آن با شرایط خاص کشور است. در این راستا مدلی که ارائه شد طبق نتایج تحلیل آماری، علاوه بر مطلوبیت و تناسب و همچنین حصول هدف اصلی، احتمال موفقیت بیشتری در تأمین امنیت داخلی ایران وجود دارد. در این مدل تأکید بر تقویت ارزش‌های فرهنگی، مذهبی، اجتماعی در جامعه از ضروریات انکارناپذیر است.

کلیدواژه‌ها: سیاستگذاری؛ امنیت داخلی؛ مدل؛ رضایتمندی

\* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز؛

Email: a.razavin@shirazu.ac.ir

## مقدمه

امنیت از جمله مقوله‌هایی است که بشر طی تاریخ همواره در پی آن بوده و برای تحصیل آن متحمل هزینه‌های زیادی شده است. علاوه بر آنکه امنیت، نیاز و ضرورت اساسی مردم محسوب می‌شود، بلکه برخی اندیشمندان، فلسفه وجودی و ضرورت اساسی ایجاد و تأسیس دولت در گذشته و همچنین مهم‌ترین کارکرد دولت‌های ملی در جهان امروز را تأمین همین نیاز بشری می‌دانند.

از سویی، دولت‌ها پس از تأسیس، برای حفظ ثبات و بقای خود به امنیت نیاز دارند. از این منظر برای تأمین امنیت در جامعه، بر دولت‌ها فرض است با نگاهی به گذشته، تجزیه و تحلیل روندهای کنونی و آینده‌پژوهی، به شناسایی آسیب‌ها و تهدیدهای امنیت اقدام کنند و برای چگونگی مواجهه و مقابله با آن برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری لازم انجام دهند. چراکه مختل شدن امنیت و بروز بحران در جامعه، موجب ناهنجاری، نارضایتی و ایجاد بی‌ثباتی می‌شود و اگر نظام نتواند تهدیدهای امنیتی را پیش‌بینی یا بحران امنیتی را کنترل و هدایت کند امکان سرنگونی با وقوع پدیده‌های اجتماعی همچون انقلاب وجود دارد. بنابراین دولت‌ها برای ایجاد، حفظ و تقویت امنیت خود به سیاستگذاری امنیتی نیاز ضروری دارند تا در وضعیت‌های سه‌گانه بحران (قبل، حین و بعد از بحران)، الگویی مرتبط با آن را پیش بگیرند. سیاستگذاری امنیتی هنر استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای مطلوب برای تفوق بر بحران‌های مختل‌کننده امنیت است. یکی از ابزارهای مهم در این راستا «مدل» است. در واقع مدل‌ها ابزارهای مدیریتی قوی و توانمندی هستند که سیاستمداران و سیاستگذاران به منظور سیاستگذاری در حوزه امنیت، برای پیشبرد اهداف کلان سیاست‌های ملی به آن نیاز دارند. بنابراین برای سیاستگذاری در حوزه امنیت داخلی همچون سایر حوزه‌ها، نیازمند مدل مناسب هستیم؛ چراکه روند تغییر و تحول ناشی از عصر جدید، توسعه علم و تکنولوژی و فرایند جهانی شدن، دگرگونی جوامع را سرعت بخشیده و دولت‌ها را با ترکیب تازه‌ای از تهدیدهای امنیتی روبه‌رو کرده است که برای مواجهه با آنها، الگوها و مدل‌های سنتی سیاستگذاری امنیتی شاید پاسخگوی خوبی نباشند. بنابراین در این مقاله تلاش می‌شود مدل جدید و متناسب با متغیرهای عصر حاضر به منظور سیاستگذاری جمهوری اسلامی ایران در حوزه امنیت داخلی طراحی و ارائه شود.

## ۱. اهمیت و ضرورت تحقیق

کار سیاستگذاری به سامان کردن امور است. بنابراین سامان دادن به امنیت داخلی نیز نیازمند سیاستگذاری در حوزه امنیت داخلی است. بر این اساس در صورتی که فرایند سیاستگذاری امنیتی، به خوبی شناسایی و عمل نشود موجب مختل شدن امنیت در جامعه می شود. مختل شدن امنیت، ضمن ایجاد بی ثباتی و نارضایتی، بحران به وجود می آورد. در این حالت اگر نتوان بحران را کنترل و هدایت کرد امکان گسترش و تعمیق نارضایتی و سرنگونی نظام وجود دارد. از این رو باید به منظور تقابل با تهدیدهای امنیت داخلی به ارائه مدلی کاربردی جهت سیاستگذاری در حوزه امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران اقدام شود. در حال حاضر الگوهای مختلفی برای سیاستگذاری در حوزه امنیت داخلی وجود دارد که عمدتاً در محیط زیست بوم خاص خود به وجود آمده است و بر این اساس مبتنی بر ارزش های بومی و نیازهای همان زیست بوم طراحی شده اند. از این رو، ضروری به نظر می رسد که جمهوری اسلامی ایران برای اجرای موفق سیاست های امنیتی خود به دنبال مدلی بومی باشد که علاوه بر بهره گیری از مدل های موجود، ارزش ها، اقتضائات و نیازهای بومی کشور را نیز در آن لحاظ کند.

### ۱-۱. اهداف تحقیق

هدف از انجام این تحقیق ارائه مدلی جدید و کاربردی برای سیاستگذاری در حوزه امنیت داخلی در جمهوری اسلامی ایران است. به بیان دیگر، طراحی مدل و راهکاری اصولی، به منظور تقابل با بحران های امنیتی که ضمن ایجاد اختلال در کشور، در صورت عدم مدیریت صحیح، به سایر حوزه ها سرایت کرده و پایه های ثبات و اقتدار نظام را متزلزل می کند.

### ۱-۲. سؤال های تحقیق

سؤال اصلی تحقیق این است که مدل مطلوب سیاستگذاری در حوزه امنیت داخلی در جمهوری اسلامی ایران چیست؟ و سؤال فرعی؛ در صورت بروز بحران در حوزه امنیت داخلی، جمهوری اسلامی ایران چگونه می تواند با آن روبه رو شود که تابع حداقل هزینه و حداکثر سود باشد؟.

### ۳-۱. فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی تحقیق این است که به دلیل پیچیدگی و چندپارگی مؤلفه‌های امنیتی به نظر می‌رسد مدلی ترکیبی از نظریه‌های اتزیونی<sup>۱</sup> با عنوان مدل عشق، ترس و پول<sup>۲</sup> و هیرشمن<sup>۳</sup> مدل خروج، اعتراض و وفاداری<sup>۴</sup>، مدل مطلوب برای تأمین امنیت داخلی در جمهوری اسلامی ایران باشد. فرضیه فرعی نیز برای مواجهه با چالش‌ها و معضلات امنیت داخلی فراروی جمهوری اسلامی ایران را نیاز به طراحی و تبیین مدل‌های جدید سیاستگذاری، متناسب با شرایط عصر جدید و بومی‌سازی می‌داند، چراکه الگوهای سنتی سیاستگذاری امنیتی پاسخگو نخواهد بود.

### ۴-۱. روش‌شناسی تحقیق

روش این پژوهش، روش توصیفی - تحلیلی است که با کمک گرفتن از شیوه کیفی، با تکیه بر پرسشنامه و استفاده از تحلیل‌های آماری، خودنمایی می‌کند. مدل طراحی شده برای سیاستگذاری در حوزه امنیت داخلی در جمهوری اسلامی ایران با روش کیفی برای آزمون فرضیه‌های مطرح شده با نرم‌افزارهای Spss و Smart PLS به کار گرفته می‌شود.

### ۵-۱. تعریف واژه‌ها و اصطلاحات

شافریتز و بریک (۱۳۹۰: ۴۱) سیاستگذاری را عمل کردن یا عمل نکردن یک دولت می‌داند. در این مقاله سیاستگذاری به معنای «سلسله اقدام‌ها و تصمیم‌هایی است برای حل چالشی که در صورت عدم رفع آن چالش، بازتاب‌ها و کنش‌های عمومی را به دنبال خواهد داشت».

ماندل (۱۳۷۷: ۵۲) معتقد است امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً مسئولیت‌های حکومت‌های ملی این است که از تهدیدهای مستقیم ناشی از خارج، نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت

1. Etzioi

2. Love, Reward, Fear (L.R.F)

3. Hirschman

4. Exit, Voice, Loyalty (E.V.L)

به عمل آورند.

امنیت ملی به مسئولیت ملی دولت‌ها و توانایی جامعه در جهت کسب و تأمین ایمنی روانی و مادی برای مردم تحت حاکمیت خویش و صیانت از موجودیت فیزیکی، روانی، زیستی، معیشتی، فرهنگی و ارزشی مردم و سرزمین اشاره دارد تا از تهدیدهای مستقیم و غیرمستقیم ناشی از قدرت‌های داخلی و خارجی نسبت به بقای رژیم، ارتقا و بهینه‌سازی آن، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان و درنهایت تضمین منافع ملی ممانعت به عمل آورند.

امنیت داخلی نیز یکی از سطوح امنیت ملی است. در این سطح، هرگونه اقدام، قصد و نیتی که با هدف سرنگونی، ضربه زدن و توقف توانایی‌های ملی در کشور صورت گیرد یا موجب بروز زمینه‌های عدم وفاداری در شهروندان و تبدیل آن به یک حرکت جمعی مخالف شود، به عنوان تهدید علیه امنیت داخلی اطلاق می‌شود.

بر این اساس امنیت داخلی در تعریفی ساده، عبارت است از شرایطی که طی آن شهروندان جامعه بتوانند بدون برخورد با موانع از حقوق خود بهره‌مند شوند. لذا سیاستگذاری امنیتی، «فرایند یا مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و تصمیم‌هایی است که با هدف حل یک آسیب و مسئله امنیتی طراحی شده است». به بیانی دیگر، سیاستگذاری امنیتی در ساده‌ترین شکل آن عبارت است از «هنر استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای مطلوب جهت تفوق بر بحران‌های مختل‌کننده امنیت که شامل اقدام‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، قضایی، انتظامی، امنیتی و... است».

بنابراین «آن دسته از اقدام‌ها و سیاست‌هایی که برای دستیابی به مقاصد امنیت داخلی انجام می‌گیرد، سیاستگذاری در حوزه امنیت داخلی است».

## ۲. امنیت داخلی در جمهوری اسلامی ایران

امروزه دو عامل عینی و ذهنی جزئی جدایی‌ناپذیر از تعریف امنیت است. عامل عینی شامل فقدان و یا حداقل رساندن تهدیدها و عامل ذهنی شامل ایجاد احساس ظهور و بروز عامل عینی در جامعه است که کمک شایانی به تعریف امنیت می‌کند. بر این اساس تصور

ناامنی، شرایط نامطلوبی را برای انسان به دنبال خواهد داشت تاجایی که حتی در صورت عدم تهدید، امنیت محقق نخواهد شد. با این توضیح می‌توان گفت امنیت دو گونه سلبی و ایجابی دارد (رضوی نژاد و رزاقی، ۱۳۹۷: ۱۰۵).

طبق گفتمان سلبی، امنیت عبارت است از وضعیتی که منافع حیاتی بازیگر از سوی بازیگران دیگر در معرض تهدید نباشد یا در صورت وجود تهدید احتمالی، بازیگر توان دفع و مدیریت آن را با هدف صیانت از منافع خود داشته باشد. براساس گفتمان ایجابی، امنیت وضعیتی است مبتنی بر وجود نوعی رابطه معقول و متناسب بین خواسته‌های بازیگران با داشته‌های ایشان درون یک واحد سیاسی که در نهایت تولید رضایتمندی نزد بازیگران می‌کند (مکین لا و لیتل، ۱۳۸۰: ۴۲-۲۳). کلیدواژه اصلی در تعریف امنیت ایجابی، «رضایتمندی» است که تحقق امنیت رابطه‌ای مستقیم با آن دارد. در رهیافت آرمان‌گرایانه، امنیت جنبه ایجابی دارد و رضایتمندی مردم عاملی مهم در سنجش تحقق امنیت است. مطالعات امنیتی انتقادی خصوصاً مکتب ولز با طرح مفهوم «رضایت» و «انتظار»، برداشت جدیدی از امنیت مطرح می‌کند.

در اینجا علاوه بر مفهوم رضایت، مفهوم انتظارات نیز مطرح است. در این چارچوب با تشریح موقعیت فرد در سه وضعیت جایگزین می‌توان به تشریح مفهوم امنیت پرداخت. در وضعیت اول، فرد در فضای اجتماعی (داشته) مطرح می‌شود. در این حالت انسان در چارچوب شرایط، موقعیت و شأن و منزلت اجتماعی که از آن برخوردار است، تشریح می‌شود. در وضعیت دوم، فرد در فضای مطلوب (خواسته) مورد نظر است. در این وضعیت آرزوها، امیال و انتظارات فرد مطرح است. مواردی که فرد تمایل دارد به آنها دست یابد، اما در شرایط و وضعیت اجتماعی که قرار دارد از آن محروم است. وضعیت سوم به حد فاصل و میزان شکاف میان این دو وضعیت اشاره دارد. به بیان دیگر موقعیت و وضعیت اول بر آنچه فرد دارد، تأکید می‌کند، وضعیت دوم به آنچه فرد انتظار دارد که داشته باشد و وضعیت سوم به شکاف و فاصله میان آنچه دارد و آنچه که می‌خواهد، اشاره می‌کند. این فاصله میزان رضایت و نارضایتی فرد را مشخص می‌کند. مطالعات امنیتی انتقادی فاصله میان انتظارات افراد و آنچه از آن برخوردار است را فضای امنیتی جامعه تعریف می‌کند و

اعتقاد دارد میزان امید یا ناامیدی در دستیابی به انتظارات و توقعات، ضریب امنیت و ناامنی را تعیین می‌کند.

نگاه مطالعات امنیتی انتقادی به امنیت ایجابی است. آنان معتقدند حفظ و گسترش امنیت امری تحقق‌پذیر است. راهکارهای این رهیافت برای تحصیل امنیت مبتنی بر برداشت آنان از مفهوم امنیت یعنی رضایت و چگونگی پر کردن خلأ و شکاف میان فضای داشته - خواسته است (عبداله‌خانی، ۱۳۸۳: ۲۶۱-۲۶۰). واضح است پذیرش رضایتمندی مستلزم به نقش ذهن است که باید به موضوعاتی مانند: نظریه، طرح مفهومی، عقاید اساسی، فرهنگ، هنجار و هویت اذعان کنیم.

با توجه به اینکه نظام جمهوری اسلامی ایران، نظامی مردم پایه است، بنابراین بیش از اینکه تعاریف قدرت محور، اقتدار محور یا اقناع محور مورد توجه باشد، به مجذوب کردن و «رضایتمندی» توجه دارد. همچنین بخش عمده‌ای از قدرت جمهوری اسلامی ایران در داخل و همچنین در جهان اسلام و منطقه، ناشی از اتصال به نیروها و جریانات «مردمی» است. بنابراین در این مقاله بر امنیت مثبت خصوصاً بر مکاتب انتقادی تأکید می‌شود و به رضایتمندی و تحقق بخش مطلوبی از انتظارات توجه خاصی دارد. در واقع ایجاد رضایت و پر کردن شکاف میان فضای داشته - خواسته به عنوان مهم‌ترین عامل تحقق امنیت داخلی معرفی می‌شود.

### ۳. طراحی مدل مطلوب سیاستگذاری امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران

#### ۳-۱. مدل اجرا

منظور از اجرا، به کارگیری و عملیاتی کردن سیاست‌ها برای رسیدن به اهداف مطلوب و مشخص است. در بیان دیگر، به مجموعه عملیات و اقدام‌های سازمان‌ها و مؤسسات مجری و چگونگی انجام دادن آنها، اجرا گفته می‌شود.

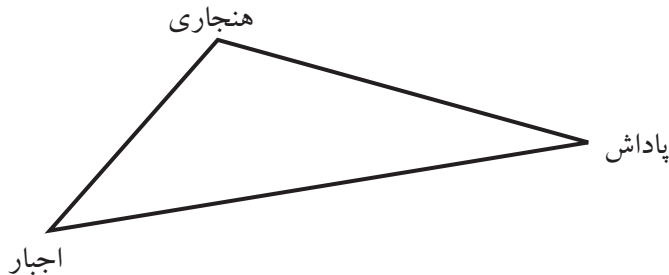
مدل هرمی L.R.F به عنوان مدل مطلوب اجرا در ذیل به تشریح و بسط این مدل در سیاستگذاری امنیت داخلی پرداخته است.

اتزیونی (۱۹۶۱) همراهی و موافقت با فرامین، قوانین و سیاست‌ها را برای اجرا، ناشی از وجود سه انگیزه می‌داند. در درجه نخست، گاهی اوقات رفتار افراد برخاسته از «عشق»

و علاقه است. بدین معنا که فرد مجری، کاری را که انجام می‌دهد، خود مشتاق آن است و متناسب با ارزش‌ها و روحیه خود می‌داند. پس بدین دلیل که این افراد، خواهان انجام آن هستند در این گونه امور و انجام آنچه از این افراد خواسته می‌شود، نیازی به اجبار نیست. گروه دوم افرادی هستند که از روی «ترس» عمل می‌کنند، این ترس ممکن است ناشی از پیامدهای عدم اجرای سیاست و در سطحی پایین تر ناشی از عدم اجرای دستورات باشد. در واقع کاربرد ترس در فرایند اجرا، ناشی از استفاده نیروی قهرآمیز در این فرایند است. سرانجام گروه سوم شامل افرادی است که دلیل همراهی آنها ممکن است منافع مادی یا «پول» باشد. این گروه سوم حتی اگر از اجرای آنچه که انجام می‌دهند، تنفر داشته باشند اما به دلیل منفعت یا پاداش مادی که انتظار کسب آن را دارند به انجام آن عمل یا اجرای آنچه که به تصویب رسیده، تن درمی‌دهند (ملک‌محمدی، ۱۳۸۴: ۲۵۳).

طبق آنچه گفته شد، در نگاه اتریونی اجرای سیاست‌ها می‌تواند محصول به کارگیری سه نوع قدرت شامل قدرت هنجاری یا هویتی (عشق)، قدرت اجبار یا سرکوبگر (ترس یا قهریه)، قدرت پاداش (مالی یا منفعت‌طلبی) باشد (شکل ۱). این سه نوع قدرت به ترتیب مبنای نمادین، فیزیکی و مالی دارند.

### شکل ۱. انواع قدرت در اجرای سیاست



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

در دنیای واقعی، اجرای یک سیاست به ترکیبی از این سه رأس مثلث نیازمند است، هرچند بعید نیست که با یکی از این سه مؤلفه بتوان به یک اجرای موفق یا نسبتاً موفق دست پیدا کرد. به همین دلیل است که اکثر سازمان‌ها با وجود اینکه معمولاً یکی از روش‌ها را



به روش‌های دیگر ترجیح می‌دهند، تلاش می‌کنند تا از هر سه شیوه کنترل استفاده کنند. به عبارتی اجرای موفقیت‌آمیز سیاست‌ها محصول دستیابی به نوعی تعادل در ترکیب این عوامل سه‌گانه است. این موضوع مجریان را بر آن می‌دارد تا میان انواع قدرت و انواع اجرا تعادل به وجود آورند. برای این کار لازم است نوع و میزان وابستگی افراد بررسی و مشخص شود. قدرت یا اختیاری که سازمان‌ها نسبت به کارکنانشان دارند، ناشی از ماهیت وابستگی آنها نسبت به سازمان است. این وابستگی یا تعهد می‌تواند بر حسب شدت به یکی از سه شکل زیر باشد: «وابستگی اخلاقی» به سازمانی که اهداف، ارزش‌ها و هنجارها را درونی کرده است. «وابستگی حسابگرانه»، هنگامی اتفاق می‌افتد که مشارکت در سازمان و پیوند با آن توسط پاداش‌های خارجی صورت می‌گیرد.

سرانجام «وابستگی گریزنده»، گرایش منفی نسبت به سازمانی را نشان می‌دهد که نوعاً مبتنی بر موقعیت‌هایی است که محدودکننده رفتار است (رضوی‌نژاد و رزاقی، ۱۳۹۷: ۱۰۸). سه نوع وابستگی و سه نوع قدرت در کنار هم به ۹ شکل تبعیت از سازمان یا ارتباط سازمان با فرد و فرد با سازمان و به عبارتی دقیق‌تر ۹ روش «اجرا» را به دست می‌دهد که انواع رابطه‌ها در جدول ۱ خلاصه شده است.

جدول ۱. اشکال تبعیت از سازمان یا ارتباط سازمان با فرد و برعکس

نوع وابستگی			
اخلاق	حسابگرانه	گریزنده	نوع قدرت
۳	۲	۱	اجباری
۶	۵	۴	پاداشی
۹	۸	۷	هنجاری

مأخذ: اسکات، ۱۳۹۷.

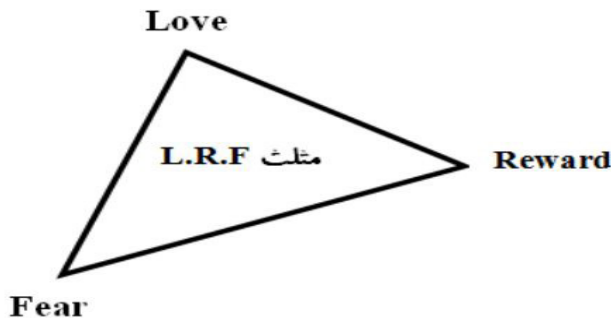
اتزیونی اعتقاد دارد که معمولاً یک قدرت خاص با یک وابستگی خاص مرتبط است که به این ترتیب شکل‌های معمول تبعیت را می‌توان در وضعیت‌های ۱، ۵ و ۹ یافت.

به عبارت دیگر قدرت قهریه، وابستگی گریزنده ایجاد می کند و برعکس. قدرت پاداشی باعث وابستگی حسابگرانه می شود و قدرت هنجاری با وابستگی اخلاقی تطبیق می کند. دیگر موارد شش گانه بیانگر حالات اجرای ناموفقند یعنی اینکه سیستم قدرتی سازمان با نوع وابستگی افراد تطبیق نمی کند در نتیجه این ناهماهنگی، نوع وابستگی افراد تغییر خواهد یافت. اتریونی معتقد است که ثمربخشی ساختار تبعیتی که منسجم و هماهنگ باشد از اثربخشی سازمانی که دچار تنش و فشارهای ناشی از ناهماهنگی سیستم ها باشد بیشتر است.

برای اجرای موفق سیاست ها لازم است تلفیقی متعادل از اجرا در وضعیت های ۱، ۵ و ۹ به وجود آورد. به باور اتریونی، کارآمدی در اجرا، محصول دستیابی به نوعی تعادل در ترکیب عوامل پیشین است. در این تعادل، باید تا سطحی پایین از ترس (اجبار و بیگانگی)، سطح متوسطی از پاداش (پاداش و محاسبه) و سطح بالایی از اجرا از روی عشق (هنجاری و اخلاقی) مشارکت داشته باشند (ملک محمدی، ۱۳۸۴: ۲۵۳).

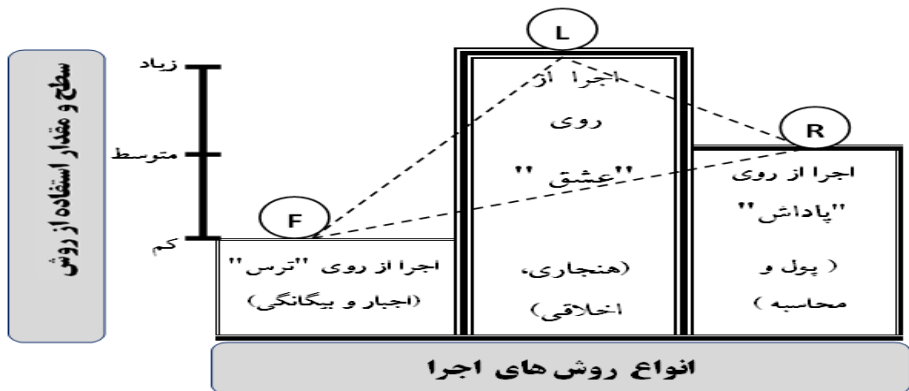
در این مدل بر تمایل افراد بر اجرای فرامین و دستورات تأکید دارد و محوریت در اجرا را به افراد می دهد. با این توضیح می توان گفت که تلفیق درونی از عشق فراوان (همگرایی)، اندکی ترس (تهدید) و پول مناسب (مبادله) در بین افراد، به عنوان متغیر مستقل نظریه اتریونی در اجرای موفق سیاست هاست. در مقاله حاضر، هر سه روش اجرا در رئوس مثلث قرار داده شده و مثلث مذکور (شکل ۲) به نام مثلث L.R.F نامیده می شود.

## شکل ۲. روش اجرای سیاست



در مجموع، آنچه از روش اجرا در این بخش گفته شد در قالب یک مدل، طبق شکل ۳ ترسیم می‌شود:

شکل ۳. مدل پیشنهادی برای اجرا



مأخذ: همان.

### ۲-۳. مدل ارزیابی

ارزیابی به منظور بررسی اثر اجرای سیاست‌ها و قضاوت در مورد تأثیرات آنهاست. به طور ساده می‌توان گفت ارزیابی، اثربخشی عمومی را برحسب اهداف تعیین شده و نتیجه به دست آمده بررسی می‌کند.

طبق تعریف امنیت در این پژوهش، منظور از امنیت، ایجاد احساس ایمنی ناشی از رفع تهدیدها، آسیب‌ها و رضایتمندی حاصل از کاهش فاصله میان خواسته‌ها و داشته‌ها در بین مردم و جامعه است. بنابراین طبق این تعریف، مردم و جامعه نقشی محوری در مباحث امنیتی دارند.

رفتارها و واکنش‌های مردم جامعه در قبال سیاست‌های اجرا شده به منظور تأمین امنیت داخلی به سه دسته تقسیم‌بندی می‌شوند:

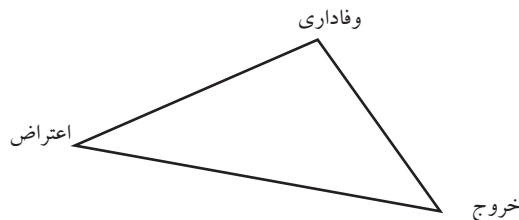
دسته اول شامل کسانی است که نسبت به نتایج حاصل از اجرای سیاست‌ها، از رضایتمندی و احساس امنیت، در حد مطلوبی برخوردارند. رفتار این عده از افراد جامعه در

قبال نظام سیاسی و دولت، رفتاری توأم با تأیید، حمایت و وفاداری است. برخی نیز از نتایج اجرای سیاست‌ها در حوزه امنیت داخلی راضی نیستند. عده‌ای از این افراد که در دسته دوم قرار می‌گیرند، با وجود نارضایتی، خود را در مقابل حکومت نمی‌بینند به همین منظور اقدام به اعتراض جهت تغییر و بهبود سیاست‌ها می‌کنند، ولی در دسته سوم، افراد مخالف خود را با رفتار تقابلی و درگیری با نظام و حکومت اعلام می‌کنند.

البته برخی از اندیشمندان به‌ویژه در حوزه روانشناسی، به دسته چهارمی از رفتار مردم در جامعه معتقدند که شامل افراد بی‌تفاوت یا بی‌اعتنا به سیاست‌ها هستند. اما به دلیل کم‌اهمیت بودن این دسته نسبت به بقیه و همچنین به منظور همخوانی با مدل پیش‌بینی شده، از آن صرف‌نظر می‌شود (رضوی‌نژاد و رزاقی، ۱۳۹۷: ۱۱۱).

بر این اساس در ادامه نظریه پر کاربرد «خروج - اعتراض» آمده است که شکل کلاسیک آن را در ابتدا آلبرت هیرشمن در کتاب خروج، اعتراض و وفاداری (۱۹۷۰) ارائه کرد. در تطبیق و کاربرد دیدگاه هیرشمن، می‌توان سه دسته رفتار و واکنش از سوی مردم در خصوص اجرای سیاست‌ها ارائه کرد که شامل خروج، اعتراض و وفاداری است. این سه واکنش را در رئوس مثلث قرار داده و آن را مثلث خروج، اعتراض و وفاداری با عنوان مدل E.V.L می‌نامند (شکل ۴).

#### شکل ۴. انواع واکنش‌ها به سیاست



مأخذ: همان.

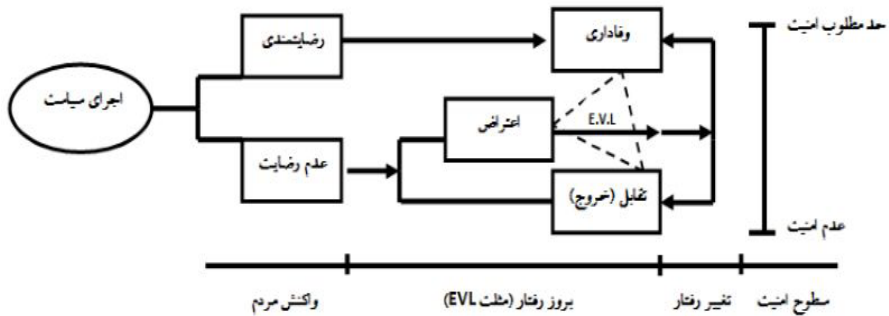
مدل E.V.L که بر پایه رفتار عقلانی بازیگران بنا شده است، واکنش‌های سه‌گانه‌ای را در زمان دریافت نتایج سیاست‌ها، از سوی افراد جامعه و دریافت‌کنندگان سیاست‌ها نشان می‌دهد. نخستین واکنش، خروج است که علاوه بر نارضایتی، به معنای ناامیدی و عدم تلاش در راستای بهبود و حتی مقابله با سیاست و سیاستگذار مربوطه است. به عبارت دیگر، افراد مخالف، برای تغییر و جایگزینی حوزه شمول و سیستم (حاکمیت و سیاستگذار) اقدام می‌کنند. این نوع واکنش، بدترین نتیجه حاصل از ارزیابی است که بر این اساس باید اجرای چنین سیاستی با قید فوریت متوقف شده و در راستای رفع اشتباه‌ها و کاهش هزینه خسارت، سیاست جدیدی اتخاذ شود.

واکنش دوم، اعتراض نام دارد که به معنای بیان منافع و خواسته‌هاست. توسل به روش اعتراض به جای خروج، تلاش برای تغییر فعلیت‌ها و سیاست‌های حکومت و دولتی است که به آن وابسته است. اعتراض، دارای اثری هشداردهنده در خصوص ناکامی سیاست‌هاست و می‌تواند به عنوان روشی مکمل برای خروج عمل کند یا آنکه اساساً به مشابه روشی جایگزین مطرح شود. حصول چنین رفتاری بین دریافت‌کنندگان سیاست، در نتایج ارزیابی سیاست، نشان از بروز سطحی از مخالفت است که در صورت تغییر بموقع و صحیح در سیاست، می‌توان رفتار این دسته را به رفتار وفادارانه تبدیل کرد اما در صورت عدم اقدام مناسب، این پتانسیل وجود دارد که این دسته از معترضان به سیاست، به دسته اول بپیوندند. بر این اساس در ادامه فرایند سیاستگذاری می‌بایست تغییر سیاست به منظور تحقق اهداف انجام پذیرد.

همان‌طور که گفته شد روش اعتراض می‌تواند بر تغییر موقعیت موجود که موجب بروز نارضایتی است، تأثیرگذار باشد یا آنکه شهروند نسبت به سازمانی و حکومتی که بدان وابسته است و تصمیمات آن، احساس وفاداری کند. از اینجا، سومین رأس مثلث یعنی وفاداری ظاهر می‌شود. وفاداری گزینه‌ای است که میان دو گزینه خروج و اعتراض جای می‌گیرد و به تأخیر گزینه خروج و افزایش میزان گرایش به گزینه اعتراض منجر می‌شود. حصول چنین رفتار حمایت‌گرایانه و وفادارانه‌ای از سوی مردم در قبال سیاست‌ها، نشان از موفقیت در اجرا و تحقق اهداف دارد. بر این اساس، تداوم سیاست انتخابی بلامانع است.

در نهایت بر اساس آنچه گفته شد، مدل ارزیابی در شکل ۵ ترسیم می‌شود.

شکل ۵. مدل ارزیابی سیاست



مأخذ: همان.

در مجموع، سه نوع اجرا و سه گونه نتیجه ارزیابی در کنار هم به شکل ۹ با هم در ارتباط هستند که انواع رابطه‌ها در جدول ۲ خلاصه شده است.

جدول ۲. انواع رابطه بین روش‌های اجرا و نتیجه ارزیابی

E	V	L	نتیجه ارزیابی روش اجرا
L.E	L.V	LL	L
R.E	R.V	RL	R
F.E	F.V	FL	F

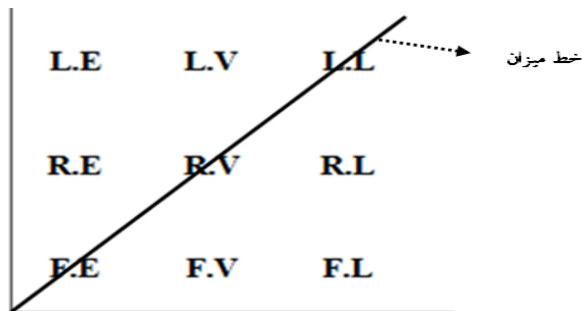
مأخذ: یافته‌های تحقیق.

همان‌طور که در جدول ۲ اشاره شد، وضعیت‌های R.V، L.L، و F.E احتمال وقوع بیشتری دارند اما ۶ وضعیت دیگر نیز وجود دارد هرچند احتمال وقوع چنین گزینه‌هایی کم است اما به بررسی آنها نیز می‌پردازیم. قبل از پرداختن به ۶ گزینه با احتمال وقوع کمتر، باید به دو نکته توجه شود:

اول اینکه، در مدل L.R.F هر چه از طرف L به سمت R و سپس F حرکت شود و همچنین در مدل E.V.L از سمت L به V و سپس E متمایل شود، میزان رضایتمندی کمتر خواهد شد. بر این اساس، بهترین امتیاز کسب شده مربوط به موقعیت L.L با حداکثر امتیاز و کمترین ارزش متعلق به موقعیت F.E است.

نکته دوم آن است که هر موقعیت به اندازه‌ای که از حالت معمول واقعه (خط میزان) فاصله بیشتری داشته باشد، احتمال وقوع آن کمتر خواهد شد. بر این اساس طبق نمودار شکل ۶، هر موقعیتی که به خط میزان نزدیک‌تر باشد، احتمال وقوع بیشتری دارد و فاصله بیشتر با خط میزان، نشان از احتمال وقوع کمتر دارد. بنابراین احتمال وقوع وضعیت‌های L.L، R.V و L.L بسیار است ولی وضعیت‌های L.E و F.L که بیشترین فاصله را نسبت به خط میزان دارند، احتمال وقوع بسیار کمی دارد.

شکل ۶. نمودار خط میزان و احتمال وقوع موقعیت‌ها



مأخذ: همان.

### ۳-۳. بهره‌برداری از نتایج ارزیابی

هدف از انجام ارزیابی در سیاستگذاری، تصمیم‌گیری برای ادامه فرایند با اتخاذ رویکرد خاتمه یا اعمال تغییرات در سیاست است که به‌عنوان مرحله تکمیل‌کننده فرایند سیاستگذاری مطرح است.

در صورتی که نتیجه ارزیابی حاکی از دستیابی به اهداف و نتایج از پیش تعیین

شده باشد، فرایند خاتمه داده می‌شود. خاتمه سیاست، می‌تواند نقطه آغازی باشد برای پیوند چرخه‌های متوالی در سیاستگذاری. اما در شرایطی که نتایج حاصل از ارزیابی، بر عدم حصول نتایج و اهداف مورد نظر دلالت کند، دو راه پیش روی سیاستگذاران است؛ در صورتی که با اعمال بعضی از تغییرات جزئی امکان اصلاح وجود داشته باشد، اصلاحات لازم در سیاست انجام می‌شود لکن اگر اصلاح، جوابگوی انحراف در سیاستگذاری نبوده و نیاز به تغییرات بنیادین داشته باشد، باید سیاست متوقف شده و تغییرات اساسی اعمال شود.

پس نتایج ارزیابی منجر به اتخاذ یکی از گزینه‌های خاتمه<sup>۱</sup>، اصلاح<sup>۲</sup> (تغییرات جزئی) و توقف<sup>۳</sup> (تغییرات اساسی) در سیاست خواهد شد. که به ترتیب E، R و C نشان داده می‌شود. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود صرفاً در دو وضعیت L.L و R.L رضایت مورد نیاز به دست می‌آید و به پایان سیاست منجر می‌شود. در سه دسته از شرایط از جمله F.L، L.V، و R.V گزینه R به معنای اصلاح جزئی سیاست انتخاب شده است و همان‌طور که در جدول ۳ نتایج آمده است در چهار گونه باقی‌مانده شامل R.E، L.E، F.V، و F.E گزینه C به معنای توقف سیاست و ایجاد تغییرات اساسی و بنیادین پیشنهاد شده است.

جدول ۳. نتایج ارزیابی سیاستگذاری

E	V	L	نتیجه ارزیابی روش اجرا
C	R	E	L
C	R	E	R
C	C	R	F

مأخذ: همان.

1. End Policy
2. Reform Policy
3. Change Policy



#### ۴. آزمون و سنجش مدل

پژوهش علمی یک کوشش نظام‌مند جهت پاسخ دادن به پرسش‌های مطرح شده است. یکی از بخش‌های اصلی هر پژوهش علمی، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیات بیان شده از سوی محقق است. به کارگیری آزمون‌های آماری مناسب با روش پژوهش به حصول اطمینان از دقت و صحت نتایج به دست آمده منجر می‌شود. بنابراین پس از طرح مسئله پژوهش، روش‌های آماری مناسب برای تأیید یا رد فرضیات تبیین شده، ارائه خواهد شد (سرمد و حجازی، ۱۳۸۴: ۷۷). ابتدا به بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افراد و پاسخ‌دهندگان خواهیم پرداخت که در پژوهش و تکمیل پرسشنامه همکاری کرده‌اند. در بخش اطلاعات جمعیت‌شناختی، ابتدا اطلاعات کلی پاسخ‌دهندگان به‌طور جداگانه، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. سپس مدل اندازه‌گیری برای روایی سازه ارائه و همچنین روایی واگرا نیز بررسی شده است. در ادامه با استفاده از رویکرد حداقل مجذورات جزئی روابط متغیرها و مدل اصلی تحقیق بررسی شده است. داده‌های خام به دست آمده از جامعه آماری با استفاده از روش‌های آماری مناسب و نرم‌افزار SPSS و Smart PLS مورد تجزیه و تحلیل و پس از پردازش به شکل اطلاعات ارائه شده است.

#### ۱-۴. ویژگی‌های دموگرافیک جامعه آماری

از شاخص‌های آمار توصیفی برای بررسی ویژگی‌های دموگرافیک پاسخ‌دهندگان استفاده شده است. فراوانی پاسخ‌دهندگان براساس جنسیت، سن، میزان تحصیلات و وضعیت شغلی مورد بررسی قرار گرفته است و نمودارهای مربوط ترسیم شده است.

جدول ۴. فراوانی پاسخ‌دهندگان براساس جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد	فراوانی توکمی
مرد	۳۲۵	۸۵	۸۵
زن	۵۹	۱۵	۱۰۰
کل	۳۸۴	۱۰۰	

مأخذ: همان.

جدول ۵. فراوانی پاسخ دهندگان براساس تأهل

فراوانی تراکمی	درصد	فراوانی	وضعیت تأهل
۸۴	۸۴	۳۲۳	متأهل
۱۰۰	۱۶	۶۱	مجرد
	۱۰۰	۳۸۴	کل

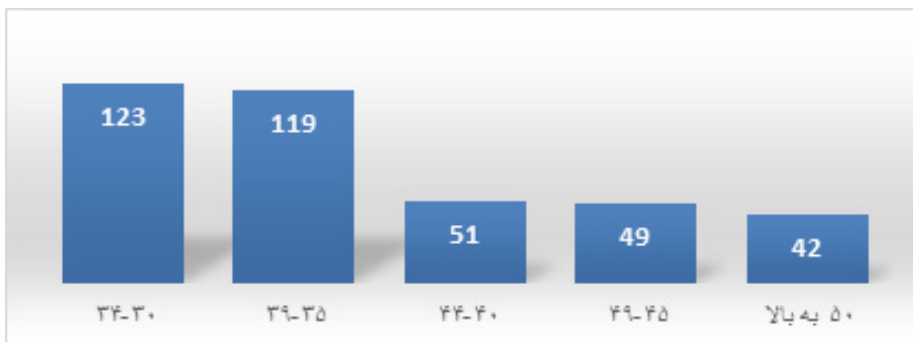
مأخذ: همان.

جدول ۶. فراوانی پاسخ دهندگان براساس سن

فراوانی تراکمی	درصد	فراوانی	سن
۳۲	۳۲	۱۲۳	۳۰ تا ۳۴ سال
۶۳	۳۱	۱۱۹	۳۵ تا ۳۹ سال
۷۷	۱۴	۵۱	۴۰ تا ۴۴ سال
۹۰	۱۳	۴۹	۴۵ تا ۴۹ سال
۱۰۰	۱۰	۴۲	۵۰ سال و بالاتر
	۱۰۰,۰۰	۳۸۴	کل

مأخذ: همان.

نمودار ۱. فراوانی پاسخ دهندگان براساس سن



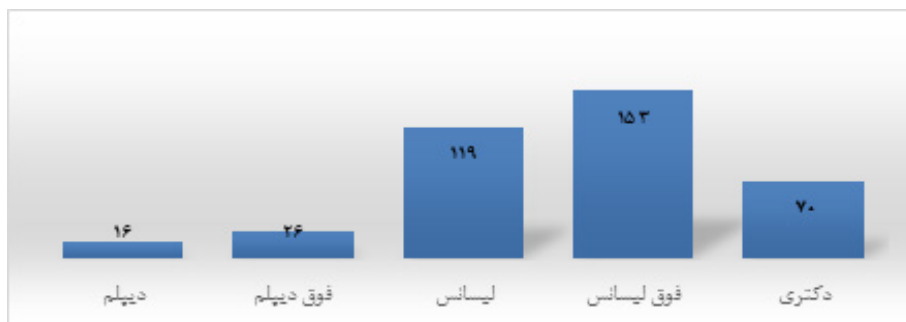
مأخذ: یافته‌های تحقیق.

جدول ۷. فراوانی پاسخ‌دهندگان براساس تحصیلات

فراوانی تراکمی	درصد	فراوانی	تحصیلات
۴	۴	۱۶	دیپلم
۱۱	۷	۲۶	فوق دیپلم
۴۲	۳۱	۱۱۹	لیسانس
۸۲	۴۰	۱۵۳	فوق لیسانس
۱۰۰	۱۸	۷۰	دکتری
	۱۰۰	۳۸۴	کل

مأخذ: همان.

نمودار ۲. نمودار فراوانی پاسخ‌دهندگان براساس مدرک تحصیلی



مأخذ: همان.

جدول ۸. فراوانی پاسخ‌دهندگان براساس وضعیت شغلی

فراوانی تراکمی	درصد	فراوانی	وضعیت شغلی
۵۱	۵۱	۱۹۸	کارکنان سازمان‌های اطلاعاتی، امنیتی، نظامی یا انتظامی
۷۷	۲۶	۹۹	اعضای هیئت علمی دانشگاه و پژوهشگران حوزه امنیت
۱۰۰	۳۳	۸۷	فعالان احزاب سیاسی
	۱۰۰	۳۸۴	کل

مأخذ: همان.

## ۲-۴. تحلیل توصیفی متغیرهای تحقیق

تحلیل توصیفی متغیرهای تحقیق براساس پارامترهای مرکزی (میانگین، میانه و مد) و پارامترهای پراکندگی (انحراف معیار و دامنه تغییرات) برای عامل‌های اصلی تحقیق در جدول ۹ ارائه شده است.

جدول ۹. تحلیل توصیفی متغیرهای تحقیق

عنوان	تعداد	میانگین	میانه	مد	انحراف معیار	دامنه تغییرات	کمینه	بیشینه
عشق	۳۸۴	۳/۰۰۰	۳/۷۵۰	۴/۰۰۰	۰/۴۱۹	۳/۷۵۰	۱/۲۵۰	۵/۰۰۰
وفاداری	۳۸۴	۳/۹۷۱	۴/۰۰۰	۴/۰۰۰	۰/۴۹۴	۴/۰۰۰	۱/۰۰۰	۵/۰۰۰
اعتراض	۳۸۴	۲/۸۳۷	۴/۰۰۰	۴/۰۰۰	۰/۶۹۵	۴/۰۰۰	۱/۰۰۰	۵/۰۰۰
خروج	۳۸۴	۳/۳۳۳	۴/۰۰۰	۴/۰۰۰	۰/۵۰۱	۴/۰۰۰	۱/۰۰۰	۵/۰۰۰
پاداش	۳۸۴	۳/۳۹۲	۴/۰۰۰	۴/۰۰۰	۰/۶۴۴	۴/۰۰۰	۱/۰۰۰	۵/۰۰۰
ترس	۳۸۴	۳/۶۴۲	۳/۳۳۳	۴/۰۰۰	۰/۸۴۸	۴/۰۰۰	۱/۰۰۰	۵/۰۰۰
تقویت انگیزه (عشق، ترس و پاداش)	۳۸۴	۳/۵۹۳	۳/۳۳۳	۳/۳۳۳	۰/۷۷۶	۴/۰۰۰	۱/۰۰۰	۵/۰۰۰
تعریف امنیت داخلی بر مبنای رضایتمندی مردم	۳۸۴	۳/۴۱۰	۳/۳۳۳	۴/۰۰۰	۰/۸۶۰	۴/۰۰۰	۱/۰۰۰	۵/۰۰۰
ضرورت مدل‌سازی در سیاستگذاری امنیت داخلی ایران	۳۸۴	۳/۴۷۱	۳/۶۶۷	۴/۰۰۰	۰/۸۴۷	۴/۰۰۰	۱/۰۰۰	۵/۰۰۰

مأخذ: همان.

## ۳-۴. تحلیل‌های استنباطی

از روش‌های آمار استنباطی برای پاسخ به فرضیه‌ها و سؤال‌های تحقیق استفاده شده است. ابتدا آزمون نرمال بودن داده‌ها صورت گرفته تا مشخص شود آیا می‌توان از روش‌های پارامتریک استفاده کرد یا خیر. سپس متناسب با مورد، از روش‌های مناسب آماری استفاده شده است.

### ۱-۳-۴. آزمون نرمال بودن داده‌ها

پیش از استفاده از آزمون‌های آماری پژوهش، ابتدا باید آزمون نرمال بودن داده انجام شود؛ زیرا قبل از هرگونه آزمونی که با فرض نرمال بودن داده‌ها صورت می‌گیرد باید از آنها

اطمینان حاصل شود. هنگام بررسی نرمال بودن داده‌ها، فرض صفر مبتنی بر اینکه توزیع داده‌ها نرمال است در سطح خطای ۵٪ آزمون می‌شود. بنابراین اگر مقدار معناداری بزرگ‌تر مساوی ۰/۰۵ به دست آید، در این صورت دلیلی برای رد فرض صفر وجود نخواهد داشت. به عبارت دیگر توزیع داده‌ها نرمال خواهد بود. فرض نرمال بودن داده‌ها در سطح معناداری ۵٪ با روش کولموگروف-اسمیرنوف آزمون شده است. برای آزمون نرمال بودن داده‌ها فرض‌های آماری به صورت زیر تنظیم می‌شود:

جدول ۱۰. آزمون نرمال بودن داده‌ها

عنوان	عشق	وفاداری	اعتراض	خروج	پاداش	ترس
N	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴
کولموگروف-اسمیرنوف	۴/۰۹۹	۳/۱۳۰	۴/۱۰۳	۳/۰۹۹	۴/۱۰۵	۳/۱۱۱
معناداری	۰/۰۹۷	۰/۰۸۳	۰/۱۵۲	۰/۱۸۹	۰/۱۶۰	۰/۰۸۴

مأخذ: همان.

بر اساس جدول به دست آمده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، چون سطح معناداری آن برای همه متغیرها بزرگ‌تر از ۰/۰۵ بوده، لذا توزیع داده‌ها نرمال است. بر این اساس جهت تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها از مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار Smart PLS بهره گرفته شده است.

## ۲-۳-۴. روش حداقل مربعات جزئی و آزمون فرضیه‌های تحقیق

در پژوهش حاضر، روش‌های مدل‌سازی معادلات ساختاری یعنی روش کمترین مجزورات جزئی<sup>۱</sup> برای آزمون الگوی اندازه‌گیری و فرضیه‌های پژوهش استفاده شد. نرم‌افزار Smart PLS وابستگی کمتر به حجم نمونه، بی‌نیازی به نرمال بودن داده‌ها

1. Partial Least Squares (PLS)

و تمرکز بر بیشینه‌سازی واریانس دارد که این روش جدید برخلاف نرم‌افزارهای لیزرل<sup>۱</sup> و آموس<sup>۲</sup> برای کاربردهای واقعی مناسب‌تر است.

هریک از فرضیه‌های تحقیق به تفکیک با استفاده از روش حداقل مربعات جزئی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. همچنین در نهایت مدل کلی تحقیق نیز با استفاده از همین روش به بوته آزمون قرار داده شده است. در روش حداقل مربعات جزئی چند نکته از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است:

الف) قدرت رابطه بین عامل (متغیر پنهان) و متغیر قابل مشاهده با بار عاملی نشان داده می‌شود. بار عاملی مقداری بین صفر و یک است. اگر بار عاملی کمتر از ۰/۳ باشد رابطه ضعیف در نظر گرفته شده و از آن صرف نظر می‌شود. بار عاملی بین ۰/۳ تا ۰/۶ قابل قبول است و اگر بزرگ‌تر از ۰/۶ باشد خیلی مطلوب است.

ب) زمانی که همبستگی متغیرها شناسایی شود باید آزمون معناداری صورت گیرد. برای بررسی معناداری همبستگی‌های مشاهده شده از روش‌های خودگردان‌سازی (بوت استراپ<sup>۳</sup>) و یا برش متقاطع جک‌نایف<sup>۴</sup> استفاده می‌شود. در این مطالعه از روش خودگردان‌سازی استفاده شده است که آماره  $t$  را به دست می‌دهد. در سطح خطای ۵٪ اگر مقدار روش‌های خودگردان‌سازی  $t$ -value بزرگ‌تر از ۱/۹۶ باشد همبستگی‌های مشاهده شده معنادار است. به‌طور کلی روابط بین متغیرها در روش حداقل مربعات جزئی دو دسته است:

الف) مدل بیرونی:<sup>۵</sup> مدل بیرونی هم عرض مدل اندازه‌گیری (تحلیل عامل تأییدی) در معادلات ساختاری است و روابط بین متغیرهای پنهان با متغیرهای آشکار را نشان می‌دهد.

ب) مدل درونی:<sup>۶</sup> مدل درونی هم عرض مدل ساختاری (تحلیل مسیر) در معادلات ساختاری است و روابط بین متغیرهای پنهان با یکدیگر را بررسی می‌کند.

- 
1. Linear Structural Relations (LISRL)
  2. Analysis of Moment Structures (AMOS)
  3. Bootstrap
  4. Jackknife
  5. Outer Model
  6. Inner Model

### ۳-۳-۴. مدل بیرونی (مدل اندازه‌گیری)

همان‌طور که بیان شد مدل بیرونی هم عرض تحلیل عامل تأییدی است، یعنی نخست برای سنجش روابط متغیرهای پنهان با گویه‌های سنجش آنها از مدل بیرونی استفاده شده است. مدل بیرونی ارتباط گویه‌ها یا همان سؤال‌های پرسشنامه را با سازه‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد. در واقع تا ثابت نشود سؤال‌های پرسشنامه، متغیرهای پنهان را به‌خوبی اندازه‌گیری کرده‌اند، نمی‌توان روابط را مورد آزمون قرار داد. برای آنکه نشان داده شود متغیرهای پنهان به‌درستی اندازه‌گیری شده‌اند از مدل بیرونی استفاده شده است. نتایج مدل اندازه‌گیری در جدول ۱۱ ارائه شده است.

#### جدول ۱۱. مدل بیرونی حداقل مربعات جزئی (مدل اندازه‌گیری)

عنوان	عشق	وفاداری	اعتراض	خروج	پاداش	ترس
L1	۰/۶۳۸					
L2	۰/۷۲۶					
L3	۰/۶۹۹					
L4	۰/۶۸۷					
LO1		۰/۸۴۵				
LO2		۰/۸۰۲				
P1			۱			
E1				۰/۹۰۹		
E2				۰/۸۲۳		
V1					۰/۷۲۱	
V2					۰/۸۸۲	
F1						۰/۷۶۱
F2						۰/۶۵۶
F3						۰/۸۲۶

مأخذ: همان.

براساس نتایج مدل اندازه‌گیری مندرج در جدول ۱۱ بار عاملی مشاهده در اکثر موارد، مقداری بزرگ‌تر از ۰/۳ است که نشان می‌دهد همبستگی مناسبی بین متغیرهای قابل مشاهده با متغیرهای پنهان مربوط به خود وجود دارد.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت هر متغیر اصلی به درستی مورد سنجش قرار گرفته است و با عنایت به یافته‌های حاصل از این مقیاس می‌توان به آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخت.

#### ۴-۴. روایی همگرا

در این پژوهش، روایی همگرا<sup>۱</sup> نیز محاسبه شده است. هرگاه یک یا چند خصیصه از طریق دو یا چند روش اندازه‌گیری شوند همبستگی بین این اندازه‌گیری‌ها دو شاخص مهم اعتبار را فراهم می‌سازد. اگر همبستگی بین نمرات آزمون‌هایی که خصیصه واحدی را اندازه‌گیری می‌کند بالا باشد، پرسشنامه دارای اعتبار همگراست. وجود این همبستگی برای اطمینان از اینکه آزمون آنچه را که باید سنجیده شود می‌سنجد، ضروری است. برای روایی همگرا، میانگین واریانس استخراج<sup>۲</sup> و پایایی مرکب<sup>۳</sup> محاسبه می‌شود. لذا باید روابط زیر برقرار باشد:

$$CR > 0.7$$

$$CR > AVE$$

$$AVE > 0.5$$

#### جدول ۱۲. روایی همگرا و پایایی متغیرهای تحقیق

عنوان	تعداد سؤال‌ها	آلفای کرونباخ	واریانس استخراج	پایایی مرکب
عشق	۴	۰/۸۱۵	۰/۵۷۳	۰/۸۷۴
وفاداری	۲	۰/۷۶۴	۰/۶۱۲	۰/۸۳۵
اعتراض	۱	۰/۸۰۶	۰/۶۴۸	۰/۸۹۲
خروج	۲	۰/۷۶۵	۰/۵۹۹	۰/۸۰۳
پاداش	۲	۰/۷۶۹	۰/۶۰۷	۰/۷۹۵
ترس	۳	۰/۸۱۴	۰/۵۸۸	۰/۸۴۵

مأخذ: همان.

1. Convergent Validity
2. Average Variance Extracted (AVE)
3. Composite Reliability (CR)



آلفای کرونباخ همه متغیرهای بزرگ‌تر از  $0/6$  بوده بنابراین از نظر پایایی همه متغیرها مورد تأیید است. مقدار میانگین واریانس استخراج شده همواره بزرگ‌تر از  $0/5$  است بنابراین روایی همگرا نیز تأیید می‌شود. مقدار پایایی مرکب نیز بزرگ‌تر از واریانس استخراج شده است.

#### ۴-۵. روایی واگرا

روایی واگرا یکی از معیارهای بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری است که دو موضوع را پوشش می‌دهد:

الف) مقایسه میزان همبستگی بین شاخص‌های یک سازه با آن سازه در مقابل همبستگی آن شاخص‌ها با سازه‌های دیگر، ب) مقایسه میزان همبستگی یک سازه با شاخص‌هایش در مقابل همبستگی آن سازه با سایر سازه‌ها (داوری و رضازاده، ۱۳۹۲: ۵۶).

#### ۴-۵-۱. روش فورنل و لاکرا

میزان رابطه سازه با شاخص‌هایش در مقایسه رابطه آن سازه با سایر سازه‌هاست؛ به گونه‌ای که روایی واگرای قابل قبول یک مدل حاکی از آن است که یک سازه در مدل تعامل بیشتری با شاخص‌های خود دارد تا با سازه‌های دیگر (همان: ۵۷). روایی واگرا وقتی در سطح قابل قبولی است که میزان میانگین<sup>۲</sup> برای هر سازه بیشتر از واریانس اشتراکی آن سازه و سازه‌های دیگر (مربع مقدار ضرایب همبستگی بین سازه‌ها) در مدل باشد. بررسی این امر با ماتریسی انجام می‌پذیرد که خانه‌های این ماتریس حاوی مقادیر ضرایب همبستگی بین سازه‌ها و جذر مقادیر میانگین مربوط به هر سازه باشد این مدل در صورتی روایی واگرای قابل قبولی دارد که اعداد مندرج در قطر اصلی از مقادیر زیرین خود بیشتر باشند (همان: ۵۸).

---

1. Fornell and Larcer  
2. Average

مشخصه اصلی این ماتریس آن است که قطر اصلی یک است. سپس مقادیر موجود روی قطر اصلی ماتریس را با ریشه دوم مقادیر واریانس شرح داده شده در AVE جایگزین می‌کنیم و در نهایت جدول ۱۳ ارائه می‌شود.

جدول ۱۳. روش فورنل و لاکر

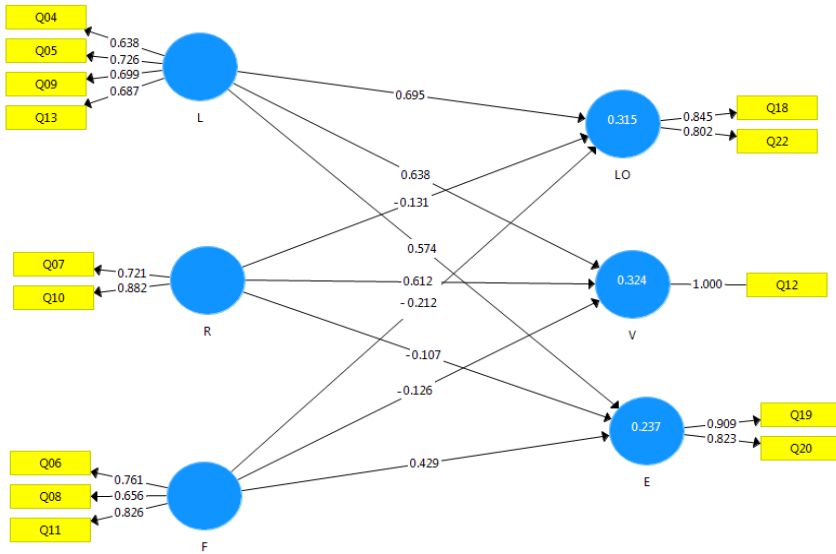
عنوان	خروج	ترس	عشق	وفاداری	اعتراض	پاداش
خروج	۱					
ترس	۰/۱۹۸۱	۱				
عشق	۰/۰۹۶۲	۰/۵۳۳	۱			
وفاداری	۰/۰۶۵۹	۰/۴۲۰	۰/۵۵۰	۱		
اعتراض	۰/۱۷۱۸	۰/۲۹۸	۰/۱۴۹	۰/۱۵۶	۱	
پاداش	۰/۰۶۶۹	۰/۱۳۲	-۰/۱۳۴	۰/۱۲۶	۰/۱۴۵	۱

مأخذ: همان.

#### ۶-۴. آزمون فرضیه‌های پژوهش

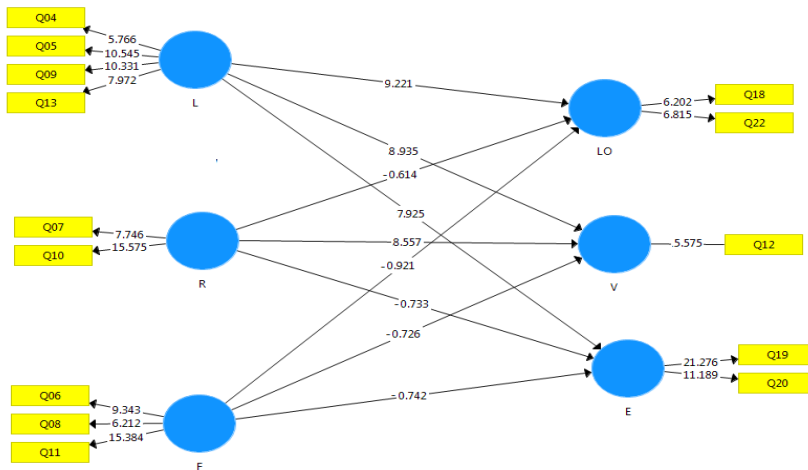
رابطه متغیرهای مورد بررسی در هریک از فرضیه‌های تحقیق براساس یک ساختار علی با روش حداقل مربعات جزئی آزمون شده است. در مدل کلی تحقیق که در شکل ۷ ترسیم شده مدل اندازه‌گیری (رابطه هریک از متغیرهای قابل مشاهده با متغیر پنهان) و مدل مسیر (روابط متغیرهای پنهان با یکدیگر) محاسبه شده است. برای سنجش معناداری روابط نیز آماره  $t$  با روش بوت استراپینگ محاسبه شده که در شکل ۸ بار عاملی تأثیر مدل L.R.F بر E.V.L آمده است. در این مدل که خروجی نرم‌افزار Smart PLS است خلاصه نتایج مربوط به بار عاملی استاندارد روابط متغیرهای تحقیق ارائه شده است. آزمون فرضیه‌های تحقیق براساس روابط هریک از متغیرها به تفکیک نیز محاسبه شده است.

شکل ۷. روش حداقل مربعات جزئی مدل کلی پژوهش



مأخذ: همان.

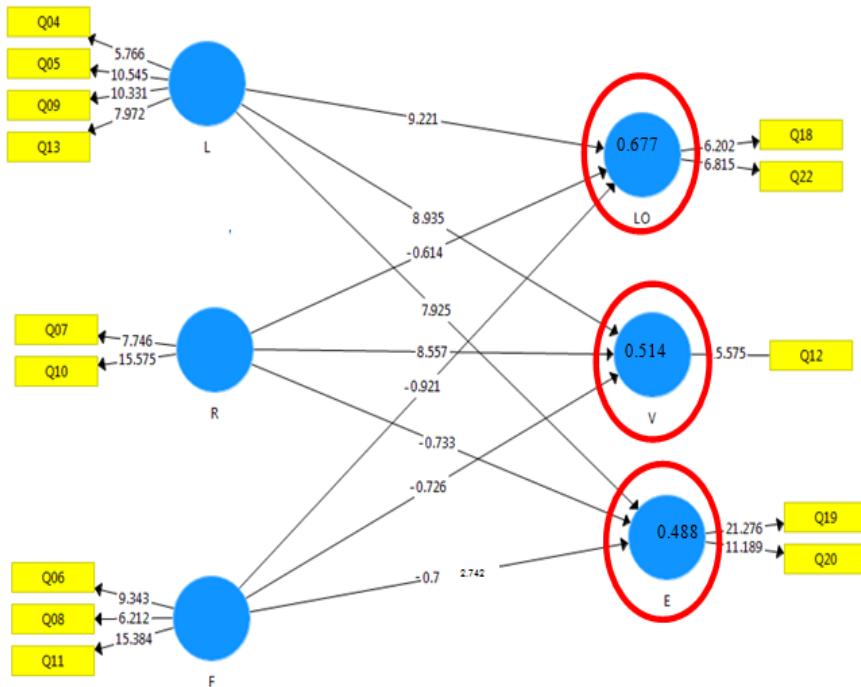
شکل ۸. آماره t-value مدل کلی پژوهش با روش بوت استرایپینگ



مأخذ: همان.

۴-۶-۱. معیار R squares یا  $R^2$ 

معیار  $R^2$  که برای متصل کردن بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل‌سازی معادلات ساختاری به کار می‌رود نشان از تأثیری دارد که متغیر برونزا بر متغیر درونزا می‌گذارد. نکته ضروری در اینجاست که  $R^2$  تنها برای سازه‌های درونزا (وابسته) مدل محاسبه می‌شود و در مورد سازه‌های برونزا مقدار این معیار صفر است. هرچه مقدار  $R^2$  مربوط به سازه‌های درونزا یک مدل بیشتر باشد نشان از برازش بهتر مدل است. چین<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ را به‌عنوان ضعیف، متوسط و قوی بودن مدل تعیین می‌کند (همان: ۵۹).

شکل ۹.  $R^2$ 

مأخذ: همان.

مقدار  $R^2$  برای سازه در شکل ۹ مشخص شده است. با توجه به سه مقدار، ملاک مناسب بودن برازش مدل ساختاری را تأیید می‌سازد. مقادیر  $0/677$ ،  $0/514$  و  $0/488$  در این مدل به دست آمده است.

### ۲-۶-۴. برازش کلی مدل<sup>۱</sup>

این معیار مربوط به بخش کلی مدل‌های معادلات ساختاری است بدین معنا که با این معیار، محقق می‌تواند پس از بررسی برازش بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل کلی پژوهش خود، برازش بخش کلی را نیز کنترل کند. برازش کلی مدل توسط تنهاوس و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) ابداع و طبق فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$GOF = \sqrt{(Avg(Communalities) \times R^2)}$$

*Communalities* نشانه میانگین مقادیر اشتراکی هر سازه و  $R^2$  نیز مقدار میانگین واریانس تبیین شده سازه‌های درونزای مدل است.

و تزلس، ادکرکن - شرودر و ون این<sup>۳</sup> (۲۰۰۹)، سه مقدار  $0/01$ ،  $0/25$  و  $0/36$  را به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای برازش کلی مدل معرفی کرده‌اند.

$$Avg(R^2) = 0.559$$

$$GOF = \sqrt{0.901 \times 0.559} = \sqrt{0.504} = 0.710$$

### ۳-۶-۴. بررسی وضعیت متغیرهای جانبی تحقیق

بعد از بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش، برای بررسی وضعیت متغیرهای تحقیق از آزمون  $t$  تک نمونه استفاده شده است. بنابراین دیدگاه پاسخ‌دهندگان پیرامون اهمیت هر یک از عوامل و ابعاد مورد مطالعه با استفاده از این آزمون بررسی شده است. در آزمون  $t$  تک نمونه فرض صفر ( $H_0$ ) مبتنی بر آن است که متغیر مورد بررسی در وضعیت مطلوبی قرار ندارد و فرض بدیل ( $H_1$ ) نیز ادعای آزمون

1. Goodness Of Fitness (GOF)

2. Tenenhaus and etal.

3. Wetzels, Odekkerken-schroder and Van Oppen

است. از آنجا که داده‌ها با طیف لیکرت ۵ درجه گردآوری شده است میانگین، عدد ۳ یعنی نقطه وسط طیف لیکرت در نظر گرفته شده است. بنابراین بیان آماری فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر است:

$$H_0: \mu \leq 3$$

$$H_1: \mu > 3$$

فرض صفر: عامل مورد بررسی در وضعیت مطلوبی قرار ندارد.

فرض بدیل (ادعای آزمون): عامل مورد بررسی در وضعیت مطلوبی قرار دارد.

چون این مطالعه در سطح اطمینان ۹۵٪ بررسی شده است بنابراین چنانچه در محاسبه میانگین هر بعد، مقدار معناداری<sup>۱</sup> از سطح خطای ۵٪ کوچک‌تر باشد، فرض صفر رد شده و بنابراین ادعای آزمون تأیید خواهد شد. بدیهی است در این شرایط آماره آزمون  $t$  از مقدار بحرانی  $t_{0.05}$  یعنی ۱/۹۶ بزرگ‌تر خواهد بود. همچنین هر دو کران فاصله اطمینان نیز مثبت خواهد شد. نتایج مربوط به محاسبات انجام شده آزمون  $t$  تک نمونه در ادامه آمده است. خلاصه نتایج آزمون  $t$  تک نمونه براساس میانگین دیدگاه پاسخ‌دهندگان در جدول ۱۴ ارائه شده است.

جدول ۱۴. نتایج آزمون  $t$  تک نمونه برای متغیرهای فرعی تحقیق

متغیرهای پژوهش	میانگین	مقدار $t$	مقدار معناداری	فاصله اطمینان ۵۹٪	
				حد پایین	حد بالا
کارآمدی روش‌های موجود در ایران	۳/۶۴۲	۱۰/۸۷۷	۰/۰۰۰	۰/۳۳۶	۰/۵۱۷
مدل اجرا (تلفیق عشق و ترس و پاداش)	۴/۵۹۳	۱۱/۵۴۴	۰/۰۰۰	۰/۲۳۵	۰/۵۰۰
آسیب‌شناسی اجرا (L.R.F) در ایران - اجرا براساس عشق	۳/۴۱۰	۸/۷۸۷	۰/۰۰۰	۰/۳۱۸	۰/۵۰۲
آسیب‌شناسی اجرا (L.R.F) در ایران - اجرا براساس پاداش	۳/۴۷۱	۱۰/۲۴۶	۰/۰۰۰	۰/۳۸۰	۰/۵۶۱
آسیب‌شناسی اجرا (L.R.F) در ایران - اجرا براساس ترس	۳/۴۷۴	۱۰/۸۵۸	۰/۰۰۰	۰/۳۸۸	۰/۵۵۹
آسیب‌شناسی (E.V.L) در ایران - تبدیل اعتراض به وفاداری	۳/۴۴۰	۹/۷۷۹	۰/۰۰۰	۰/۳۵۲	۰/۵۲۹
آسیب‌شناسی (E.V.L) در ایران - تقویت وفاداری	۳/۵۸۶	۱۳/۰۷۹	۰/۰۰۰	۰/۴۹۸	۰/۶۷۴
آسیب‌شناسی (E.V.L) در ایران - اعتراض	۳/۵۷۶	۱۳/۲۷۲	۰/۰۰۰	۰/۴۹۱	۰/۶۶۲

مأخذ: همان.

## ۵. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در سنجش آماری مدل مطلوب سیاستگذاری امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران، میانگین دیدگاه پاسخ‌دهندگان در هشت متغیر ذکر شده بزرگ‌تر از حد وسط طیف لیکرت به‌دست آمد. مقدار معناداری نیز صفر به‌دست آمده که کوچک‌تر از سطح خطای ۰/۰۵ است بنابراین میانگین مشاهده شده معنادار است. مقدار آماره  $t$  به‌دست آمده از مقدار بحرانی بزرگ‌تر است. همچنین هر دو کران بالا و پایین فاصله اطمینان مقداری بزرگ‌تر از صفر بوده (مثبت) و ادعای آزمون تأیید می‌شود. به‌استناد هر یک از این یافته‌های آماری با اطمینان ۹۵٪ می‌توان ادعا کرد که در مجموع مدل طراحی شده به‌عنوان مدل مطلوب مورد تأیید قرار می‌گیرد.

گرچه در عالم نظر، وجود کثرت برداشت‌ها، امری مثبت تلقی می‌شود، اما به‌نظر می‌رسد در مرحله تصمیم‌سازی و سیاستگذاری، این مسئله می‌تواند به هرچ و مرج و بلا تکلیفی بینجامد. از آنجا که بخش مهمی از سیاستگذاری به برداشت‌ها و ذهنیت سیاستگذاران مربوطه نسبت به آن موضوع، بستگی دارد، سوء برداشت در آن و خصوصاً در موضوع سرنوشت‌سازی همچون امنیت، آثار بسیار زیان‌باری می‌تواند برای جامعه به‌دنبال داشته باشد. بنابراین توجیه و آگاه‌سازی سیاستگذاران نسبت به مدل‌های مطلوب سیاستگذاری و لزوم اقدام متناسب با مدل مورد نظر، ضروری است. پیش‌نیاز این امر، شناخت و اشرافیت نسبت به مدل و مدل‌سازی و طراحی مدل مطلوب متناسب با شرایط است.

درک صحیح و واقع‌بینانه سیاستگذاران جمهوری اسلامی ایران نسبت به طراحی و به‌کارگیری مدل مطلوب سیاستگذاری امنیت داخلی، تا رسیدن به نقطه آرمانی فاصله زیادی دارد، زیرا با وجود ورود مدل‌سازی و سیاستگذاری امنیتی در مجامع دانشگاهی و قلم‌فرسایی نسبت به آن از سوی نخبگان و محققان کشور طی چند سال گذشته، این مفهوم کمتر مورد توجه و اعتنای جدی سیاستگذاران ارشد نظام واقع شده است. فارغ از اینکه این وضعیت را ناشی از عدم اعتقاد آنان به پذیرش چنین واقعیتی یا نشانه کم‌اهمیت دانستن موضوع نزد آنان یا از منظری بدبینانه آن را دال بر غفلت آنان نسبت به چنین موضوع مهمی تلقی کنیم؛ نتیجه‌گیری منطقی این است که نزد سیاستگذاران ارشد نظام جمهوری اسلامی ایران، نه تنها تلقی و برداشت واحد و یکسانی از طراحی و به‌کارگیری مدل مطلوب سیاستگذاری

امنیت داخلی وجود ندارد بلکه اصولاً به نظر می‌رسد این متغیر، نقش تعیین کننده‌ای در ذهنیت سیاستگذاران امنیتی کشور ندارد. لذا گفتمان حاکم بر نگرش و برداشت موضوع سیاستگذاران امنیتی ایران نسبت به مفهوم امنیت می‌بایست از رویکرد سنتی فاصله بگیرد.

هرچند آینده را نمی‌توان پیش‌بینی کرد، اما راز ناگشودنی هم نیست برخی درس‌های قریب‌به‌یقین درباره آینده می‌توانند کمک مؤثری به طراحان سیاستگذاران امنیتی کنند. در گذشته، تهدیدمحوری، دولت‌محوری، تفکیک ملموس تهدیدهای داخلی از خارجی، بقای فیزیکی و غیره از ویژگی‌های اساسی سیاستگذاری امنیتی بودند؛ اما این موازین جای خود را به موضوعاتی نظیر جامعه و فردمحوری، فرصت‌محوری، درهم‌تنیدگی تهدیدهای داخلی و خارجی، رضایت شهروندان و... داده است. به عبارت دیگر رابطه متعارض قدرت و امنیت، دوگانگی قدرت و اخلاق، زور به عنوان تنها چهره قدرت، تمایز واقع‌گرایی از آرمان‌گرایی جای خود را به همنشینی قدرت و امنیت، تعامل قدرت و اخلاق، ظهور قدرت در چهره‌ها و فناوری‌های گوناگون و هم‌زیستی آرمان‌گرایی با واقع‌گرایی می‌دهد.

در چنین شرایطی، سیاستگذاران امنیتی بیش از آنکه مقید به قبول پیش‌فرض‌های خاصی درباره ابزارها و روش‌های تأمین امنیت باشند، باید تا درجه نخست رسیدن به نتیجه و هدف اصلی که همانا تأمین رضایت شهروندان است را در دستور کار خویش قرار دهند. در شرایط تحول‌یافته کنونی، اساس موفقیت حکومت‌ها در سیاست‌های امنیتی، در برخورداری آنها از مدل مطلوب در سیاستگذاری امنیتی است. در صورت برخورداری از مدل مطلوب و استراتژیک در حوزه امنیت، سیاستگذاران بهتر می‌توانند اهداف بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت امنیتی خویش را تعیین کرده و به اولویت‌گذاری آنها مبادرت ورزند. ترسیم مدل سیاستگذاری امنیت داخلی، متأثر از سه متغیر مهم ارزش‌ها و آرمان‌ها، محیط امنیتی و توانایی‌های نظام سیاسی است. بنابراین در طراحی مدل، سه متغیر مذکور می‌بایست به خوبی مورد التفات قرار گیرند. لزوم پاسخگو بودن نظام نسبت به افکار عمومی در سیاست‌های امنیت داخلی، تا حدود زیادی آنها را از غلتیدن در دام فساد و سوءاستفاده از قدرت، باز خواهد داشت.

این استنتاجات، ضرورت بازنگری و تطبیق برداشت‌ها و ذهنیت‌های سنتی سیاستگذاران



امنیتی از سه مقوله ارزش‌ها، محیط امنیتی و توانایی‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد. در این راستا به دلیل تنوع و تعدد در حال وقوع در ابعاد تهدیدها و آسیب‌های امنیتی؛ گزینش، استخدام و به کارگیری مدیریت نیروی انسانی کارآمد در بخش‌های تصمیم‌گیرنده، معجری و ارزیاب، به اصلاحات و مطابقت‌های جدی نیاز دارد. ایجاد انعطاف در سازمان‌های مرتبط برای منطبق ساختن خویش با مأموریت‌های محوله، از جمله پیش‌نیازهای این موضوع است.

## منابع و مآخذ

۱. استونر، جیمز ادوارد (۱۳۷۹). مدیریت، ترجمه علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی، تهران، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲. اسکات، ریچارد (۱۳۹۷). سازمان‌ها، سیستم‌های عقلایی طبیعی و باز، ترجمه حسن میرزایی اهرنجاتی، چاپ دهم، تهران، انتشارات سمت.
۳. اشتراوس، لئو (۱۳۸۳). فلسفه سیاسی چیست؟، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۴. الوانی، سیدمهدی و نصراله میرشفیعی (۱۳۶۹). مدیریت تولید، چاپ اول، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۵. برکووتیز، مورتون و پرسی سی باک (۱۳۷۷). «امنیت ملی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره دوم.
۶. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۱). مقدمه‌ای بر استراتژی امنیت ملی، جلد اول، تهران، انتشارات ریاست جمهوری.
۷. داوری، علی و آرش رضازاده (۱۳۹۲). مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار PLS، چاپ اول، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
۸. دلاور، علی (۱۳۸۲). روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، چاپ اول، تهران، دانشگاه پیام نور.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۸). مفردات الفاظ قرآن، ترجمه سیدغلامرضا خسروی حسینی، تهران، نشر مرتضوی.
۱۰. رضائیان، علی (۱۳۸۵). اصول مدیریت، تهران، انتشارات سمت.
۱۱. رضوی‌نژاد، سیدامین و جواد رزاقی (۱۳۹۷). «مدل مطلوب اجرا و ارزیابی در سیاستگذاری امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه خط‌مشی‌گذاری عمومی در مدیریت، سال نهم، ش ۲۹.
۱۲. ره پیک، سیامک (۱۳۸۷). تهدیدات قدرت ملی شاخص‌ها و ابعاد، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
۱۳. سرمد، زهره، الهه حجازی (۱۳۸۴). روش‌های تحقق در علوم رفتاری، تهران، انتشارات آگاه.
۱۴. شافریتز، جی.ام. و کریستوفر پی. بریک (۱۳۹۰). سیاستگذاری عمومی در ایالات متحده آمریکا، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۵. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳). نظریه‌های امنیت، جلد اول، تهران، انتشارات ابرار معاصر تهران.
۱۶. گولد، جولیس و ویلیام کولب (۱۳۷۶). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه مصطفی ازکیا و همکاران، تهران، انتشارات مازیار.
۱۷. لوتانز، فرد (۱۳۷۵). رفتار سازمانی، ترجمه غلامعلی سرمد، چاپ دوم، تهران، مؤسسه بانکداری ایران.

۱۸. ماندل، رابرت (۱۳۷۷). *چهره متغیر امنیت ملی*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۱۹. مشبکی، اصغر (۱۳۸۵). *مدیریت رفتار سازمانی*، تهران، انتشارات ترمه.

۲۰. معین، محمد (۱۳۵۳). *فرهنگ لغات معین*، جلد اول، تهران، انتشارات امیرکبیر.

۲۱. ملک‌محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۴). «رویکردی تلفیقی در اجرا و ارزیابی سیاست‌ها»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ش ۶۷.

۲۲. مورهد، گری گوری و ریگی گریفین (۱۳۸۵). *رفتار سازمانی*، ترجمه سیدمهدی الوانی و غلامرضا معمارزاده، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات مروارید.

۲۳. یزدانی، عنایت‌اله و محمد خدابنده (۱۳۹۰). «امنیت در عصر پسامدرن: بررسی تحولات رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی»، *مجله رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ش ۲۵.

۲۴. مکین‌لا، رابرت و ریچارد لیتل (۱۳۸۰). *امنیت جهانی رویکردها و نظریه‌ها*، ترجمه اصغر افتخاری، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

25. Anderson, J. (1990). *Public Policy-making: An Introduction*, Boston, Houghton Mifflin.

26. Chin, W. W. (1998). "The Partial Least Squares Approach to Structural Equation Modeling", *Modern Methods for Business Research*, 295(2).

27. Dye, T. (1992). *Understanding Public Policy*, NY, Prentice Hall.

28. Etzioid, A. (1961). *A Comparative Analysis of Complex Organizations Praegar Press*, New Yourk.

29. Hirshman, A. O. (1970). *Exit, Voice, Loyalty*, Harvard University, Press, Cambridge, Mass.

30. Karacasulu, Nilüfer and Elif Uzgören (2007). *Explaining Social Constructivist Contributions to Security Studies*, at the METU Conference on International Relations, June 14-15, 2006.

31. Lasswell, H. D. and D. Lerner (1959). *The Policy Science*, Stanford: Stanford University Press.

32. Nutley, S. and J. Weeb (2000). *Evidence and Policy Process*, in Davis HTO etal. (2000). *What Works? Evidence-based Policy and Practice in Public Service*, Bristol, Policy Press.
33. Peters, B. G. (2004). *American Public Policy: Promise and Performance* (7 Ed.), New Yourk, CQ.
34. Tenenhaus, M., V. E. Vinizi, Y. M. Cgatelín and C. Lauro (2005). "PLS path Modeling", *Computational Statistics and Data Analysis*, 48 (1).
35. Wetzels, M., G. Odekkerken-schroder and C. Van Oppen (2009). "Using Pls Path Modeling for Assessing Hierarchical Construct Models: Guidelines and Empirical Illustration", *MIS Quarterly*, 33(1).

## فرم اشتراک

خوانندگان محترمی که مایل به اشتراک هستند می‌توانند حق اشتراک خود را به شماره حساب سیبا ۲۰۰۸۰۲۹۰۴۱۷۰، به نام تمرکز وجوه درآمد عمومی مرکز پژوهش‌ها نزد بانک ملی شعبه بلوار کشاورز کد ۱۹۰ واریز و اصل سند بانکی را به همراه برگ تکمیل شده اشتراک به نشانی دفتر فصلنامه ارسال فرمایند.

**بهای اشتراک:** ۶ شماره ۴۸۰,۰۰۰ ریال + هزینه پستی هر شماره ۳۰۰۰ ریال.

ضمناً برای مشترکین قبلی تا اتمام حق اشتراک آنها فصلنامه به نرخ سابق ارسال خواهد شد.  
**نشانی:** تهران، خیابان شهید سپهبد قری، بعد از چهارراه شاداب، پلاک ۱۳۱، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر امور مشترکین.

### فرم درخواست اشتراک

به پیوست حواله بانکی به مبلغ..... ریال ارسال می‌شود، خواهشمند است به

تعداد ۶ یا ۱۲ شماره فصلنامه مجلس و راهبرد را به نام..... به نشانی

زیر ارسال فرمایید:

نام و نام خانوادگی:..... شغل:..... تحصیلات:.....

نشانی:.....

کد پستی:..... تلفن:..... دورنگار:.....

E-mail:.....

## شیوه‌نامه نگارش مقاله

۱. ساختار مقاله باید مطابق یک روش علمی شناخته‌شده باشد و چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، متن ساختارمند، نتیجه‌گیری و منابع و مآخذ نیز داشته باشد و روش تحقیق شامل موضوع تحقیق، اهداف تحقیق، فرضیه‌ها یا سؤالات تحقیق و ادبیات موضوع به صورت مختصر ولی روشن و در حد امکان در بخش مقدماتی (مقدمه مقاله) ارائه شود.
۲. چکیده حداکثر دارای ۳۰۰ واژه و دربردارنده عنوان و موضوع مقاله، روش تحقیق و مهم‌ترین نتایج و فهرستی از کلیدواژه‌ها (حداکثر ۱۰ واژه) باشد و به‌طور جداگانه ضمیمه مقاله شود و در پاورقی رتبه دانشگاهی، دانشگاه محل خدمت و پست الکترونیکی مؤلف (نویسنده مسئول) و دیگر همکاران احتمالی ارائه شود.
۳. ارسال ترجمه انگلیسی عنوان مقاله، چکیده و کلیدواژه‌ها نیز همراه مقاله ضرورت دارد.
۴. مقاله در قالب صفحه A4 با رعایت فضای مناسب در حاشیه‌ها و میان سطرها حروفچینی شود.
۵. ارسال مقاله از طریق ثبت‌نام در سایت فصلنامه به آدرس <http://nashr.majles.ir> انجام شود.
۶. حجم مقاله ارسالی باید بین ۳۰۰۰ تا ۸۰۰۰ کلمه باشد (۱۰ تا ۱۵ صفحه قطع A4 با احتساب چکیده‌های فارسی و انگلیسی).
۷. مقاله ارسالی نباید در هیچ مجله داخلی یا خارجی چاپ و یا به سایر مجلات فرستاده شده باشد.
۸. فصلنامه مجلس و راهبرد در اصلاح و ویرایش مقالات آزاد است.
۹. در مقابل اطلاعات، آمارها و هرگونه ادعایی، منبع به صورت درون‌متنی آورده و در پایان نیز مرجع کامل آن ذکر شود. این بند شامل جدول‌ها و نمودارها نیز می‌شود.

- منابع فارسی: نام‌خانوادگی مؤلف، سال نشر: صفحه؛ مثال (فرهادی، ۱۳۷۶: ۶۵).

منابع لاتین: صفحه: سال نشر، نام‌خانوادگی مؤلف؛ مثال (Smith, 1995: 18).

- در صورت تکرار پی در پی (بدون فاصله) منابع، به ذکر کلمه «همان» با شماره صفحه و در لاتین "Ibid." نیز به همین ترتیب اکتفا شود.

- چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال بیش از یک اثر منتشر شود آن آثار، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار، از یکدیگر متمایز شوند.

۱۰. ذکر معادل غیرفارسی واژه‌های تخصصی، اسامی افراد یا مکان‌ها در پاورقی ضروری است.

۱۱. در پایان مقاله، فهرست الفبایی منابع فارسی و لاتین (کتابنامه) به صورت زیر ارائه شود (ابتدا منابع فارسی و عربی و سپس منابع لاتین) همچون مثال‌های زیر:

الف - کتاب: نام‌خانوادگی و نام نویسنده (تاریخ چاپ). نام کتاب، نام مترجم، محل انتشار، نام ناشر، شماره چاپ، جلد.

ب - مقاله مندرج در مجلات: نام‌خانوادگی و نام نویسنده (سال انتشار). «عنوان مقاله»، نام نشریه، دوره نشریه، شماره نشریه.

# خلاصہ انجلیسی مقالات

## **The Strategy Model of Policy-Making for Internal Security of the Islamic Republic of Iran**

*Seyed Amin Razavinejad*

Providing security, as one of the main duties and responsibilities of governments, requires policy-making in this area. In this regard, modeling is one of the techniques to facilitate the understanding of the concept as well as implementation of the policy process which help the authorities. This article aims to provide a desirable model for policy making on the national security in the Islamic Republic of Iran. Given that people play a pivotal role in security issues, people's satisfaction is considered as a key indicator to measure national security. Provided model is the combination of Etzioni Pyramid Model (LRF) and the Hirschman Triple Model (EVL). According to the mentioned model, the implementation of national security policies is largely compliance with the public values and norms of the society. Also, inspiring deep loyalty in the public is considered as a major indicator for the assessment of national security. The paper explains the need to revise national security policy making, providing effective model for national security policy making and ultimately, its compatibility with the current conditions of our country as major objectives. Hence according to the results of the statistical analysis, in addition to the desirability and proportionality as well as achievement of the objective, the proposed model have the greater likelihood of success to provide national security in Iran. Also, the need of improvement of cultural, social and religious values of the society are underscored inevitably through the survey.

*Keywords: Policy Making; National Security; Security Policy; Model; Satisfaction*



## **Ranking of the Road Transport in the Provinces of Iran**

*Hassanli Faraji Sabokbar*

Movements of people, freight and information have always been fundamental components of the economic and social life of societies. The goal of transportation systems is to fill the gap between geographical regions which resulted in travelling as well as attracting passengers or freights. Iran is a vast country that urban and rural centers, centers of production and consumption have been dispersed unequally. But the road transport system linked them. Furthermore, Iran is a bridge between the west and east of the world as an international transport corridor. Therefore, road transportation has a great potential for the development of provinces. In this paper, the ELECTRE III is explained and applied to ranking the road transport in the provinces of Iran. In this article, we provide 5 indicators including safety and traffic affairs, planning of smart transport, technical and infrastructure affairs, passenger and freight transport) for ranking.

Results show that Tehran city is ranked the first, Qazvin is placed second and Alborz, Kermanshah and Markazi Provinces gained third positions. But the provinces of Kerman and Sistan-O-Baluchistan are the lowest ranked due to the farness and traffic congestion.

**Keywords:** *ELECTRE III; Roads Transport; Geography of Transport; Transport Systems; Ranking*

## **Social-political Tolerance in Contemporary Iran Theoretical Perspective on Conceptual and Specific Pathology**

*Hasel Daseh, Malekyahya Salahi and Majid Tavasoli Roknabadi*

Tolerance has been always known as one of the serious and challenging philosophical, political and religious subjects over the time especially, since the era of religious wars in the 17th and 18th centuries. Tolerance is intertwined with other components of modern life such as democracy, civil society, freedom of speech, and human rights as well as it has become as an inseparable part of them. Regardless of the public and academic interests in this subject particularly, in the latest decades of the 20<sup>th</sup> and the beginning of the 21<sup>th</sup> centuries, the concept of tolerance has not been expanded conceptually yet. It further stated that a new compartmentalization for the concept of tolerance as well as in different areas of politics, ethics and the religion have been created. This research which has been conducted on a comparative-analytical approach, discusses the relevant terminology and genealogy (in the framework of genealogical classification) as well as highlighted its vague status. Furthermore, this article examines theoretical-practical semantic confusion of the tolerance in political and social contexts of Iranian contemporary society. Consequently, the survey puts into the perspective that the semantic ambivalence in the definition of tolerance has been led to the practical confusion inevitably.

**Keywords:** *Political-Social Tolerance; Tolerance; Genealogy; Semantic Confusion; Contemporary History of Iran*

## **Dynamic Relationship Between Oil Shocks and Country Risk Index in Iran**

*Arash Refah-Kahriz and Hassan Heidari*

In recent years, country risk index has been considered as one of the major economic indicators that its relationship with other macroeconomic variables such as oil has been addressed by economists and researchers. Therefore, this study investigates the relationship between oil shocks and country risk index in Iran through time series data analysis from 2002:1 to 2015:12 with the framework of the Structural Vector Autoregressive (SVAR) model. Results of the study indicate that oil supply shocks have no significant impact on the country risk index in Iran but (real) oil price shocks as well as oil aggregate demand shocks have significant effects on the country risk index in Iran. Furthermore, the paper indicates to the greatest influence of shocks on (real) price of oil crude on country risk index among these three oil shocks. Results reveal that although supply and crude oil variables haven't been influenced by changes of country risk in Iran, oil aggregate demand is affected by these changes whereas their relationships aren't significant statistically.

***Keywords:** Country Risk Index; Structural Vector Autoregressive (SVAR) Model; Oil Shocks*

## **Incentives and Disincentives to Return Migration: The Case of Iranian Experts Living in the United States**

*Ali Sanaei*

The first step in making appropriate policies that encourage return migration is to study expatriates' patterns of behavior, which has not received sufficient attention. In this paper, based on a qualitative study, a number of hypotheses are formed regarding factors that encourage or discourage Iranian experts' living in the United States to return to Iran. The strongest incentive is family and homeland attractions and the strongest hindrance is quality of life factors. Not all of the factors are of the same strength for all people: for example, passage of time makes quality of life factors stronger hindrances and family and homeland factors weaker attractions, whereas for younger people, economic conditions are stronger barriers. In general, there is a strong and statistically significant inverse relationship between age and self-reported chance of return. Finally, except feeling indebted to Iran (which has a positive effect) and feeling that the quality of research in Iran is low (which has a negative effect) other incentives and disincentives are not related to whether expatriates would like to help Iran even if they do not return to Iran, as most of the expatriates show interest in helping Iran.

**Keywords:** *Expert Migration; Incentives to Return Migration; Disincentives to Return Migration; Iran; United States of America*

## **A Grounded Theory Approach: Model of Knowledge Workers Leadership in Iranian Knowledge-Based Organizations**

*Ali Atashi; Abbasali Rastgar and Hosein Damghanian*

Considering "knowledge" as the main capital of Knowledge-Based Organizations as well as identifying differences between knowledge workers' behavior and other staffs, we face some key factors of the motivation, influence and leadership of knowledge workers as major challenges of these organizations. This research aims to investigate the model and components of knowledge-worker leadership in Iranian knowledge-based organizations. The qualitative survey has been carried out through using the grounded-theory method. In this connection, statistical sample was selected through using theoretical sampling as well as informational and exploratory interviews have been conducted based on the (prepared) qualitative interview protocol. After conducting fifteen qualitative interviews as well as performing analysis of data in terms of open, axial and selective coding steps, a model of knowledge-workers leadership which is consisted of 16 axial codes was selected. The major research finding includes an axial phenomenon of the mutual trust-based leadership style and its components which are as follows: rules of ethics and justice, transparent and non-political culture, mutual benevolence, delegated and specialized delegation of control and the development of group and participatory work. In addition, motivational strategies through using major factors such as trusting, working conditions, job characteristics and compensation. Results of the study indicate that Iranian supportive organizations should empower these organizations' officials/managers in terms of (providing) business and management trainings besides technical training in a bid to develop both domestic and international competitive environments.

**Keywords:** *Knowledge Workers Leadership; Knowledge-Based Organizations; Grounded Theory; Knowledge Leader; knowledge-Workers Leadership Model*

## **Religious Paradigm (Islamic) Explanation for Natural Resources Preservation Education**

*Aliasghar Ghasemi and Mansour Shavali*

The study aims to identify and explain the (Islamic) religious paradigm of natural resources conservation to face environmental crisis of the present era. Documentary and descriptive research methods have been used to survey natural resources conservation education literatures. The explanation method was used in bid to analyze conventional educational paradigms as well as to describe the need for explaining the (Islamic) religious paradigm of natural resources conservation education. The explanation of ontology, epistemology, methodology, anthropology and axiology of the (Islamic) religious paradigm of natural resources conservation education are taken into consideration as the most findings of this research. Hence, results of this survey reveal that the education of ideal natural resources conservation should be theologically Islamic-based with a religious approach. Conclusively, the proposed paradigm was planned to preserve natural resources with an Islamic-religious approach on the basis of ultimate-objective components, target groups, educational context, instrumental methods and arrangements as well as "metaphysical knowledge", "analytical/scientific knowledge", and "sacred knowledge and ethics" which can be used by natural resources planners and officials.

***Keywords:** (Islamic) Religious Paradigm; Natural Resources Conservation Education; Islam*

## **Estimating Tax Evasion in Iran and Investigating its Causes and Effects: A Multiple Indicators - Multiple Causes (MIMIC) Approach**

*Mahdieh Rezagholizadeh, Majid Aghaei and Amirhossein Alami*

Tax evasion is one of the main characteristics of the informal economy that nowadays, it considers as a major problem of tax systems. Thus, this study identifies key factors causing tax evasion as well as estimates the rate of tax evasion in Iran through using Multiple Indicators-Multiple Causes (MIMIC) model with maximum likelihood estimation in AMOS software during 1978-2016.

The results of tax evasion time series data show that in spite of some fluctuations, the tax evasion in Iran has been generally increasing over the period so that it could have moved up from 6/12% of gross domestic product (GDP) in 1978 to 11/33% of GDP in 2016. Also, results indicate that inflation, tax burden, per capita income and official exchange rate have significant positive effects on tax evasion as well as an increase of these variables have been led to increase tax evasion rates. But, to the contrary, major variables such as economic openness index, government size and unemployment rate have negative impacts on the tax evasion that their increases will be resulted in the reduction of tax evasion. Furthermore according to the findings, per capita income in has the strongest impact on the tax evasion as well as it has also the greatest effect on the growth of money demand.

**Keywords:** *Tax Evasion; Iran; Multiple Indicators - Multiple Causes (MIMIC)*

## **A Reflection on the Criminal Laws in Time with Emphasis on Ijtihadi Verdicts**

*Mohammadreza Abdian, Gholamhosien Elham and Salman Mortazavi*

One of the basic principles of modern criminal law is the non-retroactivity of substantive laws. This principle is also one of the accepted principles of the criminal law of the Islamic Republic of Iran. However, some exceptions have been made that one of them is the Sharia laws that always have retroactive effect. But apart from the Shari'a laws, there are many substantive criminal judgments based on the fatwa of the jurists which are based on Ijtihad reasons as well as are not compatible with the consensus that they are often controversial. In these cases, the legislator's approach is to adopt a fatawa which is considered as an apparent religious judgment. Sometimes this fatawa is changed in the amendment of laws process due to the pathology and time requirements. In this research as a descriptive-analytical survey, the approach of the Islamic punishment legislator and Imamiyah jurisprudents to the exclusion of criminal law is investigated based on the Islamic jurisprudence of Ijtihadi Verdicts from the principle of non-retroactivity through using documentary and library data collection. Ultimately, non-retroactivity of some of Sharia laws based Ijtihadi verdicts is taken into consideration in the framework of the Imamieh jurisprudence if it won't be favorable to the defendant which can be concluded that these types of laws cannot be retroactive.

**Keywords:** *Retroactivity; Obscenity for the Unstated Punishment; the Rule of Law at the Time; Ijtihadi Verdicts*



## **Iranian Demographic Discourses: Policy and Media Reproduction**

*Mohammad Jalal Abbasi Shavaz and Seyyed Zahra Ojagh*

The goal of policy makings is to improve social processes that their achievements will depend on the enlightenment of the public opinion that can change public attitude and behavior as well as affect their decision making in personal level. This study reviews the scientific demographic texts and discourses as well as prevailing political discourses in Iran which influence Iranian demographic policies. Then, the paper carries out demographic discourses through using critical discourse analysis and illustrates that the main discourse for demographers are "natural" but it is considered as a "crisis" for stakeholders. Also at the explanation level, institutional and social processes of these mentioned discourses are investigated. Findings and results reveal that the media make use "crisis" discourse and reproduced more intensely depending on the different aspects of the discourse while the natural one has been taken into consideration just in terms of development.

**Keywords:** *Demographic Discourses; Critical Discourse Analysis; Mainstream Media; Stakeholders; Demographers*

## **Explaining the Strategic Research and Technology Management Model in Supportive Organizations of Research and Technology; Case Study**

*Reza Bandarian*

Research and technology often requires support and in many countries, organizations have been established to (financial and non-financial) support from research and technology activities. The lack of a comprehensive and integrated approach to conduct research and technology projects in these organizations have resulted in the inefficiency of their supportive activities from research and technology. The paper aims to discuss strategic model of research and technology management in one of these organizations through providing a detailed model of the evolutionary paths of research and technology achievements in order to pave the good way for the implementation of strategic research and technology management in the mentioned organization. The research has been conducted through using "Extended case study" method as well as it has been divided into four areas including ideology, research, technology development and commercialization based on the process of an "idea to market". Then, types of inputs and outputs of each of these stages were defined. Also, supportive practices of the organization which undertakes to support from research and technology were described as well as how to share the ownership and benefits of achievements were identified.

**Keywords:** *Strategic management of research and technology; evolutionary paths of research and technology; supportive organization of research and technology.*

## **Islamic Republic of Iran Economic Diplomacy in the Middle East: A Survey on Challenges and Obstacles**

*Fariborz Arghavani Pirsalami and Mohaddeseh Esmaili*

Increasing role of livelihood components in determining legitimate foundations of political systems and regionalism as well as fundamental changes in the concept of security and promotion of the interdependence between countries have been led to the fact that economic diplomacy have the great significance in regional and international levels. The main question arises is "what are challenges of economic diplomacy which the Islamic Republic of Iran is faced in the Middle East?" This descriptive-explanative survey investigates as a hypothesis that Iran's economic diplomacy in the Middle East encountered various national, regional and international challenges. Findings of the article show that some of these challenges as the main factors are as follows: lack of a clear definition in political concept, different and vague models of the development, failure to identify the main agent in this area, dominance of security-military approach over foreign policy at the national level, securitization of the Middle East, similar economies not complementary ones, the weakness of economic multilateralism as well as trans-regional exchanges at the regional level and finally, interventions of the trans-national powers in the regional arrangements as well as international consequences of the global economic crises.

**Keywords:** *Economic Diplomacy; Iran; Middle East; Globalization; International Political Economy*

## **Impact of Inflationary Uncertainties on Sacrifice Ratio in Developing Countries**

*Mohsen Mehrara, Sajad Barkhordari and Mohsen Behzadi Soufiani*

Policymakers have always been concerned about negative impacts of inflation on economic growth, rising unemployment and losing financial resources which is derived from inflationary tax that it has been resulted in anti-inflationary policies. Inflation Sacrifice ratio estimates production accumulated deficit due to the disinflation. Inflation particularly, (higher inflationary rate) can be resulted in the uncertainty inherently. This study examines the impact of inflationary uncertainty on sacrifice ratio in the thirty -one developing countries through using average of inflation rate data, inflationary uncertainties, and degree of economic openness rate during 1981-2015 through using generalized auto regression conditional heteroscedasticity (GARCH) model. Results showed that there is direct relationship between inflation as well as inflationary uncertainties with the sacrifice ratio. Also, inflationary uncertainties even have a greater effect on the sacrifice ratio than inflation. But, the degree of economic openness has an indirect effect on the sacrifice rate (coefficient). Biases and inflationary uncertainties decrease the speed of disinflationary policies by creating obstacles as well as it is likely to increase the sacrifice ratio (SR). Hence, it is recommended that policy makers pursue anti-inflation policies in terms of taking into consideration the cost of reduction of production in real economic sector to decrease inflation in real economic sector as well as controlling inflationary expectations and uncertainties.

***Keywords:** Sacrifice Ratio; Averaged Data; Linear Model; Inflationary Uncertainties; Developing Countries*

## **Explaining Socio-economic Stability in Small Cities with Sustainable Development Approach (Case Study: Small Cities of Northern Iran)**

*Sadegh Barzegar, Amir Bakhshi and Mohamadtaghi Heydari*

Today, considering the characteristics of urbanization and the necessity of sustainable development as well as the analysis of the sustainability of cities in the country to achieve sustainable development is vital. In this regard, due to the lack of appropriate study on the sustainability of small towns in the northern part of our country, this research has been conducted to answer the main question that how can be achieved the socio-economic sustainable development in the small towns of the northern region. In a bid to assess the stability, Sustainability Barometric and Stability Radar Models were used. The statistical population of this research includes small towns of Gilan, Mazandaran and Golestan Provinces that their population were estimated between 10000-50000 people. The selection of urban households was done by using a "systematic random sampling" as well as the selection of sample cities is performed through "random cluster sampling" which has been selected in 12 cities. The results show a large difference between socioeconomic sustainability indicators of the northern cities of our country and its standard level which is the most instability related to the components of economic stability and quality of life were calculated of 0.383 and 0.382 respectively. Therefore, it is recommended that some key factors which can help improving the quality of life and economic welfare in these cities should be addressed in making policy on the stabilization of socio-economic dimensions.

**Keywords:** *Sustainable Development; Social Sustainability; Economic Sustainability; Small Cities; Northern Iran*

# **English Abstracts**



**Publisher: Majlis Research Center**

**Director in Charge: Jalali, K.**

**Editor-in-Chief: Sobhani, H.**

**Managing Editor: Khoei, S. M.**

**Editorial Board:**

**Beygzade, E.** (Professor, Faculty of Law, Shahid Beheshti University)

**Ghasemi, M.** (Assistant Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabatabaee University)

**Masoudi Asl, I.** (Assistant Professor, Majlis Research Center)

**Naderan, E.** (Associate Professor, Faculty of Economics, University of Tehran)

**Pourseyed, S. B.** (Assistant Professor, Majlis Research Center)

**Seyednourani, S. M. R.** (Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabatabaee University)

**Sobhani, H.** (Professor, Faculty of Economics, University of Tehran)

**Sohrabortpour, S.** (Professor, Faculty of Mechanical Engineering, Sharif University of Technology)

**Tari, F.** (Associate Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabatabaee University)

**Yousefi, M. Gh.** (Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabatabaee University)

**Editorial Advisory Board:**

Aghaei Jannat Makan, H.; Aghayari Hir, T.; Akbarian, R.; Amin, F.; Arabmazar, A. A.; Eftekhari, A.; Esmaceli, M.M.; Gholizadeh, A. A.; Haji Yousefi, A. M.; Hasani, M. H.; Hasanpour, A.; Jalalian, H.; Javadi Arjmand, M. J.; Kiani, A.; Madah, M.; Mahmoudian, H.; Makian, S. N.; Mozayani, A. H.; Monavari, S. M.; Mousaei, M.; Movahed, A.; Naderan, E.; Nazmfar, H.; Nilehchi, M. R.; Norouzi, N.; Rahmdel, N.; Rezagholizadeh, M.; Shahabadi, A.; Sobhani, H.; Tavana, M. A.; Teymouri, I.; Vatani, A.; Vosoughi, S.

According to Letter No 3/27-958, Dated 14 March 2012 of the Ministry of Science, Research and Technology the Quarterly has been Accredited as a Scientific - Research Journal.

**Majlis Research Center,**

No. 802, Southern of Niavaran Park, Pasdaran St.

Tehran, Iran

**Publication:** +9821-75183283

**Fax:** +9821-75183186

**Subscription:** +9821-22802525 (2035)

nashr.majlis.ir

mrcmag@majlis.ir

rc.majlis.ir

**Editor:** Amin Eskandari, Sh.

**English Editor:** Ghasemi Naraghi, S.

**Lay Out:** Jadidi, A.

• The Views Expresse in Majlis & Rahbord are those of the Authors and not Necessarily those of the Editors or MRC.

• All or Parts of the Articles in this Quarterly maybe Freely Quoted our Reprinted, but Acknowledgment is Requested.